



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

شناخت نامہ

حضرت خدیجہ  
سلام اللہ علیہا



جلد دوم

ناصر رفیعی محمدی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام

نویسنده:

ناصر رفیعی

ناشر چاپی:

جامعه المصطفی ( صلی الله علیه وآله ) العالمیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۲۱	شناخت نامه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام جلد ۲
۲۱	مشخصات کتاب
۲۱	اشاره
۲۵	فهرست اجمالی جلد دوم
۳۱	۲۱- وفات ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام
۳۱	اشاره
۳۱	چکیده
۳۸	کتابنامه
۴۱	۲۲- صدف کوثر
۴۱	اشاره
۴۱	چکیده
۴۲	نَسَبُ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام
۴۲	کنیه و القاب
۴۲	اشاره
۴۳	۱ . ام المؤمنین
۴۳	۲ . بانوی بانوان
۴۳	۳ . صدیقه
۴۳	۴ . طاهره
۴۴	۵ . مبارکه
۴۴	۶ . دیگر القاب
۴۴	سیمای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در آیینۀ وحی
۴۵	خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام از دیدگاه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ
۴۷	خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام مام فضیلت ها

۴۹	ثروتمندترین بانوی دوران
۴۹	فرزانه قریش
۵۰	خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و چگونه شناخت از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
۵۲	گامی استوار به سوی زندگی پایدار
۵۳	انگیزه ازدواج
۵۴	لحظه انتظار
۵۴	مهریه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
۵۵	تاریخ ازدواج
۵۶	همسر و هم سیز
۵۶	اولیات حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
۵۷	غروب غمبار
۵۷	تاریخ وفات
۵۸	سال غم و اندوه
۵۸	حق شناسی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
۵۹	کتابنامه
۶۴	۲۳- حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مادر امت
۶۴	اشاره
۶۴	چکیده
۶۵	ولادت و خانواده
۶۵	اخلاق خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
۶۵	آیا خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ قبل از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ازدواج کرده بود؟
۶۶	آشنایی با حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
۶۷	ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
۶۹	خصال خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
۷۰	درود خدا بر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
۷۲	نقش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در پیشبرد اسلام

۷۲	..... فرزندان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام
۷۳	..... وصیت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام
۷۴	..... وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام
۷۵	..... یاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام
۷۵	..... کتابنامه
۷۸	..... ۲۴- خدیجه کبری نخستین زن مسلمان
۷۸	..... اشاره
۷۸	..... چکیده
۷۹	..... ولادت و خاندان
۷۹	..... ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام
۸۰	..... ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله
۸۱	..... پشتیبان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله
۸۱	..... اولین زن مسلمان
۸۳	..... از زبان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله
۸۳	..... به یاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام
۸۴	..... گل بوستان زندگی
۸۵	..... سال اندوه و فراق
۸۶	..... کتابنامه
۸۸	..... ۲۵- محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام
۸۸	..... اشاره
۸۸	..... چکیده
۹۸	..... ۲۶- خدیجه بنت خُوَیَلَد عَلَیْهَا السَّلَام
۹۸	..... اشاره
۹۸	..... چکیده
۹۹	..... ازدواج با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله
۱۰۱	..... فضایل

- ۱۰۴ ..... وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۰۵ ..... سخنان بزرگان
- ۱۰۶ ..... بحثی پیرامون ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۰۷ ..... چه کسی از وی روایت کرده است؟
- ۱۰۹ ..... کتابنامه
- ۱۱۲ ..... ۲۷- حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اولین شیعه علی عَلَیْهِ السَّلَامُ
- ۱۱۲ ..... اشاره
- ۱۱۲ ..... چکیده
- ۱۱۲ ..... خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و ازدواج با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ
- ۱۱۳ ..... علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ نور واحد
- ۱۱۴ ..... علی عَلَیْهِ السَّلَامُ در خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۱۵ ..... دوران قبل از بعثت
- ۱۱۵ ..... دوره بعثت
- ۱۱۵ ..... رسالت غیر علنی
- ۱۱۶ ..... شرح یک اشتباه
- ۱۱۷ ..... اعلام عمومی رسالت
- ۱۱۸ ..... تحریم همه جانبه
- ۱۱۹ ..... بیعت با علی عَلَیْهِ السَّلَامُ
- ۱۲۰ ..... علی عَلَیْهِ السَّلَامُ داماد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۲۱ ..... به یاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۲۱ ..... آخرین مال
- ۱۲۲ ..... یک نکته
- ۱۲۳ ..... کتابنامه
- ۱۲۶ ..... ۲۸- حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۲۶ ..... اشاره
- ۱۲۶ ..... چکیده



- ۱۲۶ ..... سپیده سخن
- ۱۲۷ ..... حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۳۰ ..... خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در نگاه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
- ۱۳۴ ..... خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ دو الْکَوِی ماندگار
- ۱۳۷ ..... افتخار فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ به مادر خود خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۳۷ ..... فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همدم و غمخوار
- ۱۴۱ ..... کتابنامه
- ۱۴۷ ..... ۲۹- خدیجه طاهره عَلَیْهَا السَّلَامُ به روایتی دیگر
- ۱۴۷ ..... اشاره
- ۱۴۷ ..... چکیده
- ۱۵۵ ..... ۳۰- همسر آفتاب
- ۱۵۵ ..... اشاره
- ۱۵۵ ..... چکیده
- ۱۵۶ ..... یک: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در تاریخ
- ۱۵۶ ..... رویش ستاره
- ۱۵۷ ..... خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در دوران جاهلیت
- ۱۵۸ ..... دیدار با شبان جوان
- ۱۵۸ ..... پیشنهاده ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ
- ۱۵۹ ..... کاروان
- ۱۶۰ ..... پیوند ملکوتی
- ۱۶۰ ..... خواستگاری
- ۱۶۲ ..... همسری آفتاب
- ۱۶۲ ..... فرزندان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۶۳ ..... فوت پسران
- ۱۶۴ ..... میلاد فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۶۵ ..... خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در منزلگاه وحی

- ۱۶۷ ..... خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در شعب ابی طالب
- ۱۶۸ ..... محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ در سوگ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۷۰ ..... دو. فضایل و خدمات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۷۰ ..... اشاره
- ۱۷۰ ..... ۱. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، نخستین بانوی مسلمان
- ۱۷۰ ..... ۲. خدمات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به اسلام
- ۱۷۰ ..... اشاره
- ۱۷۲ ..... الف پیش از طلوع وحی
- ۱۷۲ ..... ب پس از طلوع وحی
- ۱۷۴ ..... ۳. حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، مادر حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۷۵ ..... ۴. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، مادر امامت
- ۱۷۶ ..... ۵. خدیجه مبارکه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۷۶ ..... ۶. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در قرآن
- ۱۷۶ ..... ۷. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، زن برگزیده
- ۱۷۷ ..... ۸. سلام جبرئیل بر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۱۷۷ ..... ۹. مقام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در بهشت
- ۱۷۸ ..... ۱۰. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در اعراف
- ۱۷۸ ..... سه. ویژگی های نخستین خانواده اسلامی
- ۱۷۸ ..... اشاره
- ۱۷۹ ..... ۱. ارزش محوری
- ۱۸۱ ..... ۲. حاکمیت شعور بر نفس
- ۱۸۱ ..... ۳. قدرشناسی و وفاداری
- ۱۸۲ ..... ۴. مهر و عاطفه
- ۱۸۳ ..... ۵. نفی تجمل گرایی
- ۱۸۴ ..... کتابنامه
- ۱۸۸ ..... ۳۱- زندگینامه ام المؤمنین حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

۱۸۸	..... اشاره
۱۸۸	..... چکیده
۱۸۸	..... یک. نیم نگاهی به زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
۱۸۸	..... اشاره
۱۹۱	..... ازدواج با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
۱۹۲	..... دو. سن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در هنگام ازدواج
۱۹۴	..... سه. رضایت به ازدواج
۱۹۷	..... چهار. ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ با زن چهل ساله
۱۹۷	..... اشاره
۱۹۸	..... ۱. پنج سال پیش از بعثت
۱۹۸	..... ۲. حدود بعثت
۱۹۹	..... ۳. پنج سال پس از بعثت
۲۰۰	..... پنج. رضایت خویشان به ازدواج
۲۰۲	..... شش. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مادر فرزندان
۲۰۲	..... هفت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همسر محبوب
۲۰۴	..... هشت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و موفقیت های پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
۲۰۶	..... کتابنامه
۲۱۱	..... ۳۲- حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شکوه زندگی
۲۱۱	..... اشاره
۲۱۱	..... چکیده
۲۱۱	..... مقدمه
۲۱۲	..... اهمیت بررسی زندگانی خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ
۲۱۳	..... پدر و مادر
۲۱۳	..... اشاره
۲۱۴	..... الف پدر
۲۱۴	..... ب پسر عمو

- پناهگاه امن ..... ۲۱۵
- گوشه ای از ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ..... ۲۱۵
- قبل از ازدواج با محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ..... ۲۱۶
- آشنایی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با محمد امین صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ..... ۲۱۸
- در آرزوی همسری محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ..... ۲۱۹
- وساطت نفیسه ..... ۲۲۰
- خواستگاری ..... ۲۲۱
- شکوه زندگی ..... ۲۲۲
- تجلی اعظم ..... ۲۲۳
- ورقه بن نوفل و ماجرای غار حرا ..... ۲۲۴
- آغاز راه و همگامی های جانبازانه ..... ۲۲۶
- محاصره اقتصادی قریش ..... ۲۲۶
- عام الأحزان یا سال غم ها و دردها ..... ۲۲۸
- جای خالی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در زندگی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ..... ۲۲۹
- فرزندان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ..... ۲۳۱
- اشاره ..... ۲۳۱
۱. پسران ..... ۲۳۱
۲. دختران ..... ۲۳۱
- اراده خدایوند ..... ۲۳۲
- نگاهی به زندگی دختران خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ..... ۲۳۲
- الف زینب ..... ۲۳۲
- ب رقیه و ام کلثوم ..... ۲۳۳
- اشاره ..... ۲۳۳
- ازدواج ام کلثوم با عثمان ..... ۲۳۵
- ج فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ ..... ۲۳۶
- کتابنامه ..... ۲۳۶

- ۳۳- خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یگانه انتخاب پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ تا زمان وفات ..... ۲۳۹
- اشاره ..... ۲۳۹
- چکیده ..... ۲۳۹
- مقدمه ..... ۲۳۹
- خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نخستین همسر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ..... ۲۴۰
- خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مایه آرامش رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ..... ۲۴۲
- سن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام ازدواج با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ..... ۲۴۲
- عوامل مؤثر در شکل گیری این ازدواج ..... ۲۴۳
- اشاره ..... ۲۴۳
- الف نقل حکایات سفر و بشارت راهبان و کاهنان ..... ۲۴۳
- ب اخبار مردی ناشناس ..... ۲۴۷
- ج مشاهدات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ..... ۲۴۸
- پیشنهاد ازدواج، مراسم خواستگاری و عقد ..... ۲۴۹
- اشاره ..... ۲۴۹
- الف پیشنهاد مستقیم خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ..... ۲۴۹
- ب پیشنهاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای ازدواج از طریق واسطه ..... ۲۵۰
- ج. خواستگاری پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و درخواست او برای ازدواج ..... ۲۵۳
- نقد و نظر ..... ۲۵۴
- ایراد خطبه عقد ..... ۲۵۵
- میزان مهریه ..... ۲۵۷
- اشاره ..... ۲۵۷
- روایات بخش اول ..... ۲۵۸
- روایات بخش دوم ..... ۲۵۸
- نقد و نظر ..... ۲۵۸
- ثمره ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ..... ۲۵۹
- امتیازات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بر دیگر همسران پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ..... ۲۶۰

نتیجه	۲۶۱
کتابنامه	۲۶۲
۳۴- خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام	۲۶۶
اشاره	۲۶۶
چکیده	۲۶۶
خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام	۲۶۷
شرح حالی مختصر از زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۲۶۷
خاندان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۲۶۹
لقب های حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۲۷۰
اشاره	۲۷۰
مبارکه	۲۷۰
طاهره	۲۷۰
بانوی بانوان	۲۷۱
ویژگی های حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۲۷۲
اشاره	۲۷۲
۱. مردم دوستی و رسیدگی به مستمندان	۲۷۲
۲. ثروتمند پاک اندیش	۲۷۳
۳. حق جویی	۲۷۴
دیدار نشانه های نبوت	۲۷۴
آشنایی بیشتر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام با محمد امین صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ	۲۷۵
ازدواج محمد امین صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۲۷۶
جشن باشکوه عروسی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۲۷۹
پاسخ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به اعتراض زنان مکه	۲۸۰
ازدواج ارزش ساز	۲۸۲
انتخاب زندگی ساده و صمیمی	۲۸۳
مهرورزی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به علی بن ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَام	۲۸۳

- ۲۸۵ ..... خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ؛ یار خلوت انس
- ۲۸۵ ..... نخستین بانوی مسلمان
- ۲۸۶ ..... نخستین بانوی نمازگزار
- ۲۸۷ ..... خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ؛ مونس روزهای سخت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
- ۲۸۸ ..... دفاع خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
- ۲۸۹ ..... خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در شعب ابی طالب
- ۲۹۰ ..... فرزندان رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۲۹۲ ..... دوری از یار مهربان
- ۲۹۴ ..... ولادت حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ و احترام بانوان بزرگ به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۲۹۶ ..... افتخار اهل بیت علیهم السلام به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۲۹۷ ..... یادکرد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به نیکی
- ۳۰۱ ..... تسلی خاطر دادن پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۳۰۲ ..... رحلت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۳۰۳ ..... اندوه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ در فراق خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۳۰۴ ..... مراسم خاک سپاری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۳۰۵ ..... مقام ارجمند حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در قیامت
- ۳۰۶ ..... سخنان بزرگان درباره حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۳۱۲ ..... کتابنامه
- ۳۱۸ ..... ۳۵- خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همسری فداکار و مشاوری امین
- ۳۱۸ ..... اشاره
- ۳۱۸ ..... چکیده
- ۳۱۹ ..... مقدمه
- ۳۲۰ ..... بیوگرافی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۳۲۰ ..... نقش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در همراهی با محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قبل از بعثت
- ۳۲۳ ..... فداکاری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پس از بعثت رسول گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
- ۳۲۴ ..... حمایت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در جریان محاصره اقتصادی بنی هاشم در شعب ابوطالب

- ۳۲۵ ..... جایگاه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در احادیث پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
- ۳۲۸ ..... خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در نگاه بزرگان
- ۳۲۹ ..... کتابنامه
- ۳۳۱ ..... ۳۶- بانویی مظلوم
- ۳۳۱ ..... اشاره
- ۳۳۱ ..... چکیده
- ۳۳۳ ..... منزلت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نزد رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)
- ۳۳۵ ..... از دیدگاه ائمه هدی
- ۳۴۱ ..... در نگاه بانوان نامی
- ۳۴۲ ..... اعتراف نویسندگان اروپایی و مسیحی
- ۳۴۵ ..... کتابنامه
- ۳۴۸ ..... ۳۷- زندگانی ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۳۴۸ ..... اشاره
- ۳۴۸ ..... چکیده
- ۳۴۸ ..... ولادت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۳۴۹ ..... خاندان شریف حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۳۴۹ ..... پدر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۳۴۹ ..... مادر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۳۵۰ ..... جد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۳۵۰ ..... ازدواج پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۳۵۰ ..... سن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام ازدواج با پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)
- ۳۵۶ ..... حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، به غیر از پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با کسی ازدواج نکرد
- ۳۶۳ ..... ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، با مبانی اعتقادی تشیع
- ۳۶۶ ..... عدم اعتبار بیوه بودن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از نظر تاریخ
- ۳۶۸ ..... ناقلان ازدواج های دروغین حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۳۷۱ ..... باکره بودن مادران ائمه اطهار علیهم السلام



۳۷۲	..... علاقه حضرت خدیجه علیها السّلام به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ)
۳۷۲	..... علاقه پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) به حضرت خدیجه علیها السّلام
۳۷۵	..... حضرت خدیجه علیها السّلام، برترین همسران پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ)
۳۷۶	..... حُسن رفتار حضرت خدیجه علیها السّلام با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ)
۳۷۸	..... حضرت خدیجه علیها السّلام، بانویی محجّبه
۳۷۹	..... نقش اقتصادی حضرت خدیجه علیها السّلام در پیشرفت اسلام
۳۸۷	..... حضرت خدیجه علیها السّلام در بستر رحلت
۳۸۸	..... پریشانی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) از فراق حضرت خدیجه علیها السّلام
۳۸۹	..... مظلومیت حضرت خدیجه علیها السّلام
۳۹۲	..... تخریب مزار حضرت خدیجه علیها السّلام
۳۹۳	..... فضیلت زیارت قبر حضرت خدیجه علیها السّلام
۳۹۴	..... معجزه و کرامتی از حضرت خدیجه علیها السّلام
۳۹۴	..... کتابنامه
۴۰۲	..... ۳۸- حضرت خدیجه علیها السّلام بنت خُوَیَیْد
۴۰۲	..... اشاره
۴۰۲	..... چکیده
۴۰۴	..... القاب و کنیه های خدیجه علیها السّلام
۴۰۵	..... همسران خدیجه علیها السّلام
۴۰۹	..... ازدواج خدیجه علیها السّلام
۴۱۴	..... ثروت خدیجه علیها السّلام
۴۱۴	..... ویژگی های خدیجه علیها السّلام
۴۱۸	..... فعالیت های اجتماعی سیاسی خدیجه علیها السّلام
۴۲۳	..... وفات خدیجه علیها السّلام
۴۲۵	..... فضائل خدیجه علیها السّلام
۴۲۹	..... فرزندان خدیجه علیها السّلام
۴۳۲	..... کتابنامه

- ۴۳۸ ..... خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ۳۹
- ۴۳۸ ..... اشاره
- ۴۳۸ ..... چکیده
- ۴۴۱ ..... خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در شب معراج
- ۴۴۱ ..... میهمان مائده آسمانی
- ۴۴۲ ..... خانه ای ویژه در بهشت
- ۴۴۲ ..... از برترین شخصیت ها
- ۴۴۲ ..... بهترین زن آسمان و زمین
- ۴۴۳ ..... سرمشق جهانیان
- ۴۴۳ ..... مایه مباهات روزگار
- ۴۴۴ ..... برگزیده الهی
- ۴۴۴ ..... بافضیلت ترین زن
- ۴۴۴ ..... جایگاه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نزد پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ)
- ۴۴۵ ..... تولد
- ۴۴۷ ..... نام گذاری
- ۴۴۷ ..... خانواده بی بدیل
- ۴۴۹ ..... یگانه پرست دوران
- ۴۵۲ ..... زیباترین رخسار
- ۴۵۳ ..... لطافت طبع و شوخ طبعی
- ۴۵۳ ..... زبازد در پاک دامنی
- ۴۵۵ ..... سرآمد در دانش و خرد
- ۴۵۶ ..... زاهده و عبادۀ روزگار
- ۴۵۷ ..... ثروتمندترین زن روزگار
- ۴۵۷ ..... مصلح بزرگ اجتماعی
- ۴۵۸ ..... ازدواج محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ
- ۴۶۳ ..... پرورش علی عَلَیْهِ السَّلَامُ

- ۴۶۴ ..... بعثت و ایمان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامٌ
- ۴۶۶ ..... دعوت خویشان در خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامٌ
- ۴۶۷ ..... معراج و باردار شدن به فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامٌ
- ۴۶۸ ..... فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامٌ مونس خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامٌ
- ۴۶۹ ..... تذکر فرزند به مادر
- ۴۶۹ ..... ولادت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامٌ و فرود آمدن چهار زن بهشتی
- ۴۷۰ ..... نقش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامٌ پس از اعلام عمومی بعثت
- ۴۷۲ ..... تکذیب و تمسخر مشرکان
- ۴۷۳ ..... نفوذ روزافزون اسلام در جزیره العرب
- ۴۷۴ ..... تحریم اقتصادی و اجتماعی
- ۴۷۷ ..... سفر دایی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامٌ به یثرب
- ۴۷۷ ..... پیمان عقبه دوم
- ۴۷۸ ..... پایان تحریم ها و نفوذ بیشتر اسلام
- ۴۷۹ ..... کتابنامه
- ۴۸۹ ..... ۴۰- سرور زنان قریشی
- ۴۸۹ ..... اشاره
- ۴۹۲ ..... آغاز سرنوشت
- ۴۹۶ ..... خواستگاری و ازدواج
- ۵۰۴ ..... خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامٌ
- ۵۰۸ ..... در انتظار وحی
- ۵۱۶ ..... لنگرگاه نور
- ۵۱۹ ..... اسلام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامٌ و تصدیق پیامبری
- ۵۲۲ ..... نخستین سجده کنندگان
- ۵۲۵ ..... تحیت و درود خدا و بشارت و مزه جاودانه
- ۵۲۷ ..... خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامٌ در شعب ابی طالب در دوران تحریم و محاصره
- ۵۳۲ ..... کتابنامه



## شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السَّلام جلد ۲

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السَّلام / ناصر رفیعی محمدی

مشخصات نشر: جامعه المصطفی العالمیه

مشخصات ظاهری: ۳ ج

موضوع: زندگینامه - حضرت خدیجه

موضوع: تاریخ - حضرت خدیجه

موضوع: جاهلیت - اسلام - حضرت خدیجه

موضوع: خدیجه (علیها السَّلام) بنت خویلد، ۶۸ - ۳ قبل از هجرت.

موضوع: زنان مقدس مسلمان

Muslim women saints : موضوع

موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

موضوع: \*Hadith (Snnites) -- Texts -- ۲۰th centry

شناسه افزوده: جامعه المصطفی (ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)

شناسه افزوده: Almstafa International niversityAlmstafa International Translation and

Pblication center

رده بندی کنگره: BP۲۶/۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۲۲

ص: ۱

اشاره



شناخت نامه حضرت خديجه عَلَيْهَا السَّلَامُ جلد ۲

جلد دوم

ص: ۳





۲۱. وفات ابوطالب عَلَیْہِ السَّلَامُ و خدیجہ (عَلِیْہَا السَّلَامُ) . ۷

محمد ہادی یوسفی غروی

۲۲. صدف کوثر. ۱۷

علی اکبر مہدی پور

۲۳. حضرت خدیجہ (عَلِیْہَا السَّلَامُ) مادر امت ... ۳۹

محمد محسن طبسی

۲۴. خدیجہ کبریٰ نخستین زن مسلمان .. ۵۱

جواد محدثی

۲۵. محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجہ (عَلِیْہَا السَّلَامُ) . ۶۱

محمد حسن زورق

۲۶. خدیجہ بنت خُوَیَلِد (عَلِیْہَا السَّلَامُ) . ۷۱

نہلا غروی نائینی

۲۷. حضرت خدیجہ (عَلِیْہَا السَّلَامُ) اولین شیعہ علی عَلَیْہِ السَّلَامُ. ۸۵

محمد عابدی

۲۸. حضرت خدیجہ (عَلِیْہَا السَّلَامُ) . ۹۹

احمد لقمانی

۲۹. خدیجہ طاہرہ (عَلِیْہَا السَّلَامُ) بہ روایتی دیگر. ۱۱۷

علیرضا قاسمی

۳۰. ہمسر آفتاب .. ۱۲۵

گروهی از نویسندگان

۳۱. زندگینامه ام المؤمنین حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۵۷

حسن عاشوری لنگرودی

۳۲. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شکوه زندگی.. ۱۷۹

محمدتقی کمالی نیا

۳۳. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) یگانه انتخاب پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تا زمان وفات.. ۲۰۵

منصوره اعتمادی

۳۴. خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۳۱

سید رضی سیدنژاد

۳۵. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسری فداکار و مشاوری امین.. ۲۸۱

فضل الله فولادی

۳۶. بانویی مظلوم. ۲۹۳

محمدحسین غلامرضایی

۳۷. زندگانی ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۰۹

حسین تهرانی

۳۸. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بنت خُوَیَلِد.. ۳۶۳

مرضیه محمدزاده

۳۹. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۹۷

سید محمدحسین جلالی زاده محمدی

۴۰. سرور زنان قریشی.. ۴۴۱

گروه تحقیق مؤسسه البلاغ

فهرست تفصیلی... ۴۸۵

ص: ۵

۲۱. وفات ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) . ۷

محمد هادی یوسفی غروی

۲۲. صدف کوثر. ۱۷

علی اکبر مهدی پور

۲۳. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) مادر امت ... ۳۹

محمد محسن طبسی

۲۴. خدیجه کبری نخستین زن مسلمان.. ۵۱

جواد محدثی

۲۵. محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) . ۶۱

محمد حسن زورق

۲۶. خدیجه بنت خُوَیَلِد (عَلَيْهَا السَّلَامُ) . ۷۱

نہلا غروی نائینی

۲۷. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اولین شیعه علی عَلَيْهِ السَّلَامُ. ۸۵

محمد عابدی

۲۸. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) . ۹۹

احمد لقمانی

۲۹. خدیجه طاهره (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به روایتی دیگر. ۱۱۷

علیرضا قاسمی

۳۰. همسر آفتاب.. ۱۲۵

گروهی از نویسندگان

۳۱. زندگینامه ام المؤمنین حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۵۷.

حسن عاشوری لنگرودی

۳۲. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شکوه زندگی.. ۱۷۹

محمدتقی کمالی نیا

۳۳. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یگانه انتخاب پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تا زمان وفات.. ۲۰۵

منصوره اعتمادی

۳۴. خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ. ۲۳۱

سید رضی سیدنژاد

۳۵. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همسری فداکار و مشاوری امین.. ۲۸۱

فضل الله فولادی

۳۶. بانویی مظلوم. ۲۹۳

محمدحسین غلامرضایی

۳۷. زندگانی ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ. ۳۰۹

حسین تهرانی

۳۸. حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بنت خُوَیَلِد.. ۳۶۳

مرضیه محمدزاده

۳۹. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ. ۳۹۷

سید محمدحسین جلالی زاده محمدی

۴۰. سرور زنان قریشی.. ۴۴۱

گروه تحقیق مؤسسه البلاغ



وفات ابوطالب علیه السلام و خدیجه (علیها السلام) (۱)

محمد هادی یوسفی غروی

### چکیده

شرح حال حضرت خدیجه (علیها السلام) با استناد به منابع مهم تاریخی و حدیثی اهل سنت و شیعه است. از دیدگاه نویسنده: هنگامی که خدیجه (علیها السلام) وفات کرد، فاطمه (علیها السلام)، رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را در بغل گرفت و با گریه گفت مادرم کجا است؟ در این حال جبرئیل نازل شد و گفت: به فاطمه (علیها السلام) بگو: همانا خداوند تعالی خانه ای را در بهشت از طلا برای مادر تو ساخته است که هیچ خستگی و سر و صدا در آن نیست. ابوطالب علیه السلام سه روز بعد از خدیجه (علیها السلام) وفات کرد. هنگامی که خبر مرگ ابوطالب علیه السلام به رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) داده شد، قلبش به شدت اندوهگین شد و بسیار جزع و فرع کرد. سپس بر سر جنازه اش آمد و چهار مرتبه بر طرف پیشانی راست و سه مرتبه بر طرف پیشانی چپ او دست کشید و آن گاه گفت: در کودکی ام مرا تربیت کردی و در هنگام یتیمی ام کفالت مرا به عهده گرفتی و در بزرگ سالی مرا یاری نمودی. خداوند متعال به تو جزای خیر عنایت فرماید. آن حضرت در جلوی سریر حمل جنازه اش حرکت می کرد و خطاب به وی می گفت: صله رحم تو برای تو مفید خواهد شد و خدا به تو پاداش خیر دهد. او می فرمود: در این ایام به دو مصیبت بزرگ دچار شده ام که نمی دانم برای کدام یک ناراحت و اندوهگین باشم: یکی مصیبت خدیجه (علیها السلام) و دیگری ابوطالب علیه السلام. روایت شده که فرمود: خداوند متعال در مورد چهار نفر به من وعده شفاعت داده است: پدر و مادر و عمویم و برادری که در جاهلیت داشتم.

کلیدواژه: حضرت خدیجه (علیها السلام)، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، ابوطالب علیه السلام، سال اندوه.

ص: ۷

---

۱- تاریخ تحقیقی اسلام (موسوعه التاريخ اسلامی)، محمد هادی یوسفی غروی، ترجمه حسن علی عربی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۹۸ و ۱۰۳.

عیاشی در تفسیر خود از سعید بن مسیب از علی بن حسین ۷ نقل می کند که: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) یک سال قبل از هجرت وفات کرد و ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ یک سال بعد از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دنیا رفت و هنگامی که رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ) آنها را از دست داد، توقف در مکه برای او بسیار سخت شد و اندوه فراوانی او را دربر گرفت. او که از کفار قریش خسته شده بود، نزد جبرئیل شکوه کرد و خداوند به او وحی فرستاد: ای محمد! از سرزمینی که اهل آن ظالم هستند خارج شو و به سوی مدینه هجرت کن؛ زیرا بعد از این در مکه یار و پشتیبانی نخواهی داشت. (۱)

شیخ صدوق با سندی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند که فرمود: ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ تظاهر به کفر می کرد و ایمان خود را مخفی نگاه می داشت و هنگامی که وفات کرد، خداوند به رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ) وحی کرد: ای محمد! از شهری که اهالی آن ظالم هستند خارج شود که دیگر پشتیبانی نداری؛ لذا آن حضرت به مدینه هجرت کرد. (۲)

اما شیخ طوسی در امالی خود با سندی از هند بن ابی هاله اَسَدی، دختر خوانده رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ) از جانب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، نقل می کند که گفت: خداوند متعال به واسطه ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ، پیامبرش را محافظت می کرد و در مدتی که او زنده بود، کفار قریش آسیبی به رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ) نمی رسانیدند؛ اما وقتی ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ وفات کرد، آن حضرت به شدت مورد اذیت و آزار قریش قرار گرفت، تا جایی که گفت: ای عمو! چه زود جای خالی تو را احساس کردیم. صله رحم تو برایت مفید باشد. خداوند به تو جزای خیر عنایت فرماید. یک ماه بعد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دنیا رفت و رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ) در حزن و اندوه فراوان فرورفت و برای همین آن سال عام الحزن نامیده شد. (۳)

شیخ طبرسی در اعلام الوری می نویسد: نبی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ) و عشیره اش از شعب خارج شده و به میان مردم رفتند؛ اما دو ماه بعد از آن ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ وفات کرد و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هم پس از آن از دنیا رفت و رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ) به خاطر این دو مصیبت بزرگ، دچار غم و اندوه بزرگی شد. برای همین با

ص: ۸

۱- عیاشی، محمد بن مسعود سمرقندی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۷۵.

۲- شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۱۷۲.

۳- شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۴۶۳؛ و به نقل از او در بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۵۷.



جزع و فزع، کنار قبر ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ آمد و گفت: ای عمو! در کودکی مرا تربیت و در بزرگی مرا حمایت کردی و این یتیم را در کفالت خویش گرفتی. پس خداوند بهترین جزا و پاداش را به تو عنایت کند. (۱)

شاگرد شیخ طبرسی، قطب راوندی هم در قصص الانبیاء این حدیث را بدون استناد به استادش نقل کرده است. (۲) او در مورد وفات ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ می نویسد: ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ، عموی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در زمانی که چهل و شش سال و هشت ماه و چهل روز از عمر شریف آن حضرت می گذشت، وفات کرد و در ادامه می گوید: قول صحیح این است که ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ در آخر سال دهم مبعث از دنیا رفته است و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سه روز بعد از ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ وفات کرده است و برای همین رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آن سال را عام الحزن نامید. (۳)

ابن شهر آشوب هم به تبع از آنها می گوید: ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ دو ماه بعد از خروج از شعب وفات کرده است و در تعیین سال آن گفته است: این حادثه نه سال و هشت ماه بعد از مبعث بوده است. سپس می گوید: هنگامی که ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ از دنیا رفت، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به طائف رفت و یک ماه در آن جا توقف کرد و سپس به مکه بازگشت و یک سال و شش ماه در پناه مُطعم بن عَدَى (۴) در آن جا اقامت کرد که مجموع آن یازده سال و چند ماه می شود و این حرف برخلاف قول مشهور در مورد مدت زمان اقامت رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مکه می باشد.

اما ابن اسحاق بعد از آن که هجرت به حبشه و اخبار مربوط به صحیفه و محاصره در شعب ابی طالب و نقض آن را نقل کرده، گفته است: سپس خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ در یک سال از دنیا رفتند و رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مصائب فراوانی را بعد از مرگ خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و عمویش ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ متحمل شد؛ زیرا پناهگاه و یار و پشتیبان وی بودند و این مصیبت سه سال قبل از هجرت به مدینه رخ داد.

ص: ۹

۱- . طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۲۹.

۲- . راوندی، قطب الدین، قصص الانبیاء، ص ۳۳۰.

۳- . همان، ص ۳۱۷.

۴- . ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۷۳. در این موضوع بعداً بحث خواهد شد.

هنگامی که ابوطالب علیه السلام رحلت کرد، قریش به اذیت و آزار فزاینده پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پرداختند تا جایی که هشام بن عروه از پدرش از جدش برای من نقل کرده است که دیوانه ای از دیوانگان قریش متعرض رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شد و خاک بر سر آن حضرت ریخت. رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در حالی که سر و صورتش خاک آلود بود به منزل رفت و یکی از دخترانش با گریه مشغول شستن سر و رویش شد؛ اما رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به وی گفت: گریه نکن دخترم. خداوند نگهدار پدرت است و فرمود: تا وقتی که ابوطالب علیه السلام زنده بود، قریش از آزار من دست نگه می داشت. (۱)

طبرسی در اعلام الوری اوایل سخن ابن اسحاق را نقل کرده و سپس از کتاب المعرفه ابن منده، سخن واقدی را نقل کرده که گفته است: آنها سه سال قبل از هجرت از شعب خارج شدند و در این سال ابوطالب علیه السلام و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به فاصله سی شب از همدیگر وفات کردند. (۲)

ابن شهر آشوب قول واقدی را به همین صورت نقل کرده است: آنها سه سال قبل از هجرت از شعب خارج شدند و در این سال ابوطالب علیه السلام وفات کرد؛ اما این که او گفته است: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شش ماه پس از ابوطالب علیه السلام وفات کرد. (۳)

واقدی در آنچه که نقل کرده، به نص خاصی استناد نکرده است؛ اما ظاهراً وی در مورد وفات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به نصی استناد کرده است که شاگرد و کاتب وی، ابن سعد با سندی از حکیم بن خرام بن خویلد بن اسد نقل کرده و گفته است. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در ماه رمضان سال دهم مبعث وفات کرد و ما او را از منزلش خارج ساختیم و در حجون دفن کردیم و رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

ص: ۱۰

۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۲، ص ۵۷ ۵۸. سپس در این جا چیزی را از عباس بن عبدالله بن معبد از بعضی از اقوامش از ابن عباس نقل کرده و گفته است که جمعی از بزرگان قریش در هنگامی که ابوطالب علیه السلام به شدت مریض بود و در اثر همین مرض در گذشت، گرد او جمع شدند و در شأن همین قضیه سوره «ص» نازل شد. اما باید گفت که سوره «ص» سی و هشتمین سوره قرآن بر اساس روایت ابن عباس می باشد و ما خبر مربوط به آن را قبلاً در شأن نزول این سوره ذکر کردیم. همچنین در سند این خبر آمده است: «از بعضی از اقوامش» که همین سند روایت را مرسل می کند و لذا قابل استناد نیست و به علاوه عاقلانه نیست که قریش دوباره طمع کرده باشند که ابوطالب علیه السلام را راضی به خواسته های خویش کنند؛ آن هم پس از آن محاصره طولانی که چهار سال طول کشید.

۲- طبرسی، مفضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۳۲.

۳- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۷۳.

برای دفن او وارد قبر شد. از او سؤال شد که این واقعه در چه تاریخی بوده است؟ گفت: کمی بعد از خروج بنی هاشم از شعب و در حدود سه سال قبل از هجرت. (۱)

سبط ابن جوزی، از ابن سعد، از واقدی، از علی عَلَیْهِ السَّلَامُ نقل کرده است: هنگامی که ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ از دنیا رفت، رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را باخبر ساختم و آن حضرت گریه شدیدی کرد و فرمود: برو او را غسل بده و کفن کن و به خاک بسپار. خدا او را رحمت کند. و عباس به او گفت: ای رسول خدا! آیا تو برای او امید خیر داری؟ فرمود: بله به خدا قسم. من برای او امید خیر دارم و آن حضرت روزهای متوالی از منزل خارج نمی شد و برای او استغفار می کرد. (۲)

هم چنین یعقوبی می نویسد: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دختر خوبلد در ماه رمضان سال سوم قبل از هجرت وفات کرد و در این زمان ۶۵ سال داشت. رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در حالی که وی لحظات آخر زندگی اش را می گذرانید بر وی داخل شد و فرمود: ناخوش دارم که شما را در این حال می بینم، و شاید که خداوند در چیز ناخوشایندی خیر بسیاری قرار دهد. اگر هُوَها را در بهشت دیدی، سلام مرا به آن برسان. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت: آنها چه کسانی هستند یا رسول الله؟ فرمود: خداوند در بهشت تو و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و کلثوم خواهر موسی ۷ را به همسری من درمی آورد.

هنگامی که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وفات کرد، فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را در بغل گرفت و با گریه گفت: مادرم کجا است؟ مادرم کجا است؟ در این حال جبرئیل نازل شد و گفت: به فاطمه بگو: همانا خداوند تعالی خانه ای را در بهشت از طلا برای مادر تو ساخته است که هیچ خستگی و سروصدا در آن نیست.

ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ سه روز بعد از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و در ۸۶ سالگی وفات کرد. و بنا بر قولی در هنگام وفات، نود ساله بود و هنگامی که خبر مرگ ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ به رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) داده شد، قلبش به شدت اندوهگین شد و بسیار جزع و فزع کرد. سپس بر سر جنازه اش آمد و چهار مرتبه بر طرف پیشانی راست و سه مرتبه بر طرف پیشانی چپ او دست کشید و آن گاه گفت: در

ص: ۱۱

۱- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۹.

۲- سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۸.

کودکی ام مرا تربیت کردی و در هنگام یتیمی ام کفالت مرا به عهده گرفتی و در بزرگ سالی مرا یاری نمودی. خداوند متعال به تو جزای خیر عنایت فرماید. آن حضرت در جلوی سریر حمل جنازه اش حرکت می کرد و خطاب به وی می گفت: صلّه رحم تو برای تو مفید خواهد شد و خدا به تو پاداش خیر دهد.

او می فرمود: در این ایام به دو مصیبت بزرگ دچار شده ام که نمی دانم برای کدام یک ناراحت و اندوهگین باشم: یکی مصیبت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و دیگری ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ. و روایت شده است که آن حضرت فرمود: خداوند متعال در مورد چهار نفر به من وعده شفاعت داده است که عبارت اند از: پدر و مادر و عمویم و برادری که در جاهلیت داشتم.

بعد از مرگ ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ قریشی یان جرأت بر اذیت و آزار رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیدا کردند و در فکر قتل وی افتادند. رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نزد قبایل عرب می رفت و از آنها می خواست که از وی حمایت و محافظت نمایند تا بتواند رسالت های پروردگارش را ابلاغ نماید و آنها هم در جواب می گفتند: قوم خودت بهتر می دانند که چه رفتاری با تو داشته باشند و او را در پناه خویش نمی گرفتند. (۱)

بلاذری می نویسد: گفته اند که ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ در سال دهم مبعث و در حدود هشتاد سالگی وفات کرد و در حجون مکه به خاک سپرده شد. (۲)

سپس با سندی از ابوصالح، غلام ابن عباس نقل کرده است که وقتی ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ مریض شد، به او گفته شد: خوب است شخصی را نزد برادرزاده ات بفرستی تا خوشه ای را از بهشت بیاورد تا شاید تو را شفا دهد؟ ابوطالب قاصدی را نزد رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرستاد و او هنگامی که ابوبکر هم در کنار رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود، با آن حضرت ملاقات کرد. ابوبکر به قاصد گفت: «إِنَّ اللَّهَ حَرَمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ؛ خداوند آنها را بر کافران حرام کرده است.» [اما هنگامی که قاصد نزد ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ آمد و جواب ابوبکر را باز گو کرد]، ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: این جواب برادرزاده ام

ص: ۱۲

۱- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۶.

۲- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۲۹.

طبری هم دقیقاً همان چیزی را که ابن اسحاق نقل کرده، آورده است و چیزی بر آن نیفزوده است. (۲)

مسعودی در دو کتابش موفق یک قول نبوده، چون او در این مورد در مروج الذهب گفته است: در سال ۴۶ میلاد، قریشی یان نبی اکرم و بنی هاشم و بنی مطلب را در شعب محاصره کردند و در سال پنجاه آن حضرت به همراه یارانش از شعب خارج شد و در همین سال همسرش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ وفات کرد. (۳) و در «التنبیه والاشراف» نوشته است: عموی آن حضرت در هشتاد سالگی از دنیا رفت و همسرش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در سال دهم بعثت در ۶۵ سالگی وفات کرد و بین مرگ این دو، سه روز فاصله بود و گفته شده است که بیش از این فاصله بوده است. این حادثه یک سال و شش ماه بعد از ابطال صحیفه و خروج بنی هاشم و فرزندان عبدالمطلب از محاصره شعب رخ داد. مدت محاصره در شعب سه سال و بنا به قولی دو سال و نیم و بنا بر قول دیگری دو سال بوده است. سپس می گوید: در این سال پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پنجاه ساله بود... (۴)

چنان که پیدا است این دو کتاب در مورد مدت زمان محاصره با هم اختلاف دارند. در «مروج الذهب» گفته است که مدت آن چهار سال بوده است و در «التنبیه والاشراف» می گوید که مدت سه سال بوده است و وفات ابوطالب عَلَیْهَا السَّلَامُ و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یک سال و نیم پس از اتمام محاصره رخ داده است و شیخ طوسی در «المصباح» از ابن عیاش نقل کرده است که

ص: ۱۳

۱- . بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۴ و نزدیک به همین مطلب را ابن حنبل در کتاب الفضائل از مُسند خود از انس بن مالک نقل می کند که گفت: هنگامی که ابوطالب عَلَیْهَا السَّلَامُ مریض شد و به واسطه همان مریضی در گذشت، قاصدی نزد رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرستاد تا به او بگوید: از خدایت بخواه که مرا شفا دهد، زیرا خدایت حرف تو را گوش می دهد و میوه ای از میوه های بهشتی را برایم بفرست. نبی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز قاصدی نزد وی فرستاد و پیغام فرستاد که: ای عمو! اگر از خداوند متعال اطاعت کنی، او نیز تو را اجابت خواهد کرد. حدیث: ۲۷۴ و منافاتی بین این دو خبر نیست.

۲- . طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۴۳ ۲۴۴.

۳- . مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۹۴.

۴- . مسعودی، علی بن حسین، التنبیه والاشراف، ص ۲۰۰.

## کتابنامه

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی (م ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق: گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۲. ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویّه، به کوشش: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.
۳. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق (م ۲۸۴ ق)، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارت علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
۴. اربلی، علی بن عیسی (م ۶۹۳ ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه ۷، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۵. بلاذری، احمد بن یحیی (م ۲۷۹ ق)، انساب الاشراف، تحقیق: سهیل زکار، ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۶. سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی (م ۶۵۴ ق)، تذکره الخواصّ الأئمّه فی خصائص الأئمّه، تقدیم: السید محمدصادق بحر العلوم، طهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
۷. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (م ۴۶۰ ق)، الامالی، قم: دار الثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۸. مصباح المتهدج، بیروت: فقه الشیعہ، ۱۴۱۱ ق.
۹. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، کمال الدین وتمام النعمه، تحقیق: علی اکبر الغفّاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (م ۵۴۸ ق)، اعلام الوری باعلام الهدی، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم: مطبعه ستاره، ۱۴۱۷.
۱۱. طبری، محمد بن جریر (م ۳۱۰ ق)، تاریخ طبری (تاریخ الامم والملوک)، به کوشش: گروهی از علماء، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۳ ق.

ص: ۱۴

۱. عیاشی، محمد بن مسعود سلمی سمرقندی (م ۳۲۰ ق)، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: مکتبه علمیه، ۱۳۸۰ ق.

۲. قطب راوندی، سعید بن هبه الله (م ۵۷۳ ق)، قصص الانبیاء، تحقیق غلامرضا عرفانیان، قم: مؤسسه الهادی، ۱۴۱۸ ق.

۳. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، تحقیق: محمدباقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۴. مسعودی، علی بن حسین (م ۳۴۶ ق)، التنبیه و الإشراف، تصحیح: عبد الله إسماعیل الصاوی، قاهره: دار الصاوی، ۱۳۵۷ ق.

۵. ، مروج الذهب ومعادن الجوهر، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰ ش.

ص: ۱۵





صدف کوثر (۱)

علی اکبر مهدی پور

### چکیده

شرح زندگانی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با استناد به مهم ترین منابع تاریخی و روایی اهل سنت و شیعه است. از دیدگاه نویسندگان: در میان میلیون ها بانوی با فضیلت جهان، تنها یک بانو این افتخار را پیدا کرد که دُرّ شاهوار جهان آفرینش، دُرّدانه بی همتای خداوند مَنان باشد و سرور بانوان عالم، دخت گرانمایه پیامبر خاتم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، وجود اقدس فاطمه اطهره ۳ را در صدف خود پیوراند، و او کسی جز حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیست. از رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) احادیث فراوانی در مناقب حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ رسیده است که فقط به شماری از آنها اشاره می شود: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، صدیقه امت من است. هر روز چندین بار خداوند به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بر فرشتگان مباحثات می کند. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برترین امهات مؤمنین است. هرگز خدا همسری بهتر از او برای من جایگزین نکرده است. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در ایمان به خدا و من، گوی سبقت را از همه بانوان عالم ربود.

کلیدواژه: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ، صدیقه امت، سیده زنان عالم.

در میان میلیون ها بانوی با فضیلت جهان، تنها یک بانو این افتخار را پیدا کرد که دُرّ شاهوار جهان آفرینش، دُرّدانه بی همتای خداوند مَنان باشد و سرور بانوان عالم، دخت گرانمایه پیامبر خاتم، وجود اقدس فاطمه اطهره ۳ را در صدف خود پیوراند، و او کسی جز حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیست.

ص: ۱۷

دهم رمضان، یادآور ارتحال این بانوی بزرگ، روز یتیمی کوثر قرآن و روز غم و اندوه خاندان عصمت و طهارت است.

این مصیبت بزرگ را به پیشگاه مقدّس حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه تسلیت گفته، به گوشه ای از زندگی پربار آن بانوی با فضیلت اشاره می کنیم.

### نَسَبِ حَضْرَتِ خَدِیجَه عَلَیْهَا السَّلَامُ

او دخت گرامی «خُوَیْلِد» فرزند اَسَد، فرزند عبد العُزَی، فرزند قُصَیّ، فرزند کلاب، فرزند مُرّه، فرزند کعب، فرزند لُوی، فرزند غالب، فرزند فِهر است. (۱) مادرش، فاطمه، دخت زائده، پسر اَصَم، پسر رواجه، پسر حَجْر، پسر عبد، پسر مَعِیص، پسر عامر، پسر لُوی، پسر غالب، پسر فِهر است. (۲)

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از تیره قریش است که از سوی پدر در نیای سَوَم (قُصَیّ) و از سوی مادر در نیای هشتم (لُوی) با نسب پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، پیوند می خورد.

«خُوَیْلِد»، قهرمان دلاوری بود که هنگام تهاجم «تُبَع»، پادشاه خودکامه «یمن»، دست به شمشیر برد، در برابرش مردانه شمشیر زد و او را با ذلت از حریم کعبه دور ساخت. (۳)

هنگام جلوس «سیف بن ذی یَزَن» بر تخت سلطنت، او همراه عبدالمطلب از سوی قریش به «صَیْنَعَا» رفت و در کاخ «غمدان» با وی دیدار کرد. (۴)

پدر خویلد، «اسد» نیز در اجتماع «حِلْفُ الْفُضُول» که برای دفاع از مظلومان برگزار شد و به «پیمان جوانمردان» موسوم شد شرکت فعال داشت. (۵)

### کنیه و القاب

#### اشاره

برای آن خانم، القاب و کنیه های فراوانی نقل کرده اند که برخی از آنها عبارت است از:

ص: ۱۸

۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۲، ص ۸.

۲- همان.

۳- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغزء الطاهره، ص (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ).

۴- ازرقی، محمد بن عبدالله، اخبار مکّه و ما جاء فیها من الآثار، ص ۱۴۹.

۵- همان، ص ۲۶۶.

## ۱. ام المؤمنین

همسران پیامبر و در رأس آنها حضرت خدیجه «ام المؤمنین» لقب یافته اند(۱) و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را «برترین و بهترین امهات مؤمنین» خوانده است.(۲)

## ۲. بانوی بانوان

امیر مؤمنان ۷ در چکامه ای که در سوگ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سرود، از آن حضرت به عنوان «سیده النسوان» تعبیر فرمود،(۳) امام کاظم ۷ وی را «سیده قریش» تعبیر فرمود،(۴) اسماء بنت عمیس، آن خانم را «سیده نساء العالمین» می خواند(۵) و در عهد جاهلی او را «سیده نساء قریش» می خواندند.(۶)

## ۳. صدیقه

گلوازه صدیقه در قرآن، فقط یک بار در باره حضرت مریم به کار رفته(۷) و امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ آن را معصومه معنا کرده است.(۸) پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در معرفی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خطاب به جبرئیل فرمود: «هَذِهِ صِدِّيقَةُ امَّتِي»؛(۹) این صدیقه امت من است.

## ۴. طاهره

مشهورترین لقب آن حضرت در عصر جاهلی «طاهره» بود.(۱۰) زیرا او پاک ترین و عقیف ترین بانوی آن دوران بود.(۱۱)

ص: ۱۹

- ۱- احزاب: ۶.
- ۲- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغزاة الطاهره، ص ۲۲۶.
- ۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۱۴۳.
- ۴- حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۲۵۲، ح ۱۲۳۲.
- ۵- قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه الزهراء ۷ من المهد الى اللحد، ص ۱۱۰.
- ۶- زرقانی، محمد بن عبدالباقی، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیه، ج ۱، ص ۱۹۹.
- ۷- مائده: ۷۵.
- ۸- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۹.
- ۹- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۲، ص ۶۲.
- ۱۰- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۶۰.
- ۱۱- زرقانی، محمد بن عبدالباقی، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیه، ج ۱، ص ۱۹۹.

محدث قمی چنین روایت کرده است: «خداوند به حضرت عیسی عَلَیْهِ السَّلَامُ وحی فرمود که نسل پیامبر آخر الزمان از بانویی «مبارکه» است.» (۱) عبد الله بن سلیمان نیز این معنا را از انجیل نقل کرده است. (۲)

## ۶. دیگر القاب

در یکی از زیارت نامه های پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمده است: «سلام بر ... صدیقه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، خدیجه کبری ام المؤمنین.» (۳)

## سیمای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در آینه وحی

نخستین سیر شبانه خاتم انبیا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دو سال پس از بعثت در شب دوشنبه ای در ماه ربیع الاول انجام گرفت (۴) و هنگامی که از معراج به سوی زمین بازمی گشت، از سوی پیک وحی، این گونه به او خطاب شد: «حَاجَّتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي السَّلَامُ؛ خواسته ام این است که از سوی خدا و از طرف من (جبرئیل) به خدیجه سلام برسانی. وقتی پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درود خداوند متعال و جبرئیل امین را به حضرت خدیجه ابلاغ فرمود، عرضه داشت: خداوند، خود سلام است، سلام از او و به سوی او است و بر جبرئیل سلام باد.» (۵)

یک بار دیگر، پیک وحی بر حضرت پیامبر فرود آمد و گفت: «این خدیجه است

که برای تو غذا و نوشیدنی آورده است؛ چون نزد تو آید از خدا و از من به او سلام برسان

و او را به قصری از مروارید در بهشت بشارت بده که در آن، نه سر و صدایی است و نه غم و اندوهی.» (۶)

ص: ۲۰

۱- . محدث قمی، شیخ عباس، کحل البصر فی سیره سید البشر، ص ۷۰.

۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۲.

۳- . همان، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.

۴- . ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، بیروت: دار الاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۲۸.

۵- . عیاشی، محمد بن مسعود سمرقندی، تفسیر العیاشی، ج ۳، ص ۳۵.

۶- . بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۴۸.

ذهبی گوید: «بر صحیح بودن این حدیث، اتفاق نظر هست.»<sup>(۱)</sup>

پس از ارتحال آن بانو، حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ در اطراف پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می چرخید و می گفت: «مادرم کجا است؟» بیک وحی فرود آمد و عرضه داشت: «پروردگارت امر می فرماید که به فاطمه سلام برسانی و بگویی که مادرت در قصری از مروارید است که سقفش از طلا و ستون هایش از یاقوت سرخ و در میان مریم و آسیه است.»

این جا هم حضرت فاطمه که در آن ایام پنج ساله بود عرض کرد: «خدای، خود سلام است. سلام از او و به سوی او است.»<sup>(۲)</sup>

### خدیده کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ از دیدگاه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

از رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) احادیث فراوانی در مناقب حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ رسیده است که فقط به شماری از آنها اشاره می کنیم:

۱. خدیجه، صدیقهٔ امت من است.<sup>(۳)</sup>

۲. هر روز چندین بار خداوند به خدیجه بر فرشتگان مباحثات می کند.<sup>(۴)</sup>

۳. خدیجه برترین امهات مؤمنین است.<sup>(۵)</sup>

۴. هرگز خدا همسری بهتر از او برای من جایگزین نکرده است.<sup>(۶)</sup>

۵. برترین بانوان بهشتی، خدیجه دخت خویلد و فاطمه دخت محمد است.<sup>(۷)</sup>

۶. خدیجه بر بانوان امت من برتری داده شده است.<sup>(۸)</sup>

۷. خداوند محبت خدیجه را بر من ارزانی داشت.<sup>(۹)</sup>

ص: ۲۱

- 
- ۱- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۳.
  - ۲- شیخ طوسی، محمد بن الحسن، الامالی، ص ۱۷۵، ح ۲ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ۴.
  - ۳- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۲، ص ۶۲.
  - ۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۸.
  - ۵- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغزاء الطاهره، ص ۷.
  - ۶- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، بیروت: دار المعرفه، ج ۷، ص ۱۴۰.
  - ۷- همان، ص ۱۳۹.
  - ۸- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۷۴، ص ۸۴.

۹- . گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، ص ۳۵۹.

۸. خدیجه در ایمان به خدا و من ، گوی سبقت را از همه بانوان عالم ربود.(۱)

(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) . خداوند شکم مادرت را (خطاب به حضرت فاطمه ۳) ظرف امامت قرار داد.(۲)

### خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مام فضیلت ها

ابن حجر عسقلانی گوید که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، سرچشمه اهل بیت پیامبر(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) است؛ زیرا در تفسیر آیه شریفه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) ثابت شده است که ام سلمه گفت:

«چون این آیه نازل شد، پیامبر اکرم(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، علی، فاطمه، حسن و حسین را فرا خواند و کسایی بر فراز آنها انداخت و فرمود: «بار خدایا! این ها اهل بیت من هستند.» و همه این ها از خدیجه نشأت گرفته اند؛ زیرا حسن و حسین، فرزندان فاطمه و فاطمه دختر خدیجه است و علی نیز در کودکی در خانه خدیجه تربیت شده و در بزرگی، داماد او شده است.»(۳)

ابن حجر گوید که فرستاده خدا(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در حدیثی با سند نیکو فرموده است: «لَقَدْ فَضَّلْتُ خَدِيجَةَ عَلَى نِسَاءِ أُمَّتِي؛ خدیجه بر بانوان امت من برتری یافته است.» با این حدیث، بر برتری خدیجه بر عایشه استدلال شده است.(۴)

سپس چنین می گوید: پیامبر اکرم(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در حدیثی صحیح السند فرموده است: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ وَ فَاطِمَةُ وَ مَرْيَمُ وَ آسِيَةُ؛ برترین بانوان بهشت؛ خدیجه، فاطمه، مریم، و آسیه اند.» این حدیث ، صریح است و قابل تأویل نیست.(۵)

ابن کثیر شماری از فضایل ویژه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را بر می شمرد و سپس می گوید: «برخی از اهل سنت، غلو می کنند و عایشه را بدین سبب که دختر ابو بکر است بر خدیجه تفضیل می دهند.»(۶)

ص: ۲۲

۱- . حاکم نیشابوری ، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۴ .

۲- . ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۸۳.

۳- . ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۳۸.

۴- . همان، ص ۱۳۵.

۵- . همان.

۶- . ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۳، ص ۱۲۹.

ابن حجر در ادامه، نکته ظریفی را نقل می کند و آن این است: «قدر مشترک در میان مریم، آسیه و خدیجه، این است که هر یک از این ها، پیامبر مرسل را تحت کفالت خود گرفته است:

۱. آسیه، حضرت موسی ۷ را کفالت و تربیت کرد و چون مبعوث شد به او ایمان آورد.

۲. مریم، حضرت عیسی علیه السلام را کفالت و بزرگش کرد و چون مبعوث شد به او گروید.

۳. خدیجه پیشنهاد ازدواج به پیامبر اسلام داد، همه اموالش را در راه او تقدیم کرد و چون وحی بر آن حضرت نازل شد به او ایمان آورد. (۱)

بخاری با سند صحیح از برخی همسران پیامبر روایت می کند که می گفت: «من هرگز به هیچ زنی چون خدیجه حسد نورزیدم.» آن گاه عامل این حسد را دو چیز بیان می کند:

۱. پیامبر از او به کثرت یاد می کرد؛

۲. خداوند به پیامبر امر فرموده بود که خدیجه را بشارت دهد به خانه ای در بهشت از «قَصَب»، یعنی مروارید، که در آن «صَخَب» و «نَصَب»، یعنی سر و صدا و رنج و درد، وجود ندارد. (۲)

ابن حجر در شرح این حدیث از «سهیلی» نقل می کند که تعبیر «قَصَب» از این جهت است که آن بانوی بزرگوار، گوی سبقت را از همه بانوان جهان ربوده است. تعبیر «صَخَب» از این جهت است که حضرت خدیجه، هرگز با پیامبر درگیر نشد، صدایش را بلند نکرد، سر و صدا ایجاد نکرد و خانه را محیط امن و آرام قرار داد. تعبیر «نَصَب» هم از این جهت است که وی بر خلاف برخی همسران پیامبر هرگز آن حضرت را نیاززد؛ از این رهگذر، خداوند قصری در بهشت به آن حضرت عطا فرمود که محیط آرام، بی سر و صدا و بدون اذیت و آزار باشد. (۳)

ص: ۲۳

۱- همان .

۲- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۴۸.

۳- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۳۸.



## ثروتمندترین بانوی دوران

ذهبی از واقدی نقل کرده است که خویلد پدر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیش از جنگ فجار در گذشته بود... و این موضوع در میان اصحاب ما مورد اتفاق است. (۱)

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با عقل و درایت خود آنچه از پدر به ارث برده بود را در راه ایجاد اشتغال برای جوانان حجاز به کار گرفت و تجارت گسترده ای به راه انداخت. وی همه جوانان را تشویق می کرد که با ثروتش تجارت کنند؛ هم سود ببرند و هم به او سود رسانند.

شیوه تجارت آن بانوی با درایت، مضاربه بود. ابن هشام در این باره می نویسد: «خدیجه دخت خویلد بانویی تاجر پیشه بود و ثروت و شرافت داشت. او مردان را استخدام می کرد و با آنها قرارداد می بست و از طریق مضاربه با آنها رفتار می کرد.» (۲)

آن بانو، با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز همین گونه رفتار می کرد؛ جز این که برای آن حضرت، حق مضاربه بیشتری تعیین می کرد و غلام خود «میسره» را نیز در محضر آن حضرت می فرستاد، و گرنه حضرت مصطفی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هرگز برای کسی اجیر نشده است. (۳)

## فرزانه قریش

آوازه دختر خویلد در سراسر حجاز پیچید. بازرگانانی که با ثروت او تجارت می کردند، آوازه او را از مرز حجاز گذراندند و شهرتش را در بلاد اطراف، به ویژه در سرزمین یمن به گوش سلاطین رساندند.

دلاوری های پدرش خویلد در برابر «تُبَّع» پادشاه خودکامه یمن (۴) از یک سو و دیدار تأثیرگذار وی در کاخ «عُمدان» با «سیف بن ذی یَزَن» در صنعاء، (۵) از دیگر سو، باعث شد که همه اعیان و اشراف یمن، آرزوی همسری فرزانه قریش را در دل پیوراندند.

ص: ۲۴

- ۱- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱.
- ۲- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۲، ص ۵.
- ۳- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶.
- ۴- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغزاء الطاهره، ص (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ).
- ۵- ازرقی، محمد بن عبدالله، اخبار مکه و ما جاء فيها من الآثار، ج ۱، ص ۱۴۹.

ولی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هشیارتر از آن بود که با آن ثروت و مکنّت و جمال و کمال، در برابر پیشنهادهای آنان سر فرود آورد. او فقط دل در گرو جوانی هاشمی داشت و منتظر روزی بود که در دل امین بنی هاشم راه یابد.

مورّخان، اتّفاق نظر دارند که در میان اعیان و اشراف منطقه، صاحب ثروت و صاحب مکنّتی نماند؛ جز این که از حضرت خدیجه ۳ خواستگاری کرد و او دست ردّ بر سینّه همگان زد. (۱)

### خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و چگونگی شناخت از پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

آن بانوی بزرگوار از حُنَفَاء بود؛ یعنی یکتاپرست و پیرو آیین حضرت ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَامُ بود. آخرین اوصیای حضرت ابراهیم، حضرت ابوطالب و حضرت عبدالمطلب بودند که وی آنها را درک کرده و نویدهای آنها را در باره جوان هاشمی شنیده بود.

روز میلاد مسعود پیامبر اکرم (صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ) حضرت ابوطالب خطاب به همسرش فرمود: «سی سال صبر کن تا همانند او را به جز نبوت برای تو بیاورم.» (۲)

در دوران کودکی وی بود که عبدالمطلب به فرزندانش سفارش می کرد که هر کدام بعثت آن حضرت را درک کند، به او ایمان بیاورد. (۳)

محمّد (صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ)، جوانی بیست ساله بود که ابوطالب گفت: «پدرم به من خبر داده است که او همان پیامبر موعود است.» (۴)

فرزانه قریش که این معلومات را در بایگانی حافظه گرد آورده است، دل در گرو جوان هاشمی می سپارد و به همه خواستگاران از هر تیره و گروه، جواب منفی می دهد.

در سفر تاریخی خویلد (پدر خدیجه) با حضرت عبدالمطلب به یمن برای تبریک و تهنیت به «سَیِّف بن ذی یَزَن» در ایام جلوس او بر تخت سلطنت، پادشاه به او خبر

ص: ۲۵

۱- ابوالقاسم کوفی، علی بن احمد، الاستغاثه، ج ۱، ص ۷۰.

۲- حسینی شیرازی، سید محمد، امّهات المعصومین، ص ۹۰.

۳- کلینی، ابوجعفر محمّد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۲.

۴- موسوی حسینی عاملی، محمد بن حیدر، بغیه الطالب فی حال ابی طالب، ص ۹۰.

می دهد که این ایام باید پیامبر موعود متولد شده باشد، نامش «محمد» است، در میان شانه اش مهر نبوت است، پدر و مادرش فوت می کند، عمو و پدر بزرگش کفالت او را برعهده می گیرند ... (۱).

سیف بن ذی یزن، به صراحت می گوید: «سوگند به کعبه که تو پدر بزرگ آن پیامبر موعود هستی. پس حضرت عبدالمطلب به سجده می افتد و سجده شکر به جای می آورد.» (۲)

خویند برمی گردد و این سخنان را به عنوان سوغات سفر می آورد و در میان اهل و عیالش بازگو می کند و فرزانه قریش، آن را آویزه گوش خود می سازد.

حضرت ابوطالب با کاروان تجارتی به شام می رود و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را که در سنین نوجوانی بود، همراه خود می برد. در بصری راهبی به نام «بحیرا» برای اولین بار، کاروان را به ضیافت دعوت می کند و پس از گفت و گوی فراوان، به ابوطالب می گوید: «او را زود برگردان که اگر یهود او را ببینند، شناسایی می کنند و به وی آزار می رسانند.» (۳)

این خبر در مکه پخش می شود و فرزانه قریش نیز آن را به خاطر می سپارد.

اکنون جوان هاشمی به ۲۵ سالگی رسیده است و با پول خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ به صورت مضاربه عازم تجارت است. خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ، غلام مخصوص خود «میسره» را با او می فرستد و به او توصیه می کند که از آن حضرت جدا نشود و هر چه می بیند به خاطر بسپارد.

در این سفر، راهبی به نام «نسطور» از میسره می پرسد: «این مرد که زیر این درخت نشسته کیست؟» می گوید: «او مردی از قریش از اهل حرم است.» نسطور با قاطعیت به او اعلام می کند که او پیامبر است.

میسره چون برمی گردد، سخن راهب را برای بانویش بازگو می کند و در ضمن مشاهدات خود می گوید که چون هوا گرم می شد، دو فرشته، بال های خود را بر سر او می افراشتند و بر او سایه می انداختند. (۴)

ص: ۲۶

- ۱- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱.
- ۲- ابو نعیم، احمد بن عبدالله اصبهانی، دلائل النبوه، ج ۱، ص ۹۷.
- ۳- جلال الدین سیوطی، عبدالرحمان بن کمال، الخصائص الکبری، ج ۱، ص ۱۵۵.
- ۴- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۲۲.

سال ها پیش نیز یکی از احبار یهود، جوان هاشمی را در منزل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دید و به او گفت: «او همان پیامبر موعود است که نشانه های او را در تورات خوانده ام. بانویی از قریش با او ازدواج می کند که سرور بانوان بهشت است؛ مبادا تو از این شرف محروم شوی.»<sup>(۱)</sup>

ورقه بن نوفل، پسرعموی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز او را تشویق می کرد و می گفت: «پیامبری که برای این امت وعده داده شده است و ما در انتظار او هستیم، وقت ظهورش فرا رسیده است؛ به راستی، محمد، همان پیامبر موعود این امت است.»<sup>(۲)</sup>

پدیدار شدن این بشارت ها و نویدها، پشت سر یکدیگر، فرزانه قریش را در تصمیم خود محکم تر می ساخت و او را در موضع سرسختی که گرفته بود مصمم تر می ساخت. این نویدها بود که همه اشراف منطقه را در نظرش بی اهمیت می ساخت و تنها آن جوان هاشمی را شایسته همسری جلوه می داد.

### گامی استوار به سوی زندگی پایدار

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، گذشته از جمال، کمال، مال و منال، از دانش، بینش، اصالت اندیشه، سلامت فکر، صلابت رأی، دقت نظر و قدرت تصمیم گیری به موقع برخوردار بود. از این رهگذر پس از دست زدن بر سینه سلاطین یمن، اشراف طائف و بزرگان حجاز، تصمیم گرفت که با عزم جزم، سنت رایج را بشکند و در انتظار خواستگاری از سوی جوان هاشمی ننشیند؛ بلکه با یک سنت شکنی، او به سراغ شوهر ایده آل خود برود.

وی از بانوی فرزانه ای به نام «نفیسه» کمک گرفت و وعده دیدار با امین قریش تعیین کرد. خدیجه ۳ در این دیدار با صراحت گفت: «ای امین قریش! من دختر شایسته ای برای شما در نظر گرفته ام.»

امین قریش پرسید: «کیست؟» عرضه داشت: «هِيَ مَمْلُوكَتُكَ خَدِيْجَةُ؛<sup>(۳)</sup> او کنیز شما

ص: ۲۷

۱- همان، ج ۲، ص ۶.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۵۵.

۳- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۰.

خدیجه است.» جوان هاشمی فرمود: «تو صاحب مال و مکنت هستی و من چیزی از مال دنیا ندارم. من ، دنبال همسری چون خود هستم.»

حضرت خدیجه با بیانی شیرین و دلنواز، عرضه داشت: «من خودم، ثروتم ، کنیزانم و آنچه در تصرف من است، از آن شما است و تابع فرمان شما.»<sup>(۱)</sup>

آن گاه خلعت گرانبهایی به صفیه (عمه پیامبر) بخشید و گفت: «ای صفیه! تو را به خدا سوگند می دهم که مرا یاری کنی تا به وصال محمد برسم.»<sup>(۲)</sup>

وی خواهرش، هاله را نیز نزد عمار فرستاد تا موانع این پیوند مقدس را برطرف کند.<sup>(۳)</sup>

## انگیزه ازدواج

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ علت این همه پافشاری بر تحقق یافتن این پیوند مقدس را به «صفیه» چنین بیان کرد: «إِنِّي قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ مُؤَيَّدٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛<sup>(۴)</sup> من به طور حتم و یقین می دانم که او از سوی پروردگار عالمیان، مورد تأیید است.»

آن حضرت، به شخص پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عرضه داشت: «به خدا سوگند! من با شما چنین رفتار نمی کنم، جز برای این که امید دارم شما همان پیامبری باشید که برانگیخته خواهد شد.»<sup>(۵)</sup>

آن گاه دیگر ویژگی های حضرت را چنین شماره کرد: «ای پسر عمو! من به این دلایل ، دل در گرو تو دارم:

۱. خویشاوند من هستی ؛

۲. از شرافت والایی برخورداری؛

۳. در میان قوم خود به امانت شهرت داری؛

۴. فردی راست گفتاری؛

ص: ۲۸

۱- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۵۵.

۳- همان، ص ۵۸.

۴- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶.

۵- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۵۷.

هر فرازی از سخنان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ حکایت از نظر صائب، اندیشه استوار، دانش و بینش وافر، دقت نظر و عمق درایت او می کند.

### لحظة انتظار

سرانجام، لحظه انتظار فرا رسید و رؤیاهای طلایی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تعبیر شد. حضرت ابوطالب، حمزه و دیگر بزرگان خاندان رسالت به منزل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آمدند و سعادت دو جهان را برایش به ارمغان آوردند.

حضرت ابوطالب رشته سخن را به دست گرفت و فرمود: «سپاس و ستایش به پروردگار این بیت که ما را از نسل ابراهیم و از تبار اسماعیل قرار داد، ما را در حرم امن خود جای داد و زمامدار مردم کرد و این شهر را برای ما مبارک ساخت.

این برادرزاده من هرگز با احدی از رجال قریش مقایسه نمی شود؛ جز این که بر او برتری یابد و با احدی از مردمان مقایسه نمی شود؛ جز این که بر او فزونی یابد و هرگز با احدی برابری نمی کند. او از نظر مال دنیا ثروت کمتری دارد؛ ولی ثروت برای گذران زندگی است و سایه ای ناپایدار.

اکنون ما برای خواستگاری آمدم به رضایت و دلخواهش. و آنچه مهریه از نقد و نسیه بخواهید از مال من است. سوگند به پروردگار بیت که برای او جایگاهی رفیع، دینی جهان شمول و درایتی کامل است.»

آن بانو شخصاً سخن گفت و رضایت خود را اعلام کرد.

حضرت ابوطالب، شتری نحر کرد، ولیمه عروسی برگزار شد و زفاف انجام یافت. (۲)

### مهریه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

حضرت چهار هزار دینار به عباس داد که آن را به خانواده خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به عنوان مهریه بپردازد، (۳) ولی

ص: ۲۹

۱- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۳۴.

۲- طبری امامی، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، ص ۷۷.

۳- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴.

مسلم این است که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به او پانصد درهم به عنوان مهریه تقدیم کرد. (۱)

بر اساس نقل مورخان و سیره نویسان، پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دوازده و نیم اوقیه، یعنی پانصد درهم به حضرت خدیجه عَلَيَّهَا السَّلَامُ پرداخت. (۲) بر اساس روایات معصومان ۷ مهریه همه همسران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پانصد درهم است؛ (۳) ولی در باره این بانوی بزرگوار، حضرت ابوطالب عَلَيَّهِ السَّلَامُ بیست شتر جوان از مال خودش افزود. (۴)

## تاریخ ازدواج

بی گمان، سال ازدواج فرستاده خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با این بانوی با کرامت، سال ۲۵ عام الفیل، پانزده سال پیش از بعثت و ۲۸ سال پیش از هجرت بوده است. این رویداد مبارک در ماه ربیع الاول بوده و اختلافی در آن نقل نشده است.

روز ازدواج نیز بنا بر مشهور، دهم ماه مذکور است؛ چنان که سید بن طاووس با سلسله اسنادش از شیخ مفید چنین نقل می کند و روزه آن را برای شکرانه این پیوند مقدس، مستحب می داند. (۵)

شیخ مفید نیز همان تاریخ را ثبت کرده است. (۶)

علامه مجلسی نیز آن را طبق نقل سید بن طاووس از شیخ مفید روایت کرده است. (۷)

مرحوم کاشف الغطاء هنگام بحث از روز نهم ربیع الاول می افزاید: «یکی دیگر از علل شادی و سرور حضرت زهرا این است که روز نهم و دهم، ایام پیوند مقدس سید کائنات

ص: ۳۰

- ۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۰.
- ۲- . حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۳۹. بر اساس محاسبه ای که اهل فن انجام داده اند، پانصد درهم برابر ۱۶۲۱۲ مثقال نقره خالص و در زمان ما در حدود ۱۶۵۰۰۰ تومان است.
- ۳- . کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۵. حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۳۹.
- ۴- . حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.
- ۵- . سید بن طاووس، علی بن موسی، الاقبال، ج ۲، ص ۱۱۵.
- ۶- . شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، مسار الشیعه فی مختصر تواریخ الشریعه، ص ۲۹. به پیوست تاریخ الائمه، در ضمن «مجموعه نفسیه».
- ۷- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۵۷.

با بانوی پاک و پاک سرشت، حضرت خدیجه است که بی گمان، حضرت زهرا، همه ساله در چنین روزی شاد و مسرور است و به آن مباحث می کند. این شادی و سرور در این ایام به شیعیان و ارادتمندانش به ارث رسیده است.» (۱)

### همسر و هم سَر

کفایت و درایت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در سطحی بود که عظمت بیکران رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را درک می کرد. وی در مشکلات، یار و یاور آن حضرت بود. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز در امور زیادی با وی مشورت می کرد. (۲)

این نکته، بسیار حائز اهمیت است که دوران تجرّد پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ۲۵ سال و دوران پس از ازدواج آن حضرت ۳۸ سال است. آن جناب، ۲۵ سال آن را با حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سپری کرد و سیزده سال دیگر را با سیزده زن دیگر.

یعنی رسول اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دقیقاً دو سوم دوران پس از ازدواج خود را با یک همسر به سر برده و هرگز نیاز به همسر دیگری احساس نکرد. او، همسر و هم سَرّ پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و با وجود چنین همسری، هیچ کمبودی در زندگی خویش احساس نمی شد.

در مقابل آن، حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در دوران سیزده سال پس از آن، با وجود سیزده همسر که برخی از آنها همسران شایسته ای بودند همواره جای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را خالی می دید و احساس خلأ می کرد و به قدری از او یاد می کرد که باعث رنجش و حسد برخی همسران می شد. (۳)

### اَوْلِيَات حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

۱. حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، نخستین بانویی است که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با او ازدواج کرد.

۲. وی نخستین بانویی است که به رسالت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایمان آورد و نام خود را با خطوطی زرین بر تارک صفحات تاریخ ثبت کرد. (۴)

ص: ۳۱

۱- . کاشف الغطاء، محمّد الحسین، جَنَّة المأوی، ص ۹۴.

۲- . سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواصّ، ج ۲، ص ۳۰۶.

۳- . همان.

۴- . خصیبه، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، ص ۳۹.



۳. وی نخستین بانوی نمازگزار است که سال‌ها تنها وی و حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ در کنار کعبه با پیامبر خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نماز برپا می‌داشتند، تا بعدها جعفر طیار نیز به آنها پیوست. (۱)

۴. وی نخستین بانوی معتقد به ولایت امیر مؤمنان ۷ بود که پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در شب ارتحالش فرمود: «باید به ولایت علی بن ابی طالب شهادت دهی.» خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گفت: «به ولایت او ایمان آوردم و بیعت کردم.» (۲)

۵. او نخستین بانویی بود که از دست مبارک پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از انگور بهشتی تناول فرمود. (۳)

## غروب غمبار

۲۵ سال تمام پیامبر رحمت با وی انس داشت و او تنها ستارهٔ فروزان خانهٔ پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و نگاه‌های جاذب و غم‌زدایش تنها مایهٔ تسلّی رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در محیط خانه بود؛ از این رو غم ارتحالش به همین مقدار بر فرستادهٔ خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که دریای عواطف بود، سخت و جانگداز بود. نوشته‌اند که آن جناب، در غم ارتحال همسرش به قدری اندوهگین شد که بر سلامتی اش نگران شدند. (۴)

به محضر پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفته شد: «پس از ارتحال خدیجه خیلی افسرده شده‌اید.» فرمود: «او مادر فرزندان و کدبانوی خانه ام بود» و می‌فرمود: «خداوند، محبت او را در دلم قرار داده بود.» (۵)

## تاریخ وفات

اختلافی نیست که وفات ایشان، در ماه رمضان رخ داد. (۶) طبری، تاریخ آن را دهم رمضان در

ص: ۳۲

- ۱- . شیخ طوسی، محمّد بن حسن، الامالی، ص ۲۵۹، مجلس ۱۰، ح ۴۶۷.
- ۲- . نسائی، احمد بن شعیب، خصائص امیر المؤمنین، ص ۴۵.
- ۳- . مجلسی، محمّد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۳۳.
- ۴- . هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۲۲۵.
- ۵- . ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۶.
- ۶- . گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، ص ۳۵۹؛ ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، ج ۱، ص ۲۳۷.

سال دهم بعثت ثبت کرده است. (۱)

غالب سیره نویسان متفق القول هستند که وفات آن خانم، در دهم رمضان سال دهم بعثت، سه سال پیش از هجرت در مکه واقع شد. وی در حجون به خاک سپرده شد. شخص پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وارد قبر شد و همسر گرامی اش را در قبر گذاشت. (۲)

### سال غم و اندوه

آن چه مسلم است این است که ارتحال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با فاصله اندکی از رحلت جانگداز بزرگ حامی پیامبر، حضرت ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ اتفاق افتاد؛ از این رو، پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به شدت اندوهگین شد و آن سال را «عام الحزن»، یعنی سال غم و اندوه نام نهاد و همواره می فرمود: «تا ابوطالب و خدیجه زنده بودند، غم و اندوه بر من مستولی نشد». (۳)

امیر بیان در سوگ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، چکامه ای سرود و از او به عنوان «بانوی بانوان» یاد کرد. (۴)

### حق شناسی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، کانون عواطف بود. آن جناب، لحظه ای خدمات، ایثارها، فداکاری ها، شایستگی ها، محبت ها و دیگر فضایل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را فراموش نکرد.

هنگامی که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با ده هزار سرباز جنگی وارد مکه معظمه شد و کعبه را از لوث بت ها پاک کرد، اشراف مکه با اصرار و الحاح از او خواستند که به خانه آنها قدم بگذارد؛ ولی او به رسم وفا به کنار قبر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آمد، آن جا خیمه زد و ایام اقامتش در مکه را در کنار قبر همسرش سپری کرد. (۵)

ص: ۳۳

- ۱- طبری امامی، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، ص ۸.
- ۲- سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ج ۲، ص ۳۱۱؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۸؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۶۲؛ الشبروی، عبدالله بن محمد، الاتحاف بحب الاشراف، ص ۱۲۸.
- ۳- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۱۶.
- ۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۱۴۳.
- ۵- شیخ طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتعجد، ص ۸۱۲.

این عمل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ، گذشته از درس حق شناسی به اُمت، پیام دلنشین و دلنوازی به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ داشت: «هان، ای سنگ صبور من! ای همسر با وفای من! اگر در همه روزهای سخت زندگی ، در دوران محاصره اقتصادی و در آن روزگار خفقان و اختناق جانکاه قریش، در کنار من بودی و آن همه رنج و مشقت را به جان خریدی، اکنون، من پس از فتح قلعه های شرک و نفاق به کنار تربت پاک تو آمده ام تا شادی ام را با تو تقسیم کنم.»<sup>(۱)</sup>

## کتابنامه

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل احمد، علی محمّد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ ق)، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، تحقیق: عبد العزیز بن عبد الله بن باز، بیروت: دار الفکر، ۱۳۷۹ ق.
۳. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمّد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۴. ابن شهر آشوب، محمّد بن علی مازندرانی (م ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب، بیروت: دار الاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۲ ق.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م ۷۷۴ ق)، البدایه والنهایه، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، به کوشش روحیه نحاس، دمشق: ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.
۷. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویّه، تحقیق: طه عبد الرؤف سعد، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۰ ق.
۸. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق (م ۲۸۴ ق)، تاریخ یعقوبی، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۴ ق.

ص: ۳۴

---

۱- طبری، محمّد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۵۷.

١. ابو نعيم، احمد بن عبدالله اصبهاني (م ٤٣٠ ق)، دلائل النبوه، تحقيق: محمّد رؤاس قلعي وعبدالبر عيّاس، بيروت: دار النفائس، ١٤٠٦ ق.
٢. ابوالقاسم كوفي، علي بن احمد (م ٣٥٢ ق)، الاستغاثه في بدع الثلاثه، تهران: مؤسسه الاعلمي، ١٣٧٣ ش.
٣. اربلي، ابوالحسن علي بن عيسى (م ٦٩٢ ق)، كشف الغمّه في معرفه الأئمّه، بيروت: دار الكتاب الاسلامي، ١٤٠١ ق.
٤. ازرقى، محمد بن عبدالله (م ٢٤٨ ق)، اخبار مكّه و ما جاء فيها من الآثار، تحقيق: رشدي صالح ملحسن، مكّه المكرمه: دار الثقافه، چاپ سوم، ١٣٩٨ ق.
٥. بخارى، محمّد بن اسماعيل (م ٢٥٦ ق)، صحيح البخارى، بيروت: دار الجيل، افست چاپ سلطاني، بولاق، ١٣١٣ ق.
٦. جلال الدين سيوطي، عبدالرحمان بن كمال بن محمد خضيرى (م ٩١١ ق)، الخصائص الكبرى، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤٢٤ ق.
٧. حاكم نيشابورى، ابو عبدالله (م ٤٠٥ ق)، المستدرک على الصحيحين، بيروت لبنان: دارالمعرفه، ١٤٠٦ ق.
٨. حسيني شيرازي، سيد محمد، امّهات المعصومين، بيروت: دار العلوم، ١٤٢٤ ق.
٩. حلبى، علي بن برهان (م ١٠٤٤ ق)، السيره الحلبيه، بيروت: دارالمعرفه، ١٤٠٠ ق.
١٠. حميرى قمى، عبد الله بن جعفر (م ٣٠٠ ق)، قرب الإسناد، قم: مؤسسه فرهنگى كوشانپور، ١٤١٧ ق.
١١. خصيبى، حسين بن حمدان، الهدايه الكبرى، بيروت: مؤسسه البلاغ، ١٤١١ ق / ١٩٩١ م.
١٢. ذهبى، محمّد بن احمد بن عثمان، تاريخ الاسلام، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت: دارالكتاب العربى، ١٤١٣ ق.
١٣. ، سير اعلام النبلاء، تحقيق: شعيب ارنووط و حسين اسد، بيروت: مؤسسه الرساله، ١٤١٣ ق.

١. زرقانى، محمد بن عبدالباقى، شرح الزرقانى على المواهب اللدنيه، دارالكتاب العالميه، ١٤١٧ ق/١٩٩٦ م.
٢. سبط ابن جوزى، شمس الدين يوسف بن قزاوغلى (م ٦٥٤ ق)، تذكره الخواص من الامه بذكر خصائص الائمة، قم: مجمع جهانى اهل بيت، ١٤٢٦ ق.
٣. سيد بن طاووس، رضى الدين على بن موسى (م ٦٦٤ ق)، الإقبال لصالح الاعمال، قم: دفتر تبليغات، ١٣٧٧ ش.
٤. سيلوى، غالب، الأنوار الساطعه من الغزاء الطاهره، [بى جا]: چاپخانه علميه، ١٤٢١ ق.
٥. الشبراوى، عبدالله بن محمد، الاتحاف بحبّ الاشراف، منشورات رضى، قم: ١٣٦٣ ش.
٦. شيخ طوسى، ابوجعفر محمد بن حسن (م ٤٦٠ ق)، الامالى، تحقيق: مؤسسه البعثه، قم: دارالثقافه، ١٤١٤ ق.
٧. مصباح المتهدج، بيروت: فقه الشيعه، ١٤١١ ق.
٨. شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبرى بغدادى (م ٤١٣ ق)، مسار الشيعه فى مختصر تواريخ الشريعه، تحقيق مهدي نجف، بيروت: دار المفيد، ١٤١٤ ق.
٩. طبرى امامى، محمد بن جرير بن رستم (م قرن ٥)، دلائل الامامه، قم: مؤسسه البعثه، ١٤١٣ ق.
١٠. طبرى، محمد بن جرير (م ٣١٠ ق)، تاريخ طبرى ( تاريخ الامم والملوك)، به كوشش: گروهى از علماء، بيروت: اعلمى، ١٤٠٣ ق.
١١. عياشى، محمد بن مسعود سلمى سمرقندى (م ٣٢٠ ق)، تفسير العياشى، قم: مؤسسه البعثه، ١٤٢١ ق.
١٢. قزوينى، سيد محمد كاظم، فاطمه الزهراء ٣ من المهد إلى اللحد، بيروت: مؤسسه النور المطبوعات، ١٤١١ ق.
١٣. كاشف الغطاء، محمد الحسين، جنه الماوى، قم: كتابخانه مؤسسه علمى فرهنگى دارالحديث، ١٣٨٠ ق.

١. كليني، ابو جعفر محمد بن يعقوب (م ٣٢٩ ق)، الكافي، تحقيق: علي اكبر غفّاري، بيروت: دار الأضواء، ١٤٠٥ ق.
٢. گنجي شافعي، محمد بن يوسف (م ٦٥٨ ق)، كفايه الطالب في مناقب علي بن ابي طالب، تهران: دار احياء التراث اهل البيت، چاپ سوم، ١٤٠٤ ق.
٣. مجلسي، محمدباقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٨٠ ق.
٤. محدث قمی، شيخ عباس (م ١٣٥٩ ق)، كحل البصر في سيره سيد البشر، بيروت: مؤسسه الوفاء، ١٤٠٤ ق.
٥. موسوی حسینی عاملی، محمد بن حيدر بن نورالدين، بغيه الطالب في حال ابي طالب، قم: المكتبه الحيدريه، ١٤٢٨ ق.
٦. نسائي، احمد بن شعيب (م ٣٠٣ ق)، خصائص أمير المؤمنين، به كوشش: محمدباقر محمودی، تهران: وزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی، ١٤٠٣ ق.
٧. هيثمي، نورالدين علي بن ابي بكر (م ٨٠٧ ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤٠٨ ق.



حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مادر امت (۱)

محمد محسن طبسی

### چکیده

شرح زندگانی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با استناد به مهم ترین منابع تاریخی و روایی اهل سنت و شیعه است. از دیدگاه نویسنده: خدیجه ۳ از بزرگ ترین بانوان اسلام به شمار می رود. او اولین زنی بود که به اسلام گروید؛ چنان که علی بن ابی طالب ۷ اولین مردی بود که اسلام آورد. اولین زنی که نماز خواند، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود. او انسانی روشن بین و دوراندیش، باگذشت، علاقه مند به معنویات، وزین و باوقار، معتقد به حق و حقیقت و متمایل به اخبار آسمانی بود. همین شرافت برای او بس که همسر رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و گسترش اسلام به کمک مال و ثروت او تحقق یافت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از کتب آسمانی آگاهی داشت و علاوه بر کثرت اموال و املاک، او را «ملکه بطحاء» می گفتند. از نظر عقل و زیرکی نیز برتری فوق العاده ای داشت و مهم تر این که حتی قبل از اسلام وی را «طاهره» و «مبارکه» و «سیده زنان» می خواندند.

کلیدواژه: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، ملکه بطحاء، سیده زنان.

سخن از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، سخن از یک دنیا عظمت و پایداری و استقامت در راه هدف است. به حق قلم فرسایی در باره کسی که خداوند بر او سلام و درود فرستاد، بسی مشکل است. اما به مصداق «مالا یدرک کله لا یترک کله»، به بررسی گوشه هایی از شخصیت و زندگی این بزرگ بانو می پردازیم.

ص: ۳۹



خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ۶۸ سال قبل از هجرت به دنیا آمد. (۱) خانواده ای که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را پرورش داد، از نظر شرافت خانوادگی و نسبت های خویشاوندی، در شمار بزرگ ترین قبیله های عرب جای داشت. این خاندان در همه حجاز نفوذ داشت. آثار بزرگی و نجابت و شرافت از کردار و گفتار خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پدیدار بود. (۲)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از قبیله هاشم بود و پدر و اقوامش از ثروتمندان قریش بودند. پدرش خویلد بن اسد قریشی نام داشت. مادرش فاطمه دختر زائد بن اصم بود. (۳)

## اخلاق خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در بین اقوام خود یگانه و ممتاز و میان اقران کم نظیر بود. او به فضیلت اخلاقی و پذیرایی های شایان بسیار معروف بود و بدین جهت زنان مکه به وی حسد می ورزیدند.

دخترت خویلد در سجایا و کمالات اخلاقی زبان زد و نمونه بود و به حق ایشان کفو خوبی برای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. بی تردید می توان گفت که این سجایا و فضایل اخلاقی سبب شد تا خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای همسری پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شایسته شمرده شود. طبق روایات، او برای پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) یآوری صادق بود. (۴)

## آیا خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ قبل از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ازدواج کرده بود؟

معروف است (۵) اولین کسی که به خواستگاری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آمد یکی از بزرگان عرب به نام «عتیق بن عائذ مخزومی» بود. او پس از ازدواج با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، در جوانی در گذشت و اموال بسیاری برای

ص: ۴۰

- ۱- با توجه به این که سن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کمتر از سی سال بوده، پس تاریخ ولادت ایشان غیر از آن است که در متن گفته شده است.
- ۲- کحاله، عمررضا، أعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، ج ۱، ص ۲۷۵.
- ۳- مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷.
- ۴- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۴.
- ۵- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۰؛ مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷؛ محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ارث گذاشت. پس از او «ابی هاله بن المنذر الاسدی» که یکی از بزرگان قبیله خود او بود، با وی ازدواج کرد. ثمره این پیوند فرزندى به نام «هند» بود که در کودکی درگذشت. ابی هاله نیز پس از چندی، وفات یافت و ثروت بسیار از خویش بر جای نهاد.

هر چند این مطلب که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سومین همسر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود و جز عایشه با دوشیزه ای ازدواج نکرد، نزد عامه و خاصه معروف است؛ ولی مورد تأیید همگان نیست. جمعی از مورخان و بزرگان، نظر مخالف دارند؛ برای مثال «ابوالقاسم کوفی»، «احمد بلاذری»، «علم الهدی»، «سیدمرتضی» در کتاب «شافی» و «شیخ طوسی» در «تلخیص شافی» آشکارا می گویند که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، هنگام ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، «عذرا» بود. این معنا را علامه مجلسی نیز تأیید کرده است. او می نویسد: «صاحب کتاب انوارو البده» گفته است که زینب و رقیه دختران هاله، خواهر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بودند. (۱)

برخی از معاصران نیز چنین ادعا کرده اند و برای اثبات ادعای خود کتاب هایی نوشته اند. (۲)

### آشنایی با حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

فضایل اخلاقی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، بسیاری از بزرگان و صاحب منصبان عرب (۳) را به فکر ازدواج با وی می انداخت، ولی خاطرات همسر پیشین به وی اجازه نمی داد شوهری دیگر انتخاب کند. تا این که با مقامات معنوی حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آشنا شد و آن دو غلامی که برای تجارت همراه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرستاده بود، مطالب و معجزاتی که از وی دیده بودند، برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نقل کردند. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فریفته اخلاق و کمال و مقامات معنوی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شد. البته او از یکی از دانشمندان یهود و نیز ورقه بن نوفل، که از علمای بزرگ عرب و خویشان نزدیک خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به شمار می رفت، در باره ظهور پیغمبر آخرالزمان و خاتم الانبیا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مطالبی شنیده

ص: ۴۱

۱- مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷.

۲- ر.ک: عاملی، سید جعفر مرتضی، بنات النبی ام ربانیه، ص ۸۸.

۳- عتبه، شبیه، عقبه بن ابی معیط، ابوجهل و ... (محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۳۹)

بود. (۱) همه این عوامل موجب شد تا خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، حضرت مُحَمَّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به همسری خود انتخاب کند.

## ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

زفاف خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با حضرت مُحَمَّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دو ماه و ۷۵ روز پس از بازگشت از سفر تجارت شام (۲) تحقق یافت. در آن زمان، حضرت مُحَمَّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ۲۵ سال داشت (۳) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ چهل ساله بود. (۴) ابن عباس سن ایشان را ۲۸ سال نقل می کند. (۵) هر چند بعضی از مورخان اهل سنت سعی می کنند این سخن را رد کنند؛ چون راوی آن، مُحَمَّد بن صائب کلبی، از شیعیان است و آنها او را ضعیف می دانند.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به سبب علاقه به حضرت مُحَمَّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مقام معنوی او با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ازدواج کرد و تمام دارایی و مقام و جایگاه فامیلی خود را فدای پیشرفت مقاصد همسرش ساخت.

در عقد ازدواج حضرت مُحَمَّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، عبد الله بن غنم (۶) به آنها چنین تبریک گفت :

هنيئا مريئا يا خديجه قد جرت

لك الطير فيما كان منك باسعد

تزوجت خير البريه كلها

و من ذا الذي في الناس مثل محمد ؟

و بشر به البران عيسى بن مريم

و موسى ابن عمران في اقرب موعد

اقرت به الكتاب قدما بانه

رسول من البطحاء هادو مهتد

(۷)

«گوارا باد بر تو ای خدیجه که طالع تو سعادت مند بوده و با بهترین خلائق ازدواج کردی. چه کسی در میان مردم همانند مُحَمَّد است؟ مُحَمَّد کسی است که حضرت عیسی

- ۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۶۱.
- ۲- . همان، ص ۲۰.
- ۳- . عمادزاده، حسین، زندگانی فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ، ص ۲۹.
- ۴- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۳.
- ۵- . عمادزاده، حسین، زندگی فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ، ص ۲۹.
- ۶- . یکی از رجال قریش و شاعر بود.
- ۷- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۴.

و موسی به آمدنش بشارت داده اند و کتب آسمانی به پیامبری او اقرار داشتند . رسولی که سر از بطحاء (مکه) در می آورد و او هدایت کننده و هدایت شونده است.»

احترام پیغمبر خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

احترام حضرت محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، به خاطر عقیده و ایمان او به توحید بود.(۱)

### خصال خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از بزرگ ترین بانوان اسلام به شمار می رود . او اولین زنی بود که به اسلام گروید؛ چنان که علی بن ابی طالب ۷ اولین مردی بود که اسلام آورد.(۲) اولین زنی که نماز خواند، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود. او انسانی روشن بین و دور اندیش بود. با گذشت ، علاقه مند به معنویات، وزین و باوقار، معتقد به حق و حقیقت و متمایل به اخبار آسمانی بود.(۳) همین شرافت برای او بس که همسر رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و گسترش اسلام به کمک مال و ثروت او تحقق یافت .(۴)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از کتب آسمانی آگاهی داشت و علاوه بر کثرت اموال و املاک، او را «ملکه بطحاء» می گفتند. از نظر عقل و زیرکی نیز برتری فوق العاده ای داشت و مهم ترین که حتی قبل از اسلام وی را «طاهره»(۵) و «مبارکه» و «سیده زنان» می خواندند.(۶)

جالب این است او از کسانی بود که انتظار ظهور پیامبر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می کشید و همیشه از ورقه بن نوفل و دیگر علما جوایب نشانه های نبوت می شد . اشعار فصیح و پر معنای وی در شأن پیامبر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از علم و ادب و کمال و محبت او به آن بزرگوار حکایت می کند.(۷) نمونه ای از اشعار خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در باره پیامبر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چنین است:

ص: ۴۳

- ۱- . محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۷۰؛ مقرّم، سید عبدالرزاق، وفات الزهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ، ص ۷.
- ۲- . مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷.
- ۳- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۱ و ۷۹.
- ۴- . مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷.
- ۵- . ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱.
- ۶- . محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۷.
- ۷- . ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱.

فلواننی امسیت فی کل نعمه

و دامت لی الدنيا و تملك الاکاسره

فما سویت عندی جناح بعوضه

اذا لم یکن عینی لعینک ناظره

(۱)

«اگر تمام نعمت های دنیا از آن من باشد و ملک و مملکت کسرها و پادشاهان را داشته باشم، در نظرم هیچ ارزش ندارد زمانی که چشمم به چشم تو نیافتند.»

دیگر خصوصیت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ این است که او دارای شم اقتصادی و روح بازرگانی بود و آوازه شهرتش در این امر به شام هم رسیده بود. (۲)

البته سجایای اخلاقی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ چنان زیاد است که قلم از بیان آن ناتوان است. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) می فرماید: «افضل نساء اهل الجنه خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمّد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم.» (۳)

چه می توان گفت در شأن کسی که مایه آرامش و تسلاهی خاطر رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بود!؟ در تاریخ می خوانیم: «حضرت محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) هر وقت از تکذیب قریش و اذیت های ایشان محزون و آزرده می شدند، هیچ چیز آن حضرت را مسرور نمی کرد، مگر یاد خدیجه؛ و هر گاه خدیجه را می دید مسرور می شد.» (۴)

ذهبی می گوید: مناقب و فضایل خدیجه بسیار است؛ او از جمله زنان کامل، عاقل، والا، پای بند به دیانت و عفیف و کریم و از اهل بهشت بود. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) کراراً او را مدح و ثنا می گفت و بر سایر امهات مؤمنین ترجیح می داد و از او بسیار تجلیل می کرد، به حدی که عایشه می گفت: بر هیچ یک از زنان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به اندازه خدیجه رشک نورزیدم و این بدان سبب بود که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بسیار او را یاد کرد. (۵)

### درود خدا بر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

خدیجه کبری ۳ چنان مقام والایی داشت که خداوند بارها بر او درود و سلام فرستاد.

ص: ۴۴

۱- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۵۲.

۲- . عمادزاده، حسین، زندگانی فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ، ص ۳۱.

۳- . محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۴.

٤- . همان، ص ٢٠٥.

٥- . ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج ٢، ص ١١١.

طبق روایتی از حضرت امام محمدباقر<sup>۷</sup>، پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هنگام بازگشت از معراج، به جبرئیل فرمود: «آیا حاجتی داری؟ جبرئیل عرض کرد: خواسته ام این است که از طرف خدا و من به خدیجه سلام برسانی.» (۱)

در روایتی دیگر می خوانیم: «روزی خدیجه به طلب رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیرون آمد. جبرئیل به صورت مردی با وی رو به رو شد و از خدیجه احوال رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را پرسید. خدیجه نمی توانست بگوید رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در کجا به سر می برد. او می ترسید این مرد از کسانی باشد که قصد کشتن پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را دارد. وقتی که خدمت آن حضرت رسید و قصه باز گفت، حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: آن جبرئیل بود و امر کرد که از خدا تو را سلام برسانم.» (۲)

### نقش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در پیشبرد اسلام

وقتی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دریافت که سعادت مند شده، هر چه داشت در راه پیشرفت و موقعیت پیغمبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) انفاق کرد. او تمام اموال خویش را به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بخشید و در راه نشر اسلام به مصرف رساند، تا جایی که هنگام ارتحال، پارچه ای برای کفن نداشت.

ابن اسحاق جمله ای در شان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دارد که گویای همکاری و صداقت او در پیشبرد اسلام است. او می گوید: «خدیجه یاور صادق و با وفایی برای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و مصیبت ها در پی رحلت خدیجه و ابوطالب بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سرازیر شد.» (۳)

گویا این دو، در برابر هجوم ناملایمات بر پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، سدی بلند و مستحکم بودند.

این جمله معروف، که اسلام رهین اخلاق پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، شمشیر علی عَلَیْهِ السَّلَامُ، و اموال خدیجه است، (۴) از نهایت همکاری و صداقت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پرده برمی دارد.

### فرزندان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

در تعداد فرزندان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، میان مورخان اختلاف است. به گفته مشهور ثمره

ص: ۴۵

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷.

۲- محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۶.

۳- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۲۶.

۴- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح فی سیره النبی الاعظم، ج ۳، ص ۱۹۸.



ازدواج رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، شش فرزند بود: ۱. قاسم؛ ۲. عبدالله (به این دو «طاهر» و «طیب» می گفتند)؛ (۱) ۳. رقیه؛ ۴. زینب؛ ۵. ام کلثوم؛ ۶. فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ.

رقیه بزرگ ترین دخترانش بود و زینب، ام کلثوم و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ به ترتیب پس از رقیه قرار داشتند. پسران خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیش از بعثت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بدرود زندگی گفتند. ولی دخترانش، نبوت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را درک کردند. (۲)

گروهی از محققان معتقدند: قاسم و همه دختران رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از بعثت به دنیا آمدند و چند روز پس از پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به مدینه هجرت کردند. (۳)

### وصیت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

حضرت خدیجه ۳ سه سال قبل از هجرت بیمار شد. (۴) پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به عیادت وی رفت و فرمود: ای خدیجه! «اما علمت ان الله قد زوجني معك في الجنة؛ آیا می دانی که خداوند تو را در بهشت نیز همسرم ساخته است؟!» آن گاه از خدیجه دل جویی و تفقد کرد؛ او را وعده بهشت داد و درجات عالی بهشت را به شکرانه خدمات او توصیف فرمود. (۵)

چون بیماری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شدت یافت، عرض کرد: یا رسول الله! چند وصیت دارم: من در حق تو کوتاهی کردم، مرا عفو کن. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: هرگز از تو تقصیری ندیدم و نهایت تلاش خود را به کار بردی. در خانه ام بسیار خسته شدی و اموالت را در راه خدا مصرف کردی.

عرض کرد: یا رسول الله! وصیت دوم من این است که مواظب این دختر باشید و به فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ اشاره کرد چون او بعد از من یتیم و غریب خواهد شد. پس مبادا کسی از زنان قریش به او آزار برساند. مبادا کسی به صورتش سیلی بزند. مبادا کسی بر او فریاد

ص: ۴۶

۱- . بعضی مدعی هستند که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دو پسر به نام قاسم و عبدالله داشت که ملقب به طیب و طاهر بودند، نه این که غیر از قاسم و عبدالله فرزندان بی نام طیب و طاهر داشته باشد. (محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۶۷)

۲- . سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۶۷.

۳- . مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷.

۴- . محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۷۰.

۵- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۲۰.

بکشد. مبدا کسی با او برخورد غیر ملایم و زننده ای داشته باشد.

اما وصیت سوم را شرم می کنم برایت بگویم. آن را به فاطمه عرض می کنم تا او برایت بازگو کند. سپس فاطمه را فراخواند و به وی فرمود: «نور چشمم! به پدرت رسول الله بگو: مادرم می گوید: من از قبر در هراسم؛ از تو می خواهم مرا در لباسی که هنگام نزول وحی به تن داشتی، کفن کنی.»

پس فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ از اتاق بیرون آمد و مطلب را به پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عرض کرد. پیامبر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آن پیراهن را برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فرستاد و او بسیار خوشحال شد. هنگام وفات حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) غسل و کفن وی را به عهده گرفت. ناگهان جبرئیل درحالی که کفن از بهشت همراه داشت، نازل شد و عرض کرد: یا رسول الله، خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید: «ایشان اموالش را در راه ما صرف کرد و ما سزاوارتریم که کفنش را به عهده بگیریم.»(۱)

### وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در سن ۶۵ سالگی(۲) در ماه رمضان(۳) سال دهم بعثت در خارج از شعب ابوطالب(۴) جان به جان آفرین تسلیم کرد. پیغمبر خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شخصاً خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را غسل داد، حنوط کرد و با همان پارچه ای که جبرئیل از طرف خداوند برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آورده بود، کفن کرد. رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شخصاً درون قبر رفت، سپس خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را در خاک نهاد و آن گاه سنگ لحد را در جای خویش استوار ساخت. او بر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اشک می ریخت، دعا می کرد و برایش آمرزش می طلبید. آرامگاه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در گورستان مکه در «حجون» واقع است.(۵)

رحلت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای پیغمبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مصیبتی بزرگ بود؛ زیرا خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یاور پیغمبر خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود

ص: ۴۷

- ۱- حائری مازندرانی، محمد مهدی، شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۳۵؛ خسروی، موسی، پند تاریخ، ج ۲، ص ۲۲.
- ۲- چنان که گفتیم سن ایشان کمتر از این مقدار بوده است.
- ۳- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۲. طبق قولی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در ماه رجب رحلت کرد. (شیخ طوسی، محمد بن حسن، المصباح المتعجد، ص ۵۶۶)
- ۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۱۴.
- ۵- همان، ص ۲۱.

و به احترام او بسیاری به حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) احترام می گذاشتند و از آزار وی خودداری می کردند.

## یاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با این که بعد از رحلت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با زنانی چند ازدواج کرد؛ ولی هرگز خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را از یاد نبرد. عایشه می گوید: هر وقت پیغمبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) یاد خدیجه می افتاد، ملول و گرفته می شد و برای او آرمزش می طلبید. روزی من رشک ورزیدم و گفتم: یا رسول الله! خداوند به جای آن پیرزن، زنی جوان و زیبا به تو داد.

پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ناگهان بر آشفت و خشمگینانه دست بر دست من زد و فرمود: خدا شاهد است خدیجه زنی بود که چون همه از من رومی گردانیدند، او به من روی می کرد؛ و چون همه از من می گریختند، به من محبت و مهربانی می کرد؛ و چون همه دعوت مرا تکذیب می کردند، به من ایمان می آورد و مرا تصدیق می کرد. در مشکلات زندگی مرا یاری می داد و با مال خود کمک می کرد و غم از دلم می زدود. (۱)

حضرت امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمود: «وقتی خدیجه از دنیا رفت، فاطمه کودکی خردسال بود، نزد پدر آمد و گفت: «یا رسول الله امی؟»؛ مادرم کجا است؟ پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سکوت کرد. جبرئیل نازل شد و گفت: خدایت سلام می رساند و می فرماید: به زهرا بفرما، مادرت در بهشت و در کاخ طلایی که ستونش از یاقوت سرخ است و اطرافش آسیه و مریم هستند، جای دارد. (۲)

## کتابنامه

۱. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].

حائری، محمد مهدی (م ۱۳۶۹ ش)، شجره طوبی، النجف الاشرف: المکتبه الحیدریه،

ص: ۴۸

۱- همان، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

۲- صفوری شافعی، عبدالرحمان بن عبدالسلام، نزهه المجالس، ص ۱۱۰.

۱. ۱۳۸۵ ق.

۲. خسروی، موسی، پند تاریخ، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۲ ش.

۳. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، تحقیق: شعیب ارنؤوط و حسین اسد، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.

۴. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، چاپ هشتم، ۱۳۷۲ ش.

۵. صفوری شافعی، عبدالرحمان بن عبدالسلام، نزهة المجالس و منتخب النفايس، بیروت: دار الإیمان.

۶. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سيره النبي الأعظم، بیروت: دارالهادی، ۱۴۱۵ ق.

۷. بنات النبي ام ربائبه، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۸. عمادزاده، حسین، زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، تهران: انتشارات اسلام.

۹. کحاله، عمر رضا (م ۱۴۰۷ ق)، أعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ چهارم.

۱۰. مامقانی، عبدالله بن محمد حسن (م ۱۳۵۱ ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف: طبع رحلی، چاپ سنگی، مطبعه رضویه، [بی تا].

۱۱. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.

۱۲. محدث قمی، شیخ عباس (م ۱۳۵۹ ق)، سفینه البحار، تحت اشراف علی اکبر الهی خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ ق.

۱۳. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ق.

ص: ۴۹



## خدیجه کبری نخستین زن مسلمان (۱)

جواد محدثی

## چکیده

شرح حال و بیان فضائل اخلاقی حضرت خدیجه علیها السلام با استناد به منابع مهم تاریخی و حدیثی است. از دیدگاه نویسندگان: بزرگ ترین ستایش ها از زبان پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در باره این بانوی پاک و نجیب نقل شده است. بانویی بزرگوار، سال هایی چند وارد زندگی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شد و با او زیست و همراهی کرد و دلنشین ترین خاطرات را در ذهن رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برجای گذاشت. بارها پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به همسرش فرمود: «ای خدیجه! جبرئیل بر تو سلام می رساند.» در یک نوبت، جبرئیل امین این پیام را از سوی خداوند آورد: «ای محمد! از سوی پروردگار، به خدیجه سلام برسان.» پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به همسرش فرمود: «ای خدیجه! اینک این جبرئیل امین است که از پروردگارت به تو سلام می رساند.» حضرت خدیجه علیها السلام در پاسخ گفت: «خداوند، خودش سلام است و سلام از او است. بر جبرئیل هم سلام و درود باد.» پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرمود: «برترین زنان بهشتی چهار نفرند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون.» آن حضرت، این چهار بانوی بزرگ را سرآمد زنانی می دانست که به کمال رسیده اند و سرور همه زنان جهان معرفی کرد.

کلیدواژه: حضرت خدیجه علیها السلام، رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، سیده زنان عالم، دعوت به دین، سلام الهی.

ص: ۵۱

در ادامه الگوگیری از اسوه های ایمان و فضیلت، به شخصیت برجسته عالم اسلام و همدوش و همراه بعثت نبوی و یار صمیمی لحظات سخت زندگی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، یعنی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می رسیم که یکی از چهار زن برگزیده عالم است. باشد که فضایل این بانو، سرمشقی برای زنان جامعه ما باشد.

## ولادت و خاندان

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از قبیله قریش بود. پدرش «خویلد» و مادرش «فاطمه بنت زائده» بود که هر دو از ریشه دارترین و اصیل ترین خاندان های عرب در حجاز به شمار می رفتند.

چهل ساله بود که با حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که در آن هنگام ۲۵ ساله بود ازدواج کرد و پس از پانزده سال، حادثه بعثت پیش آمد. از این نقل تاریخی می توان نتیجه گرفت که ولادت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ۵۵ سال پیش از بعثت حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده است.

خاندان او از شرافت خاصی برخوردار بودند. پدر بزرگ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، یکی از اعضای برجسته «حلف الفضول» بود، پیمانی که پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز قبل از بعثت به آن پیوست و همیشه به عضویت در آن افتخار می کرد؛ چون هدف آن پیمان، حمایت از مظلومان و دفاع از حق بود.

پسر عمویش «ورقه بن نوفل» بود، که اهل فضل و سواد و آشنایی با کتاب های یهود و نصارا بود. خانه و خاندان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیوسته پناهگاه امن یتیمان و درماندگان محسوب می شد و او همواره به مستمندان رسیدگی می کرد و فقرا از او بهره مند می شدند. (۱)

## ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

او را از زنان ثروت مند عرب دانسته اند. شترهای بسیاری از او همواره در راه های تجارتنی مکه و شام در رفت و آمد بودند و کارگزاران فراوانی نیز در امر تجارت در خدمت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فعالیت می کردند.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زندگی مرتب و مرفهی داشت و از حیث شرافت خانوادگی و ثروت

ص: ۵۲

سرشار، موقعیت اجتماعی بالایی داشت و خانه او آراسته بود و قبه ای حریری داشت. (۱) در عین حال، با فقیران بی بضاعت همدردی می کرد و از مال و توان خویش در راه کمک به بینوایان بهره می گرفت و گاهی خدمت کارش «میسره» را فرا می خواند و کیسه های پول به او می داد تا میان تهی دستان تقسیم کند.

## ازدواج با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

خدیده کبری عَلِيهَا السَّلَامُ پیش از ازدواج با حضرت مُحَمَّد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، با «ابوهاله بن نباش» ازدواج کرده بود و از او پسری به نام «هند» داشت. این کودک، سه ساله بود که ابوهاله در گذشت. خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ پس از او با مردی از قبیله مخزوم، به نام «عتیق» ازدواج کرد و از آن شوهر هم دختری نصیب وی شد. پس از درگذشت شوهر دومش، از مردان کناره گرفت و به خواستگاران بسیاری که آرزوی همسری با او را داشتند پاسخ منفی داد و در دنیای تنهایی خویش روزگار می گذراند و به کار بازرگانی می پرداخت.

در همان سال ها یک بار هم حضرت مُحَمَّد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) که جوانی بیست و چند ساله بود، از سوی خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ به کار تجارت پرداخت و در رأس کاروانی به سفر شام رفت. غلام خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ هم در این سفر همراه او بود. در این سفر، اتفاقات عجیبی افتاد و سود سرشاری هم نصیب حضرت مُحَمَّد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) شد که همه را تحویل خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ داد و گزارش سفر شام را بیان کرد.

خدیده عَلِيهَا السَّلَامُ، سخت شیفته صداقت، معنویت، گفتار و امانت داری حضرت مُحَمَّد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) شد. (۲) در پی آن، پیشنهاد ازدواج با آن حضرت را بر زبان آورد و از طریق یکی از دوستانش به نام «نفیسه»، اشتیاقش را به اطلاع مُحَمَّد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) رساند.

پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، این پیشنهاد را با عمویش ابوطالب عَلِيهِ السَّلَامُ در میان گذاشت. سپس به اتفاق ابوطالب عَلِيهِ السَّلَامُ و عموی دیگرش حمزه به خواستگاری خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ رفتند و پس از گفت و گوهایی توافق حاصل شد و خطبه عقد را حضرت ابوطالب عَلِيهِ السَّلَامُ خواند. بدین سان خدیجه کبری عَلِيهَا السَّلَامُ این افتخار را یافت که به همسری خاتم رسولان و مرد فصیح عرب و امین قریش درآید و راه کمال و انسانیت را

ص: ۵۳

۱- . محدث قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۹۹.

۲- . همان.



با شتاب بیشتری در کنار حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) طی کند. (۱)

## پشتیان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

گفتیم که خدیجه کبری عَلِيهَا السَّلَامُ، در چهل سالگی با حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که ۲۵ ساله بود، ازدواج کرد. برخی او را بر این ازدواج ملامت می کردند، اما او که در سیمای آینده همسر جوانش، فروغ معنویت را می دید، از این ازدواج خرسند بود و تحت تأثیر حالات عرفانی او قرار می گرفت. گاهی که محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای عبادت خدا به خلوت «غار حرا» می رفت و با خدا انس می گرفت، خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ هم به او سر می زد و برایش آب و غذا می برد و چشم به راه روزی بود که خورشید نبوت از افق زندگی آنان طلوع کند و او به خدای یکتا و دین آسمانی ایمان آورد.

در همان حال می کوشید تا از هیچ خدمتی به شوهر گرامی اش کوتاهی نکند و برای حفاظت او از گزند بدخواهان یهود، تلاش کند، به دعا پردازد و صدقه بدهد.

پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در چهل سالگی در غار حرا به نبوت مبعوث شد. آن چه از آیات الهی در طلیعه بعثت شنید، او را دگرگون ساخت. به خانه آمد، آن چه را دیده بود باز گفت. خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ، شنیده های خود و حالات حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را با «ورقه بن نوفل» در میان گذاشت. وی به خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ گفت: «به خدایی که جانم در دست او است، ای خدیجه، اگر آن چه را که می گویی راست گفته باشی، همان ناموس اکبری که بر موسی و عیسی فرود می آمد، بر او نازل شده است. او پیامبر این امت است. به او بگو ثابت قدم باشد و به امر نبوت خویش یقین داشته باشد.» (۲)

## اولین زن مسلمان

خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ از این بشارت، بسیار خرسند شد، به خانه شتافت و پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را دید که به خواب رفته و بر پیشانی او قطرات عرق نشسته است که نشانه نزول آیات وحی (سوره مدثر) بر او بود. در کنار او نشست. وقتی حضرت چشم گشود، با سیمای مهربان همسرش رو به

ص: ۵۴

۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۷.

رو شد و فرمود: همسر! روزگار خواب و استراحت به سر آمد. این پیک وحی، جبرئیل امین است که نازل شده و مرا مأموریت داده تا مردم را از ثمره زشت کاری هایشان آگاه کنم و به خدای یکتا فراخوانم. اینک کیست که دعوت مرا اجابت کند؟<sup>(۱)</sup>

و... خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اولین زنی بود که دعوت اسلام را پذیرفت و به آن حضرت ایمان آورد و توحید را از جان و دل قبول کرد و در خانه پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، نور ایمان پرتو افشانی کرد. این افتخار بزرگی برای حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود.

امام علی عَلَیْهِ السَّلَامُ می فرماید: «تنها خانه ای که بر محور اسلام بر پا بود، خانه پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود و من سومین نفر آن دو بودم.»<sup>(۲)</sup>

این گونه بود که راه تازه ای پیش پای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گشوده شد و او از نخستین لحظات طلوع خورشید اسلام، در کنار پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و به حمایت و فداکاری و ایثار پرداخت و همه صدمات و سختی ها را هم بر جان خرید و سال های سخت محاصره قریش را در «شعب ابی طالب» گذراند.

همراهی همه جانبه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با دعوت نبوی و حمایت بی دریغ او از پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، نمونه بارز یک همسر فداکار و آرمانی را نشان می داد.

او به حَقانیت راه همسرش ایمان داشت. از این رو او را در هیچ صحنه ای تنها نگذاشت. سه سالی را که پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مسلمانان در «شعب ابی طالب» به سختی روزگار می گذراندند، از همراهی و همدلی با آنان دریغ نداشت و همه ثروت هنگفتی را که در اختیار داشت، تقدیم رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کرد تا در راه اسلام خرج کند و با فشار مالی و محاصره اقتصادی دشمنان دین، مقابله نماید.

این سخن مشهور که «اگر شمشیر علی عَلَیْهِ السَّلَامُ برای دفاع از اسلام و جهاد با مشرکان نبود و اگر ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای دفاع از مسلمانان نبود، هرگز اسلام پا برجا نمی شد»<sup>(۳)</sup> اشاره به نقش مهم این حمایت مالی و جان نثاری های میدان جهاد است، و گر نه حقیقت اسلام و

ص: ۵۵

۱- . سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲- . محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۳- . ما قام الاسلام الا بسيف علي و مال خديجه.

پیام روشن آن، مایه پیشرفت بود.

«خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در سنینی نبود که تحمل رنج و سختی بر او آسان باشد و از کسانی نبود که در جریان زندگی با تنگی معیشت و محرومیت ها و تلخ کامی ها خو گرفته باشد. با وجود این، راضی شد سختی هایی را که در اثر محاصره شدن بنی هاشم در شعب ابی طالب از طرف قریش تحمیل می شد، تا سر حدّ مرگ تحمل کند.»<sup>(۱)</sup>

### از زبان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ

بزرگ ترین ستایش ها از زبان پیامبر خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) در باره این بانوی پاک و نجیب نقل شده است. بانویی بزرگوار، سال هایی چند وارد زندگی پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) شد و با او زیست و همراهی کرد و دل نشین ترین خاطرات را در ذهن رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) برجای گذاشت. بارها پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) به همسرش فرمود: «ای خدیجه! جبرئیل بر تو سلام می رساند.» در یک نوبت، جبرئیل امین این پیام را از سوی خداوند آورد: «ای محمد! از سوی پروردگار، به خدیجه سلام برسان.»

پیامبر خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) به همسرش فرمود: «ای خدیجه! اینک این جبرئیل امین است که از پروردگارت به تو سلام می رساند.» حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در پاسخ گفت: «خداوند، خودش سلام است و سلام از او است. بر جبرئیل هم سلام و درود باد.»<sup>(۲)</sup>

پیامبر خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) می فرمود: «برترین زنان بهشتی چهار نفرند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون.»<sup>(۳)</sup>

آن حضرت، این چهار بانوی بزرگ را سرآمد زنانی می دانست که به کمال رسیده اند و سرور همه زنان جهان معرفی کرد.

### به یاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

محبت ها و خوبی های خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ هرگز از یاد پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) نمی رفت. هر گاه رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) گوسفندی ذبح می کرد، می فرمود: «آن را بین دوستان خدیجه تقسیم کنید.» روزی عایشه

ص: ۵۶

۱- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، زینب بانوی قهرمان کربلا، ص ۲۱.

۲- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۱۹.

۳- همان، ص ۷۲۰.

علت این کار را پرسید، فرمود: «من دوست خدیجه را هم دوست دارم.» (۱)

این مربوط به سال های پس از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود که خاطرات شیرین دوران زندگی با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، بر دل و جان پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقش بسته بود.

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همواره از او به نیکی یاد می کرد. عایشه می گوید: «پیامبر از خانه بیرون نمی رفت مگر آن که خدیجه را یاد می کرد و او را می ستود. یکی از روزها که از خدیجه به نیکی یاد می کرد، مرا رشک و حسد فرا گرفت. گفتم: یا رسول الله! آیا جز این است که او پیرزنی بود که از دنیا رفته است، خداوند بهتر از او را نصیب تو کرده است؟ پیامبر خشمگین شد و فرمود: نه به خدا سوگند، هرگز خداوند بهتر از او را به من عوض نداده است. او به من در حالی و شرایطی ایمان آورد که مردم دیگر کفر ورزیدند و مرا در دورانی تصدیق کرد که دیگران مرا تکذیب کردند و با مال خود مرا یاری نمود؛ آن گاه که مردم مرا محروم ساختند و پروردگار، مرا تنها از او صاحب فرزندی خجسته قرار داد...» (۲)

### گل بوستان زندگی

زیباترین و خوش بوتترین گلی که در بوستان زندگی مشترک خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) روید و جهان آفرینش را تا ابد معطر ساخت، فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ بود.

ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به تولد چند دختر و پسر انجامید که فقط حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ برای او ماند و مایه خیر و برکت و تداوم نسل گردید. قاسم و عبد الله دو پسری بودند که به دنیا آمدند و پس از مدتی در گذشتند. دخترانی هم به نام های رقیه، زینب، ام کلثوم برای حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یاد کرده و نوشته اند، اما از این میان، حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ گلی دیگر بود که همتا نداشت.

خداوند برای ولادت این بانو که می بایست مادر یازده امام گردد، تدابیری به کار بست و با تمهیدات خاصی به دنیا آمد. وی برترین و بافضیلت ترین فرزند پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و چنان ارج و

ص: ۵۷

۱- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۷۵.

۲- همان.

قرب و منزلتی یافت که او را «کوثر اهل بیت» نامیدند و چون نسل رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از این فرزند تداوم یافت، سوره «کوثر» در شأن او نازل شد.

حضرت زهرا عَلِيهَا السَّلَامُ در آن دوران که وجود دختر را مایهٔ ننگ می دانستند به عنوان سرور زنان جهان (سیده نساء العالمین) و برترین بانوی خلقت مطرح بود و مورد تکریم حضرت رسول قرار گرفت و این، نشان دهندهٔ جایگاه والای زن در نظام اسلام و نگرش قرآنی است.

حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ، در کنار این دختر پاک به آرامش روحی می رسید. حتی در دورانی که باردار بود و زنان قریش، کینه توزانه با او برخورد می کردند و از هم صحبتی و هم نشینی با خدیجهٔ کبری عَلِيهَا السَّلَامُ کناره گیری می کردند، طبق روایات، همدم لحظه های تنهایی اش کودکی بود که در شکم داشت و با او حرف می زد. (۱)

### سال اندوه و فراق

پیامبر گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اگر با حزن و اندوهی رو به رو می شد، چهرهٔ باز همسرش خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ غم از دلش می زدود و با وجود او، تسکین می یافت. اما رحلت آن بانوی بزرگوار غمی بزرگ بر دل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نهاد.

وی پس از ۲۵ سال زندگی در کنار خاتم رسولان، در ۶۵ سالگی در دهم ماه رمضان سال دهم بعثت، چشم از جهان فروبست و به سوی بهشت ابدی پر گشود. (۲)

در همان سال، ابوطالب عَلِيهِ السَّلَامُ عموی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز که بزرگ ترین حامی وی بود، به فاصلهٔ یک ماه از دنیا رفت. این دو عزیز، یکی در خانه و داخلهٔ زندگی و دیگری در بیرون و عرصهٔ اجتماع و در برابر مخالفان، از استوارترین حامیان حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به شمار می رفتند. فقدان این دو پشتوانه، بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بسیار گران بود. از این رو آن سال را «عام الحزن» یا «سال اندوه» نامیدند. در آن سال، کفار قریش نیز آزارها و سخت گیری های خود را بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مسلمانان افزودند.

ص: ۵۸

۱- بحرانی اصفهانی، نورالدین عبدالله بن نور، عوالم العلوم والمعارف، ج ۱۱، ص ۴۳.

۲- محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۰.

پیکر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را در قبرستان مُعلا [که اکنون نزدیک پل حُجُون در مکه قرار دارد و به قبرستان ابوطالب مشهور است] دفن کردند. رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیوسته جای خالی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را احساس می کرد و با یاد او به خود تسلی می داد. هر گاه او را یاد می کرد، می گریست و می فرمود: «خدیجه! کجا دیگر مانند خدیجه پیدا می شود؟» (۱)

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از دنیا رفت؛ ولی یک دنیا خاطرات شیرین، درس های زندگی ساز، اخلاقیات والا، فضایل ماندگار و قابل الگوگیری برجای نهاد.

باشد که فروغ جان بخش این اسوه های پاکی و ایمان، روشنی بخش زندگی هامان گردد و در ایمان و ایثار و فداکاری در راه خدا و حمایت از دین حق، به آن الگوی برجسته اقتدا کنیم.

### کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (م ۶۵۶ ق)، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابراهیم، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، چاپ علی محمد بجاوی، بیروت: ۱۴۱۲ / ۱۹۹۲.
۳. ابن عبدالبرّ، یوسف بن عبدالله قرطبی (م ۴۶۳ ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
۴. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویه، به کوشش: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.
۵. بحرانی اصفهانی، نور الدین عبدالله بن نورالله (م ۱۱۷۳ ق)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، تحقیق: مدرسه الإمام المهدی، قم: مدرسه الإمام المهدی، ۱۴۰۸ ق.
۶. بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن (م ۱۴۱۹ ق)، زینب بانوی کربلا، ترجمه: سید رضا صدر، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۷. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.

ص: ۵۹

۱. محدث قمی، شیخ عباس (م ۱۳۵۹ ق)،

سفینه البحار، تحت اشراف علی اکبر الهی خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ق.

۲. ، منتهی الآمال، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۳ ش.

۳. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.

ص: ۶۰

محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَخَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ (۱)

محمد حسن زورق

### چکیده

شرح حال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با استناد به منابع مهم تاریخی و حدیثی است. از دیدگاه نویسندگان: در خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ عشق و ایمان به خدا موج می‌زد و این موج خروشان او را به سوی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می‌برد. قلب محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عشق خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را صمیمانه پاسخ می‌گفت؛ زیرا او در خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بارقه‌هایی از عشق و ایمان هاجر را می‌یافت. محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیغام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ اطلاع داد. پیغام شگفت‌انگیزی بود. زنی که در مقابل هیچ‌یک از مردان بزرگ قریش که کاروان‌های تجاری آنها مانند شهرهای متحرک در جاده‌های شام و یمن در حرکت بودند، سر تسلیم فرود نیاورده بود و درخواست همه آنها را برای ازدواج، بی‌هیچ تردید و با صراحت رد کرده بود، اینک خود، داوطلبانه سر بر آستانه عشق محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می‌سود. او جوانی را انتخاب کرده بود که جز صداقت سرمایه‌ای نداشت و در نظر کسانی که جز ارزش‌های مجسم، چیز دیگری را نمی‌بینند، صداقت و امانت‌داری سرمایه‌ای نبود که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هستی خود را در راه آن بدهد.

کلیدواژه: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، ازدواج، صداقت، ثروت، تبلیغ.

نام محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اخبار ورقه بن نوفل هر دو در یک گوشه از ذهن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ جا گرفته بود؛ در حالی که هنوز بین آنها ارتباط روشنی نمی‌یافت.

ص: ۶۱

۱- شهر گمشده: فاطمه چه گفت...؟ مدینه چه شد...؟ تهران قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی و دلیل ما، چاپ چهارم، ۱۳۸۷، ص

۱۹۱ ۱۹۶.



به هر تقدیر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تصمیم گرفت از مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای همکاری تجاری دعوت کند. پیشنهاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شامل سفر به شام و فروش مال التجاره خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در شام و خرید کالاهای تجاری مناسب برای فروش در بازار مکه بود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ضمناً در پیشنهاد خود ذکر کرده بود که حق الزحمه بیشتری نسبت به آنچه که به سایر کارگزارانش پرداخت می‌کند، به مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواهد داد و میسر، غلام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، نیز بنا به پیشنهاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را همراهی می‌کرد. مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیشنهاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را پذیرفت و همراه با قافله قریش در مقام کارگزار خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، مال التجاره او را به شام برد؛ در حالی که میسر، غلام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، قدم به قدم همراه او بود.

در سرزمین شام آیین مسیحیت رواج داشت و صومعه‌ها و دیرهای راهبان مسیحی در آبادی‌ها به چشم می‌خورد. مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در یکی از منازل در راه مکه و شام در سایه درختی فرود آمد. در آن نزدیکی دیر راهبی بود. راهب دیر که نامش نسطورا بود نزدیک مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد، او را بحیراوار نگریست و از میسر پرسید: «این مرد کیست؟» میسر پاسخ داد: «مردی قریشی از اهل مکه است.» راهب اندیشمندانه زیر لب زمزمه کرد: «زیر این درخت جز پیغمبر کسی فرود نمی‌آید.» میسر این جمله را به یاد سپرد.

مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در شام اموال خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به قیمت خوب فروخت و برای او کالای تجاری مناسبی خرید و به سوی مکه حرکت کرد. در مکه نیز کالای تجاری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به قیمت مناسب به فروش رساند و سود حاصله را در اختیار خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گذاشت.

در تمام طول سفر از مکه به شام و از شام به مکه میسر از نزدیک شاهد رفتار و حرکات مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. میسر احساس می‌کرد که دستی ماورایی نگهبان مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است و او را حفظ می‌کند و از سوی دیگر امانت داری مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به شدت توجه او را به خود جلب کرده بود. پس از پایان سفر و بازگشت به مکه، میسر مشاهدات خود را دقیقاً برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بازگو کرد.

گزارش میسر، اخبار ورقه ابن نوفل و مشاهدات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، همه در کنار هم در ذهن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ جا گرفته بود؛ به ویژه سخن نسطورا که از طریق میسر به گوش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ رسید، برای او تکان دهنده بود: «زیر این درخت جز پیغمبر کسی فرود نمی‌آید.» این سخن

وجود او را از احساسی لطیف و عمیق سرشار می کرد. احساسی که او را به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نزدیک تر می کرد. سرانجام خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ بزرگ ترین انتخاب عمرش را کرد و به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیغام فرستاد: «پسرعموی عزیز! من به واسطه خویشاوندی و شرافتی که تو در میان قریش داری و هم چنین امانت داری و راستی و خوش خلقی که بدان ها ممتاز گشته ای، مایل به شما شده و می خواهم به همسری شما درآیم.»

پیغام خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ بسیار روشن و صریح بود و انتخابش در کمال آگاهی و تأمل صورت گرفته بود. خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در لحظه ازدواج با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چهل سال داشت و محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ۲۵ ساله بود. خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در سنی نبود که بر اساس احساسات زودگذر، تصمیمات عجولانه و شتابزده بگیرد. به علاوه شخصی حسابگر و مال اندیش بود که بر اساس محاسبه و دقت و مطالعه کار می کرد و به همین دلیل ثروت فراوانی به دست آورده بود. گذشته از همه این ها، خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ قبل از محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دو بار ازدواج کرده بود و تصمیم او به ازدواج با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بر اساس هیجاناتی که دختران جوان دچار آن می شوند، نبود. خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ حقیقتاً دست به یک تجارت بزرگ زد. او در این تجارت ثروتش را می داد و در مقابل رضایت خداوند را می خرید. او می خواست با همه وجودش از محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حمایت کند. پیشنهاد او به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، او را به پیمانی که در دل با خدا داشت، وفادارتر می کرد.

در خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ عشق و ایمان به خدا موج می زد و این موج خروشان او را به سوی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می برد. قلب محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عشق خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ را صمیمانه پاسخ می گفت؛ زیرا او در خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ بارقه هایی از عشق و ایمان هاجر را می یافت. محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیغام خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ را به ابوطالب عَلِيهِ السَّلَامُ اطلاع داد. پیغام شگفت انگیزی بود. زنی که در مقابل هیچ یک از مردان بزرگ قریش که کاروان های تجاری آنها مانند شهرهای متحرک در جاده های شام و یمن در حرکت بودند، سر تسلیم فرود نیاورده بود و درخواست همه آنها را برای ازدواج، بی هیچ تردید و با صراحت رد کرده بود، اینک خود، داوطلبانه سر بر آستانه عشق محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می سود. او جوانی را انتخاب کرده بود که جز صداقت سرمایه ای نداشت و در نظر کسانی که جز ارزش های مجسم، چیز

دیگری را نمی بیند، صداقت و امانت داری سرمایه ای نبود که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هستی خود را در راه آن بدهد.

احتمالاً در میان خانواده و بستگان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، جز ورقه ابن نوفل کسی از تصمیم او استقبال نکرد و مسلماً عده زیادی از زنان قریش او را شماتت کردند. «با آن همه ثروت به همسری محمّد دل باخته ای؟! چرا؟!» به نظر آنها، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که همیشه در معاملات تجاری اش سود می کرد، این بار قمار زندگی را باخته بود.

محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز متقابلاً به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تمایل داشت. اگر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در وجود محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در جست و جوی حقیقتی بود که زنان قریش آن را نمی دیدند و مفهوم انتخاب خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را درک نمی کردند، محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز در خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ حقیقتی را می دید که غیر از خواسته های متعارف جوانان است. محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اگر می خواست، می توانست دختر جوانی را انتخاب کند. دختری که از او جوان تر باشد و بتواند از او کام دل بگیرد؛ ولی او به چیزی که نمی اندیشید، کامجویی بود. محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با انتخاب خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، به انتخاب خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز احترام گذاشت. محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) صداقت را انتخاب کرده بود.

حمزه بن عبدالمطلب، عموی محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، پیش خویند رفت و او را رسماً خواستگاری کرد. این عمو و پدر تا چه اندازه ای مخیر بوده اند و تا چه اندازه طبق یک رسم اجتماعی عمل کرده اند؟ بی تردید محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هر دو انتخاب خود را کرده بودند. اگر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را اندیشمندانه انتخاب نکرده بود و مدت ها به او فکر نکرده بود، رسماً پیغام نمی فرستاد، و اگر محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را برنگزیده بود، پیغام او را به اطلاع ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ نمی رساند.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنی بود که تقدیر رفیق تدبیر او بود، و محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مردی بود که می رفت تا سرنوشت بشریت را تغییر دهد و جهانی نو براساس ارزش هایی جدید پدید آورد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنی بود که مردانه تصمیم می گرفت و جوانمردانه بر عهد خویش وفادار می ماند و محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مردی بود که برای آغاز رسالتش به چنین زنی احتیاج داشت. مگر نه این است که در کنار

همه مردان بزرگ خدا یک زن خداپرست ایستاده و به صورت نماد نیمی از بشریت، از حرکت انسان در مسیر خدا حمایت کرده است؟

قرار ازدواج به آسانی گذاشته شد و مراسم ازدواج به سادگی برگزار گردید. مهریه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بیست شتر بود که آن را خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از اموال خودش داد. مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زیر سقف یک آشیان قرار گرفتند؛ در حالی که در سینه مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آتش عشق به خدا و مردم زبانه می کشید و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پروانه وار در این آتش مقدس می گداخت و به دور آن می گشت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خود را برای چنین سوختنی ساخته بود. او در خطوط چهره مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، حکایت شگفت انگیز سرنوشت هاجر را می خواند و احساس می کرد با جوانمردی باید از مردی حمایت کند که می خواهد از مستضعفان حمایت کند و زنجیر بردگی برده ها را با شعار عبودیت خدا درهم بشکند و قصرهای ستم و بیداد و خودکامگی را فروریزد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ این سرنوشت را در خطوط سیمای مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می خواند؛ ولی صبورانه سکوت می کرد و دلجویانه بر او لبخند می زد.

کانون زندگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با عشق به خدا گرم بود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مادر تمام فرزندان مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شد؛ مگر ابراهیم، کودکی که از کنیزی مصری ماریه سال ها پس از وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به دنیا آمد و خیلی زود از دنیا رفت.

خدا قبل از بعثت به مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سه پسر و سه دختر داد: قاسم، طیب، طاهر، رقیه، زینب و ام کلثوم. تا خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنده بود، مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همسر دیگری نگرفت؛ اگر چه این کار برخلاف رسم عرب بود. هفتمین فرزند پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که پس از بعثت به دنیا آمد، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود.

زندگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از طریق ازدواج با مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وارد مرحله تازه ای شد. احساس جدیدی مانند احساس تولد مجدد، او را فراگرفته بود. احساس می کرد زندگی عطر تازه ای یافته است. احساس نشاط جوانی و شور و شوق آمیخته با پاکی و عصمت وجود او را دربر گرفته

بود. نوعی حس آسمانی در سینه او ریشه می دواند. او خود را پرنده ای می یافت که در افق های تازه ای پرواز می کند و زیر بال و پر خود جهان تازه ای را می بیند. جهانی سبزتر، سرخ تر، لطیف تر و زنده تر از همه آن چیزهایی که تاکنون دیده است. جهانی که می توان با آن صمیمی تر بود و به آن مهربان تر اندیشید.

این احساس دلایل واقعی و عینی داشت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ احساس می کرد با انتخاب مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در راهی قرار گرفته که ورقه ابن نوفل آرزومندانه به آن می اندیشد. آنچه در ذهنیت ورقه ابن نوفل می گذشت برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ عینیت یافته بود. به نظر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بودن به معنی در مسیر یک مشیت شگفت انگیز ازلی قرار گرفتن بود. گذشته از همه این ها، هر چه در دریای روح مواج و آسمانی مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیشتر شنا می کرد، با پاکی، زلالی و عصمت مرز ناپذیر آن آشنا تر می شد و احساس می کرد کسی که در این دریا شنا کند، ساحلی جز فنا در خدا نخواهد یافت و در نتیجه جز به رضایت خدا نخواهد رسید.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) واقعاً به همدلی رسیده بود و در مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بزرگ ترین و شاید تنها همزبان زندگی خود را یافته بود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حرف هایی داشت که هیچ گاه نمی خواست یا نمی توانست آنها را برای دیگران بگوید. مگر نه این است که «ارزش هر دل به اندازه حرف هایی است که برای نگفتن دارد.»(۱) خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در سینه خود، نگفتنی های بسیار داشت. او با مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از ایمان مشترک خود به خدا سخن می گفت و این که چگونه این ایمان رهایی بخش در چنگ ذهن بیمار قریش، آلوده به ارتجاع و شرک شده است و چگونه میراث مشترک ابراهیم را فرزندان او نابود کرده و به یغما برده و دست مایه تجارت و سیاست برتری جویانه قریش کرده اند! و چگونه پرچم رسالت ابراهیم زیر پای فرزندان وی لگد کوب شده است!

بازشناسی میراث ابراهیم عَلَیْهَا السَّلَامُ برای مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یک مسئولیت مشترک بود که بار آن بر دوش آنها و همه افراد معدودی از میان قریش که به ابراهیم وفادار مانده بودند، سنگینی

ص: ۶۶

۱- . تعبیر از دکتر علی شریعتی است.

می کرد. محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خود را شیعه ابراهیم می یافتند. آنها در میان جامعه ای که سنت های جاهلی را ناجونمردانه به ابراهیم نسبت می دهد به مسئولیت شیعه بودن می اندیشیدند. وارث ابراهیم بودن از نظر محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به معنی وارث آدم، نوح، موسی، عیسی بودن و از راه آنان پیروی کردن نیز بود.

استبعاد قریش از راه ابراهیم، رنج بزرگ محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود. بدعت های قریش کعبه را بتخانه کرده بود و مردم را گروه گروه به سوی گمراهی می راند. استکبار قریش سبب انحرافات بسیاری در مکه و در سراسر جزیره العرب شده بود. قریشی یان که خود را تافته جدابافته ای نسبت به سایر اعراب می دانستند، با وضع قوانین تبعیض آمیز و با سوء استفاده از دین و به نام دین، انحرافات خطرناکی را به وجود آوردند. آنها آنچه را ابراهیم برای نجات انسان ها آورده بود، تبدیل به عامل تخدیر، تحقیر و تضعیف مردم کردند.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از طریق همزبانی و هم اندیشی با محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، مسیر تازه ای در زندگی یافته بود. مسیری که هر لحظه با پیمودنش روشن تر، هموارتر و آشنا تر می شد. بذری که بشارت عیسی از زبان ورقه ابن نوفل در سینه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ افشانده بود، ریشه دوانده، ساقه داده و هر لحظه شکوفاتر می شد؛ به گونه ای که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خود را منتظر ظهور می یافت و منتظر او، محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود.

باور خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) روزافزون بود و رفتار و گفتار و زوایای گوناگون زندگی محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آیه های خداوند بود که از آسمان تقدیر ازلی، نازل می شدند.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در زندگی محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، هیچ نکته ای را نمی یافت که با انتظار او از محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مخالف باشد. هر چه زمان می گذشت، پرواز خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با بال عشق محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بلندتر، و فاصله او از هر چه زمینی است، بیشتر می شد و افق های تازه تری از فضای عشق و پرستش در پیش چشم او نمایان می گردید. او هر چه از زمین و زمینی ها بیشتر فاصله می گرفت، فاصله اش از قریش نیز بیشتر می شد؛ به گونه ای که احساس می کرد عملاً با انتخاب محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، در مقابل قریش و ارزش های جاهلی و استکبار قریش ایستاده است.

محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز در کنار خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از رنج غربت جانکاهی که یک روح بزرگ گرفتار در میان آدم های مریض و آرزوهای کوچک و سیاه و اندیشه های پست و کوتاه، می کشد، گریزگاه جدیدی می یافت. او هر چه در جامعه و از جامعه ناروایی می دید که روح او را می آزد، به خانه و آغوش مهر و ایمان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پناه می برد و با او درد دل می کرد. محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در فضای غم انگیز و اندوهبار مکه بت پرست، جز خدا و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ محرم و همزبانی نداشت.

راز و نیازهای محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدا، طولانی، صمیمی و بی تابانه بود. گاه برای ساعت ها با خدا راز و نیاز می کرد. او همواره به هستی، به آفرینش، به فلسفه خلقت انسان، به ابراهیم، به هاجر، به اسماعیل، به کعبه که بت خانه شده بود، به مکه که عیاش خانه شده بود، به قریش که غرق در نعمت و کبر و خودخواهی و جهل و لذت جویی شده بودند، به مستضعفان، به بردگان، به پابرنه ها که زیر تازیانه مستکبران جان می سپردند، و به آینده ... آه! به آینده ای که فراروی او و همه انسان های حقیقت خواه است و به خدا می اندیشید.

آسوده ترین دوران زندگی محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، زندگی مشترک او با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تا قبل از بعثت او بود. محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این دوران از همه خوشبختی هایی که مردم عادی به دنبال آن اند، بهره مند بود؛ زنی ثروتمند و زیبا که به شوهرش عشق می ورزد، فرزندان که به زندگی شور و نشاط می بخشند و آرامشی که در سایه آن می توان خوشبخت زیست و معمولاً کسی که چنین خوشبختی هایی را داشته باشد، آسان آنها را از دست نمی دهد؛ ولی محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هرگز به خوشبختی خود در جامعه ای که تباهی سراسر آن را فراگرفته بود، نمی اندیشید و روح او با این لذت های کوچک و حقیر آرام نمی شد.

سال ها گذشت... اینک محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) غیر از کعبه، که به دور آن طواف می کرد، و خانه و خانواده که به آن در گریز از تباهی جامعه پناه می آورد، گریزگاه تازه ای یافته بود. او در قلعه کوه نور، در خارج از شهر مکه در غار صعب العبور و پنهان در صخره های بزرگ، برای اعتکاف و عبادت می رفت و در آن غار، غرق در اندیشه های بلند و عمیق خود می شد. گاه با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و فرزندان در دامنه کوه نور خیمه می زدند و محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تنها به قلعه کوه صعود می کرد و در غار

حرا به عبادت می پرداخت.

غار حرا مثلثی شکل است. شبیه یک فلش که نوک آن به سوی مسجدالحرام است و در آن تنها به اندازه عبادت یک نفر جا هست. از منفذ دریچه مانند ضلع سمت راست غار، موقعی که رو به کعبه بایستید، می توان کعبه را دید.

محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) معمولاً تمام ماه رمضان را در این غار، به عبادت و تفکر می پرداخت. محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این غار همه شب آسمان را با ستارگانش می دید، ماه را در میان ستارگان می دید. شهر مکه را می دید. کعبه را در میان خانه های مردم می دید و می اندیشید.

ص: ۶۹





خدیجه بنت خویلد<sup>۳</sup>(۱)

نهلا غروی نائینی

چکیده

شرح زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام با استناد به کهن ترین منابع تاریخی دنیای اسلام است. از دیدگاه نویسنده: خدیجه علیها السلام در خانواده مجد و سیادت و ریاست به دنیا آمد و بر اخلاق نیکو پرورش یافت و به حزم و عقل و عفت متصف گردید تا جایی که قومش او را طاهره نامیدند. خدیجه علیها السلام، اولین همسر گرامی پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است و تا زمانی که زنده بود، به سبب شخصیت، صفات کمال و اکرام و تعظیم وی، رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با زنی ازدواج نکرد. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خدیجه علیها السلام را دوست می داشت و احترام می کرد و بر وی ثنا می گفت و او را از همه زنان عالم برتر می دانست، عظمت و شأن او را یادآور می شد و در کارها با وی مشورت می کرد. خدیجه علیها السلام، بانوی صبور، بردبار، باشخصیت و مؤمن بود و همه مصیبت ها را در راه خدا و رسولش تحمل می کرد. با همه ناز و نعمتی که داشت، سه سال محاصره در شعب مکه را برای رضای خدا و پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پذیرفت و همه سرمایه اش را برای نجات مسلمانان و حمایت از اسلام صرف کرد. تنها همین شرف و بزرگی وی را بسنده است که مادر دختری چون فاطمه زهرا علیها السلام بود.

کلیدواژه: حضرت خدیجه علیها السلام، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، ازدواج، دعوت، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

خدیجه علیها السلام دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی قرشی اسدی، همسر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و

ص: ۷۱

مادر فرزندان آن حضرت بود که در سال ۶۸ قبل از هجرت (پانزده سال قبل از عام الفیل) به دنیا آمد. مادرش فاطمه دختر زائده بن الاصم و مادر او هاله دختر عبد مناف بوده است. نامش در جاهلیت طاهره و کنیه اش ام هند بوده؛ زیرا فرزندی به نام هند داشته است. (۱) طبق گفتار اکثر سیره نویسان، قبل از ازدواج با رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ابو هاله بن زراره تمیمی و عتیق بن عائذ مخزومی شوهران خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بوده اند. (۲)

## ازدواج با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بانویی تاجر و باسرف و ثروتمند بود. وی مردان را به اجاره می گرفت و به آنها سرمایه می داد که به مضاربه تجارت کنند. عموهای پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که قصد داشتند همسری برای آن حضرت بگیرند، نزد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ رفتند و از وی خواستند تا سرمایه ای در اختیار محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قرار دهد تا با آن به تجارت رود و با سود حاصل از این تجارت ازدواج کند.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ چون به صفات محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) واقف شد، آن حضرت را برای تجارت به شام فرستاد. در طی سفر میسره (غلام خدیجه) معجزات و کراماتی از حضرت مشاهده کرد و از راهبی شنید که محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیغمبر خدا است. میسره پس از بازگشت همه آنچه را که شنیده بود به اطلاع خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ رساند. شوق و رغبت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به حضرت بیشتر شد و در نهایت به رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ارادت و علاقه خویش را ابراز داشت و پیشنهاد ازدواج کرد. (۳)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عرض کرد: «إِنِّي قَدْ رَغَبْتُ فِيكَ لِقِرَائَتِكَ مِنِّي وَشَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَأَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَحُسْنِ خُلُقِكَ وَصِدْقِ حَدِيثِكَ؛ به سبب خویشاوندیت با من، و شرف و بزرگی و

ص: ۷۲

۱- ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۷۵؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۲؛ جلال الدین سیوطی، عبدالرحمان بن کمال، الدر المنثور فی طبقات ربات الخدور، ص ۱۸۰.

۲- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴؛ قلقشندی، ابوعباس احمد بن علی، نهایه الارب فی معرفه انساب العرب؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۴.

۳- برای اطلاع از کیفیت خواستگاری پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و جواب خویلد پدر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، به کتب تاریخی و سیره و ریاحین الشریعه، جلد دوم و بحار الأنوار، جلد شانزدهم رجوع شود.

امانت داریت در میان قومت، و اخلاق نیکو و راست گویی ات، مایلم با تو ازدواج کنم.»

سرانجام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در سن چهل سالگی، هنگامی که رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ۲۵ سال از سن مبارکش می گذشت، با مهریه دوازده یا سیزده اوقیه(۱) که خود ضمانت پرداخت آن را به عهده گرفت به نکاح رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درآمد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اولین کسی بود که اسلام آورد و همواره حامی و پشتیبان همسرش رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و از بذل جان و مال در راه دین خدا و پیامبرش دریغ نفرمود.

فرزندان: در باره فرزندانش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفتار مختلفی نقل شده است. ابن عبدالبر می نویسد: اجماع اکثر کسانی که انساب را نوشته اند بر این است که چهار دختر و دو پسر بوده اند؛ در حالی که برخی مانند ابن اسحاق چهار دختر و چهار پسر را ذکر کرده اند.(۲)

صدوق به سند خود از ابوبصیر از حضرت ابو عبد الله ۷ روایت می کند که فرمود: «وُلِدَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، مِنْ خَدِيجَةَ، الْقَاسِمُ وَ الطَّاهِرُ وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ، وَ أُمُّ كَلْثُومٍ، وَ زَيْنَبُ، وَ فَاطِمَةُ؛(۳) برای رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه، قاسم، طاهر، که همان عبد الله است و ام کلثوم، رقیه، زینب و فاطمه متولد شدند.»

علی بن عبدالعزیز جزجانی می گوید: فرزندانش رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عبارت بودند از: قاسم، زینب، ام کلثوم، فاطمه، رقیه و عبد الله، و طیب و طاهر لقب های عبد الله بوده است و این سخن صحیح است و بقیه خلط کرده اند. بنابراین، آنچه به صواب نزدیک تر است، این است که فرزندانش آن حضرت عبارت اند از: قاسم، زینب، ام کلثوم، فاطمه، رقیه و عبد الله که پس از اسلام به دنیا آمد و او را طیب و طاهر نامیدند. پسران در خردسالگی از دنیا رفتند؛ ولی دختران زنده ماندند و همه اسلام آوردند و پس از رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به مدینه هجرت کردند.(۴)

ص: ۷۳

- 
- ۱- . اوقیه وزنه معادل هفت مثقال بوده است، امروزه متعارف ۷۱، ۰ درهم است. (لغت نامه دهخدا)
  - ۲- . ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۹؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۷۵.
  - ۳- . شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ج ۲، ص ۴۰۴ باب السبعة.
  - ۴- . ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۵۱ ۱۵۲؛ مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷، من فصل النساء.

کسانی که تعداد فرزندان حضرت را شش نفر ذکر کرده اند، پنداشته اند که طیب و طاهر نیز نام فرزندان دیگر آن حضرت است.

## فضایل

خدیده عَلَیْهَا السَّلَامُ در خانواده مجد و سیادت و ریاست به دنیا آمد و بر اخلاق نیکو پرورش یافت و به حزم و عقل و عفت متصف گردید، تا جایی که قومش او را طاهره نامیدند. ابن سعد ضمن دو خبر که به دو طریق نقل کرده می نویسد: «خدیده اولین کسی است که اسلام آورد.» ابن عبدالبر به سند خود از قتاده آورده است: «اول کسی که به خدا و رسولش ایمان آورد، خدیده بود.» (۱)

ابن عبدالبر به سند خود از پدر ابی رافع می نویسد: «صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَ صَلَّتْ خَدِيجَةُ آخِرَ يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ؛ (۲) پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) روز دوشنبه، روز مبعث، نماز گزارد و خدیده در ساعات آخر آن روز نماز خواند.» صدوق به سند خویش از حضرت ابی عبد الله ۷ روایت می کند که فرمود: «تَزَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ بِخَمْسِ عَشْرَةَ إِمْرَأَةً وَ... وَ أَفْضَلَهُنَّ خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ؛ (۳) رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با پانزده زن ازدواج کرد و خدیده دختر خویلد برترین ایشان بود.»

خدیده عَلَیْهَا السَّلَامُ اولین همسر گرامی پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) است و تا زمانی که زنده بود، به سبب شخصیت، صفات، کمال و اکرام و تعظیم وی، رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با زنی ازدواج نکرد. پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) خدیده عَلَیْهَا السَّلَامُ را دوست می داشت و احترام می کرد و بر وی ثنا می گفت و او را از همه زنان عالم برتر می دانست. عظمت و شأن او را یادآور می شد و در کارها با وی مشورت می کرد.

خدیده عَلَیْهَا السَّلَامُ بانوی صبور، بردبار، باشخصیت و مؤمن بود و همه مصیبت ها را در راه خدا و رسولش تحمل می کرد. با همه ناز و نعمتی که داشت، سه سال محاصره در شعب مکه را برای رضای خدا و پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) پذیرفت و همه سرمایه اش را برای نجات مسلمانان و حمایت از

ص: ۷۴

۱- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۷؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص

۱۸۲۱ و ج ۴، ص ۱۸۲۰.

۲- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۱۹، ش ۱۳.

۳- شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ج ۲، ص ۴۱ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، باب التسعه.

آن زمان که قریش در برابر رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همه نیروهای خود را به کار بست تا او را از دعوتش بازدارد و پیوسته به آزار و اذیت پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مسلمانان مبادرت می کرد و حضرت از سختی ها و مشکلات رنج می برد، در کنارش کسی بود که از بار اندوه هایش بکاهد و در غمش شریک باشد و موجب تسلائی او گردد و همواره او را کمک نماید. تنها او، خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ، زن با ایمان و گرانمایه اش بود که یاور و شریک رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. تنها همین شرف و بزرگی وی را بسنده است که مادر دختری چون فاطمه زهرا عَلِيهَا السَّلَامُ بود.

مجلسی در باره حُب و علاقه حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ نسبت به علی عَلِيهِ السَّلَامُ مطلبی نقل کرده است که مضمون آن چنین است: پس از ازدواج پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ، علی عَلِيهِ السَّلَامُ به دنیا آمد. رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در باره دوستی و محبت علی عَلِيهِ السَّلَامُ صحبت فرمود. خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ به علی عَلِيهِ السَّلَامُ محبت فراوان داشت و برای آن حضرت به وسیله خدمت کارانش، لباس، زیور آلات و ملزومات می فرستاد. مردم می گفتند: این علی عَلِيهِ السَّلَامُ برادر محمّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و محبوب ترین افراد نزد او و نور چشم خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ است. سعادت از همه طرف به آن حضرت روی آورده بود. الطاف و محبت های خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ روز و شب و صبح و عصر به خانه ابوطالب عَلِيهِ السَّلَامُ روان بود.(۱)

از مناقب دیگر خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ، قبول ولایت علی عَلِيهِ السَّلَامُ و اوادش است و با این که در آن زمان مکلف به قبول نبود، آن را اظهار داشت. محلاتی به نقل از مجلسی می گوید: «روزی رسول خدا خدیجه را خواست و در کنار خود نشاند و فرمود: این جبرئیل است و می گوید از برای اسلام شروطی است: اول، اقرار به یگانگی خداوند متعال؛ دوم، اقرار به رسالت رسولان؛ سوم، اقرار به معاد و عمل به اصول و امهات این شریعت و احکام آن؛ چهارم، اطاعت اولی الامر و ائمه طاهرين از فرزندان او یکان یکان با برائت از دشمنان ایشان. خدیجه به همه آنها اقرار نمود و تصدیق کرد.»(۲)

فضایل و صفات این بانوی گرامی، خیلی بیشتر از آن است که قادر به گفتن و نوشتن آن

۱- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۵ ص ۴۳.

۲- . محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲ ص ۲۰۹.

باشیم؛ بنا بر این بهتر است از گفتار رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، کمک بگیریم.

خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در احادیث رسول گرامی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): عکرمه از ابن عباس نقل کرده است که گفت:

«حَطَّ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ حُطُوطٍ، فَقَالَ: ... فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ؛ (۱) رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چهار خط بر روی زمین کشید و فرمود آیا می دانید این خطوط چیست؟ گفتند خدا و رسولش بهتر می دانند. فرمود: بهترین زنان بهشت (چهار تن) خدیجه بنت خویلد، فاطمه بنت محمد، مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم (همسر فرعون) هستند.»

ابن

اثیر به سند خود از انس از رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) روایت کرده است که فرمود: «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ: مَرْيَمُ، آسِيَةُ، خَدِيجَةُ وَفَاطِمَةُ؛ مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه بهترین زنان عالم هستند.»

شیعه و سنی نظیر این حدیث را با عبارات مشابه به طرق مختلف روایت کرده اند (۲)؛ از جمله: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ: خَدِيجَةُ، فَاطِمَةُ، مَرْيَمُ وَ آسِيَةُ؛ أَفْضَلُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ: مَرْيَمُ، آسِيَةُ، خَدِيجَةُ وَ فَاطِمَةُ؛ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ: خَدِيجَةُ، فَاطِمَةُ، مَرْيَمُ وَ آسِيَةُ؛ حَسْبُكَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ: فَاطِمَةُ، خَدِيجَةُ، مَرْيَمُ وَ آسِيَةُ.»

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «أَتَانِي جِبْرِئِيلُ فَقَالَ هَذِهِ خَدِيجَةُ فَأَقْرَأُ مِنْ رَبِّهَا وَ...؛ (۳) جبرئیل نزد من آمد و گفت: این خدیجه است که نزد تو می آید از طرف پروردگار و من بر او سلام گوی و او را به خانه ای از جواهر در بهشت که سر و صدا و رنجی در آن نباشد بشارت ده.»

نیکویی ها و مقام خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ نزد رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آن قدر زیاد است که حتی عایشه نمی تواند

ص: ۷۶

۱- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۷؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۱.

۲- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۷ ۴۳۸؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۲ و ۱۸۲۴؛ شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ص ۲۰۶، باب الاربعه، ش ۲۲ و ۲۳؛ طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الکبیر، ج ۲۳ ص ۷ و ۸.

۳- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۸؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴ ص ۱۸۲۳، ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴ ص ۲۷۳، طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الکبیر، ج ۲۳ ص ۱۱۸ و ۱۵.

از بیان آنها خودداری کند و می گوید:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لَا يَكَادُ يَخْرُجُ مِنَ الْبَيْتِ حَتَّى يَذُكُرَ خَدِيجَةَ فَيُحْسِنُ الثَّنَاءَ عَلَيْهَا...؛ رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خانه بیرون نمی آمد، مگر این که خدیجه را یاد می کرد و او را ستایش می نمود. روزی از او یاد کرد. حسد بردم و گفتم: آیا جز پیرزنی بود؟ خدا بهتر از او به شما عوض داد. پیامبر خشمگین شد و گفت: نه، به خدا قسم که بهتر از وی به من نداده است. او به من ایمان آورد، هنگامی که مردم مرا انکار کردند. او مرا تصدیق کرد، آن گاه که مردم تکذیب نمودند. او با مال خود مرا یاری کرد و خداوند از میان همسران، فقط از خدیجه به من فرزند داد.»

عایشه گوید: بر هیچ یک از زنان پیغمبر به اندازه خدیجه حسد نورزیدم، با این که وی را ندیده بودم؛ زیرا پیامبر او را بسیار یاد می کرد. حتی گوسفند سر می برید و قطعات آن را برای دوستان خدیجه می فرستاد. (۱)

### وفات خدیجه علیها السلام

پس از بازگشت از دوران محاصره سخت شعب مکه، در همان سالی که ابوطالب علیها السلام در گذشت، در رمضان سال دهم یعنی سه سال قبل از هجرت، در سن ۶۴ سالگی دنیا را وداع گفت و رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را تنها گذاشت. گفتار در باره سال وفات حضرت خدیجه علیها السلام متفاوت است. برخی مانند قتاده، سال سوم قبل از هجرت را ذکر کرده اند و عده ای مانند ابو عبیده معمر بن المثنی، سال پنجم را متذکر شده اند؛ در حالی که سال چهارم هم گفته شده است.

گفته قتاده به صواب نزدیک تر است؛ زیرا همه گفته اند که چند روز بعد از ابوطالب علیها السلام از دنیا رفت، و سال رحلت ابوطالب علیها السلام را سال سوم قبل از هجرت ذکر کرده اند. طبرانی به چند طریق و مجلسی و زرکلی نیز نقل کرده اند که وفات خدیجه علیها السلام سال سوم قبل از هجرت رسول

ص: ۷۷

---

۱- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴ ص ۱۸۲۳ و ۱۸۲۴، ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵ ص ۴۳۸، طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الکبیر، ج ۲۳ ص ۱۲ و ۱۳.



اللَّهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده است. (۱)

ام ایمن کنیز (خادم) پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بدن مبارکش را غسل داد و رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را در حجون دفن کرد و خود، وی را در قبر گذاشت. (در آن سال نماز بر میت هنوز واجب نشده بود). (۲)

رحلت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ مصیبت عظیمی بر رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود؛ زیرا مصائب دیگری به همراه داشت، و پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای رضای خداوند، همه را تحمل کرد. این سال عام الاحزان (سال اندوه ها) نامیده شد.

## سخنان بزرگان

پیروان مذاهب و فرقه ها در زمان های متفاوت، جملگی خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ را به نیکی یاد کرده اند.

ابن عبدالبر و ابن اثیر خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ را از اصحاب رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) معرفی کرده اند و ابن اثیر می نویسد: «كَانَتْ أَوْسَطَ نِسَاءِ قُرَيْشٍ قُرَيْشًا وَأَعْظَمَهُمْ شَرَفًا وَأَكْثَرَهُمْ مَالًا؛ (۳) در میان زنان قریش از نظر نسب و خاندان در حد وسط قرار داشت؛ ولکن شریف ترین و ثروتمندترین ایشان بود.»

ابن اسحاق نوشته است: «كَانَتْ خَدِيجَةَ وَزِيرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ، كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَسِيكُنُ إِلَيْهَا؛ (۴) خدیجه وزیری درست کار برای اسلام بود و رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در کنار او آرامش می یافت.»

شیخ محلاتی می نویسد: «خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ از جهات عدیده بر مریم و آسیه فضیلت دارد؛ چه آن که ملاک فضل بذل مال و علم و عبادت و معرفت و صبر و شکیبایی و حضانت اولاد و تدبیر منزل و نیکو شوهرداری کردن است. آنچه برای خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ فراهم بود، برای آن دو (مریم و آسیه) فراهم نبود. خدیجه کبری عَلِيهَا السَّلَامُ اول زنی است که تصدیق پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کرد و اول زنی است

ص: ۷۸

۱- . طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الكبير، ج ۲۲ ص ۴۵۱ و ۴۵۲؛ زرکلی، خير الدين، الاعلام، ج ۲ ص ۳۰۲؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶ ص ۳.

۲- . ابن سعد واقدي، ابو عبدالله محمد، الطبقات الكبرى، ج ۸ ص ۱۸.

۳- . ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، الاستيعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۵.

۴- . ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵ ص ۴۳۹.

که در مکه با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نماز جماعت خواند و اول زنی است که ایمان خود را در مکه در میان مشرکان اظهار کرد و اول زنی است که دشمن را از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دفع می داد و اول زنی است که تمام اموالش را به رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بخشید و اول زنی است در اسلام که ایمانش به درجه کمال رسید. (۱)

مامقانی می گوید: «بِذَلَّتْ أَمْوَالُهَا فِي رَوَاجِ الْإِسْلَامِ وَتَحَمَّلَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا تَحَمَّلَتْ وَهِيَ فَوْقَ مَرْتَبَةِ التَّقْوَى وَالْوَثَاقَةِ؛ (۲) خدیجه اموالش را در راه رواج و پیشبرد اسلام بخشید و در راه خداوند همه سختی ها را تحمل کرد و از نظر تقوی و وثاقت در مرتبه بالاتر از تقوا و وثاقت (اصطلاح رجالی) بوده است.»

آیت الله خویی گفته است: «وُضُوحُ جَلَالَتِهَا وَ عَظْمُ شَأْنِهَا وَ يَذُلُّ أَمْوَالُهَا فِي سَبِيلِ الْإِسْلَامِ وَ خِدْمَتُهَا لِلنَّبِيِّ الْاَكْرَمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَغْنَانَا عَنِ الْإِطَالَةِ فِي الْمَقَالِ؛ (۳) جلالت و عظمت شأن و مقام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و بخشش اموالش در راه اسلام و خدمت به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چنان آشکار است که نیاز به گفتار در باره آن نیست.»

در کتاب رجال صحیح بخاری، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در زمره نساء حدیث ذکر شده است. (۴)

### بحثی پیرامون ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

مامقانی می نویسد: «کتب فریقین و سیره نویسان گویند خدیجه قبل از ازدواج با رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، همسر ابوهاله بن زراره یا هند بن نباش تمیمی، و پس از آن، ابوهاله عتیق بوده است و در میان همسران رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تنها عایشه دوشیزه بود. اما ابوالقاسم کوفی و احمد بلاذری گویند که خدیجه هنگام ازدواج با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دوشیزه بود و جز رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همسری نداشته است؛ زیرا کسی از اشراف و بزرگان قریش نمانده بود که از خدیجه خواستگاری نکرده باشد، ولی خدیجه هیچ کدام را نپذیرفته بود و وقتی با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ازدواج کرد، زنان قریش با او

ص: ۷۹

- ۱- . محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲ ص ۲۰۳ و ۲۰۸.
- ۲- . مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷، من فصل النساء.
- ۳- . خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۱۸۹.
- ۴- . بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۸۳۵.

قهر کردند و از او کناره گرفتند؛ زیرا با اشراف و بزرگان قریش ازدواج نکرده و محمد یتیم و فقیر را پذیرفته بود.» (۱)

این که کسی نمانده بود تا از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خواستگاری کند و جواب رد بشنود، دلیلی بر ازدواج نکردن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیست و در این که وی با هند بن نباش و ابی هاله ازدواج کرده باشد (و آنها از اشراف قریش بوده اند) و در اثر این ازدواج ها و فوت آنها ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فراهم شده باشد، نیز اشکالی نیست. دلیل محکمی در رد یا اثبات گفتار فوق یافت نشد، اما آنچه بیشتر مشهور است، این است که حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اولین همسر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نبوده است. الله اعلم.

از چه کسی روایت کرده است: رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ).

### چه کسی از وی روایت کرده است؟

ابن عباس، اسماعیل بن ابی حکیم مولى الزبیر، و عبد الله بن حارث.

احادیث: ابن اثیر، ابن عبدالبر و مجلسی حدیثی به سند خود از اسماعیل بن ابی حکیم مولى الزبیر، از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نقل کرده اند که به رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفت:

«يَابْنَ عَمَّ، أَتَسِيَطِعُ أَنْ تُخْبِرَنِي بِصَاحِبِكَ إِذَا جَاءَكَ؟ تَعْنِي جِبْرَائِيلُ ۖ فَلَمَّا جَاءَهُ جِبْرَائِيلُ ۖ قَالَ: يَا خَدِيجَةُ، هَذَا جِبْرَائِيلُ قَدْ جَاءَنِي، قَالَتْ: قُمْ يَا بْنَ عَمَّ فَأَجْلِسْ عَلَيَّ فَيَخِذِي الْيُسْرَى، فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَجَلَسَ عَلَيْهَا، قَالَتْ: هَلْ تَرَاهُ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَتْ: فَتَحَوَّلَ فَاقْعَيْدُ عَلَيَّ فَيَخِذِي الْيَمْنَى، فَتَحَوَّلَ، فَقَالَتْ: هَلْ تَرَاهُ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَتْ: فَاجْلِسْ فِي حِجْرِي، فَفَعَلَ، قَالَتْ: هَلْ تَرَاهُ؟ قَالَ: لَا، قَالَتْ: يَا بْنَ عَمَّ أُثْبِتُ وَأُبَشِّرُ، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَمَلِكٌ (ان هذا لملك كريم) وَمَا هُوَ بِشَيْطَانٍ؛ (۲)

ای پسر عمو! آیا می توانی هنگامی که مصاحبت جبرئیل ۷ می آید، مرا آگاه کنی؟ وقتی جبرئیل ۷ آمد، رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خدیجه فرمود: جبرئیل نزد من آمده است. خدیجه گفت: پسر عمو برخیز و سمت چپ من بنشین. رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برخاست و سمت چپ پهلوی خدیجه

ص: ۸۰

۱- . مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷، من فصل النساء.

۲- . ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۷؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴ ص ۱۸۲۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶ ص ۱۱.

نشست. خدیجه گفت: او را می بینی؟ پیامبر فرمود: بله. خدیجه گفت: برخیز و بر سمت راست من بنشین. آن حضرت جایش را تغییر داد. خدیجه گفت: آیا او را می بینی؟ فرمود: بله. خدیجه گفت: بر دامن من بنشین. پیامبر نشست. خدیجه گفت: او را می بینی؟ فرمود: نه، خدیجه گفت: پسر عمو، ثابت باش و بشارت باد تو را چه آن که به خدا قسم که او فرشته ای است و شیطان نیست.»

مجلسی گوید: دارقطنی به سند خود از ابن عباس از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ روایت کند که گفت:

«سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي فِي عَلِيٍّ خِصَالًا تِسْعًا، ثَلَاثًا فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثًا فِي الْآخِرَةِ وَثَلَاثًا إِثْتَانِ أَنَا مِنْهُمَا آمِنٌ وَوَاحِدَةً أَنَا مِنْهَا وَجِلٌّ، قَالَتْ خَدِيجَةُ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَخْبِرْنِي بِهَذِهِ التَّسْعَةِ مَا هِيَ؟ قَالَ لَهَا النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي فِي الدُّنْيَا يَقْضِي دِينِي وَيَنْجِزُ مَوْعِدِي وَيَسْتُرُ عَوْرَتِي، وَأَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَمَتَّكَايَ يَوْمَ تَحِلُّ شَفَاعَتِي وَالْقَائِمُ عَلَيَّ حَوِي وَقَائِدُ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ، وَأَمَّا الْإِثْنَانِ الَّتِي أَنَا مِنْهُمَا آمِنٌ فَلَا يَرْجِعُ ضَالًّا بَعْدَ هُدًى، وَلَا يَمُوتُ حَتَّى يُعْطِينِي رَبِّي فِي الدُّنْيَا وَوَعْدَنِي، وَأَمَّا الْوَاحِدَةُ الَّتِي أَنَا مِنْهَا وَجِلٌّ فَمَا يَصْنَعُ بِهِ قُرَيْشٌ بَعْدِي؛(۱)»

شنیدم رسول خدا(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرمود: خداوند نه خصلت در باره علی عنایت فرمود: سه خصلت در دنیا و سه خصلت در آخرت. در مورد سه خصلت دیگر، از دو تای آن در امانم و از یکی از آنها بیمناکم. خدیجه گفت: پدر و مادرم فدایت! اما آن نه چیز چیست؟ به من بگو. پیامبر(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: آن سه تای مربوط به دنیا، عبارت اند از: ادا شدن دینم، کامل شدن زمانم و پوشیده شدن زشتی هایم. و سه تای مربوط به آخرت عبارت اند از: تکیه زدن در روزی که شفاعتم گشاینده است، ایستادنم در کنار حوض، و هدایت کردن امتم به طرف بهشت. آن دو که من از آنها در امانم، عبارت اند از: عدم ضلالت پس از هدایت، و دیگر این که نمیرم تا خداوند آنچه به من وعده داده، به من بدهد؛ و آن یکی که از آن بیمناکم، عملی است که قریش بعد از من مرتکب خواهند شد.»

طبرانی به سند خود از عبد الله بن الحارث از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نقل می کند که فرمود:

ص: ۸۱

«قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْنَ أَطْفَالِي مِنْكَ؟ قَالَ: فِي الْجَنَّةِ قُلْتُ: بِإِلَّا عَمَلٍ؟ قَالَ: اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا عَامِلِينَ. قُلْتُ: فَأَيْنَ أَطْفَالِي قَبْلَكَ؟ قَالَ: فِي النَّارِ. قُلْتُ: بِغَيْرِ عَمَلٍ؟ قَالَ: لَقَدْ عَلِمَ اللَّهُ مَا كَانُوا عَامِلِينَ؛ (۱)»

گفتم: ای رسول خدا! جایگاه فرزندانم که از شما پیدا کردم، کجا است؟ فرمود: در بهشت. گفتم: بدون انجام عملی؟ فرمود: خداوند می داند که چه می کردند. گفتم: جایگاه فرزندانم که قبل از شما بودند در کجا است؟ فرمود: در آتش جهنم. گفتم: بدون ارتکاب عملی؟ فرمود: خدا می داند که چه می کردند.»

## کتابنامه

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۲. ، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل احمد، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۴. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن عبدالبرّ، یوسف بن عبدالله قرطبی (م ۴۶۳ ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل (م ۲۵۶ ق)، صحیح البخاری، [چاپ محمد ذهنی افندی]، استانبول ۱۴۰۱ / ۱۹۸۱، چاپ افست بیروت [بی تا].
۷. جلال الدین سیوطی، عبدالرحمان بن کمال بن محمد خضیری (م ۹۱۱ ق)، الدرّ المنثور فی التفسیر المأثور، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.

خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، چاپ پنجم،

ص: ۸۲

---

۱- . طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الکبیر، ج ۲۳ ص ۱۶.

١. [بى جا]، مركز نشر الثقافه الاسلاميه، ١٤١٣ ق.

٢. زركلى، خير الدين (م ١٩٦٦ م)، الأعلام، بيروت: دار العلم للملايين، ١٩٩٠ م.

٣. شيخ صدوق، ابوجعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه قمى (م ٣٨١ ق)،

الخصال، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه، ١٤٠٣ ق.

٤. طبرانى، سليمان بن احمد لخمى (م ٣٦٠ ق)، المعجم الكبير، تحقيق: حمى عبدالمجيد سلفى، قاهره: مكتبه ابن تيميه، [بى تا].

٥. مامقانى، عبدالله بن محمدحسن (م ١٣٥١ ق)، تنقيح المقال فى علم الرجال، نجف: طبع رحلى، چاپ سنگى، مطبعه رضويه، [بى تا].

٦. مجلسى، محمدباقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، بيروت: مؤسسه الوفا، ١٤٠٤ ق.

٧. محلاتى، ذبيح الله، رياحين الشريعه، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٤ ق.

٨. نوبرى، احمد بن عبدالوهاب، نهايه الارب فى فنون الارب، قاهره: [١٩٢٣] ١٩٩٠.



حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اولین شیعه علی عَلَیْهِ السَّلَامُ (۱)

محمد عابدی

### چکیده

شرح زندگانی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با استناد به مهم ترین منابع تاریخی و روایی اهل سنت و شیعه است. از دیدگاه نویسندگان: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بانویی پرهیزکار و پاک دامن بود؛ چنان که به طاهره مشهور شد. او به دلیل استعداد قوی خود، یکی از ثروتمندترین افراد قریش بود. با این همه، همواره بخشی از اوقات خود را در محضر علمای بزرگ و کسب دانش از آنان می گذراند. در همین نشست های علمی بود که متوجه شد، به زودی پیامبری ظهور خواهد کرد. روی دادن اتفاقی چند، سرانجام پیامبر خاتم را شناخت و به تقاضای خود با وی ازدواج کرد. حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ در خانه خدیجه ۳ رشد و نمو می یابد و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مانند مادری مهربان به وی می نگرد. بیشترین لحظات عمر علی عَلَیْهِ السَّلَامُ در این دوره نیز با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سپری می شود. هر چند در خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ است، ولی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چون قصد دارد بر او در تمام مراحل نظارت کند، توجه ویژه ای به او می کند، خصوصاً در دوره های طولانی اعتکاف در غار حرا.

کلیدواژه: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ، امامت، ولایت.

### خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

«کانت خدیجه امراه عاقله شریفه مع ما اراد الله بها من الكرامه و الخیر و هی یومئذ افضلهم نسبا و اعظمهم شرفا و اکثرهم مالاً» (۲)؛ خدیجه بانویی عاقل و شریف بود. به اضافه

ص: ۸۵

۱- مبلغان، شماره ۱۱ (دی ۱۳۷۹)، ص ۸ - ۱۸.

۲- دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ خمیس، ج ۱، ص ۲۶۳.



آنچه خداوند از بزرگواری و خیر نسبت به او اراده کرده بود و او آن روز، برترین در نسب و بزرگ ترین در شرف و ثروتمندترین زنان در زمان خود بود.»

حضرت

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دختر خویلد که ۶۸ سال پیش از هجرت در قریش متولد شده بود (۱) بانویی پرهیزکار و پاک دامن بود؛ چنان که به طاهره (۲) مشهور شد. او به دلیل استعداد قوی خود، یکی از ثروتمندترین افراد قریش بود. با این همه، همواره بخشی از اوقات خود را در محضر علمای بزرگ و کسب دانش از آنان می گذراند. در همین نشست های علمی بود که متوجه شد، به زودی پیامبری ظهور خواهد کرد. (۳) با روی دادن اتفاقی چند، سرانجام پیامبر خاتم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را شناخت و به تقاضای خود با وی ازدواج کرد. این رویداد بزرگ در حدود ۲۸ سال قبل از هجرت روی داد (۴) و از آن پس خدیجه عمر خود را به همدلی، همسری، همرازی و همراهی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گذراند.

### علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نُوْرٌ وَّاحِدٌ

بنا بر نظر مشهور امیر مؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَامُ در سیزدهم رجب سی سال پس از عام الفیل در میان خانه کعبه متولد شد و در آن وقت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیست و هشت ساله بود. (۵) در روایات معتبر می خوانیم: پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «ان الله تبارک و تعالی خلق علیاً من نوری و خلقنی من نوره و کلانا من نور واحد؛ (۶) خداوند تبارک و تعالی علی را از نور من و مرا از نور خودش خلق کرد و هر دوی ما از یک نور هستیم.»

این روایت به خوبی میزان همبستگی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را نشان می دهد، لذا طبیعی

ص: ۸۶

- ۱- . محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۲.
- ۲- . ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلا، ج ۲، ص ۱۱۱؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۳، ص ۲۱.
- ۳- . ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷.
- ۴- . در باره سال ازدواج: دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ خمیس، ج ۱، ص ۲۶۴ و حلبی، علی بن برهان، السیره الحلویه، ج ۱، ص ۴۰، مشهور چهل سالگی است.
- ۵- . ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه، ص ۲۹.
- ۶- . گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۰۶.

است که بعد از تولد علی عَلَیْهِ السَّلَامُ پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نهایت کوشش خود را جهت ارتباط بیشتر با علی عَلَیْهِ السَّلَامُ صرف کنند.

بر اساس منابع تاریخی پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تا سه سالگی علی، در خانه ابوطالب بود. (۱) پس از آن به منزل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ رفت. در طول این مدت پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همواره در تربیت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ می کوشید و با او پیوند داشت، لذا هنگامی که مادر حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ نوزادش را خدمت رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آورد، پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از او خواست، گهواره علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را کنار رخت خوابش قرار دهد، حضرت گهواره علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را تکان می داد؛ به او غذا می داد؛ علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را بغل می گرفت و می فرمود: «این کودک برادر و در آینده ولی، یاور، وصی و همسر دختر من خواهد بود.» (۲)

حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ بعدها این توجه خاص پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را این گونه توضیح داده است: «وقد علمتم موضع من رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بالقرابه القریبه و المنزله الخصیصه وَضَعْنِي فِي حجره و انا ولید یضمنی الی صدره و یکنفنی فی فراشه و یمسّنی جسده و یسّمّنی عرفه و کان یمضغ الشیء ثم یلقّمنی؛ (۳) شما از خویشاوندی نزدیک من با رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مقام مخصوصی که نزد او داشتم، مطلع هستید. مرا در کنار خود قرار می داد، هنگامی که نوزاد بودم، مرا به سینه خود می گرفت و در کنار بستر خود مرا حمایت می کرد و دست بر بدنم می کشید و بوی خوش خود را به مشامم می رساند. او غذا را می جوید و سپس در دهان من می گذاشت.»

### علی عَلَیْهِ السَّلَامُ در خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

طبیعی بود که این عشق و علاقه محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به علی ۷ که از خواستگاری الهی و منبعث از پیوستگی حقیقی آن حضرت به امیر مؤمنان ۷ بود، او را وادار می کرد به نحوی علی ۷ را بیشتر با خود همراه سازد و او را با تربیت الهی خود تربیت کند. لذا می بینیم خود حضرت

ص: ۸۷

۱- صدر، محمدصادق، امیرالمؤمنین در عهد پیامبر، ص ۵۹.

۲- سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، ص ۱۷، به نقل از: اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۹۰.

۳- نهج البلاغه عبده، ج ۲، ص ۱۸۲، خطبه قاصعه.

پیشنهادی به ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ می دهد و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را به خانه اش می آورد و حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ با علی ۷ آشنا می شود.

## دوران قبل از بعثت

علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در خانه خدیجه ۳ رشد و نمو می یابد و خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ مانند مادری مهربان به وی می نگرد. بیشترین لحظات عمر علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در این دوره نیز با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سپری می شود. هر چند در خانه خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ است، ولی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چون قصد دارد بر او در تمام مراحل نظارت کند، توجه ویژه ای به او می کند، خصوصاً در دوره های طولانی اعتکاف در غار حرا و... لذا امام ۷ خود می فرمود: «و لقد كنت أتبعه اتباع الفصيل اثر امه يرفع لي كل يوم من اخلاقه علما و يامرني بالاعتداء به؛(۱) من مانند بچه ناقه ای که دنبال مادر می رود، در پی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می رفتم، هر روز از اخلاق خود نکته ای به من می آموخت و دستور می داد از آن پیروی کنم.»

آری! به تعبیر ابن ابی الحدید: «علی آن چنان با پیامبر همراه بود که هر وقت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از شهر خارج می شد و به غار حرا می رفت، او را نیز با خود می برد.»(۲)

البته حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در این دوره برای تهیه غذا به منزل بر می گشت و از خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ غذای لازم را برای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می گرفت و به حضرت می رساند. هم چنین اگر لازم بود، خبری به خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ یا پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رسانده شود، علی عَلَيْهِ السَّلَامُ این کار را انجام می داد.

## دوره بعثت

### رسالت غیر علنی

آن گونه که گفتیم، ارتباط پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با علی عَلَيْهِ السَّلَامُ صرفاً یک ارتباط عاطفی یا خویشاوندی نبود، بلکه برآمده از پیوندی قدسی بود. از این روی، با این که علی عَلَيْهِ السَّلَامُ هنوز کودکی چندین ساله است، زودتر از خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ ایمان می آورد و خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ بعد از وی به عنوان دومین نفر و اولین زن، اسلام را می پذیرد. بر این اساس پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «أولكم وارداً على الحوض، أولكم

ص: ۸۸

۱- همان.

۲- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۰۸.

اسلاماً، علی بن ابی طالب؛(۱) نخستین کسی که بر حوض (کوثر) بر من وارد می شود، اولین کسی است که اسلام آورد، [یعنی] علی بن ابی طالب است.»

در روایتی دیگر امام علی ۷ نیز بر این واقعت تأکید می کند: «لقد صلیت مع رسول الله قبل الناس بسبع سنين و انا اول من صلی معه؛(۲) من هفت سال قبل از مردم با رسول خدا نماز گزاردم و من اولین کسی هستم که با او نماز گزاردم.

بعد از حضرت علی ۷، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز ایمان می آورد و به این ترتیب خانواده سه نفری رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) همه مؤمن به دین او می شوند.

### شرح یک اشتباه

متأسفانه با وجود روایات متعدد و قراین واضح، عده ای کوشیده اند، نه به خاطر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، که به خاطر دشمنی با علی عَلَیْهِ السَّلَامُ سابقه وی در اسلام را مخدوش کنند. لذا ایمان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را بر او مقدم می دارند. از جمله، در باره ایمان آوردن علی عَلَیْهِ السَّلَامُ می گویند: وقتی علی عَلَیْهِ السَّلَامُ بر پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وارد شد که خدیجه ۳ با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) مشغول نماز بود. علی عَلَیْهِ السَّلَامُ پرسید این عمل چیست؟ ... (۳)

اما با توجه به این که شیعه و سنی گفتار امیرالمؤمنین ۷ را قبول دارند، شیعه به خاطر عصمت امام و اهل سنت به خاطر این که صحابه را عادل می دانند و علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را از صحابه می دانند، می توان این شبهه را با توجه به سخن خود امیر مؤمنان ۷ رد کرد، آن جا که می فرماید: «كنتُ اسمعُ الصوت و ابصر الضوء سنين سبعا و رسول الله(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) حينئذ صامت ما اذن له في الانذار والتبليغ؛(۴) من هفت سال صدا را می شنیدم و نور را می دیدم و پیامبر در آن روز ساکت بود و اجازه انذار و تبليغ به او داده نشده بود.» و در روایتی نیز پیش از این خواندید که حضرت تصریح کرد هفت سال قبل از دیگران با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) نماز می خواند.

ص: ۸۹

۱- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۶؛ علامه امینی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب والسنه، ص ۱۹۱ - ۲۱۳.

۲- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۳.

۳- صدر، محمدصادق، امیرالمؤمنین در عهد پیامبر، ص ۸۹، نقل از سیره سید احمد زینی بن دحلل، ص ۱۰۴.

۴- نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

در روایتی دیگر امام از ایمان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ چنین یاد می کند: «لم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله و خدیجه و انا ثالثهم اری نور الوحی و الرساله و اشم ریح النبوه؛(۱) خانه ای واحد در آن روز در اسلام جمع نشد، غیر از رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و من سومین آن دو بودم. نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را استشمام می کردم.» در هر صورت علی ۷ و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) اولین جامعه اسلامی را تشکیل دادند و در دوره دعوت غیر علنی به اجرای مراسم عبادی و نماز می پرداختند.

در دوره ای که هنوز غیر این سه نفر کسی مسلمان نشده بود، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و علی ۷ به یاری محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) می شتابند و نه تنها در منزل یا کوه حراء، که در کنار مسجد الحرام و کعبه و در منظر و مرعی کفار نماز می خوانند و حضور اولین جامعه کوچک اسلامی را به مسافران و مقیمان اطلاع می دهند. این ارتباط ها هم چنان ادامه داشت تا آن که نوبت به خطرناکترین مرحله رسالت رسید.

### اعلام عمومی رسالت

این مرحله، سخت ترین و گاه دردناک ترین مراحل برای پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) و خانواده او است. در این دوره، خصوصاً سال های آغازین آن، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و علی عَلَیْهِ السَّلَامُ به شدت تحت فشار قرار داشتند و گاه خطر کشته شدن پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) را نیز مشاهده می کردند. یکی از حوادث این دوره که در راستای حمایت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و علی عَلَیْهِ السَّلَامُ از پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) قابل مطالعه است، موضوعی است که مسلم و بخاری در صحیح خود نقل می کنند:

«در ایام حج روزی پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) به بالای کوه صفا رفت و با صدای بلند به مردم خطاب کرد: ای مردم! من رسول پروردگار هستم. آن گاه به کوه مروه رفت و باز سه بار مطلب خود را با صدای بلند به گوش مردم رساند. اما جاهلان عرب هر یک سنگی برداشته و در پی حضرت روان شدند. ابوجهل نیز سنگی برداشت و روان شد. او سنگ را چنان پرتاب کرد که به پیشانی حضرت خورد. خون بر صورت رسول خدا جاری شد. پیامبر به کوه ابوقبیس

ص: ۹۰

۱- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۱۹۷.

(متکی) رفت و مشرکان نیز در پی او روانه شدند. در این بین شخصی خود را به نزد علی رساند و گفت: «پیامبر را کشتند.» حضرت گریست و با شتاب خود را به خدیجه رساند و او را از این خبر وحشتناک مطلع کرد. خدیجه نیز به شدت غمگین و منقلب شد؛ چنان که نتوانست بر خود مسلط شود و اشک بر گونه هایش جاری گشت.» (۱)

به این ترتیب هر دو برای رساندن خود به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همه جا را جست و جو کردند، در این هنگام جبرئیل بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نازل شد و فرمود: «از گریه خدیجه، ملائکه به گریه در آمدند. او را بخواه و سلام به او برسان و بگو، خدا به تو سلام می رساند و او را به خانه ای در بهشت که از نور زینت شده است، بشارت ده.»

علی و خدیجه که هم چنان در پی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بودند، سرانجام آن حضرت را با صورتی خونین یافتند و به خانه آوردند. اما قریش که مطلع شدند، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با کمک علی و خدیجه به خانه منتقل شده، در پی آنها روانه شدند، خود را به خانه خدیجه رساندند و شروع به سنگ پرائی به خانه کردند. خدیجه ناچار از خانه بیرون آمد و فرمود: «آیا شرم نمی کنید که خانه زنی را که نجیب ترین قوم شما است، سنگ باران می کنید؟ آیا از خدا نمی ترسید؟»

در پی این سخنان بود که مردم پراکنده شدند. رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هم در این هنگام پیام جبرئیل را به وی رساند و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در جواب گفت: «ان الله هو السلام و منه السلام و علی جبرئیل السلام و علیک یا رسول الله السلام و رحمه الله و برکاته و علی من سمع السلام الا الشيطان.» (۲)

### تحریم همه جانبه

سران قریش در نخستین شب از سال هفتم بعثت تصمیم گرفتند مسلمانان را تحت فشار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار دهند. لذا پیمان نامه ای نوشتند و هر نوع معامله ای را با مسلمانان تحریم کردند. ابوطالب با درک میزان خطر، مسلمانان را از شهر خارج و در دره ای جمع آوری کرد؛ دره ای که سه سال پذیرای مسلمانان شد. در این رویداد بزرگ نیز هم

ص: ۹۱

- ۱- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۰۸.
- ۲- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۵؛ سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۱۷۰؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۱۴، ص ۱۱۱.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و هم حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ حاضر بودند و اصولاً فشارهای ناشی از تحمل گرسنگی و سختی این دوره را می توان در رحلت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مؤثر دانست. البته خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از طرق مختلف به تأمین نیازهای مسلمانان همت می گمارد، که از جمله ابوالعاص بن ربیع، داماد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شترها را می آورد؛ بار گندم و خرما بر آنها می نهاد و به مسلمانان می رساند. (۱)

ابن هشام از جمله کسانی است که به حضور خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در شعب اشاره کرده است: «و قد کان ابوجهل بن هشام فیما یدکرون لقی حکیم بن حزام بن خویلد ابن اسد معه غلام یحمل ... یرید به عمته خدیجه بنت خویلد و هی عند رسول الله و معه فی الشعب فتعلق به فقال : اتذهب بالطعام؟ (۲) ابوجهل، حکیم بن حزام بن خویلد بن اسد را با غلامش که مواد غذایی حمل می کرد و قصد داشت نزد عمه اش، خدیجه برود، دید. خدیجه نزد رسول خدا و با او در شعب بود. ابوجهل با او گلاویز شد و گفت: آیا غذا می بری؟»

### بیعت با علی عَلَیْهِ السَّلَامُ

شگفت آورترین صحنه زندگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مربوط به قبول ولایت امیرمؤمنان ۷ و امامت اولاد امیرمؤمنان ۷ است، با این که در آن وقت به قبول ولایت مکلف نبود، چون این تکلیف بعد از وفات پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) و جوب می یافت. ولی او در زمان ولادت حضرت فاطمه زهرا ۳ از امامت ائمه اطهار ۷ که از نسل فرزندش فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ هستند شنیده بود. لذا قدر و منزلت امیر مؤمنان ۷ را می دانست.

علامه مجلسی در این باره می نویسد: یک روز رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) همسر مهربانش را خواست. او را در کنار خود نشاند و فرمود: این جبرئیل است، که می گوید اسلام شرطی دارد: اول، اقرار به یگانگی خداوند. دوم، اقرار به رسالت رسولان. سوم، اقرار به معاد و عمل به اصول شریعت و احکام آن. چهارم، اطاعت اولی الامر و ائمه طاهرین از فرزندان او همراه با برائت از دشمنان آن ها.

ص: ۹۲

۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۰۳، ۳۵۳، ۳۵۴.

۲- همان، ص ۱۰۳.

در پی این فرمایش پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به همه آنها اقرار کرد و یک به یک تصدیق فرمود. در مورد امیر مؤمنان علی ۷ رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خصوص به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فرمود: «هو مولا-ک و مولی المؤمنین و امامهم بعدی؛ علی مولای تو و مولای مؤمنان و امام آنها پس از من است.»

رسول گرامی بعد از آن که عهد اکید از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گرفت، اصول و فروع، واجبات و محرمات را به وی آموخت. آن گاه، دست خود را بالای دست امیر مؤمنان ۷ گذاشت و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دست خود را بالای دست پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گذاشت و به این صورت بیعت کرد.

از حدیث «ما کمل من النساء الا اربعة آسیه بنت مزاحم، مریم بنت عمران، خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمّد» هم ظاهر می شود که آن بانوی بزرگوار به تمام اصول و فروع دین اسلام ایمان آورد. (۱)

### علی عَلَیْهِ السَّلَامُ داماد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ۲۴ سال زندگی پر فراز و نشیب خود با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را پشت سر گذاشت و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به عنوان بشارت به وی وعده بهشت داد. بعد از وفات، خود وارد قبر او شد و برایش گریست. (۲) فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ تنها بازمانده خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در این لحظات سخت دور پدر می چرخید و بهانه مادر را می گرفت و این بر ناراحتی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بی اندازه می افزود، تا آن که جبرئیل نازل شد و فرمود: «ای پیامبر! به فاطمه بگو خدا برای مادرت قصری از لؤلؤ ساخته است که میان آن نهر است و در آن جا رنجی نیست.» (۳)

آری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سر انجام سه سال قبل از هجرت در ماه رمضان (۴) وفات یافت، اما تقدیر چنین بود که این بار دختر و پاره تن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مأموریت همراهی علی عَلَیْهِ السَّلَامُ در مسیر پیروی و

ص: ۹۳

- ۱- . محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۹، نقل از مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۶.
- ۲- . ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، سیر اعلام النبلا، ج ۲، ص ۱۱۱؛ طبری، محمّد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۵۹۳.
- ۳- . نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاییه الارب فی فنون الارب، ج ۱۸، ص ۱۷۱.
- ۴- . ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۸۲؛ ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، ص ۱۳۰.



یاری از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را عهده دار شود. امری که بعدها موجب فخر و مباهات ائمه: بود و آنان به این که فرزند خدیجه عَلِيهَا السَّلَام نامیده شوند، افتخار می کردند. مانند آنچه در زیارت امام زین العابدین، از امام صادق عَلِيهِ السَّلَام می فرماید: «السلام عليك يا بن رسول الله ... السلام عليك يا بن علي بن ابي طالب. السلام عليك يا بن الحسن و الحسين. السلام عليك يا بن خديجه و فاطمه.» (۱)

### به یاد خدیجه عَلِيهَا السَّلَام

امیر مؤمنان علی عَلِيهِ السَّلَام بعد از وفات حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام به مناسبت از وی یاد می کرد و نامش را گرامی می داشت. از جمله، یک بار به دفاع پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام اشاره کرده و این قضیه را نقل کردند:

«ذكر النبي (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خديجه يوما و هو عند نسائه فبكى فقالت عايشة ما يبكيك على عجوز حمراء من عجائز بني اسد؟ فقال: صدقتني اذ كذبتم و آمنت بي اذ كفرتم و ولدت لي اذ عقمتم. قالت عايشة فما زلت اتقرب الي رسول الله بذكرها؛ (۲)

یک روز که پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در میان همسران خویش حضور داشت، یادی از همسرش خدیجه نمود و به فراق او گریست. عایشه گفت: بر پیرزن سرخ روی از تیره بنی اسد می گویی؟ رسول خدا فرمود: [چه کسی جای خدیجه را می گیرد] روزی که شما مرا تکذیب کردید، مرا تصدیق کرد. روزی که کفر ورزیدید به من ایمان آورد و هنگامی که شما نازا بودید او برایم فرزند آورد عایشه گفت از آن پس همواره خودم را با بیان خوبی های خدیجه به پیامبر نزدیک می کردم.»

### آخرین مال

اموال حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام به عنوان ابزاری مناسب از همان ابتدا در خدمت اسلام و پیشرفت آن قرار گرفت. جالب این که آخرین بخش از دارایی خدیجه عَلِيهَا السَّلَام توسط امیر مؤمنان ۷ در سفر

ص: ۹۴

- ۱- شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۶.
- ۲- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۱؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۸.

هجرت به مدینه صرف شد.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سه شبانه روز در غار ثور ماند، امیر مؤمنان ۷ نیز شبانه خود را به غار رساند و آذوقه و لوازم سفر را آورد. در آن جا حضرت به علی ۷ فرمود: «امانت های زیادی نزد من است، به بالای ابطح (تپه ای در مکه) برو و صبح و شب با صدای بلند بگو: هر کسی نزد محمد امانت و یا ودیعه ای دارد بیاید و تحویل بگیرد. یا علی! بعد از این با هیچ حادثه ای ناگوار مواجه نخواهی شد تا این که نزد من برسی. امانت های مردم را آشکارا تحویل بده. ای علی! تو را سرپرست دخترم فاطمه قرار دادم و خدا را مراقب شما. از آخرین باقی مانده اموال خدیجه برای خود و فاطمه و هر کس از بنی هاشم که قصد همراهی با شما را دارد، شتر و زاد و توشه بخر و بعد از رد امانت ها، دیگر درنگ نکن.»

ابوعبیده (نوه عمار یاسر) می گوید: «فرزند ابی رافع این مطالب را به نقل از پدرش گفت. من پرسیدم: مگر رسول خدا مال و ثروتی قابل توجه داشت که دو شتر برای سفر خودش خرید و به امیر مؤمنان هم سفارش کرد زاد و توشه دیگر مهاجران را تهیه کند؟ ابی رافع پاسخ داد: پدرم گفت: پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: هیچ مال و ثروتی برای من سودمندتر از اموال خدیجه نبود. ابی رافع افزود: پدرم گفت: از آخرین موارد مصرف اموال خدیجه خرید زاد و توشه برای مسلمانان مستضعف بود که قصد داشتند به مدینه هجرت کنند. سفر اکثر مسلمانان با اموال خدیجه ممکن شد. آخرین آنها هم قافله ای بود که امیر المؤمنین آن را سرپرستی کرد.» (۱)

### یک نکته

شهید مطهری = به نکته ای اساسی در (اموال خدیجه و شمشیر علی) اشاره دارد که آگاهی از آن جهت روشن شدن ذهن مخاطبان ضروری است؛ زیرا وقتی گفته می شود اسلام با مال خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ و شمشیر علی ۷ پیش رفت، چنین به نظر می رسد که دین اسلام با همان زر و زور پیش رفته است.

ص: ۹۵

شهید پاسخ مناسبی به این شبهه می دهد و می نویسد: «اگر دینی با زور پیش برود، آنچه دینی می تواند باشد؟ آیا قرآن در یک جا دارد که دین اسلام با زر و زور پیش رفت؟ آیا علی ۷ یک جا گفت که دین اسلام با زر و زور پیش رفت؟ شک [ی وجود] ندارد که مال خدیجه به درد مسلمین خورد اما آیا مال خدیجه صرف دعوت اسلام شد؟ یعنی خدیجه پول زیادی داشت، پول خدیجه را به کسی دادند و گفتند بیا مسلمان شو؟ آیا یک جا انسان در تاریخ چنین چیزی پیدا می کند؟ یا نه، در شرایطی که مسلمین و پیغمبر اکرم در نهایت درجه سختی و تحت فشار بودند، جناب خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مال و ثروت خودش را در اختیار پیامبر گذاشت، ولی نه برای این که پیامبر العیاذ باللّٰه به کسی رشوه بدهد و تاریخ نیز هیچ گاه چنین چیزی را نشان نمی دهد ... پس اگر مال خدیجه نبود، فقر و تنگدستی شاید مسلمین را از پا در می آورد، مال خدیجه خدمت کرد، اما نه خدمت رشوه دادن ... بلکه خدمت به این معنی که مسلمانان گرسنه را نجات داد. شمشیر علی بدون شک به اسلام خدمت کرد... در شرایطی که شمشیر دشمن آمده بود، ریشه اسلام را بکند.» (۱)

### کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (م ۶۵۶ ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ق.
  ۲. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
  ۳. سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی (م ۶۵۴ ق)، تذکره الخواص من الائمة بذکر خصائص الائمة، نجف: منشورات المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۳ ق.
  ۴. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی (م ۴۶۳ ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویه، تحقیق:

ص: ۹۶

١. مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى و عبدالحفيظ شلبي، بيروت: داراحياء التراث العربى، [بى تا].
  ٢. ابو الفرج اصفهانى، على بن حسين (م ٣٥٦ ق)، مقاتل الطالبين، تحقيق كاظم مظفر، قم: مؤسسه دارالكتاب، ١٣٨٥ ق.
  ٣. اربلى، ابوالحسن على بن عيسى (م ٦٩٢ ق)، كشف الغمه فى معرفه الاثمه٧، بيروت: دار الاضواء، ١٤٠٥ ق.
  ٤. علامه امينى، عبدالحسين بن احمد (م ١٣٩٠ ق)، الغدير فى الكتاب والسنة والأدب، بيروت: دار الكتاب العربى، ١٣٩٧ ق / ١٩٧٧ م.
  ٥. حاكم نيشابورى، ابو عبدالله (م ٤٠٥ ق)، المستدرک على الصحيحين، بيروت لبنان: دارالمعرفه، ١٤٠٦ ق.
  ٦. حلبى، على بن برهان (م ١٠٤٤ ق)، السيره الحلبيه، بيروت: دارالمعرفه، ١٤٠٠ ق.
  ٧. ديار بكرى، حسين بن محمد (معاصر)، تاريخ الخميس فى أحوال أنفس نفيس، بيروت: مؤسسۀ شعبان.
  ٨. ذهبى، محمد بن احمد بن عثمان، سير اعلام النبلاء، تحقيق: شعيب ارنؤوط و حسين اسد، بيروت: مؤسسۀ الرساله، ١٤١٣ ق.
  ٩. شيخ صدوق، ابوجعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه قمى (م ٣٨١ ق)، من لا يحضره الفقيه، تحقيق: على اكبر الغفارى، قم: مؤسسۀ نشر اسلامى، ١٤٠٤ ق.
  ١٠. صدر، محمدصادق، اميرالمؤمنين در عهد پيامبر، ترجمه: دكتور سيد جمال موسى.
  ١١. طبرى، محمد بن جرير (م ٣١٠ ق)، تاريخ طبرى ( تاريخ الامم والملوك)، به كوشش: گروهى از علماء، بيروت: اعلمى، ١٤٠٣ ق.
  ١٢. گنجى شافعى، محمد بن يوسف (م ٦٥٨ ق)، كفايه الطالب فى مناقب على بن ابى طالب٧، تحقيق: محمد هادى الأمينى، تهران: دار إحياء تراث أهل البيت٧، ١٤٠٤ ق.
- ابن صباغ مالكى، على بن محمد، الفصول المهمه فى معرفه احوال الاثمه، نجف:

۱. مطبعه العدل، [بی تا].

۲. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.

۳. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ق.

۴. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، تهران: انتشارات صدر، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.

۵. نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهایه الارب فی فنون الارب، قاهره [۱۹۲۳] ۱۹۹۰.

۶. سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، قم: انتشارات مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۸۷.

ص: ۹۸

## حضرت خدیجه علیها السَّلَام (۱)

احمد لقمانی

## چکیده

شرح حال حضرت خدیجه علیها السَّلَام و حضرت فاطمه علیها السَّلَام با استناد به منابع مهم تاریخی و حدیثی است. از دیدگاه نویسندگان: حضرت خدیجه علیها السَّلَام یگانه بانویی در آفرینش است که از آغاز تا فرجام هستی، هیچ فردی همسان او در افتخار و سربلندی نبوده و نخواهد بود و آن مادری دخت آفتاب، فاطمه زهرا علیها السَّلَام است. گرچه این بانوی عزیز صاحب فرزندان دیگری از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گردید و قاسم، زینب، رقیه، ام کلثوم و عبد الله را به دنیا آورد و یا تنها او و ماریه قبطیه مادر ابراهیم از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرزنددار شدند، اما نشان روشنی بخش نام و یاد خدیجه علیها السَّلَام که برای همیشه در تاریخ افتخارات او جاودان خواهد ماند نسبت دختر دلبنده وی، فاطمه علیها السَّلَام است؛ فرزندی که خداوند او را خیر کثیر، یعنی «کوثر» نام نهاد تا برکات بیکران او بیش از هزاران پسر، نورانیت داشته باشد. علاقه خدیجه علیها السَّلَام نسبت به فاطمه علیها السَّلَام موجب گردیده، که در آینه معارف والای فرهنگی، آن بانوی ایثارگر و مهربان را همراه آسیه دختر مزاحم و مریم دختر عمران چونان نگاهبان در پیش روی فاطمه علیها السَّلَام دیده که همراه او حرکت کرده، تا زهرا علیها السَّلَام را وارد بهشت کنند.

کلیدواژه: حضرت خدیجه علیها السَّلَام، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، حضرت فاطمه علیها السَّلَام، آسیه، حضرت مریم.

## سپیده سخن

شناخت شخصیت های تاریخ و آگاهی از ابعاد مختلف زندگی آنان، نیازمند آشنایی با جامعه آن

ص: ۹۹

روز، شرایط تأثیرگذار فکری، فرهنگی و درک حساسیت سخن و سیره آنان خواهد بود.

صاحب نظران و اندیشمندانی که برای تحلیل حوادث دور و نزدیک، خود را در آن زمان حاضر کرده و آگاهی های تمام عیاری نسبت به عوامل پیدا و ناپیدا می یابند، هرگز دچار لغزش ها و لرزش های فکری فرهنگی نشده، سخنانی از سر بصیرت و بینایی ارایه می دهند. از این رو آشنایی با شرایط بسیار دشوار صدر اسلام و فشار طاقت فرسای دشمنان بر یکایک دین باوران و خداجویان، گام نخست شناخت عظمت اندیشه و قداست انگیزه رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و یاران برجسته او خواهد بود.

بی شک در بین اصحاب پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، برخی نقش ممتاز ایفا کرده و بیش از توان خویش به استقبال سختی ها شتافتند و برای برقراری بیرق توحید و خداپرستی با تمامی مشرکان به مبارزه پرداختند که از آن میان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در اوج ایمان و عشق و ایثار قرار دارد. آشنایی با شخصیت بزرگ بانویی این چنین، از نگاه معصومان ۷ به ویژه فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ توفیقی چشم گیر است تا هر یک از ما به آزمون خود پرداخته، با حضور در فضای آن زمان، نگاهی دوباره به معیار و میزان پویایی و پایداری خویش بنماییم. با هم دفتر زندگانی این اسوه پارسایی و ایثار را می گشاییم.

### حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دختر خویلد و فاطمه، زنی پاک دامن و با شخصیت بود که در دوران جاهلیت وی را «طاهره» لقب دادند. او بانویی بزرگ و ثروتمندی سرشناس در شبه جزیره العرب به حساب می آمد که با دارایی خویش توسط افرادی به تجارت و مضاربه می پرداخت. (۱) از این رو در پی شخصی امین و درست کار بود تا سرمایه تجاری خویش را با خاطری آسوده در اختیار او قرار دهد.

حضرت محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که در آن زمان جوانی بیست و پنج ساله بود و به درستی، راستی و حفظ امانت شهرتی بی نظیر داشت، مورد توجه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ قرار گرفت، تا آن که روزی با

ص: ۱۰۰

---

۱- ابن اثیر جزیری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۴؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۷۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷ و ۱۳.

عموی او ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ به گفت و گو پرداخت تا از آن حضرت درخواست ریاست تجارت او را نماید. (۱) از سوی دیگر اخبار عالمان، کاهنان و عموی خود، ورقه بن نوفل که از دانشمندان گران مایه عرب به حساب می آمد نسبت به حضور پیامبری خاتم، بعثت او در شهر مکه و ازدواج زنی شریف و ثروتمند از قریش با او، حساسیت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را برانگیخت تا از شخصیت چنین پیامبری آگاهی یابد. شوق آشنایی با آن رسول الهی آن گاه فروزان شد که ورقه بن نوفل به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بشارت ازدواج وی را با آن پیامبر برگزیده داد. (۲)

پاسخ مثبت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ برای سرپرستی کاروان تجاری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، وی را بر آن داشت تا غلام خود میسره را مأمور آگاهی از سیره و سخن محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و پیش آمدهای مختلف سفر نماید.

### بازگشت

قافله از شام و با خبر شدن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از ورود آن به مکه موجب شد تا او در اتاق فوقانی خود، نظاره گر مال التجاره و سرپرست آن باشد که ناگاه حادثه خیره کننده ای تعجب او را برانگیخت و در پی آن یقین سرشاری در اعماق وجود او ریخت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ چون نگاه کرد قطعه ابری دید که بر سر محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سایه افکنده و با حرکت او، حرکت می کند. از این رو شوق و شعفی افزون تر یافت تا آن جا که خود پیشنهاد ازدواج با حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را بیان کرد و به او گفت: «... اگر بخواهی ازدواج کنی، من به کنیزی شما حاضرم!»

خبر این پیشنهاد از سوی حضرت، به ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و دیگر عموها رسید و ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ خطبه عقدی فصیح و بلیغ قرائت کرد؛ در حالی که مهریه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از مال خود او بود و ضیافت و پذیرایی از مهمانان نیز از دارایی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ. (۳)

مراسم خواستگاری رسمی و ازدواج حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ انجام شد و مردم مکه از این ماجرا آگاه شدند. زنان کم خرد و سطحی نگر قریش که خواستگاران سرشناس و

ص: ۱۰۱

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۳، ۴؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۵؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۵.

۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۴.

۳- . ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳.



ثروتمندی برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می دیدند، چون از تصمیم و اشتیاق او با خبر شدند، وی را سرزنش کرده، رابطه خود و دوستان را با او قطع کردند و از این که چنین زنی با «یتیم عبد الله» و «تهی دستی از بنی هاشم» ازدواج کرده، لب به نکوهش او می گشودند. (۱)

ازدواج رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در ۲۵ سالگی با بزرگ بانویی چون خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در چهل سالگی و زندگی مشترک آن دو به مدت ۲۴ سال، سرآغاز تحولاتی شگرف در تاریخ اسلام گردید. (۲)

این وصلت مبارک و شکوهمند موجب فراهم شدن پشتوانه مالی عظیمی برای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود تا در برابر تهدیدها و تحریم های اقتصادی مشرکان، توان ادامه وظیفه و پایداری یابد. (۳) افزون بر آن که همدل و همراهی خداجو و دین باور در کنار خود خواهد داشت که در دشواری شرایط و سنگلاخ های مسیر رسالت، پا به پای آن حضرت گام برداشته و به عنوان نخستین بانوی با ایمان قلمداد می شود. (۴) تمامی دارایی خویش را با اخلاص و عشق بی نظیری در اختیار پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قرار داده تا از بخش چشمگیری از مشکلات، کاسته و فشار کمتری به تازه مسلمانان وارد شود. از این رو پروردگار بزرگ این لطف بس بزرگ را با نزول

ص: ۱۰۲

- 
- ۱- . راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۵۲۴؛ خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، ج ۲، ص ۳۴۰؛ ابن حمزه، محمد بن علی، ثاقب المناقب، ص ۲۸۶؛ رحمانی همدانی، احمد، فاطمه الزهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ شادمانی دل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۲۰۲ و ۲۱۰؛ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، الايقاظ من الهجعه، ص ۱۴۸.
  - ۲- . ابن نجیم مصری، البحر الرائق (شرح کنز الدقائق)، ج ۱۰، ص ۳۹۷؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۰.
  - ۳- . سید المرتضی، علی بن حسین، الشافی فی الامامه، ج ۴، ص ۲۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸.
  - ۴- . مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۴؛ قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، ص ۱۹ و ۲۱؛ سید المرتضی، علی بن حسین، الفصول المختار، ص ۲۵۸؛ کراجکی طرابلسی، محمد بن علی، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۲۶۳ و ۲۷۲؛ علامه حلی، حسن بن یوسف، کشف الیقین فی فضائل امیرالمومنین ۷، ص ۲۶؛ کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین، ج ۴، ص ۳۰۷؛ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیه الابرار، ص ۲۴۲؛ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، غایه المرام، ج ۱، ص ۴۹۹، ۵۰۱ و ۵۰۲؛ طبری، عماد الدین حسن بن علی، کامل بهایی، ج ۱، ص ۲۳۶؛ قمی مشهدی، میرزا محمد، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۵، ص ۵۲۴؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۵؛ خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، ج ۲، ص ۴، ۷ و ۱۵؛ قیروانی، حسن بن رشیق، العمده فی محاسن الشعر و آدابه، ص ۶۱ و ۸۵؛ ابن طاووس حلی، سید احمد بن موسی، بناء المقالة الفاطمیه، ص ۳۱۸؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمة، ج ۱، ص ۸۳، ۱۷۸، ۵۰۷ و ۵۱۰.

آیه ای، برابر دیدگان رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قرار می دهد: (۱)

«و وجدك عائلاً فاغني؛ (۲) و تو را تنگ دست یافت و بی نیاز گردانید.»

### خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در نگاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ارادت و علاقه خاصی نسبت به خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ اظهار می نمود و این ویژگی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از وفات آن بانوی والا گوهر نیز استمرار داشت. بدون شک تفاوت سن خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) روشنگر این حقیقت است که آن حضرت به خاطر جلوه های ظاهری، هرگز چنین محبتی به همسر خود ابراز نمی کرد؛ زیرا همسران بعدی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جوان تر و زیباتر از خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ بودند. کمالات و صفات معنوی، همانند اخلاص و ایثار تمام عیار آن همسر مهربان و وفادار، زمینه ساز چنین ارادتی چشمگیر شده بود. از این رو آن حضرت به احترام همسر عزیز خود در ایام زندگانی خویش با او هرگز همسر دیگری انتخاب نکرد و در مدت ۲۴ سال زندگی مشترک، تنها با او زندگی می کرد. (۳)

پس از رحلت آن بانو، گاه که برخی از زنان آن حضرت از سر حسادت، تحمل احترام پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ را نداشته، و سخن از زیبایی و جوانی خود به میان می آوردند، رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به شدت غضبناک شد و با ناراحتی بسیار می فرمود: «عایشه چه گفتی؟! به خدا سوگند، زمانی که همه مرا تکذیب می کردند، او مرا تصدیق می نمود و به من ایمان آورد. هنگامی که همه مرا ترک کرده بودند، او مرا کمک می کرد. خدا خدیجه را رحمت کند که مبارک زنی بود؛ زیرا هم او بود که برای من شش فرزند آورد.» (۴)

علاقه عمیق و قلبی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ موجب شده بود که آن حضرت تا آخر عمر با

ص: ۱۰۳

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۴.

۲- والضحی: ۸.

۳- قیروانی، حسن بن رشیق، العمده فی محاسن الشعر و آدابه، ص ۳۹۴؛ مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین، ج ۸، ص ۱۲۸.

۴- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۸؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۳ و ۱۲.

دوستان آن بانو صمیمی بوده و به آنان محبت نماید تا جایی که هر گاه گوسفندی ذبح می کردند از آن برای دوستان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می فرستاد. (۱) و یا برخی از آشنایان او را که می دید با او احوال پرسی کرده و احترام می نمود. چون از علت محبت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سوال می شد، می فرمود: «این زن در زمان خدیجه به خانه ما می آمد. یاد داشتن سابقه، از ایمان است.» (۲)

شدت علاقه و دلسوزی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نسبت به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ چنان بود که گاه با شنیدن نام او اشک از چشمان آن حضرت جاری می شد و ایثار و فداکاری او را می ستود (۳) و گاهی نیز لب به سخن گشوده می فرمود:

«افضل نساء [اهل] الجنه اربع: خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمّد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم امراه فرعون؛ (۴) با فضیلت ترین زنان اهل بهشت چهار نفرند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمّد، مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون.»

گاهی نیز این زن فداکار را از «بهترین بانوان بهشتی» و از «برگزیدگان» معرفی می کرد که مصداق «ازواجنا» در آیه قرآن محسوب می شود. (۵)

ص: ۱۰۴

- ۱- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۲۸؛ قیروانی، حسن بن رشیق، العمده فی محاسن الشعر و آدابها، ص ۳۹۳.
- ۲- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸؛ عالمی دامغانی، محمّد علی، پیغمبر و یاران، ج ۲، ص ۷۱۳.
- ۳- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸ و ۹.
- ۴- . طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ص ۱۵۰؛ شیخ صدوق، محمّد بن علی، الخصال، ص ۲۰۶؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۴۰؛ قیروانی، حسن بن رشیق، العمده فی محاسن الشعر و آدابها، ص ۳۹۱؛ شریف لاهیجی، محمّد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۵۲۵؛ عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۳۶؛ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، معالم الزلفی، ج ۱، ص ۲۸۷؛ بحرانی اصفهانی، نورالدین عبدالله بن نور، عوالم العلوم والمعارف، ج ۱۱، ص ۱۰۶؛ مجلسی، محمّدباقر، جلاء العیون، ج ۱، ص ۱۴۱؛ ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۳؛ مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۶۲.
- ۵- . همان مدارک؛ قهبایی، عنایت الله، مجمع الرجال، ج ۷، ص ۱۷۳؛ فیض کاشانی، ملا محمّد محسن، الصافی فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۹۸؛ مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲؛ رحمانی همدانی، احمد، فاطمه الزهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ شادمانی دل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۶۸؛ فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۹۴؛ قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۱۷؛ استرآبادی، شرف الدین علی حسینی، تأویل الآیات الظاهره، ج ۱، ص ۳۸۵؛ قمی مشهدی، میرزا محمّد، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص ۴۴۶ و ۴۴۸؛ مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۳۴ و ج ۶۹، ص ۲۶۳؛ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۷۷ و ۱۷۸؛ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، اللوامع النورانیه، ص ۲۶۵ و ۲۶۶؛ عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۳ و ۷۲؛ فیض کاشانی، ملا



سه سال پیش از هجرت که ابوطالب علیه السّلام دیده از جهان فرو بست و چند روز پس از آن که حضرت خدیجه علیها السّلام بدرود حیات گفت، سنگینی مصیبت، غم و اندوه بسیاری بر دل و دیده رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نمایان ساخت؛ به گونه ای که آن سال را «عام الحزن»، سال حزن و اندوه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نامیدند. (۱)

امام صادق علیه السّلام ماجرای بازگشت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از قبرستان حجّون، پس از دفن حضرت خدیجه علیها السّلام (۲) را این گونه بیان می فرمود: هنگامی که خدیجه وفات کرد فاطمه [جای خالی مادر را می دید و احساس تنهایی می کرد از این رو] به پدر پناه می برد. اطراف او می چرخید و می گفت: «یا ابا این امی؟ پدرجان! مادرم کجا است؟»

جبرئیل در این هنگام نازل شد و به پیامبر عرض کرد: خداوند امر می کند که فاطمه را سلام برسان و بگو مادرت در اتاقی قرار دارد که از یک دانه گوهر ساخته شده است. پایه اش از طلا و ستون آن از یاقوت سرخ است. او بین آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران حضور دارد.

زهرای مرضیه عرض کرد: «ان الله هو السلام و منه السلام و اليه السلام» (۳) به درستی که

ص: ۱۰۵

۱- . قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمّد، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، ص ۱۷؛ عیاشی، محمد بن مسعود سمرقندی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۵۷؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۵۳؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمة، ج ۲، ص ۱۳۹؛ مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱؛ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۸؛ عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۵۱۷؛ قمی مشهدی، میرزا محمّد، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص ۴۷۶.

۲- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۵۱؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمة، ج ۲، ص ۱۳۹.

۳- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱ و ج ۴۳، ص ۷؛ شیخ طوسی، محمّد بن حسن، الامالی، ج ۱، ص ۱۷۸؛ شیخ حر عاملی، محمّد بن حسن، الجواهر السینه، ص ۲۶۴؛ مجلسی، محمّدباقر، جلاء العیون، ج ۱، ص ۱۳۶؛ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، معالم الزلفی، ج ۱، ص ۱۲۶؛ بحرانی اصفهانی، نورالدین عبدالله بن نور، عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۱، ص ۲۰۴. ر. ک: قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمّد، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، ص ۶۷؛ بهبهانی، محمّد باقر بن عبدالکریم، الدمعه الساکبه، ج ۳، ص ۸۶؛ ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا رازی، معجم مقاییس اللغه، ج ۵، ص ۹۴؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمة، ج ۱، ص ۵۰۷ و ۵۱۲؛ طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۴۴؛ مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷ و ۱۱ و ج ۱۹، ص ۲۴۱؛ قیروانی، حسن بن رشیق، العمده فی محاسن الشعر و آدابه، ص ۳۹۳؛ فتال نیشابوری، محمّد بن حسن، روضه الواعظین، ص ۲۶۹.

خداوند خود سلام است و از او است سلام و به سوی او است سلام.»

### خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ دو الگوی ماندگار

پیروزی های و افتخارات هر یک از ما به گونه ای است که گاه افراد دیگری در دست یابی به آن مثل ها بوده و در عظمت و سربلندی همسان ما محسوب می شوند؛ اما گاهی امتیازی از آن ما خواهد بود که بی نظیر و یگانه است و در عصر ما همانند نخواهد داشت.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یگانه بانویی در آفرینش است که از آغاز تا فرجام هستی، هیچ فردی همسان او در افتخار و سربلندی نبوده و نخواهد بود و آن مادری دخت آفتاب، فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ است. گرچه این بانوی عزیز صاحب فرزندی دیگر از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گردید و قاسم، زینب، رقیه، ام کلثوم و عبد الله را به دنیا آورد و یا تنها او و ماریه قبطیه مادر ابراهیم از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرزنددار شدند، اما نشان روشنی بخش نام و یاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که برای همیشه در تاریخ افتخارات او جاودان خواهد ماند نسبت دختر دلبنده وی، زهرای مرضیه عَلَیْهَا السَّلَامُ است؛ فرزندی که خداوند او را خیر کثیر، یعنی «کوثر» نام نهاد تا برکات بیکران او بیش از هزاران پسر، نورانیت داشته باشد. (۱)

گویی این شرافت پایدار موجب گردید که شاعری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را «ملکه مکّه» نام نهاده و این گونه بسراید:

يا حَبْدًا من ليله الميلاذ

اليله العشرين من جمادى

ميلاذ بنت المصطفى رسول

صديقه طاهره بتول

خديجه، بمكه مليكه

كانت على العريش و الاريكه

ص: ۱۰۶

(۱)

«چه خوش است شب میلاد، شب بیستم جمادی، میلاد دختر مصطفی رسول خدا، صدیقه و طاهره و بتول، خدیجه ملکه مکه، که بر روی تخت و سریر نشسته، شایسته او است که همواره به دخترش، که مادر حسین و حسن است افتخار کند.»

اینک چگونگی میلاد فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام را از زبان آن حضرت می شنویم تا از لیاقت و شخصیت چشمگیر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بیش از پیش آگاه شویم.

روزی زهراى مرضیه عَلَیْهَا السَّلَام رو به همسر خود امام عَلَیْهِ السَّلَام کرده، فرمود: «... ای ابوالحسن! بدان که خداوند نور مرا آفرید؛ در حالی که تسیح گوی خداوند بزرگ بود. آن گاه آن را در یکی از درختان بهشتی به ودیعت نهاد. آن درخت درخشید و هنگامی که پدرم [در شب معراج] وارد بهشت شد، پروردگار به آن حضرت الهام کرد تا از میوه آن درخت چیده و در دهان خود بگذارد. پیامبر چنین کرد. بدین ترتیب خداوند مرا در قلب پدرم قرار داد و بعد از آن به خدیجه منتقل کرد و او هم مرا به زمین نهاد. من از آن نور هستم. آنچه را که بوده و هست و هنوز نیامده می دانم. علی! مومن به نور خدا می

نگرد.» (۲)

گرچه در بعضی منابع «خرما» و برخی «سیب» به عنوان میوه آن درخت معرفی شده است، اما از مجموع تمامی سخنان معصومان ۷ گفتار رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله) به دست می آید که فرمود: «فاطمه حوریه ای انسانی است. هر گاه مشتاق بوی بهشت می شوم، دخترم زهرا را می بویم.» (۳)

ص: ۱۰۷

۱- . حائری مازندرانی، مهدی، الكوكب الدرى فى احوال النبى و البتول و الوصى، به نقل از رحمانی همدانی، احمد، فاطمه الزهراء ۳ بهجه قلب المصطفى، ص ۱۹۷ ۱۹۸. (مترجم)

۲- . بحرانی اصفهانی، نورالدین عبدالله بن نور، عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۱، ص ۷.

۳- . بحرانی اصفهانی، نورالدین عبدالله بن نور، عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۱، ص ۱۰ و ۴۳ و ۲۰۱؛ قمی مشهدی، میرزا محمد، كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص ۵۲۳؛ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، نزهه الابرار، ص ۳۹۰؛ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، معالم الزلفی، ج ۱، ص ۳۱۱؛ بهبهانی، محمد باقر بن عبدالکریم، الدمعه الساكبه، ج ۱، ص ۲۳۸؛ مجلسی، محمد باقر، جلاء العیون، ج ۱، ص ۱۲۳؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸۰؛ محدث قمی، شیخ عباس، بیت الاحزان، ص ۴ ۵؛ فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ص ۲۱۶.

و بی شک در این میان شایستگی بی نظیر بانوی بزرگ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به خاطر لیاقت فرزندى این گونه آشکارتر مى شود.

پرسشى که بسیاری از زنان و مردان به ویژه جوانان خداجو و الگوطلب با آن همراه بوده و گاه و بی گاه در فرصت های مختلف مطرح مى کنند آن است که به راستى اگر ما نیز فرزندانى برجسته و شایسته بخواهیم، تلاش و کوشش ما در انجام شرایط و ایجاد مقدمات نتیجه اى در بر خواهد داشت یا آن که اراده الهى یگانه دلیل در چنین پدیده هاى خواهد بود؛ همانند میلاد شخصیت هاى چون فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ که لطف پیدا و پنهان خداوند و اراده بی همتای او علت خلقت آن حضرت گردیده است.

پاسخ را با حدیثى آغاز مى کنیم که در آن اشاره به هجرت چهل روزه رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه کبرى عَلَیْهَا السَّلَامُ شده، که در آن ایام، آن حضرت به عبادت و بندگى در پیشگاه خداوند مشغول بوده، سپس از سبب بهشتى تناول کرده و آن گاه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ باردار گردیده است. (۱)

بی گمان دورى پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از همسر عزیز و مهربان خود، آن هم به مدت چهل روز با توجه به عصمت آن حضرت که نه تنها گناهی مرتکب نشده و بلکه فکر گناه هم نمى کرده است، بزرگ ترین درس و عالی ترین پاسخ به ما خواهد بود، تا بدانیم صفات و روحيات پدران و مادران و خصوصیات محیط زندگى تأثیر به سزا در فرزندان خواهد داشت. از این رو عالمان ربانى و روشن ضمیر در سفارش های خود به همسران، هماره آنان را به تلاوت آیات قرآن، بیدارى صبح گاهان، دورى از گناهان و توجه به آداب و اخلاق شایستگان توصیه کرده، تا محیط خانه و خانواده روشن از نور معنویت و عبادت شده، و هرگز بدون حساسیت و مسئولیت به دیدنى ها و شنیدنى ها و خوردنى ها اجازه ورود از مرز جسم و جان ندهیم؛ همان گونه که رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای نشست و برخاست های روزمره خود با افراد، هر روز هفتاد بار استغفار کرده، تا آینه قلب را از غبارها و تیرگى ها پاک و پیراسته سازد. (۲)

ص: ۱۰۸

- ۱- کاشف الغطاء، محمد الحسین، جنه المأوى، ص ۳۲۷.
- ۲- نک: علامه طباطبایى، سید محمد حسین، سیره النبى. (ویژگی های والای عبادى رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در زندگى و ساعات مختلف شبانه روز)



## افتخار فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ به مادر خود خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

روزی علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و همسر مهربان او فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ به صحرا رفته به هنگام خوردن خرما با گفتن کلماتی با یکدیگر مزاح می کردند. امام عَلَیْهِ السَّلَامُ رو به زهرای مرضیه عَلَیْهَا السَّلَامُ کرد و فرمود: «ای فاطمه! رسول خدا مرا بیشتر از تو دوست می دارد.» حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ پاسخ داد: «این سخن شما عجیب است! آیا می شود پیامبر اکرم شما را بیش از من دوست داشته باشد؛ در حالی که من میوه دل او و عضوی از پیکر و شاخه ای از شاخسار وجود آن حضرت هستم و غیر از من فرزندی ندارد؟»

علی عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمود: «ای فاطمه! اگر سخن مرا قبول نداری، بیا تا نزد پدرت حضرت رسول رفته از او پرسیم.»

هر دو به سوی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رفتند. فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیش دستی کرده، گفت: «ای رسول خدا! کدام یک از ما دو نفر نزد تو محبوب تریم؟ من یا علی؟» پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «تو نزد من محبوب تری و علی از تو برای من عزیزتر است.»

به دنبال این سخن، علی عَلَیْهِ السَّلَامُ رو به فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ کرده و گفت: «آیا به شما نگفتم که من فرزند فاطمه باتقوایم؟»

حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ پس از پایان کلام علی عَلَیْهِ السَّلَامُ نام مادر خود را بر زبان جاری کرده، به وجود او افتخار نمود و گفت: «من نیز دختر خدیجه کبرایم!»<sup>(۱)</sup>

## فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همدم و غمخوار

همدلی و همراهی مادران و فرزندان بنیانی احساسی و عاطفه داشته و همواره بر این اساس بوده و خواهد بود؛ اما این ویژگی در باره خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ فراتر از جلوه های احساسی، بنیادی آسمانی داشته و از پیش از میلاد زهرای مرضیه عَلَیْهَا السَّلَامُ در گفت و گوهای گوناگون در شکم مادر تجلی یافته است.

ص: ۱۰۹

---

۱- . رحمانی همدانی، احمد، شادمانی دل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۴۱۰ ۴۱۱، به نقل از: ابن شاذان، ابوالفضل سدید الدین، الفضائل، ص ۸۰ ۸۲.

گاه فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ مونس تنهایی مادر به هنگام غربت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و دوری زنان مکه با او بود(۱) و زمانی برتر از آن نقشی هشیار ساز در عبادات مادر ایفا می کرد.

روزی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تقاضای میوه ای بهشتی کرد. جبرئیل دو سیب از بهشت نزد آن بزرگوار آورده، گفت: «ای محمّد! خداوندی که برای هر چیز اندازه ای مقدر کرده است، می فرماید: یکی از این دو سیب را خودت بخور و سیب دیگر را به خدیجه بده... من از شما دو نفر فاطمه را می آفرینم.» حضرت دستور پروردگار را انجام داد و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بر سر زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ باردار شد.

هنگامی که کافران از رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواستند که ماه را دو نیمه کند، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فریاد برآورد و گفت: «ای وای چقدر زیان کار است آن کس که محمّد را تکذیب می کند؛ در حالی که او بهترین پیامبر است.» ناگاه فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ از درون شکم مادر گفت: «ای مادر! غمگین مباش و ترس به خود راه مده؛ زیرا خداوند با پدرم همراه است.»(۲)

روزی دیگر نیز به هنگام انجام نماز از سوی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، زهرای عزیز با مادر سخن گفت تا قدر و قداست آن دو برای همیشه ایام تاریخ بشریت و نمونه های انسانیت را نور افشان و چشمگیر سازد. ماجرا از آن جا آغاز شد که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ [اشتباها] خواست در رکعت سوم سلام دهد که فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ از شکم مادر وی را ندا داد که: «قومی یا اماه فانک فی الثالثه؛(۳) برخیز ای مادر! تو در رکعت سوم می باشی!»

این ارتباط به گونه ای دیگر در آخرین لحظات زندگانی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ رخ نشان داد. آن هنگام که اسماً [یا سلمی] در کنار آن بانوی بزرگ بود و او را اندوهگین و آشفته خاطر می دید. گوید رو به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ کرده گفتم: «آیا شما که بانوی زنان جهان و همسر پیامبر هستی و بر

ص: ۱۱۰

- ۱- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۳۴؛ محب الدین طبری، أحمد بن عبدالله، ذخائر العقبی، ص ۴۴ ۴۵؛ صفوری شافعی، عبدالرحمان بن عبدالسلام، نزهة المجالس، ج ۲، ص ۲۲۷.
- ۲- رحمانی همدانی، احمد، شادمانی دل پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۸۲ ۸۳، به نقل از: علامه الحریفیش، شعیب بن سعد، الروض الفائق، ص ۲۵۵ و ۳۱۴.
- ۳- طبری، عمادالدین حسن بن علی، مناقب الطاهیرین؛ شیخ حر عاملی، محمّد بن حسن، اثبات الهداه، ج ۱، ص ۶۱۴؛ راوندی، قطب الدین، القاب الرسول و عترته، ص ۱۹۹.

زبان آن حضرت بشارت به بهشت برای شما آمده، گریه می کنی؟»

فرمود: «من به خاطر مرگ گریه نمی کنم. اندوه من برای آن است که هر زنی در شب عروسی خود نیازمند زنی دیگر است که سرش را با او در میان گذارد و نیازمندی ها و خواسته هایش را به او بگوید. فاطمه الآن کوچک است. از آن می ترسم در شب عروسی او کسی نباشد که کارهایش را انجام دهد و در مشکلات او را یاری دهد.» عرض کردم: «بانوی من! به شما قول می دهم که اگر تا آن روز زنده ماندم به جای شما این کار را انجام دهم.»

در شب عروسی فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ پس از آن که رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وارد خانه علی عَلَیْهِ السَّلَامُ شد، دستور داد همه زنان خارج شوند و خود نیز بعد از مدتی عازم رفتن گردید. اما مرا در تاریکی شب دید و علت ماندن را جویا شد. من نیز با اشاره به سخنان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، به قولی که به او داده بودم اشاره کردم.

پیامبر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با شنیدن نام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و انگیزه مادرانه او نسبت به فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ گریست و برایم به خاطر پایداری به عهد و پیمان خود دعا کرد.(۱)

آری علاقه و ارادت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نسبت به دخت دردانه و یگانه خویش موجب گردیده که در آینه معارف والای فرهنگی، آن بانوی ایثارگر و مهربان را همراه آسیه دختر مزاحم و مریم دختر عمران، چونان حاجب و نگاهبان در پیش روی فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ دیده، که همراه او حرکت کرده تا زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ را وارد بهشت کنند.(۲)

و یا به گفته رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آن زن عزیز و با عظمت، همراه با هفتاد هزار فرشته که به دست خود پرچم های تکبیر دارند، از فاطمه استقبال می کنند.(۳)

پایان این بخش از نوشتار را با بخشی از اشعار سراسر شور و شعور از فرزند فرزانه فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ، حضرت امام خمینی = خطاب به مادر زینت می بخشیم:

ای ازلیت به تربت تو مخمر

وی ابدیت به طلعت تو مقرر

آیت رحمت ز جلوۀ تو هویدا

رایت قدرت در آستین تو مضممر

ص: ۱۱۱

۱- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۳۶۶؛ رحمانی همدانی، احمد، شادمانی دل پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۶۳۸ ۶۳۹.

٢- . بحرانی اصفهانی، نورالدین عبداللہ بن نور، عوالم العلوم والمعارف، ج ١١، ص ٤٦ ٤٩.

٣- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ٨، ص ٥٣ ٥٥.

عصمت تو تا کشید پرده به اجسام

عالم اجسام گردد عالم دیگر

جلوه تو نور ایزدی را مجلی

عصمت تو سر مخفی را مظهر

گویم واجب تو را نه آنت رتبت

خوانم ممکن تو را ز ممکن برتر

(۱)

### کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (م ۶۵۶ ق)، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابراهیم، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۳. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۴. الاصابه فی تمییز الصحابه، چاپ علی محمد بجاوی، بیروت: ۱۴۱۲ / ۱۹۹۲.
۵. لسان المیزان، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۶ ق.
۶. ابن حمزه، محمد بن علی، ثاقب المناقب، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۲۷۷ ق.
۷. ابن شاذان، فضل بن شاذان، الإیضاح، تصحیح: سید جلال الدین ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
۸. ابن طاووس حلّی، سید احمد بن موسی (م ۶۷۳ ق)، بناء المقاله الفاطمیه، تحقیق و تصحیح: سید علی عدنان غریفی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۱ ق.
۹. ابن فارس، أحمد بن فارس بن زکریّا رازی (م ۳۹۵ ق)، معجم مقاییس اللغه (مقاییس اللغه)، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمة، بیروت: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۱ ق.

۱- . فاضلی، قادر، شرح و تفسیر و موضوع بندی دیوان امام خمینی، ص ۱۶۷.

١. استرآبادى، شرف الدين على حسينى (م ٩٤٠ ق)، تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره (كنز جامع الفوائد)، تحقيق: مدرسه الإمام المهدي [، قم: مدرسه الإمام المهدي]، ١٤٠٧ ق.
٢. استرآبادى، شرف الدين على حسينى (م ٩٤٠ ق)، تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره (كنز جامع الفوائد)، تحقيق: مدرسه الإمام المهدي [، قم: مدرسه الإمام المهدي]، ١٤٠٧ ق.
٣. بحراني اصفهاني، نور الدين عبد الله بن نور الله (م ١١٧٣ ق)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، تحقيق: مدرسه الإمام المهدي، قم: مدرسه الإمام المهدي، ٧، ١٤٠٨ ق.
٤. بحراني، سيد هاشم بن سليمان (م ١١٠٧ ق)، البرهان فى تفسير القرآن، تهران: انتشارات مؤسسه بنياد بعثت، ١٤١٦ ق.
٥. اللوامع النورانيه، قم: كتابخانه تخصصى امام حسين ٧، ١٣٨٥ ش.
٦. ، حليه الأبرار فى أحوال محمّد وآله الأطهار، تحقيق: غلام رضا مولانا بروجردى، قم: مؤسسه المعارف الإسلاميه، ١٤١٣ ق.
٧. ، غايه المرام و حجّه الخصام فى تعيين الإمام، تحقيق: السيد على عاشور، بيروت: مؤسسه التاريخ العربى، ١٤٢٢ ق.
٨. ، نزهه الأبرار،  
تهران: كتابخانه مجلس شورى اسلامى،  
عربى، ١٤٢٨ ق.
٩. بهبهاني، محمّد باقر بن عبد الكريم (ق ١٤ ق)، الدمعه الساكبه فى أحوال النبي (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و العتره الطاهره، منامه: مكتبه العلوم العامه، ١٤٠٨ ق.
١٠. خوارزمى، موفق بن احمد، المناقب، تحقيق: مالك محمودى، قم: مؤسسه نشر اسلامى، ١٤١١ ق.
١١. راوندى، قطب الدين سعيد بن عبد الله (م ٥٧٣ ق)، الخرائج والجرائح، تحقيق: مؤسسه الإمام المهدي، قم: مؤسسه الإمام المهدي، ١٤٠٩ ق.
١٢. ، ألقاب الرسول و عترته (طبع ضمن «مجموعه نفيسه»)، (پيش از قرن ٩ ق)، قم: مكتبه آيه الله المرعشى.

۱. رحمانی همدانی، احمد، فاطمه الزهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ شادمانی

دل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ترجمه: حسن افتخارزاده سبزواری، تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

۲. ، فاطمه الزهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ بهجه قلب المصطفی، تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

۳. سهیلی، عبدالرحمان بن عبد الله، الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، چاپ عبدالرحمان وکیل، قاهره ۱۳۸۷ / ۱۳۹۰ / ۱۹۶۷ / ۱۹۷۰، چاپ افست ۱۴۱۰ / ۱۹۹۰.

۴. سید المرتضی، علی بن حسین موسوی (م ۴۳۶ ق)، الشافی فی الإمامه، تحقیق: عبد الزهراء الحسینی الخطیب، تهران: مؤسسه الإمام الصادق عَلَیْهِ السَّلَامُ، ۱۴۱۰ ق.

۵. ، الفصول المختاره من العیون والمحاسن، قم: المؤتمر العالمی بمناسبه ذکری ألفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.

۶. شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر لاهیجی، تصحیح: محدث ارموی، تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ ش.

۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (ت ۱۱۰۴ ق)، الإیقاظ من ההجعه، ترجمه: احمد جنتی، قم: دار الکتب العلمیه، [بی تا].

۸. ، الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه، قم: مکتبه المفید.

۹. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، ۱۴۰۳ ق.

۱۰. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (م ۴۶۰ ق)، الامالی، قم: انتشارات دارالثقافیه، ۱۴۱۴ ق.

۱۱. صفوری شافعی، عبدالرحمان بن عبدالسلام (معاصر)، نزهه المجالس ومنتخب النفايس (المجالس للصفوری)، بیروت: دار الإیمان.

۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (م ۵۴۸ ق)، اعلام الوری باعلام الهدی، قم: مؤسسه آل البيت ۷ لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ ق.



۱. مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت، [بى نا]، ۱۹۸۸ م / ۱۴۰۸ ق.

۲. طبرى، عماد الدين حسن بن على (ق ۷ ق)، كامل بهايى، تحقيق: اكبر صفدرى قزوينى، تهران: مرتضوى، ۱۳۸۲ ش.

۳. مناقب الطاهرين، تحقيق: حسين درگاهى، تهران: رايژن، ۱۳۷۹ ش.

۴. طريحي، فخر الدين (م ۱۰۸۵ ق)، مجمع البحرين، تحقيق: السيد أحمد الحسينى، تهران: مكتبه نشر الثقافه الإسلاميه، ۱۴۰۸ ق.

۵. عالمى دامغانى، محمدعلى، پيغمبر و ياران، قم: بصيرتى، ۱۳۴۶ ش.

۶. عروسى حويزى، عبد على بن جمعه (م ۱۱۱۲ ق)، نور الثقلين، تحقيق: سيد هاشم رسولى محللاتى، قم: مؤسسه إسماعيليان، ۱۴۱۲ ق.

۷. عروسى حويزى، عبد على بن جمعه (م ۱۱۱۲ ق)، نور الثقلين، محقق و مصحح: هاشم رسولى محللاتى، قم: اسماعيليان، ۱۴۱۵ ق.

۸. علامه حلى، حسن بن يوسف (م ۷۲۶ ق)، كشف اليقين فى فضائل أمير المؤمنين ۷، تحقيق: على آل كوثر، قم: مجمع إحياء الثقافه الإسلاميه، ۱۴۱۱ ق.

۹. عياشى، محمد بن مسعود سلمى سمرقندى (م ۳۲۰ ق)، تفسير العياشى، تحقيق: هاشم الرسولى المحللاتى، تهران: المكتبه العلميه، ۱۳۸۰ ق.

۱۰. فتال نيشابورى، محمد بن حسن (م ۵۰۸ ق)، روضه الواعظين، تحقيق: حسين الأعلمى، بيروت: مؤسسه الأعلمى، ۱۴۰۶ ق.

۱۱. فرات كوفى، فرات بن ابراهيم (زنده در ۳۰۷ ق)، تفسير فرات كوفى، تحقيق: محمد الكاظم المحمودى، تهران: وزاره الثقافه والإرشاد الإسلامى، ۱۴۱۰ ق.

۱۲. فياض لاهيجى، عبدالرزاق بن على، ديوان، به كوشش: امير بانوى كريمى، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.

۱۳. فيض كاشانى، ملا محمد محسن بن شاه مرتضى (م ۱۰۵۹ ق)، الصافى فى تفسير القرآن (تفسير الصافى)، تهران: مكتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.

١. قاضى نعمان مغربى، نعمان بن محمد تيمى (م ٣٦٣ ق)، شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار، تحقيق: سيد محمد حسينى جلالى، قم: نشر اسلامى، ١٤١٤ ق.
٢. قمى مشهدى، ميرزا محمد (م ١١٢٥ ق)، كنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ اسلامى، ١٣٦٨ ش.
٣. قمى، على بن ابراهيم (م ٣٠٧ ق)، تفسير القمى، به كوشش: سيد طيب موسى جزائرى، نجف: مطبعة النجف الأشرف.
٤. قيروانى، حسن بن رشيق (م ٤٥٦ ق)، العمده فى محاسن الشعر و آدابه، تحقيق: محمد قزقان، بيروت: دار المعرفه، ١٤٠٨ ق.
٥. كاشانى، ملا فتح الله (م ٩٨٨ ق)، منهج الصادقين فى الزام المخالفين، تهران، محمدحسن علمى، ١٣٣٦ ش.
٦. كاشف الغطاء، محمد الحسين، جنة الماوى، قم: كتابخانه مؤسسه علمى فرهنگى دارالحدیث، ١٣٨٠ ق.
٧. كراچكى طرابلسى، محمد بن على (م ٤٤٩ ق)، كنز الفوائد، تصحيح: عبدالله نعمه، قم: دار الذخائر، ١٤١٠ ق.
٨. مجلسى، محمدباقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، بيروت: مؤسسه الوفا، ١٤٠٣ ق.
٩. ، جلاء العيون، تهران: المكتبة الإسلاميه، ١٣٧٢ ش.
١٠. مجلسى، محمدتقى (م ١٠٧٠ ق)، روضه المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، تحقيق: على پناه الإشتهاردى، قم: بنياد فرهنگ اسلامى، چاپ دوم.
١١. محب الدين طبرى، أحمد بن عبدالله (م ٦٩٣ ق)، ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى، تحقيق: اكرم البوشى، جدّه: مكتبه الصحابه، ١٤١٥ ق.
١٢. محدث قمى، شيخ عباس (م ١٣٥٩ ق)، بيت الاحزان، ترجمه محمد محمدى اشتهااردى، قم: انتشارات ناصر، ١٣٦٩ ش.
١٣. مسعودى، على بن حسين (م ٣٤٦ ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقيق: محمد محيى الدين عبد الحميد، مصر: مطبعة السعاده، ١٣٨٤ ق.

خدیجه طاهره ۳ به روایتی دیگر (۱)

علیرضا قاسمی

### چکیده

شرح حال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با استناد به منابع مهم تاریخی است. از دیدگاه نویسنده: در باره خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، همسر گرامی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، اطلاعات زیادی گزارش نشده است و کاش فقط با کمبود اطلاعات روبه رو بودیم؛ زیرا همان گزارش هایی هم که واصل شده، دارای تناقضات فراوان و شگفت آور است و متأسفانه آن قسمتی که بر سر زبان ها جریان دارد، زندگی واقعی آن بانوی بزرگوار را به نمایش نمی گذارد و این مقاله، در پی آن است، تا علاوه بر آنچه که بر افواه جاری است، سیمای دیگری از خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ عرضه کند. ولی برای پرداختن به سیمای خدیجه طاهره ۳، ناگزیر از ذکر بعضی خصوصیات محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است. آن حضرت مظهر و نماد پاکی و پاکیزگی بود. کسی بود که در جامعه منحط آن دیار، به عنوان یک فرد پسندیده و ستوده، شهرت یافت و راست گو و راست کردار بود و در شهر ناآشنا با آب، به پاکیزگی بسیار اهمیت می داد.

کلیدواژه: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، صداقت، پاکیزگی.

در باره خدیجه، همسر گرامی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، اطلاعات زیادی گزارش نشده است و کاش فقط با کمبود اطلاعات روبه رو بودیم؛ زیرا همان گزارشاتمی هم که واصل شده دارای تناقضات فراوان و شگفت آور است و متأسفانه آن قسمتی که بر سر زبان ها جریان دارد، زندگی واقعی آن بانوی بزرگوار را به نمایش نمی گذارد و این مقاله، در پی آن است، تا

ص: ۱۱۷

علاوه بر آنچه که بر افواه جاری است سیمای دیگری از خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ عرضه کند.

در سرزمین حجاز، مردی پا به عرصه زندگی گذاشت. نام احمد (یا مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)) را برایش در نظر گرفتند و او همان کسی است که در چند دهه بعد، بشریت را با آئینی آسمانی آشنا کرد و بارزترین نقطه عطف را در طومار دینداری رقم زد.

به راستی چه ویژگی هایی در آن شخص ، موجب گزینش الهی وی شد؟ نگارنده مقاله در صدد پرداختن به این موضوع نیست . ولی برای پرداختن به سیمای خدیجه طاهره ۳، ناگزیر از ذکر بعضی خصوصیات مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است . آن حضرت مظهر و نماد پاکی و پاکیزگی بود. کسی بود که در جامعه منحط آن دیار، به عنوان یک فرد پسندیده و ستوده ، شهرت یافت و راست گو و راست کردار بود و در شهر ناآشنا با آب ، به پاکیزگی بسیار اهمیت می داد.

استحمام و مسواک زدن جزو برنامه مستمرش محسوب می شد. درد مردم و جامعه آزارش می داد و برای رفع آلام مردم اقدام عملی نیز می کرد و به همین دلیل در گروه معدود جوانمردان و آزادگان جای گرفت و همه از خود می پرسیدند چنان شخصی برای ازدواج چه برنامه ای خواهد داشت ؟ و معیارهای انسانی که صلاحیت ابلاغ وحی الهی را دارا خواهد شد ، برای پیوند زناشوئی چیست ؟ گزیده گزینش شده الهی کیست و باید چه صفاتی داشته باشد؟ آیا همان طور که خدا از میان آدمیان ، وی را به دلایل انسانی و صفاتی نیکو برگزید، او نیز از میان بانوان آن دیار، کسی را گزینش خواهد کرد که چنین باشد؟ مگر غیر از این احتمال دیگری متصور است ؟

پس

سیمای همسر مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را باید از این منظر در کتب تاریخ جست و جو کرد. آری ، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همان کسی است که در جامعه مکه به طاهره، یعنی بانوی پاک مشهور شد. گر چه جامعه جاهلی آن زمان به تدریج با پاکی و پاکیزگی به مفهوم عام آشنا می شد ، ولی قدر مسلم با پاکی بیگانه هم نبود و پاکان را می ستود و به همین دلیل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را طاهره لقب داد و احمد را مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). طاهره ، لقبی که نماد تمام نمای خوبی در آن زمان و آن دیار بود.

بنا بر این ، حلقه اتصال مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، طاهره ، را به راحتی می توان از این رهگذر

به دست آورد و از بسیاری از گزارشات نامعقول دوری جست. گزارشاتی که در پی آنند تا خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را دارای ثروت فراوان و بی حساب معرفی کنند و همان را نقطه آغاز این آشنایی و ازدواج دانسته و نوشته اند.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ قبل ازدواج با حضرت محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دو بار دیگر ازدواج کرده و دارای چند فرزند نیز بوده و زمان ازدواج با محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، چهل سال و یا کمی بیشتر سن داشته است و نیز می گویند خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود که پیشنهاد ازدواج با محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را مطرح کرد.

این که معروف است خدیجه طاهره ۳ قبل از ازدواج با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دو بار ازدواج کرده، صرفاً یک گزارش تاریخی است که متضاد آن نیز گزارش شده و در چند کتاب تاریخی آمده: «ان النبی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تزوج بها و کانت عذرا؛ پیامبر گرامی(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه ازدواج کرد در حالی که خدیجه دوشیزه و باکره بود.» ولی مظلومیت مضاعف خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در طول تاریخ به دست بعضی سیره نویسان کم دقت و راویان اولیه مغرض رقم خورده است.

آنان دلیل ازدواج های قبلی وی را وجود فرزندان از آن ازدواج ها می دانند؛ در حالی که کودکان مورد اشاره مورخان، فرزندان خواهر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یا فرزندان شوهر خواهر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از زن دیگر بودند که علی الظاهر بعد از مرگ والدین آنها (یا هر دلیل دیگری) و فقدان سرپرست آن بانوی نمونه، فداکاری کرد، آنها را به نزد خود آورد و به همراه پیامبر گرامی(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با تمام محبت از آنها نگهداری می کرد و به همین دلیل است که خدیجه ۳، علاوه بر صفت طاهره، دارای لقبی دیگر یعنی «ام الایتام»، مادر یتیمان نیز هست. و این لقب در رابطه با مادری کردن وی در حق آن کودکان است.

البته این عنوان را مردم آن دوران به وی دادند و بدیهی است که شخصیت طاهره خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ راضی به کاربرد کلمه ایتام و یتیمان نبوده باشند؛ زیرا او فقط مادری کرده بدون هیچ گونه طعن و نیش. حال آن که در لقب مذکور، نوعی بی مهری مشاهده می شود.

به هر جهت، این لقب را هر کس به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ داده باشد، نشان از روحیه بلند و انسانی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دارد؛ حس نوع دوستی، فداکاری و آزادگی، همان ویژگی هایی که شوی

او نیز در مرتبه بالاتر دارای آن بود.

متأسفانه در گزارش بعضی راویان مغرض، نه تنها با انتساب این فرزندان به خدیجه ۳، ویژگی فداکاری و انسانیت او نادیده گرفته شده، بلکه همان فرزندان را یکی از دلایل ازدواج های قبلی وی قلمداد کرده اند.

هر چند که گزارشگران دیگری به این واقعیت مهم پی برده و آن را تصحیح کرده اند. از دلایل محکم در رد ازدواج های قبلی خدیجه ۳، گزارشی هست که در بسیاری از کتب تاریخ آمده و کسی نیست که آن را نشنیده باشد. این مضمون که می گویند، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به دلیل شخصیت ممتازش، دارای خواستگارهای فراوان بود و بزرگان و اشراف قریش، خواهان ازدواج با وی بودند، ولی او به تمام اشراف مدعی جواب رد داد و چون جواب مثبت به مُحَمَّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) داد، مورد اعتراض زنان قریش واقع شد که چرا به احدی از امیران جواب مثبت ندادی، اما با یتیم ابوطالب (محمد) ازدواج کردی؟

گزارش مذکور علاوه بر این که به روشنی ازدواج های قبلی وی را مردود اعلام می کند، حاکی از آن است که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همان طور که از القابش (طاهره و ام الایتام) بر می آید، برای ازدواج ملاک هایی جز ملاک های موجود در جامعه را مد نظر داشته و ثروت و دارایی امیران و بزرگان قریش او را نفریفته، بلکه پاکی او به دنبال پاکی بزرگ تری بوده است. (جذب پاکی بزرگ تر شدن پاکان)

در مورد سن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هم برخلاف آنچه بر افواه جاری و ساری است و عدد چهل قید شده، گفتنی است که به احتمال قریب به یقین این عدد ناشی از تخمین بعضی سیره نویسان به دلیل فرض قبلی آنان در مورد دو بار ازدواج کردن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و فرزند داشتن وی بوده و اگر ازدواج های قبلی او را منتفی بدانیم، موضوع سنش نیز خود به خود حل خواهد شد.

بنا به نقل جعفر مرتضی عاملی در کتاب «الصحيح من سيرة النبي الاعظم»، سن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) متفاوت ذکر شده و مورخان مختلف آن را ۲۵ سال، ۲۸ سال، ۳۰ سال، ۳۵ سال، ۴۰ سال، ۴۴ سال، ۴۵ سال و ۴۶ سال اعلام کرده اند. در بحار الأنوار از قول

ابن عباس سن وی هنگام ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ۲۲ سال ذکر شده است. (۱)

جعفر مرتضی عاملی، عدد ۲۸ سال را قول ترجیحی اکثریت دانسته و با توجه به رد ازدواج های قبلی وی، قطعی است که سن او هنگام وصلت با پیامبر گرامی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، باید خیلی کمتر از آنچه شهرت دارد، بوده باشد و اگر چه نمی توان به طور قطع سن خدیجه طاهره ۳ را به دست آورد، ولی به نظر می رسد سن اعلام شده در بحار الأنوار از قول ابن عباس به صحت نزدیک تر است که در این صورت با قول ترجیحی اکثریت (بنا به ادعای جعفر مرتضی عاملی) خیلی تفاوت ندارد.

در هر صورت بعضی از سن های ادعایی یاد شده (به ویژه از ۳۵ تا ۴۶ سال) نه با تحلیل صحیح وقایع تاریخی سازگار است و نه با علوم پزشکی و تجارب انسان ها؛ زیرا کسانی که سن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را هنگام ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حدود چهل سال اظهار کرده اند همان کسانی هستند که ولادت حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ پنج سال بعد از بعثت، یعنی بیست سال بعد از ازدواج رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می دانند.

بدین ترتیب سن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام تولد حضرت فاطمه ۳ باید حدود شصت سال باشد که طبیعی است در این حدود سن (بین ۵۵ سال تا ۶۶ سال) بارداری از نظر علمی و پزشکی و تجربه و واقعیت مردود است و اگر عوام الناس بگویند سن بارداری برای سادات ده سال بیش از حد معمول است، باید گفت: اگر چنین باشد، همین مطلب بزرگ ترین سند و معجزه برای حقانیت آیین اسلام در نزد جهانیان می توانست باشد که البته نه چنین مطلبی واقعیت دارد و نه نگارنده به دنبال چنین موهوماتی است.

گذشته از آن که اصولاً خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ جزو سادات مرسوم به شمار نمی آیند، از سویی ممکن است عده ای استدلال کنند در قرآن مواردی از بارداری در سنین کهن سالی مطرح شده (همسر حضرت ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَامُ و حضرت زکریا) و این امر در مورد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز می تواند از این نوع (معجزه الهی) باشد. جواب این است که آیا اجازه داریم هر گاه از

ص: ۱۲۱

تحلیل و تحقیق کم می آوریم ، متمسک به استثنائاتی شویم که در قرآن و خود قرآن نیز غیرعادی و غیرطبیعی بودن آن را ذکر کرده است . ثانیاً وقتی قرآن ، دو مورد مزبور را در مورد پیامبران پیشین ذکر کرده ، چطور ممکن است معجزه ای را که مربوط به آورنده قرآن است مسکوت گذاشته باشد.

از این نکته نیز اگر بگذریم نوبت به موضوع خواستگاری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) می رسد. بدون تردید خواستگاری یک زن بیوه چهل و چند ساله که دارای چند فرزند بوده و سابقه دو بار شوهر کردن را داشته ، از یک جوان نمونه قریش با حدود ۲۵ سال سن ، گستاخانه و خودخواهانه است و این امر با اخلاق قریش سازگاری نداشته است و اگر بپذیریم وی یک دوشیزه (عذرا) فداکار و پاکی بوده که سنی حدود سن پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را داشته ، لذا موضوع خواستگاری از این زاویه با صفات وی متنافی است و به خصوص که مراسم خواستگاری رسمی کسان پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، به ویژه حضرت ابوطالب ۷، از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و کسان وی ، در کتب معتبر تاریخی ذکر شده است . هر چند که ممکن است به دلیل وجود صفات برجسته محمد بن عبدالله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، پیام های اولیه از سوی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ارسال شده باشد ، ولی طبیعی تر، همان خواستگاری معمول محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و کسان وی از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و بزرگ وی، به دلیل وجود صفات نیکو در این زن آزاده ای بود که به پاکی و مهر و محبت شهرت داشته است .

ظاهراً اصلی ترین امتیازی که برای حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در امر پیشقدم شدن در ازدواج مطرح می کنند ، همانا مال و ثروت زیاد وی است که اگر چنین شخصیت ملکوتی و منحصر به فرد پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به ازدواج با فردی که تنها امتیازش ثروت او است راضی نمی شد. مگر در اصل ثروت فراوان و بسیار خدیجه ۳، تردید کنیم هر چند نظر قطعی نمی توان داد.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در جامعه ای پا به عرضه وجود نهاد که بسیاری از ارزش ها و اخلاقیات در آن کم رنگ شده بود و او در همان جامعه ملقب به صفت طاهره (پاک ) شد. او نهاد دقیق مهرورزی و محبت به کودکان بی سرپرست بود و به دلیل همان صفات برجسته انسانی و بسیاری صفات نیکوی دیگر که متأسفانه خبری از آنها نداریم ، با اشرف انسان های دوران آفرینش ، سرچشمه نیکی و پاکی ، محمد مصطفی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، پیوند برقرار کرد و به همراه آن



حضرت به ادامه سرپرستی از فرزندان پرداخت که بعدها منتسب به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شدند و حتی همسران آن دختران نیز به لقب دامادهای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مفتخر شده اند.

شاید به دلیل وجود همین فرزندان بوده که آن خانواده نورانی از داشتن فرزندان حقیقی به تعداد متعارف زمان حیات شان منصرف شده اند.

اگر چه گفته می شود خدیجه طاهره ۳ اولین کسی بود که به حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایمان آورد و آغاز ایمان وی به رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به لحظه آغازین وحی و بعثت وی برمی گردد، او از سال ها قبل به پاکی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدا باوری وی ایمان آورده بود و بدیهی است اگر بعد از سفارت رسمی الهی خاتم الانبیا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، اولین گرونده رسمی باشد.

ص: ۱۲۳



## چکیده

شرح فضایل اخلاقی و معنوی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با استناد به مهم ترین منابع تاریخی و روایی اهل سنت و شیعه است. از دیدگاه نویسندگان: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از جمله زنان بافضیلتی است که شایستگی تأسی و اقتدا دارد. ایشان از زنان بهشتی است که روایات فراوانی از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و معصومین ۷ در باره فضایل و سجایای اخلاقی ایشان وارد شده است. حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ با نگاهی فراتر از نگاه های آن عصر به استقبال پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رفت و نه تنها مال و اعتبار، بلکه روح و جان خود را در راه مصالح ایشان و مکتب او هزینه کرد و رضوان الهی و سعادت آخروی را برای خود خرید. بی شک، زنان مسلمان با پیروی از خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ و دختر اطهرش، فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ، در خانه و اجتماع می توانند به قله های حقیقی کمال و تعالی برسند و راه را بر راهزنان فرهنگی ببندند و پایه گذار خانه های سبز باشند.

کلیدواژه: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، سجایای اخلاقی، سعادت، کمال.

الگوها، بسترهای مناسبی را برای رشد و بالندگی یا تنزل و فروپاشی فرد و جامعه فراهم می کنند. جوامع غربی با استفاده از این قاعده، با معرفی الگوهای خود برای زنان جهان و به ویژه زنان مسلمان، می کوشند آنان را به سوی اهداف شوم خود هدایت کنند و جهت

ص: ۱۲۵

۱- همسر آفتاب، گروهی از نویسندگان، تهیه شده در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم: کتاب طه: چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۷-۴۴.

دهند. غرب با به دست گرفتن روح و فکر زنان می خواهد زنان دیگر جوامع هویت خود را رها سازند و هویت جدیدی را پذیرا شوند. که نتیجه، وابستگی کامل است. بر نهادهای فرهنگی واجب است که به معرفی الگوهای اصیل دینی و ملی اهمیت دهند و فضای فرهنگی کشور را جولان گاه غرب زدگان قرار ندهند.

از جمله زنان بافضیلتی که شایستگی تأسی و اقتدا دارد، حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ، همسر گرامی پیامبر اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است. ایشان از زنان بهشتی است که روایات فراوانی از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و معصومین ۷ در باره فضایل و سجایای اخلاقی ایشان وارد شده است.

حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ با نگاهی فراتر از نگاه های آن عصر به استقبال پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رفت و نه تنها مال و اعتبار، بلکه روح و جان خود را در راه مصالح ایشان و مکتب او هزینه کرد و رضوان الهی و سعادت اُخروی را برای خود خرید.

بی شک، زنان مسلمان با پیروی از خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ و دختر اطهرش، فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ، در خانه و اجتماع می توانند به قلّه های حقیقی کمال و تعالی برسند و راه را بر راهزنان فرهنگی ببندند و پایه گذار خانه های سبز باشند.

## یک: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در تاریخ

### رویش ستاره

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ۶۸ سال پیش از هجرت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مکه، چشم به جهان گشود. وی در خانواده ای بزرگ و ارجمند متولد شد و نیکو پرورش یافت. پدرش، خویلد بن اسد بن عبدالعزی نام داشت و مادرش، فاطمه دختر زائده بن اصم بود. جد بزرگ آن دو فھر نام داشت و از قبیله قریش بودند. لقبش «طاهره» بود، دو پسر به نام های قاسم و عبد الله (۱) و چهار دختر به نام های زینب، ام کلثوم، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ و رقیه داشت.

بنا به روایتی، پدر وی پیش از جنگ های فجار کشته شد و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را در دنیای پر آشوب

ص: ۱۲۶

---

۱- . عبدالله را «طیب» و «طاهر» نیز می گفته اند که بعضی معتقدند دلیل آن، این بوده که او پس از نبوت پیامبر گرامی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و در عصر بعثت به دنیا آمده است. (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۶۶ - ۱۶۷)

آن روزگار تنها گذاشت. از سرنوشت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و زندگانی وی تا پیش از سنین میان سالی آگاهی دقیقی در دست نیست. شاید پانزده سال بیشتر از عمرش نمی گذشت که شاهد هجوم سپاه ابرهه به خانه خدا بود. زمان لشکرکشی ابرهه که به «عام الفیل» معروف گشت، سال تولد محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) و مبدأ تاریخ پیش از ظهور اسلام بود. (۱)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، نخستین بانویی است که دعوت محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) به آیین اسلام را لبیک گفت. او تا آخرین لحظه در کنار رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) ماند و از حمایت همسرش دست برنداشت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یکی از بزرگ ترین حامیان دین اسلام بود. رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) در این باره می فرمود: «اسلام جز به شمشیر علی و ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برپا نشد.» (۲)

### خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در دوران جاهلیت

بنا بر اشاره متون تاریخی، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در دوران جوانی با تشکیل کاروان های تجاری به کسب درآمد پرداخت. وی با مدیریت و درایتی قوی و به دور از رسم تاجران زمانه که رباخواری را از اصول اولیه کسب ثروت قرار داده بودند، به تجارت مضاربه ای روی آورده بود.

برخی پژوهشگران بر این باورند که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیش از پرداختن به تجارت، ابتدا با عتیق بن عائد مخزومی و پس از مرگ وی، با ابوهاله بن منذر اسدی ازدواج کرده است. (۳) اگر صحت این ازدواج ها را بپذیریم، ممکن است بخشی از دارایی اولیه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از طریق میراث شوهرانش به وی رسیده باشد. با این حال، نمی توان تدبیر و مدیریت تجاری وی را منکر شد. تاریخ نگاران بارها از او با عنوان هایی همچون: «امْرَأَةٌ حَازِمَةٌ لَبِيْهٍ»؛ یعنی بانوی دورانندیش و خردمند یا «امْرَأَةٌ عَاقِلَةٌ»؛ یعنی بانوی عاقل یاد کرده اند. (۴)

هر چند مبارزه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با تجارت ربایی، خود مقوله ای مهم است، ولی تابناک ترین

ص: ۱۲۷

- ۱- ماهنامه کوثر، ش ۱، ص ۲۵.
- ۲- علی دخیل، علی محمّد، اعلام النساء، ج ۱، ص ۳۲۶.
- ۳- در جلد بیست و دوم بحار الأنوار در باره زنان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) از «احمد بلاذری» و «ابوالقاسم کوفی» روایت شده است که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در حالی که دوشیزه بود، به ازدواج پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) درآمد.
- ۴- مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ).

صفحه زندگی او مربوط به زمانی است که با وجود زیبایی ظاهر و برخورداری از تمام ویژگی های عالی زنانه، هرگز در جامعه فاسد آن روزگار، خود را نباخت و به درجه ای از کمال و پاکی رسید که وی را «طاهره» لقب دادند. (۱)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یکی از ثروتمندان مکه بود، ولی هرگز از یاری فقیران روی برنمی گرداند و خانه اش همواره کعبه آمال مردم بینوا و پناهگاه نیازمندان بود. کرم، سخاوت، دوراندیشی، درایت، عفت و پاک دامنی، از وی بانویی پرهیزکار و مورد احترام ساخته بود. لقب «سیده نساء قریش» که در آن زمان به وی داده شد، نشان دهنده جایگاه او در میان مردم است. کمال روحی و عقلی و حسن ظاهر وی سبب شده بود مردان زیادی اندیشه همسری او را در سر پروراندند. عقبه بن ابی معیط، صلت بن ابی یهاب، ابوجهل و ابوسفیان از جمله مردان ثروتمند و بانفوذ قریش بودند که از او خواستگاری کردند، ولی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ درخواست آنان را رد کرد. (۲)

### دیدار با شبان جوان

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زمانی با محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آشنا شد که وی به شبانی مشغول بود و گوسفندان اهل مکه را برای چرا به سرزمین قراریط می برد. (۳) محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در آن روزگار با عمویش، ابوطالب زندگی می کرد. ابوطالب فرزندان بسیاری داشت و در تنگ دستی به سر می برد، به همین دلیل، محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با شبانی و کار و تلاش خود روزگار می گذراند.

### پیشنهاد ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ

ابوطالب، عموی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که وضع دشوار زندگی تنها یادگار برادرش را می دید، به او شغل تجارت را پیشنهاد کرد و از او خواست تا نزد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برود که یکی از بازرگانان خوش نام و معروف قریش بود. مناعت طبع و بلندی روح محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مانع از این بود که از دیگران درخواستی کند. از این رو، به عموی خود گفت: «شاید خود خدیجه دنبال من بفرستد.» هم چنین اتفاقی نیز رخ داد و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که از گفت و گوی ابوطالب و محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آگاه شده بود،

ص: ۱۲۸

۱- همان.

۲- همان، ص ۲۲.

۳- سبحانی، جعفر، فراهایی از تاریخ زندگانی پیامبر اسلام، ص ۷۵.

شخصی را به دنبال محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرستاد و گفت: «دلیلی که مرا بر آن داشته است تا از تو دعوت کنم که به نمایندگی من در کاروان تجاری قریش شرکت کنی، راست گویی، امانت داری و اخلاق پسندیده تو است. من حاضریم دو برابر آنچه به دیگران می‌دادم، به تو بدهم و دو غلام خود را نیز همراه تو بفرستم تا در تمام مراحل فرمانبردار تو باشند.» (۱) وقتی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جریان را برای عموی خود نقل کرد، ابوطالب فرمود: «این گشایشی است برای زندگی که خداوند آن را برایت مهیا کرده است.» (۲)

## کاروان

بازرگانی قریش که کالاهای خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در آن بود، آماده حرکت شد. خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ، شتری راهوار به همراه مقداری کالای گران بها به وکیل خود، محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) داد و به غلامش مَيْسِرَه نیز دستور داد تا در تمام مراحل فرمانبردار وی باشد. کاروان به مقصد رسید و همه بازرگانان در این سفر سود بردند، ولی سود محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیش از همه بود. او کالاهایی نیز برای فروش در بازار تِهَامَه خریده بود. کاروان پس از موفقیت کامل، راه مکه را پیش گرفت.

هنگامی که کاروان به مکه نزدیک شد، میسره به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفت: «خوب است شما زودتر نزد خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ بروید و او را از جریان تجارت پر سود و بی سابقه ای که امسال نصیب ما شده است، آگاه سازید.» وی به دیدار خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ رفت و آنچه را در این سفر بر او گذشته بود، با خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در میان گذاشت. میسره نیز تمام آنچه را در این سفر دیده بود و آنچه را نشان دهنده عظمت و معنویت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود، برای بانوی خود تعریف کرد. از جمله گفت: «محمد بر سر موضوعی با تاجری اختلاف پیدا کرد. آن مرد به محمد گفت به لایت و عزّی سوگند بخور تا سخن تو را بپذیرم. محمد در پاسخ او گفت: پست ترین و مبعوض ترین موجودات نزد من لات و عزّی هستند که تو آنها را می پرستی.»

میسره هم چنین تعریف کرد: در «بُصْرَى هنگامی که محمد برای استراحت زیر سایه درختی نشسته بود، چشم راهبی که در صومعه خود نشسته بود، به او افتاد. نامش را از من

ص: ۱۲۹

۱- بنا بر نقل ابن هشام و ابن اسحاق، خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ با همه کارگزاران تجاری خود بر اساس مضاربه عمل می کرد و حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز به این شیوه با وی معامله کرد. (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸ - ۹)

۲- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۵۶ - ۱۵۷.

پرسید و بعد از تأمل کوتاهی گفت: این مرد که زیر سایه این درخت نشسته است، همان پیامبری است که در تورات و انجیل در باره او بشارت های فراوانی خوانده ام.»<sup>(۱)</sup>

### پیوند ملکوتی

خدایچه عَلِيهَا السَّلَامُ به عظمت روح محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پی برده و آثار نبوت را در وجود او دیده و غنچه مهر و محبت او در دلش شکوفه زده بود. وی جوانی پاک دامن و امین را پیش روی خود داشت که هنگام سخن گفتن با او عرق شرم و نجابت بر چهره اش می نشست و پاکی دلش از صداقت سیمایش آشکار بود.

خدایچه عَلِيهَا السَّلَامُ افکار خود را با همدم خود نفیسه، دختر عَلِيّه (یامثیه) در میان گذاشت. نفیسه پیام خدایچه عَلِيهَا السَّلَامُ را به محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رساند و گفت: «ای محمّد! چرا شبستان زندگی خود را با چراغ همسری روشن نمی کنی؟» محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در جواب فرمود: «من مالی ندارم که با آن ازدواج کنم.» نفیسه گفت: «اگر من تو را به ازدواج با زنی زیبا و ثروتمند و باشرافت و عزت دعوت کنم، می پذیری؟» محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پرسید: «آن شخص کیست؟» نفیسه گفت: «خدایچه!» محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «با این که وضع زندگی من با او تفاوت زیادی دارد، آیا او به این کار حاضر می شود؟» نفیسه گفت: «این را به من واگذار کن!»

محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به پیشنهاد نفیسه پاسخ مثبت داد و فرمود: «لازم است که عموهای خود را از این کار آگاه سازم و با آنها مشورت کنم. اگر آنها به این کار رضایت دادند، به همراه عموهای خود به خواستگاری خدایچه خواهم آمد.»<sup>(۲)</sup>

### خواستگاری

محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این باره با ابوطالب مشورت کرد و مجلس باشکوه خواستگاری با حضور شخصیت های بزرگ قریش تشکیل شد. امام صادق عَلِيّه السَّلَامُ در این باره می فرماید: آن گاه که رسول خدا

ص: ۱۳۰

۱- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۷ - ۲۰.

۲- . سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۵۶ - ۱۶۴؛ ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۱ - ۱۳۲.



خواست با خدیجه، دختر خویلد ازدواج کند، ابوطالب با خاندانش و گروهی از قریش نزد ورقه بن نوفل، پسر عموی خدیجه آمدند. ابوطالب سخن آغاز کرد و فرمود: «سپاس پروردگار این خانه را که ما را از فرزندان ابراهیم و اسماعیل قرار داد و ما را در این سرزمین امن فرود آورد و بر مردمان فرمانروایی بخشید و در این شهر برکت و نعمت فراوان بر ما ارزانی داشت. فرزند برادرم کسی است که بر هر مردی از قریش که با او مقایسه شود، برتری دارد و از هر که با او سنجیده شود، بزرگ تر است و نظیری در میان آفریدگان ندارد. هر چند ثروتش اندک است، ولی ثروت چون شبی گذرا و سایه ای ناپایدار است. اینک پیش تو آمدم تا خدیجه را از تو خواستگاری کنیم. مهریه او را من از مال خود خواهم داد؛ آنچه را اکنون یا هر زمان دیگری بخواهد. قسم به خدای این خانه که او بهره ای وافر و دینی گسترده و اندیشه ای کامل دارد.»

آن گاه ابوطالب سکوت کرد و نوبت ورقه رسید، ولی در سخن گفتن به سختی افتاد و از پاسخ دادن به ابوطالب در مانده شد و سکوت اختیار کرد. خدیجه گفت: «پسر عمو! تو هر چند بزرگ خانواده ای و در سخن گفتن در این مجلس از من سزاوارتری، ولی من در رضایت نسبت به این ازدواج سزاوارترم. ای محمد! من درخواست تو را می پذیرم و مهر را نیز از مال خویش می دهم.» آن گاه از ابوطالب خواست تا شتری قربانی کند و به مردم ولیمه بدهد.

ابوطالب فرمود: «گواه باشید که خدیجه، محمد را پذیرفت و مهر را از مال خویش ضمانت کرد.» قریشی یان گفتند: «شگفتا که مهر را زن به مرد می دهد!» ابوطالب به پا خاست و فرمود: «اگر مردی مانند برادرزاده ام باشد، جا دارد که با گران ترین بها و بیشترین مهر خواسته شود، ولی اگر مثل شما باشد، جز با پرداختن مهر سنگین با شما ازدواج نخواهد کرد.» سپس در همان مجلس شتری قربانی کرد و بدین ترتیب، محمد با خدیجه ازدواج کرد.<sup>(۱)</sup>

گفته می شود مهریه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، چهارصد دینار و به قولی، بیست شتر بود<sup>(۲)</sup> و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام ازدواج چهل سال داشت.<sup>(۳)</sup>

ص: ۱۳۱

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۴ - ۱۶.

۲- . سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۶۳ - ۱۶۴.

۳- . همان، ص ۱۶۴.

سرانجام محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیمان ازدواج بستند. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تمام دارایی خود و غلامانش را در اختیار محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گذاشت تا او هر گونه می خواهد در آنها تصرف کند. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که به عظمت معنوی همسرش آگاهی داشت، همواره در راه رضای او گام برمی داشت. البته این رفتارهای او با سرزنش های تلخ قریش همراه بود. برخی زنان آن روزگار، با ارزش واقعی مفاهیمی چون خوش رفتاری، راست گویی و امانت داری بیگانه بودند و فلسفه ازدواج زنی ثروتمند با مردی تهی دست را درک نمی کردند. از این رو، هر فرصتی را مغتنم می شمردند و لب به طعنه می گشودند و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را می آزردهند. زنان مکه با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ رفتاری ناروا داشتند، ولی او که در کنار همسر محبوبش احساس آرامش می کرد، برای رویارویی با افکار جاهلانه زنان، آنها را جمع کرد و فرمود: «از زنان عرب شنیده ام که [شوهران شما] بر من خرده می گیرند که چرا با محمد وصلت کرده ام؟ از شما می پرسم آیا کسی مانند محمد در نیکویی، نیک رفتاری، خصلت های پسندیده و فضیلت و شرافت در تمام سرزمین عرب سراغ دارید؟» (۱)

### فرزندان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

تولد فرزندان، پیوند زناشویی حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را محکم تر و چراغ زندگی آنان را پرفروغ تر ساخت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از این پیوند آسمانی صاحب شش فرزند شد: دو پسر و چهار دختر. بزرگ ترین آنها قاسم بود که در دوران جاهلیت به دنیا آمد. سپس زینب متولد شد که بعدها به همسری ابوالعاص بن ربیع در آمد. سومین فرزند وی ام کلثوم بود که به همسری عثمان بن عفان در آمد، ولی پیش از عروسی از دنیا رفت و آن حضرت، رقیه دختر سوم خود را به ازدواج او در آورد.

آخرین دختر آن بانوی بزرگوار، حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ، همسر حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و مادر حسنین ۷ است. دومین پسر ایشان نیز عبد الله است که پس از اسلام به دنیا آمد و به همین علت او را

ص: ۱۳۲

«طیب» و «طاهر» لقب دادند. گفته شده است پسران ایشان در کودکی از دنیا رفتند؛ قاسم در هفت سالگی و عبد الله در دو سالگی. همه دختران آن حضرت نیز به جز فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ از دنیا رفتند. از همین رو، نسل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تنها از طریق حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ ادامه یافت. (۱)

کسانی که معتقدند خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیش از ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ازدواج کرده است، می گویند وی از ازدواج های قبلی خود نیز فرزندان داشته است. از جمله از عتیق بن خالد مخزومی، یک دختر داشته که بعدها با ابوهاله اسدی ازدواج کرده و ثمره این ازدواج هند ابن ابی هاله است. البته برخی هند را خواهرزاده خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می دانند. (۲)

باید بگوییم پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز از همسر دیگرشان ماریه قبطیه، پسری به نام ابراهیم داشته که وی نیز در خردسالی از دنیا رفته است.

از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ پرسیدند: «چرا پسری برای رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) باقی نماند؟» ایشان در پاسخ فرمود: «زیرا محمد، پیامبر خدا و علی، وصی او بود و اگر آن حضرت فرزندی از خود بر جای می گذاشت، در ولایت علی تردید می شد و وصایت او تثبیت نمی گشت.» (۳)

### فوت پسران

هنگامی که عبد الله (طاهر) وفات یافت، پیامبر خدا، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را از گریه و شیون نهی کرد. روزی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خانه آمد و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را در حال گریه دید. به او فرمود: «چرا گریه می کنی؟» خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گفت: «من هنوز عبد الله را از شیر نگرفته بودم.» پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «ای خدیجه! آیا خوشنود نمی شوی اگر روز قیامت او در کنار بهشت ایستاده باشد و دست تو را بگیرد و به بهشت داخل کند و در نیکوترین جای منزل دهد؟» خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با شگفتی پرسید: «ای رسول خدا! واقعاً چنین است؟» پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «آری، این فضیلت برای همه مؤمنان است. خداوند حکیم تر و کریم تر از آن است که جگر گوشه مؤمن را از او بگیرد و او

ص: ۱۳۳

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۵۱.

۲- . نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۱۵ - ۲۱۶.

۳- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۵۲ - ۱۵۳.

بر این مصیبت صبر پیشه کند و خدای را سپاس گوید و آن گاه خداوند او را عذاب کند.»(۱)

## میلاذ فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ

در سال پنجم بعثت، جبرئیل بر پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نازل شد و فرمود: «خداوند بر تو سلام می‌رساند و می‌فرماید چهل روز از خدیجه کناره گیری کن.» پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز چنین کرد. پس عمار را نزد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فرستاد و فرمود: «به خدیجه بگو فکر نکن تو را از یاد برده‌ام. پروردگارم مرا به این کار فرمان داده و در این کار حتماً خیری نهفته است.»

پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این چهل روز در خانه فاطمه بنت اسد، مادر حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ اقامت داشت. روزها را روزه می‌گرفت و شب علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را به مراقبت از خانه می‌گماشت تا غریبه‌ای به آن وارد نشود. آن گاه روزه خود را با طعامی از بهشت افطار می‌کرد.(۲) سپس تمام شب را به عبادت می‌پرداخت.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ چهل روز را تنها در خانه خویش به سر برد، ولی شوق دیدار پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خاطرۀ خوش روزهای گذشته، تحمل تنهایی را بر او آسان کرد. سرانجام لحظه موعود فرا رسید و محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از چهل روز به خانه بازگشت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که روزها در انتظار او صبر پیشه کرده بود، در را بر او گشود و با روی گشاده به او خوش آمد گفت. جبرئیل نیز طعامی نیکو برای آن دو از بهشت آورد. همه این‌ها زمینه‌ای بود تا نوگل خدیجه، زهرای مرضیه عَلَیْهَا السَّلَامُ، جهان را به هستی خویش زینت بخشد.

فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ از همان آغاز و حتی در شکم مادر، یار و همدم وی بود و با او سخن می‌گفت. سرانجام زمان ولادت حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ فرا رسید. زنان قریش که از ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دل‌گیر بودند، به کمک او نیامدند و بر بالینش حاضر نشدند. به فرمان خداوند، چهار زن از زنان بزرگ بهشت، ساره، همسر ابراهیم خلیل؛ آسیه، همسر فرعون؛ مریم، مادر عیسی عَلَیْهِ السَّلَامُ و کلثوم، خواهر حضرت موسی ۷ بر بالین خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ظاهر شدند و او را یاری کردند. یکی از

ص: ۱۳۴

۱- همان، ج ۱۶، ص ۱۵ - ۱۶.

۲- همان، ص ۷۷ - ۸۱.

آنان سمت راست خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، دیگری سمت چپ، یکی بر بالای سر و آخری پایین پای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نشست. آنها فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ را از مادر گرفتند و حوریان بهشتی، او را با آب کوثر شست و شو دادند و در پارچه ای سفید پیچیدند. (۱)

### خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در منزلگاه وحی

کوه نور در شمال مکه قرار دارد. در نقطه شمالی این کوه، غاری است که حرا نامیده می شود و پس از عبور از میان سنگ های سخت می توان به آن رسید. ارتفاع این غار به اندازه قامت یک انسان است و عبادتگاه حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، برترین برگزیده خدا بود. او شب ها و روزها را در این مکان سپری می کرد و این مکان خلوت و دور از هیاهو را برای عبادت و پرستش پروردگار انتخاب کرده بود. محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ماه رمضان را در آن جا می گذراند و در ماه های دیگر نیز گاه و بیگاه به آن جا می رفت و به راز و نیاز با خدای خویش می پرداخت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هر گاه همسرش را در خانه نمی یافت، در پی او به حرا می رفت و او را در آن جا سرگرم عبادت می دید. مدت ها بود که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ساعت ها در کوه نور به تماشای این راز و نیاز پرشور و انس و ارتباط محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با خدا می نشست. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می دانست محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) از این که مردم نادان بت های بی روح را ستایش می کنند، متأثر است، ولی نمی تواند چیزی بگوید؛ چون به بازگویی حقایق، مأمور نیست.

سرانجام زمان موعود فرا رسید و جبرئیل از جانب خدا برای محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) پیام آورد:

بخوان!

چه بخوانم؟

بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید... .

مأموریت جبرئیل پایان یافت و محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) پس از آن که به پیامبری رسید، از کوه حرا رهسپار خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شد. این واقعه، روح پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را مضطرب و جسم او را خسته و ناتوان کرده بود. آغاز ارتباط روحی با فرشته الهی برای او سخت و سنگین بود و لرزه بر اندام مبارکش

ص: ۱۳۵

با این که حضرت یقین داشت آنچه بر وی نازل شده، پیام خدا و آورنده آن جبرئیل است، ولی این همه اضطراب تا حدی طبیعی می نمود؛ چرا که روح هر اندازه توانا باشد و با نظام غیب و عوالم روحانی رابطه داشته باشد، باز وقتی اولین بار با فرشته وحی روبه رو می شود، اضطراب و وحشت به او دست می دهد. بعدها اضطراب پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از بین رفت. (۱)

خدایچه عَلِيهَا السَّلَامُ که همسر خود را مضطرب و خسته دید، نگران شد و جریان را از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پرسید. محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز هر آنچه را در کوه اتفاق افتاده بود، برای خدایچه عَلِيهَا السَّلَامُ تعریف کرد. خدایچه عَلِيهَا السَّلَامُ به بزرگی، راست گویی و درست کاری محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایمان داشت و پیش تر نیز شنیده بود که مردی بزرگ از مکه، آخرین پیامبر الهی خواهد شد. پس با شنیدن سخنان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، به او ایمان آورد و وی را دعا کرد و دلگرمی داد.

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که احساس خستگی می کرد، به خدایچه عَلِيهَا السَّلَامُ فرمود: «دَثْرِينِي؛ مرا بپوشان.» خدایچه عَلِيهَا السَّلَامُ او را پوشانید و محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خواب فرورفت. خدایچه عَلِيهَا السَّلَامُ نیز با خود پیمان بست که با تمام توان از شوهرش که دیگر پیام آور حق و حقیقت شده بود، دفاع کند. از این رو، وی اولین زنی بود که به پروردگار و رسالت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایمان آورد. هیچ تردیدی وجود ندارد که خدایچه عَلِيهَا السَّلَامُ، نخستین بانویی است که به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایمان آورده است.

ما در این مورد، تنها به بررسی یک سند تاریخی بسنده می کنیم که تاریخ نویسان از عایشه، همسر پیامبر نقل کرده اند. عایشه می گوید: «من همواره از این که روزگار خدایچه را درک نکرده بودم، تأسف می خوردم و از علاقه پیامبر به او در شگفت بودم؛ چرا که پیامبر، او را بسیار یاد می کرد و اگر گوسفندی می کشت، به سراغ دوستان خدایچه می رفت و سهمی برای آنها می فرستاد. روزی رسول خدا در حالی که خانه را ترک می کرد، خدایچه را یاد کرد و از او تعریف کرد. کار به جایی رسید که صبر خویش را از دست دادم و با کمال جرئت گفتم: وی پیرزنی بیش نبود و خدا بهتر از او را نصیب شما کرده است! گفتار من چنان رسول خدا را متأثر ساخت که آثار خشم و غضب در چهره او ظاهر شد. رو به من کرد و فرمود:

ص: ۱۳۶

ابداً چنین نیست... هرگز همسری بهتر از آن نصیب من نشده است. او هنگامی به من ایمان آورد که همه مردم در کفر و شرک به سر می بردند؛ او ثروت خود را در سخت ترین لحظات در اختیار من گذاشت؛ خدا از او فرزندی نصیب کرد که به دیگر همسرانم نداد!» (۱)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، اولین بانویی بود که همراه علی بن ابی طالب ۷ با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به نماز ایستاد و پیشانی عبودیت بر خاک سایید. او بدین گونه وفاداری خود را به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اثبات کرد.

### خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در شعب ابی طالب

سران قریش که از پیشرفت حیرت انگیز آیین یکتاپرستی سخت نگران و ناراحت بودند، به فکر چاره افتادند. آنها تصمیم گرفتند با محاصره اقتصادی و قطع کردن شریان های حیاتی مسلمانان، از نفوذ و گسترش اسلام بکاهند و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و یارانش را در حصار فقر و تبعید نابود کنند یا به سازش و تسلیم وادارند. بنا بر این، عهدنامه ای به خط منصور بن عکرمه و امضای هیئت عالی قریش نوشتند و آن را داخل کعبه آویختند. آنان سوگند یاد کردند تا دم مرگ بر مفاد این پیمان پایدار بمانند. مفاد عهدنامه به این شرح بود:

۱. هر گونه خرید و فروش با هواداران محمد تحریم می شود؛

۲. ارتباط و معاشرت با آنان ممنوع است؛

۳. کسی حق ندارد با مسلمانان ارتباط زناشویی برقرار کند؛

۴. در تمام پیشامدها باید از مخالفان محمد طرفداری کرد.

پس از این عهدنامه، ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ که عموی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و حامی او بود، از تمام خویشان و اقوامش دعوت کرد تا پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را یاری کنند. سپس دستور داد همه مسلمانان به درّه ای بروند که میان کوه های مکه قرار داشت و به شعب ابی طالب معروف بود. شعب خانه های محقر و سایبان های مختصری داشت که مسلمانان می توانستند در آن جا از گزند مشرکان دور باشند. محاصره اقتصادی سه سال طول کشید. در این مدت، جوانان و مردان با خوردن یک دانه خرما در شبانه روز زندگی می کردند و گاهی به دلیل کمبود شدید غذا حتی همان یک دانه

ص: ۱۳۷

خرما را نصف می کردند.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در این سه سال هیچ گاه همسرش را تنها نگذاشت و مانند همیشه با مال خود به یاری او شتافت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تمام ثروت خود را در جریان شعب خراج کرد تا جایی که گفته می شود بعد از محاصره اقتصادی دیگر ثروتی نداشت. او علاوه بر این که ثروت خود را در این راه صرف کرد، از خویشان خود نیز خواست که در فرصت پیش آمده به مسلمانان کمک کنند. از جمله افرادی که مسلمانان را یاری کردند، می توان حکیم بن حزام، برادرزاده خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و ابوالعاص، داماد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و همسر رقیه را نام برد. حکیم بن حزام گاهی نیمه شب ها مقداری گندم و خرما بر شتری می گذاشت و تا نزدیکی شعب می برد. آن گاه افسار شتر را بر گردنش می آویخت و آن را رها می کرد تا به مسلمانان برسد.

این سختی ها ادامه داشت تا این که سرانجام پیک وحی پیام آورد موریانه، عهدنامه قریش را خورده است و تنها کلمه «بِسْمِکَ اللَّهُمَّ» باقی مانده است. پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ) جریان را به ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ خبر داد. این گونه بود که محاصره اقتصادی مسلمانان به پایان رسید و مسلمانان به ویژه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ در این امتحان الهی سربلند و پیروز شدند. (۱)

### محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ در سوگ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سه سال رنج و مشقت شعب را تحمل کرد که می توان آن را اوج فداکاری او در خدمت به اسلام به شمار آورد. پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ)، همواره از این فداکاری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یاد می کرد و او را به خاطر این ایثار و از خود گذشتگی می ستود.

پس از آن که مسلمانان از شعب خارج شدند، مدتی نگذشت که ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ، عموی مهربان و وفادار پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ) در گذشت و حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ) را در حزن و اندوه فروبرد. پس از ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پشتیبان و همراه پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ) بود، ولی او نیز اندکی بعد بیمار شد و در گذشت.

این بانوی گرانقدر در دهم رمضان سال دهم بعثت؛ یعنی حدود سه سال قبل از هجرت

ص: ۱۳۸



وفات یافت. گفته اند وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تنها سه روز پس از درگذشت ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ رخ داد و برخی معتقدند که وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سی و پنج روز پس از فوت ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ بوده است. در این میان، آنچه مسلم است این است که هر دو بزرگوار در یک سال وفات یافته اند. (۱) از این رو، سالی را که این دو مصیبت بزرگ بر پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وارد گشت، «عام الحزن» نام نهادند.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام وفات شصت و پنج سال داشت و بیست و چهار سال از عمر شریفش را در کنار پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سپری کرده بود. پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بسیار گریست و دستور داد در حجون، که قبرستانی نزدیک مکه بود، قبری برای این بانوی بزرگوار فراهم کنند. در آن زمان هنوز نماز میت واجب نشده بود. بنا بر این، بر جنازه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نماز نخواندند. پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وارد قبر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شد و با دست مبارک خویش، او را داخل قبر گذاشت و برایش دعا کرد.

پس از وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ خردسال همواره گرد پدر می گشت و خود را به دامان او می آویخت. او بهانه مادر را می گرفت و دل دردمند پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را بیش از پیش به آتش می کشید. روزی جبرئیل بر پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نازل شد و فرمود: «ای پیامبر! به فاطمه بگو خدا کاخی از مروارید برای مادرت ساخته است که در آن جا هیچ سختی و تلخی وجود ندارد.» (۲)

نقل است که سال ها بعد هنگامی که می خواستند خبر خواستگاری علی عَلَیْهِ السَّلَامُ از فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برسانند، گروهی از زنان نزد آن حضرت آمدند و گفتند: «ای رسول خدا! جان ما فدای تو باد! برای کاری نزد تو آمده ایم که اگر خدیجه زنده بود، خشنود می شد.» چون نام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بر زبان زنان جاری شد، پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سخت گریست. ام سلمه پرسید: «برای چه می گریید؟» پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود:

«خدیجه!»

کجا مثل خدیجه پیدا می شود؟ زمانی که مردم مرا تکذیب کردند، او تصدیق کرد؛ بر دین خدا یاری ام کرد و با مالش به کمکم شتافت. خدا به من فرمان داد تا او را به خانه ای زمردین در بهشت بشارت دهم که هیاهو و اضطراب و سختی و محنت در آن نیست.» (۳)

در سال ۷۲۷ هجری قمری، قبه ای بر قبر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ساخته شد که وهابیان آن را در سال

ص: ۱۳۹

۱- ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، سیره النبی، ص ۲۴۳.

۲- برگرفته از: ماهنامه کوثر، ش ۱، ص ۲۹.

۳- نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۱.

## دو. فضایل و خدمات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

### اشاره

زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را می توان نمونه ای کامل از تحوّل مثبت و سیر به سوی کمال دانست. به همین دلیل بررسی فضایل ایشان برای همه گروه های جامعه اسلام، به ویژه زنان مسلمان، الگویی نیکو است. در این جا فضایل آن حضرت را به اختصار ذکر می کنیم:

### ۱. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، نخستین بانوی مسلمان

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اولین بانویی بود که دعوت پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به پرستش خدای یگانه پذیرفت و گفتار و کردار پیام آور حق و حقیقت را با ایثار جان و مال تصدیق کرد.

عقیف یکی از تاجران مشهور می گوید: «وقتی پای به مسجد الحرام نهادم، با منظره ای شگفت روبه رو شدم. سه نفر را در حال خم و راست شدن دیدم. از عیّاس در باره آنها پرسیدم. گفت: نفر نخست که برادرزاده من است، مدّعی نبوت است. مردی که پشت سر او است، علی، عموزاده او است و آن زن هم همسر محمّد، یعنی خدیجه است. غیر از این ها کسی را بر این آیین سراغ ندارم.» (۲)

علی عَلَیْهِ السَّلَامُ آن روزها را چنین توصیف می کند: «در آن روزگار جز رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، کسی به اسلام نگرویده بود و من سومین آنها بودم. نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را با مشام جان حس می کردم.» (۳)

### ۲. خدمات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به اسلام

### اشاره

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در بیست و چهار سال زندگی مشترک با پیامبر گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، خدمات بسیاری برای آن بزرگوار و دین اسلام انجام داد. حمایت های مالی، روحی و عاطفی از محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تصدیق و تأیید پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در روزگاری که هیچ کس مؤیدش نبود و یاری ایشان در برابر آزار

ص: ۱۴۰

۱- تاریخ اماکن زیارتی مکه معظمه و مدینه منوره، بخش مربوط به قبور «حجون».

۲- شریف الرضی، محمّد بن حسین، خصائص امیرالمؤمنین، ص ۴۵.



مشرکان، گوشه‌هایی از این خدمات ارزشمند است که اثر آن در دو دوره مهم زندگی پیامبر اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خوبی آشکار است:

### الف پیش از طلوع وحی

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پس از ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، دارایی اش را به ایشان بخشید تا آن را هر گونه می خواهد به مصرف برساند. رسول گرامی اسلام در این زمینه می فرماید: «مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ» (۱) هیچ ثروتی به اندازه ثروت خدیجه برای من سودمند نبود. هنگامی که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از علاقه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به اخلاق پاک زید، یکی از غلامانش آگاه شد، او را به ایشان بخشید. (۲) زید نیز به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایمان آورد و از نخستین مؤمنان گردید. (۳)

### ب پس از طلوع وحی

آن گاه که محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از غار حرا به خانه بازگشت و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را از رسالتش آگاه کرد، وی بی درنگ حضرت را تأیید کرد و به درستی گفتارش ایمان آورد و در حق او دعا کرد.

این بانوی بزرگوار نه تنها از عمق جان و رسالت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایمان آورد، بلکه او را در برابر سختی ها و تکذیب مشرکان و بدخواهان یاری داد. تا زنده بود اجازه نداد آزار و شکنجه مشرکان بر رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سخت آید. هنگامی که رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با باری از مصیبت و سختی ها به خانه می آمد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، او را دلداری می داد و نگرانی را از ذهن و خاطرش می زدود. (۴)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هیچ گاه در آسایش نبود؛ چون کافران همواره درصدد بر هم زدن آرامش خانه رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و آزار رساندن به ایشان بودند. ابولهب، حکم بن عاص بن امیه، عقبه ابن ابی معیط، عدی بن حمد اثقفی و ابن الأصداء هُذَلی و ولید بن مُغیره از جمله کافرانی بودند که همواره خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را آشفته می ساختند و آسایش وی را بر هم می زدند. با این حال، بانوی پارسای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، با درایت و صبر، محیط خانه را آرام می ساخت و از تجاوز کینه توزان

ص: ۱۴۱

۱- . محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۲۱.

۲- . ماهنامه کوثر، ش ۱، ص ۲۶.

۳- . ماهنامه کوثر، ش ۱، ص ۲۶؛ ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۷۹.

۴- . ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۹.

به حریم امن پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جلوگیری می کرد. (۱)

خدیدجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با موقعیت اجتماعی خویش توانست بارها پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را از شر کافران و جاهلان برهاند. نمونه های زیادی در این مورد وجود دارد که ما تنها به ذکر یک مورد بسنده می کنیم:

روزی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در ایام حج به بالای کوه صفا رفت و با صدای بلند ندا داد: «ای مردم! من فرستاده پروردگارم.» سپس به کوه مروه رفت و سه مرتبه همان سخن را تکرار کرد. کافران با سنگ به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حمله کردند. ابوجهل نیز سنگی پرتاب کرد که به پیشانی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اصابت کرد و خون از پیشانی آن حضرت جاری شد. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به کوه ابوقیس رفت و مشرکان نیز در پی آن حضرت رفتند. علی عَلَیْهِ السَّلَامُ به سرعت خود را به خدیدجه عَلَیْهَا السَّلَامُ رساند و موضوع را برای او بازگو کرد. اشک از گونه های خدیدجه عَلَیْهَا السَّلَامُ جاری شد و همراه علی عَلَیْهِ السَّلَامُ برای یافتن همسرش راهی کوه و دشت گردید. در این هنگام، جبرئیل بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نازل شد و فرمود: «فرشتگان از گریه خدیدجه به گریه آمدند. او را فراخوان، به او سلام برسان و بگو خدا به تو سلام می رساند و او را به خانه ای بهشتی که از نور زینت داده شده است، بشارت ده.»

سرانجام خدیدجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و علی عَلَیْهِ السَّلَامُ، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را یافتند و به خانه آوردند. مردم به خانه خدیدجه عَلَیْهَا السَّلَامُ حمله ور شدند و خانه او را سنگ باران کردند. خدیدجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بیرون آمد و خطاب به آنان فرمود: «آیا از سنگ باران کردن خانه زنی که نجیب ترین قوم شما است، شرم ندارید؟» مردم با شنیدن سخنان خدیدجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پراکنده شدند و او برای مداوای همسرش به خانه بازگشت. آن گاه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، پیغام جبرئیل را به او رساند. خدیدجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در پاسخ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ عَلَى جِبْرِئِيلِ السَّلَامُ وَ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ وَ بَرَكَاتُهُ؛ (۲) خدا، خود، سلام است و سلام از او است و سلام بر جبرئیل و بر تو ای رسول خدا و رحمت و برکات خداوند بر تو باد!»

ص: ۱۴۲

۱- سبجانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۳۴؛ ماهنامه کوثر، ش ۱، ص ۲۷.

۲- برگرفته از ماهنامه کوثر، ش ۱، ص ۲۹.

### ۳. حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، مادر حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ

حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ در بارهٔ منزلت مادر می فرماید: «الزَّم رَجُلَهَا فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أَقْدَامِهَا»<sup>(۱)</sup> به پایش در آویز، که بهشت زیر پای مادران است.»

یکی از فضایل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ این است که او مادر بانویی بزرگوار و شریف چون فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ است. این دو بزرگوار بسیار به یکدیگر دل بسته بودند. فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیش از تولد با مادر خود سخن می گفت و آن گاه که تمام زنان قریش، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را تنها گذاشتند، آرامشی درونی به قلب دردمندش می بخشید و او را در سختی ها دلداری می داد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ را از جان و دل دوست می داشت؛ چون از مقام و منزلت دختر خویش آگاه بود.

آورده اند روزی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مشغول خواندن نماز چهار رکعتی بود. می خواست در رکعت سوم سلام دهد که فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ از شکم مادر ندا داد: «قُومِي يَا أُمَّهُ فَإِنَّكَ فِي الثَّلَاثَةِ»<sup>(۲)</sup> برخیز مادر که در رکعت سوم هستی.»

اسماء

بنت عمیس می گوید: «زمانی که خدیجه در بستر بیماری بود، گریه می کرد. عرض کردم: شما که بانوی زنان جهان و همسر پیامبر هستید و آن حضرت، شما را به بهشت بشارت داده است، چرا می گریید؟ فرمود: برای مردن گریه نمی کنم. هر زنی در شب عروسی اش نیازمند مادر است که سرش را با او در میان بگذارد و نیازها و خواسته هایش را به او بگوید. من از آن ناراحتم که در شب زفاف فاطمه کسی نیست که او را یاری دهد. گفتم: بانوی من! به شما قول می دهم که اگر تا آن روز زنده ماندم، به جای شما برای فاطمه مادری کنم.

شب زفاف فاطمه، رسول خدا فرمان داد که زنان همگی از خانهٔ فاطمه خارج شوند، ولی من نرفتم. پیامبر هنگام خروج، متوجه من شد و فرمود: تو کیستی؟ چرا نرفتی؟ عرض کردم: پدر و مادرم فدای شما، قصد سرپیچی نداشتم، ولی به خدیجه وعده ای داده ام که می خواهم به آن وفا کنم. آن گاه جریان را به طور کامل تعریف کردم. پیامبر گریست و مرا دعا کرد.»<sup>(۳)</sup>

ص: ۱۴۳

۱- . متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۶۲.

۲- . رحمانی همدانی، احمد، فاطمه الزهراء ۳ بهجه قلب المصطفی، ص ۴۷۲.

۳- . همان، ص ۶۸۶، اربلی در کتاب کشف الغمه می گوید: اسماء بنت عمیس همراه شوهرش جعفر بن ابی طالب به حبشه هجرت کرده بود و تا سال ششم هجرت بازنگشت، حال آن که ازدواج فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ در سال دوم هجری بوده است. وی معتقد است که سُیلمی دختر عمیس، همسر حمزه بن عبدالمطلب در مراسم ازدواج فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ حضور داشته است و شاید روایت از زبان او نقل شده باشد.

یکی از ویژگی های پیامبران و امامان، داشتن پدر و مادری مؤمن و مطهر و مخالف شرک و بت پرستی است. با نگاهی به زندگی پیامبران درمی یابیم که آنان همواره در دامن مادرانی پاک و پرهیزکار متولد و تربیت شده اند. در روایات متعدد بر این اصل تأکید شده است و در زیارت نامه ایشان نیز می خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَضْيَالِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا...» (۱) گواهی می دهم که تو نوری بودی در پشت های فرازنده و ارحام پاک که به پلیدی های دوران جاهلیت نیالودی...»

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، مادر فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ مادر تمام امامان است. پس مسلم است که باید از ایمان و تقوایی والا- برخوردار باشد تا خداوند شایستگی داشتن فرزندی چون فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به وی عطا کند. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ حتی پیش از بعثت پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز به یگانگی خدا ایمان داشت و با داشتن ثروت، موقعیت و حسن ظاهر هرگز دچار لغزش و خطا نشد، به گونه ای که در عصر جاهلیت به ایشان لقب طاهره دادند؛ (۲) لقبی که در آن روزگار تباهی، نشان از پاکی و پرهیزکاری او دارد.

پیامبر اعظم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همواره از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به نیکی یاد می کرد و در روایتی به صراحت ایشان را «ظرف امامت» می خواند. روزی پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بر فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ وارد شد و او را آشفته و بی قرار یافت. به فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ فرمود: «چرا نگرانی؟» فرمود: «عایشه بر مادرم فخر می فروشد و می گوید با مردی پیش از شما آشنا نبوده است، حال آن که مادر من در میان سالی با شما ازدواج کرده است.» رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رو به فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ کرد و فرمود: «بدان که مادر تو ظرف امامت و محلّ پیشوایی امت من است.» (۳)

ص: ۱۴۴

۱- . محدث قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، زیارت وارث.

۲- . کمال نیا، محمدتقی، خدیجه کبری، ص ۱ - ۳.

۳- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۴۳.

## ۵. خدیجه مبارکه عَلَیْهَا السَّلَامُ

یکی از حوادث مهم تاریخ اسلام، مباحله پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با علمای مسیحی نجران است. این حادثه به تفصیل در قرآن (۱) و روایات آمده است. سید بن طاووس در کتاب سعد السعود تصریح می کند که خبر مباحله به پنجاه و یک شیوه، از شیعه و سنی روایت شده است. یکی از علمای مسیحی در روایتی، با تأکید بر نبوت پیامبر گرامی اسلام، به نشانه های پیامبر آخرالزمان که خداوند متعال به حضرت عیسی عَلَیْهِ السَّلَامُ وحی کرده است، اشاره می کند. یکی از این نشانه های یاد شده مربوط به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ است. خداوند ایشان را به صفت «مبارکه» توصیف کرده است و تصریح می کند که نسل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تنها از زنی مبارکه باقی و برقرار می ماند. (۲) بنا بر این، قرن ها پیش از تولد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، خداوند ایشان را به صفت مبارکه نامیده است.

## ۶. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در قرآن

قرآن کریم در آیاتی چند به زنان بزرگ اشاره کرده و اوصاف و کردارشان را ستوده است. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یکی از این زنان است. خداوند در قرآن کریم با اشاره به نقش مهم خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در حمایت اقتصادی از پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و بخشش اموالش در راه گسترش دین اسلام می فرماید: «ای پیامبر! آیا ما تو را نیازمند نیافته و سپس تو را (با اموال خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ) بی نیاز نگردانیدیم؟» (۳) به نظر بسیاری از مفسران، این آیه به نقش اقتصادی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در پیشرفت نهضت جهانی اسلام اشاره دارد.

## ۷. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، زن برگزیده

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یکی از چهار زن برگزیده جهان به شمار می آید. در روایتی آمده است روزی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چهار خط بر روی زمین کشید و پرسید: «آیا می دانید این چیست؟» گفتند: خیر، خدا و رسولش داناترند. رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «بهترین زنان بهشت»

ص: ۱۴۵

۱- نک: آل عمران: ۶۱.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۵۱ - ۳۵۲.

۳- ضحی: ۸.



چهار نفرند: خدیجه بنت خویلد؛ فاطمه بنت محمد؛ مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم، همسر فرعون.» (۱)

## ۸. سلام جبرئیل بر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

مقام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آن قدر والا است که خداوند به وسیله امین وحی، جبرئیل بر او سلام می فرستد و او را گرامی می دارد. هنگامی که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از معراج بازگشت، از جبرئیل پرسید: «آیا کار دیگری هست؟» جبرئیل فرمود: «از جانب خداوند و از سوی من به خدیجه سلام برسان.»

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هنگامی که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را ملاقات کرد، فرمود: «ای خدیجه! خداوند و فرشتگانش بر تو سلام می رسانند و گرامی ات می دارند.» خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فرمود: «خداوند، خود، سلام است و سلام از او است و سلام به سوی او است و نیز سلام بر جبرئیل فرشته حق باد.» (۲)

از روایات دیگر برمی آید که جبرئیل هنگام نزول بر پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همواره سلام پروردگار را به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ابلاغ می کرد. یک بار جبرئیل بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرود آمد و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را نیافت. از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حال او را جویا شد و فرمود: «هنگامی که خدیجه باز آمد، او را خبر ده که پروردگار جهان، او را بزرگ می دارد و به او سلام و رحمت می فرستد.» (۳)

## ۹. مقام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در بهشت

یکی دیگر از فضایل حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، مقامی است در بهشت که از جانب خداوند به ایشان وعده داده شده است. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز بارها این مسئله را به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بشارت داده و فرموده است: «در بهشت، خانه ای داری که در آن رنج و سختی نمی بینی.» (۴)

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز می فرماید: «هنگامی که خدیجه وفات یافت، فاطمه بی تاب می کرد و

ص: ۱۴۶

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۶۲.

۲- . همان، ج ۱۶، ص ۷ و ج ۱۸، ص ۳۸۵.

۳- . همان، ص ۸.

۴- . همان؛ ج ۱۶، ص ۷-۸.

گرد پدر می گشت و سراغ مادر را از او می گرفت. پیامبر از این حالت دختر کوچکش بیشتر محزون می شد و نمی دانست به او چه پاسخی بدهد تا آرام گیرد. فاطمه هم چنان بی تابی می کرد تا این که جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمود: به فاطمه سلام برسان و بگو مادرت در بهشت در خانه ای از طلا- و نقره در کنار آسیه، همسر فرعون و مریم، دختران عمران نشسته است. فاطمه هنگامی که این سخن را شنید، آرام گرفت و فرمود: خداوند خود سلام است، سلام از او است و سلام به سوی او است. (۱)

## ۱۰. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در اعراف

یکی از مواقف قیامت، اعراف است. در قرآن کریم می خوانیم: (وَ عَلَی الْمَاعْرَافِ رِجَالٌ یَعْرِفُونَ کُلَّمَا بَسِمَاهُمْ؛ (۲) بر اعراف مردانی هستند که هر یک [از آن دو دسته] را به چهره می شناسند).

اعراف جایگاهی است میان بهشت و دوزخ و راهی است که پاره ای از گناهکاران از آن به بهشت می روند. در روایات فراوانی آمده است که منظور از رجال در این آیه، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و خاندان گرامی او است که در قیامت بر آن جایگاه می ایستند و هر یک از شیعیان که به ایشان معرفت داشته باشد، از عذاب دوزخ می رهد و به بهشت برین راه می یابد.

در حدیثی آمده است: «حضرت خدیجه نیز همراه پیامبر و علی و فاطمه و حسنین در اعراف حضور دارد.» (۳) بنا بر این روایت، شناخت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و دوستی با وی نیز همچون دوستی با اهل بیت، نجات بخش گناهکاران و مایه رستگاری مؤمنان است.

## سه. ویژگی های نخستین خانواده اسلامی

### اشاره

اولین خانواده اسلامی با پیوند مبارک پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ شکل گرفت؛ خانواده ای که شش فرزند تربیت کرد. در واقع، حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز تربیت یافته این خانواده بود که بعدها داماد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شد. امیر مؤمنان، علی عَلَیْهِ السَّلَامُ در حدیثی با اشاره به آغاز بعثت

ص: ۱۴۷

۱- همان، ج ۴۳، ص ۲۷.

۲- اعراف: ۴۶.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۵۵.

می فرماید:

«وَلَمْ يُجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ خَدِيجَةَ ۳ وَاَنَا ثَالِثُهُمَا؛ (۱)» در آن زمان هیچ خانواده اسلامی شکل نگرفته بود، جز خانواده ای که از رسول خدا و همسرش، خدیجه پدید آمده بود و من سومین عضو آن خانواده بودم.»

در ادامه به چند ویژگی این خانواده اشاره می کنیم، به امید آن که بتوانیم گامی مفید و مؤثر در زمینه گسترش فرهنگ و اندیشه اسلامی در حیطه خانواده برداریم.

## ۱. ارزش محوری

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خواستگاران پرنفوذی مانند عقیبه بن ابی معیط، ابوجهل و ابوسفیان را رد کرد؛ زیرا در پی ازدواج با کسی بود که او را از اخلاق و معنویت بهره مند سازد و راه پرهیزکاری و زندگی پاک را به او نشان دهد. به همین دلیل، محمّد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را برای همسری انتخاب کرد. محمّد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از نظر ثروت، موقعیت اقتصادی و سن و سال با یکدیگر تناسب و شباهتی نداشتند. پس چه چیز آن دو را به یکدیگر نزدیک کرد و چنان الفت و محبتی میان آنها پدید آورد که سبب شد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تمام ثروتش را به پای همسرش بریزد؟

چنین عشق و ایثاری تا ریشه ای پاک و پایدار نداشته باشد، هرگز به بار نمی نشیند. بی شک، این ازدواج، رهاورد ایمان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به پرهیزکاری، پاک دامنی و امانت داری پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و از او جز حقیقت و معنویت نمی خواست. از این رو، پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از سال ها زندگی با آن بانوی بزرگوار فرمود: «خدیجه از زنان بهشتی است.» (۲)

به یقین، هدف خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از ازدواج با محمّد امین (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، هدفی معنوی بود، نه مادی. شواهد زیادی نیز تأیید کننده این حقیقت است که ما به بیان نمونه هایی از آن بسنده می کنیم:

الف زمانی که کاروان تجارتی قریش از سفر بازگشت و میسر از پاک دامنی و درست کاری محمّد امین و جریان راهب مسیحی با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سخن گفت، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، میسر

ص: ۱۴۸

۱- . نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

۲- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۶۲.

و همسرش را آزاد کرد. دویست درهم نیز به او داد و گفت: «از آن رو که علاقه مرا به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دوچندان کردی، تو را آزاد می‌کنم.» این روایت حاکی از شوق و عشق معنوی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است.

ب ورقه بن نوفل، عموزاده خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، از دانایان عرب بود و اطلاعات زیادی از کتاب های یهود و نصارا داشت. وی همیشه می‌گفت: «مردی از میان قریش از طرف خدا برای هدایت مردم برانگیخته می‌شود و یکی از ثروتمندترین زنان قریش را به همسری برمی‌گزیند.» گفته اند که او گاه و بیگاه به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می‌گفت: «روزی فرا می‌رسد که تو با شریف ترین مرد روی زمین وصلت می‌کنی.»

ج شبی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در خواب دید که خورشید در آسمان مکه چرخید و کم‌کم پایین آمد و در خانه او فرود آمد. پس خواب خود را برای ورقه نقل کرد. وی نیز در تعبیر خواب او گفت: «با مرد بزرگی ازدواج خواهی کرد که شهرت او جهان گیر خواهد شد.»

د روزی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با کنیزان و غلامان در خانه خود نشسته بود. یکی از دانشمندان یهود نیز در آن محفل بود. از قضا محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از کنار خانه آنها گذشت و دانشمند یهودی وی را دید. وی از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خواست از محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بخواهد چند دقیقه در مجلس آنان شرکت کند. پس از آن که رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد، دانشمند یهودی از وی خواست تا نشانه های نبوت را که در بدنش بود، به او نشان دهد. پیامبر نیز پذیرفت.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که شاهد ماجرا بود، به مرد یهودی گفت: «اگر عموهای او از تفتیش و کنجکاوای تو آگاه شوند، واکنش بدی نشان می‌دهند؛ چرا که آنان از توطئه یهود بر برادرزاده خود بیمناک اند.» دانشمند یهودی گفت: «مگر می‌شود کسی به محمد آسیبی برساند، در صورتی که دست تقدیر او را برای اتمام نبوت و ارشاد مردم پرورش داده است؟» خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پرسید: «از کجا می‌دانی که او به چنین مقامی می‌رسد؟» وی گفت: «من نشانه های پیامبر آخرالزمان را در تورات خوانده ام و از نشانه های او این است که پدر و مادرش می‌میرند و جدّ و عمویش از او حمایت می‌کنند. هم چنین از قریش زنی را انتخاب می‌کند که سرور قریش است.» آن گاه به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اشاره کرد و گفت:

«خوشا به حال کسی که افتخار همسری او را به دست آورد.»<sup>(۱)</sup>

## ۲. حاکمیت شعور بر نفس

ازدواج، منافع و آثار مادی فراوانی دارد، ولی آنچه جایگاه خانواده را ارزشمند و استوار می‌سازد، توجه به اهداف انسانی و مقاصد الهی است. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، جوانی شجاع و برومند و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنی ثروتمند و پرنفوذ بود و همه چیز برای ازدواج و کام جویی و آسایش آنها فراهم بود. این شرایط و توانایی‌ها در خدمت تشکیل یک زندگی پاک و اجتماع پر از معنویت قرار گرفت و سرانجام خانه اشرافی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ جایگاه و پناهگاه مؤمنان و تهی‌دستان شد. عقل و شعور بر خواهش نفس غالب آمد و پایگاهی اسلامی برای مبارزه با فساد و کفر بنا نهاده شد.

## ۳. قدرشناسی و وفاداری

ویژگی دیگر این خانواده، وفاداری این دو نسبت به هم بود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همواره به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عشق می‌ورزید و حتی در سخت‌ترین ایام (در جریان شعب) از ازدواج با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) احساس پشیمانی نکرد.

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز همیشه به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ وفادار بود؛ به گونه‌ای که پس از وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در سوگ او بسیار گریست. وی تا آخرین لحظه عمرش همواره به یاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود و همیشه از فداکاری او نسبت به خویش نزد دیگران یاد می‌کرد. بعد از مرگ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز همواره دوستان و اقوام او را گرامی می‌داشتند. هر گاه هدیه‌ای برای رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می‌آوردند، ایشان می‌فرمود آن را به خانه فلان زن ببرید؛ زیرا وی از دوستان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ است و او را دوست می‌داشت.<sup>(۲)</sup> هم چنین هر گاه گوسفندی را قربانی می‌کرد، سهمی از آن برای دوستان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ کنار می‌گذاشت. همین امر سبب می‌شد که بعضی از زنان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ حسادت ورزند.<sup>(۳)</sup>

ص: ۱۵۰

۱- نک: سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۹۵ - ۱۹۶؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۰۴.

۲- نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۱۷.

۳- محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۲۰۷.

این خانواده اسلامی از مهر و محبت، سرشار بود. با آغاز رسالت، زندگی امن و آرام محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پر آشوب شد و اوضاع هر روز بر خانه و خانواده تنگ تر و تنگ تر گردید. با این حال، این مشکلات هرگز از عشق و عاطفه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به هم کم نکرد و هر چه حلقه مشکلات تنگ تر شد، پیوند و دل بستگی اعضای این خانواده به یکدیگر محکم تر گردید. چشمه محبت در این خانه چنان جوشان بود که نه تنها اعضای خانواده، بلکه دیگران نیز از زلال آن سیراب می شدند. این محبت ها و موفقیّت ها بود که همه را شیفته این خانواده کرد و امت اسلامی در پرتو نور این خانه شکل گرفت و بالید.

زید بن حارثه، غلام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، جوانی پاک و باهوش بود. از این رو، مورد مهر رسول گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قرار گرفت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز او را به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بخشید. او همواره در کنار حضرت بود و لحظه ای ایشان را رها نمی کرد. زمانی راهزنان عرب، زید را از مرزهای شام ربوده و برای بردگی به عربستان آورده بودند. پس از مدتی پدر زید از وضعیّت فرزند خود آگاه شد. پس به خدمت رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رسید و از ایشان اجازه گرفت زید را به سرزمینش بازگرداند. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، زید را در رفتن به سرزمین خود یا ماندن در مکه آزاد گذاشت. با این حال، عشق عمیق و دیرین رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سبب شد زید همان جا بماند. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را آزاد کرد و زینب، دختر جُحش را که دختر عمّه رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود، به عقدش در آورد. سپس او را که سال ها مانند فرزند خودش پرورده بود، کنار حجرالاسود به پسرخواندگی پذیرفت. (۱)

مهر و محبت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به فرزندانش چنان بود که خاطره شیرین آن، نسل ها در خاندان پیامبر بر جای ماند و همواره از عشق و ایثار او به نیکی یاد می شد. فرزندان حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ، مادر بزرگ خویش را همواره بزرگ می داشتند و حتّی گفته شده است که به قبر

ص: ۱۵۱

۱- . سبحانی، جعفر، فروغ ابدیّت، ج ۱، ص ۲۰۳. گفته اند که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از مرگ فرزندان خود متأثر بود و برای تسلی خاطر خود از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خواست تا زید را بخرد. سپس رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را آزاد کرد و به فرزندی برگزید. عدّه ای می گویند زید را حکیم بن حزام، برادرزاده خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از بازار مکه خرید و هنگام ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، او را به عمّه اش بخشید.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز پناه می بردند و از روح پاک او یاری می جستند. به گفته تاریخ نگاران، حسین بن علی عَلَیْهِ السَّلَامُ بیست و پنج بار با پای پیاده از مدینه به حج رفت و هر بار، قبر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را زیارت کرد. در یکی از این سفرها، انس بن مالک با آن حضرت بود. انس می گوید: «حسین ۷ به کنار قبر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آمد و سخت گریست. سپس رو به من کرد و گفت: از پیش من برو و مرا تنها بگذار. من خود را از چشم آن حضرت پنهان کردم تا حال او را نظاره گر باشم. امام حسین ۷ به نماز ایستاد و بسیار نماز خواند. آن گاه دست به دعا برداشت و بر آستان خدای خویش تضرع کرد.» (۱)

هیچ گاه یاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در دل خاندان پیامبر از میان نرفت و خاطره نیکی و نیک کرداری او برای همیشه در دل و بر زبان نوادگان ایشان باقی ماند. از نشانه های این پیوند و دل بستگی، آن بود که بسیاری از ائمه، یکی از دختران خود را «خدیجه» می نامیدند تا یاد جدّه خود را همواره زنده بدارند. از آن جمله اند: خدیجه، دختر امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ؛ خدیجه، دختر امام محمدباقر ۷؛ خدیجه، دختر امام موسی کاظم ۷ و خدیجه، دختر امام جواد ۷ که برخی از آنها راویان حدیث و از زنان بزرگ و بافضیلت بودند. (۲)

## ۵. نفی تجمل گرایی

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیش از ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، خانه مجلل و باشکوهی داشت، ولی پس از ازدواج، تمام این جلال و شکوه را به پای همسرش ریخت. آن خانه مجلل که پیش از طلوع اسلام، پناهگاه مستمندان و فقیران بود، پس از اسلام پایگاه مؤمنان شد. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با رفتار خود، ساده زیستی را به فرزندانشان آموختند، به گونه ای که آنان همواره از تجمل گرایی پرهیز می کردند و اگر چیزی داشتند، به فقیران و نیازمندان می بخشیدند.

امام محمدباقر ۷ می فرماید:

«رسول خدا هر گاه می خواست به مسافرت برود، از آخرین کسی که خداحافظی

ص: ۱۵۲

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۳.

۲- نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۱۸.

می کرد، فاطمه بود و هنگام بازگشت [نیز] اولین کسی را که دیدار می کرد، فاطمه بود. پیامبر در بازگشت از یکی از مسافرت ها به خانه فاطمه وارد شد. فاطمه به استقبال پدر شتافت، در حالی که دو دستبند نقره بر دست داشت و پرده ای جدید بر در خانه آویخته بود. رسول خدا مدت کوتاهی در خانه فاطمه درنگ کرد. [سپس] خارج شد. فاطمه از رفتار پیامبر مقصود ایشان را فهمید؛ زیرا این برخورد از سوی پیامبر تازگی داشت. از این رو، حسنین را فرا خواند و دستبند را به یکی و پرده را به دیگری داد تا نزد جدشان ببرند. سپس به آن دو فرمود: از من به پیامبر سلام برسانید و بگویید، دیگر از فاطمه چنین اموری را مشاهده نخواهید کرد. این ها را آن گونه که خود مصلحت می دانید در راه خدا به مصرف برسانید. پیامبر حسنین را بوسید و به سینه چسبانید و در دامان خویش نشانید. آن گاه فرمود دستبندها و پرده را به مصرف مستمندان اهل صفه (۱) برساند. سپس فرمود: خداوند، فاطمه را رحمت کند. خداوند در مقابل این پرده، پوششی از پوشش های بهشتی و به جای این دستبندها، زینت های بهشتی به فاطمه خواهد بخشید. (۲)

امام موسی کاظم ۷ می فرماید:

«روزی پیامبر گردنبندی بر گردن فاطمه دید و با رفتار خویش، او را به پرهیز از تجمل دنیا فرا خواند. فاطمه نیز گردنبد را از خود دور کرد و به پدر داد. پیامبر فرمود: اَنْتِ مَنِي. آن گاه گردنبد را به فقیری صدقه داد.» (۳)

## کتابنامه

۱. ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد (م ۱۵۱ ق)، سیره النبی، تحقیق: دکتر سهیل زکار، لبنان: دارالفکر، ۱۳۹۸ ق.
۲. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.

ص: ۱۵۳

- ۱- اهل صفه، فقیران بی سرپناهی بودند که کنار مسجد و روی یک سکو زندگی می کردند.
- ۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۸۳.
- ۳- همان، ص ۸۴.



۱. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویّه، مصر: مکتبه محمّد، ۱۳۸۳ ق.
  ۲. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق (م ۲۸۴ ق)، تاریخ یعقوبی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۷۴.
  ۳. تاریخ اماکن زیارتی مکه معظمه و مدینه منوره، چاپ سازمان حج و اوقاف، بخش مربوط به قبور «حجون».
  ۴. دشتی، محمّد، نهج البلاغه، تحقیق: سید کاظم محمّدی، قم: انتشارات امام علی علیه السّلام، ۱۳۶۹ ش.
  ۵. رحمانی همدانی، احمد، فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات
  ۶. سبحانی، جعفر، فرازهایی از تاریخ زندگانی پیامبر اسلام، تهران: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، ۱۳۷۶.
  ۷. قم: مرکز انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۱.
  ۸. شریف الرضی، محمّد بن حسین، خصائص امیرالمؤمنین، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۶۴.
  ۹. شیخ صدوق، ابو جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، الأمالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
  ۱۰. علی دخیل، علی محمّد، اعلام النساء، دارالمرتضی، [بی جا]، ۱۳۵۷.
  ۱۱. کمال نیا، محمّد تقی، خدیجه کبری علیها السّلام، قم: امید، [بی تا].
  ۱۲. متقی هندی، علی بن حسام الدین (م ۹۷۵ ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۴.
  ۱۳. مجلسی، محمّد باقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
- محدث قمی، شیخ عباس (م ۱۳۵۹ ق)، مفاتیح الجنان، قم: بنیاد معارف اسلامی،

۱. ۱۳۷۵.

۲. محدث نوری، میرزا حسین نوری طبرسی (م ۱۳۲۰ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق: مؤسسه آل البيت ۷، قم: مؤسسه آل البيت ۷، ۱۴۰۷ ق.

۳. محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، انتشارات نبوی، ۱۳۷۷.

۴. نمازی شاهرودی، شیخ علی (م ۱۳۶۴ ش)، مستدرک سفینه البحار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.

۵.

ص: ۱۵۵



زندگینامه ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام (۱)

حسن عاشوری لنگرودی

### چکیده

شرح زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام با استناد به مهم ترین منابع تاریخی و روایی اهل سنت و شیعه است. از دیدگاه نویسندگان: حضرت خدیجه علیها السلام در رشد و گسترش اسلام نقش ارزنده ای ایفا کرد. او در دوره غربت اسلام با تمامی توان کوشید و از آیین نوپایی که همسرش برای هدایت بشر عرضه نمود، حمایت کرد. در خصوص ازدواج پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه علیها السلام علت اصلی، پاک دامن و عفت و فضایل معنوی و انسانی حضرت خدیجه علیها السلام بود. در این پیوند زناشویی انگیزه دو طرف در تن دادن به آن، برتری های معنوی و انسانی بود که هر یک در شریک زندگی خود می دید. صفحات تاریخ گواهی می دهد که خدیجه علیها السلام از زنان پاک دامن و باعفت بود تا آن جا که در دوران جاهلیت به او لقب «طاهره» داده بودند.

کلیدواژه: خدیجه علیها السلام، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، ازدواج، ثروت، هدایت، پاک دامن.

### یک. نیم نگاهی به زندگی حضرت خدیجه علیها السلام

#### اشاره

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین همسر رسول گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اولین بانوی مسلمان و مادر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است که در رشد و گسترش اسلام نقش ارزنده ای ایفا کرد. او در دوره غربت اسلام با تمامی توان کوشید و از آیین نوپایی که همسرش برای هدایت بشر عرضه نمود، حمایت کرد.

ص: ۱۵۷

۱- همسران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): پرسش ها و پاسخ ها. حسن عاشوری لنگرودی، تهران: هستی نما، چاپ اول، ۱۳۸۶،

تاریخ نگاران سال ولادت آن بانوی گرامی را با اختلافات فراوان نقل کرده اند: تولّد در «عام الفیل»، سه یا پنج و یا ده سال پیش از آن، نیز گفته اند: پانزده یا بیست سال پیش از عام الفیل. (۱) آنچه شهرت دارد، پانزده سال قبل از عام الفیل است، یعنی شصت و هشت سال پیش از هجرت متولّد شد. (۲)

خانواده ای که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در آن پرورش یافت، از نظر شرافت خانوادگی و نسبت های خویشاوندی، در شمار بهترین و بزرگ ترین قبایل عرب بود. پدر و اقوامش در زمره ثروتمندان قریش قرار داشتند. پدرش خویلد بن اسد بن عبدالعزّی بن قصی، (۳) از بزرگان قریش بود که پیش از واقعه «فجار چهارم» (۴) در گذشت. (۵)

در قصی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به هم می رسند. قصی جدّ سوم حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و جدّ چهارم حضرت محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می باشد.

مادرش فاطمه، دختر زائده بن اصم از بنی معیص بن عامر بن لؤی بود. (۶)

ص: ۱۵۸

۱- نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، تهذیب الأسماء، ج ۲، ص ۳۴۲؛ حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۳؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۳، ص ۱۳۲؛ ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۴، ص ۵۸۱؛ عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۱۱۵ - ۱۱۶؛ مجلسی، محمّد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۲ و ۱۹.

۲- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲۵؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، قسمت زندگانی پیامبر، ص ۹۸؛ شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، مسار الشیعه فی مختصر تواریخ الشریعه، ص ۲۹؛ قرطبی، محمّد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۶۴؛ ابن سید الناس، ابو الفتح محمد یعمری، عیون الاثر، ج ۱، ص ۶۹؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۱، ص ۱۶؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۴، ص ۵۸۱.

۳- قرطبی، محمّد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۶۴.

۴- فجار در لغت عرب به معنای قانون شکنی و گناه بزرگ است. نزد مورّخان اسلامی به جنگ هایی گفته می شود که در دوره جاهلیت در ماه های حرام (ذی قعد، ذی حجّه، محرّم و رجب) رخ داده باشد. در دوره جاهلی چهار بار در ماه های حرام جنگ شد که فجار چهارم به چهارمین نبرد گفته می شود.

۵- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۹؛ عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۱۰۸.

۶- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴.

از زندگانی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیش از آن که به همسری پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درآید، جز اشاره‌هایی در متون تاریخی نیست، از جمله آمده است: در دوره جاهلیت بین اقوام خود ممتاز و یگانه و بی نظیر بود و به جهت پاک دامنی او را «طاهره» لقب داده بودند. بعد که صاحب فرزندی به نام «هند» شد، او را «امّ هند» می خواندند. پس از ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، حضرت به وی لقب «کبری» داد. (۱)

او در صفات نیکو و کمالات اخلاقی زبانزد و نمونه بود، که موجب شد برای همسری پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شایسته شمرده شود.

بیشتر نویسندگان سیره و تاریخ اسلام نوشته اند: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیش از آن که به همسری پیامبر درآید، دو بار ازدواج کرده بود. نخستین بار با ابوهاله تمیمی، هند بن نباش بن زراره، که حاصل این پیوند زناشویی دو فرزند شد: پسری به نام «هند» و دختری به نام هاله. ابوهاله در جوانی درگذشت. دیگر بار با عتیق بن عائذ بن عبد الله مخزومی ازدواج نمود. (۲) او هم در جوانی درگذشت و ثروت بسیاری برای حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به ارث گذاشت. ثمره و حاصل این ازدواج دختری بود که نامش را «هند» نهادند. (۳) و (۴)

هند هم نام پسر است و هم نام دختر. بنا به برخی نقل ها حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از عتیق بن عائذ بن عبد الله مخزومی پسری داشت به نام هند و از شوهر دیگر (ابوهاله تمیمی) دختری به دنیا آورد به همین نام. (۵)

آن چه که بیان شد، بنا به نقل مشهور است که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سومین همسر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود. برخی از

ص: ۱۵۹

- ۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۲.
- ۲- برخی نوشته اند: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بار اول با عتیق بن عائذ مخزومی ازدواج کرد، بعد از درگذشت او و سرآمدن عده با ابوهاله. ر.ک: ابن حجر در الاصابه و ابن قتیبه در المعارف.
- ۳- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۷۲؛ شیخ صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، ص ۷۹.
- ۴- قاضی نعمان مغربی می نویسد: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اول به همسری عتیق بن عامر مخزومی درآمد که از او دختری دنیا آورد و نامش را حارثه گذاشتند. (قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، ج ۳، ص ۱۵)
- ۵- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۴، ص ۵۸۲.

مورخان بزرگ برخلاف این نوشته اند، همانند ابوالقاسم کوفی، بلاذری، شیخ طوسی و سید مرتضی. اینان نوشته اند: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام ازدواج با پیامبر «عذرا» (دوشیزه) بود.

برخی از نویسندگان معاصر همانند جعفر مرتضی عاملی در کتاب الصحيح من سیره النبی الاعظم و حسین شاکری در کتاب ام المؤمنین خدیجه الطاهره، برای اثبات این ادعا، مطالبی را ذکر کرده اند<sup>(۱)</sup> که به جهت رعایت اختصار از ذکر آن خودداری می شود.

### ازدواج با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پس از مرگ شوهر، ثروت فراوانی نصیبش شده بود و به عنوان یکی از ثروتمندان بزرگ و نامی قریش شناخته می شد و قریشی یان با مال التجاره وی به تجارت می پرداختند. پیامبر(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) که بیش از بیست و چهار سال از بهار عمرش سپری نشده بود، با مال التجاره خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به شام سفر می کند و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ غلامش را به همراه محمد(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ)، امین قریش می فرستد. پس از بازگشت کاروان و بیان کمالات و خوبی های امین قریش توسط «میسره»، مقدمات ازدواج فراهم می شود و پیامبر(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) بیست و پنج ساله با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ چهل ساله پیوند زناشویی می بندد.<sup>(۲)</sup> حاصل و ثمره ازدواج شش فرزند بود. چهار دختر به نام های «ام کلثوم»، «رقیه»، «زینب» و «فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ» و دو پسر به نام های «قاسم» و «عبد الله» ملقب به «طیب» و «طاهر».<sup>(۳)</sup>

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به مدت بیست و پنج سال با رسول خدا(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) زندگی کرد<sup>(۴)</sup> که در این مدت پیامبر

ص: ۱۶۰

- ۱- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۱۲۰ به بعد.
- ۲- در مورد سن ازدواج پیامبر(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) برخی ۲۳ سال هم گفته اند. در مورد سن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در هنگام ازدواج، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۵ و ۳۶ سال نیز گفته شده است.
- ۳- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۱، ص ۱۶؛ قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۶۴.
- ۴- این در صورتی است که سال درگذشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را دهم بعثت بدانیم، مانند: ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲۵؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۴، ص ۵۸۲ و ج ۲، ص ۷۱؛ مومن سبزواری قمی، علی بن محمد، جامع الخلاف و الوفاق، ص ۸۵. اما برخی تاریخ دیگری نیز ذکر کرده اند. از جمله هفت سال پس از بعثت، مانند: قرطبی در تفسیر خود (الجامع لأحكام القرآن)، ج ۱۴، ص ۱۶۴؛ شیخ طوسی در المبسوط، ج ۴، ص ۲۷۰.

جز او همسر دیگری نگرفت. (۱) از این مدت حدود ده سال در دوره رسالت حضرت قرار داشت. او اولین زن مسلمان بود که با تمامی توان و کوشش، نیز با همه اموال و ثروت خود به حمایت از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برخاست و سرانجام در شصت و پنج سالگی در روز دهم رمضان سال دهم بعثت، پس از رهایی مسلمانان از محاصره اقتصادی، جان به جان آفرین تسلیم کرد و در قبرستان «حجون» مکه به خاک سپرده شد.

## دو. سنّ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در هنگام ازدواج

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در هنگام ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چند ساله بود؟

در مورد سنّ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در هنگام ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مورّخان و سیره نویسان اقوال گوناگونی را بدین شرح بیان داشته اند:

۱. بیست و پنج؛ (۲)

۲. بیست و هشت؛ (۳)

۳. سی؛ (۴)

۴. سی و پنج؛ (۵)

۵. چهل؛ (۶)

ص: ۱۶۱

۱- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۶۴؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۲۷۵.

۲- حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۴۰.

۳- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۳؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۳، ص ۱۳۲؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۴، ص ۵۸۱.

۴- حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۴۰.

۵- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۹۵.

۶- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲۵؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ص ۹۸؛ شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، مسار الشیعہ فی مختصر تواریخ الشریعہ، ص ۲۹؛ قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۶۴؛ ابن سید الناس، ابوالفتح محمد یعمری، عیون الاثر، ج ۱، ص ۶۹؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد



عبدالملك، السيره النبويه، ج ٤، ص ٥٨١.

۶. چهل و چهار؛(۱)

۷. چهل و پنج؛(۲)

۸. چهل و شش.(۳)و(۴)

از میان این اقوال هشت گانه تنها دو قول است که طرفدارانی دارد: یکی قول به این که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در هنگامی که به عقد پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درآمد بیست و هشت ساله بود، و دیگری چهل ساله. آنچه معروف و بیشتر مورد پذیرش مورخان و سیره نویسان قرار گرفته، این است که آن بانوی گرامی حدوداً چهل ساله بود که به عقد پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درآمد. از جمله دلیلی که ذکر می کنند، سخن حکیم بن حزام، خواهرزاده حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ است که می گوید: عمّه من که چهل ساله بود، با رسول الله(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیست و پنج ساله ازدواج کرد.(۵)

مورخ نامدار معاصر، سید جعفر شهیدی، در این باره می نویسد: چنان که بین مورخان شهرت یافته و سنت نیز آن را تأیید می کند، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به هنگام ازدواج با محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، چهل سال داشت، ولی با توجه به تعداد فرزندان که از این ازدواج نصیب او گشت، می توان گفت: تاریخ نویسان رقم چهل را از آن جهت که عدد کاملی است، انتخاب کرده اند.

در مقابل این شهرت، ابن سعد با اسناد خود از ابن عباس روایت می کند که سنّ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام ازدواج با محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیست و هشت سال بود.(۶)

### سه. رضایت به ازدواج

چرا پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) راضی شد با حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ازدواج نماید؟ آیا این ازدواج به جهت ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود؟ چرا خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ حاضر شد با محمد بن عبد الله(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که از ثروت و مال بهره

ص: ۱۶۲

۱- . بدارن، عبدالقادر، تهذیب تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۳۰۳.

۲- . نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، تهذیب الأسماء، ج ۲، ص ۳۴۲؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۷۵.

۳- . بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ص ۹۸.

۴- . عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۱۱۵ - ۱۱۶.

۵- . بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۸.

۶- . شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ، ص ۲۳.

چندانی نداشت، ازدواج کند، در حالی که خواستگاران ثروتمند متعددی داشت؟

در ازدواج های پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عوامل متعددی تأثیر گذار بودند، که هیچ یک از آنها معیارهای مادی نداشت، که در بحث فلسفه چندهمسری بیان شد. در خصوص ازدواج پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ عُلَّتِ اصْلَى، پاک دامنی و عَفْت و فضایل معنوی و انسانی حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ بود. در این پیوند زناشویی انگیزه دو طرف در تن دادن به آن، برتری های معنوی و انسانی بود که هر یک در شریک زندگی خود می دید. صفحات تاریخ گواهی می دهد که خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ از زنان پاک دامن و باعْفَت بود تا آن جا که در دوران جاهلیت به او لقب «طاهره» داده بودند. (۱)

او به مقتضای پارسایی و پاک دامنی اش همواره خواهان شوهری باتقوا و پرهیزکار بود. از گفتار و کردار خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ به دست می آید که علاقه وی به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بر محور ارزش های پاک انسانی و صداقت و امانت داری پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می چرخید، که فهمیده می شود انگیزه ازدواج وی با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فراتر از مسائل مادی بود. اگر عنصر مادیت در ازدواج خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ تأثیر گذار بود، می بایست با یکی از خواستگاران ثروتمندش ازدواج می کرد. بسیاری از ثروتمندان، علاقه مند به ازدواج با او بودند و از وی خواستگاری کرده بودند. (۲)

حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در یکی از اولین گفت و گوهای خود با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، عُلَّتِ علاقه و انگیزه ازدواج خود را چنین ابراز نمود: «به تو علاقه مند شدم، زیرا با من خویشاوندی (۳) و میان قومت از شرافت بسیاری بهره مند هستی، نیز نزد قبیله ات به امانت داری شهرت داری و دارای اخلاق نیکو و با صداقت می باشی.» (۴)

ص: ۱۶۳

- ۱- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵؛ زوجات النبی و اولاده، ص ۴۸.
- ۲- ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۳۲؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۱؛ ابن سید الناس، ابوالفتح محمد یعمری، عیون الاثر، ج ۱، ص ۷۱ - ۷۲؛ طبری، محمّد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۵؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، سیره النبویه، ج ۲، ص ۲۶۳؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۳۵۸؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۲.
- ۳- همان گونه که در آغاز بیان شد، «قصی» جدّ چهارم پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و جدّ سوم خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ است.
- ۴- ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۲.

در مورد ردّ انگیزه مادی ازدواج پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می‌گوییم:

۱. اگر ازدواج مبتنی بر اموال خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود، دشمنان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که از هیچ بهانه‌ای برای ضربه زدن بر شخصیت ایشان فروگذار نمی‌کردند، از آن بهره می‌گرفتند، و حضرت را به دنیاگرایی متهم می‌کردند، در حالی که در تاریخ خبری از این گونه حرف‌ها نیست.

۲. در برخی نقل‌ها آمده است که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، خود ابتدا پیشنهاد کرد که با حضرت ازدواج نماید. (۱) اگر این نقل درست باشد، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گرایش پیدا نکرد، بلکه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود که به سوی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گام برداشت، آن هم با انگیزه پاک دامن‌ی و فضایل معنوی و انسانی که در حضرت مشاهده کرد.

۳. بارها پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از فضایل اخلاقی و کرامت انسانی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سخن گفت تا آن جا که فرمود: «خدیجه از زنان بافضیلت بهشت است» (۲) و خداوند توسط جبرئیل به او سلام می‌رساند. (۳) این گونه ستایش، بیانگر معنویت و جایگاه والای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ است.

۴. آنانی که با انگیزه مادی به ازدواج تن می‌دهند، نوع زندگی و توجه آنان به مادیت است، در حالی که رفتار و کردار خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برخلاف دنیاپرستی است و همیشه صفا و صمیمیت و وفا و یگانگی در این خانواده حاکم بود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در دوران عبادت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در غار حرا همیشه مراقب حضرت بود و برای حفظ جان و جایگاه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تمامی سختی‌ها را تحمل کرد. او همیشه آماده بود، حتی کوچک‌ترین تمایلات حضرت را که به زبان هم نمی‌آورد، انجام دهد، چنان که وقتی دید حضرت به «زید بن حارثه» که آن هنگام به عنوان برده نزد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به سر می‌برد، علاقه دارد، او را به حضرت رسول بخشید. (۴)

اگر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با هدف دست‌یابی به ثروت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با آن بانوی گرامی ازدواج

ص: ۱۶۴

- 
- ۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۴.
  - ۲- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۳۱؛ هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۲۰۱ و ۲۲۳؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۵ - ۱۱۶.
  - ۳- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۶.
  - ۴- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۰۲؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۹۸.

کرده بود، می بایست پس از ازدواج این هدف و انگیزه جلوه می کرد و با مال و ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به زندگی زاهدانه پایان می داد و در ناز و نعمت زندگی می کرد، در حالی که زندگی پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از رفاه گرایی و فرورفتن در ناز و نعمت به دور بود و حضرت همواره در پی امور معنوی و زندگی زاهدانه بود.

این دلایل نشان می دهد که ازدواج آن دو بر اساس ارزش های الهی انسانی شکل گرفت، نه امور مادی و هواهای نفسانی!

## چهار. ازدواج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ با زن چهل ساله

### اشاره

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ حدود بیست سال پس از ازدواج با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به دنیا آورد، اگر به هنگام ازدواج با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چهل ساله بود، چگونه می توان پذیرفت زن شصت ساله حامله شده باشد؟

هم سن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به هنگام ازدواج با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به طور دقیق روشن نیست و هم تاریخ ولادت حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ.

از زندگانی آن بانوی بزرگ اسلام پیش از آن که با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ازدواج کند، جز گزارش ها و اشاره های کوتاه در دست نیست. (۱) نمی توان قاطعانه نظر داد که سن او به هنگام ازدواج با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چهل سال بود. بنا بر این کمتر بودن سن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در هنگام ازدواج بعید به نظر نمی رسد و نمی توان آن را مردود دانست. همان گونه که در بحث مربوط به سن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در زمانی که به عقد پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درآمد، بیان شد که ممکن است عدد چهل تقریبی باشد و تاریخ نویسان رقم چهل را از آن جهت که عدد کاملی است، انتخاب کرده باشند.

در مورد تاریخ ولادت حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز وضع به همین منوال است: «با همه کوششی که به کار رفته است، متأسفانه در باره سال ولادت دختر پیامبر، حضرت فاطمه اطلاق درست و دقیقی در دست نیست و نمی توان نظر قاطعی ابراز نمود.» (۲)

ص: ۱۶۵

۱- . شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ، ص ۲۱.

۲- . همان، ص ۲۴.

توضیح: در مورد میلاد حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ مورّخان سال های گوناگون را گفته اند که جملگی تقریباً محدود می شود به سال پنجم پیش از بعثت تا سال پنجم پس از بعثت، اما همه گفته ها را می توان در سه قول خلاصه و جمع بندی کرد:

## ۱. پنج سال پیش از بعثت

عموم سیره نویسان و مورّخان اهل سنّت مانند: محمّد بن سعد، کاتب واقدی، ابن عساکر، بلاذری، مدائنی، قرطبی، ابن اثیر، ابن جوزی، فتنی و... سال میلاد حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ را پنج سال پیش از بعثت نوشته اند. (۱)

طبق این قول اگر سنّ ازدواج حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را هر یک از هشت قول مذکور فرض کنیم، معنایش این است که در هنگام ولادت حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ سنّ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۴۰، ۴۵، ۴۹، ۵۰ و یا ۵۱ سال بود. در این فرض هیچ اشکالی به وجود نمی آید؛ چرا که بارداری زنان در این محدوده سنّی معمول و متعارف است.

## ۲. حدود بعثت

برخی از نویسندگان شیعی مانند شیخ طوسی در مصباح المتهجّد و ابن واضح یعقوبی در تاریخ یعقوبی، نیز برخی از نویسندگان اهل سنّت مانند سیوطی در تفسیر درّ المنثور و حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین و شمس الدّین ذهبی در ذیل المستدرک علی الصحیحین نوشته اند: میلاد حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ در سال بعثت و یا یکی دو سال پیش یا پس از آن اتفاق افتاد. (۲)

طبق این قول در مورد میلاد حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ و اقوال گوناگون در مورد سنّ ازدواج

ص: ۱۶۶

---

۱- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۹؛ سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواصّ، ص ۳۰۶؛ ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۱۶۰؛ ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، الموضوعات، ج ۱، ص ۴۱۳؛ فتنی، تذکره الموضوعات، ص ۹۹؛ قرطبی، محمّد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۲۴۱.

۲- ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۹؛ حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۱ - ۱۶۲؛ جلال الدین سیوطی، عبدالرحمان بن کمال، الدر المنثور فی طبقات ربات الخدور، ج ۵، ص ۲۱۸.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، سنّ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در هنگام به دنیا آوردن حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ بین چهل تا پنجاه و پنج سالگی قرار دارد. این باور هم اشکالی ندارد، چون عموم زنان تا پنجاه سالگی و زنان نبطی و قریشی تا چند سال بیشتر زاد و ولد دارند.

### ۳. پنج سال پس از بعثت

عده ای از نویسندگان شیعی مانند محمد بن یعقوب کلینی در کافی سال میلاد حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ را پنج سال پس از بعثت ذکر کرده اند. (۱)

طبق این قول و آن پیش فرض در مورد سنّ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام ازدواج (یعنی چهل سالگی)، نتیجه می گیریم سنّ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در هنگام ولادت حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ، بین چهل و پنج تا شصت قرار دارد.

اگر چه در این سخن هم اشکال چندانی وجود ندارد، لیکن از این که زنان (حتی زنان نبطی و قریشی) فرزندانشان را در سنین زیر شصت سالگی به دنیا می آورند و بارداری در شصت سالگی پدیده ای نادر است، بعید به نظر می رسد.

\* گریز از احتمال

برای چاره جویی این احتمال می بایست یکی از راه های زیر را طی کرد:

۱. نپذیریم حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در هنگام ازدواج چهل ساله بود.

۲. نپذیریم حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ در سال پنجم بعثت متولد شد.

۳. توجیه قول مشهور در مورد چهل ساله بودن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در هنگام ازدواج، به این که شماره چهل در این مورد، به معنای حقیقی نیست، بلکه به معنای تقریبی و مجازی است و از این که شماره چهل، عدد کاملی است، سیره نویسان آن را انتخاب کرده اند. (۲)

۴. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خاتم انبیا است و سرآمد همه آنان، نیز دارنده کمالات و کرامات همه آنان. از این که خداوند به پیامبران پیشین عنایت کرده و برخی از همسران شان در پیری صاحب

ص: ۱۶۷

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۸.

۲- شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ، ص ۲۳.

فرزند شده بودند، بعید نیست آخرین دختر پیامبر از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، در سنین بالاتر از سن متعارف، با عنایت و برکت ویژه الهی متولد شده باشد، چرا که حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ عنایت خاصّ خداوندی بود. اراده پروردگار بر این تعلق گرفت که امامت در فرزندان و ذرّیه آن بانوی گرامی قرار گیرد، و او به همسری علی بن ابی طالب ۷امام پارسایان نائل گردد. در فضیلتش سوره کوثر نازل شود و خداوند پاکی او، پدر، شوهر و فرزندان را بخواهد و آیه تطهیر در باره آنان سخن گوید.

### پنج. رضایت خویشان به ازدواج

اگر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به هنگام ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چهل ساله و بیوه بود، چگونه خویشان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به این امر راضی شدند؟

انتخاب همسر و مشخصاتی که می بایست داشته باشد، نیز انتظارات و حساسیت‌هایی که خویشان و بستگان در ازدواج دارند، بسته به اختلاف فرهنگ‌ها، گوناگون است. قضاوت همسان در جوامع گوناگون بشری شایسته و بایسته نیست، بلکه هر یک را با مشخصات خود می بایست سنجید و اظهار نظر کرد.

در برخی از جوامع بشری فرهنگ «تک همسری» پذیرفته شده و فرهنگ «چند همسرگرینی» ناپسند و نکوهیده است، همانند فرهنگ غالب ایرانیان. در این فرهنگ انتخاب همسر از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که احساس می شود با ازدواج سرنوشت دو نفر تا پایان زندگی به هم گره می خورد، که به طور معمول و غالب از آن گریزی نیست. اگر هم راه گریزی پیدا شود و با طلاق از یکدیگر جدا گردند، جدایی برای هر یک از دو طرف، یک شکست، یا یک امتیاز منفی در زندگی شان تلقی می گردد. طبیعی است در این فرهنگ به طور معمول پسر حاضر نشود با زن بیوه ازدواج کند، و هم خودش و هم اطرافیانش نسبت به سن دختر حساسیت نشان دهند، و خیلی با احتیاط امر ازدواج را دنبال کنند. پیدا کردن همسر مورد نظر در این فرهنگ کار دشواری است و هر یک از دو طرف و خانواده هایشان به راحتی به این گونه ازدواج‌ها رضایت نمی دهند.



اما در برخی دیگر از جوامع بشری فرهنگ چند همسرگزینی مردان رواج دارد و پذیرفته شده است، همانند فرهنگ مردم شبه جزیره عربی، نیز فرهنگ امروز مردم ساکن در برخی از مناطق جنوب ایران. در این فرهنگ مردان به طور معمول و غالب، بیش از یک زن اختیار می کنند. حساسیتی که در مورد انتخاب همسر در فرهنگ تک همسری وجود دارد، در این فرهنگ وجود ندارد، چون که احساس می شود با ازدواج دو نفر، اگر چه سرنوشت آن دو به هم گره می خورد، لیکن این گره خیلی محکم نیست. باز کردن آن کار آسانی است، چرا که هم مرد می تواند به راحتی همسرش را طلاق دهد، و هم همسر مطلقه به راحتی می تواند پس از انقضای عده طلاق، دوباره ازدواج کند.

در این فرهنگ حتی پسران با زنان بیوه ازدواج می کنند، نیز در سنّ دو طرف، حساسیت رایج در فرهنگ تک همسری وجود ندارد، و اطرافیان دختر و پسر در امر ازدواج، آسان می گیرند و دید تنگ نظرانه و سخت گیرانه ندارند. بدین جهت پیدا کردن همسر در این فرهنگ، کار آسانی است.

پرسش مذکور در آغاز بحث، برآیند فرهنگ تک همسرگزینی ایرانیان است، به جهت این که در فرهنگ ایرانیان «تک همسری» جایگاه ویژه ای دارد و آنان چند همسر داشتن مردان را نمی پذیرند. با وجود این فرهنگ، اطرافیان در امر ازدواج، با حساسیت خاصی، شرایط عروس و داماد را دنبال می کنند. در این فرهنگ به طور معمول و غالب هم پسر راضی نمی شود همسر و شریک زندگی اش، بیوه و مثلاً پانزده سال از او بزرگ تر باشد، هم خویشان و بستگانش به چنین ازدواجی رضایت نمی دهند. اما در زمان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و در محیط شبه جزیره عربی، فرهنگ تک همسرگزینی مردان جایگاهی نداشت، بلکه فرهنگ چند همسرگزینی را پذیرا بودند.

شواهد تاریخی نشان می دهد که ازدواج با زنان بیوه و میان سال در فرهنگ آن روز شبه جزیره عربی، عملی خلاف عادت و عرف نبود، بلکه رواج داشت. وانگهی حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ از ویژگی های خوبی بهره مند بود، همان گونه که سیره نویسان و مورخان نوشته اند: با شرافت ترین زنان قریش بود. از نظر مال و جمال برتری داشت. در دوره جاهلیت به جهت

پاک دامنی، او را طاهره می خواندند و به وی بانوی قریش می گفتند. نیز به جهت امتیازاتی که داشت، خیلی افراد در پی آن بودند که از نزدیکان وی باشند. (۱)

آن چه که بیان شد با توجه به نقل مشهور است که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بیوه بود، اما با توجه به این که برخی از مورخان بزرگ، همانند ابوالقاسم کوفی، بلاذری، شیخ طوسی و سید مرتضی نوشته اند: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام ازدواج با پیامبر «عدرا» (دوشیزه) بود، (۲) دیگر جایی برای طرح چنین پرسشی باقی نمی ماند.

### شش. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مادر فرزندان

آیا پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تنها از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فرزند داشت یا این که از دیگر زنانش نیز فرزند داشت؟ فرزندان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تنها از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و کنیزی به نام ماریه قبطیه بودند.

مشهور است که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هفت فرزند داشت، چهار دختر به نام های ام کلثوم، رقیه، زینب و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ، سه پسر به نام های قاسم، عبد الله (ملقب به طیب و طاهر) و ابراهیم.

همه این فرزندان از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بودند، و تنها ابراهیم از ماریه قبطیه. (۳)

### هفت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همسر محبوب

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ چه مقدار علاقه و محبت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به خود جلب کرد؟ آیا این بانوی گرامی محبوب ترین همسر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به شمار می آید؟

محبت و علاقه از امور قلبی و باطنی است که آثار آن در گفتار و کردار جلوه می یابد، حال اگر بخواهیم در مورد میزان علاقه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به همسرانش به اطلاعاتی دست یابیم و بدانیم بیشتر حضرت به کدام همسرش علاقه داشت، تنها از طریق گفتار و کردار پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ممکن است.

ص: ۱۷۰

۱- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۹۴؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۱؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۱؛ حلبی، علی بن برهان، السیره الحلییه، ج ۱، ص ۱۳۷؛ عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۱۰۷.

۲- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳۷؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۹۱؛ عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۱۲۲.

۳- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۵۲ به بعد؛ ابن جوزی، ابو الفرج عبدالرحمن بن علی، صفوه الصفوه، ج ۱، ص ۶۹؛ قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۶۴.

با توجه به گفته ها و رفتار پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فهمیده می شود ایشان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را بیشتر از دیگر همسرانش دوست داشت. گفتار و سیره پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نشان از آن دارد که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نزد حضرت از جایگاه والا و رفیعی برخوردار بود و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیوسته از او ستایش می کرد و نقش او را در پیشبرد اسلام و زندگی خود یادآور می شد.

رسول اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در زمان حیات حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ او را گرامی می داشت. در آن محیطی که «چند همسر» داشتن امری معمولی و مرسوم بود، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تا هنگامی که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنده بود، هیچ زن دیگری انتخاب نکرد که دلیلی گویا بر گرامی داشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ است. نیز پس از وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همیشه از او به نیکی یاد می کرد و وی را به همراه حضرت مریم، آسیه و حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ یکی از چهار زنان برتر جهان برمی شمرد. (۱)

نیز می فرمود: «خدیجه به مقامی رسیده است که خدا و جبرئیل بر او درود می فرستد.» (۲)

در دوران سکونت در مدینه هر گاه از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یاد می شد، خشنودی خود را از آن بانوی بزرگ ابراز می داشت. هنگامی که گوسفندی را ذبح می کرد، سهمی از آن را برای دوستان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در نظر می گرفت و در توجیه کارش می فرمود: «إِنِّي لِأَحَبُّ حَبِيبًا؛ (۳) (به جهت شدت علاقه به خدیجه) دوستانش را نیز دوست دارم.»

عایشه می گوید: «هر وقت پیامبر به یاد خدیجه می افتاد، از فراق او دل‌تنگ و گرفته می شد و برای او آرمزش می طلبید. روزی من رشک ورزیدم و گفتم: خدا به جای آن پیرزن، زنی جوان و زیبا به تو داد. پیامبر از شنیدن این سخن ناراحت شد و فرمود: نه، به خدا! آن گونه که تصوّر می کنی نیست. هیچ زنی برای من خدیجه نمی شود. خدا بهتر از او را به من

ص: ۱۷۱

۱- . شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، ص ۹۶ و ۱۰۷؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابة فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۱۰۱؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۷؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲- . ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابة فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۷۴؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۷، ص ۸۴؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۳۱۵؛ امام مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۸۷.

۳- . ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابة فی تمییز الصحابه، ص ۱۰۸.

نداده است، زیرا هنگامی به من ایمان آورد که همه کافر بودند؛ زمانی مرا تصدیق کرد که دیگران سخنانم را نمی پذیرفتند؛ مال خود را در اختیار من قرار داد و شریک غم من بود. خداوند از او، نه از زنان دیگر، به من فرزندان عینیت کرد.»(۱)

نیز عایشه می گوید: «به هیچ زنی به اندازه خدیجه رشک نبردم، چون پیامبر بسیار از وی یاد می کرد.»(۲)

از این مطالب برمی آید که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ محبوب ترین همسران پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به جهت پاک دامنی و پارسایی و نقشی که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در زندگی ایشان، نیز گسترش اسلام ایفا نمود، او را همیشه دوست می داشت.

### هشت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و موفقیت های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در موفقیت های پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و پیشبرد اسلام چه نقشی داشت؟ معروف است که پیشرفت اسلام مرهون چند چیز است که از جمله آن ثروت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ است.(۳) آیا مقصود آن است که به مردم رشوه می داد تا آیین اسلام را بپذیرند، یا این که اموال را برای جلب قلوب و نظر مشرکان به آنان می پرداخت و یا معنای دیگر دارد؟

نقش حضرت خدیجه در موفقیت های رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بر کسی پوشیده نیست. آن بانوی بزرگ اسلام تأثیرات بسیار درخشانی در زندگی پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گذاشت. رفتار او با حضرت رسول به گونه ای پسندیده بود که پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کوچک ترین دغدغه و نگرانی از زندگانی مشترکش با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نداشت. آسودگی و آرامش خاطر حضرت در زندگی، زمینه خوبی را ایجاد کرد که با موفقیت قدم بردارد و آزار و بی مهری های مشرکان قریش را تحمل نماید و هم چنان ثابت قدم و استوار به جلو حرکت کند.

تأثیراتی که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در زندگی پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) داشت، به حدی بود که رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

ص: ۱۷۲

۱- همان.

۲- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۰.

۳- حائری مازندرانی، محمد مهدی، شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۳۳.

بارها به ستایش او پرداخت و او را یکی از بهترین زنان جهان برشمرد. (۱) در همین راستا تا هنگامی که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنده بود، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همسر دیگری اختیار نکرد. (۲) این در حالی است که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از برخی همسرانی که پس از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برگزید، نه تنها چنان حمایت‌های قهرمانانه ندید، بلکه ناملایماتی دید که خداوند در قرآن در نکوهش آنان آیاتی نازل کرد و به طلاق تهدید شدند. (۳)

باز در بیان نقش بسیار مثبت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در موفقیت‌های پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و در پیشبرد اسلام، این مطلب به روشنی دلالت دارد که در گذشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به قدری بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گران آمد و مصیبت به اندازه‌ای بزرگ بود که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در سالی که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ در گذشتند، آن را «عام الحزن؛ سال غم و اندوه» نام نهاد. (۴)

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اولین بانویی بود که به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایمان آورد و مسلمان شد. گرویدن زنی همانند خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که در عصر خود، از جایگاه اجتماعی ممتازی بهره‌مند بود، عامل مهم در جذب دیگران به اسلام شمرده می‌شد.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به ثروتش نیز در پیشبرد اسلام نقش خوبی ایفا نمود، تا جایی که از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل شده است: «ما قام ولا استقام دینی إلا بشیئین مال خدیجه و سیف علی بن ابی طالب؛ (۵) دین من، مانایی و پیشرفتش به دو چیز وابسته است: یکی ثروت خدیجه و دوم شمشیر علی بن ابی طالب!»

تأثیرگذاری و نقش اقتصاد در جنبش‌های مهم اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. با توجه به نقش مهم اقتصادی بود که مشرکان قریش در «دار الندوه» و مجلس شورای خود، به محاصره اقتصادی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مسلمانان رأی دادند و آن را با سنگدلی تمام به اجرا گذاشتند،

ص: ۱۷۳

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲.

۲- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۱.

۳- تحریم: ۱ - ۵.

۴- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۵۰؛ علامه امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب والسنة والأدب، ص ۳۷۲.

۵- حائری مازندرانی، محمد مهدی، شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۳۳.

در نتیجه به مدت سه سال مسلمانان به جهت در امان ماندن از آزار مشرکان در درّه ای به نام شَعْب ابی طالب به سر بردند. رویکرد دشمن نشانگر آن است که حمایت یا عدم حمایت مالی چه تأثیر مهمی دارد، حال در این هنگام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با ثروتش در خنثی کردن توطئه دشمنان نقش خوبی ایفا نمود.

خدیده عَلَیْهَا السَّلَامُ با حمایت مالی خود از اسلام، نهایت تلاش خود را به کار برد. او با کمال میل و رغبت، تمامی ثروت خود را در اختیار پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قرار داد و ایشان آن را برای رفع نیازهای مسلمانان به کار برد. تأثیرات مثبتی که ثروت حضرت خدیجه (آن هم در اوضاع بحرانی) به نفع مسلمانان و در خنثی سازی توطئه دشمنان داشت، بر کسی پوشیده نیست. در همین باره پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «ما نفعنى مالٌ قط ما نفعنى مال خدیجه؛<sup>(۱)</sup> هیچ ثروتی همانند دارایی خدیجه به من (و آیین من) سود نرسانیده است.»

در حالی که مسلمانان زیر فشار قریش و محاصره اقتصادی بودند، ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تا حدودی، مشکلات تحمیلی را کاهش داد و توانست توطئه ها را خنثی کند. در همین باره گفته اند: «اسلام با مال خدیجه پا بر جا ماند.»<sup>(۲)</sup>

مشرکان

مسلمانان را تطمیع می کردند، تا دست از اسلام بردارند. برای خنثی کردن این توطئه سرمایه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تأثیر گذار بود. اما برای پذیرش اسلام به مردم رشوه داده نشد، نیز برای جذب قلوب مشرکان پرداخت نگردید، بلکه در راه حفظ جان مسلمانان خرج شد.<sup>(۳)</sup>

## کتابنامه

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد جوزی بغدادی (م ۵۹۷ ق)، الموضوعات، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.

ص: ۱۷۴

- 
- ۱- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۴، ص ۱۴؛ مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، ص ۱۸.
  - ۲- شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۴۶۷؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۶۳.
  - ۳- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۱۶۹.

١. ، صفه الصفوه، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، بيروت: دار الفكر، ١٤١٣ ق.
٢. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (م ٨٥٢ ق)، الاصابه في تمييز الصحابه، تحقيق: عادل احمد، علي محمّد، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٥ ق.
٣. ابن سعد واقدى، ابو عبدالله محمد (م ٢٣٠ ق)، الطبقات الكبرى، بيروت: دار صادر، ١٣٨٦ ق.
٤. ابن سيدالناس، ابو الفتح محمد يعمرى (م ٧٣٤ ق)، عيون الاثر في فنون المغازى و الشمائل و السير، بيروت ١٤٠٦ / ١٩٨٦.
٥. ابن شهر آشوب، محمد بن علي مازندراني (م ٥٨٨ ق)، مناقب آل ابي طالب، تحقيق: گروهى از اساتيد نجف اشرف، نجف: المكتبه الحيدريه، ١٣٧٦ ق.
٦. ابن عساكر، علي بن حسن، تاريخ مدينه دمشق، به كوشش: علي شيرى، بيروت، ١٤١٥ ق / ١٩٩٥ م.
٧. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م ٧٧٤ ق)، البدايه و النهايه، تحقيق: علي شيرى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٨ ق.
٨. ، السيره النبويه، تحقيق: مصطفى عبدالواحد، بيروت: دارالمعرفه، ١٣٩٦ ق.
٩. ابن منظور، محمد بن مكرم، مختصر تاريخ دمشق لابن عساكر، به كوشش: روحيه نحاس، دمشق: ١٤٠٤ ق / ١٩٨٤ م.
١٠. ابن هشام حميرى، ابو محمد عبدالملك (م ٢١٣٨ ق)، السيره النبويه، تحقيق: مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: دار احياء التراث العربى، [بى تا].
١١. اربلى، علي بن عيسى (م ٦٩٣ ق)، كشف الغمه في معرفه الائمة، بيروت: دار الاضواء، ١٤٠٥ ق.
١٢. امام مسلم، مسلم بن حجاج نيشابورى (م ٢٦١ ق)، صحيح مسلم، بيروت: دارالفكر، [بى تا].
١٣. بخارى، محمد بن اسماعيل (م ٢٥٦ ق)، صحيح البخارى، بيروت: دارالفكر، ١٤٠١ ق.

١. بدران، عبدالقادر (ت ١٣٤٦ ق)، تهذيب تاريخ دمشق الكبير، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٧ ق.
٢. بلاذري، احمد بن يحيى (م ٢٧٩ ق)، انساب الاشراف، تحقيق: سهيل زكار، رياض زركلي، بيروت: دارالفكر، ١٤١٧ ق.
٣. جلال الدين سيوطي، عبدالرحمان بن كمال بن محمد خضيري (م ٩١١ ق)، الدر المنثور في التفسير المأثور، بيروت: دار الفكر، ١٤١٤ ق.
٤. حاكم نيشابوري، ابو عبدالله (م ٤٠٥ ق)، المستدرک على الصحيحين، بيروت لبنان: دارالمعرفه، ١٤٠٦ ق.
٥. حائري مازندراني، محمدمهدي (م ١٣٦٩ ش)، شجرة طوبى، النجف الاشرف: المكتبه الحيدريه، ١٣٨٥ ق.
٦. حلبى، على بن برهان (م ١٠٤٤ ق)، السيره الحلبيه، بيروت: دارالمعرفه، ١٤٠٠ ق.
٧. ذهبى، محمّد بن احمد بن عثمان، سير اعلام النبلاء، تحقيق: شعيب ارنؤوط و حسين اسد، بيروت: مؤسسۀ الرساله، ١٤١٣ ق.
٨. سبط ابن جوزى، شمس الدين يوسف بن قزاوغلى (م ٦٥٤ ق)، تذكره الخواص من الاممه بذكر خصائص الائمة، نجف: منشورات المطبعه الحيدريه، ١٣٨٣ ق.
٩. شهيدى، سيد جعفر، زندگاني فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامى، چاپ هشتم، ١٣٦٦ ش.
١٠. شيخ صدوق، ابو جعفر محمّد بن على بن الحسين بن بابويه قمى (م ٣٨١ ق)، الخصال، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: نشر اسلامى، ١٤٠٣ ق.
١١. معانى الأخبار، تحقيق: على أكبر الغفارى، قم: مؤسسۀ نشر اسلامى، ١٣٦١ ش.
١٢. شيخ طوسى، ابو جعفر محمّد بن حسن (م ٤٦٠ ق)، الامالى، تحقيق: مؤسسۀ البعثه، قم: دارالثقافه، ١٤١٤ ق.



۱. المبسوط في فقه الإماميه، تحقيق: محمد علي الكشفي، تهران: كتابخانه مرتضوى، ۱۳۸۷ ق.
۲. شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبرى بغدادى (م ۴۱۳ ق)، مسار الشيعة في مختصر تواريخ الشريعة، تحقيق: مهدي نجف، بيروت: دار المفيد، ۱۴۱۴ ق.
۳. طبرسى، فضل بن حسن (م ۵۴۸ ق)، اعلام الورى باعلام الهدى، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم: مطبعه ستاره، ۱۴۱۷.
۴. طبرى، محمد بن جرير (م ۳۱۰ ق)، تاريخ طبرى (تاريخ الامم والملوك)، به كوشش: گروهى از علماء، بيروت: اعلمى، ۱۴۰۳ ق.
۵. عاملى، سيد جعفر مرتضى، الصحيح من سيره النبى الأعظم ۹، بيروت: دارالهادى، ۱۴۱۵ ق.
۶. علامه امينى، عبدالحسين بن احمد (م ۱۳۹۰ ق)، الغدير فى الكتاب والسنة والأدب، بيروت: دار الكتاب العربى، ۱۳۸۷ ق.
۷. قاضى نعمان مغربى، نعمان بن محمد تميمى (م ۳۶۳ ق)، شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار، تحقيق: سيد محمد حسينى جلالى، قم: نشر اسلامى، ۱۴۱۴ ق.
۸. قرطبى، محمد بن احمد انصارى (م ۶۷۱ ق)، الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبى)، تحقيق: محمد عبد الرحمان مرعشلى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۰۵ ق.
۹. كلينى، ابو جعفر محمد بن يعقوب (م ۳۲۹ ق)، الكافى، تهران: دارالكتب الاسلاميه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
۱۰. مجلسى، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بيروت: دار احياء التراث العربى، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۱. مطهرى، مرتضى، سیرى در سیره نبوى، تهران: انتشارات صدر، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.

١. مومن سبزواری قمی، علی بن محمّد، جامع الخلاف و الوفاق، قم: زمينه سازان ظهور امام عصر، ١٣٧٩.
٢. نووی، أبو زکریا یحیی بن شرف (م ٦٧٦ ق)، تهذیب الأسماء واللغات، بیروت: دار الفکر، ١٤١٦ ق.
٣. هندی الفتنی، محمّد طاهر بن علی (م ٩٨٦ ق)، تذکره الموضوعات، تحقیق: محمّد عبد الجلیل سامرودی، هند، ١٣٤٢ ق.
٤. هیشمی، نورالدین علی بن ابی بکر (م ٨٠٧ ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤٠٨ ق.

ص: ١٧٨

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شکوه زندگی (۱)

محمدتقی کمالی نیا

### چکیده

شرح زندگانی و ویژگی های رفتاری و اخلاقی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با استناد به منابع مهم تاریخی و حدیثی است. از دیدگاه نویسندگان: در مورد این بانوی بزرگ که حق بسیار عظیمی بر گردن مسلمین و گسترش اسلام دارد، نوشته ای مستقل و رسا تنظیم نگردیده است. از این رو، نویسنده خود را ملزم دانسته که دست به کار شود و شرح زندگی سراسر شور و حماسه این «قهرمان راستین» را از لایه لای کتب و منابع گوناگون به صورت مجموعه ای مستقل در پیش روی آنهایی که به اصالت ها می اندیشند و به ارزش های والای انسانی عشق می ورزند، قرار دهد. این بانوی با اخلاص، در تکوین بنای اسلام و پیشبرد آن با بهره گیری از ثروت سرشار و موقعیت و جایگاه عظیمش در دنیای آن روز، سهم بسزایی دارد، تا آن جا که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در باره اش فرموده است: «مَا قَامَ الْإِسْلَامُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَمَالِ خَدِيجَةَ؛ اسلام پا نگرفت مگر به شمشیر علی و ثروت خدیجه.»

کلیدواژه: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، شمشیر حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ، ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، تبلیغ.

### مقدمه

تا آن جا که در امکان نگارنده بوده، به جست و جو و کاوش پرداخته، اما گویی در مورد این

ص: ۱۷۹

۱- بانوان نمونه، گروهی از مؤلفان، تهیه و تدوین: پژوهشکده باقر العلوم ۷، قم: نور السجاد، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۳۲۹-۳۵۴.

بانوی بزرگ که حق بسیار عظیمی بر گردن مسلمین و گسترش اسلام دارد نوشته ای مستقل و رسا تنظیم نگردیده است. از این رو، نویسنده خود را ملزم دانست که هر چه زودتر دست به کار شود و شرح زندگی سراسر شور و حماسه این «قهرمان راستین» را از لایه لای کتب و منابع گوناگون به صورت مجموعه ای مستقل در پیش روی آنهایی که به اصالت ها می اندیشند و به ارزش های والای انسانی عشق می ورزند، قرار دهد.

### اهمیت بررسی زندگانی خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ

چهار «زن» در میان تمام بانوان برجسته جهان، از آغاز تا انجام و در بین قهرمانان راستین تاریخ، به خاطر ویژگی های خاص خود در صدرند. (۱) یکی از آن چهار زن، خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ است.

این بانوی با اخلاص، در تکوین بنای اسلام و پیشبرد آن با بهره گیری از ثروت سرشار و موقعیت و جایگاه عظیمش در دنیای آن روز، سهم بسزایی دارد، تا آن جا که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در باره اش فرموده است: «مَا قَامَ الْإِسْلَامُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَمَالِ خَدِيجَةَ؛ اسلام پا نگرفت مگر به شمشیر علی و ثروت خدیجه.»

وی در لحظات آغازین «بعثت» و سنگینی نزول وحی، که برای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دورانی بسیار سخت و بحرانی بود، در تأمین آرامش و امنیت خاطر او سخت می کوشید. با ایثار خالصانه ترین دوستی ها و جانفشانی های یک همسر، طعم شیرین محبت های یک مادر را مادری که از فرزند در قبال حمله هر نوع دشمنی و تهدید هر خطری دفاع و حمایت می کند بدو می چشاند.

بنت الشاطی بانوی دانشمند و نویسنده توانای مصری می گوید: «آیا هیچ همسری را تاب آن هست که چون خدیجه دعوت تاریخی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را از صمیم دل و سویدای جان و با ایمانی نیرومند بدون یک ذره تردید و شک در صدق پیامش، بپذیرد و به استقبالش رود، با این یقین محکم که خداوند او را هیچ گاه خوار نخواهد ساخت؟»

ص: ۱۸۰

---

۱- . پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: خدای متعال از زنان عالم چهار زن را برگزید: مریم: آسیه، خدیجه و فاطمه. (شوشتری، محمدتقی تستری، قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۳۰)

آیا در توان هیچ بانویی جز خدیجه با آن همه ثروت بی حساب و بخشش های فراوان، هست که در اوج رفاه و آسایش، به نعمت و عزت و شوکت شاهانه پشت کند تا در تیره ترین ایام سختی در کنار همسرش بایستد و با او در سخت ترین نوع شکنجه و آزار به پاس وفادار ماندن به ایمانش، شرکت کند؟

بعید است که چنین باشد! بلکه او یگانه بانویی است که تمام امکاناتش را برای یاری پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و تأمین اعتماد و آرامش و سلامت او به کار گرفت. [\(۱\)](#)

«بودلی»

در کتابش الرسول می نگارد: «فضای اطمینان بخشی را که عقیده و ایمان خدیجه در مراحل اولیه ایجاد کرده بود، امروز می توان با یک ششم سکنه عالم برابر دانست.» [\(۲\)](#)

و باز بنت الشاطی می نویسد: «خدیجه در سنینی نبود که تحمل رنج و سختی بر او آسان باشد و از کسانی نبود که در جریان زندگی با تنگی معیشت، محرومیت ها و تلخ کامی ها بار آمده و خو گرفته باشد. اما او، با وجود کهولت، راضی شد سختی هایی را که در اثر محاصره شدن بنی هاشم در شعب ابی طالب از طرف قریش تحمیل شد، تا سر حد مرگ تحمل کند.» [\(۳\)](#)

از این رو، بر ما است که به پاس آن همه حق عظیمی که این بانوی بزرگ و نمونه بر تمامی مسلمین دنیا دارد، یادش را گرامی داریم و خاطرش را ارج نهمیم.

**پدر و مادر**

**اشاره**

خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ از پدر و مادری قریشی زاده شد. پدرش «خُوَيْلِد» پسر «اسد بن عبد العزّی» و مادرش «فاطمه» دختر «زائده بن اصم» بود که سلسله نیاکانش به «لُوئی (۴) بن غالب بن فِهْر» می انجامید. دودمان مادر بزرگش، هاله دختر عبد مناف بن حارث نیز به «لُوئی» منتهی می شد. [\(۵\)](#) بدین لحاظ، تمام مورخان اعتراف دارند به این که خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ از پدر و مادری متولد

ص: ۱۸۱

- ۱- . بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، زینب بانوی قهرمان کربلا، ص ۲۱.
- ۲- . معروف حسنی، سید هاشم، سیره الائمه الاثنی عشر، ج ۱، ص ۴۶.
- ۳- . بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، زینب بانوی قهرمان کربلا، ص ۲۱.
- ۴- . همدانی، رفیع الدین، سیرت رسول الله، ص ۹۰.
- ۵- . محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

شد که هر دو از ریشه دارترین و اصیل ترین خاندان های جزیره العرب بودند.

«اسد بن عبدالعزّی» پدر خویلد و نیای بزرگوار حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، یکی از اعضای مؤسس پیمان «حَلْفُ الْفُضُول» بود. پیمان مذکور را گروهی از مردمان با شخصیت و عدالت خواه عرب بستند و قرار گذاشتند که از مظلومان دفاع کنند و در یاری کردن در ماندگان کوشش نمایند.

### الف پدر

پدر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خویلد بود. همان کسی که در حادثه حمل «حجر الاسود» به یمن و به خاطر حراست از یکی از مناسک دینش با تُبَّع (پادشاه یمن) در افتاد و در این طریق هیچ گاه نیرو و بی شماری یاران دشمن، او را به وحشت نیفکند و بالأخره در اثر فداکاری های او بود که تُبَّع از تصمیم خود منصرف شد و آن سنگ مقدس را از جایش حرکت نداد. (۱)

### ب پسر عمو

یکی دیگر از خویشان سرشناس حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پسر عمویش «وَرَقَه بن نَوْفَل» بود که پیوسته (جهت یافتن آیینی اطمینان بخش) مشغول فحوص و بررسی کتب یهود و نصارا بود. (۲)

مورخان و پژوهندگان سیره نبی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل می کنند: هنگامی که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نخستین طلعه های نبوت را در غار حرا دید و آوایی را شنید که در غار با او سخن می گوید و از این رویدادها هراسان و بهت زده به خانه اش برگشت و قضایا را برای همسر صادق و وفادارش بازگو کرد، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به سوی پسر عمش «ورقه» شتافت و آنچه را بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گذشته بود، برایش نقل کرد و ورقه، او را به آینده درخشان و جهان گیر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نوید داد. (۳)

ص: ۱۸۲

---

۱- . امینی، ابراهیم، فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ بانوی نمونه، ص ۱۹، به نقل از: سهیلی، عبدالرحمان بن عبد الله، الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، ج ۱، ص ۲۱۳.

۲- . «ورقه» در آن زمان جزء علما و بزرگان مسیحیت شمرده می شد. (محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۷ و ۲۱۲؛ الحسون، محمّد، اعلام النساء المؤمنات، ص ۳۱۹)

۳- . میرخواند، برهان الدین محمّد بن خاوندشاه، تاریخ روضه الصفا، ج ۲، ص ۱۰۶.

شرافت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تنها به اصالت ها و نجابت های خانوادگی خلاصه نمی شد، بلکه خود به صفات نیک و خُلق نیکو زبانه بود و پیش از زناشویی با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با القاب «طاهره»، «مبارکه»، «ملکه بطحا»، «سیده قریش» و «بانوی بانوان قریش» شهرت داشت. (۱)

خانه او پناهگاه امن یتیمان و درماندگان و آوارگان بود. هر یتیمی که در حیات خود نقطه اتکا نمی یافت، هر پدری که نمی توانست برای فرزندان خود لقمه نانی تهیه کند، هر زنی که پس از کشته شدن شوهرش بی پناه می ماند و هر رنج دیده، صدمه کشیده و بی پناه، راه خانه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را پیش می گرفت، به ثروت و مهربانی او پناه می برد و با برخورد پرلطف و عنایت او جراحات قلب خود را مرهم می گذارد. بدین جهت این گروه از مردم، نام دیگری به او داده بودند: «مادر یتیم ها».

خانه او دو علامت داشت: یکی قَبْیَةُ سبزی که بر بام آن بود، دیگری آمد و شد و ازدحامی که در طریق خانه او بود. حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دوست داشت به فقرا و ستمدیدگان کمک کند. آنها را در هر موقع از روز یا شب می پذیرفت، مهربانی می کرد، با آنها سخن می گفت و به درد دل آنها گوش می داد. دست نوازش بر سر و صورت بچه های آنها می کشید و اشک های چشم مادران را پاک می کرد که بوسه های آنها با قطرات اشک شان به دست او می نشست. آن وقت خدمت کارش «میسره» را می خواند. او نیز کیسه های پول را می آورد و میان آنها تقسیم می کرد.

### گوشه ای از ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

وی ثروت بسیاری داشت. شترهای زیاد او در راه های تجارتهای مکه کار می کردند. عمارتش یکی از بهترین خانه های مکه محسوب می شد. بنای آن دو طبقه بود، با ایوان های کوچک مُشْرِف به کعبه و بر راه شام.

یک طرف خانه جای سکونت خودش بود، طرف دیگر محل پذیرایی از مهمانان. در

ص: ۱۸۳

۱- . محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۷.

اتاق خودش که مشرف به کعبه بود، صندلی های عاج نشان و صدف نشان و حریرهای هند و زربفت های ایران که عمالش آورده بودند، دیده می شد.

به هر یک از کارگزارانش به غیر از مخارجشان سالی دو شتر می داد. هر چیز خوبی را از اطراف یا به شکل هدیه و یا برای فروش به خانه او می آوردند.

در اتاق خوابش یک چراغ برنج قلمزنی ممتاز که مردم آن را طلا تصور می کردند، موجود بود. هر وقت کاروان های مکه از یمن و شام بر می گشتند، چیزهای تازه ای در اتاق های حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دیده می شد و دخترهای مکه بدین جهت همیشه به خانه اش می آمدند.<sup>(۱)</sup>

### قبل از ازدواج با محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خدیجه پیش از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دو بار ازدواج کرده بود:

الف اولین شوهرش ابوهاله بن نباش بن زراره از قبیله تمیم (تیم) بود،<sup>(۲)</sup> که از او فرزند پسری<sup>(۳)</sup> به نام هند به دنیا آورد. هند هنوز سه بهار از عمرش نگذشته بود که پدرش رحلت کرد.

امام حسن مجتبی ۷ حدیث و صف شمایل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را از هند روایت کرده که بعداً بیشتر محدثان و راویان هم آن حدیث را از امام حسن ۷ گرفته و نقل کرده اند. او در تمام جنگ ها و غزوات همگام پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و در راه دعوت اسلامی هم چون مادرش حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، تا آخرین حد ممکن از جان گذشته بود. بعد از رحلت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هم پیوسته همراه و ملازم رکاب حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ بود تا این که در بصره و جنگ جمل به شهادت رسید.<sup>(۴)</sup>

ب ازدواج دیگر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بعد از مرگ شوهر نخستین خود<sup>(۵)</sup> ابو هاله، با عتیق

ص: ۱۸۴

- ۱- . محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۲؛ محدث قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۹۹.
- ۲- . و به قول دیگر، ابو هاله هند بن المنذر الاسدی. (محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۲؛ محدث قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۹۹)
- ۳- . البته علاوه بر هند، فرزند دیگری به نام «هاله» نیز داشت و به این خاطر هم کنیه شوهرش «ابوهاله» بود. (فارسی، جلال الدین، پیامبری و انقلاب، ص ۴۷)
- ۴- . معروف حسنی، سید هاشم، سیره الائمه الاثنی عشر، ج ۱، ص ۴۷؛ الحسون، محمد، اعلام النساء المؤمنات، ص ۳۱۷؛ ابو سعید خرگوشی، نجم الدین محمود راوندی، شرف النبی، ص ۵۷ ۵۹.
- ۵- . بنا بر قول دیگر، نخستین شوهرش عتیق (عُتَيْقُ یا عُتَيْقُ) می باشد. ر.ک: محدث قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۱، ص





بن عائذ (عابد) مخزومی بود. از او دختری (۱) نصیص شد که او را نیز هند نامید. (۲)

این دختر تحت سرپرستی مادر بود تا این که با ظهور اسلام، مسلمان شد و در شمار صحابی های بزرگ و با اخلاص پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قرار گرفت.

### آشنایی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با مُحَمَّد امین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

راویان سیره رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل می کنند که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در کار بازرگانی و فعالیت های اقتصادی اش گروهی را با دستمزدهای معین برای تجارت به شام و سایر جاها گسیل می داشت.

پیش از ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، که آوازه امانت و صداقت و پایداری اش در کارها به همه جا پیچیده بود و نقل مجالس و محافل مردان و زنان مکه بود، به دنبال وی فرستاد تا او نیز چون دیگران برای وی به تجارت پردازد. و به خاطر همان امانت و درستی و سایر ویژگی های بی مانندش، به آن حضرت دو برابر دیگران مزد پیشنهاد کرد.

محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز بعد از مشورت با عمویش ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ، با پیشنهاد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ موافقت کرد و بدین ترتیب قرارداد کار بسته شد و محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در رأس یک کاروان تجارتي به راه افتاد و حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای انجام کارهای قافله و اجرای دستورات وی، غلامش میسره را به خدمت او گماشت.

کاروان به شام رسید. کالاهای تجارتي با وضعی دلخواه به فروش رفت. در برابر، متاع های دیگری خریداری شد و آهنگ بازگشت کرد. این کاروان برای اولین بار در کار تجارتش آن چنان موفقیت شایانی به دست آورد که برای هیچ یک از سایر کاروان ها سابقه نداشت و همه جا صدا کرد.

میسره، پیش از رسیدن کاروان به نزدیکی های مکه، با اشتیاق به سوی شهر و حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شتافت تا حادثه شگفت ملاقات «راهب» با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و سایر رویدادهای عجیب و غریبی را که تا آن زمان برایشان رخ نداده بود، گزارش دهد. با پخش خبر نزدیک شدن

ص: ۱۸۵

۱- و دختر دیگری به نام جاریه. (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۰)

۲- محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۰.

کاروان محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با آن شگفتی های خاص، مکه آماده شد تا از او استقبال شایانی به عمل آورد.

مردم به پیشباز او از شهر خارج شدند. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از درگاه بلند خانه اش همه را می نگریست و رد پای قافله را دنبال می کرد. میسره هم در کنارش ایستاده بود. در انتها محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آمد و گزارش سفر خود را ارائه نمود و سپس به سوی عمومی خویش رفت. ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز این موفقیت را به او تبریک گفت.

### در آرزوی همسری محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بعد از آن سفر پیروزمندانه، که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آثار اصالت و راستی و تمام صفات انسانی را به حد اعلای در محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) یافته بود و نیز آنچه از فکر ازدواج با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به ذهن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نفوذ کرد، رویدادهای شگفت که در راه از وی سرزده و میسره برایش نقل کرده بود، فکر ازدواج با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به ذهن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خطور کرد. (۱)

همان طور که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در این افکار و آرزوها و شور و شوق های هیجان انگیز غرق بود و کبوتر خیالش بر گرد شاخ و برگ شجره پاک و سرسبز و حرم محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در پرواز بود، ناگهان نفیسه بنت متهبه، یکی از دوستان یک رنگش بر او وارد شد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به محض دیدن او، کوشید تا اضطراب درونش را از او پنهان دارد و حالتی طبیعی و عادی به خود گیرد؛ ولی نفیسه راز درونش را کشف کرد و بر آنچه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در پنهان داشتش می کوشید، دست یافت و گفت:

خدیجه جان! از شدت غم، جانم را مکاه. امر آسانی است و من به تو قول می دهم سر صحبت را با او باز کنم و این عشق مقدس تو را با او در میان گذارم. مطمئن باش که در این راه آنچه از دستم برآید، دریغ نخواهم کرد. (۲)

ص: ۱۸۶

- ۱- برای آگاهی از جریان سفر تجارتي و کرامات پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ر.ک: محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۹، ۲۳۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۵۲۳۰.
- ۲- معروف حسنی، سید هاشم، سیره الائمه الاثني عشر، ج ۱، ص ۴۹؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۱.

محمد یتیم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این جوان تنها که در دنیا کسی جز عموی مهربان و غم پرور نداشت، چون همیشه در تنهایی خویش سر به جیب تفکر فرو برده و چونان همیشه به این سه مسئله اساسی زندگی «خدا، انسان، جهان» و به این آدم های گونه گون می اندیشید. نفیسه بر او وارد شد. سلام کرد و رشته تفکرات او را با به میان آوردن این سخن ها از هم گسیخت: یا محمد! سن مبارکت از بیست گذشته، تنهایی و بی همدمی تو را از معاشرت ها برکنار داشته. چرا در صدد ازدواج بر نمی آیی؟

محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پاسخی نداد. سر به زیر انداخت و در حالی که انبوهی از مشکلات و موانع به ذهن او هجوم آورده بود، به سکوت و تفکرش ادامه داد. ولی نفیسه جدی تر از آن بود که بدین سادگی از او دست بردارد. از این رو، به گفت و گو ادامه داد او را به سخن گفتن و پاسخ واداشت.

لبخند شرم آگینی چون سپیده صبح بر لبان محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقش بست و گفت: خدا می داند که برای این امر، مال و منال چندانی ندارم. در این هنگام نفیسه که گویی به دنبال چنین پاسخی می گشت، راه را برای تصریح و بی پرده سخن گفتن، هموار دید و ادامه داد: چه خواهی گفت اگر بانویی آراسته، با اصل و نسب، با کفایت و دولت مند را به تو معرفی کنم؟

تا آن زن که باشد.

به خدا! وی کسی جز خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ بانوی قریش نیست که هیچ یک از زنان قریشی و مکی همسان و همتای او نیست.

محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از این پیشنهاد خرسند گشت و آن را با عمویش ابوطالب عَلِيهِ السَّلَامُ در میان گذاشت. (۱)

ابوطالب عَلِيهِ السَّلَامُ که محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را چون عزیزترین فرزندان خود دوست می داشت و به آینده او بیش از دیگران می اندیشید، از این خبر، برق شادی بر چشمانش نشست. خطوط چهره اش از هم باز شد و به آینده درخشان برادرزاده اش بیش از پیش، امیدوار و مطمئن گردید.

محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به همراهی دو عموی بزرگوارش، ابوطالب عَلِيهِ السَّلَامُ و حمزه به سوی خانه خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ

ص: ۱۸۷

رهسپار شدند. در حالی که همه چیز برای این ازدواج مبارک آماده بود، در فرصت کوتاهی تفاهم بر تمامی مسائل و مقدمات زناشویی بین آن دو برقرار گردید.

## خواستگاری

مجلس خواستگاری برگزار شد و خطبه عقد توسط ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام آن گونه که متداول بود خوانده شد و بدین ترتیب، اراده و مشیت خدا این دو را در کنار یکدیگر قرار داد تا از پرتو قرآن این خورشید و ماه، نه تنها جزیره العرب که جهان از نور و شور پر گردد.

نقل شده است که پس از انجام مراسم و پذیرش خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام، چون حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواست که برخیزد و همراه عمومیش ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام برود، خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام از روی ادب و احترام اظهار داشت: «به خانه خودت خوش آمدی. خانه، خانه تو است. من نیز کنیز تو هستم.»<sup>(۱)</sup>

آنچه اشاره شد، عقیده بیشتر مورخان و نویسندگان سیره پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در باره چگونگی ازدواج آن حضرت و خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام است، که منشأ آن را نیز همان سفر تجارتي پیروزمندانۀ محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خصال عالی انسانی و رویدادهای شگفتی که از عظمت و شخصیت و احیاناً آینده شکوفای او حکایت می کرد، می دانند.

ولی عده ای دیگر از راویان، منشأ این زندگی مشترک را سفر به شام و وساطت نفیسه نمی دانند، بلکه قائل اند که واسطه این امر، خواهر خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام هاله بوده و مبنایش خواست و طلب خود خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام بوده است. از قول عمار بن یاسر آمده است که وی می گفت:

«من به چگونگی زناشویی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام از همه آگاه ترم؛ زیرا افتخار دوستی و مصاحبت آن حضرت را داشته ام. روزی با آن حضرت در راه صفا و مروه می رفتیم. ناگاه خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام را دیدم که با خواهرش هاله همراه است. همین که چشم آنان به ما افتاد، هاله نزد من آمد و نظر محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را نسبت به ازدواج با خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام پرسید. من هم از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پرسیدم و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود که روز خاصی را برای گفت و گو تعیین کن.

چون روز موعود فرا رسید، خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام به دنبال عمومیش عمرو بن اسد<sup>(۲)</sup> فرستاد. مقدمش را

ص: ۱۸۸

---

۱- . محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۷۹؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۴.  
۲- . عده ای بر این باورند که پدرش خویلد در این تاریخ زنده بوده، و خواستگاری در حضور وی و دیگر بستگانش تحقق یافت. (ر.ک: محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۳۷ ۲۴۲)

گرامی داشت و جامه ای فاخر بر دوشش انداخت. سپس پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز با تنی چند از عموهایش که در صدر آنان ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار داشت، در مجلس حاضر شدند. خطبه عقد توسط ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ خوانده شده و امر ازدواج انجام گرفت.»

آن گاه عمار چنین افزوده است: «هیچ گاه خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ پیش از این واقعه، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به استخدام خود در نیاورده بود و نیز آن حضرت اجیر هیچ کس دیگر نبوده است.» (۱)

در تاریخ «ابی الفداء» آمده است که پس از بازگشت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از شام و بازگو کردن میسره حوادثی را که در راه برای آن حضرت رخ داده بود، خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ بدون واسطه، اشتیاق خود را به همسری با آن حضرت عرضه داشت. متقابلاً اعلام توافق شد و پیمان زناشویی در مدتی بسیار کوتاه بین آن دو برقرار گردید (۲). (۳)

عروسی این دو انسان نمونه برگزار شد. خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ از عموی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، یعنی ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ درخواست کرد که شتری نحر کند تا ولیمه زفاف برگزار شود (۴) و دیگران هم از برکت این ازدواج خجسته برخوردار شوند.

### شکوه زندگی

باری، این دو زوج بی مانند پس از انجام تشریفات عقد و ازدواج، زندگی صمیمانه و پرشکوهی را با یکدیگر شروع کردند. با گذشت زمان، آوازه محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خاطر ویژگی های برجسته، بذل و بخشش های بی شمار و فداکاری های بی نظیرش، گسترده تر می شد و دل های

ص: ۱۸۹

---

۱- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶. ابن کثیر هر دو روایت را نقل کرده است.  
۲- مؤلف کتاب «سیره الائمه الاثنی عشر» در کتاب «سیره المصطفی» در ضمن بیان روایات مربوط به ازدواج پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ، روایت «عمار بن یاسر» را بر سایر روایات ترجیح داده و نیز علل و اسباب این رجحان را ذکر کرده است.

۳- عواملی چون: بشارت ظهور پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خاتم در میان قریش توسط علمای یهود و مسیحی، رؤیای خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ و تعبیر آن توسط پسر عمویش، و شنیدن کرامات محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در سفر تجارتنی، باعث شد که خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ شخصاً و مستقیماً مسئله ازدواج را مطرح کند. (محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۷ و ۲۱۱ (۲۴۰)

۴- محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۰۰؛ میرخواند، برهان الدین محمد بن خاوندشاه، روضه الصفا، ج ۲، ص ۹۱-۹۵.

بسیاری را به سوی او جذب می کرد تا آن که حضرتش پا به مرحلهٔ چهل سالگی گذارد.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شوهرش را همواره غرق عبادت می دید؛ چرا که وی گاه و بی گاه همین که فرصتی می یافت، از شهر و غوغاهایش کنار می کشید و در دل کوه های اطراف مکه به خلوتگهٔ اُنسش غار حرا می شتافت.

علاوه بر این که قومش را نیز به خاطر داشتن افکار پوچ و سنّت های خرافی و جاهلی و پرستش بت هایی که بر گرد کعبه آویخته بودند، سرزنش می کرد و از این همه تقدیس و قربانی برای بت هایی که قادر به هیچ گونه جلب سود و دفع زیانی برای آنها نبود، بیزاری می جست.

محمّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این شور و حال ها و تفکرات عمیق به تدریج به سوی پیام و وحی آسمانی پیش می رفت و از خلال آن درمی یافت که به حقیقت بزرگ نزدیک می شود و راز مکنون بر او آشکار می گردد. (۱)

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز به هیچ وجه مزاحم این تنهایی ها و خلوت گزیدن های شوهر که اغلب بین آن دو جدایی ایجاد می کرد نمی شد و نمی کوشید تا خلوت انس و دنیای باصفای تأملات او را بر هم زند و عرصه را بر او تنگ سازد. بلکه تا آن هنگام که محمّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در خانه بود، با رعایت و آرامش بدو می پرداخت و چون از خانه به سوی حرا رهسپار می گردید، کسی را برای نگهبانی و مراقبت حال او هر چند از فواصل دور می گماشت و برای حفاظتش از گزند بدخواهان، خصوصاً قوم یهود، به دعا پرداخته و صدقه می داد.

### تجلی اعظم

چون پیک وحی در غار حرا بر محمّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نازل شد، بی درنگ و در تیرگی آغاز سپیده دم ماه رجب که هنوز هوا تاریک بود، از غار خارج شد و لرزان و بُهت زده در دل ظلمت راه خانه را پیش گرفت. شتابان رفت تا به حجرهٔ همسر باوفا و صدیقش رسید. چون به خانه پا گذاشت احساس کرد که به پناهگاه امنش رسیده است. در کنارش نشست و تمام آنچه را که در غار رخ داده و فشارهای سختی که از این رویداد بر جسم و روح وی وارد آمده، برایش بازگو کرد.

ص: ۱۹۰

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز با دلسوزی ژرف به او گوش داد و افزود: پسر عم! شاد باش. مطمئن باش که خداوند، هرگز تو را خوار و رها نمی سازد. تو بزرگ مردی هستی که به صلۀ رحم و پیوند با خویشانت می پردازی، سخن راست می گویی، سختی ها را با بردباری تحمل می کنی، مهمان نواز هستی و در کشمکش های سخت روزگار، معین و مددکار مردمی و من نیز به پیامبری تو از سالیان پیش ایمان داشته و دارم. (۱) و پیوسته این گونه با او سخن گفت تا اضطرابش آرام شده و او را خواب فراگرفت.

استاد جعفر سبحانی در بارۀ این نگرانی ها، بیان می دارد: «البته این اضطراب تا حدی طبیعی بود و منافات با یقین و اطمینان او به درستی آنچه به او ابلاغ شده ندارد؛ زیرا روح هر اندازه توانا باشد، باز در آغاز کار چنین اضطراب و وحشتی به او رخ می دهد و لذا بعدها این اضطراب از بین رفت.» (۲)

### ورقه بن نوفل و ماجرای غار حرا

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پس از این که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خواب رفت، از خانه خارج شد و راه خانۀ پسر عمویش ورقه بن نوفل را در پیش گرفت؛ چون به آن جا رسید، همه ماجرا را به او بیان کرد. ورقه پس از شنیدن این ماجرا با هیجان فریاد زد: «به خدایی که جان من در دست قدرت او است، خدیجه! اگر راست گفته باشی آنچه را گفتم، همان ناموس اکبری که بر موسی و عیسی می آمد، بر او نازل گردیده است. او پیامبر این امت است. به او بگو: ثابت قدم باش و به امر نبوت یقین داشته باش.» (۳)

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به سوی خانه شتافت تا هر چه زودتر به همسرش مژده رساند که او پیامبر شده، او حامل لوی رسالت است. همان رسالتی که بستگانش (عمرو بن اسد و ورقه

ص: ۱۹۱

۱- . محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۵۰ ۲۵۱.

۲- . سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۸۵ ۱۸۶، با تلخیص.

۳- . بر اساس قول دیگر، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بعد از شنیدن بشارت پسر عمویش، به نزد راهبی به نام «عداس» آمد و پس از سؤالاتی، مسئله غار حرا را بازگو کرد. عداس نیز آغاز پیامبری حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بشارت داد. (میرخواند، برهان الدین محمد بن خاوندشاه، تاریخ روضه الصفا، ج ۲، ص ۱۰۶ ۱۰۸)



بن نوفل) و دیگر خداپرستان و کاهنان و راهبان شبه جزیره انتظارش را می کشیدند. (۱)

چون به خانه رسید، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همچنان در خواب بود؛ در حالی که این بزرگ بانوی عطوف، دیدگانش را به سیمای با ابهت و نورانی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دوخته و به آینده درخشان وی می اندیشید. ناگهان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در بسترش به تب و تاب افتاد.

لرزه وجودش را فرا گرفت. نفسش به تنگی افتاد. قطرات درشت عرق چون مرواریدهای غلطانی بر پیشانی درخشانش ظاهر گشت. مدت زمانی در این وضع به سر برد؛ در حالتی که گویی به ندای گوینده اش گوش می دهد. سپس آرام گرفت و شروع به تلاوت کرد:

(يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ \* قُمْ فَأَنْذِرْ \* وَرَبِّكَ فَكْبُرُ \* وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ \* وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ \* وَلَا تَمُنْ بِتَسْكَكِتٍ \* وَرَبِّكَ فَاصْبِرْ؛ (۲) هان ای گلیم به خود پیچیده! برخیز و (مردم را به اندرز و پند) خداترس گردان، و خدای را به بزرگی و کبریایی یاد کن، و لباس را (لباس جان و تن را) پاکیزه کن و از ناپاکی دوری گزین و بر هر که خوبی و احسان کنی ابداً منت مگذار، و برای خدا صبر و شکیبایی پیشه کن).

آن گاه سری به اطراف گردانند. همسر مهربانش را در کنار خود دید. با چشمانی سرشار از سپاس و تقدیس بدو نگریست. حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ که نگران حال او بود با اصرار از وی خواست که در بستر آرام گیرد و به خوابش ادامه دهد. در این هنگام پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با چهره ای مصمم فرمود: همسر! دیگر روزگار خواب و راحت سرآمد. این پیک وحی جبرئیل امین است که مرا مأمور ساخته تا مردم را از ثمره زشت کاری هاشان بیم دهم و آنان را به سوی الله و پرستش او فرا خوانم. پس چه کسی را فراخوانم و کیست که دعوت مرا اجابت کند؟

فردای آن روز که ورقه بن نوفل در مسجد الحرام محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را دید، با دیدن او بی درنگ فریاد زد: «به آن خدایی که فرمان جان من در دست قدرت او است، تو پیغمبر این امتی. قوم نادان بر سر این امر، تو را تکذیب می کنند، به آزارت بر می خیزند، از شهر خارجت می کنند و با تو به جنگ و ستیز می پردازند. اگر من آن روز را درک کنم، دین خدا را با حمایت تو

ص: ۱۹۲

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۰ ۲۳.

۲- . مدثر: ۷۱.

یاری می کنم.»

آن گاه به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نزدیک شد و سر مبارکش را بوسید. حضرت پرسید: مرا از وطن آواره می کنند؟ عرض کرد: بلی، ای کاش من جوان بودم. ای کاش تا آن روز زنده می ماندم! (۱)

### آغاز راه و همگامی های جانبازانه

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای انجام رسالت و ابلاغ پیام، پا به راه گذارد و تلاشش را آغاز کرد. پیشتازی در ایمان و سابقه در اسلام، یکی از افتخارات مهم است. مدتی پس از آغاز بعثت و دعوت، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و علی عَلَیْهِ السَّلَامُ سه نفری بودند که کنار کعبه یا در خانه به پرستش خدای یگانه می پرداختند. به تعبیر علی عَلَیْهِ السَّلَامُ: «تنها خانه ای که بر محور اسلام بر پا بود، خانه پیامبر و خدیجه بود و من سومین نفر آن دو بودم.» (۲)

این افتخار نصیب خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شد که از زنان، اولین فردی باشد که دعوت آسمانی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را می پذیرد و به او ایمان می آورد. عظمت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ نزد خدای متعال و کزو بیان بسی والا بود. در همان سال های نخست بعثت که حادثه «معراج» پیش آمد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مخاطب سلام الهی قرار گرفت.

از زبان پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) روایت است که: در شب معراج، هنگام بازگشت از آن سفر آسمانی، به جبرئیل گفتم: آیا حاجت و کاری نداری؟ گفت: چرا. حاجتم این است که از سوی خدا و از طرف من به خدیجه سلام برسانی.

وقتی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سلام خدا و جبرئیل را برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نقل کرد، وی گفت: «خداوند، خود سلام است، سلام از او است و سلام به او باز می گردد و بر جبرئیل هم سلام باد.» (۳)

### محاصره اقتصادی قریش

پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از سه سال دعوت پنهانی، به امر الهی مأمور به دعوت آشکار و گسترش

ص: ۱۹۳

۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۵۳ ۲۵۴؛ محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۵۲.

۲- محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۰؛ دشتی، محمد، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۳۹۸.

۳- محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۷۹؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸۷ و ۱۱.

دامنه پیام شد، ولی ندای دعوتش طوفان خشم جاه طلبان و گردن کشان را برانگیخت.

الف ابتدا از در استهزا و تمسخر و اتهامات (سحر و جنون) وارد شدند، ولی هیچ یک از آنها بر روح سرشار از یقین پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خللی وارد نیاورد.

ب متوسل به انواع لطمه ها و آزارها و شکنجه ها شدند، اما هیچ کدام اراده پولادین و خدایی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را متزلزل نساخت.

ج تهدید و ارباب را به سویس متوجه ساختند، لیکن روحیه قوی و تزلزل ناپذیرش را ذره ای هم نتوانستند تکان بدهند.

د نسیم نوازشگر تطمیع را به جانش وزانده و نغمه دلنواز مقام و عنوان را به گوشش نواختند. با این وجود هیچ ترفندی او را از راهش باز نداشت؛ بلکه مصمم تر و راسخ تر از پیش، فریاد می زد: «اگر آفتاب را در یک دست و ماه را در دست دیگرم بگذارید، هرگز از راه خویش بر نمی گردم.»

قریشی یان که همه راه های چاره را برای انصراف پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از دعوتش بر روی خود بسته دیدند، تصمیم گرفتند تا او و پیروانش را در محاصره اقتصادی قرار دهند و آنها را حتی از ضروریات اولیه ادامه زیست محروم سازند. از این رو، آنان را از شهر بیرون کرده و به «شعب ابی طالب» روانه ساختند. حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز با آنان بدون ذره ای تردید همگام شد و در این همگامی از خانه، مال و همه چیز خود با طیب خاطر و روحی آرام و مطمئن دست برداشت. (۱)

در آن ایام این بانوی بزرگ پا به مرز ۶۵ سالگی می گذاشت، ولی علی رغم این فرسودگی و ضعف، هم چنان در کنار محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و یاران اندکش صبر پیشه می ساخت تا آن جا که صبرشان، قریش مغرور را با آن قدرت و نیرو به زانو درآورد و بیچاره کرد.

در میان قریش از یک سو، بر سر پیمان محاصره اقتصادی اختلاف بروز کرد و از سوی

ص: ۱۹۴

---

۱- . شایان توجه است که مصارف و آذوقه مسلمانان در طول سال های محاصره، به عهده خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود؛ به نحوی که هر از چند گاهی دامادش ابوالعاص، مایحتاج آنان را بر شترها بار کرده و به محضر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می رساند. (محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۱)

دیگر، خداوند موریانه ها را مأمور ساخت تا این پیمان نامه را به جز کلمه «الله» بخورند. بدین ترتیب نقشه آنان نیز نقش بر آب شد و عده ای از سرشناسان مکه تصمیم گرفتند دست از محاصره بردارند و راه بازگشت رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و یارانش را به مکه و خانه هایشان باز گذارند.

## عام الأحزان یا سال غم ها و دردها

دست تقدیر، سرنوشت دعوت اسلامی را این گونه پیش می آورد که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در سال دهم بعثت عمومی گرامی اش ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ را، که نیرومندترین مددکار دعوت و برترین شخصیتی بود که در قبال حملات و سخت گیری های قریش می ایستاد و از رسالت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دفاع می کرد، از دست بدهد و بعد از وی به فاصله چند روز یا چند ماه بر حسب اختلاف روایات (۱) مواجه با فقدان صمیمی ترین یار زندگی اش، خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ گردد.

خدیجه ای که از آغاز بعثت و هنگامی که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مسئله وحی را برای او بازگو کرد، به وی صادقانه گروید و در راه این ایمان، تمامی دارایی و راحتی و رفاهش را بذل کرد و پیوسته تا واپسین دم زندگی و آخرین نفس نیز آن چه در امکان داشت، نثار پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و گسترش اسلام کرد.

این دو ضایعه غم انگیز در این سال، بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سخت گران آمد و حضرتش را در اندوهی ژرف فرو برد. به مکه خیره شد. آن را از فقدان عمومی مهربان و سرپرست حمایت گرش تیره و تار دید. به خانه اش روی آورد. آن را نیز از یار وفادار و شریک بذل و بخشش ها و فداکاری هایش خالی دید.

ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ وقتی درمی گذرند که اسلام مراحل بسیاری از پیشرفت را پشت سر گذارده است. سر از دیواره های مکه بر آورده و نورش را به تمامی منطقه حجاز و حتی سرزمین های دوردست نیز تابانیده است.

در هر کوی و برزنی و نشست و برخاستی، سخن ها بر گرد اسلام و محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دور می زند.

ص: ۱۹۵

---

۱- . محدث قمی می نویسد: «خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ بعد از سه روز یا ۳۵ روز از وفات ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ از دنیا می رود. پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وارد قبر او می شود و خودش با دست، پیکر او را وارد قبر می کند و به خاک می سپارد.» (محدث قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۰۷)

دسته ای از یاران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با ترک یار و دیار، زن و فرزند و عبور از صحراها و دریاها دامنه موج اسلام و عوت جدید را به حبشه سرزمینی از منطقه آفریقا می کشانند تا در برابر چشم جهان سیمایی نو از ایمان و چهره ای جدید از قهرمانی ها و از خود گذشتگی های محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و یاران پاکبازش را ترسیم کنند. (۱)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از دنیای این مردم رخت بربست، ولی از قلب همسر بزرگ و باوفایش هرگز نرفت؛ بلکه همواره چون نوری در جلوی دیدگان وی حضور داشت. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تا آن هنگام که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنده بود، همسر دیگری نگرفت (۲) و این، نشان حرمت گذاری به آن همسر باوفا است. رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در فراق خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اشک می ریخت و هر گاه از او یاد می کرد، می گریست و می فرمود: «خدیجه! کجا دیگر مانند خدیجه پیدا می شود؟ ...» (۳)

### جای خالی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در زندگی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

آن گونه که تاریخ بیان می دارد، بعد از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنانی چند به زندگی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وارد شدند، ولی هیچ کدام در گستره قلب آن حضرت مقام و موقعیت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را با آن شکوه پیدا نکردند، بلکه همواره جای او در دایره دل و دنیای پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خالی ماند و هیچ یک از همسران بعدی جای خالی او را پر نکرد.

روزی از روزها سال ها بعد از درگذشت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خواهر وی «هاله» به مدینه وارد شد. محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به محض شنیدن صدای او داغ دلش تازه شد و به یاد نوای گرم همسر در گذشته اش، با اشتیاق فریاد زد: «خوش آمدی، هاله!» عایشه که ناظر این صحنه بود، نمی توانست خویشتن داری کند، فریاد زد: «همیشه با حسرت و درد از عجزه ای از پیرزنان قریش که از شدت فرسودگی گونه هایش سرخ شده بود، یاد می کنی؛ در حالی که سال ها است که او مرده و خداوند بهتر از او را نصیب تو کرده است!»

نبی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رنجیده خاطر به عایشه فرمود: «به خدا سوگند که هرگز بهتر از او نصیبم

ص: ۱۹۶

۱- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۱.

۲- محدث قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۰۸؛ محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۰.

۳- محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۱؛ الحسون، محمد، اعلام النساء المؤمنات، ص ۳۲۲.

نشده! وی هنگامی به من گروید که دیگران تکفیرم کردند و هنگامی مرا تصدیق کرد که دیگران به تکذیبم پرداختند و هنگامی با دارایی اش به یاری من شتافت که دیگران محروم ساختند. و خداوند از او، نه از زنی دیگر، به من فرزند عنایت کرد.»

عایشه از سخن باز ایستاد و گفت: «به خدا سوگند! بعد از این دیگر از وی سخنی به میان نمی آورم.»<sup>(۱)</sup>

هر گاه رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گوسفندی ذبح می کرد، می فرمود: «دوستان خدیجه را خبر کنید تا از این گوشت بدانان داده شود.» و چون عایشه بر این کار، پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را مورد عتاب قرار می داد، حضرت فرمود: «به خدا سوگند! همانا من هر که خدیجه را دوست می داشت، دوست می دارم.»

هر گاه هدیه ای برای پیغمبر خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می آوردند، می فرمود: «به خانه فلانی ببرید؛ چرا که دوست خدیجه و دوستدار او بود.»

در جای دیگر از عایشه نقل شده که وی در بیشتر اوقات می گفت: «من به هیچ کس چون خدیجه حسادت نرزیدم و رسول خدا با من پیمان زناشویی نبست، مگر بعد از مرگ او.» و گاهی می گفت: «در برابر هیچ یک از همسران محمّد به اندازه خدیجه، هر گاه که آن حضرت از او یاد می کرد، تحریک نمی شدم؛ چه پیامبر با من ازدواج نکرد، مگر سه سال بعد از درگذشت او.»<sup>(۲)</sup>

شدت علاقه و احترام ویژه پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، تا آن جا بود که حتی در روز فتح مکه که حدود ده سال پر از حوادث و رویدادهای شگفت از مرگ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می گذشت چون وارد مکه شد و اراده کرد که جایگاهی مناسب برای تماشای صحنه زیبا و پرشکوه «فتح مکه» و سان دیدن از سپاه عظیم اسلامی برگزیند، جایی را نزدیک حجّون انتخاب کرد که

ص: ۱۹۷

۱- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۴؛ الحسون، محمّد، اعلام النساء المؤمنات، ص ۳۲۴-۳۲۱.

۲- محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۰؛ مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۳ و ۸ و ۱۲.

نزدیک قبر حبیبه اش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ قرار داشت. (۱)

دهم رمضان سال دهم بعثت، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در ۶۵ سالگی چشم از زندگی این جهان بر بست و به ملکوت اعلا پر کشید. (۲) خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ۲۵ سال با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زیست و در دل و جان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جای داشت و هیچ زنی چون او محبوب و مورد احترام پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نبود. امروز در دل شهر مکه، در قبرستان ابوطالب که به «مقبره مُعَلِّمًا» هم معروف است، قبر این بانوی بزرگوار قرار دارد و شیفتگان آن بانو و علاقه مندان حضرت ابوطالب عَلَیْهَا السَّلَامُ، کنار این قبرستان می ایستند و از آن دو مؤمن راستین یاد می کنند و به زیارت می پردازند.

## فرزندان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

### اشاره

فرزندانی که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پس از ازدواج با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به دنیا آورد، از این قرارند:

### ۱. پسران

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دو فرزند پسر به دنیا آورد: یکی «قاسم» که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بدان مناسبت کنیه «ابوالقاسم» به خود گرفت و دیگری «عبدالله» ملقب به طاهر و طیب.

بنا به روایت غیر مشهوری، طیب و طاهر دو لقب برای یک فرزند نبوده، بلکه وی دو فرزند پسر بدین نام داشته که در خردسالی مرده اند؛ ولی مشهور بین مورخان این است که این بانو جز دو فرزند به نام قاسم و عبد الله برای همسرش به دنیا نیاورد و هر دو در طفولیت مردند. از جمله قاسم را گفته اند که حدود دو سال و به روایتی بیشتر از آن زیسته و سپس در گذشته است (۳). (۴)

### ۲. دختران

ص: ۱۹۸

۱- ر. ک: طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، حوادث سال هشتم، فتح مکه.

۲- محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۰.

۳- معروف حسنی، سید هاشم، سیره الائمة الاثنی عشر، ج ۱، ص ۴۷؛ سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۶۷.

۴- رحلت قاسم و عبدالله خصوصاً برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زجر آور بود؛ لذا پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به وی بشارت داد که بچه های مؤمنان در صورت ارتحال، برای والدین خود شفاعت می کنند و ... (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۶۱۵)

محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دارای چهار دختر به نام های: زینب، رقیه، ام کلثوم و زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ گردید. (۱) قولی نیز هست به این که جز زینب و زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ وی از پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دختر دیگری نداشت و بنا به روایت دیگری، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سه دختر به نام های زینب، رقیه و زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ به دنیا آورد. (۲) از این سه قول، نخستین آن در میان تاریخ نویسان مشهورتر است.

## اراده خداوند

خواست و قضای خداوند بر این قرار گرفته بود که پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پسرانش را از دست بدهد و برای او جز دخترانش فرزندی به جای نماند؛ آن هم در چنان موقعیت و جامعه ای که دختر و زن از هیچ گونه ارزش و اهمیتی برخوردار نبود، و گروهی از اعراب، زشت انگاری دختر را به حدی رسانده بودند که او را زنده زنده در زیر خاک پنهان می کردند و هر کس را که از وجود فرزند پسر بی بهره بود، ابتر و بی دنباله می خواندند.

خداوند سبب ساز، برای تسلای قلب حبیبش و رفع نگرانی خاطر وی، سوره کوثر را نازل فرمود: (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ \* فَصَلِّ لِزَيْكٍ وَانْحَرْ \* إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ؛ (۳) همانا ما به تو کوثر و خیر کثیر عطا کردیم. پس به شکرانه این موهبت بزرگ، برای پروردگارت نماز بگزار و شتر قربانی کن؛ همانا دشمن کینه جوی تو، ابتر است).

## نگاهی به زندگی دختران خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

### الف زینب

همه دختران خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، در دامن پر مهر وی دوران کودکی را به سلامت پشت سر گذاردند و به دوران جوانی و بلوغ رسیدند. بزرگ ترین آنان زینب بود. وی با پسر خاله اش ابو العاص بن ربیع، فرزند هاله خواهر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیمان زناشویی بست.

ص: ۱۹۹

۱- . محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۷۹.

۲- . برخی نیز معتقدند که به جز فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ مابقی دختران، خواهرزاده خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هستند که سالیان سال در تحت سرپرستی خاله خود و پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بودند. (الحسون، محمد، اعلام النساء المؤمنات، ص ۳۱۷ ۳۱۸؛ محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۶۹)

۳- . کوثر: ۳۱.



همسر زینب هنوز گرویدنش به اسلام را آشکار نکرده بود که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هجرت بزرگ تاریخی اش را به مدینه به انجام رساند. چندی بعد حادثه «بدر» پیش آمد. جنگ به پیروزی مسلمین انجامید و ابوالعاص بن ربیع با تعدادی از مشرکان به دست مسلمانان اسیر گردید. رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را بدون گرفتن عوض و فدیة آزاد کرد، بدین شرط که دخترش زینب را به مدینه نزد پدر بفرستد. وی نیز پس از ورود به مکه به پیمانش عمل کرد و همسرش را نزد رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرستاد.

در سال ششم هجرت در درگیری بین مسلمانان و کاروان تجارتی قریش، کالای قریش تحت سرپرستی ابوالعاص به دست مسلمانان افتاد. ابوالعاص که اوضاع را در هم دید آنچه از اموال و کالاهای بازرگانی با خود داشت، رها کرده پا به فرار گذارد تا از این مهلکه جان سالم به در برد. در دل شب به خانه همسرش زینب که اسلام بین آنان جدایی انداخته بود، وارد شد و از وی تقاضای پناهندگی کرد و خواست که از او نزد پدرش و مسلمانان شفاعت کند.

زینب درخواست شوهر را پذیرفت. صبح فردای آن روز به مسجد رفت و گفت: برادران مسلمان! آگاه باشید که من به ابوالعاص پناه دادم و از پدرم و از شما می خواهم که پناهندگی او را بپذیرید و آنچه از اموال و کالا از او به غنیمت گرفته اید، به وی بازگردانید.

مسلمین درخواست وی را اجابت کردند و آنچه را که از کاروان گرفته بودند، به ابوالعاص برگرداندند. او با باز گرفتن اموال به سوی مکه شتافت. به محض ورود، آنها را به صاحبانش تحویل داد و در جمع قریش اسلامش را اعلام کرد و بی درنگ به سوی مدینه برگشت. به مدینه داخل نشد؛ مگر این که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همسرش را با عقد جدیدی به وی بازگرداند.

ابوالعاص نسبت به همسرش در طول زندگی پیوسته وفادار ماند تا این که در آغاز سال دهم (هشتم) هجرت، پیک مرگ به سراغ زینب آمد و دیدگانش را از این جهان فرو بست. دختری از ایشان به نام «امامه» به دنیا آمده بود که بعدها به عقد همسری امیر مؤمنان ۷ در آمد. (۱)

## ب رقیه و ام کلثوم

### اشاره

ابولهب یکی از عموهای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود که مخالفت ها و کارشکنی های سر سخنانه وی با آن

ص: ۲۰۰

۱- . محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۱۹۸، ۲۰۰؛ الحسون، محمّد، اعلام النساء المؤمنات، ص ۲۲۶، ۲۲۷ و ۴۱۲.  
۴۱۵.

حضرت، به ویژه بعد از بعث معروف است و حتی در این خصوص و سرزنش او و همسرش، سوره ای در قرآن (سوره تبت) نازل شده است.

به وساطت برادرش ابوطالب عَلِيهِ السَّلَامُ، برای دو پسر خود «عُتْبَه» و «عُتَيْبَه» از دو دختر مُحَمَّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رقيه و ام كلثوم، خواستگاری کرد. با توجه به این که ابوطالب عَلِيهِ السَّلَامُ نزد مُحَمَّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از محبوبیت و احترام ویژه ای برخوردار بود، پیمان زناشویی بین آن دو خواهر و این دو برادر برقرار گردید و آنان به خانه جدیدشان منتقل شدند.

خدیده عَلِيهَا السَّلَامُ، به خاطر پیشینه ای که از سرسختی و کینه جویی همسر ابولهب داشت، قلباً از این ازدواج خرسند نبود و یوسته از سنگ دلی و بی رحمی وی در باره دختران دلبندهش، در نگرانی به سر می برد.

البته نگرانی های خدیده عَلِيهَا السَّلَامُ نسبت به دخترانش بی اساس نبود، بلکه مبتنی بر خبرگی و آگاهی دقیق وی از ویژگی های ام جمیل همسر ابولهب، بود.

بعد از بعث پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و دریافت پیام حق در راه دعوت خلق، قریش با تمام نیرو در مقابل آن حضرت ایستادند. در این میان، حملات و تحریکات ام جمیل و همسرش نسبت به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اگر بیش از سایر بزرگان و سران قریش نبود، کمتر هم نبود.

آنان شروع به ایجاد اختلاف بین دختران رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و همسرانشان کردند. پیوسته نزد سه داماد وی رفت و آمد کرده، آنان را به جدایی از دخترانش تحریک و تشویق می کردند و در مقابل، بدان ها وعده می دادند که وسایل ازدواج با هر یک از دوشیزگان قریش را که اراده کنند، برایشان فراهم می سازند.

در این میان، عتبه و عتیبه بی درنگ برای تشفی خاطر مادر و کفار قریش که به خاطر محبوبیت و برتری و موقعیت برجسته بنی هاشم بر سایر تیره ها کینه شدیدی به دل داشتند، خواسته آنها را اجابت کردند تا هم موجبات خرسندی آنان را فراهم ساخته باشند و هم به اصطلاح تیری به جگر خدیده عَلِيهَا السَّلَامُ، برجسته ترین بانوی بلامنازع و بدون رقیب مکه زده باشند. طولی نکشید که در نتیجه این دسیسه چینی ها، رقيه و ام کلثوم مجبور شدند به خانه پدر

بازگردند.

چندی بعد عثمان بن عفان از رقیه خواستگاری کرد و با وی پیمان زناشویی بست و سپس به دنبال تعقیب و آزار شدید قریش، رقیه با شمار دیگری از مسلمین به حبشه مهاجرت کردند و پس از چند سال به مدینه آمد و با وی به ادامه زندگی پرداخت تا بیک مرگ به سراغش آمد. (۱)

### ازدواج ام کلثوم با عثمان

در سال سوم هجرت در یکی از روزهای ماه ربیع الاول پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در خانه اش نشسته بود که ناگهان عمر با چهره ای برافروخته و خشمگین بر آن حضرت وارد شد و شروع کرد از ابوبکر و عثمان شکایت کردن که: یا رسول الله! من به هر دوی این ها یکی بعد از دیگری، پیشنهاد کردم که با دخترم حفصه ازدواج کنند، ولی آنها پاسخ مثبتی به من ندادند. ابوبکر ساکت ماند و عثمان گفت: من در حال حاضر قصد ازدواج ندارم.

آن حضرت به عمر فرمود: اما حفصه به عقد همسری کسی در خواهد آمد که بهتر از عثمان است (پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)) و عثمان با کسی پیمان زناشویی خواهد بست که بهتر از حفصه است (ام کلثوم). (۲) طولی نکشید که حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حفصه، دختر عمر را به عقد خود درآورد و عثمان هم از ام کلثوم خواستگاری و با وی ازدواج کرد.

ام کلثوم حدود شش سال با عثمان روزگار گذراند، ولی طرز رفتار عثمان با ام کلثوم خوب نبود و در این مورد لااقل ملاحظه پدرش را هم نمی کرد. رفتار خشن و بی رحمانه وی نسبت به دختر نبی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به حدی بود که گاه وی را مضروب می ساخت، تا آن جا که همین ضربات شدید به شکستن پهلوها و مرگ ناگوارش در شعبان سال دهم (نهم) هجرت انجامید. (۳)

ص: ۲۰۲

- 
- ۱- ر.ک: محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۱۹۷ ۱۹۳؛ الحسون، محمد، اعلام النساء المؤمنات، ص ۳۶۲ ۳۵۱.
  - ۲- معروف حسنی، سید هاشم، سیره الائمة الاثنی عشر، ج ۱، ص ۶۷.
  - ۳- قابل توجه است که رقیه به سبب شکنجه های عثمان از دنیا رفته است. (محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۱۹۳ ۱۹۷).

شایان ذکر است که از رقیه و امّ کلثوم فرزندی به دنیا نیامده است. (۱)

## ج فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ

چهارمین دختر خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ و برترین آنان، بلکه برترین زنان در میان زنان برجسته تاریخ بشری، فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ است که هر چه در باره او گفته و نوشته شود باز هم کم است؛ زیرا که بانوی بانوان عالم است و سبب استمرار نسل پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در طول تاریخ؛ بانویی که به نام «کوثر» لقب گرفته و مادر یازده امام معصوم ۷ است.

چهره فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ چهره ای است که اگر درست ترسیم شود، نه تنها هر مسلمان، بلکه هر فردی که وفادار به ارزش های انسانی و معتقد به آزادی حقیقی است، او را به عنوان بزرگ ترین و بهترین اسوه خواهد پذیرفت.

این دختر ارجمند، که مادری چون خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ و پدری چون رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و همسری چون امیرالمؤمنین ۷ داشت، عمری هیجده ساله داشت، اما تأثیرگذاری اش در طول تاریخ بی نظیر بود. در سال یازدهم هجری مظلومانه به شهادت رسید و عالمی را داغدار کوچ نابه هنگام خویش ساخت.

## کتابنامه

۱. ابن عبدالبرّ، یوسف بن عبدالله قرطبی (م ۴۶۳ ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.

۲. ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویه، به کوشش: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.

۳. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق (م ۲۸۴ ق)، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارت علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ ش.

۴. ابو

سعید خرگوشی، نجم الدین محمود راوندی، شرف النبی، تهران: بابک، ۱۳۶۱ ش.

ص: ۲۰۳

۱. بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن (م ۱۴۱۹ ق)، زینب بانوی کربلا، ترجمه: سید رضا صدر، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۲. نساء النبی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق.
۳. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۴. سهیلی، عبدالرحمان بن عبد الله، الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، چاپ عبدالرحمان وکیل، قاهره ۱۳۸۷ / ۱۳۹۰ / ۱۹۶۷ / ۱۹۷۰، چاپ افست ۱۴۱۰ / ۱۹۹۰.
۵. شریف رضی، نهج البلاغه، تحقیق: محمد عبده، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۲ ق.
۶. شوشتری، محمدتقی تستری (م ۱۴۱۵ ق)، قاموس الرجال فی تحقیق رواه الشیعہ و محدثیهم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۷. طبری، محمد بن جریر (م ۳۱۰ ق)، تاریخ طبری (تاریخ الامم والملوک)، به کوشش: گروهی از علماء، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۳ ق.
۸. علی دخیل، علی محمد، اعلام النساء، لبنان: الدار الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۹. فارسی، جلال الدین، پیامبری و انقلاب، نشر امیرعلی، چاپ چهارم، ۱۳۶۸ ش.
۱۰. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، تحقیق: محمدباقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۱. محدث قمی، شیخ عباس (م ۱۳۵۹ ق)، سفینه البحار، تحت اشراف علی اکبر الهی خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ ق.
۱۲. منتهی الآمال، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۳ ش.
۱۳. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. معروف حسنی، سید هاشم (م ۱۴۰۴ ق)، سیره الأئمه الاثنی عشر، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۶ ق.
۱۵. معروف حسنی، سید هاشم (م ۱۴۰۴ ق)، سیره المصطفی، قم: کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی = ۱۹۷۸ م.

۱۶. میرخواند، برهان الدین محمد بن خاوندشاه (م ۹۰۳ ق)، روضه الصفا، تهران: مرکزی، ۱۲۶۲ ق.

۱۷. همدانی، رفیع الدین، سیرت رسول الله، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۵ ش.

ص: ۲۰۵

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یگانه انتخاب پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) تَا زَمَانِ وَفَاتِ (۱)

منصوره اعتمادی

### چکیده

شرح حال و فضائل اخلاقی و معنوی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با استناد به منابع مهم تاریخی است. از دیدگاه نویسنده: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نخستین همسر رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بود که بنا بر نظر مشهور در سن چهل سالگی به عقد آن حضرت در آمد و تا پایان عمر در کنار او زیست. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تنها همسر پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بود که تا زنده بود، رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) زن دیگری را به ازدواج در نیاورد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نسبت به دیگر همسران پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) از امتیازاتی برخوردار بوده است، به گونه ای که حتی پس از درگذشتش پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) هرگز او را فراموش نکردند و امتیازات او را برای دیگران یادآوری می کردند؛ از جمله آن که در دورانی که همه رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را تکذیب کردند، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ او را تصدیق نمود و وی را در رسالتش یاری رساند و دیگر آن که تنها او بوده است که شایستگی مادری فرزندان پیامبر خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را داشته است.

کلیدواژه: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، تاریخ اسلام، خواستگاری، مهریه، ازدواج، خطبه، فرزندان.

### مقدمه

در کتب تاریخی نام زنانی آمده است که با وجود زندگی در حساس ترین، سرنوشت سازترین و دشوارترین مقطع زمانی، دست به انتخابی شایسته زده و با تبدیل شدن به اسطوره، همواره عبرت آموز نسل های پس از خود بوده اند. یکی از این ستاره های پرفروغی که بر تارک

ص: ۲۰۶

آسمان زنان نمونه می درخشد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ است. او که تصویر روشنی از یک همسر و مادر وفادار، نمونه و شکست ناپذیر است، با آن که در عقب افتاده ترین جوامع و در میان جهل زده ترین مردمان می زیسته است، با آن همه، ترسیم گر سرنوشت خود می شود بی آن که از کج اندیشی ها و سرزنش های نابخردانه هراسی به دل راه دهد. او چونان آسیه و مریم با جهل و عصبیت های زمان خود به مقابله بر می خیزد. او همان کسی است که در عداد چهار زن برتر جهان؛ یعنی آسیه، مریم، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ از او یاد می شود. (۱)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنی است که یکی از موفق ترین و افتخارآمیزترین بنیادهای خانوادگی را تشکیل می دهد و به عنوان همسر رسول خاتم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برگزیده می شود و تا پایان عمر در کنار او می زید و سرآمد مؤمنان راستین می گردد. او در هنگامه غربت رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مبارزه با دشمنان عنود، بدو ایمان آورده و او را در انجام رسالتش یاری می رساند و هیچ گاه از حمایت و نصرت او دست بر نمی دارد و اموال خود را در اختیار آن حضرت می گذارد تا در جهت هدایت مردم صرف نماید، و چنین بوده است که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از درگذشت او همواره یاد و خاطرش را گرامی می داشته و به ایمان راستین او و یاری و وفاداری اش مباحثات می ورزیده و او را می ستوده است. (۲)

جبرئیل نیز بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نازل گشته و از همنشینی همسرش با آسیه و مریم در بهشت خبر می دهد. (۳)

اهتمام به بازخوانی زندگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، به ویژه در مقطع ازدواج او با رسول گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و شکل گیری زمینه های آن، بر اساس ارائه مستندات تاریخی روایی و با رویکردی تحلیلی و نقدگرایانه، هدف این نوشتار است.

### خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نخستین همسر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

شاید بتوان مهم ترین و ارزشمندترین رویداد زندگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را در ازدواج و پیوند میمون و

ص: ۲۰۷

- ۱- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۵۹۴.
- ۲- خوارزمی، موافق بن احمد، المناقب، ص ۳۴۲، ش ۳۶۴؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۳۷۰.
- ۳- شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۷۴، ش ۴۶/۲۹۴.



مبارک او با رسول خدا ۳۱ جست و جو کرد؛ چرا که موجب گردید مسیر زندگی او به گونه ای دیگر رقم بخورد. هر چند این ازدواج به عنوان ارزش و فضیلتی برای او شمرده می شود، ولی نباید این مهم را از نظر دور داشت که آنچه او را شایسته این مصاحبت و مؤانست بیست و چند ساله ساخت، همانا ارزش های والای انسانی و اخلاقی او بوده است. نقش او در زندگی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقشی بی بدیل است؛ وی در طی سالیان سخت و پرمارت دوران بعثت و رسالت هرگز از یاری و حمایت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دست برنداشت و از هیچ کوششی در این راه فروگذار ننمود. (۱)

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در طول حیات خود با پانزده زن عقد نکاح بست، که نخستین آنها خدیجه ۳ بود. (۲) نکته درخور توجه آن که در طول بیست و اندی سال که آن حضرت با خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ زندگی می کرد، جز او همسر دیگری اختیار نکرد و این مطلب مورد اتفاق تاریخ نگاران و سیره نویسان است. نویسنده کتاب المعجم الکبیر خبری از قتاده آورده است که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پانزده زن را به همسری برگزید که از میان ایشان شش تن از قریش، یکی از هم پیمانان قریش، هفت نفر از دیگر اعراب و یک تن از بنی اسرائیل بودند و رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در زمان جاهلیت تنها با یکی از آنان ازدواج کرد و جز او نیز هیچ یک برای او فرزندی نیاوردند. (۳) نخستین کسی که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در زمان جاهلیت با او ازدواج کرد، خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ دختر خویلد بن اسد بن عبدالغری بوده است. (۴)

در خبر دیگر، کلینی از علی بن ابراهیم، و او از پدرش، و وی از ابن ابی عمیر، و او از حماد، و وی از حلبی، و او از امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ روایت کرده، که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همزمان با خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ

ص: ۲۰۸

۱- . خوارزمی، موافق بن احمد، المناقب، ص ۳۴۲، ش ۳۶۴.

۲- . طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۱؛ شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ج ۲، ص ۴۱۹، ش ۱۲.

۳- . علی رغم آنچه در روایت فوق آمده، یکی دیگر از همسران آن حضرت به نام ماریه نیز فرزند پسری به دنیا آورد، که ابراهیم نام گرفت و در دوران کودکی درگذشت. (حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ص (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ش ۲۹؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۸، ش ۱۵)

۴- . طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۴۴۵، ش ۱۰۸۶.

### خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مایه آرامش رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

شاید این مطلب تا حدی سؤال برانگیز باشد که چرا با آن که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سال ها از پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بزرگ تر بود و نیز در دورانی که چندهمسری امری متداول به شمار می آمد، ولی تا زمانی که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنده بود، پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، همسر دیگری اختیار نکرد؟ اگرچه در منابع مهم تاریخی به صراحت در باره این موضوع، بحثی نشده است، ولی به طور مسلم باید آن را در شایستگی ها و ویژگی های خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ جست و جو کرد، و شاید بتوان پاسخ آن را در کلام ابن اسحاق جست، که گفته است: «خدیجه وزیری صادق و معاونی راستین برای پیامبر بود و رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گلایه ها و شکوه های خود را با او در میان می گذاشت و در کنار او آرامش می یافت.» (۳)

### سن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام ازدواج با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

برخی مورخان سن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را در زمان ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیست و هشت سال و گروهی دیگر چهل سال ذکر کرده اند. نیشابوری از ابوبکر محمد بن احمد بن بالویه، و وی از عبد الله بن احمد بن حنبل، و او از احمد بن محمد بن ایوب، و وی از ابراهیم بن سعد، و او از محمد بن اسحاق روایت کرده، که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیست و هشت سال داشت (۴). (۵)

ص: ۲۰۹

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۹۱، ش ۶.

۲- منابع اهل سنت در این زمینه عبارت اند از: امام مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳؛ حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸؛ بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، ج ۲، ص ۶۸؛ طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۴۵۰، ش ۱۰۹۴ و ص ۴۴۹، ش ۱۰۹۳.

۳- ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر و المغازی، ص ۲۴۳؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۲، ص ۵۷.

۴- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.

۵- کتب ذیل مؤید همین نظر است: دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۵۲، ش ۱۲؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶-۱۷؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۳، ۱۳۵ و ۱۳۹؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۰ و ۱۲.

محمد بن سعد در خبری به نقل از محمد بن عمر، و او از منذر بن عبد الله حزامی، و وی از موسی بن عقبه، و او از ابی حبیبه آزاده شده زیبر می گوید که از حکیم بن حزام شنیدم: وقتی خدیجه چهل ساله بود رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که بیست و پنج سال بیش نداشت، با او ازدواج کرد (۱). (۲) حقیقت آن است که خبر معتبری در باره سن ازدواج خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به دست نیامده، ولی نظر مشهور آن است که او در چهل سالگی با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ازدواج کرد و به نظر می آید که این رأی به واقع نزدیک تر باشد.

## عوامل مؤثر در شکل گیری این ازدواج

### اشاره

یکی از موضوعاتی که باید به بحث و بررسی پیرامون آن پرداخت، شناخت عوامل مؤثر در شکل گیری این ازدواج است، به ویژه آن که در آن شرایط خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ از موقعیت اجتماعی و مال و ثروتی برخوردار بوده است و چنان که نقل شده، مردان بسیاری طمع ازدواج با او را داشته و بدان اظهار تمایل می نموده اند.

گزارش هایی در دست است که به این امر اشاره می کند. بدون در نظر گرفتن صحت و سقم هر یک، می توان آنها را چنین برشمرد:

### الف نقل حکایات سفر و بشارت راهبان و کاهنان

۱. در سفری که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیش از ازدواج خود همراه گروهی از قریش به شام داشت، آنان با بحیرای راهب روبه رو شدند و در حیاط دیر او نشستند. بحیرا ایشان را به صرف غذا دعوت کرد و سپس در میان آنان به دنبال فرد مورد نظر خود گشت، ولی او را نیافت؛ پرسید: آیا کسی از شما باقی مانده است؟

ص: ۲۱۰

- ۱- ابن سعد واقدی، ابو عبد الله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۷ و ج ۱، ص ۱۳۲.
- ۲- مصادر دیگری که نظر مذکور را تأیید می کنند، عبارت اند از: ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۱۳۵؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۱، ص ۱۶؛ ابن سید الناس، ابوالفتح محمد یعمری، عیون الاثر، ج ۱، ص ۶۹؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۱۰۱؛ ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۱۹۳؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الاثمه، ج ۲، ص ۱۳۵؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۲ و ۱۹.

پاسخ دادند: آری، پسر یتیمی است. بحیرا برخاست تا از حال او باخبر شود که دید رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خوابیده و ابری بر او سایه گسترانیده است. بحیرا گفت: او را نزد من بیاورید. وی را بیدار کردند و نزد بحیرا بردند. بحیرا دید او حرکت می کند و ابر هم چنان بر او سایه انداخته است و همراه با او حرکت می کند. وقتی بحیرا آن صحنه را دید آنان را از شأن و مرتبت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آگاه ساخت و گفت: او به زودی در میان شما مبعوث می گردد.

وقتی آنان از سفر بازگشتند قریش را از این موضوع باخبر ساختند و آن خبر در حضور خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ به قریش داده شد. خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ پس از شنیدن خبر، خواهان ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شد، حال آن که او سیده زنان قریش بود و سران و رؤسای قریش از او خواستگاری کرده بودند، ولی او نپذیرفته بود و خود را به همسری همان کسی درآورد که خبر بحیرا را در باره او شنیده بود. (۱)

۲. در کتاب بحار الأنوار به نقل از ابوالحسن بکری خبری بدین شرح آمده است: روزی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خانه خدیجه گذر می کرد در حالی که خدیجه در میان جمعی از زنان، کنیزان و خدمت کارانش نشسته بود و در میان آنان یکی از کهنه یهود نیز حضور داشت. وقتی پیامبر از آن جا عبور کرد، کاهن نگاهی به او افکند و گفت: ای خدیجه! بدان که هم اکنون جوانی از در خانه تو گذر کرد، فرمان بده تا کسی او را به این جا آورد.

خدیجه یکی از کنیزان خود را در پی آن حضرت فرستاد و آن کنیز به پیامبر گفت: مولای من تو را احضار نموده است. پس پیامبر همراه او آمد و به خانه خدیجه وارد شد. خدیجه به کاهن گفت: آیا این همان فرد مورد نظر تو است؟ کاهن پاسخ داد: آری. [خدیجه گفت:] این پسر عبد الله است.

پس کاهن از پیامبر خواست تا شکم خود را به او نشان دهد، و پیامبر شکم خود را به وی نشان داد، وقتی کاهن آن را مشاهده کرد، گفت: به خدا سوگند که این نشانه پیامبری است.

خدیجه به کاهن گفت: اگر عموی او ببیند که تو از حال او جست و جو می کنی، خواهی دید

ص: ۲۱۱

۱- حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۳۱۷، ش ۱۲۲۸؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۲۲۵، ش

که چه بلایی بر سر تو فرود می آید؛ چرا که عموهایش وی را از کاهنان یهود برحذر می دارند.

کاهن گفت: به موسای کلیم سوگند یاد می کنم که او فرستادهٔ خدای بزرگ در آخرالزمان است و خوشا به حال آن که همسر او باشد، همسر او به شرافت دنیا و آخرت دست می یابد.

خدیدجه از این سخنان به شگفت آمد، و پیامبر در حالی آن جا را ترک کرد که دل خدیدجه را به عشق و دوستی خود مشغول داشته بود... از زمانی که او سخنان کاهن را شنید به پیامبر علاقه مند گشت ولی آن را پنهان داشت. وقتی کاهن آن جا را ترک می کرد به خدیدجه گفت: بکوش تا محمد را از دست ندهی که او شرف دنیا و آخرت است (۱). (۲).

به رغم نظر علامهٔ مجلسی، این کتاب توسط یکی از متقدمان شیعه به نگارش در آمده است و نمی تواند تألیف ابوالحسن بکری مشهور، یعنی استاد شهید ثانی باشد. (۳) البته باید اذعان نمود که افزون بر عدم شناخت دقیق مؤلف آن، محتویات کتاب را عموماً مطالبی شاذ و سخیف و دروغ تشکیل می دهد که سندی برای آنها ذکر نشده است و به طور مسلم چنین کتابی نمی تواند مورد اعتماد باشد. (۴)

ص: ۲۱۲

۱- . علامهٔ مجلسی این خبر را از کتاب الانوار فی مولد النبی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از ص ۲۰۳ تا ۲۰۵ با تفاوت هایی ذکر کرده است. وی معتقد است که کتاب الانوار فی مولد النبی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به همراه دو کتاب دیگر یعنی کتاب مقتل امیرالمؤمنین ۷ و کتاب وفاه فاطمه ۳ از تألیفات شیخ بزرگوار ابوالحسن بکری، استاد شهید ثانی است. (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۲)

۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۰، ش ۱۹.

۳- . برای آگاهی بیشتر در بارهٔ این کتاب و مؤلف آن، ر.ک. به: ثقة الاسلام تبریزی، علی بن موسی، مرآه الکتب، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۹؛ افندی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۴۴۰؛ بحرانی، یوسف بن احمد، الکشکول، ج ۱، ص ۲۹۹؛ ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن عماد، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ج ۸، ص ۲۹۲؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۲۶، پاورقی؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۱۲، ش ۴۴۰؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۰۲، ش ۶۴۰؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۳۶، ش ۲۲.

۴- . شیخ آقا بزرگ تهرانی از آن کتاب با عنوان الانوار و مفتاح السرور و الافکار یاد کرده است و مؤلف آن را ابوالحسن احمد بن عبدالله بکری معرفی نموده و پس از یادآوری نظر علامهٔ مجلسی می افزاید: ظاهراً مقصود از ابوالحسن بکری مصری - استاد شهید ثانی که در شذرات الذهب از او با نام علاءالدین ابی الحسن علی بن جلال الدین محمد بکری صدیقی شافعی یاد شده و به عنوان محدث، صوفی و متبحر در فقه و تفسیر و حدیث معرفی گردیده و از تألیفات او کتاب های شرح المنهاج، شرح الروض و شرح العباب ذکر شده است - همان کسی باشد که زرکلی در اعلام دو کتاب مخطوط به نام السنا الباهر و النور السافر را به او نسبت داده است، و از او با عنوان محمد بن محمد بن عبدالرحمن ابوالحسن بکری صدیقی، مفسر

و فقیه مصری که در سال ۸۹۹ ق. تولد یافته و به سال ۹۵۲ ق. در گذشته، نام برده است؛ و تفسیر شرح العباب و شرح المنهاج را از تألیفات او برشمرده است و نام صحیح او همان باشد که در کتاب شذرات الذهب مندرج گردیده است. به هر حال، در این دو کتاب نامی از کتب سه گانه یاد شده در بحار الأنوار نیامده است، در صورتی که آنان در عصر مؤلف می زیسته اند. ابن تیمیه (م ۷۲۸ ق) در کتاب منهاج السنه النبویه می گوید: ابوالحسن بکری نویسنده کتاب الانوار، اشعری مذهب بوده است. بنا بر این، او پیش از عصر ابن تیمیه می زیسته است؛ پس چگونه امکان دارد که در زمان شهید ثانی نیز بوده باشد؟! نورالدین علی بن عبدالله سمهودی در کتاب تاریخ مدینه (تألیف ۸۸۸ ق) می گوید: سیره ابوالحسن بکری ذکر اباطیل و سخنان دروغ بوده است. همان گونه که در کشف الظنون نقل شده، گمان می رود که نام ابوالحسن بکری - نویسنده سه کتاب یاد شده در بحار الأنوار - احمد بن عبدالله و از متقدمان باشد. (علامه طهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعه، ج ۲، ص ۴۰۹، ش ۱۶۳۸). آنچه نظر فوق را تقویت می کند این است که علامه بحرانی به نقل از مورخی گفته است نسخه ای قدیمی از کتاب الانوار در نزد من موجود است که تاریخ کتابت آن سال ۶۶۶ ثبت شده است و نام و نسب مؤلف در ابتدای آن احمد بن عبدالله ذکر گردیده است؛ و بدین ترتیب، این نتیجه حاصل می شود که او از قدمای شیعه بوده است. (بحرانی، یوسف بن احمد، الکشکول، ج ۱، ص ۲۹۹) هم چنین میرزا عبدالله افندی نسخه ای از آن کتاب را در اختیار داشته است که آن نیز اثبات می کند مؤلف کتاب از متقدمان بوده است. (افندی اصفهانی، عبد الله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۴۴۰)

۳. پس از بازگشت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از سفر تجارتنی شام، میسره که او را در این سفر همراهی می کرد، گفتار راهبی را که در باره آن حضرت بشارت داده بود، بازگو کرد، و از دیگر رخدادهای سفر؛ مانند سایه گسترانیدن دو فرشته به آن حضرت در طول مسیر خبر داد و خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ پس از شنیدن سخنان او در پی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرستاد و به او گفت: ای پسر عمو، من به خاطر خویشاوندی ام با تو، و هم چنین مقام و جایگاه تو و نفوذ و قدرتت در میان قومت، و هم چنین به خاطر امانت داری، نکو خلقی و راست گویی ات در بین آنان خواستار و دوستدار تو بوده ام، و آن گاه خدیجه خود را به پیامبر نمایاند! (۱)

## ب اخبار مردی ناشناس

۱. ابن سعد در سندی که سلسله آن به ابن عباس منتهی می شود، آورده است: به مناسبت عیدی در ماه رجب، زنان مکه جشنی بر پا نمودند و در گرامی داشت آن از هیچ چیز فروگذار

ص: ۲۱۳

---

۱- . دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۴۷، ش ۷؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۵۶؛ طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۳۴.

نکردند. وقتی آنان بر گرد بتی حلقه زده بودند، فردی با هیبتی مردانه نمایان شده و به آنان نزدیک گشت و با صدای بلند فریاد برآورد: ای زنان تیماء! به زودی در سرزمین شما پیامبری به نام احمد به رسالت و مأموریت الهی مبعوث می گردد، پس هر که می تواند همسر او باشد، چنین کند!

زنان او را با سنگ زدند، و به درشتی با وی سخن گفتند، ولی خدیجه لب فروبست و همچون دیگر زنان با او برخورد نکرد و سخن او را رد نمود. (۱)

۲. در کتاب مناقب آمده است: ابوطالب، خدیجه را به عقد پیامبر درآورد و سبب ازدواج آنان این بود که زنان قریش به مناسبت عیدی در مسجد گرد آمده بودند، به ناگاه مردی یهودی را دیدند که می گوید: به زودی در میان شما پیامبری برانگیخته می شود... زنان قریش او را سنگ زدند، ولی سخن او در دل خدیجه جای گرفت و با آن آرامش یافت. (۲)

### ج مشاهدات خدیجه علیها السلام

پس از بازگشت از سفر شام، میسره خدمت کار خدیجه به پیامبر می گوید: ای محمد! اگر تو زودتر به مکه بروی و به خدیجه مژده دهی که در این سفر چقدر سود برده ایم برای تو بهتر است. از این رو، محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سوار بر مرکب جلوتر حرکت می کند. در آن روز خدیجه همراه با زنانی در اتاق طبقه بالای خانه اش نشسته بود که محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سوار بر مرکب نمایان می شود. خدیجه بر ابر بالای سر آن حضرت که همراه با او حرکت می کرد نگاه می کند و دو فرشته را می بیند که در دست هر یک شمشیر برهنه ای قرار دارد و در طرف راست و چپ پیامبر در هوا همراه با او می آیند. خدیجه با خود می گوید: این سوار مقام والایی دارد و ای کاش به خانه من در آید! که به یک باره می بیند وی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است و قصد خانه او را دارد. خدیجه با پای برهنه به در خانه می آید با آن که هر گاه او می خواست از جایی به جایی برود، کنیزان تختی را که بر آن تکیه زده بود حرکت می دادند و وقتی به پیامبر نزدیک می شود می گوید: ای محمد! هم اکنون برو و عمومیت ابوطالب را نزد من آور، و خود نیز برای عمویم پیغام می فرستد که وقتی محمد بر تو

ص: ۲۱۴

۱- ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵.

۲- ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۸.



البته آنچه در بخش گزارش های سفرهای تجاری پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از نظر سند و متن می توان بدان اعتماد نمود، همان خبر حمیری است که افزون بر صحت سند آن، از هر گونه قصه پردازی و اغراق گویی به دور است و با عقل نیز سازگاری باشد. روشن است که این روایت از نظر دلالت غیر قابل قبول است و در جای خود مورد نقد و بررسی نگارنده قرار گرفته است. در عین حال، به روشنی می توان این مطلب را دریافت که به دلیل شخصیت و منش استوار پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و ویژگی های منحصر به فردی که در او وجود داشته، خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ به ازدواج با آن حضرت راغب می گردد، چه او آنها را از طریق اخبار راهبان و کاهنان دریافته باشد و چه خود به عینه آنها را در پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مشاهده کرده باشد.

### پیشنهاد ازدواج، مراسم خواستگاری و عقد

#### اشاره

از جمله مسائلی که در باره زندگی مشترک خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مطرح است، این است که چه کسی در آغاز پیشنهاد ازدواج داد و به خواستگاری اقدام نمود و دیگر آن که مراسم خواستگاری و عقد چگونه برگزار شد؟

منابع تاریخی این رخداد را به دو گونه گزارش کرده اند. برخی گزارش ها اشعار دارند بر این که نخست خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ خواهان ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده و در حقیقت او از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواستگاری نموده است؛ و برخی دیگر، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به عنوان پیشنهاد دهنده ازدواج مطرح می کنند. برای روشن شدن این موضوع به ذکر روایات مربوطه می پردازیم:

#### الف پیشنهاد مستقیم خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ

برخی اخبار حکایت از آن دارند که پس از بازگشت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از شام و شرح وقایع روی داده در طی مسیر و هم چنین مشاهدات خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ، سبب گردید او زمینه خواستگاری و ازدواج

ص: ۲۱۵

- ۱- . راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، ص ۱۳۹، ش ۲۲۶؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۳، ش ۸.
- ۲- . در کتاب ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۸ و حلّی، علی بن یوسف، العدد القویه، ص ۱۴۲، ذیل ش ۵۶، روایتی با مضمون فوق آمده است.

خود را با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فراهم آورد و از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درخواست کند به طور رسمی به خواستگاری او بیاید و او را به عقد خود در آورد.

۱. همان گونه که گذشت، خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ به دلیل خویشاوندی با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و شأن و نفوذ او در میان قومش و هم چنین ویژگی های اخلاقی مانند امانت داری، نکوخلقی و راست گویی خواهان ازدواج با آن حضرت بود. حال آن که خود وی زنی دورانیش، عاقل و دارای نژادی پاک بوده است و از نظر نسب از متوسطین، و از حیث اصالت خانوادگی از برجسته ترین و از لحاظ مالی از ثروتمندان قریش به شمار می آمد، به طوری که هر یک از افراد قریش طمع ازدواج با او را داشتند.

پس از آن که خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ آنچه را در دل داشت با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بازگو کرد، پیامبر سخنان او را با عموهایش در میان گذارد، سپس همراه حمزه بن عبدالمطلب نزد خویلد بن اسد، پدر خدیجه، رفتند و خدیجه را از او خواستگاری کردند؛ خویلد هم خدیجه را به عقد پیامبر در آورد. (۱)

۲. در خبری آمده که پس از شرح وقایع سفر توسط میسره، خدیجه طبقی خرمای تازه درخواست نمود و مردانی را همراه پیامبر برای صرف آن دعوت کرد. آنان از طبق خرما خوردند و سیر شدند، ولی چیزی از آن کاسته نشد. خدیجه به پاس این خبر میسره، وی و فرزندان را آزاد کرد و ده هزار درهم به آنان مژدگانی داد و آن گاه زمینه خواستگاری خود را از عمویش عمرو بن اسد توسط پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فراهم ساخت. (۲)

### ب پیشنهاد خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ برای ازدواج از طریق واسطه

در متون دیگری آمده که خدیجه ۳ به طور مستقیم گفت و گویی در این باره با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نداشته است، بلکه افرادی را واسطه قرار داد تا آنان این موضوع را با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در میان گذاشته

ص: ۲۱۶

۱- . دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۴۷، ش ۷؛ بیهقی، احمد بن حسین السنن الکبری، ج ۲، ص ۶۶؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۵۷.

۲- . ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۶۷؛ حلی، علی بن یوسف، العدد القویه، ص ۱۴۳، ش ۵۶؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۴، ش ۹.

و آن حضرت را برای اقدام به این کار تحریک نمایند، و خدیجه (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هم ترتیب مراسم رسمی خواستگاری و عقد را می دهد.

۱. ابن سعد از محمد بن عمر واقد اسملی و وی از موسی بن شیبیه و او از عمیره بنت عبد الله بن کعب بن مالک و وی از ام سعد بنت سعد بن ربیع و او از نفیسه بنت منیه، حکایت می کند که خدیجه دختر خویلد بن اسد، زنی دوراندیش، بردبار و از نژادی پاک بود که خداوند بزرگواری و شرافت او را اراده کرده بود ... هر قومی از قریش تا آن جا که در توان داشتند در ازدواج با او طمع می ورزیدند، و چه تلاش ها که برای به دست آوردن او نمی کردند و چه اموالی که بدین منظور به او نمی بخشیدند. پس از آن که محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با کاروان خدیجه از سفر بازگشت، خدیجه مرا برای کسب خبر نزد او فرستاد و من به او گفتم: ای محمد! چه چیزی مانع ازدواج تو است؟!

او پاسخ داد: من مالی ندارم تا بتوانم ازدواج کنم!

نفیسه می گوید به او گفتم: اگر من آن را به عهده گیرم و کسی را که دارای زیبایی، ثروت و شایستگی است به تو معرفی کنم آیا تو آن را می پذیری؟

پیامبر پرسید: او کیست؟

گفتم: خدیجه.

او گفت: چطور چنین چیزی ممکن است؟!

گفتم: تو آن را به من واگذار کن.

او گفت: من در این صورت ازدواج می کنم.

پس من رفتم و خدیجه را از این موضوع باخبر ساختم و او به پیامبر پیغام داد که فلان ساعت بیا و برای عموی خود عمرو بن اسد هم پیغام فرستاد که او را به عقد پیامبر درآورد. عمرو بن اسد آمد و پیامبر نیز همراه عموهای خود وارد شد و یکی از آنان خدیجه را به نکاح درآورد. (۱) ابن سعد تصریح دارد به این که نفیسه بنت منیه از طرف

ص: ۲۱۷

---

۱- ابن سعد واقدی، ابو عبد الله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۱.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مأمور بوده تا زمینه ازدواج پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را با او فراهم سازد. (۱)

۲. ابن سعد در خبر دیگری از خالد بن خداهش بن عجلان، و وی از معتمر بن سلیمان، و او از پدرش، روایت کرده که از ابامجلز شنیدم که خدیجه به خواهرش می گوید: نزد محمّد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برو و در حضور او از من یاد کن. خواهر خدیجه بر پیامبر وارد می شود و پیامبر آنچه را خداوند خواسته بود بر زبانش می راند. سپس خدیجه با خواهر خود نقشه می کشد تا این که رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خدیجه را به عقد خود درآورد. (۲)

۳. بیهقی در خبری به سند (۳) خود از عمار یاسر حکایت می کند که گفته است: وقتی سخنان مردم و زیاده گویی های آنان را در باره ازدواج رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه شنیدم، گفتم: من بیش از دیگران به این موضوع آگاهی دارم؛ چرا که من معاصر با وی و یار و دوست نزدیک او بودم. روزی به همراه رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیرون رفتیم تا به «خروره» (۴) رسیدیم. در آن جا از کنار خواهر خدیجه که پوستی را برای فروش آورده و بر روی آن نشسته بود گذر کردیم. او مرا صدا زد و من نزد او رفتم پیامبر به خاطر من همان جا ایستاد خواهر خدیجه گفت: آیا این دوست تو نمی خواهد با خدیجه ازدواج کند؟!

عمار می گوید: باز گشتم و پیامبر را از این مسئله آگاه ساختم. او گفت: به جانم سوگند که من قصد ازدواج با او را دارم. آن گاه رفتم و سخن رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را برای خواهر خدیجه بازگو کردم، او گفت: فردا صبح نزد ما بیاید. پس همان طور که او گفته بود، صبح پیش آنان رفتیم و دریافتیم که گاوی قربانی نموده اند و بر پدر خدیجه جامه ای مخصوص پوشانیده اند و ریش او را زرداندود کرده اند. پس من با برادر خدیجه به گفت و گو نشستیم و او با پدرش که

ص: ۲۱۸

۱- همان، ج ۸، ص ۱۵-۱۶.

۲- همان، ج ۱، ص ۱۳۲.

۳- سند به شرح ذیل است: ابوالحسن بن الفضل، عبدالله بن جعفر، یعقوب بن سفیان، ابراهیم بن المنذر، عمر بن ابی بکر موصلی، عبدالله بن ابی عبیده بن محمّد بن عمار بن یاسر، ابی عبیده بن محمّد بن عمار بن یاسر، ابیه، مقسم ابوالقاسم، عبدالله بن حارث.

۴- بازاری در مکه بوده که در صورت گسترش آن، دامنه اش به مسجدالحرام می رسیده است. (حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ج ۲، ص ۲۵۵)

شراب نوشیده بود صحبت کرد و شأن و مقام رسول خدا را به یادش آورد و از او خواست تا عقد آنان را جاری سازد و بدین ترتیب، او خدیجه را به نکاح پیامبر درآورد. و پس از آن، از آن گاو قربانی غذایی آماده ساختند و ما از آن خوردیم.<sup>(۱)</sup>

### ج. خواستگاری پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و درخواست او برای ازدواج

دولابی در کتاب خویش روایتی آورده است که رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) می فرماید: وقتی از بازار حبشه بازگشتیم، به همراهم گفتم: بیا با هم برویم تا با خدیجه گفت و گو کنیم. وقتی نزد خدیجه رفتیم و در آن جا حضور پیدا کردیم، زنی که در باره تولد فرزندان قریش پیش گویی می کرد وارد شد و گفت: آیا این محمد است؟ سوگند به آن که بدو سوگند خوردند، او به این جا نیامده مگر برای خواستگاری!

پیامبر می فرماید: گفتم: هرگز. وقتی به اتفاق همراهم از آن جا بیرون آمدیم، او به من گفت: چرا برای خواستگاری از خدیجه بهانه آوردی؟ به خدا سوگند که جز او زنی از قریش را شایسته تو نمی بینم!

پیامبر می فرماید: من و همراهم دوباره بازگشتیم و آن زن پیشگو هم باز وارد شد و گفت: آیا این محمد است؟ سوگند به آن که بدو سوگند خوردند، او به این جا نیامده مگر برای خواستگاری!

پیامبر می فرماید: با شرم و خجالت گفتم: آری. از این جا بود که خدیجه و خواهرش دیگر از این مسئله دست برداشتند و نزد پدر خود خویلد بن اسد بن عبدالغری که از نوشیدن شراب مست گشته بوده، رفتند و به او گفتند: این پسر برادر تو محمد بن عبد الله است که به خواستگاری خدیجه آمده است و خدیجه هم بدان رضایت دارد. پدر خدیجه در این باره از پیامبر پرسش می نماید و پیامبر هم خدیجه را از او خواستگاری می کند. سپس پدر خدیجه آنان را به عقد هم درمی آورد.<sup>(۲)</sup>

ص: ۲۱۹

۱- . بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، ج ۲، ص ۷۱-۷۲؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۶-۲۶۷.

۲- . دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۴۹، ش ۹.

هیچ یک از گزارش های تاریخی و روایات این بخش دارای اسناد قابل اعتمادی نیستند؛ چرا که یا در زنجیره سند آنها راویان ضعیف و ناشناخته هستند و یا سند ارسال دارد؛ ولی به هر صورت جمع میان آنها امکان دارد؛ زیرا نتیجه ای که از آنها حاصل می شود این است که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ علی رغم برخی تفاوت ها، به ازدواج با یکدیگر تمایل داشته اند. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنی میان سال بوده که پیش از آن دو بار ازدواج کرده و از ثروت و مکتبی برخوردار بوده است، حال آن که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در سنین جوانی به سر می برده و از مال و دارایی بهره چندانی نداشته است؛ ولی هر دو از شایستگی ها و ارزش های اخلاقی برخوردار بوده اند که این موضوع می تواند موجبات پیوند میان آنان را فراهم آورده باشد.

بنا بر این، اخبار فوق بیانگر آن است که ایشان به انحای مختلف علاقه خود را به یکدیگر ابراز داشته اند؛ ممکن است به طور رسمی و یا شاید به صورت غیر رسمی از یکدیگر خواستگاری نموده و پیشنهاد ازدواج داده اند، اما این بدان معنا نیست که تمام جزئیات که در اخبار مربوطه آمده، قابل توجیه باشد؛ مانند آن که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با دسیسه و نیرنگ زمینه ازدواج خود را فراهم می کند و یا با نوشاندن شراب به پدر خود رضایت او را جلب می نماید و در این حال، او را وادار به اجرای خطبه عقد می سازد!

کدام عقل سلیمی می پذیرد که زنی با آن امتیازات اخلاقی و ویژگی های خانوادگی و اجتماعی که وصف آنها بارها گذشت، آن هم در دوران میان سالی و پس از دو بار ازدواج، بخواهد با نیرنگ و ترفند اسباب ازدواج خود را فراهم آورد و حتی تا بدان جا پیش رود که برای جلب توجه یا فریب پیامبر، خود را به او بنمایاند؟! (۱) علاوه بر آن، با کدامین توجیه می توان چنین رفتاری را از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که در صداقت، امانت و پاکی شهره بوده، پذیرفت؟!

مورخان در باره برخی گزارش ها مبنی بر این که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را از پدرش

خواستگاری نموده است(۱) اختلاف نظر دارند . برخی معتقدند پدر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در جنگ فجار و یا پیش از آن فوت کرده بود، بنا بر این، در مجلس عقد آنان حضور نداشته است.(۲)

## ایراد خطبه عقد

در مجلس عقد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ابوطالب، عموی آن حضرت ، خطبه ای ایراد می نماید و این خطبه افزون بر کتب تاریخ و سیره، در بعضی کتب فقهی شیعه و اهل سنت در ابواب مربوط به ازدواج نیز ذکر شده است؛ البته فحوای آن به صورت های مختلفی گزارش شده که در این جا دو نمونه از آنها بیان می شود:

۱. ابن مغزلی در کتاب مناقب علی بن ابی طالب ۷ نقل کرده است: هنگام ازدواج پیامبر با خدیجه ، ابوطالب بن عبدالمطلب خطبه ای ایراد می کند و می گوید: سپاس خدایی را که ما را از فرزندان ابراهیم و پرورش یافتگان اسماعیل قرار داد و سرزمین مکه و خانه حج گزاران را برای ما برقرار ساخت، و ما را بر مردم فرمانروا نمود .

این

محمد بن عبد الله پسر برادر من است و هر جوانی با او مقایسه شود، محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از نظر درست کاری، شایستگی، جوانمردی ، عقل ، احترام و نجابت بر او برتری خواهد داشت ، اگر چه از مال بهره اندکی دارد؛ ولی مال چون سایه ای است که از بین می رود، و قرضی است که برگردانده می شود. او خدیجه دختر خویلد را دوست دارد و خدیجه هم به وی علاقه مند است. پس هر اندازه می خواهید مهر او کنید که من خود، آن را می پردازم(۳). (۴)

ص: ۲۲۱

---

۱- . بیهقی، احمد بن حسین، السنن الكبرى، ج ۷، ص ۷۰، ۱۲۹؛ حاکم نیشابوری ، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.

۲- . اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۵؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۳۳ و ج ۸، ص ۱۶ .

۳- . ابن المغزلی، علی بن محمد، مناقب علی ابن ابی طالب ۷، ص ۳۳۳، ش ۳۷۹.

۴- . این خطبه عیناً و یا با عبارات مشابهی در کتب زیر آمده است: ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰؛ خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین ۷، ج ۱، ص ۲۴؛ زمخشری، محمود بن عمر، ربیع الابرار و نصوص الاخبار، ج ۵، ص ۲۹۹؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵؛ حلی، علی بن یوسف، العدد القویه، ص ۱۴۳، ذیل ش ۵۷؛ شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۹، ش ۴۳۹۸؛ المجموع، ج ۱۶، ص ۱۲۹-۱۳۰؛ ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد ، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۷۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۱۵۷ - ۱۵۸.

۲. این خطبه به صورت دیگری در کتاب کافی (یکی از منابع چهارگانه فقهی شیعه) ذکر گردیده است. در این کتاب، کلینی= از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام روایت کرده است که وقتی رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تصمیم می گیرد با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ازدواج کند، ابوطالب همراه با خانواده خود و تنی چند از قریش بر ورقه بن نوفل وارد می شوند، و ابوطالب سخن آغاز می کند و می گوید: سپاس پروردگار این خانه را که ما را از پرورش یافتگان ابراهیم و فرزندان اسماعیل قرار داد و در حرم امن خود منزل داده و فرمانروایان بر مردم نمود و در سرزمینی که در آن می زییم به ما برکت داد.

این پسر برادر من رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با هر مردی از قریش مقایسه گردد از او برتر و بزرگوارتر خواهد بود. او در میان مردم همتایی ندارد، اگر چه دارایی او ناچیز است؛ ولی مال پشتوانه و تکیه گاهی است که فرو می ریزد و سایه ای است که از میان می رود. او دوست دار خدیجه است و من نزد تو آمده ام تا با رضایت و اجازه خدیجه او را از تو خواستگاری کنم، و هر قدر مهریه درخواست نمایید، نقد یا نسیه، من آن را از مال خود می پردازم. سوگند به پروردگار این خانه که وی را نصیبی بزرگ، آیینی فراگیر و عقلی کامل خواهد بود.

آن گاه ابوطالب سکوت کرده و ورقه، عموی خدیجه، سخن آغاز می کند؛ به طوری که از جواب ابوطالب فرو مانده و بریده بریده و نفس زنان سخن می گوید در حالی که او یک کشیش مسیحی بوده است و خدیجه وقتی چنین می بیند، خود رشته کلام به دست گرفته و می گوید: عمو جان! اگر چه تو در شهادت به من از من شایسته تری، ولی از من به خودم سزاوارتر نیستی! ای محمّد! من خود را به نکاح تو درمی آورم و مهریه را از مال خود می پردازم، پس به عموی خود بگو شتری نحر کند تا جشنی برپا نمایم و ما با هم عروسی کنیم.

پس از سخنان خدیجه، ابوطالب به حضار رو نموده می گوید: شاهد باشید که خدیجه، محمّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را پذیرفت و مهریه را از مال خود ضمانت کرد. در این هنگام برخی از قریش



گفتند: شگفتا که مهر مردان بر زنان باشد! ابوطالب از این سخن برآشفته گشته و از جا برمی خیزد او کسی بود که مردان از او می هراسیدند و ازخشم وی دوری می جستند و می گوید: اگر آنها مردانی همانند پسر برادر من باشند، زنان با بیشترین بها و سنگین ترین مهریه ها از او درخواست ازدواج می کنند، ولی اگر چونان شمایان باشند کسی جز با مهر سنگین، حاضر به ازدواج با او نخواهد بود.

بدین ترتیب، ابوطالب شتری نحر می کند و رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ پیمان زناشویی می بندد؛ و مردی از قریش به نام عبد الله بن غنم چنین می سراید:

«ای خدیجه بر تو تبریک و تهنیت باد که نیکوترین فال را به نام تو زدند. نیکوترین مردم تو را به همسری برگزیده است، و او در میان مردم اوصاف نکو دارد. و نیکانی چون عیسی بن مریم و موسی بن عمران بدو بشارت داده اند و وعده آنان چه نزدیک است. کتاب های پیشین خبر داده اند که او در سرزمینی خشک و بی آب و علف مبعوث می شود. و او همان ره یافته ای است که به ارشاد و هدایت مردم می پردازد.»(۱)و(۲)

## میزان مهریه

### اشاره

اخبار مربوط به میزان مهریه همسران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به دو بخش قابل تقسیم است. بخش نخست، روایاتی است که مقدار معینی را برای تمامی همسران پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ذکر نموده اند و بخش دوم، اخباری است که به طور اختصاصی میزان مهریه آنان را بیان داشته اند؛ و به دلیل آن که موضوع بحث، مهریه خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ است، بنا بر این، در بخش دوم تنها اخبار مربوط به ایشان عرضه می شود.

ص: ۲۲۳

- ۱- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴، ش ۹.
- ۲- خطبه یاد شده در مصادر زیر نیز آمده است: ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰؛ ابن فهد حلّی، احمد بن شمس الدین، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، ج ۳، ص ۱۷۶-۱۷۷؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۹-۴۰؛ ابن ابی جمهور، محمد بن علی، عوالی اللآلی، ج ۳، ص ۲۹۸، ش ۷۸؛ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۹۷، ش ۱۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۵، ۱۳.

از میان روایات وارده در این زمینه ، تنها به ذکر یک روایت بسنده می گردد:

محمد بن یعقوب کلینی از علی بن ابراهیم، و او از پدر خود، و وی از حماد بن عیسی و او از ابی عبد الله ۷ شنیده که به نقل از پدر خود فرمود: رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مهریه هیچ یک از دختران و همسران خود را بیش از دوازده اوقیه و یک نش قرار نداده است. هر اوقیه، چهل درهم و هر نش ، بیست درهم است (۱). (۲).

## روایات بخش دوم

۱. ابن سعد از محمد بن السائب، و وی از پدرش ، و او از ابی صالح، و وی از ابن عباس روایت کرده است که: خدیجه هنگام ازدواج با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دختری بیست و هشت ساله بود و پیامبر دوازده اوقیه برای او مهر نمود؛ مهریه دیگر همسران پیامبر نیز همین اندازه بود. (۳).

۲. در خبری که سند آن به ابن عباس منتهی می شود آمده است: ... به من خبر داده اند که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، خدیجه را با مهریه ای به میزان دوازده اوقیه به نکاح خود درآورد. (۴).

۳. در خبر مرسلی آمده است که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بیست شتر جوان مهر خدیجه کرد. (۵).

## نقد و نظر

روایات بخش دوم ، سند معتبری ندارند و افزون بر آن ، متن آنها هم سازگاری ندارد. ولی در بخش اول، روایت یاد شده، چه در منابع شیعی و چه در کتب اهل سنت ، دارای سند

ص: ۲۲۴

- ۱- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۶، ش ۵.
- ۲- در منابع معتبر اهل سنت نیز به همین میزان تصریح شده است. برای آگاهی بیشتر، ر. ک. به: شافعی، محمد بن ادریس، مسند الشافعی، ص ۲۴۶؛ شافعی، محمد بن ادریس، کتاب الام ، ج ۵، ص ۶۳ و ۱۷۱؛ ابن حنبل، احمد بن محمد شیبانی، مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۹۳-۹۴؛ امام مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۴۴؛ ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۰۷، ش ۱۸۸۶؛ نسائی، احمد بن شعيب، السنن الکبری، ج ۳، ص ۳۱۵، ش ۵۵۱۳.
- ۳- ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶-۱۷.
- ۴- دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۵۲، ش ۱۲.
- ۵- ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۵۷؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۲، ص ۳۵۹؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۳.

معتبر و مورد وثوق است. بنا بر این، می توان نتیجه گرفت که مهریه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همانند دیگر همسران پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دوازده اوقیه و یک نش (معادل پانصد درهم) بوده است.

### ثمره ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

یکی از نکات مورد توجه درباره زندگی مشترک خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که موجبات برتری و گرمی داشت او را نسبت به دیگر همسران رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در پی داشته، این است که تمامی فرزندان آن حضرت، به جز ابراهیم،(۱) را خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به دنیا آورده است. ثمره این ازدواج چهار دختر به نام های رقیه، زینب، ام کلثوم و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ بوده است، ولی در مورد تعداد پسران و اسامی آنان نظر و احدی وجود ندارد و تعداد آنان را دو نفر به نام های قاسم و طاهر(۲) قاسم و عبد الله(۳) و طاهر و طیب(۴) ذکر نموده اند.

غیر از آنچه بیان شد، گزارش های مختلفی در مورد تعداد پسران حضرت و نام های آنها نیز وجود دارد؛ برخی از سه پسر نام برده اند(۵)، برخی از چهار پسر(۶) و برخی دیگر شش پسر به نام های: عبد الله، قاسم، طاهر، مطهر، طیب، و مطیب(۷) را ذکر کرده اند.

مستندات اقوال یاد شده به جز قول نخست، اعتباری ندارد؛ ولی جمع میان آنها ممکن است؛ چرا که در میان اعراب، رسم چنان بوده است که به جز اسامی خاص، کنیه و القابی

ص: ۲۲۵

۱- ابراهیم فرزند زنی به نام ماریه قبطیه بوده است. (حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، ص ۹، ش ۲۹؛ شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ج ۲، ص ۴۰۴، ش ۱۱۵؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱؛ طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۳۱۴، ش ۱۲۱۱۵)

۲- حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، ص ۹، ش ۲۹؛ دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۶۷، ش ۴۰؛ ص ۶۸، ش ۴۴؛ احمد بن حسین، بیهقی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۷۰.

۳- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۳ و ج ۸، ص ۱۶؛ حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۱ و ۱۸۳؛ طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۳۱۴، ش ۱۲۱۱۵.

۴- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۵، ص ۳۲۸؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، السیره النبویه، ج ۴، ص ۶۰۸.

۵- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۳، ص ۴۶۶.

۶- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۶.

۷- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۵، ص ۳۲۸.

نیز برای آنان انتخاب می نموده اند، به گونه ای که بسیاری از افراد با کنیه یا لقب شناخته می شده اند. بنا بر این، توجیه این اختلاف در تعداد و اسامی فرزندان ذکور پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آن است که برخی از این نام ها می تواند القاب پسران آن حضرت بوده باشد و ناقلان اقوال به آن توجهی نکرده اند و بدین سان، از فرزندان ذکور بیشتری یاد کرده اند.

### امتیازات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بر دیگر همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

در باره فضایل و مناقب خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و امتیازات او بر دیگر همسران رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مطالب بسیاری آمده است که در این جا تنها به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. صاحب کتاب الذریه الطاهره در خبری که سلسله آن به عایشه منتهی می شود، روایت کرده است که هر گاه رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه یاد می کرد، از ستایش و درخواست آموزش برای او خسته نمی شد. روزی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از او یاد کرد و حسد بر من چیره گشت، پس به آن حضرت گفتم: خداوند به جای آن پیرزن تو را عوضی [نیکو] داد. ناگهان دیدم پیامبر خشمگین و برآشفته شد و من از گفته خود پشیمان گشتم و گفتم: خدایا، اگر خشم رسول خود را از من برگیری، دیگر تا زنده ام از او به بدی یا نخواهم کرد.

وقتی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ندامت و پشیمانی مرا دید فرمود: تو چگونه چنین سخنی به زبان راندی؟! سوگند به خدا، در زمانی که مردم به من ایمان نیاوردند، او به من ایمان آورد، و آن گاه که آنان مرا تکذیب کردند، او مرا تصدیق نمود. او از من صاحب فرزندی گردید، حال آن که شما از آن محرومید.

عایشه می گوید: آن روز چنان سپری شد که گویا بر من یک ماه گذشته است (۱). (۲)

۲. خوارزمی در خبری که زنجیره سند آن به ام سلمه، سلمان فارسی و علی بن ابی

ص: ۲۲۶

۱- . دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۵۳، ش ۱۷.

۲- . منابع دیگری که خبر فوق را ذکر کرده اند عبارت اند از: خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین ۷، ج ۱، ص ۲۸؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، ج ۳۶، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۱۳، ش ۲۱؛ ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۱۹۴-۱۹۵ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۸؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۲؛ هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۲۲۴.

طالب ۷ منتهی می گردد، آورده است: روزی همهٔ امهات مؤمنین در خانهٔ عایشه، دختر ابوبکر، بر گرد رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جمع شدند و به دور آن حضرت حلقه زده، گفتند: پدران و مادران ما به فدای تو یا رسول الله! ما به خاطر موضوعی در این جا جمع شدیم که اگر خدیجه زنده بود از آن شادمان می گشت. (علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بعد از گذشت یک ماه از خواستگاری اش از فاطمه عَلَيْهِ السَّلَامُ، خواستار تزویج با ایشان بود، اما حیای وی مانع از آن بود تا درخواست خویش را مستقیماً مطرح کند؛ بدین منظور، زنان پیامبر به عنوان واسطه، تقاضای علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را به پیامبر ۹ منتقل کردند).

ام سلمه حکایت می کند: تا از خدیجه عَلَيْهِ السَّلَامُ یاد کردیم، رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گریست و فرمود: خدیجه؟! کجا است مثل خدیجه؟! آن زمانی که مردم مرا تکذیب نمودند، او مرا تصدیق کرد و بر دین خدا یاری نمود و با ثروت خویش مرا چنان بر دین خدا یاری رساند که خداوند به من فرمان داد تا او را به خانه ای در بهشت مژده دهم که جنس آن خانه از زمرد است و در آن نه فریاد آزار دهنده ای بدو می رسد و نه دچار خستگی و ملامت می گردد. (۱)

## نتیجه

از بررسی و تتبع در مستندات تاریخی به دست می آید که خدیجه عَلَيْهِ السَّلَامُ نخستین همسر رسول خدا بوده، که در سن چهل سالگی به نکاح وی درمی آید و تا زمان درگذشتش، یگانه همسر آن حضرت باقی می ماند. علاقهٔ آنان به یکدیگر سبب می گردد تا پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از او خواستگاری نماید و مجلس عقد برگزار شود. ابوطالب، عموی پیامبر، در مراسم عقد ایشان خطبه ای ایراد می کند و در ضمن آن، امتیازات رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را بر سایرین برمی شمارد. ثمرهٔ این ازدواج، چهار دختر و دو پسر بوده است و این خود از امتیازات خدیجه عَلَيْهِ السَّلَامُ بر دیگر همسران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است. از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل شده که همواره و بعد از مرگ خدیجه ۳ علاقهٔ خویش را به او و هم چنین فداکاری های او را متذکر می شده است.

ص: ۲۲۷

---

۱- . خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، ص ۳۴۲، ش ۳۶۴؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۳-۳۷۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

١. ابن ابى الحديد، عزالدين ابو حامد (م ٦٥٦ ق)، شرح نهج البلاغه، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم ، قاهره: داراحيا الكتب العربيه، ١٣٧٨ ق.
٢. ابن اثير جزرى، على بن محمد (م ٦٣٠ ق)، اسد الغابه فى معرفه الصحابه، تهران: انتشارات اسماعيليان، [بى تا].
٣. ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد (م ١٥١ ق)، سيره النبى، تحقيق: محى الدين عبدالحميد، مصر: مكتبه محمد على صبيح و اولاده، ١٣٨٣ ق.
٤. ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد (م ١٥١ ق)، كتاب السير و المغازى، تحقيق: دكتور سهيل زكار، لبنان: دارالفكر ، ١٣٩٨ ق.
٥. ابن المغازلى، على بن محمد الواسطى الجلابى، مناقب على بن ابى طالب، تحقيق و تعليق: محمد باقر بهبودى ، [بى جا]: المكتبه الاسلاميه، ١٣٩٤ ق.
٦. ابن جوزى، ابوالفرج عبدالرحمن بن على بن محمد جوزى بغدادى (م ٥٩٧ ق)، المنتظم فى تاريخ الأمم والملوك، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١٢ ق.
٧. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (م ٨٥٢ ق)، الاصابه فى تمييز الصحابه، تحقيق: عادل احمد، على محمد، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٥ ق.
٨. ، لسان الميزان، بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، ١٣٩٠ ق.
٩. ابن حنبل، احمد بن محمد شيبانى (م ٢٤١ ق)، مسند احمد بن حنبل، بيروت: دار صادر، [بى تا].
١٠. ابن سعد واقدى، ابو عبدالله محمد (م ٢٣٠ ق)، الطبقات الكبرى، بيروت: دار صادر، [بى تا].
١١. ابن سيدالناس، ابوالفتح محمد يعمرى (م ٧٣٤ ق)، عيون الاثر فى فنون المغازى و الشمائل و السير، بيروت، ١٤٠٦ / ١٩٨٦.

١. ابن شهر آشوب، محمد بن علي مازندراني (م ٥٨٨ ق)، مناقب آل ابي طالب، تحقيق: گروهی از اساتيد نجف اشرف، نجف: المكتبة الحيدريه، ١٣٧٦ ق.
٢. ابن عساكر، علي بن حسن (م ٥٧١ ق)، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: علي شيري، بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ ق.
٣. ابن عماد حنبلي، عبدالحی بن عماد، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، بيروت: داراحياء التراث، [بی تا].
٤. ابن فهد حلي، احمد بن شمس الدين محمد (م ٨٤١ ق)، المهذب البارع في شرح المختصر النافع، قم: مؤسسه نشر اسلامي، ١٤١٣ ق.
٥. ابن كثير، اسماعيل بن عمر بن كثير دمشقي (م ٧٧٤ ق)، السيره النبويه، تحقيق: مصطفى عبدالواحد، بيروت: دارالمعرفه، ١٣٩٦ ق.
٦. ابن ماجه قزويني، محمد بن يزيد (م ٢٧٥ ق)، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دارالفكر، [بی تا].
٧. امام مسلم، مسلم بن حجاج نيشابوري (م ٢٦١ ق)، صحيح مسلم، بيروت: دارالفكر، [بی تا].
٨. البدايه و النهايه، تحقيق: علي شيري، بيروت: داراحياء التراث العربي، ١٤٠٨ ق.
٩. اربلي، علي بن عيسى، كشف الغمه في معرفه الائمة، بيروت: دارالكتاب الاسلامي، ١٤٠١ ق.
١٠. افندي اصفهاني، عبدالله، رياض العلماء و حياض الفضلاء، تحقيق: احمد حسيني، قم: مكتبه آيه الله العظمى مرعشي، ١٤١٥ ق.
١١. بحراني، يوسف بن احمد (م ١١٨٦ ق)، الكشكول، تهران: مكتبه نينوى الحديثه، [بی تا].
١٢. بيهقي، احمد بن حسين، السنن الكبرى، بيروت: دارالفكر، [بی تا].
١٣. ، دلائل النبوه، مدينة منوره: مكتبه السلفيه، ١٣٨٩ ق.

١. تبریزی، علی بن موسی، مرآة الكتب، تحقيق: محمد علي حائري، قم: مكتبة آية الله مرعشي، ١٤٢١ ق.
٢. حلّي، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر (برادر علامه حلّي)، العدد القويّه لدفع المخاوف اليوميّه، قم: كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، ١٤٠٨ ق.
٣. حميرى قمى، عبدالله بن جعفر (م ٣٠٠ ق)، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ١٤١٣ ق.
٤. خوارزمي، موفق بن احمد، المناقب، تحقيق: مالك محمودي، قم: مؤسسه النشر الاسلامي، ١٤١١ ق.
٥. مقتل الحسين ٧، تحقيق: محمد سماوي، نجف: مطبعة الزهراء، ١٣٦٧ ق.
٦. دولابي، محمد بن احمد بن حماد انصاري، الدرر الطاهره، تحقيق: محمد جواد حسيني جلالى، قم: مؤسسه النشر الاسلامي، ١٤٠٧ ق.
٧. ذهبى، محمد بن احمد بن عثمان، تاريخ الاسلام، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمري، بيروت: دارالكتاب العربي، ١٤١٣ ق.
٨. سير اعلام النبلاء، تحقيق: شعيب ارنؤوط و حسين اسد، بيروت: مؤسسه الرساله، ١٤١٣ ق.
٩. ميزان الاعتدال، تحقيق: علي محمد بجاوي، بيروت: دارالمعرفه، ١٣٨٢ ق.
١٠. راوندى، قطب الدين سعيد بن عبدالله (م ٥٧٣ ق)، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدي، ١٤٠٩ ق.
١١. زمخشري، ابوالقاسم محمود بن عمر (م ٥٣٨ ق)، ربيع الأبرار ونصوص الأخبار، تحقيق: سليم النعيمي، قم: منشورات الشريف الرضى، ١٤١٠ ق.
١٢. شافعي، محمد بن ادريس، المسند، تحقيق: مطبعة بولاق الاميريه، بيروت: دارالكتب العلميه، [بى تا].



١. ، كتاب الام، چاپ دوم، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٣ ق.

٢. شيخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه قمي (م ٣٨١ ق)، الخصال، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: جماعه المدرسين في الحوزه العلميه، ١٤٠٣ ق.

٣. صنعاني، عبدالرزاق بن همام، المصنف، تحقيق: حبيب الرحمن اعظمي، [بي جا]: المجلس العلمي، [بي تا].

٤. طبراني، سليمان بن احمد لخمى (م ٣٦٠ ق)، المعجم الكبير، تحقيق: حمري عبدالمجيد سلفى، چاپ دوم، قاهره: مكتبه ابن تيميه، [بي تا].

٥. طبرسى، فضل بن حسن (م ٥٤٨ ق)، اعلام الورى باعلام الهدى، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت لحياء التراث، قم: مطبعه ستاره، ١٤١٧.

٦. طبرى، محمّد بن جرير، تاريخ طبرى (تاريخ الامم و الملوك)، تحقيق: نخبه من العلماء الاجلاء، بيروت: مؤسسه الاعلمى، [بي تا].

٧. علامه طهرانى، آقا بزرگ، الذريعه الى تصانيف الشيعه، چاپ دوم، بيروت: دارالاضراء، ١٤٠٣ ق.

٨. طوسى، محمد بن حسن، الامالى، تحقيق: مؤسسه البعثه، قم: دارالثقافه، ١٤١٤ ق.

٩. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تحقيق: علي اكبر غفاري، چاپ سوم، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٨٨ ق.

١٠. مجلسى، محمدباقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، بيروت: دار احياء التراث العربى، چاپ سوم، ١٤٠٣ ق.

١١. نسائى، احمد بن شعيب (م ٣٠٣ ق)، سنن النسائى بشرح الحافظ جلال الدين السيوطى وحاشيه الإمام السندى، بيروت: دار الجيل، ١٤٠٧ ق.

١٢. حاكم نيشابورى، ابو عبدالله (م ٤٠٥ ق)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: يوسف عبدالرحمن المرعشلى، بيروت: دارالمعرفه، ١٤٠٦ ق.

١٣. هيثمى، نورالدين على بن ابى بكر (م ٨٠٧ ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤٠٨ ق.

## خدیجه کبری علیها السلام (۱)

سید رضی سیدنژاد

## چکیده

شرح زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام با استناد به مهم ترین منابع تاریخی و روایی اهل سنت و شیعه است. از دیدگاه نویسندگان: در دوران جاهلیت که زن هیچ گونه ارج و منزلتی نداشت، حضرت خدیجه علیها السلام را «سیده نساء القریش» می نامیدند. رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، آن حضرت را که در کمال و ارزش های والای انسانی کم نظیر بود، با لقب «کبری» می خواند. خدیجه علیها السلام ثروتش را به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بخشید، ولی این احساس را نداشت که می بخشد، بلکه این احساس را داشت که به وسیله او هدایت می شود و این بر همه گنج های سراسر جهان برتری دارد. او احساس می کرد محبت و دوستی را به حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اهدا می کند، ولی در عوض، همه ابعاد سعادت را از او کسب می کند. رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و همه امامان معصوم ۷ به وجود نازنین حضرت خدیجه علیها السلام افتخار کرده اند و در کلامشان همواره از ایشان به بزرگی یاد می کردند.

کلیدواژه: خدیجه علیها السلام، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، ثروت، هدایت، معصومین.

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمودند: «روزی جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای رسول خدا، این خدیجه... هر گاه وارد شد، بر او از سوی پروردگارش و از سوی من سلام برسان و او را بر خانه ای از زبرجد در بهشت بشارت ده. همانا او در آن خانه، در کمال آسایش و آرامش به سر خواهد»

ص: ۲۳۲

۱- اسوه های جاویدان: سیری در زندگانی اصحاب وفادار پیامبر اکرم، سید رضی سیدنژاد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹ - ۱۸۶.

## خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ

«خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، ثروتش را به محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بخشید، ولی این احساس را نداشت که می بخشد، بلکه این احساس را داشت که به وسیله او هدایت می شود، و این بر همه گنج های سراسر جهان برتری دارد. او احساس می کرد محبت و دوستی را به حضرت محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اهدا می کند، ولی در عوض، همه ابعاد سعادت را از او کسب می کند.» (۲)

## شرح حالی مختصر از زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

نام: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ.

لقب ها: مبارکه، طاهره، کبری، غرا و ... .

کنیه: ام هند، ام المؤمنین و ام الزهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ.

پدر و مادر: خویلد بن اسد و فاطمه بنت زائده.

زمان تولد: بنا بر نقل معروف، پانزده سال پیش از ولادت پیامبر اکرم (۵۵ سال پیش از بعثت پیامبر اسلام).

محل تولد: مکه معظمه.

زمان ازدواج با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): پانزده سال پیش از بعثت، دهم ربیع الاول، سال ۲۵ عام الفیل.

فرزندان: قاسم، عبد الله (ملقب به طاهر و طیب)، رقیه، زینب، ام کلثوم، فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ.

مدت عمر: حدود ۶۵ سال. بنا بر نقل معروف، آن بزرگوار در سال دهم بعثت، در روز دهم ماه رمضان، سه روز پس از وفات ابوطالب، عموی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در ۶۵ سالگی درگذشت.

آرامگاه: قبرستان معلی (قبرستان ابوطالب) واقع در دامنه کوه حجون (بالای مکه).

دوران زندگی: (۳)

ص: ۲۳۳

۱- ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۸.

۲- علی دخیل، علی محمّد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، ص ۳۲.

۳- دوران زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، بنا بر قولی که در چهل سالگی ازدواج کرده، تنظیم شده است. معروف است که در زمان ازدواج، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ۲۵ سال، و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ چهل سال داشت. (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴) این قول، قول معروف است، ولی روایت‌ها در این باره گوناگون است؛ مانند این که: این ازدواج شانزده سال پیش از بعثت، بیست سال پیش از بعثت، ده سال پیش از بعثت، پنج سال پیش از بعثت و سه سال پیش از بعثت رخ داد، و این که بیهقی در کتاب دلائل النبوه، ج ۱، ص ۷۱، نقل کرده حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در پنجاه سالگی از دنیا رفت، با قول پایانی سازگار است. در این باره، ر.ک: عاملی، سید جعفر مرتضی، بنات النبی ام ربائبه، ص ۷۳ - ۷۵؛ به نقل از: مدارک گوناگون.

دوران پیش از ازدواج با پیامبر (چهل سال)؛

دوران ازدواج با پیامبر تا آغاز بعثت (پانزده سال):

آغاز بعثت (طلوع اسلام) تا هنگام رحلت (ده سال).

مدت زندگی با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): حدود ۲۵ سال.

### خاندان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

سلسله نسب حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از سوی پدر و مادر، به شخصیت های بزرگواری می رسد. ایشان از سوی پدر، با چند واسطه، دختر عموی پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. از این روی، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، همدیگر را پسر عمو و دختر عمو می خواندند. سلسله حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از سوی پدر چنین است: خدیجه بنت خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب. نسبت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در قُصَى مشترک است؛ زیرا حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز فرزند عبد الله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب است.

سلسله نسب مادر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز عبارت است از: خدیجه بنت فاطمه بنت زائده بن اصم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بن عامر بن لوی بن غالب. لوی، جد هشتم پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز هست. بنا بر این، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از سوی مادر نیز در جد هشتم، با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مشترک است.

خویلد، پدر بزرگوار حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، قهرمان دلاوری بود که در دفاع از حریم کعبه، رشادتی به یادماندنی نشان داد. هنگامی که «تبع»، پادشاه خودکامه یمن تصمیم گرفت حجرالاسود را به یمن منتقل کند و در معبدی بگذارد که آن جا ساخته بود، خویلد شمشیر به دست گرفت و در برابر او مردانه جنگید. دیگران نیز به یاری اش برخاستند و دشمن را با خواری از حریم کعبه بیرون راندند.

اسد، پدر بزرگ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز از پیشگامان شرکت در پیمان جوانمردان (حلف الفضول) است. این پیمان میان برخی جوانمردان قریش، با هدف ستاندن حق مظلومان، در خانه عبد الله بن جدعان بسته شد. حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز در این پیمان، فعّالانه حضور داشت و همیشه از آن به نیکی یاد می کرد. هم چنین فاطمه بنت زائده، مادر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در دوران جاهلیت، در پاکی و عفت، سرآمد بانوان مکه بود. وی پیرو آیین حنیف بود. (۱)

## لقب های حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

### اشاره

لقب هایی که برای افراد برمی گزینند، بیان کننده جنبه ای از شخصیت یا فضیلتی از فضایل آنها است. برای حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ چندین لقب بیان شده است:

### مبارکه

در کتاب آسمانی انجیل که بر حضرت عیسی عَلَیْهِ السَّلَامُ نازل شده، از آن بانوی بزرگوار با لقب «مبارکه» و همدم مریم ۳ در بهشت یاد شده است. در عبارتی از انجیل، در توصیف پیامبر گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمده است: «نسل او از مبارکه (بانوی بابرکت) است که در بهشت، همدم مادرت، مریم ۳ خواهد بود.» (۲)

### طاهره

در دوران جاهلیت، فساد و بی بندوباری بسیار رواج داشت و ارزش هایی چون اخلاق و پاک دامنی در جامعه رنگ باخته بود. بسیاری از زنان نیز به گونه های رایج انحراف آن زمان، آلوده بودند. در چنین اوضاعی، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به سبب رعایت فضیلت های اخلاقی و پاکی و پاک دامنی، با لقب «طاهره» (پاک سرشت و پاک منش) شناخته می شد. ایشان را عقیف ترین بانوی عرب در آن روزگار دانسته اند. (۳)

ص: ۲۳۵

۱- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۱۰.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۵۲.

۳- مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همیشه به ارزش های متعالی اخلاقی و انسانی پایبند بود. از این روی، همگان به او احترام می گذاشتند و وی را سرور زنان می خواندند. امیر مؤمنان، علی عَلَیْهِ السَّلَامُ در چکامه ای که در سوگ آن حضرت سروده است، از او با لقب «سیده النِّسوان» (بانوی بانوان) یاد می کند. (۱)

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ از این بانوی بزرگ با لقب «سیده قریش» یاد کرده است. (۲) اسماء بنت عمیس نیز حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را «سیده نساء العالمین» می خواند. (۳)

آورده اند، حتی در دوران جاهلیت که زن هیچ گونه ارج و منزلتی نداشت، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را «سیده نساء القریش» می نامیدند. رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، آن حضرت را که در کمال و ارزش های والای انسانی کم نظیر بود، با لقب «کبری» می خواند. (۴)

در دعای ندبه نیز که از ناحیه مقدسه نقل شده است، از آن حضرت با صفت «خدیجه غرا» (ارجمند و بزرگوار) یاد می شود؛ هم چنین در خطبه عقدی که از ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ نقل شده، با عبارت «بانوی برخوردار از ویژگی سخاوت و عفت، و بانوی بلندمرتبه ای که فضل و ارج و منزلتش زبانزد مردم است و جایگاه والایی دارد» (۵) توصیف شده است.

در فرازی از زیارت نامه پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز، هنگام درود «بر زوجات طاهرات»، از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با لقب «الصدیقه» یاد شده است. (۶)

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، خود همواره از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به منزله بهترین و برترین همسرانش یاد می کرد. بر همین اساسی، لقب «ام المؤمنین» به آن حضرت داده اند. افزون بر این، از این بانوی بزرگوار اسلام با لقب هایی چون مرضیه، راضیه، زکیه، ام الیتامی و ام الزهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ یاد می کنند.

ص: ۲۳۶

۱- حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۳۲۵.

۲- همان.

۳- قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه الزهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ من المهد الی اللحد، ص ۱۴۵.

۴- محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۲۹.

۵- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۶۹.

۶- همان، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به سبب آراستگی به فضایل اخلاقی و عِفَّت و پاک دامن، با دیگر بانوان عصر جاهلیت بسیار تفاوت داشت. آن حضرت، افزون بر انتساب به خاندانی اصیل و بزرگوار، به دلیل بهره مندی از فضیلت های اخلاقی، روحی و اعتقادی و عواطف انسانی و ایمان به پاکی و درستی، از همه بانوان آن روز جزیرهالعرب ممتاز بود. در کتاب های سیره و تاریخ، برای آن بانوی بزرگوار، ویژگی های بسیاری بیان شده است که در این بخش به برخی از آنها اشاره می کنیم.

### ۱. مردم دوستی و رسیدگی به مستمندان

آورده اند که در وضعیّت بد اجتماعی دوران جاهلیت که مال دوستی، تبعیض طبقاتی، ستم به زبردستان و پایمال ساختن حقوق انسان های فقیر و ضعیف رواج داشت، آن بانوی بزرگوار، از هر گونه ستم به دیگران خودداری می کرد.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همواره به مستمندان و یتیمان رسیدگی می کرد و مهر و محبت ویژه ای به قشرهای ضعیف و آسیب دیده داشت. به دلیل همین رسیدگی، به ایشان «مادر یتیمان» لقب داده بودند.

خانه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، خانه امید همه گرفتاران و بیچارگان بود و همه مردم برای حل مشکلات و گرفتاری هایشان به وی مراجعه می کردند. او نیز در حدّ توان به مردم کمک می کرد و همه با رضایت و خشنودی از خانه اش بیرون می رفتند. هم چنین کسانی که برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ کار می کردند، از وی راضی بودند؛ زیرا حقوق آنان را به طور کامل می داد و وضع زندگی آنان را اصلاح می کرد.

رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در باره چگونگی رفتار خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با ایشان و همکارش، زمانی که به نمایندگی از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، در بازار تهامه تجارت می کرد، خاطراتی بازمی گوید. ایشان می فرماید: «من کارفرمایی بهتر از خدیجه ندیدم. هر گاه من و دوستم پس از کار، نزد او می رفتیم، غذای گوارایی را که برای ما آماده کرده بود، به ما هدیه می داد.»(۱)

ص: ۲۳۷



حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با هوش و تدبیری که داشت و از راه مدیریت درست و حساب شده، ثروت فراوانی به دست آورده بود. وی از ثروتمندان کم نظیر جزیره‌العرب به شمار می آمد و حتی ثروت افراد ثروتمندی چون ابوجهل، عقبه بن ابی معیط و ابوسفیان، در مقایسه با ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بسیار ناچیز بود.

آورده اند، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خانه بسیار بزرگی داشت که همه مردم مکه در آن جای می گرفتند، ولی چیزی که این بانوی بزرگ را از دیگر ثروتمندان، ممتاز می ساخت، فروتنی، حقیقت جویی، محبت به زبردستان و دوری از فخر فروشی، غرور و تکبر بود.

در اوضاعی که ارزش و اعتبار انسان ها به ثروت و دارایی شان بود، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به فضیلت های انسانی و ویژگی های نیکوی اخلاقی، بیش از مال و ثروت اهمیتی می داد. از این روی، وقتی معروف ترین شخصیت های جزیره‌العرب، به پشتوانه مال و دارایی هایشان به خواستگاری اش رفتند، وی به همه آنان پاسخ منفی داد و آشکارا درخواست شان را رد کرد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای انتخاب همسر، تنها، داشتن ثروت را کافی نمی دانست، بلکه به فضیلت های اخلاقی و انسانی و باورهای درست و ایمان حقیقی می اندیشید و بیشتر ثروتمندان آن عصر نیز، از داشتن چنین سرمایه هایی محروم بودند. (۱)

### حضرت

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ قالب ها را شکست و در برابر سرزنش و شماتت مردم، به ویژه زنان، مقاومت کرد و به یاوه سرایی های آنان اعتنا نکرد. او در عمل نشان داد که معیار درست در انتخاب همسر، عقل، اخلاق نیک، جوانمردی و ایمان است، نه ثروت، خوش گذرانی و هوس بازی.

وی به زنان، آشکارا فرمود: «آیا در سراسر جزیره‌العرب مردی را از نظر داشتن کمالات می شناسید که برتر از محمد باشد؟ من به سبب این کمالات و ارزش ها با او ازدواج کرده ام...» (۲)

بنا بر این ازدواج او بر اساس ارزش ها و اصالت ها و قالب شکنی ها بود.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با این ازدواج، همه ملاک ها و معیارهایی را که بر پایه تعصب اشرافی

ص: ۲۳۸

۱- همان، ج ۱۰۳، ص ۳۷۴.

۲- همان.

جاهلی بنا شده بود، شکست و این درس بزرگ را به ما آموخت که ملاک اصلی، معرفت و تقوا است.

### ۳. حق جویی

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در اوج برخورداری از ثروت و منزلت، برخلاف دیگر ثروتمندان جزیره‌العرب که سرگرم ثروت اندوزی و خوش گذرانی بودند، همیشه به این فکر می‌کرد که چگونه می‌توان وضعیّت نابسامان اخلاقی و اجتماعی جامعه را اصلاح کرد. او می‌اندیشید چگونه به جای کینه، ستیز، بی‌عدالتی و باورهای خشک و خشن، عدالت، محبّت، عواطف انسانی و ویژگی‌های برجسته اخلاقی در جامعه حاکمیت می‌یابد.

در این میان، آنچه بیشتر او را امیدوار می‌ساخت و همواره فروغ ایمان به پاکی‌ها را در دلش روشن نگاه می‌داشت، بشارت‌هایی بود که از دانشمندان مسیحی و دیگر عالمان اهل کتاب در باره ظهور پیامبری در آخرالزمان می‌شنید. وی بارها از افرادی چون ورقه بن نوفل (پسر عمویش) و دیگر آشنایان به کتاب‌های آسمانی، شنیده بود که به زودی پیامبری در مکه ظهور می‌کند که خورشید وجودش جهان‌گیر خواهد شد. این پیامبر، فضیلت‌های اخلاقی و صمیمیت و مهربانی را در سراسر جامعه حاکم خواهد کرد و با ایمان به خدا، همه نابسامانی‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه جاهلیت را سامان خواهد داد. از این روی، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یکی از منتظران ظهور پیامبر آخرالزمان بود تا توفیق درک حضورش را بیابد و در حدّ توان، به پیشبرد اهداف وی کمک کند.

### دیدار نشانه‌های نبوت

وقتی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از پسر عمویش، ورقه بن نوفل و دیگر آشنایان با کتاب‌های ادیان، در باره پیامبر آخرالزمان مطالبی می‌شنید، اشتیاق او به دیدار پیامبر موعود بیشتر می‌شد. آورده اند خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شنیده بود دانشمندان یهود، برخی نشانه‌های پیامبر آخرالزمان را با ویژگی‌های محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هماهنگ دانسته اند. این شنیده‌ها خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را علاقه‌مند کرد تا در احوال و ویژگی‌های محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیش از پیش دقت کند. هر چه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در باره اخلاق و

ویژگی های محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیشتر پژوهش می کرد، با ویژگی های اخلاقی و کرامت های انسانی وی بیشتر آشنا می شد. بدین سان، مهر محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رفته رفته بر دل خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ نشست.

می گویند روزی خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در مجلسی حضور داشت. ناگاه دانشمندی یهودی با دیدن محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بی اختیار گفت: «به خدا سوگند، این جوان، خاتم پیامبران است.»

حاضران هر یک به گونه ای در برابر این سخن واکنش نشان دادند. خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ نیز که مطالب بسیاری در این باره شنیده بود، از دانشمند یهودی پرسید: «تو از کجا دانستی که محمد، پیامبر است؟» وی گفت: «من در باره ویژگی های محمد در کتاب آسمانی تورات خوانده ام. همین شخص در آخرالزمان به پیامبری برانگیخته می شود. پدر و مادرش از دنیا رفته اند؛ جدش (عبدالمطلب) و عمویش (ابوطالب) از او سرپرستی می کنند و به زودی با بانویی از قریش که سرور قوم و رئیس قبیله خویش است، ازدواج می کند...»

گویا یهودی در سخنان خود، خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ را همان بانوی قریش خواند و تصریح کرد: «ای خدیجه! بکوش خشنودی محمد را به دست آوری؛ زیرا او مایه کرامت، شرافت و بزرگی دنیا و آخرت تو خواهد بود.»<sup>(۱)</sup>

ورقه بن نوفل نیز بارها به خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ گفته بود: «ای خدیجه! به زودی به مردی می پیوندی که برترین و شریف ترین انسان در سراسر زمین و آسمان ها است.»<sup>(۲)</sup> افزون بر این، برخی خواب ها نیز چنین رویداد مبارکی را به حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ نوید می دادند.

### آشنایی بیشتر خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ با محمد امین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ هر سال، افرادی را به نمایندگی از سوی خود، با کاروانی از کالاهای گوناگون به شام و دیگر مناطق تجارتمی می فرستاد. یک بار نیز این مسئولیت را بر دوش محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گذاشت و او با اموال خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ، تجارت پرسودی کرد. گرچه پیش از این سفر نیز خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ، همانند دیگر مردم مکه، محمد امین را به درست کاری، راست گویی و امانت داری می شناخت، این سفر، راست کرداری، هشیاری و فضیلت های اخلاقی وی را بیش از پیش

ص: ۲۴۰

۱- همان، ج ۱۶، ص ۲۰ - ۲۱.

۲- همان، ص ۲۱.

برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آشکار ساخت.

وقتی میسره، غلام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، ماجرای سفر تجاری و تدبیرهای خردمندانه محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تعریف کرد، او بیشتر با شخصیت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آشنا شد. آورده اند که سخنان میسره در باره ویژگی های اخلاقی شایسته محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چنان بر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تأثیر گذاشت که برای رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیام فرستاد نزد وی بیاید. وقتی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نزد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آمد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به وی گفت: «ای پسر عمو! من به دلیل خویشاوندی، شخصیت، امانت داری، خوش اخلاقی و راست گویی تو در میان قوم، به تو مشتاق و علاقه مند شده ام.» سپس از وی خواستگاری کرد. (۱)

محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به او فرمود: «لازم است در این باره با عموهایم مشورت کنم.» (۲)

### ازدواج محمد امین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

آشکار است که پیشنهاد ازدواج، نخست از سوی خود خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مطرح شده است. ابن هشام چنین می گوید: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، خود تمایل خویش را اظهار کرد و چنین گفت: «عموزاده، من به سبب خویشی ای که میان ما برقرار است و عظمت و عزتی که میان قوم خود داری و امانت، حسن خلق و راست گویی ات، به جد مایلم با تو ازدواج کنم.» رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در پاسخ وی فرمود: «لازم است عموهایم را از این کار آگاه سازم و با مشورت آنان این کار را انجام دهم.»

بیشتر مورخان معتقدند که نفیسه، دختر «علیه»، پیام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را این گونه برای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیان کرد: «محمد! چرا شبستان زندگی خود را با چراغ همسر روشن نمی کنی؟ اگر من تو را به زیبایی و ثروت، شرافت و عزت دعوت کنم می پذیری؟»

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «مراد کیست؟» وی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را معرفی کرد. حضرت فرمود: «آیا

ص: ۲۴۱

۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹ - ۲۰۱.

۲- روایت دیگر این است که نفیسه، دختر علی، پیام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به پیامبر رساند. برخی نیز گفته اند هاله، خواهر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ این پیام را به عمار که در آن زمان دوست محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود، رساند تا عمار آن پیام را به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برساند. (ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲)

خدیجه به این کار حاضر می شود؛ با این که وضع زندگی من با او بسیار تفاوت دارد؟»

نفیسه گفت: «اختیار او در دست من است و من او را حاضر می کنم. تو زمانی را معین کن که وکیل او (عمرو بن اسد) با شما و اقوامتان گرد هم آمده، مراسم عقد و جشن برگزار شود.»<sup>(۱)</sup>

رسول گرامی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این باره با عموی بزرگوار خود، ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام، مشورت کرد. مشهور است که ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام، عموی مُحَمَّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، مراسم خواستگاری و خواندن خطبه عقد مُحَمَّد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام را برپا کرد و عمرو بن اسد، عموی خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام نیز این ازدواج را تأیید کرد.<sup>(۲)</sup>

شیخ صدوق و شیخ کلینی، خطبه عقد ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام را این گونه باز گفته اند: «... سپاس خدایی را که ما را از نسل ابراهیم و ذریه اسماعیل قرار داد و برای ما خانه ای مقدس بنا کرد که مقصود حاجیان و حرمی امن است. ما را در شهری که هستیم، فرمانروایی داد و از برکت ها برخوردارمان ساخت...»

باری، برادرزاده من با هر یک از برجستگان قریش که مقایسه شود، برتری از آن او است. بزرگی او در سنجش با هر بزرگی، روشن است و در میان آفریدگان خدا، همانندی برای او نیست. ثروت چندانی ندارد، ولی ثروت مادی، ارزشی است زودگذر و سایه ای است ناپایدار. او خواستگار خدیجه است و اینک ما برای عقد ازدواج او اگر او راضی باشد نزد شما آمده ایم. هر اندازه مهریه تعیین کنید، من از ثروت خود، آن را می پردازم.»<sup>(۳)</sup>

گفته اند پس از ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام، عموی خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام می خواست سخن بگوید که دچار لکنت شد و به ناچار خود خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام لب به سخن گشود و گفت: «ای مُحَمَّد! من خود را به عقد ازدواج تو در آوردم و مهریه آن را خودم بر دوش گرفتم.» بدین ترتیب، عقد نکاح میان

ص: ۲۴۲

۱- . سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۹۳.

۲- . روایت است که پدر خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام، خویلد بن اسد، در جنگ فجار فوت کرده بود. از این روی، عموی خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام از سوی او صیغه عقد را جاری کرد. (سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۸۴)

۳- . شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۷؛ کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۲، ص ۱۹ - ۲۰؛ عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱، ص ۱۱۴. این خطبه با اندکی تفاوت در مناقب آل ابی طالب، تألیف ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۴۲ و در بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۹ آمده است.

محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ جاری شد. (۱)

در این هنگام، ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ به حاضران گفت: «گواهی دهید که خدیجه ازدواج با محمد را پذیرفت و مهریه آن را خود بر دوش گرفت.» یکی از حاضران گفت: «شگفتا! تاکنون ندیده بودیم که زنی مهریه ازدواجش را خود بر دوش بگیرد.» ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ که از سخنان او ناراحت شده بود، برخاست و گفت: «آری، اگر مردان همانند برادرزاده ام محمد باشند، او را با گران ترین بها و سنگین ترین مهریه برابیند، ولی اگر امثال شما باشند، با شما جز به مهریه سنگین ازدواج نخواهند کرد.»

سپس مراسم جشن عروسی برگزار شد. در این هنگام، عبد الله بن غنم، یکی از قریشی یان اشعاری را بدین مضمون خواند:

«ای خدیجه! گوارا و مبارک باد تو را که پرندۀ همای بخت به سوی کوی سعادت و خوشبختی به پرواز درآمد؛

چرا که با برترین انسان ها ازدواج کردی. چه کسی در میان مردم، همچون محمد دارای مقامات عالی است؟

دو راست گو و نیکوکار، یعنی حضرت عیسی و حضرت موسی، به ظهور او مژده داده اند و زمان ظهور، چقدر نزدیک شده است.

از روزگاران پیش، نویسندگان اقرار کرده اند که در سرزمین بطحا، پیغمبری راهنما و هدایت شده طلوع خواهد کرد.» (۲)

آورده اند وقتی پس از مراسم عقد، حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برخاست تا همراه ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ به خانه اش بازگردد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با کمال مهر و محبت به آن حضرت عرض کرد: «إِلَى بَيْتِكَ

ص: ۲۴۳

۱- . محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۸۸ به نقل از: ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۴۱ - ۴۲. محدث سروری در کتاب مناقب می نویسد: عمرو بن اسد، عموی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خطبه عقد را پاسخ داد و پذیرش ازدواج را اعلام کرد. سپس می نویسد: خویلد، پدر حضرت خدیجه که در مجلس بود، گفت: «زَوْجِنَا هَا وَ رَضِیْنَا بِهَا؛ ما عقد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را پذیرفتیم و به همسری محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، راضی و خشنود شدیم.»

۲- . کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۵، ص ۳۷۴ - ۳۷۵.

فیتی بیټک، و انا جاریتک؛(۱) در خانه خود بمان. خانه من، خانه تو است و من کنیز توام.»

به این ترتیب، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با کمال اخلاص و ایثار و فروتنی، زندگی خود را با محمّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آغاز کرد.

### جشن باشکوه عروسی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

پس از عقد، جشن باشکوهی برپا شد و گوسفندان بسیاری قربانی کردند و برای چند روز، مردم مکه، به ویژه مستمندان را اطعام کردند.(۲) خویشاوندان محمّد امین(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز به شادی پرداختند و این روز را بسیار گرمی داشتند. بی شک روز ازدواج پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ روز بسیار مبارک و میمونی بود که منشأ آثار و برکت های فراوان در طول تاریخ شد. این ازدواج نهالی کاشت که به صورت درختی شاداب و پرمیوه درآمد و مردم تا قیامت از میوه های گوناگون معنوی آن استفاده می کنند. حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ و یازده امام معصوم ۷، ثمره این درخت اند.

بنا بر این، باید خاطره چنین روزی را که سرچشمه خیر و برکت های بسیار شد، همیشه تجدید کرد و در چنین روزی جشن گرفت و خدای بزرگ را برای پدید آوردن چنین روزی سپاس گزارد. در روایت ها نیز آمده است، روزه گرفتن در این روز مستحب است، و بهتر است مؤمنان این روز را روزه بگیرند و با این کار، خدا را شکر کنند که توفیق ازدواج بین پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به جهانیان بخشیده است.(۳)

آورده اند که رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این روز را بسیار گرمی داشت و و به مبارکی آن، «ام ایمن»، کنیز مادرش آمنه را که پس از ایشان به پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رسیده بود، آزاد کرد.(۴)

نقل می کنند «صفیه»، عمه رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، در برپایی مراسم جشن عروسی پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بسیار زحمت کشید. صفیه، دختر عبدالمطلب و مادر زبیر است. او هم سن پیامبر خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و

ص: ۲۴۴

۱- . راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، ص ۱۸۷.

۲- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۹.

۳- . همان، ج ۹۸، ص ۳۵۷.

۴- . همان، ج ۱۵، ص ۱۱۸.

افزون بر شجاعت کم نظیر، در سرودن شعر نیز توانایی داشت. اشعار صفیه در سوگ نبی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بسیار جانسوز است. (۱) وی پس از وفات پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همانند مادری دلسوز، از فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ حمایت می کرد. صفیه در روز عروسی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اشعار زیبایی می خواند. یکی از این اشعار به این مضمون است:

«زمان شادی با فرح و گشاده رویی فرا رسید و هر گونه نحوست و ناگواری از میان رفت. ماه تابان، چهره برافروخت و فصل شادی و سعادت جلوه گر شد؛ به سبب وجود محمّد امین که در دشت و سرزمین بطحا (در همه جا) [از او] به نیکی یاد می شود. هر گاه احمد با همه خلائق سنجیده شود، بر همه برتری یابد و عظمت و شکوه محمّد برای قبیله قریش آشکار شد و به طفیل وجود او، همای خوشبختی و سعادت همیشگی به پرواز درآمد. خوشبختی ای که به خدیجه، دختر کمالات و ارزش ها پیوست. خدیجه، همان دریای فضیلتی است که دست یابی به او موجب لبریز شدن از ارزش ها و کمالات است. به راستی، چقدر خدیجه بانوی شکوهمندی است و حلم و آرامش او، چقدر تابان و چشم گیر است. این محمّد امین است که در مدح و وصفش، هیچ گونه نقطه تاریکی نیست، و بر او درود بفرستید تا صعود کنید و خوشبخت شوید و خداوند به برکت وجود او به شما لطف و رحمت می کند.» (۲)

### پاسخ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به اعتراض زنان مکه

وقتی زنان قریش از تصمیم خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای ازدواج با محمّد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آگاه شدند، وی را بسیار سرزنش کردند. سرزنش آنها در دیدگاه های ظاهری بیانه شان ریشه داشت. آنان همواره به معیارهای مادی می اندیشیدند. از این روی، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را سرزنش می کردند و می گفتند: «خدیجه با آن همه حشمت و شوکت و ثروت، حاضر شده است با یتیم ابوطالب، محمّد امین که فردی تهی دست است، ازدواج کند. آیا این ننگ و عار نیست؟»

ص: ۲۴۵

۱- ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۴۶، ۹۵.

۲- مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۵ - ۷۶.



روشن است که معیارهای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با ملاک های مادی و ظاهری آنان بسیار تفاوت داشت. وی به تنها چیزی که در این ازدواج توجه نداشت، ثروت و دارایی بود. از این روی، هنگام خواستگاری اشراف ثروتمند قریش، با قاطعیت به آنان پاسخ رد داد. او در پی فضیلت های اخلاقی و ارزش های انسانی و ایمان و صداقت بود.

آورده اند که وقتی انتقادها و سرزنش های مردم مکه به گوش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ رسید، آن بانوی خردمند، زنان مکه را به خانه اش دعوت کرد. آن گاه پس از پذیرایی، به ایشان چنین گفت: «ای گروه زنان! شنیدم شما و همسرانتان بر ازدواج من با محمد خرده می گیرید و این کار را ننگ می دانید. من از شما می پرسم، آیا در میان مردم مکه شخصی مانند محمد امین می شناسید؟ آیا در اطراف جزیرالعرب، شخصیتی با جمال و کمال محمد و با فضایل و اخلاق نیک وی می یابید؟ من به سبب این ویژگی های والا و برجستگی های اخلاقی و انسانی با او ازدواج کردم و در باره ویژگی هایش سخنانی شنیده ام که وی را از همه مردمان ممتاز می سازد. بنا بر این، شایسته نیست که شما بیهوده بر این تصمیم من خرده بگیرید و ناآگاهانه به کسی نسبت های ناروا دهید.»

زنان مکه در برابر این سخنان متین و استوار خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خاموش بودند. آنان با سکوت خود نشان دادند که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در کاری که کرده، به خطا نرفته است. (۱)

ولی برخی از ایشان پس از خارج شدن از آن مجلس، دوباره به انتقاد و نکوهش های بیهوده خویش ادامه دادند و حتی رفت و آمد با حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را تحریم کردند تا وی را از نظر روحی آزرده سازند. اما از آن جا که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به حقیقت کار خود ایمان داشت، در برابر رفتارهای نابخردانه آنان، ذره ای تردید به دلش راه نداد؛ زیرا وی تنها به رضای خدا می اندیشید.

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرماید: «روزی جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای رسول خدا! این خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ است که نزد تو آمده و برای تو طعام آورده است. هر گاه وارد شد، بر او از سوی

ص: ۲۴۶

پروردگارش و از سوی من سلام برسان و او را بر خانه ای از زبرجد در بهشت، بشارت ده. همانا او در آن خانه در کمال آسایش و آرامش به سر خواهد برد.»(۱)

## ازدواج ارزش ساز

ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با مُحَمَّد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بنا بر ارزش هایی ویژه شکل گرفت و قالب ها و ملاک های رایج جاهلیت را در هم شکست. این ازدواج ساده، ولی باشکوه، معیارهای شکل گرفته بر پایه نظام اشرافی را زیر پا گذاشت. در این ازدواج، به جای توجه به معیارهایی چون مال، ثروت، زیبایی های ظاهری و ارتباط های ویژه قبیله ای و مانند آن، به اموری چون برخورداری از عقل و اندیشه پاک، اخلاق نیکو، ایمان، درست کاری و سیرت نیک اهمیت داده شد. در جزیره العرب آن زمان، چنین معیارهایی نه تنها ارزش به شمار نمی آمدند، بلکه به گونه ای، زیر پا نهادن آداب و سنت های رایج در نظام اشرافی بود و به شدت با آنها برخورد می شد.

پس از ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز، زنان مکه فضای بسیار بدی را برای او به وجود آوردند؛ به گونه ای که هر گونه رفت و آمد با او را ممنوع کرده بودند و کسی را که با او آمدوشد داشت، از جمع خود بیرون می راندند. نقل می کنند، حتی هنگام تولد حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ، هیچ یک از زنان قریش حاضر نشدند به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ کمک کنند. برخی از آنان حتی تا پایان عمر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز به این دشمنی ادامه دادند.

از سوی دیگر، ازدواج مردی ۲۵ ساله با بانویی چهل ساله، در جامعه ای که پس از ثروت، در آن خوش گذرانی و هوا و هوس مهم ترین ارزش به شمار می آمد، برای بسیاری پرسش برانگیز شده بود.(۲) بی شک، بسیاری از مردم مکه از برتری ها و ویژگی های اخلاقی مُحَمَّد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و نیک سیرتی و پاکی وی آگاه بودند، ولی اوضاع حاکم بر جامعه آن روز، امکان پذیرش آشکار این ارزش ها را به آنان نمی داد. به هر حال، این ازدواج در نوع خود، انقلابی را بر ضد همه ارزش های دوران جاهلی پایه گذارد.

ص: ۲۴۷

۱- ابن اثیر جزری، علی بن مُحَمَّد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۸.

۲- مجلسی، مُحَمَّد باقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۹۱.

وقتی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به همسری محمّد امین (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درآمد، با وجود آن همه ثروت، زندگی اشرافی را کنار نهاد و همانند رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، زندگی همراه با سادگی و قناعت را برگزید. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از دارایی فراوانش، در راه کمک به مستمندان و گرفتاران بهره می گرفت. به گواهی تاریخ، از ویژگی های برجسته حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ این بود که پس از ازدواج، همه اموالش را در اختیار رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قرار داد تا حضرت به صلاحدید خویش، از آنها استفاده کند.

آورده اند،

پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حتی اندکی از ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را برای آسایش و رفاه خود خرج نکرد. او از این دارایی بابرکت، تنها در رفع گرفتاری مستمندان و بدهکاران، رسیدگی به مشکلات اجتماعی، رهایی مظلومان از دست ستمگران و احیای ارزش های اخلاقی و فضیلت های انسانی استفاده می کرد. روزی حضرت محمّد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با اشاره به برکت اموال خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فرمود: «هیچ مالی، آن گونه که ثروت خدیجه به من سود رساند، برایم سودمند نبود.» (۱)

نقش دارایی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پس از بعثت رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در پیشبرد اسلام چنان بود که گفته اند: «اگر اموال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نبود، اسلام پا نمی گرفت.» (۲)

### مهرورزی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به علی بن ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَامُ

پنج سال از ازدواج محمّد امین (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می گذشت که علی بن ابی طالب ۷ متولد شد. چند سال پیش از بعثت، خشک سالی و قحطی، سراسر سرزمین حجاز را فرا گرفت. پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به عمویش عباس پیشنهاد کرد که چون عمویش ابوطالب عیالمند است، سزاوار است نزد او رفته، سرپرستی فرزندانش را بر دوش گیرند. عباس این پیشنهاد را پذیرفت و با هم نزد ابوطالب آمدند و تصمیم خود را با او در میان گذاشتند. پس از گفت و گو، پیامبر سرپرستی

ص: ۲۴۸

۱- مامقانی، عبدالله بن محمّد حسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷؛ مجلسی، محمّد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

۲- به تعبیر سلیمان کتانی، دانشمند و نویسنده معروف عرب، پیامبر اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بنیان گذار اسلام است و اسلام به وسیله شمشیر علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ استوار شده است. به پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نسبت می دهد که فرمود: «ما قام الاسلام الا بسيف علی و ثروه خدیجه؛ اسلام جز به شمشیر علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برپا نشد.» (کتانی، سلیمان، فاطمه الزهرا وتر فی غمد، ص ۱۱۲)

امام علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را، و عبّاس سرپرستی جعفر را بر دوش گرفت. حمزه نیز سرپرستی طالب را عهده دار شد. البتّه بنا بر برخی روایت های دیگر، حمزه سرپرستی جعفر، و عبّاس سرپرستی طالب را به دوش گرفتند. (۱)

آورده اند که حضرت محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این نوزاد را بسیار دوست داشت و همواره هنگام خواب و بیداری، او را مراقبت و نوازش می کرد. گاه وی را در آغوش می گرفت و گاهی بر دوشش می نهاد. گاهی نیز با هدایایی، علاقه خود را به او نشان می داد و زمینه شادی و آسایش کودک را فراهم می کرد. بارها اطرافیان از محمّد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شنیده بودند که این کودک، برادر، برگزیده، یاور و وصی او است. (۲)

خدیده عَلَیْهَا السَّلَامُ با همه ویژگی های محمّد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آشنا بود و می دانست که او، هیچ کاری را بدون حکمت و مصلحت انجام نمی دهد. از این روی، اطمینان داشت که مهرورزی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به این نوزاد نیز حکمتی الهی دارد و بی تردید، این نوزاد که محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بی اندازه به او عشق می ورزد، در آینده شخصیتی برجسته و اثرگذار خواهد بود.

بنا بر این، خدیده عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز به علی عَلَیْهِ السَّلَامُ محبت می کرد و در مراقبت از او، مادرش، فاطمه بنت اسد را یاری می داد. گاه برای او لباس تهیه می کرد و گاهی از او مراقبت می کرد. (۳)

او وقتی علاقه رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به امیر مؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَامُ می دید، خود نیز به وی محبت می کرد؛ او را پاکیزه می ساخت؛ لباس هایش را عوض می نمود؛ پیراهن آراسته و زیبا بر تن او می پوشانید. او به کنیزان و غلامانش می گفت که علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را با خود حمل کنند (بر دوش و بغل گیرند) و به تفریح ببرند و او را نوازش کنند. بدین ترتیب، خدیده عَلَیْهَا السَّلَامُ همواره به خانه ابوطالب رفت و آمد داشت و ابوطالب و همسرش، فاطمه بنت اسد را کانون الطاف خود قرار می داد. کوتاه سخن این که، محبت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیده عَلَیْهَا السَّلَامُ به علی عَلَیْهِ السَّلَامُ که روزهای کودکی را می گذرانند، به گونه ای بود که مردم به او

ص: ۲۴۹

۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۳؛ مجلسی، محمّد باقر، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۱۱۸ - ۱۱۹.

۲- ابن شهر آشوب، محمّد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۹ - ۱۸۰.

۳- مجلسی، محمّد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۳۰۹.

می گفتند:

«هذا أَخُو مُحَمَّدٍ وَ أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيْهِ وَ قَرَّهَ عَيْنِ خَدِيجَةَ؛(۱) این، برادر محمّد و محبوب ترین انسان ها نزد محمّد و نور چشم خدیجه است.»

### خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ؛ یار خلوت انس

سال ها پیش از بعثت، محمّد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) برای تفکر در آیات الهی و راز و نیاز با معبود خویش، خلوت می گزید. در این زمان، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نه تنها مزاحم آرامش او نمی شد، بلکه چون با صفای باطن خویش، ارزش این کار را به خوبی درک می کرد، زمینه ایجاد و تداوم عبادت را برای حضرت فراهم می ساخت. گاه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خود نیز به این خلوتگاه روی می آورد و از حلاوت عبادت با پروردگار و عرفان پاک محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بهره می برد. روایت شده است که وقتی محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به سوی کوه حرا رهسپار می شد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ او را بدرقه می کرد و آن قدر همان جا می ایستاد تا محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) از نظرش ناپدید می شد.

گاه که دوری و تنهایی محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را تاب نمی آورد، برای رسیدگی و بردن آب و غذا برای وی، به حرا می رفت. هم چنین اگر احساس خطر می کرد، افرادی را برای نگهبانی از جان محمّد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) می گمارد؛ بی آن که مزاحم خلوت و راز و نیاز وی شود. هنگامی که هنوز محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به رسالت برگزیده نشده بود، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در کنار او، با ایمان و باوری استوار به یکتایی پروردگار و در فضایی عرفانی و ملکوتی زندگی می کرد. او چه پیش از بعثت و چه پس از آن، همواره یار و مشوق محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بود و این، نشان الهی بودن پیوند این دو بزرگوار است.

### نخستین بانوی مسلمان

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با توجه به اخبار اندیشمندان اهل کتاب در باره پیامبر خاتم و نشانه های پیامبری که در وجود محمّد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) دیده بود و شناختش از اخلاق، رفتار و اندیشه های وی، به رسالت پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ایمان کامل داشت. از این روی، وقتی در ۲۷ رجب سال چهارم هجری، از برانگیخته شدن آن حضرت به پیامبری آگاه شد، نخستین زنی بود که با ایمان قلبی، به یکتایی خدا و رسالت محمّد مصطفی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) گواهی داد.

ص: ۲۵۰

آورده اند هنگامی که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از مبعوث شدن به پیامبری از غار حرا پایین آمد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، سرور بانوان قریش به استقبال ایشان شتافت و به سبب پاکی و طهارت روحی اش، نور پیامبری را در چهره آن حضرت دید.

سپس گفت:

این چه نوری است که در پیشانی شما می بینم؟» حضرت فرمود: «این نور نبوت است.» آن گاه ارکان اسلام را برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برشمرد. وی نیز بدون کمترین تردید گفت: «آمَنْتُ وَ صَدَقْتُ وَ رَضِيتُ وَ سَلَّمْتُ؛ (۱) من ایمان آوردم، پیامبری ات را باور کردم، آیین اسلام را پسندیدم و تسلیم تو شدم.»

بنا بر نقل همه تاریخ نویسان، نخستین بانویی که اسلام را پذیرفت، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود. آورده اند امام حسین ۷ در خطبه ای که روز عاشورا برای دشمن ایراد کرد، برای معرفی خود فرمود: «شما را به خدا سوگند می دهم، آیا می دانید که مادر بزرگ من، خدیجه، دختر خویلد، نخستین بانوی این امت بود که اسلام را پذیرفت؟» همه حاضران گفتند: «آری، چنین است. او نخستین بانویی بود که به رسول خدا ایمان آورد.» (۲)

### نخستین بانوی نمازگزار

پس از بعثت رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تا مدت ها شمار پیروان دین مقدس اسلام، به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و به قولی، زید بن حارثه منحصر بود.

آورده اند زمانی که هنوز مشرکان قریش از سوی اسلام و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هیچ گونه احساس خطر نمی کردند، رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هر روز سه بار به مسجدالحرام می رفت و روی به قبله می ایستاد. علی عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز در سمت راست، و حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پشت سر آن حضرت می ایستادند و به نماز و پرستش خدا می پرداختند. این نخستین صحنه های نماز و پرستش معبود یکتا بود که مردم در روزهای نخست بعثت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می دیدند.

ص: ۲۵۱

۱- همان، ج ۱۸، ص ۲۳۲.

۲- همان، ج ۴۴، ص ۳۱۸.

ابویحیی بن عقیف، از عقیف کندی نقل می کند: «در دوره جاهلیت به مکه رفتیم. می خواستم برای خانواده ام مقداری جامه و عطر از مکه بخرم. نزد عباس بن عبدالمطلب رفتم و نشستم. او مردی بازرگان بود. ناگهان جوانی را دیدم که کنار کعبه آمد و در حالی که روی به سوی آسمان داشت، به راز و نیاز پرداخت. آن گاه روی به سوی قبله ایستاد. پس از اندک زمانی، پسر بچه ای آمد و در سمت راست او، روی به قبله ایستاد. سپس بانویی را دیدم که پشت سر آنها ایستاد و هر سه با هم به رکوع و سجود پرداختند. از عباس پرسیدم: این چه کاری است که این سه تن انجام می دهند؟ من تاکنون ندیده بودم کسی کنار کعبه این گونه عبادت کند.

عباس گفت: آری، کار شگفتی است! آیا می دانی این جوان کیست؟ وی محمد بن عبد الله، برادرزاده من است. سپس پرسید: آیا می دانی این پسر بچه کیست؟ این علی، برادرزاده دیگر من، و پسر ابوطالب است و بانویی که پشت سر آن دو ایستاده، خدیجه، دختر خویلد و همسر محمد است. برادرزاده ام محمد خبر داده است که پروردگار جهانیان، او را به دینی که دارد، فرمان داده است و سوگند به خدا، در روی زمین، جز این سه تن، کس دیگری بر این دین نیست.» (۱)

### خدیجه علیها السلام؛ مونس روزهای سخت پیامبر صلی الله علیه و آله

قریش، وقتی پیشرفت روزافزون اسلام و گرایش مردم به آموزه های پیامبر و مخالفت آن را با آیین بت پرستی و ارزش های جاهلی دید، به سختی در برابر رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) موضع گرفت. آنان همه نیروهای خود را بسیج کردند تا پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را از پیشبرد اهدافش بازدارند و از ادای رسالتش منصرف کنند.

مشرکان از راه ها و شیوه های گوناگونی برای مبارزه با اسلام و آزار رساندن به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مسلمانان استفاده می کردند؛ چنان که آن حضرت فرمود: «هیچ پیامبری آن گونه که من آزار دیدم، اذیت نشده است.»

ص: ۲۵۲

---

۱- . نسائی، احمد بن شعیب، خصائص امیرالمؤمنین، ص ۴۵؛ ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۲۶. این روایت از عبدالله بن مسعود نیز نقل شده است.

محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که تا دیروز امین، راست گو، پاک اندیش و خیرخواه ترین مردم مکه بود، امروز جادوگر، دروغ گو و ساحر خوانده می شد؛ زیرا با ارزش های نادرست و آداب و رسوم جاهلی مبارزه و مخالفت می کرد و منافع مشرکان را به خطر می انداخت.

در اوضاعی که حتی نزدیک ترین خویشاوندان و بزرگان قبیله پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را آزار و شکنجه می دادند، تنها خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود که وی را یاری و با همه وجود از او حمایت می کرد و با شیرینی لبخندش، از تلخی اندوه پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می کاست. این بانوی فداکار در حمایت از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و پیشبرد اهداف اسلام نقش بسیار بزرگی داشت. از این روی، نبود وی چنان برای پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گران و دشوار آمد که سال وفات او را «عام الحزن» نامید. پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حتی سال ها پس از وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، هر گاه به یاد او می افتاد، غمگین می شد و در فراقش می گریست.

بزرگ ترین مشکلی که پیامبر گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مسلمانان با آن روبه رو شدند، محاصره اقتصادی بود. بی شک، گذشته از ایمان استوار مؤمنان واقعی، مهم ترین عامل پیروزی مسلمانان در آن دوره حساس تاریخ، دارایی و دانایی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود.

### دفاع خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

آورده اند در سال پنجم یا ششم بعثت، پس از نزول آیه ۹۴ و ۹۵ سوره حجر در باره آشکار کردن اسلام، رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در موسم حج بر بالای کوه صفا رفت و با ندای بلند سه بار فرمود: «ای مردم! من رسول خدا، پروردگار جهانیانم.» بت پرستان از شنیدن این سخن پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بسیار خشمگین شدند. ابوجهل نیز از شدت خشم، سنگی به سوی آن حضرت پرتاب کرد که پیشانی پیامبر را شکافت. با این کار ابوجهل، دیگران نیز جرئت یافتند و حضرت را سنگ باران کردند. رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای در امان ماندن از آسیب بیشتر، به محلی در کوه صفا که از چشم مشرکان دور بود، پناه برد و مشرکان هر چه جست و جو کردند، وی را نیافتند.

یکی از حاضران، حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را که در آن زمان سیزده سال بیشتر نداشت، از ماجرا آگاه کرد. علی عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز بی درنگ به خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ رفت و ماجرا را برای وی بازگفت. این بانوی فداکاری مقداری غذا تهیه کرد و با شتاب، خود را به کوه صفا رساند و با کمک حضرت



علی عَلَیْهِ السَّلَامُ به جست و جوی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پرداخت. وی در حال جست و جوی این عبارت ها را زمزمه می کرد: «چه کسی از پیامبر برگزیده برای من خبر می آورد؟ چه کسی از بهار پسندیده به من خبر می دهد؟ چه کسی از آن شخصی که در راه خدا رانده شده است، مرا آگاه می کند؟ چه کسی از ابوالقاسم، مرا باخبر می سازد؟»

سرانجام پس از جست و جوی بسیار، رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را در حالی یافتند که خون از پیشانی مبارکش جاری بود. چون حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر را در این حال دید، گفت: «پدر و مادرم به فدایت! اجازه بده تا خون را از چهره ات پاک کنم...». هنگامی که شب فرا رسید، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از تاریکی استفاده کرد و آن حضرت را به خانه آورد. او پیامبر را در حجره ای که دیوارهایش با سنگ ساخته شده بود، جای داد و خود همانند پاسداری وفادار، برای دفاع و پاسداری از آن حضرت آماده شد.

آورده اند، چون مشرکان از حضور پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) باخبر شدند، خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را سنگ باران کردند. حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با شجاعت فریاد زد: «ای گروه قریش، آیا زنی را در خانه اش سنگ باران می کنید؟» وقتی مشرکان صدای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را شنیدند، از کار ناپسند خود دست برداشتند و آن جا را ترک کردند. بدین ترتیب، با فداکاری حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، وجود رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از گزند آزار مشرکان در امان ماند. (۱)

### خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در شعب ابی طالب

سران قریش که از پیشرفت سریع و حیرت انگیز آیین اسلام نگران شده بودند، به چاره اندیشی افتادند تا از خطر گسترش اسلام رهایی یابند. آنان سرانجام پس از مشورت های فراوان تصمیم گرفتند با محاصره اقتصادی و قطع کردن شریان حیاتی مسلمانان، از نفوذ و رشد اسلام جلوگیری کنند و آنان را به سازش و تسلیم وادارند. از این روی، پیمان نامه ای تهیه کردند و بنا بر آن متعهد شدند از هر گونه خرید و فروش، معاشرت و حتی ازدواج با پیروان رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خودداری کنند.

ص: ۲۵۴

در پی تصویب این پیمان، ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ، عمو و حامی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از همه خویشاوندانش خواست تا از رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حمایت کنند. به مسلمانان نیز دستور داد به شعب ابی طالب بروند و همان جا زندگی کنند تا از گزند مشرکان در امان باشند. این محاصره حدود سه سال به طول انجامید و مسلمانان در این مدت، سختی‌ها و فشارهای بسیاری را متحمل شدند.

اموال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و حمایت‌های بی دریغش در دوران محاصره، بسیار سرنوشت ساز بود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همه ثروت خود را در ماجرای شعب ابی طالب خرج کرد؛ به گونه‌ای که پس از پایان این محاصره، ثروتی برایش باقی نماند. وی هم چنین خویشاوندان خود را برای کمک به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مسلمانان فرا خواند. حکیم بن حزام، برادرزاده خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و ابوالعاص، دامادش، از جمله افرادی بودند که پنهانی به شعب ابی طالب آذوقه می‌رساندند.

تاریخ نویسان معتقدند، اگر کمک‌های حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نبود، ضربه‌های جبران‌ناپذیری به مسلمانان وارد می‌شد. از این روی، پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همواره از فداکاری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یاد می‌کرد و وی را به سبب این همه ایثار و از خود گذشتگی می‌ستود. (۱)

### فرزندان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

وجود فرزند، پیوند زناشویی را محکم‌تر می‌سازد و به شبستان زندگی فروغ و جلوه ویژه‌ای می‌بخشد. در باره فرزندان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و شمار آنان سخنان و روایت‌های گوناگون نقل شده است. معروف است که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دو پسر به نام‌های قاسم و عبد الله داشت که به آنان طاهر و طیب می‌گفتند و هر دو در دوران کودکی، پیش از بعثت، یا قاسم پیش از بعثت و عبد الله پس از بعثت از دنیا رفتند. هم چنین چهار دختر داشت که عبارت‌اند از: رقیه، زینب، ام کلثوم و فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ. پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به سبب آوردن فرزند می‌ستود. چنان که روایت شده است پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در تمجید خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به عایشه فرمود: «خدیجه برای من فرزندان آورد؛ در حالی که شما (همسران دیگر) دارای این ویژگی نبودید و نازاید.» (۲)

ص: ۲۵۵

۱- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۷۱، ۲۸۶.

۲- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۷۳.

مرحوم صدوق به سند خود از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت می کند: روزی پیامبر به خانه خود وارد شد. ناگاه دید عایشه با جیغ و داد به فاطمه زهرا عَلِيهَا السَّلَام می گوید: «ای دختر خدیجه! سوگند به خدا تو می پنداری مادرت بر ما برتری دارد. او چه برتری ای بر ما دارد؟ او نیز همسان ما است.» پیامبر این سخن را شنید. هنگامی که فاطمه عَلِيهَا السَّلَام پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را دید، گریه کرد. پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پرسید: «چرا گریه می کنی؟» فاطمه عَلِيهَا السَّلَام از نارواگویی عایشه، به پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خبر داد. پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خشمگین شد و به عایشه فرمود: «خاموش باش ای حمیرا! همانا خداوند متعال بانویی بسیار دوست داشتنی و زاینده عطا فرمود. بدان که خدیجه خدایش رحمت کند از من صاحب فرزندی شد؛ مانند: طاهر (که همان عبد الله و طیب لقبش است)، قاسم، فاطمه، رقیه، ام کلثوم و زینب. ولی خداوند، رَحِم تو را نازا قرار داد که فرزندی نیاوردی.» (۱)

بنا بر نقلی، همه فرزندان پسر پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، پیش از بعثت زندگی را بدرود گفتند، ولی دخترانش، دوران نبوت او را درک کردند. پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در باره همه حوادث، از جمله مرگ فرزندان، خویشتن داری کرد. با این حال، در مرگ فرزندان، گاهی قطره های اشک بر روی گونه هایش می غلتید. مراتب تأثر او در مرگ ابراهیم که مادرش «ماریه» نام داشت، بیشتر بود، اما در حالی که دلش می سوخت، با زبان به سپاس گزاری خدا سرگرم بود. عربی از سر نادانی در مبانی اسلام، به گریه کردن پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در فراق فرزندش اعتراض کرد. پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «چنین گریه ای رحمت است.» آن گاه افزود: «و من لا- یرحم لا- یرحم؛ کسی که رحم نکند، به او رحم نمی شود.» سپس خطاب به فرزندش فرمود: «اگر نه این بود که مرگ حق است و وعده خدا راست و مرگ راهی است به سوی خدا و این که واپسین ما به نخستین می پیوندد، هر آینه حزن ما در مرگ تو ای ابراهیم، بسیار شدید می شد، ولی چون راهی است که همه باید سیر کنیم، فراق تو تحمل پذیر است و ما بر مرگ تو اندوهناکیم» و فرمود: «دیدم می گرید و قلب اندوهناک می شود، ولی چیزی که موجب خشم پروردگار شود، نمی گویم.» (۲)

ص: ۲۵۶

۱- شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ص ۳۷ - ۳۸؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۳.

۲- شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی، مسکن الفؤاد، ص ۲۳۹.

یکی از ماجراهای آموزنده و شگفت انگیز زندگی حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ، ولادت حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ از او است. از این روی که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ لیاقت آن را یافت که فرزندی مانند حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ به دنیا آورد؛ فرزندی که بهترین زنان دنیا و آخرت است و هیچ بانویی از آغاز آفرینش تا پایان آن، به مقام او نمی رسد. در فضیلت او همین بس که خداوند تعالی خطاب به پیامبرش می فرماید: «لولاک لما خلقت الافلاک، و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمه لما خلقتکم!» (۱) اگر تو نبود، موجودات را نمی آفریدم و اگر علی نبود، تو را نمی آفریدم، و اگر فاطمه نبود، شما دو تن را نمی آفریدم.»

در باره چگونگی انعقاد نور فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ در رحم خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و ماجرای ولادت حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ روایت های گوناگونی باز گفته اند که هر یک بیانگر بخشی از مقام ارجمند حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ است. در روایت ها آمده است: فرشته وحی بر پیشوای بزرگ توحید فرود آمد و گفت: «ای محمّد! خداوند بزرگ بر تو سلام رساند و دستور داد که چهل روز از خدیجه کناره گیری کنی!»

این فرمان بر رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سخت گران آمد؛ چرا که آن بانوی خردمند و باایمان را بسیار دوست می داشت. آن حضرت با وجود عشق و علاقه فراوان به خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ فرمان خدا را به جان خرید و در این مدّت، شب ها را به نیایش و عبادت و روزها را به روزه داری کمر بست. برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز به وسیله عمّار یاسر پیام فرستاد: «ای خدیجه! مبادا گمان کنی که کناره گیری من از تو به سبب بی محبتی و بی اعتنائی است، بلکه پروردگرم چنین دستور داد تا امر خود را اجرا کند و من تنها به انجام دستور می اندیشم. از این روی، دوری گزیدن مرا جز به نیکی و خیر من گمان نداشته باش؛ چرا که خداوند هر روز چندین مرتبه به وجود شایسته تو بر فرشتگان گران مایه اش مباحث می کند. از این روی، هنگامی که شب فرا می رسد در را ببند و برای استراحت به بستر خویش درآی و آگاه باش که من در خانه فاطمه بنت اسلم.»

ص: ۲۵۷

هنگامی که چهلمین روز فرا رسید، فرشته وحی بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرود آمد و گفت: «هان ای محمد! خدای بلندمرتبه بر تو درود می فرستد و فرمان می دهد که خویشتن را برای دریافت تحیت و ارمغان او آماده سازی.»

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از فرشته وحی پرسید: «ارمغان و هدیه خداوند چیست؟»

جبرئیل گفت: «من نمی دانم.»

وقتی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آماده شد، میکائیل فرود آمد و طبقی را که بر روی آن روپوشی از دیبا بود، در برابر او بر زمین نهاد.

فرشته وحی پیش آمد و گفت: «ای محمد! پروردگارت به تو فرمان می دهد که امشب با این غذا افطار کنی.»

امیر مؤمنان، امام علی عَلِيهِ السَّلَامُ در این باره می فرماید: «روش همیشگی پیامبر این بود که هر گاه می خواست افطار کند، به من دستور می داد که در خانه را باز گذارم تا هر کس از راه می رسد وارد شود و اگر به غذا میل دارد، بتواند از آن بخورد. امرا آن شب مرا بر در خانه نشانند تا از ورود مردم جلوگیری کنم و فرمود: «علی جان! این غذایی است که جز بر من حرام است.»

امیر مؤمنان ۷ می افزاید: من به دستور پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کنار در خانه نشستم و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با ارمغان آسمانی تنها ماند. هنگامی که سرپوش را از روی طبق برداشتند، دیدم خوشه ای خرمای تازه و خوشه ای انگور در آن سینی نهاده شده است. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از آن ارمغان آسمانی سیر خوردند و سپس آب گوارا نوشیدند. آن گاه دست مبارک را برای شست و شو دراز کردند. جبرئیل آب بر دست مبارکشان ریخت؛ میکائیل شست و شو داد و اسرافیل با دستمالی دست آن حضرت را خشک کرد. سپس باقی مانده غذا با ظرف آن به سوی آسمان بالا رفت.

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برخاست تا نماز (نافله) آغاز کند که جبرئیل پیش آمد و گفت: «اینک نماز بر تو ممنوع است تا به سرای خدیجه بروی؛ چرا که خدا به ذات پاکش سوگند یاد کرده که امشب از شما، فرزندی پاک و پاکیزه و نسلی سرفراز را پدید آورد.»

در این هنگام، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از چهل روز کناره گیری برخاست و شتابان به سرای خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ

آن بانوی بزرگوار می گوید: من دیگر با تنهایی خو گرفته بودم. از این روی، هنگامی که شب فرا می رسید، سرم را می پوشانیدم و پرده ها را می انداختم و پس از نماز و بستن در خانه، چراغ را خاموش می کردم و در بستر خود می آرامیدم.

آن شب میان خواب و بیداری بودم که ناگهان پیامبر محبوب، در خانه را به صدا درآورد. گفتم: «کوبنده در خانه کیست که جز محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آن را نمی کوبد؟»

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با نوای دل نشین و لحن آرام بخش و زیبایی فرمود: «خدیجه، منم محمد. در را باز کن.» در اوج شادمانی از آمدن پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، برخاستم و در را گشودم و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وارد شد. بنای آن حضرت این بود که هر گاه به خانه وارد می شد، ظرف آب می خواست و وضو می گرفت و به اختصار دو رکعت نماز می خواند. سپس به بستر می رفت. اما آن شب، آب نخوast و آماده نماز نشد. بازوی مرا گرفت و به بستر خود برد.

آن گاه خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ سوگند یاد می کند: «به خدایی که آسمان بلند را برافراشت و آب را از زمین جوشاند و جاری ساخت، آن شب هنوز پیامبر خدا از من دور نشده بود که نور فاطمه را در رحم خود یافتم و سنگینی حمل را احساس کردم.» (۱)

### ولادت حضرت زهرا عَلِيهَا السَّلَامُ و احترام بانوان بزرگ به خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ

شیخ صدوق در کتاب امالی، به سند خود از مفضل بن عمر چنین باز می گوید:

از امام جعفر صادق عَلِيهِ السَّلَامُ پرسیدم: «ولادت فاطمه عَلِيهَا السَّلَامُ چگونه انجام شد؟» در پاسخ فرمود: «هنگامی که خدیجه با رسول خدا ازدواج کرد، زنان مکه [از سر عناد با اسلام] از خدیجه دوری می کردند؛ به خانه او نمی رفتند؛ به او سلام نمی دادند و نمی گذاشتند زنی با خدیجه دیدار کند. از این روی، وحشت و هراس بر خدیجه روی آورد و از این که مبادا به رسول خدا آسیبی برسانند. سخت غمگین و بی تاب شد. هنگامی که خدیجه، فاطمه را باردار شد، فاطمه در رحم مادر با او سخن می گفت و در فراز و نشیب ها، او را به پایداری و شکیبایی فرا

ص: ۲۵۹

می خواند. مادرش این رویداد شگرف را از پیامبر نهران می داشت؛ تا آن که روزی حضرت رسول به خانه وارد شد و دید، خدیجه با کسی سخن می گوید. از او پرسید: با چه کسی سخن می گویی؟

خدیجه پاسخ داد: فرزندی که در رحم دارم با من سخن می گوید و هنگام تنهایی مونس من است. پیامبر فرمود: خدیجه! این فرشته وحی است. برای من خبر آورده است که آن کودک پرشکوه، دختر است و مادر فرزندان پاک و مبارک. خدا نسل مرا از او قرار خواهد داد و پس از فرود قرآن و وحی، از نسل او پیشوایانی که برگزیدگان بارگاه او در زمین اند، برخواهد گزید.»

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به همین ترتیب ایام بارداری را سپری کرد تا آن که ولادت فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ نزدیک شد. از این روی، برای زنان قریش پیام فرستاد که بیایید و مرا در وضع حمل یاری کنید؛ چنان که بانوان، زنان را چنین هنگامی به کمک می خوانند. ولی زنان قریش و دیگران برایش پیام دادند که تو حرف ما را نشنیدی و سخن مان را رد کردی و با محمد، یتیم ابوطالب، که فقیر بود ازدواج کردی. از این روی، نزد تو نمی آییم و به هیچ روی تو را یاری نخواهیم کرد.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از این پیام ناراحت و غمگین شد. اما همان هنگام، ناگهان چهار زن بزرگوار که زیبایی و درخشندگی چهره هایشان وصف ناپذیر بود، بر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ وارد شدند. او از دیدن آنان هراسناک شد، ولی یکی از ایشان گفت: «ای خدیجه! محزون مباش! ما از سوی خدا نزد تو آمده ایم. ما خواهران توایم. من ساره (همسر ابراهیم خلیل) هستم، و این آسیه دختر مزاحم است که در بهشت همنشین تو است. آن دیگری مریم دختر عمران است و آن یکی، کلثم خواهر موسی است. خداوند ما را نزد تو فرستاده تا هنگام وضع حمل یاری ات کنیم.»

در این هنگام، یکی از ایشان در جانب راست خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نشست و دیگری در سمت چپ، سومی روبه رو و چهارمی پشت سر قرار گرفت. بدین ترتیب، فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ، هنگام طلوع خورشید جهان افروز، پاک و پاکیزه به دنیا آمد و وجودش پرتوی افکند که همه خانه های مکه را نورباران ساخت. آن گاه شماری از حوریان بهشت که هر یک طشت و

ظرفی لبریز از آب کوثر با خود داشتند، وارد خانه پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شدند و آن دخت بهشتی را که پاک و پاکیزه بود با آب کوثر شست و شو دادند. سپس دو پوشش سپید و عطر آگین بر او پوشاندند و از وی خواستند تا سخن بگوید. آن نوزاد به خواست خدا لب به سخن گشود و گفت: «گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست و پدرم، رسول خدا و آقای پیامبران است و شوهرم سرور اوصیا است و فرزندانم دو آقای سبط اند.»

سپس به زنان و حوریان روی کرد و به هر یک با نام و نشان سلام گفت. آنان با روی شاد و خندان، به فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ توجه کردند و حوریان و اهل آسمان، به یکدیگر ولادت فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ را مژده می‌دادند. ناگهان در آسمان نوری آشکار شد که فرشتگان پیش از آن، چنین نوری را ندیده بودند.

زنان برگزیده بهشت، نوزاد را به مادرش دادند و گفتند: «فرزند خود را که پاک و پاکیزه و پریمنت و مبارک است و نسلی پربرکت دارد بگیر.» خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با شادی فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به آغوش گرفت و پستان در دهان او گذاشت و به شیر دادنش سرگرم شد. (۱)

ابن

عساکر در کتابش، تاریخ دمشق، می‌نویسد: «بانوی بزرگ حجاز، خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ، این گونه بود که هر گاه خدا به او فرزندی می‌داد، او را به دایه ای شایسته می‌سپرد تا شیرش دهد، اما هنگامی که دخت ارجمندش، فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ ولادت یافت، وقتی پستان در دهانش گذاشت، شیر جاری شد. بنا بر این خودش فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ را شیر داد و پرستاری او را بر دوش گرفت.» (۲)

### افتخار اهل بیت علیهم السلام به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و همه امامان معصوم ۷ به وجود نازنین حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ افتخار کرده اند و در کلامشان همواره از ایشان به بزرگی یاد می‌کردند.

گفته اند امام حسین ۷ روز عاشورا در خطبه ای، خود را برای دشمنان این گونه معرفی کرد:

ص: ۲۶۱

- ۱- همان، ج ۶، ص ۲۴۷ و ج ۱۶، ص ۸۰ - ۸۱ و ج ۴۳، ص ۲.
- ۲- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۱۵۲.



«آیا می دانید که جدّه من، خدیجه دختر خویلد است؟» (۱)

و در کلام دیگری فرمود: «آیا می دانید که من، فرزند همسر پیامبر شما، خدیجه هستم؟» (۲)

روایت ها

چنین می گویند که امام سجّاد عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز در فرازی از خطبه معروف خود در مجلس یزید فرمود: «انا ابن خدیجه الکبری؛ (۳) من پسر خدیجه، بانوی بزرگ [اسلام] هستم.»

هم چنین در فرازی از دعای ندبه آمده است: «کجا است پسر پیامبر برگزیده و پسر علی مرتضی و پسر خدیجه والامقام؟»

گفته اند در روز یازدهم محرّم سال ۶۱ هجری، وقتی حضرت زینب ۳ کنار پیکرهای پاره پاره و خونین شهیدان آمد، پس از ذکر پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و علی عَلَیْهِ السَّلَامُ، از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز یاد کرد و فرمود: «پدرم به فدای خدیجه، بانوی بزرگ، باد.» (۴)

آورده اند که امام حسن مجتبی ۷ در پاسخ به اهانت های معاویه به علی عَلَیْهِ السَّلَامُ، فرمود: «ای آن که از علی به بدی یاد می کنی! منم حسن و پدرم علی... و مادرم فاطمه و جدّم رسول خدا و جدّه من خدیجه است...» (۵)

### یادکرد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به نیکی

حضرت

محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همیشه از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به نیکی یاد می کرد. می گویند روزی پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نزد چند تن از همسرانش نشسته بود که ناگاه از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سخن به میان آمد. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چنان متأثر شد که قطره های اشک از چشمانش فروریخت. یکی از همسران حضرت پرسید: «چرا گریه می کنی؟ آیا باید برای پیرزنی از فرزندان اسد گریه کرد؟» پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از شنیدن این سخن ناراحت شد و در پاسخ وی فرمود: «هنگامی که شما مرا تکذیب می کردید، او مرا تصدیق کرد و هنگامی که به من کافر بودید، او به من ایمان آورد.» (۶)

ص: ۲۶۲

۱- مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۱۸.

۲- همان، ج ۴۵، ص ۶.

۳- همان، ج ۴۴، ص ۱۷۴.

۴- همان، ج ۴۵، ص ۵۹.

۵- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ص ۱۷۳.

٦- . مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ١٦، ص ٨.

روزی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به عایشه که در حال برتری جویی بر فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود، فرمود: «آیا نمی دانی که خداوند آدم، نوح، آل ابراهیم، آل عمران، علی، حسن، حسین، حمزه سیدالشهدا، جعفر، فاطمه و خدیجه را بر جهانیان برگزید.» (۱)

روز دیگری هاله، خواهر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، برای زیارت حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به مدینه آمد. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با دیدار او به یاد یار از دست رفته اش، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ افتاد و از شدت اندوه بر خود لرزید. وقتی که هاله رفت، عایشه عرض کرد: «چقدر از پیرزن قریش که سال خوردگی، صورتش را چروکین و سرخ کرده بود یاد می کنی؟! در صورتی که اکنون روزگار، او را نابود کرده و خدا همسری بهتر از او به شما عطا فرموده است؟»

رنگ رخسار پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از این سخن ناروای عایشه برافروخته شد و با رنجیدگی خاطر به او فرمود: «نه، نه! به خدا سوگند که هیچ گاه بهتر از خدیجه نصیبم نشد. او هنگامی به من ایمان آورد که مردم مرا تکذیب می کردند و هنگامی با ثروت و همه وجودش به یاری من شتافت که دیگران مرا محروم ساختند.» (۲)

آورده اند، هر گاه پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گوسفندی قربانی می کرد، از گوشت آن برای دوستان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می فرستاد و می فرمود: «من دوستان خدیجه را نیز دوست می دارم.» (۳)

روزی پیرزنی نزد رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد. آن حضرت به او لطف سرشار خویش را ابراز کرد. وقتی پیرزن رفت، عایشه دلیل آن همه مهربانی را به پیرزن پرسید. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در پاسخ فرمود: «این پیرزن در عصر زندگی خدیجه به خانه ما می آمد [و از کمک ها و الطاف سرشار خدیجه برخوردار بود]. همانا نیک نگه داشتن پیمان و پیشینه، از ایمان است.» (۴)

ص: ۲۶۳

- ۱- همان، ج ۳۷، ص ۶۳.
- ۲- شوشتری، محمّد تقی تستری، قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۳۲؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۸؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۷۵.
- ۳- محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۶.
- ۴- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۱۰۸.

در روایتی از ام سلمه آمده است: در روز عروسی حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ در محضر رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفتیم: «اگر خدیجه بود، امروز چشمش روشن می شد.» ناگهان دیدیم رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) متأثر شد و گریست. سپس فرمود: «خدیجه! کجا است همانند خدیجه؟ آن زمان که همه، مرا تکذیب می کردند، او مرا تصدیق کرد. وی مرا برای [گسترش] دین خدا یاری رساند و با ثروت خویش مرا [در] پیشبرد دین کمک کرد. خداوند تعالی به من فرمان داده است، خدیجه را به داشتن خانه ای از گوهر در بهشت مژده دهم؛ خانه ای که رنج و ناآرامی در آن نیست.» (۱)

ابوالعاص بن ربیع، خواهرزاده خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ (فرزند هاله) بود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ او را مانند فرزندان خود دوست می داشت. به همین دلیل، از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواست او را به دامادی خویش بپذیرد و زینب (یکی از دختران خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ) را همسر او گرداند. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درخواست خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را پذیرفت و با این ازدواج موافقت کرد. هنگامی که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به مدینه هجرت کرد، زینب و رقیه در مکه ماندند. در جنگ بدر، ابوالعاص که در لشکر دشمن قرار داشت، به اسارت سپاه اسلام درآمد. پس از مدتی، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تصمیم گرفت اسیران کفار را با گرفتن فدا آزاد کند. ابوالعاص نیز برای زینب پیام فرستاد که اموالی را به منزله فدیة به مدینه بفرستد تا او را آزاد سازند. زینب اموالی را فراهم کرد و گردنبد خویش را که مادرش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در شب عروسی بر گردنش آویخته بود، بر سر آن اموال نهاد و برای ابوالعاص فرستاد.

ابوالعاص آن اموال و گردنبد را نزد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آورد تا خویش را آزاد سازد. همین که چشم پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به آن گردنبد افتاد، به یاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ قلبش فروریخت و قطره های اشک چون دانه های مروارید از چشمانش سرازیر شد. آن گاه فرمود: «خداوند خدیجه را رحمت کند. این گردنبدی است که خدیجه آن را برای زینب فراهم کرده است.»

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ابوالعاص را به این شرط که زینب را آزاد بگذارد و از هجرت او به مدینه جلوگیری نکند، آزاد کرد. او نیز پس از آزادی، به این شرط عمل کرد و به عهد خویش وفا نمود. (۲)

ص: ۲۶۴

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۰ - ۱۳۱.

۲- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۲۲۶؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص

بنا بر نقل دیگر، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از دیدن گردن‌بند به یاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ افتاد و گریست. آن گاه فرمود: «مثل این که بر زینب بسیار سخت گذشته که یادگار مادرش را از گردن گشوده و برای ما فرستاده است.» مسلمانان وقتی این حال پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را دیدند، عرض کردند: «ای رسول خدا، ما از حق خود گذشتیم. اختیار آن گردن‌بند با شما! اگر می‌خواهید آن را برای خود نگه دارید و اگر نمی‌خواهید، آن را برای زینب بفرستید.» به نقل دیگر، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از مسلمانان اجازه خواست و مسلمانان چنین پاسخ دادند. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز ابوالعاص را آزاد کرد و گردن‌بند و اموال را برای زینب باز فرستاد. به ابوالعاص نیز فرمود: «بدان که زینب به تو حلال نیست؛ زیرا او مسلمان است و تو کافری. هر گاه به مکه رفتی، زینب را نزد من بفرست.» ابوالعاص شرط پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را پذیرفت. پیامبر «زید بن حارثه» را برای آوردن زینب به مکه فرستاد و ابوالعاص زینب را به سوی مدینه روانه کرد. سرانجام ابوالعاص پیش از فتح مکه مسلمان شد و به مدینه آمد. سپس بار دیگر زینب را عقد کرد و به زندگی ادامه دادند. (۱)

### تَسْلَى خَاطِر دَادَن پِیَامِبِر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِه خَدِیجَه عَلَیْهَا السَّلَامُ

بنا بر روایت‌های معتبر، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) صاحب دو پسر به نام‌های قاسم و عبد الله شد، ولی هر دو در همان کودکی از دنیا رفتند.

می‌گویند روزی پس از وفات قاسم، رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وارد خانه شد و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را گریان دید. پرسید: «چرا گریه می‌کنی؟» خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گفت: «به یاد قاسم افتادم و گریه کردم.» پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «ای خدیجه! آیا خشنود نمی‌شوی، روز قیامت جلوی در بهشت برسی و آن کودک (قاسم) آن جا ایستاده باشد و دستت را بگیرد و تو را در عالی‌ترین خانه بهشت جای دهد؟ خداوند تعالی بزرگ‌تر از آن است که میوه دل مؤمنی را بگیرد و او صبر و تحمل کند و آن را در راه خدا بداند و خدا را حمد و سپاس گوید؛ با این حال، وی را عذاب کند.» (۲)

ص: ۲۶۵

۱- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۲۳۶؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۱۲۱، ۱۲۶.

۲- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۳، ص ۶۱۸.

شبهه این روایت را در باره رحلت عبد الله نیز باز گفته اند. بنا بر روایتی، هنگامی که عبد الله از دنیا رفت، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بسیار گریه می کرد. رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وی را دللداری می داد و از گریه کردن بازمی داشت. روزی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گفت: «ای رسول خدا، باید صبر و تحمل کرد، ولی بی اختیار به یاد طاهر (عبد الله) (۱) افتادم و گریه امانم نداد.» آن گاه رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به ایشان فرمود: «آیا دوست نداری در روز قیامت، طاهر کنار در بهشت ایستاده باشد و وقتی تو را دید، دستت را بگیرد و تو را وارد عالی ترین و پاک ترین درجه های بهشت کند؟»

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پرسید: «به راستی چنین خواهد شد؟» پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «آری، خداوند تعالی بزرگوارتر از آن است که میوه دل بنده ای را بگیرد و او صبر و تحمل کند و آن را به حساب خدا گذارده، شکر الهی را به جای آورد؛ با این حال، وی را عذاب کند.» (۲)

### رحلت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

مسلمانان در جریان محاصره اقتصادی و اقامت اجباری در شعب ابی طالب، که حدود سه یا چهار سال به طول انجامید، سختی های فراوانی را تحمل کردند. در این دوران، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ حدود ۶۳ یا ۶۵ سال سن داشت. (۳) فشارها و سختی های محاصره و اقامت در شعب، آسیب های جسمی و روحی بسیاری بر جای گذاشت که از جمله آن ها، بیمار شدن حضرت ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود. بر پایه برخی روایت ها، دو ماه پس از شکستن محاصره،

ص: ۲۶۶

۱- چون عبدالله پس از بعثت به دنیا آمد، به وی طیب و طاهر می گفتند.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۵ - ۱۶.

۳- در باره زمان وفات حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اختلاف هایی وجود دارد. محمد بن اسحاق می گوید: «خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و ابوطالب در یک سال از دنیا رفتند.» (ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۱۵۶) یعقوبی می گوید: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سه سال پیش از هجرت، در ماه مبارک رمضان درگذشت و ۶۵ سال عمر کرد. (ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵) از واقعی نیز نقل شده است: هنگامی که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و دیگر مسلمانان، سه سال پیش از هجرت از شعب خارج شدند، ابوطالب درگذشت و خدیجه نیز شش ماه پس از وفات حضرت ابوطالب از دنیا رفت. (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۱۴) در نقل دیگری آمده است که حضرت خدیجه، ۳۵ شب پیش از حضرت ابوطالب از دنیا رفته است (ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۱۵۶)

ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ از دنیا رفت و پس از مدتی در روز دهم ماه رمضان سال دهم بعثت، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز درگذشت.

معاذ بن جبل می گوید: رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به بالین خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آمد و او را در حال جان سپردن دید. فرمود: «ای خدیجه! از رنج و اندوهی که برای تو پیش آمده، نگران و اندوهگینم، ولی خداوند در رنج و اندوه، خیر بسیاری قرار داده است. هنگامی که نزد همدمان خود وارد شدی، سلام مرا به آنان برسان.»

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ عرض کرد: «ای رسول خدا! آن همدمان چه کسانی اند؟» پیامبر فرمود: «آنان عبارت اند از: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم و کلیمه خواهر موسی.» (۱)

### اندوه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در فراق خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از درگذشت حضرت ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بسیار ناراحت شد و آن سال را عام الحزن (سال اندوه) نامید. فراق خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، مصیبتی بزرگ و جان کاه بود؛ چرا که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در طول ۲۵ سال زندگی مشترک با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، شب و روز همدم و مونس و یار مخلص و شریک غم های پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. از سوی دیگر، برخی به سبب وجود خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آزار نمی رساندند. ولی پس از وفات او، دستشان به آزار آن حضرت باز شد.

چند روزی از رحلت جان سوز دو یار مهربان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ نمی گذشت که کافران جرئت بیشتری برای آزار و اذیت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) یافتند.

گاهی که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از کوچه های مکه عبور می کرد، ناگاه یکی از مزدوران قریش ظرفی پر از خاک روبه را بر سر آن بزرگوار می ریخت. در چنین مواقعی، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خانه بازمی گشت و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با کمال مهر و محبت، سر و صورت آن حضرت را می شست. این برخوردهای پر مهر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، مرهمی بر زخم های پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود.

موضع گیری های خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در دفاع از اسلام و رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، از عوامل مهم تحکیم و

ص: ۲۶۷

گسترش اسلام بود. او نخستین بانوی مسلمان بود و ایشار و مقاومتش، با شمشیر امیر مؤمنان، علی عَلَیْهِ السَّلَامُ هم طراز بود. درگذشت او، یکی از ستون های استوار و محکم اسلام را ویران کرد.

آری، فراق خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بسیار جان سوز و دردآور بود. از این رو، می گویند پس از این رویداد، رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای مدتی کمتر از خانه بیرون می آمد. (۱) آن حضرت همواره می فرمود: «تا هنگامی که ابوطالب و خدیجه زنده بودند، هرگز غم و اندوهی بر دل من راه نیافت...». پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هرگز از خانه بیرون نمی رفت، مگر این که از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یاد می کرد... (۲).

بنا بر نقلی دیگر، پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرموده اند: «از قریش هیچ گزندی به من نرسید، تا این که ابوطالب از دنیا رفت.» (۳)

قریش پس از رحلت ابوطالب عَلَیْهَا السَّلَامُ جرئت یافتند که به رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جسارت و بی حرمتی کنند. برخی از آنان بر سر آن حضرت، خاک و بعضی هنگام نماز، روده و احشای گوسفند می ریختند. (۴)

### مراسم خاک سپاری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با این که برای اسلام نهایت فداکاری را کرد و پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیوسته به او مژده بهشت می داد، از مرگ می ترسید و خود را بنده ای کوچک و ناچیز می دانست و از درگاه خدا می خواست که در عالم قبر و برزخ خشنود شود. او از پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواست که برایش مغفرت طلب کند و از آن حضرت می خواست که هنگام مرگ و خاک سپاری، به او لطف ویژه داشته، در قبرش بخواهد و با این کار، رحمت الهی را وارد قبر سازد. اما گویا خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شرم داشت از پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درخواست دیگری بکند. از این روی، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ را که حدود پنج سال داشت، واسطه قرار داد و به او فرمود: «دخترم، نزد پدر برو و از او بخواه پیکرم را با یکی از

ص: ۲۶۸

۱- همان، ص ۲۱.

۲- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۲، ص ۵۹.

۳- همان.

۴- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۹۱.



بنا بر نقل معروف، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در روز دهم ماه رمضان سال دهم بعثت از دنیا رفت. هنگامی که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در گذشت، فرشتگان رحمت از سوی خداوند تعالی کفن ویژه ای برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نزد رسول خدا آوردند. این هدیه، افزون بر این که مایه برکتی برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود، موجب تسلای خاطر رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شد. بدین ترتیب، خداوند از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تجلیل و تقدیر کرد. پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، پیکر پاک حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را با آن کفن پوشانید.

به دستور رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از مراسم کفن، پیکر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به دامنه کوه حجون (قبرستان معلی) بردند و در کنار مرقد پاک حضرت ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ برای او قبری آماده کردند. پیامبر خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بنا بر وصیت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ وارد قبر شد و پیکر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را با دست مبارکش در دل خاک قرار داد.(۲) از آن پس، مرقد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از مکان های مقدسی شد که همه ساله در موسم حج و غیر آن، عاشقان اهل بیت: برای زیارت و اظهار ادب و اخلاص به آن جا روی می آورند.

### مقام ارجمند حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در قیامت

امام باقر ۷ از پیامبر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل می کند که فرمودند: «هنگامی که روز قیامت فرا رسد، برای رسولان و پیامبر منبرهایی از نور نصب می شود و منبر من در قیامت بلندترین منبرها است... هم چنین برای اوصیا، منبرهایی از نور نصب می شود که منبر حضرت علی از همه ارجمندتر است. هم چنین برای فرزندان پیامبران منبرهایی از نور نصب می شود که منبر امام حسن و امام حسین از همه آنها باشکوه تر است. آن گاه من و علی و حسن و حسین به فرمان خدا خطبه می خوانیم.

سپس منادی خدا، جبرئیل فریاد می زند: کجا است فاطمه دختر محمّد؟ کجا است خدیجه دختر خویلد؟ کجا است مریم دختر عمران؟ کجا است آسیه دختر مزاحم؟ کجا

ص: ۲۶۹

۱- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۷۵.

۲- مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۸.

است امّ کلثوم مادر یحیی بن زکریا؟

همه برمی خیزند. آن گاه خداوند خطاب به مردم می فرماید: ای مردم محشر! امروز بزرگی مقام و بزرگواری از آن کیست؟

پیامبر، علی، حسن و حسین می گویند: از آن خدای یکتا و توانا است. خداوند می فرماید: ای مردم محشر! من مقام ارجمندی را برای محمّد، علی، حسن، حسین و فاطمه قرار دادم. سرها را در گریبان کنید و چشم ها را فروخواهید که اینک این فاطمه است که به سوی بهشت می رود.

در حالی که فاطمه بر شتری سوار است که صد هزار فرشته در جانب راستش و صد هزار در جانب چپ و صد هزار فرشته پره‌ای خود را در زیر پای آن شتر قرار می دهند، تا این که آن حضرت را به درگاه بهشت برسانند...» (۱)

در حدیث آمده است: «آسیه، مریم و خدیجه در پیشاپیش حضرت زهرا همانند پیش قراولان و حاجبان به سوی بهشت روانه می شوند.» (۲)

### سخنان بزرگان درباره حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

سخنان بزرگان در باره خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ (۳)

دانشمندان، نویسندگان و تاریخ نگاران، حتی با گذشت زمان و اختلاف مذهب و اندیشه، همگی در ستایش ام المؤمنین، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اتفاق نظر دارند. همه آنان از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با نیکی و بزرگی یاد کرده و عقیده صادق، ایمان استوار، فداکاری و از خود گذشتگی وی را ستوده اند؛ در حالی که در ارزش یابی دیگر زنان پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، اختلاف نظرهایی وجود دارد. این نویسندگان و تاریخ نگاران، از برخی زنان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با طعن و انتقاد یاد می کنند و این نشانه تفاوت ها و امتیازهایی است که میان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و دیگر همسران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وجود داشت. گرچه دیدگاه های بسیاری در باره عظمت شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ وجود دارد، در این جا به

ص: ۲۷۰

۱- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، بنا بر نقل مجلسی، محمّد باقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۶۴ - ۶۵ (با تلخیص).

۲- همان، ص ۳۷.

۳- علی دخیل، علی محمّد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، ص ۲۸ - ۳۴.

چند نمونه اشاره می کنیم:

۱. ام سلمه به پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفت: «تو از خدیجه امری را بیان نمی کنی، مگر این که او آن چنان بود که می گویی، جز این که به سوی پروردگارش شتافت. پس خداوند این را برای او گوارا کند و میان ما و او را در بهشت خود گرد آورد.» (۱)

۲. از زبیر بن بکار روایت شده است: «خدیجه را در جاهلیت طاهره می خواندند.» (۲)

۳. ابن اسحاق گفته است: «خدیجه برای اسلام وزیر صداقت بود. (۳) وی زنی دورانیش، شریف و خردمند بود، با آن کرامتی که پروردگار آن را برای او خواسته بود.» (۴)

۴. هشام بن محمّد روایت کرده است: «رسول خدا خدیجه را دوست داشت و به وی احترام می گذاشت و در همه کارها با او مشورت می کرد. او وزیر راستی بود و نخستین کسی است که به پیامبر ایمان آورد، و رسول خدا تا زمانی که خدیجه زنده بود، هرگز همسر دیگری برنگزید. همه فرزندان آن حضرت، جز ابراهیم، از خدیجه هستند.» (۵)

۵. ابن اثیر گفته است: «خدیجه، زنی دورانیش، خردمند و شریف بود، با آن همه بزرگواری و کرامتی که پروردگار برای او اراده کرده بود. پس خدیجه شخصی را نزد رسول خدا فرستاد و به ایشان پیشنهاد ازدواج داد. او شریف ترین زنان قریش از نظر نسبت و از همه آنان ثروتمندتر و شریف تر بود. همه قومهش به ازدواج با وی علاقه مند بودند.» (۶)

۶. بنا به گفته محمّد بن احمد ذهبی: «خدیجه، ام المؤمنین و سرور زنان جهانیان در زمان خویش است. او امّ القاسم، دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزّی بن قصی بن کلاب قرشی اسدی و مادر فرزند رسول خدا است. وی نخستین بانویی است که اسلام آورد و پیش

ص: ۲۷۱

۱- . امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱۵، ص ۷۹.

۲- . ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۸۲؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۷۳.

۳- . ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۹.

۴- . ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۰.

۵- . سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۳۱۲.

۶- . ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۴.

سخنان بسیاری در منقبت و بزرگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بیان شده است. او بانویی خردمند، بزرگوار، دین دار، پاک دامن و از زنان اهل بهشت بود. رسول اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همواره خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را می ستود و بر دیگر زنان برتری می داد و او را بسیار بزرگ می داشت؛ تا جایی که عایشه می گفت: «آن گونه که به خدیجه حسد ورزیدم، به زن دیگری رشک نبردم؛ زیرا پیامبر از او بسیار یاد می کرد.»(۲)

پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ صاحب فرزندان شد و تا وی زنده بود، همسر دیگری برنگزید و پس از وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بسیار غمگین شد؛ زیرا او بهترین خویشاوند و یاور وی بود. خداوند به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمان داد که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به خانه ای زبرجد در بهشت بشارت دهد که در آن، هیچ رنج و اندوهی نباشد.(۳)

۷. عبدالملک بن هشام نیز گفته است: «خدیجه، دختر خویلد به پیامبر ایمان آورد و آنچه را از خداوند به وی نازل شده بود، تصدیق کرد. پس پروردگار بدین امر، بار اندوه پیامبرش را سبک کرد، و پیامبر پاسخی ناخوشایند و تکذیبی برای رسالتش که او را غمگین کند، نشنید؛ مگر این که خداوند آن را به وجود خدیجه برطرف ساخت.»(۴)

۸. جمال الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن جوزی نیز در باره خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گفته است: «چون امر نبوت ظاهر شد، خدیجه به اسلام گروید. او نخستین بانویی است که به پیامبر ایمان آورد و پیامبر نیز با زن دیگری ازدواج نکرد، تا این که خدیجه از دنیا رفت. همه فرزندان آن حضرت، جز ابراهیم، از خدیجه هستند.»(۵)

ص: ۲۷۲

- 
- ۱- . ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۸۲.
  - ۲- . ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۸؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۷۵.
  - ۳- . ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۸۱.
  - ۴- . ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۵۷.
  - ۵- . ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، صفه الصفوه، ج ۲، ص ۲.

۹. حافظ عبدالعزیز جنابذی حنبلی در کتابش معالم العتره النبویه نوشته است: «خدیجه زنی دورانیش، خردمند و شریف بود. او در آن روز از نظر نسب، پاک ترین قریش و شریف ترین و ثروتمندترین آنان بود. همه قومش بر ازدواج با او سخت حریص بودند، ولی او خودداری ورزید و خود، ازدواج با پیامبر اکرم را به ایشان پیشنهاد کرد و گفت: ای پسر عمو، من به تو میل و رغبت دارم؛ به سبب خویشاوندی ات با من و شرف در میان قومت و امانتت نزد آنان و خوش اخلاقی و راستی گفتارت.» (۱)

۱۰. از اشرف علی هندی روایت شده است: «خدیجه از بهترین زنان پیامبر و محبوب ترین آنان نزد او بود. وی در انتظار نبوت پیامبر بود و این امر را از پسر عمویش می پرسید و از دلایلی که آنها را می شناخت، به او خبر می داد و می گفت: سوگند به پروردگار، او نبی منتظر است.»

۱۱. سید عبدالحسین شرف الدین گفته است: «خدیجه، صدیقه این امت و از نظر ایمان به پروردگار و تصدیق کتاب او و یاری رسول خدا، نخستین کس است. او ۲۵ سال، بی آن که زنی دیگر در زندگی اش شریک باشد، با پیامبر، زندگی کرد و اگر زنده می ماند، پیامبر باز هم شریک دیگری برای او بر نمی گزید. او در طول زندگانی زناشویی، پیوسته شریک درد و رنج پیامبر بود. با مال خود به او نیرو می بخشید و با همه گفتار و کردار از وی دفاع می کرد و آزار و شکنجه کافران را در راه رسالت و ادای آن، به او تسلا می داد. هنگامی که نخستین بار وحی نازل شد، او و علی علیه السلام در غار حرا بودند.» (۲)

۱۲. عبدالله علایلی روایت کرده است: «خدیجه علیها السلام از دردهای مبارزه ای هم نشینش، پیامبر استقبال می کرد و در امواج این پیکار، دوشادوش او در کمال فعالیت، شکیبایی، قاطعیت و خداجویی غوطه ور می شد؛ بی آن که سست شود یا هراسی به دل راه دهد، بلکه از این پل های غم و اندوه و حوادث سنگین با تبسم و بزرگواری عبور می کرد؛ چنان که مانند

ص: ۲۷۳

۱- ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه، ص ۱۳۳.

۲- موسوی عاملی، سید عبدالحسین شرف الدین، عقيله الوحی، ص ۲۰.

این، جز از سازندگان تاریخ، پیشینه نداشته است. او با سینه باز و گشاده و قامت شعله ور از ایمان خود، از توفان حوادث استقبال می کرد، بی آن که احساسی از بازتابی ویرانگر یا اضطرابی چون صاعقه داشته باشد.»<sup>(۱)</sup>

۱۳. عمر ابونصر می گوید: «به خدیجه، دختر خویلد، بانوی جلیل القدر عرب، شرف نسب و کرامت گوهر و سروری قبیله و عزت عشیره و فراوانی مال پایان یافته است. به همین دلیل، نیاز تهی دست را برمی آورد و گرسنه را سیر می کرد و برهنه را می پوشانید. پس خدیجه در اخلاق و نسب و ثروت، میان قوم خویش و همگنانش یگانه و منحصر بود.»<sup>(۲)</sup>

۱۴. علی ابراهیم حسن می نویسد: «هر گاه بخواهیم نمونه ای از یک همسر با اخلاص و پاک دامن و زنی باوقار و خردمند نشان دهیم، نمی توانیم بهتر از خدیجه، ام المؤمنین، را بیابیم. این بانوی بسیار خردمند، جاهلیت و اسلام را درک کرد و جایگاهی ممتاز داشت؛ تا جایی که طاهره نامیده شد. او از مال، جمال و کمال یک جا بهره برده بود و این ویژگی های سه گانه، هر گاه یک جا جمع شوند، به زن آثاری از عظمت و بلندی مقام می دهند، و خدیجه چنین بود. خدیجه نخستین بانویی بود که به اسلام گروید و از همان زمان، با همسرش نماز می گزارد و او را یاری می کرد و از روح خود، وی را استوار و نیرو می بخشید. پیامبر از خانه بیرون می رفت تا اسلام را به قوم خود بشارت دهد، ولی از آنان جز تکذیب و اهانت نمی دید. پس غمگین و ناامید به خانه بازمی گشت و این خدیجه بود که غم را از چهره او می زدود و به وی امید می بخشید و کار را بر او آسان می کرد.»<sup>(۳)</sup>

۱۵. عمر رضا کحاله می گوید: «خدیجه به سال ۶۸ پیش از هجرت، در خانه مجد و سروری متولد شد و بر اخلاق پسندیده پرورش یافت و به دورانیشی و خرد و پاک دامنی آراسته شد؛ تا آن جا که قومش او را حتی در زمان جاهلیت طاهره می نامیدند.»<sup>(۴)</sup>

۱۶. بودلی در کتابش، رسول، می نویسد: «اطمینان خدیجه به مردی که او را دوست

ص: ۲۷۴

۱- . علایلی، عبدالله، مثلهنّ الأعلی السیده خدیجه، ص ۹۸.

۲- . قطیفی، عبدالله منصور، الزهراء فاطمه بنت محمّد، ص ۶.

۳- . ابراهیم حسن، علی، نساء لهن فی التاریخ الاسلامی نصیب، ص ۲۱ - ۲۳.

۴- . کحاله، عمر رضا، اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۶.

می داشت و تصدیق او و ایمان به وی تا واپسین دم، فزاینده فضای اعتمادی است که در نخستین مراحل عقیده وجود داشت؛ آن مراحلی که امروز، هر یک از شش تن ساکنان جهان مدیون آن اند.»<sup>(۱)</sup>

۱۷. سلیمان کتّانی می گوید: «خدیجه، دوستی خود را به همسرش بخشید؛ حال آن که احساس بخشش نمی کرد، بلکه احساس می کرد محبت و دوستی را از او می گیرد و همه سعادت را از او به دست می آورد. ثروتش را به او بخشید و حال آن که احساس نمی کرد که می بخشد، بلکه این احساس را داشت که از او هدایت را، که بر همه گنج های زمین برتری دارد، به دست می آورد. پیامبر نیز به او دوستی و قدرشناسی داد، که همین او را به عالی ترین درجه رسانید. او نیز احساس نمی کرد که آن را به خدیجه داده است، بلکه می فرمود: ما قام الاسلامُ الا بسیفِ علی و ثروه خدیجه؛ اسلام جز به شمشیر علی و ثروت خدیجه برپا نشد.

پیامبر، عمر و بهترین دوره جوانی خود را به خدیجه بخشید و به جای او همسر دیگری برنگزید، تا این که خدیجه روی در نقاب خاک کشید. پیامبر باز هم این احساس را نداشت که جوانی اش را به او بخشیده است، بلکه می گفت: نه، سوگند که پروردگار، مرا بهتر از او عوض نداده است. او به من ایمان آورد، هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند و با مال خویش مرا یاری کرد، هنگامی که دیگران مرا محروم کردند.»<sup>(۲)</sup>

۱۸. بنت الشاطی نیز می گوید: «خدیجه دختر خویلد، نخستین مادر برای مادران مؤمنان و نزدیک ترین زنان پیامبر از نظر خویشاوندی، و گرامی ترین آنها بر او در زندگی و مرگ است. او به محبت و گرامی داشت پیامبر، ۲۵ سال منحصر و یگانه بود و در آن مدت، زن دیگری با وی شریک نبود. خدیجه در سال های نخستین مظلومیت پیامبر، مانند یاری غم خوار و مبارز در کنار وی قرار گرفت و مقاومت کرد و رنج و عذابی را که پیامبر در راه رسالتش از قریش می دید، بر وی آسان کرد.»<sup>(۳)</sup>

«به زودی پس از خدیجه، میلیون ها زن به اسلام ایمان خواهند آورد، ولی تنها او، به

ص: ۲۷۵

- 
- ۱- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، بطله کربلاء، ص ۱۴.
  - ۲- کتّانی، سلیمان، فاطمه الزهراء وتر فی غمد، ص ۱۱۲.
  - ۳- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، بطله کربلاء، ص ۱۳.

منزله نخستین زن مسلمانی که پروردگار او را برگزید تا نقش عظیم خود را در زندگانی رسول قهرمان ایفا کند، باقی خواهد ماند، و در آینده، همه تاریخ نگاران مسلمان و غیر مسلمان، این نقش را در تاریخ ثبت خواهند کرد.»(۱)

۱۹. زینب، دختر علی فواز عاملی می گوید: «خدیجه، خردمند و دوراندیش و شریف و از نظر نسب، شریف ترین قریش و ثروتمندترین آنان بود. همه قوم او ازدواج با وی را آرزو داشتند، ولی نتوانستند.»(۲)

۲۰. ستیة قزاعه نیز در فضیلت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می گوید: «خدیجه، سرور قریش و ثروتمند مشهور آنان بود و جایگاهی والا و نسبی عالی داشت. خدیجه آن زنی نبود که این آرزوی محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به زودی برآورده کند؛ زیرا خداوند تعالی او را خواسته و مقدر کرده بود و خدیجه از مدت ها پیش در علم او بوده است.

تاریخ در برابر عظمت امّ المؤمنین، خدیجه سر فرود آورده، در برابرش متواضعانه و دست بسته می ایستد و نمی داند این بانو را در کدام شناسنامه بزرگان ثبت کند.»(۳)

۲۱. قدریه حسین نیز گفته است: «سرور زنان، خدیجه کبری، نمونه ای از پاک ترین، باشکوه ترین و والامقام ترین نمونه های زنان اسلام است.»(۴)

## کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (م ۶۵۶ ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار احیا الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ق.

۲. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران: انتشارات اسماعیلیان.

، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر،

ص: ۲۷۶

۱- . بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، موسوعه آل النبی، ص ۲۳۰.

۲- . جلال الدین سیوطی، عبدالرحمان بن کمال، الدر المنثور فی طبقات ربات الخدور، ص ۱۸۰.

۳- . بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، نساء محمد، ج ۱۶، ص ۲۰، ۳۷.

۴- . امیره قدریه، حسین، شهیرات النساء فی العالم الاسلامی، ص ۲ - ۵.



۱. ۱۳۹۹ق.

۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد جوزی بغدادی (م ۵۹۷ق)، صفه الصفوه، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۳ق.

۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل احمد، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

۴. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد (م ۲۳۰ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ق.

۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی (م ۵۸۸ق)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق: گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف: المكتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ق.

۶. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه، نجف: مطبعه العدل.

۷. ابن عساکر، علی بن حسن (م ۵۷۱ق)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.

۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م ۷۷۴ق)، البدایه والنهایه، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

۹. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ق)، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی سقاء، ابراهیم ایاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].

۱۰. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق (م ۲۸۴ق)، تاریخ یعقوبی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش.

۱۱. اربلی، علی بن عیسی (م ۶۹۳ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ق.

امیره قدریه، حسین، شهیرات النساء فی العالم الاسلامی، تهران: کتابخانه بنیاد دایره المعارف اسلامی

ص: ۲۷۷

١. كتابخانه بنیاد دایره المعارف اسلامی، [بی تا].

٢. امین عاملی، سید محسن (م ١٣٧١ ق)، اعیان الشیعه، تحقیق: سید حسن امین، بیروت: دارالتعارف، ١٤٠٣ ق.

٣. بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن (م ١٤١٩ ق)، بطله کربلاء، بیروت: دارالندلس.

٤. موسوعه آل النبی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، اصفهان: کتابخانه عمومی زهرائیه نجف آباد، ١٣٨٧ / ١٩٦٧.

٥. نساء النبی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤٠٦ ق.

٦. جلال الدین سیوطی، عبدالرحمان بن کمال بن محمد خضیری (م ٩١١ ق)، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، بیروت: دار الفکر، ١٤١٤ ق.

٧. حمیری قمی، عبد الله بن جعفر (م ٣٠٠ ق)، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ١٤١٣ ق.

٨. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، تحقیق: شعیب ارنووط و حسین اسد، بیروت: مؤسسه الرساله، ١٤١٣ ق.

٩. راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله (م ٥٧٣ ق)، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی، ١٤٠٩ ق.

١٠. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، چاپ هشتم، ١٣٧٢ ش.

١١. سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قراوغلی (م ٦٥٤ ق)، تذکره الخواص من الامه بذکر خصائص الائمہ، تذکره الخواص، نجف: منشورات المطبعه الحیدریه، ١٣٨٣ ق.

١٢. سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، چاپخانه علمیه، ١٤٢١ ق.

١٣. شریف الرضی، محمد بن حسین، خصائص امیرالمؤمنین، بیروت: مؤسسه اعلمی مطبوعات، ١٣٦٤.

شہید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی جبعی (م ٩٦٦ ق)، مسکن الفؤاد،

١. ترجمه: حسين جنّاتى، قم: روح، ١٣٧٩.
٢. شوشترى، محمّد تقى تسترى (م ١٤١٥ ق)، قاموس الرجال فى تحقيق رواه الشيعة ومحدّثيهم، قم: مؤسسه نشر اسلامى، چاپ دوم، ١٤١٠ ق.
٣. شيخ صدوق، ابو جعفر محمّد بن على بن الحسين بن بابويه قمى (م ٣٨١ ق)، الخصال، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: نشر اسلامى، ١٤٠٣ ق.
٤. ، من لا يحضره الفقيه، تحقيق: على اكبر الغفارى، قم: مؤسسه نشر اسلامى، ١٤٠٤ ق.
٥. شيخ مفيد، محمّد بن محمّد بن نعمان عكبرى بغدادى (م ٤١٣ ق)، الإرشاد فى معرفه حجج الله على العباد، تحقيق: مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت، ٧، ١٤١٣ ق.
٦. عاملى، سيد جعفر مرتضى، الصحيح من سيره النبى الأعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بيروت: دارالهادى، ١٤١٥ ق.
٧. ، بنات النبى ام ربائبه، قم، ١٤١٣ ق.
٨. على دخيل، على محمّد، زنان بزرگ اسلام (خديجه)، ترجمه فيروز حريرجى، امير كبير، تهران، ١٣٦٤ ش.
٩. فرات كوفى، فرات بن ابراهيم (زننده در ٣٠٧ ق)، تفسير فرات كوفى، تهران: سازمان چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامى چاپ اول، ١٤١٠.
١٠. قزوينى، سيّد محمّد كاظم، فاطمه الزهراء ٧ من المهدي إلى اللحد، بيروت: موسسه النور المطبوعات، ١٤١١ ق.
١١. قطيفى، عبدالله منصور، الزهراء فاطمه بنت محمّد، قم: مهدي يار، ١٣٨٥ ش.
١٢. كتانى، سليمان، فاطمه الزهراء وَتَرِّى غمداً، بيروت: دارالكتاب العربى، ١٣٩٩ ق.
١٣. كحاله، عمر رضا (م ١٤٠٧ ق)، أعلام النساء فى عالمى العرب و الاسلام، بيروت: مؤسسه الرساله، چاپ چهارم.

كلينى، ابو جعفر محمّد بن يعقوب (م ٣٢٩ ق)، فروع الكافى، تحقيق: على اكبر

۱. الغفاری محمد الآخوندی، بیروت و طهران: دار صعب ودار الکتب الإسلامیه، الطبعة الثالثة والخامسه.
۲. مامقانی، عبدالله بن محمدحسن (م ۱۳۵۱ ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف: طبع رحلی، چاپ سنگی، مطبعه رضویه.
۳. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۴. محدث قمی، شیخ عباس (م ۱۳۵۹ ق)، سفینه البحار، تحت اشراف علی اکبر الهی خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ ق.
۵. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ق.
۶. محمدی اشتهاودی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، انتشارات نبوی، ۱۳۷۷.
۷. موسوی عاملی، سید عبدالحسین شرف الدین، عقيله الوحی، قم: کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی، عربی.
۸. موسوی، سید هاشم، ام المومنین خدیجه بنت خویلد، مترجم: محمد ابراهیمی، نشر ایلاف، ۱۳۸۹ ش.
- ۹.



خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همسری فداکار و مشاوری امین (۱)

فضل الله فولادی

### چکیده

شرح زندگانی و فضائل اخلاقی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با استناد به مهم ترین منابع تاریخی و روایی اهل سنت و شیعه است. از دیدگاه نویسنده: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بزرگ ترین کمک کار و یاور پیامبر گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در راه رسیدن به اهداف عالی اش قبل و بعد از بعثت بود. در حقیقت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یکی از حامیان اصلی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در ترویج دین اسلام بود. او کسی بود که هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی با تمام توان به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در جهت دست یابی به اهداف عالی اش یاری نمود. در این مقاله در حد اطلاعات و منابع موجود، به برخی از ایثارها و فداکاری های این بانوی بزرگوار اسلام پرداخته می شود. در پایان به عنوان نمونه به سخنان چند تن از بزرگان در باره این بانوی فداکار اسلام اشاره می شود: ابن اسحاق: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای اسلام وزیر صداقت بود. زبیر بن بکار: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در جاهلیت طاهره خوانده می شد. حافظ عبدالعزیز حنبلی: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنی دوراندیش، خردمند و شریف بود. او در آن روز از لحاظ نسب پاک ترین، شریف ترین و ثروتمندترین قریش بود.

کلیدواژه: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، ابن اسحاق، زبیر بن بکار، حافظ عبدالعزیز حنبلی.

در حقیقت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یکی از حامیان اصلی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در ترویج دین اسلام بود.

ص: ۲۸۲

او کسی بود که هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی با تمام توان به پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در جهت دست یابی به اهداف عالی اش یاری نمود. خدیجه عَلِيهَا السَّلَام قبل از ازدواج با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، در بین مردم مکه به عنوان زنی درست کار، ثروتمند و ملقب به طاهره شهرت داشت و بعد از آغاز زندگی مشترک با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، با حفظ و تقویت ویژگی های فوق در کنار رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فداکاری های فراوانی از خود نشان داد. در این مقاله در حد اطلاعات و منابع موجود، به برخی از ایثارها و فداکاری های این بانوی بزرگوار اسلام پرداخته می شود.

## مقدمه

اکثر منابع تاریخی به ویژه سیره نویسان، در مورد خدیجه ۳ همسر گرامی پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و دومین حامی قدرتمند او سکوت کرده و اطلاعات مشخص و معینی در مورد نقش ایشان در پیشبرد رسالت آن حضرت ارائه نکرده اند. بیشتر اطلاعاتی که کتب تاریخی (سیره ها) در مورد این بانوی گرامی ارائه نموده اند، در زمینه بیوگرافی ایشان می باشد، اطلاعاتی چون وی فرزند خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب است،<sup>(۱)</sup> که از خاندان خود پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده است. طایفه اسد یکی از طوایف بزرگ و زیرمجموعه قریش است.

وی قبل از ازدواج با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، اموالی در اختیار ایشان نهاد تا با آنها تجارت نماید. چون صداقت محمّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را دید، با او ازدواج نمود و این ازدواج درحالی صورت گرفته است که پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیست و پنج، و خدیجه عَلِيهَا السَّلَام چهل سال داشته است.<sup>(۲)</sup> از دیگر اطلاعات ارائه شده در مورد خدیجه ۳ در منابع تاریخی می توان به بیانات پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با او پس از نزول نخستین آیات الهی در غار حرا و اطمینان بانوی مکرّمه از این که او همان رسول آخر زمان است، اشاره کرد.<sup>(۳)</sup> پس با توجه به مطالب فوق که بیشتر به معرفی خدیجه ۳ می پردازند، نمی توان به

ص: ۲۸۳

- ۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۲۶.
- ۲- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۲ - ۱۳۱. «خدیجه در زمان ازدواج ۴۵ سال پیش نداشته» این گفته سیره نویسان در مورد خدیجه عَلِيهَا السَّلَام درست نمی باشد و احتمال می رود که چندین سال جوان تر باشد؛ چرا که چهار فرزند دختر و پسر به دنیا آورده که برخی از آنها در کودکی درگذشته اند. ر. ک: به مونتگمری وات، محمّد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۴.
- ۳- همدانی، رفیع الدین اسحاق، سیرت رسول الله، ج ۲، ص ۴۵.

قضاوت درستی در مورد نقش ایشان در موفقیت و پیشبرد رسالت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دست پیدا نمود.

### بیوگرافی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

پدر: خویلد بن اسد بن عبد العزی بن قصی بن کلاب.

مادر: فاطمه دختر زائده بن اَصَم.

تولد: سال ۶۸ پیش از هجرت.

شوهران: أبو هاله بن زواره تمیمی و عتیق بن عائذ مخزومی.

فرزندان: هند، قاسم، عبد الله، زینب، أم کلثوم، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ و رقیه .

وضعیت اقتصادی: بازرگان(۱) و اهالی مکه با اموال او پیش از آن که با پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ازدواج کند، تجارت می کردند و پس از ازدواج با آن حضرت همه ثروت خود را در اختیار رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نهاد.

القاب: طاهره، أم الصعاليك، أم الأیتام.(۲)

دین: اولین زنی که به دین اسلام گروید.

نسب: طایفه اسد (یکی از تیره های قبیله بزرگ قریش) از لحاظ نسب از همه زنان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به او نزدیک تر بود.

وفات: رمضان سال دهم بعثت.

محل دفن: حجون.

سن هنگام وفات: شصت و پنج سال.(۳)

### نقش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در همراهی با محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قبل از بعثت

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بزرگ ترین کمک کار و یاور پیامبر گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در راه رسیدن به اهداف عالی اش قبل و بعد از بعثت بود . وی که خود از اشراف و ثروتمندان مکه بود ، از دو

ص: ۲۸۴



۲- . محلاتی، سید هاشم، زندگانی پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۸۷.

۳- . علی دخیل، علی محمد، خدیجه ۳، ص ۱۲.

شوهری که قبل از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کرده بود، ثروت زیادی به او رسیده بود و از طریق تجارتی که انجام می داد، روز به روز بر ثروتش افزوده می شد؛ زیرا از بازرگان بود و شتران و اموالش را برای تجارت در اختیار مردم مکه یا مردانی که اجیر می نمود، قرار می داد. (۱) خدیجه ۳ با همه ثروتی که داشت، برخلاف اشراف مکه، تا جایی که می توانست به بینوایان و ایتام کمک می داد و خانواده های بی سرپرست را سرپرستی می کرد، تا آن جا که او را «أم الصعاليك» و «أم الأيتام» یعنی مادر بینوایان و یتیمان می خواندند. (۲)

علاقه خدیجه ۳ به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) صرف نظر از جنبه علاقه و محبت های معمولی که میان زن و شوهر است، عشقی معنوی و علاقه ای روحانی بود؛ زیرا او را مردی کامل در صفات انسانی و دور از رذایل اخلاقی می دید و افتخار می کرد که به همسری مردی شریف و بزرگوار، امین، راست گو، کریم و متواضع در آمده است. کسی که بیشتر وقت خود را صرف اصلاح مردم و دست گیری از یتیمان و بینوایان می کند و همیشه در این فکر است تا عادات ناپسند و زشت مردم جاهلیت را اصلاح نماید.

خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ عاشق فضیلت و شیفته اصلاح اجتماع بود و معشوق خود را در وجود رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) یافته بود و اساساً کمال و شخصیت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در همین بود و این ویژگی او را از زنان دیگر متمایز می کرد، لذا پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را دوست داشت و این توافق روحی و ازدواج روحانی سبب شد تا خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ از طرفی با مال و ثروت خود و از سوی دیگر با تقویت روحی و دل داری آن حضرت بهترین کمک را به پیشرفت هدف پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بکند. به همین جهت رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تا زنده بود، از یاد خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ بیرون نمی رفت. همین علاقه و محبت سبب شد تا خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ شوهر عزیز خود را به حال خود بگذارد تا با آرامش روحی بهتر به اصلاح اجتماع پردازد و پس از ازدواج، آن حضرت را از فعالیت تجارتي معاف کرد جز در یکی دو مورد که مورخان نوشته اند، به کار تجارت نپرداخت. (۳)

ص: ۲۸۵

- ۱- آئینه وند، صادق، تاریخ زنان صدر اسلام، ص ۴۳.
- ۲- محلاتی، سید هاشم، زندگانی پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۸۷.
- ۳- همان، ص ۹۷ - ۹۶.

## فداکاری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پس از بعثت رسول گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

قریش در برابر رسول گرامی اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) کمر همت بست تا از بت ها و آداب و رسوم باطل و منافع نامشروع خویش دفاع کند. در این راه همه نیروهای خود را بسیج نمودند تا وی را از دعوتش بازدارند و او را از ادای رسالتش منصرف نمایند. برای این منظور از شیوه های گوناگون استفاده کرده و از هر وسیله ای که تصور می شد، بهره گیری می کردند. جای شگفتی است محمدی را که تا دیروز صادق و امین می دانستند، امروز جادوگر و کذاب می خواندند! (۱)

در

زمانی که پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) از آزارها در فشار بود و از دشواری ها رنج می برد، در خانه آغوش گرم همسری مهربان منتظر او بود، تا وجودش را تسلی دهد و خاطر او را آرامش بخشد و از بار اندوه و غم های او بکاهد تا غم ها و اندوه های خود را به فراموشی سپارد. آری او خدیجه ۳ بود. همان زن باایمان و گرانقدری که یاور و شریک شوهرش در سختی های مسیر رسالتش بود. (۲) به گفته تمام سیره نویسان، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اولین زنی بود که به پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ایمان آورد و صدق گفتارش را تأیید کرد. او را پیامبری دانست که همواره به آمدن آن بشارت داده شده بود. (۳)

در حالی که محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در بیرون از خانه حتی توسط اعضای خاندان خودش، مانند ابولهب مورد تمسخر قرار می گرفت، اما در درون خانه این خدیجه ۳ بود که او را تسکین می داد. بارها اذعان می کرد که «ای محمد! بدان خدایی که جانم در دست او است، من امید آن دارم که تو پیغمبر این امت باشی». (۴)

این ازدواج فرخنده هرگز سست نشد، و تا پایان عمر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هم چنان ادامه داشت و برای پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) زمینه بسیار مناسب در جهت رشد و تعالی رسالتش بود. (۵) در حدیث می خوانیم که خداوند او را به دست خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آرامش بخشید؛ زیرا وی حضرت را تشویق و کار را

ص: ۲۸۶

۱- علی دخیل، علی محمد، خدیجه ۳، ص ۱۵.

۲- همان.

۳- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۲۷.

۴- همان.

۵- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۲.

برایش آسان می کرد و در ایمانش نسبت به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اطمینان داشت و بیهودگی حرف های مردم را به ایشان نشان می داد. (۱)

خدیجه ۳ در مکه که مظهر بت پرستی، ظلم و تبعیض بود، با تمام توان با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همکاری نمود و تمام اموال خود را صرف کرد؛ به طوری که در آخر عمر از نظر مادی چیزی نداشت. کسی نمی تواند منکر شود که چه اندازه حضرت خدیجه ۳ به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کمک نمود و در رسالت او و گسترش اسلام همکاری داشته است و بعدها روزی عایشه به جهت حسادت حرفی توهین آمیز در باره خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زد، مبنی بر این که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فقط خدیجه ۳ را همسر می داند، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برخوردی جدی نسبت به عایشه کرد و فرمودند: «زمانی که من تنها بودم او رو به من آورد و مرا کمک کرد و زمانی که چیزی نداشتم، او بود که با امکانات مادی به من کمک کرد.» (۲)

بنا بر این خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بدون درنگ دعوت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را پذیرفت و آن حضرت سپاس ایمان او را که از اعماق درون او تراوش می کرد، به جای می آورد. هیچ چیز برای کسی لذت بخش تر از آن نیست که در رأی و عقیده خود شریک و هم رأی استوار مشاهده کند.

نوفالیس، نویسنده اروپایی می گوید: «در دنیا مانند توافق و انضمام رأی و هم دلی این زن و شوهر ندیده ام، چون خدیجه اول اجابت کننده دعوت توحید و ایمان آورنده به خدای واحد بود، بنا بر این محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سبقت ایمان و فضیلت او را همیشه منظور داشت و به شکر و خیر یادش می کرد.» (۳)

### حمایت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در جریان محاصره اقتصادی بنی هاشم در شعب ابوطالب

یکی از عظیم ترین خطرهایی که پیامبر گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و یارانش را در آغاز رسالت مورد تهدید جدی قرار داد، محاصره اقتصادی بود که به مدت سه سال از سال هفتم تا دهم بعثت ادامه داشت و نقش خدیجه ۳، چه به عنوان حامی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در زمینه روحی و معنوی و

ص: ۲۸۷

- ۱- . امیر علی، تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام، ص ۳۱.
- ۲- . آئینه وند، صادق، تاریخ زنان صدر اسلام، ص ۴۳.
- ۳- . کارلایل، توماس، زندگانی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۲۰.

چه حامی مالی، برجسته و قابل توجه است. اموال ایشان در واقع کلید شکست این محاصره بود. او مواد مصرفی را برای غذای کسانی که در محاصره بودند، می خرید و سپس به دامادش ابوالعاص بن ربیع البته هنوز اسلام نیاورده بود و گویا انگیزه او در این کارخویشی با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده است دستور می داد که شترانی که گندم و خرما بار داشتند، مخفیانه روانه شعب ابی طالب نماید و گاهی هم به حکیم بن حزام بن خویلد، برادرزاده اش سفارش می کرد تا شتران را با بار گندم به شعب براند و از این طریق گندم ها را به محاصره شدگان در شعب می رساند.(۱)

این، در شرایطی بود که سران قریش وقتی که از ابوطالب ۷ در تسلیم یا ممانعت از اقدامات برادرزاده اش ناامید شدند، در دارالندوه تشکیل جلسه دادند و پیمان بستند که تمام پیوندهای خود را با بنی هاشم قطع نمایند و پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به ناچار به همراه بنی هاشم در شعب ابوطالب اقامت گزیدند.

از سران قریش افرادی مانند ولید بن مغیره، ابوجهل، ابوسفیان و ... مأموریت داشتند که از خرید آذوقه و رساندن آذوقه به مسلمانان جلوگیری کنند. به عنوان نمونه ولید بن مغیره در بازار مکه فریاد می زد و می گفت مواد غذایی را چند برابر به یاران محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بفروشند و ابوجهل در نزدیکی شعب نگرهبانی می داد تا کسی مواد غذایی به ساکنان شعب نرساند تا آنان از گرسنگی جان سپارند.

در این سه سال زندگی وحشتناک که بنی هاشم در محاصره همه جانبه بودند، خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ مسئولیتی عظیم داشت و اگر ثروت وی نبود آنها از گرسنگی جان می دادند.(۲) بنا بر این محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) علاوه بر این که در کنار خدیجه ۳ آرامش می یافت، اموال وی را نیز به عنوان عاملی در جهت پیشبرد رسالتش به کار می گرفت.

### جایگاه حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در احادیث پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

روایات و احادیث بسیاری از پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل شده است که نشان دهنده نقش این بانوی فداکار در

ص: ۲۸۸

۱- . سبحانی، جعفر، تاریخ اسلام، ص ۵۹.

۲- . بحر العلوم، محمدعلی، زنان صدر اسلام، ص ۱۱۶ - ۱۱۷ .

رسالت ایشان و پیشبرد اهداف عالیّه آن حضرت می باشد، که در این مقاله به چند نمونه از احادیثی که از آن حضرت در باره خدیجه ۳ روایت شده است، اشاره می شود:

۱. قال رسول الله: «أتاني جبرئيل فقال: يا رسول الله هذه خديجه قد أتتك و معها اناء فيه أدام، أو طعام، أو شراب، فاذا هي أتتك فاقرأ ۳ من ربها و مني و بشرها ببيت في الجنة من قصب، ما صخب فيه و لا نصب؛(۱) رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فرمودند: جبرئیل به نزد من آمد و گفت: ای رسول خدا این خدیجه است که به نزد تو آمده است و با خود ظرفی دارد که در آن نان خورش یا طعام یا نوشیدنی است. هر گاه نزد تو در آمد، بر او از سوی پروردگارش و از من سلام برخوان و او را به خانه ای از زبرجد در بهشت که در آن سر و صدا و رنجی نباشد، بشارت ده.»

۲. در عظمت و بزرگی خدیجه ۳ همین بس که پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در یک حدیث متواتر او را در زمره چهار زن اهل بهشت می داند.

قال رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): «أفضل النساء أهل الجنة خديجه بنت خويلد و فاطمه بنت محمّد و مريم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم أمراه فرعون؛(۲) رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فرمودند: بهترین زنان اهل بهشت عبارت اند از: خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمّد و مريم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم، زن فرعون.»

۳. قال رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): «خديجه سابقه نساء العالمين الى الايمان بالله و بمحمّد؛(۳) رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فرمودند: سبقت گیرنده زنان جهانیان به ایمان به خداوند و محمّد، خدیجه است.»

۴. عایشه گفته است: هر گاه رسول خدا گوسفندی را ذبح می کرد، می گفت: سهمی از آن را به دوستان خدیجه بفرستید. پس روزی علت این امر را پرسیدم گفت: من دوست خدیجه را هم دوست می دارم.(۴)

پیامبر گرامی اسلام(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) هیچ گاه محبت های همسر فداکارش را فراموش نمی کرد و در

ص: ۲۸۹

۱- همان، ص ۳۱.

۲- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۱.

۳- علی دخیل، علی محمّد، خدیجه ۳، ص ۲۳.

۴- همان، ص ۲۵.

حالی که همسران دیگری داشت هیچ وقت آنان را در سطحی برابر با خدیجه ۳ قرار نمی داد، به طوری که مورد اعتراض عایشه، به جهت اظهار محبت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به آن بانوی بزرگوار قرار گرفت. عایشه به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عرض کرد: «ای محمد! آیا بر پیرزنی سرخ موی از بنی اسد گریه می کنی، پیامبر بی درنگ پاسخ داد که آری بر او می گریم، زنی که وقتی شما مرا تکذیب می کردید، او مرا تصدیق کرد، هنگامی که شما کفر می ورزیدید، او به من ایمان آورد و زمانی که شما عقیم بودید، او برایم فرزند آورد.» (۱)

بنا بر این وجود خدیجه ۳ عامل مهمی در زندگی رسول گرامی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و حیات اسلام، که در آن موقع در آغاز رشد و نمو بود، به شمار می رود. اگر وجود این بانو در کنار رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و تأثیر عظیمش نمی بود، فقدان او بر پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دشوار و گران نمی آمد و وفاتش وجود او را ملامت از اندوه نمی ساخت و سال وفاتش عام الحزن (سال غم ها) خوانده نمی شد. (۲) پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سال های سال او را یاد می کرد و همواره از نعمت های او در امر رسالت و سهم او را در حصول به پیروزی یاد می کرد.

سه سال مقاومت مؤمنانه و خیره کننده خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در شعب ابی طالب بیش از هر چیز دیگری در زندگی ایشان با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، عشق و معرفت او را به همسر و راه وی نشان می دهد و عشقی که مسیر رسالت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را هموار کرد و خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ را به عنوان یکی از زنان فداکار در تاریخ اسلام برای همیشه زنده و جاوید نگاه داشت، تا این که بار دیگر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از جانب خداوند، مورد امتحان الهی قرار گرفت. محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خود به این امتحال راضی بود، چرا که می دانست خداوند هیچ گاه او را تنها نخواهد گذاشت. بعد از خروج از شعب، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ابتدا عمویش را از دست داد. در حالی که هنوز داغ ابوطالب تسلی نیافته بود، دو ماه بعد از پایان زندگی مشقت بار شعب، مشقتی که اگر چه توان جسمی خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ را تحلیل داد، اما روح او را بیشتر به سوی کمال سوق داد، چشم از جهان فرو بست. آری خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ

ص: ۲۹۰

۱- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۱۲۸ - ۱۲۹.

۲- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، ج ۳، ص ۱۳۸.

نخستین کسی (زنی) بود که به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایمان آورد، در گذشت. (۱)

وفات خدیجه ۳ که با فاصله کمی بعد از وفات حضرت ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام رخ داده بود، برای آن حضرت بسیار غمگین و سخت بود و خود پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این باره فرمودند: «در این روزها برای این امت، دو مصیب رخ داد که نمی دانم برای کدام یک بیشتر اندوهگین شوم، مصیبت ابوطالب عمویم و یا خدیجه همسرم.» (۲)

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بعد از وفات همسر فداکارش، بر بالای جنازه او ایستاد و درحالی که سخت می گریست، فرمود: «مرا آنچه می بینم، ناگوار است. شاید که خداوند در ناگواری خیری بسیار قرار داده است.» (۳) بنا بر این با وفات خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام و ابوطالب، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دو حامی فداکارش را از دست داد، زیرا ابوطالب در مقابل مشرکان قریش و درون شهر مکه حامی او بود و خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام حامی روحی او در درون خانه اش بود. (۴) در نتیجه در درون خانه با رنج و غم و مرگ خدیجه ۳ و گریه های فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام در فراق مادر دست به گریبان بود و با مرگ این دو، اشراف قریش عرصه را بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هر روز تنگ و تنگ تر می کردند که منجر به انزوای هر چه بیشتر آن حضرت و یارانش گردید و سرانجام به ناچار به هجرت به یثرب (مدینه) که مقدمه گسترش و نهایتاً قدرتمند شدن روزافزون اسلام گردید.

### خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام در نگاه بزرگان

در پایان، به عنوان نمونه به سخنان چند تن از دانشمندان و بزرگان در باره این بانوی فداکار اسلام اشاره می شود:

الف ابن اسحاق گفته است: خدیجه برای اسلام وزیر صداقت بود. (۵)

ب زبیر بن بکار گفته است: خدیجه در جاهلیت طاهره خوانده می شد.

ص: ۲۹۱

۱- . مولانا، محمد علی، محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرستاده خدا، ص ۱۴۹ .

۲- . دوانی، علی، تاریخ اسلام، ص ۲۴۰ .

۳- . ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۴۲ .

۴- . حسنین هیکل، محمد، زندگانی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۲۶۲ .

۵- . علی دخیل، علی محمد، خدیجه ۳، ص ۲۹ .



ج جمال الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن جوزی گفته است: چون امر نبوت ظاهر شد، خدیجه به اسلام گروید. او نخستین بانویی است که به پیامبر ایمان آورد و پیغمبر هم با زن دیگر ازدواج نمود، تا این که او از دنیا رفت. (۱)

د عبدالملک بن هشام گفته است: خدیجه دختر خویلد به او ایمان آورد و آنچه را که از خداوند به پیغمبر آمده بود، تصدیق کرد. (۲)

ه حافظ عبدالعزیز جنابذی حنبلی گفته است: خدیجه ۳ زنی دورانیش، خردمند و شریف بود. او در آن روز از لحاظ نسب پاک ترین، شریف ترین و ثروتمندترین قریش بود. (۳)

و اشرف علی هندی گفته است: خدیجه از بهترین زنان پیغمبر و محبوب ترین آنها بود و در انتظار نبوت پیغمبر بود. (۴)

ز عمر رضا کحاله گفته است: خدیجه به سال ۶۸ پیش از هجرت، از خانه مجد و سروری متولد شد و بر اخلاق پسندیده پرورش یافت و به دورانیشی و خرد و پاک دامنی متصف گردید تا این که قومه او را در جاهلیت طاهره نامیدند. (۵)

### کتابنامه

۱. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، ۱۹۶۰ م.
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ق)، البدایه و النهایه، بیروت: مکتبه المعارف، ۱۹۶۶ م.
۳. ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک (م ۲۱۳ ق)، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی سقا، ابراهیم ایاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دارالثرات العربی، ۱۹۸۵ م.

ص: ۲۹۲

۱- همان، ص ۳۰.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان، ص ۳۱.

۵- همان، ص ۳۲.

۱. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق (م ۲۸۴ ق)، تاریخ یعقوبی، بیروت: ۱۹۹۳ م.
۲. امیر علی، تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام، ترجمه: ایرج رزاقی و محمدمهدی حیدرپور، مشهد: انتشارات طوس، ۱۳۷۰ ش.
۳. آئینه وند، صادق، تاریخ زنان صدر اسلام، تهران: چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ ش.
۴. بحر العلوم، سید محمدعلی، زنان صدر اسلام، ترجمه: محمدعلی امینی، چاپ اول، انتشارات حکمت، ۱۳۵۸ ش.
۵. حسنین هیکل، محمد، زندگانی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، [بی تا].
۶. دوانی، علی، تاریخ اسلام، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۷. سبحانی، جعفر، تاریخ اسلام، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۰ ش.
۸. علی دخیل، علی محمد، خدیجه ۳، ترجمه: فیروز حریرچی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۳ ش.
۹. کارلایل، توماس، زندگانی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ترجمه: أبو عبد الله زنجانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۲۰ ش.
۱۰. محلاتی، سید هاشم، زندگانی پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، چاپ اول.
۱۱. مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. مولانا، محمدعلی، محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرستاده خدا، ترجمه: احسان یارشاطر، تهران: انتشارات پدید، ۱۳۴۴.
۱۳. همدانی، رفیع الدین اسحاق، سیرت رسول الله، چاپ دوم، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱ ش.

بانویی مظلوم (۱)

محمدحسین غلامرضایی

## چکیده

شرح زندگانی و فضائل اخلاقی و معنوی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با استناد به سخنان اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان است. به عنوان نمونه: خانم آنه ماری شیمل آلمانی نوشته است: «وقتی حضرت محمد به ۲۵ سالگی رسید، با بانویی که شیفته صداقت و درستی او گردیده بود ازدواج کرد. با آن که این زن بزرگ تر از شوهرش بود، پیوندشان توأم با خوشبختی بود. هم شیعه و هم سنی او را به عنوان بانویی پاک گهر بسیار ستایش کردند و او را خدیجه کبری، طاهره، مام مؤمنان و عزیزتر از مادر معرفی نموده اند.» سلیمان کتانی دانشمند مسیحی اهل لبنان نوشت است: «اراده استوار خدیجه در پناه احساس گویایش انگیزه ای شد تا او به عاطفه راستین خود دست یابد. از این رو در انقلاب علیه عادات و تقلیدهای کورکورانه، تردید روا ندانست و خود گام پیش نهاد تا خویش را به محمّد معرفی کند و به همسری وی درآید تا از این ره گذر محبت او تجسم یابد.»

کلیدواژه: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، آنه ماری شیمل، سلیمان کتانی.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بانوی نامدار قریش تا آن هنگام که برای اولین بار نام حضرت محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را شنید، روزی نبود که از سوی سران قبایل، تاجران و نامداران دیگر از او خواستگاری نشود؛ اما او

ص: ۲۹۴

همه دست‌ها را پس‌زند. گویا گوهر ارجمند خود را برای چنین وجود مبارکی مراقبت و صیانت می‌کرد.

در انتظار پیش‌آمدی آرام بخش لحظه شماری می‌کرد. گویا هر چه بر لحظات عمرش افزوده می‌شد به سپیده دم نزدیک‌تر می‌گردید؛ آن زمان که خوابی شگفت‌دید و پسرعمویش «ورقه بن نوفل» آن را نویدبخش دانست و هنگامی که با جمعی از بانوان قریش مشغول گفت‌وگویی نشاط‌آور برای فرا رسیدن عیدی خجسته بود، پیرمردی میان بالا با محاسن سپید و بلند و سیمایی اسرارآمیز به سوی آنان آمد و گفت: «ای زنان قریش! طلوع آخرین پیامبر به زودی فرا می‌رسد. کدام یک حاضرید به عقد ازدواج او درآید؟»

این موارد در حافظه او جلوه‌های امیدوارکننده‌ای داشت. علاقه او به ازدواج با این فرستاده الهی ریشه در فضیلت جویی و اشتیاقش به درستی و راستی داشت. او با فراستی که در خویش شکوفا ساخته بود، در نهاد محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، چیزی فراتر از انسان‌های پیرامونش می‌دید و احساس می‌کرد او می‌تواند زنجیرهای ضلالت را از هم بگسلد و به اسارت آدمی در زندان ستم، جهالت و انحراف خاتمه دهد. با این تفکرات، پرتوهایی از خرسندی درون بر سیمایش ترسیم می‌گردید.

سرانجام آرزویش تحقق یافت و لیاقت همسری پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به خود اختصاص داد. زیستن بعد از این پیوند پاک، نیایش‌های شویش، رفت و آمد در غار حرا، اعتکاف در شکاف کوه، شب اول وحی، آن صبح نزول نخستین آیه قرآن و ایمان آوردن به تعالیم پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و نماز خواندن با او، همه برایش کمال آفرین و سعادت بخش بود.

خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ وقتی به این وصلت تن داد، تمامی آرزوهای خود را به دور افکند و برای شوی خود و هدف مقدسش خالص گردید. همیشه با شکیبایی، وفاداری و فداکاری در کنارش ایستاد و سپر بلاهایش بود. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مقابل این ایثار و نثار عواطف و احساسات، خاموش نبود و آن را قدر می‌نهاد و چنین مودتی را با کرامتی والاتر پاسخ می‌گفت. زنی که دوستی رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و گرمی داشت آن حضرت را در حیات و ممات به خود اختصاص داد، شایسته تمجید و تحسین است.

## منزلت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نزد رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

پیامبر گرامی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که به گواه قرآن و سخن راویان و مورخان، دقیق، سنجیده و بدون کزافه و کاستی، وصف و نقد می کرد، در سخنی فرمود: «به درستی که خداوند از میان بانوان چهار نفر را برگزید (اسوه انسان ها قرار داد) که عبارت اند: از مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه.» (۱) آن حضرت در سخنی دیگر این چهار بانو را سروران جهان معرفی کردند. (۲)

ایشان در ایامی که در غار حرا به اعتکاف و عبادت مشغول بود، توسط «عمار یاسر» برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ این گونه مژده داد: «همانا خداوند متعال به افتخار وجود تو هر روز به طور مکرر به فرشتگان بزرگش افتخار می کند.» (۳)

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این گونه نوید داده اند: «بهشت مشتاق چهار زن است: مریم، دختر عمران، آسیه، دختر مزاحم همسر فرعون، خدیجه، دختر خویلد و فاطمه زهرا.» (۴)

روزی همسران رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای فراهم آمدن مقدمات ازدواج فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ با حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ گرد آمدند و خطاب به رسول خدا فرمودند: «والدین ما به فدایت ای فرستاده الهی! برای صحبت پیرامون موضوعی اجتماع کرده ایم اما اگر خدیجه در این جا بود، چشمش بر آن روشن می گردید.»

به گفته «ام سلمه»، تا نام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بر زبان آمد، رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گریست و فرمود: «خدیجه! کجاست زنی همچون خدیجه؟ در آن هنگام که مردم رسالت مرا تکذیب کردند، او مصدق من بود و برای رونق دین خدا با من همکاری نمود. با دارایی خویش برای پیشرفت دیانت کمک کرد. خداوند به من فرمان داده است که خدیجه را به داشتن خانه ای در بهشت که رنجی در آن نخواهد بود، مژده دهم.» (۵)

ص: ۲۹۶

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۰.

۲- . اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۷۱.

۳- . همان، ص ۷۸.

۴- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۵۴ ۵۳.

۵- . همان، ص ۱۳۰ ۱۳۱.

خاتم پیامبران در باره خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ این گونه گوهر افشانی نموده اند: «همان گونه که مریم بر زنان جهان برتری داده شد، خدیجه نیز بر بانوان امت من برتری داده شده است.»<sup>(۱)</sup> و خطاب به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فرموده اند: «یا خدیجه! أنت خیر امهات المؤمنین و أفضلهن؛<sup>(۲)</sup> ای خدیجه! همانا تو بهترین مادران مؤمنان و بافضیلت ترین آنان هستی.»

پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خطاب به عایشه یادآور گردید: «آیا نمی دانی خداوند آدم، نوح، آل ابراهیم، آل عمران، حسن، حسین، حمزه، جعفر، فاطمه و خدیجه را بر جهانیان برگزیده است.»<sup>(۳)</sup>

روزی رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مسجد در حضور مردم در شأن امام حسن ۷ و امام حسین ۷ مطالبی فرمود که در بخشی از آن آمده بود: «أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ النَّاسِ حَيْدًا وَجَدَّهُ؛ ای مردم! آیا شما را آگاه نکنم به بهترین انسان ها به لحاظ جدّ و جدّه.» حاضران عرض کردند: «آری یا رسول الله، ما را باخبر سازید.» پس افزودند: «الحسن و الحسين جدّهما رسول الله و جدّتهما خدیجه بنت خویلد؛<sup>(۴)</sup> آنان حسن و حسین اند که جدشان رسول خدا و جدّه آنها خدیجه دختر خویلد است.»

از رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) روایت شده است: «جبرئیل به نزد آمد و عرض کرد: ای فرستاده خداوند! این خدیجه است که به نزد تو آمده است و با خود ظرفی دارد که در آن خوراکی یا نوشیدنی است. هر گاه نزدت آمد بر او از سوی پروردگارش و من، سلام برخوان و او را به خانه ای از زبرجد در جنت بشارت ده.»<sup>(۵)</sup>

در چندین مورد روایت گردیده که پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرموده اند: «یا خدیجه! جبرئیل یقرئک السلام؛ ای خدیجه! جبرئیل بر تو درود می فرستد.» از برخی روایات نیز استفاده شده است: «ای محمّد! بر خدیجه از خدایش سلام بفرست.»<sup>(۶)</sup>

ص: ۲۹۷

- ۱- . شیخ طوسی، جعفر بن محمّد، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۵۵.
- ۲- . سیلاوی، غالب، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۱۷.
- ۳- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۶۳.
- ۴- . همان، ص ۶۱-۹۰ و ج ۴۳، ص ۳۰۲.
- ۵- . ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۸.
- ۶- . ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۷۱۹.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از هنگام کودکی علی عَلَیْهِ السَّلَامُ به ایشان علاقه داشت و چون او در سنین تحت تربیت رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، دوران شکوفایی و رشد را سپری می کرد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پاکیزه اش می نمود. پیراهن آراسته و زیبا بر تنش می پوشانید و به خدمه اش می گفت او را بر دوش خود گرفته، به تفریح ببرند و در نوازش وی بکوشند. محبت این بانو و حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در حق علی عَلَیْهِ السَّلَامُ در حدی است که مردم به آن بزرگوار می گفتند: «این [فرد]، برادر محمد و محبوب ترین انسان ها از نظر محمد و نورچشم خدیجه کبری است.»<sup>(۱)</sup>

مورخان نوشته اند: «رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را از شش سالگی تحت سرپرستی خود قرار داد و آن حضرت و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در پرورش این طفل کوشیدند.»<sup>(۲)</sup>

حضرت

علی عَلَیْهِ السَّلَامُ در «خطبه قاصعه» فرموده اند: «در آغاز بعثت و طلوع اسلام هنوز اسلام به خانه ای راه نیافته بود، مگر خانه رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و من سومین نفر بودم.»<sup>(۳)</sup>

روزی رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به علی عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمود: «تو همسری همچون فاطمه و مادرزنی همچون خدیجه داری.»<sup>(۴)</sup>

امام

حسن مجتبی ۷ که در زیبایی ظاهری در میان بنی هاشم ضرب المثل بود فرمود: «در آن هنگامی که خداوند صورت گری می کرد، من شبیه ترین افراد به خدیجه کبری بودم.»<sup>(۵)</sup>

حضرت امام حسین ۷ در فراز خطبه ای که طی آن خود را به دشمنان معرفی کرد، فرمود: «آیا می دانید مادر بزرگم خدیجه دختر خویلد است؛ اولین بانویی که اسلام را پذیرفت؟» گفتند: آری.<sup>(۶)</sup>

امام سجاد ۷ در شام و در مجلس یزید، طی خطبه ای خود را چنین معرفی کرد: «من

ص: ۲۹۸

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۴۳.

۲- . ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۹.

۳- . نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۴- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۶۸.

۵- . همان، ج ۲۴، ص ۳۱۶.





در دعای ندبه که از ناحیه مقدسه امام عصر [صادر گردیده، آمده است: «من فرزند خدیجه و الامقام هستم».

در وصف شخصیت های جهان اسلام، ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ در باره خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گفته است: «همانا خدیجه بانویی کامل، بابرکت، مبارک و زیننده است و ساحت وجودش از هر گونه ننگی به دور است. بانویی باشخصیت و آبرومند است» (۲).

محمّد از نوادگان امام حسن مجتبی ۷ که مورخی نیکوخال است می نویسد: «از همسران پیامبر، برترین شان خدیجه پاک سرشت و نیکومنش است».

ابن حجر عسقلانی: «از امتیازات خدیجه آن بود که پیامبر را تکریم می کرد و سخن او را چه قبل و چه بعد از بعثت تصدیق می نمود».

ابن

اسحاق می گوید: «خدیجه اولین کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و آنچه را پیامبر فرمود تصدیق کرد. خداوند اندوه پیامبر را توسط خدیجه برطرف می کرد و راه را برای ادامه رسالت او هموار می ساخت» او می افزاید: «خدیجه برای اسلام وزیر صداقت بود. این بانو دورانیش، شریف و خردمند بود و خداوند برایش مقام باکرامتی را در نظر گرفت».

هشام بن محمّد گفته است: «رسول خدا در کارها با خدیجه مشورت می کرد. او یار صدیق و درستی برای پیامبر بود و حضرت محمّد به وی احترام می گذاشت».

عزالدین ابن اثیر: «خدیجه زنی اهل خرد و باشرافت بود. تمام افراد قومش در ازدواج با او، بر یکدیگر سبقت می گرفتند ولی نپذیرفت و توسط شخصی، پیشنهاد ازدواج با رسول الله را داد».

محمّد بن احمد ذهبی: «او مادر مؤمنان و سرور زنان جهانیان در عصر خویش است و در تقویت امر رسالت شویش مؤثر بود و به وی امیدواری می داد. خدیجه متدین، پاک، بزرگوار و اهل بهشت بود. پیامبر این همسرش را ستایش می کرد و بر دیگر زنان مؤمن

ص: ۲۹۹

۱- همان، ص ۱۷۴.

۲- همان، ص ۱۶، ۷۵ و ۵۶.

عبدالرحمن بن جوزی: «چون امر نبوت آشکار گردید، خدیجه بر گرویدن به پیامبر، از دیگران سبقت گرفت. همه فرزندان پیامبر به جز ابراهیم از خدیجه اند.»

حافظ

عبدالعزیز جنابذی در کتاب خود «معالم العتره النبوه»: «خدیجه از لحاظ نسب، پاک ترین قریش و شریف ترین و ثروتمندترین آنان بود. تمامی افراد قومش سخت بر ازدواج با او، اصرار داشتند ولی او خودداری ورزید و به پیامبر اکرم گفت من به شما محبت دارم به دلیل خوش اخلاقی، راست گفتاری، امانت داری و خویشاوندی و شرف شما در میان قومت.»

عمر ابونصر: «به خدیجه دختر خویلد بانوی جلیل القدر عرب، شرف نسب، کرامت گوهر، سروری قبیله، عزت عشیره و فراوانی مال ختم گردیده است. به همین دلیل نیاز محرومان را تأمین می کرد، گرسنه را اطعام می نمود و برهنه را می پوشانید. خدیجه در اخلاق و ثروت میان همگان خویش منحصر به فرد بود.»

دکتر علی ابراهیم حسن: «هر گاه بخواهیم نمونه ای از یک همسر بااخلاص، پاک دامن، زنی باوقار و خردمند معرفی کنیم، بهتر از خدیجه ام المؤمنین نمی توانیم بیابیم. این بانوی خردمند، هم در عصر جاهلیت و هم در هنگامه بعثت، از منزلتی ممتاز برخوردار بود تا جایی که طاهره نامیده شد. او مال، جمال و کمال را در خویش جمع کرد و این خصال که در کمتر فردی جمع می گردد بر او آثاری از عظمت و علو مقام اهدا کرد. خدیجه که اولین گرونده به اسلام بود، با تشویق خود، پیامبر را یاری می کرد و از روح خود در وجود او نیرو و استواری می بخشید.

وقتی به قصد بشارت اسلام می رفت و جز تکذیب و اهانت از مخالفان چیزی نمی شنید، پس ناراحت و محزون به خانه باز می گشت و این خدیجه بود که زایل کننده غم های شوهرش بود و کارها را بر او آسان می ساخت.»

عمر رضا کحاله: «خدیجه در خانه مجد و سروری متولد گردید و با اخلاق پسندیده پرورش یافت و به دوراندیشی و پاک دامنی متصف گردید.»

علایلی: «خدیجه از دردهای مبارزه ای که پیامبر اکرم در آن وارد شد، استقبال می کرد و در امواج این مجاهده و پیکار، دوشادوش با او در کمال فعالیت، شکیبایی، قاطعیت و خداجویی غوطه ور می گشت بی آن که سست گردد یا هراسی به دل راه دهد. او با سینه ای باز و گشاده و قامت شعله ور از ایمان خود در توفان حوادث از نبی اکرم حمایت می کرد.»

علامه سید عبدالحسین شرف الدین: «خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، صدیقه این امت و از حیث ایمان به خداوند متعال و تصدیق وحی و یاری رسول او، نخستین کس است. او مدت بیست و پنج سال شریک پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و با ایثار مال، به او نیرو می بخشید و با گفتار و کردار از ایشان دفاع می کرد و به او آن چه از عذاب و در کافران، در راه رسالت نصیبتش می کردند تسلی می داد. او با علی عَلَیْهِ السَّلَامُ در غار حرا بود، هنگامی که اولین بار وحی نازل شد.» (۱)

علی بن عیسی اربلی، صاحب کتاب «کشف الغمه»: «خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به راستی بانویی خردورز و بادرایت بود و در روزگار خویش به لحاظ تبار از برترین بانوان قریش به شمار می آمد و از نظر برخی کمالات، با شکوه ترین آنان معرفی می گردید. در همان حالی که به خواستگاران سرشناس پاسخ منفی داد، با هوشمندی و آینده نگری شگفتی به خواستگاری پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رفت و با درایت و نجابت، انگیزه های خویش را برای این پیش گامی بیان نمود.» (۲)

علامه

محمدباقر مجلسی: «خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یاور راستین و باعتبار اسلام بود که رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به وسیله حمایت های بی دریغ و کارسازش، در رسیدن به هدف های بلند خود آرامش می یافت. به همین دلیل است که فرشته وحی از سوی خداوند متعال به او درود می فرستد.» (۳)

علامه مامقانی: «خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همسر جاودانه رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است. به راستی او مادر شایسته کردار و بامعنویت مؤمنان است. برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همین افتخار و شرافت بس است که آیین اسلام پا نگرفت، مگر با جهاد مالی و فداکاری های او در حق شوهرش.» (۴)

ص: ۳۰۱

- ۱- علی دخیل، علی محمد، زنان بزرگ اسلام: خدیجه، ص ۲۹ ۳۱.
- ۲- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۵۰۹.
- ۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۱.
- ۴- مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷.

ترجمه سروده ای از شیخ حر عاملی در باره خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ: «همسر پیامبر، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که فضل و برتری اش از گفتار و کردارش آشکار است، برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در سرای جاوید و بهشت برین خانه ای عاری از هر گونه گزندی در نظر گرفته شده است.»<sup>(۱)</sup>

هاشم معروف حسنی دانشور شیعی لبنانی: «خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مادر حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ است که خداوند به نعمت بزرگی وی را برگزید و دودمان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را در فرزندانش منحصر ساخت و والاترین نسلی را که مسلمانان شناخته اند در او حفظ کرد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از والدینی زاده شد که هر دو از اصیل ترین دودمان ها در عربستان بودند. به علاوه او از شهرت نیکو، خلق پسندیده و خصال برجسته برخوردار بود. دین داری از محیط خانواده در سرشت او نهفته بود.»<sup>(۲)</sup>

دکتر محمّد ابراهیم آیتی، مورخ معاصر: «تولد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دختر خوبلد پانزده سال قبل از واقعه اصحاب فیل رخ داد. مادرش فاطمه دختر زائده نام داشت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نخستین بانویی است که به عقد ازدواج رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درآمد و به اجماع مسلمین اولین کسی است که به رسول خدا ایمان آورد و احدی از مسلمانان بر وی تقدم نیافت. او بیست و پنج سال با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زندگی کرد.»<sup>(۳)</sup>

علامه سید محمّد کاظم قزوینی: «مام گرامی فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ، بانوی ارجمندی است به نام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ؛ بانویی بلند قامت که از زیبایی بهره داشت و در میان جامعه و مردمش محترم بود. در کارهایش خردمندانه و مدبرانه عمل می کرد. در پرتو استقلال فکر و عمل و اعتماد به نفس خویش می زیست و به برکت هوش و فراست خویش چرخ های امور اقتصادی و بازرگانی خود را به حرکت درمی آورد. دارایی سرشارش را به شوهر گرانقدر خود حضرت رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بخشید تا به هر صورتی که صلاح می داند مصرف کند و بدون تردید دارایی هنگفت و سرمایه عظیم او، به عنوان بانویی فداکار، در پیشرفت و استواری اسلام مؤثر بود.»

ازدواج او با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شباهتی به دیگر ازدواج ها نداشت، بلکه در نوع خود بی نظیر بود چرا

ص: ۳۰۲

۱- . محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۹.

۲- . معروف حسنی، سید هاشم، زندگی دوازده امام، ج ۱، ص ۴۳ ۴۴.

۳- . آیتی، محمّد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۷۲.

که این پیوند مبارک و مقدس بر اساس هدف های والا و کمال یابی و فضیلت جویی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام استوار گردید و انگیزه های مادی، اغراض رایج و عشق های زودگذر در آن دخالت نداشت. به علاوه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام از لحاظ امکانات رفاهی و مادی در وضعی قرار داشت که با شرایط اقتصادی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تناسبی دیده نمی شد و بین آنان در این بعد، فاصله زیادی وجود داشت، اما آن بانوی خوش نیت به خوبی می دانست که آینده درخشان و امیدبخشی در انتظار رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است. (۱)

دکتر

محمد عبده یمانی، وزیر اسبق فرهنگ عربستان سعودی و برادر «زکی یمانی» می نویسد: «پاک سرشتی، حق گرای و اشتیاق به کمال و رشد فکری و دینی، از ویژگی های خدیجه بود. از همان روزگار جوانی از دختران نامدار عرب و بافضیلت حجاز به شمار می رفت. اولین زن توانمند مسلمان است که در تجارت درخشید و در این راه شهرت منطقه ای به دست آورد. این بانوی بزرگ نه تنها انسانی پیشتاز و رشد یافته و آراسته به جمال و کمال و دارای خرد و روحی بزرگ بود، که گویی فرشته ای باشکوه در سیمای انسانی جلوه یافته بود.

او از شهامت و عظمت روحی و فکری وصف ناپذیری بهره داشت. او در راه همگامی و همراهی با پیامبر، حکیمانه خطرهایی را خنثی می کرد و مسیرهای سختی را هموار می ساخت و فداکاری های شجاعانه ای می کرد. برای نمونه او با آن نفوذ اجتماعی و شهرت زاید الوصف، از خانه خویش که نزدیک مسجد الحرام بود، حرکت می کرد و با پیمودن مسافت زیادی تا کوه حرا می رفت و با بالا رفتن از دامنه پرشیب این کوه برای پیامبر آب و غذا می برد و ایشان را در اوج گرفتن به سوی قدس و ملکوت، به اهتزاز در آوردن پرچم توحید، نجات بشریت و رستگاری انسان ها یاری و همراهی می کرد.» (۲)

## در نگاه بانوان نامی

حضرت زینب کبری عَلَیْهَا السَّلَام، نواده خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، در یازدهم محرم سال ۶۱ هجری هنگامی که در کنار پیکرهای شهیدان کربلا آمد، در بیاناتی بعد از ذکر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و علی عَلَیْهِ السَّلَام از جد اش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

ص: ۳۰۳

۱- قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام از ولادت تا شهادت، ص ۷۰.

۲- سبحانی، جعفر، سیمای فرزندانگان، ص ۳۶۲.

یاد کرد و فرمود: «بابی خدیجه الکبری؛ (۱) پدرم به فدای خدیجه کبری باد.»

ام سلمه از همسران پیامبر: «ای رسول خدا! به راستی خدیجه همان گونه بلندمرتبه، بااخلاص، درست اندیشه و دارای کرداری شایسته بود که شما همواره وصفش می کردید.» (۲)

اسماء بنت عمیس: «ای خدیجه! تو به راستی سالار زنان در جهان خواهی بود.»

صفیه دختر عبدالمطلب و عمه رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «به راستی که خدیجه چه بانوی شکوه مند و آراسته ای است و چه قدر از گفتار و رفتارش، صبر و ژرف اندیشی و درایت هویدا است.» (۳)

دکتر بنت الشاطی: «خدیجه اشرف امهات مؤمنین و نزدیک ترین همسران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به آن حضرت و عزیزترین آنان نزد آن بزرگوار چه در زندگی و چه پس از مرگ است. مدت بیست و پنج سال به تنهایی مورد مهر و احترام رسول خدا قرار داشت و هیچ زنی را در این افتخار با او شریک نیست. در سال نخستین اسلام که توأم با رنج و مشقت بود در کنار آن حضرت بود و به آن وجود گرامی، کمک و همراهی می رساند و دشواری هایی را که آن بزرگوار در راه رسالتش از جانب قریش می دید، آسان می کرد. روح پیامبر نزد خدیجه بیش از دیگران آرام می گرفت.» (۴)

### اعتراف نویسندگان اروپایی و مسیحی

«کنستانتین ویرژیل گئورگیو» نویسنده رومانیایی:

«برای خدیجه امکان داشت شوهرهای ثروتمندی پیدا شود، ولی در میان آنها جوانی از قبیله هاشمی و نیک نام چون حضرت محمّد نبود و او مایل بود با کسی ازدواج کند که خوش خو باشد. حضرت محمّد وقتی این پیمان برقرار گردید و تشکیل خانواده داد و به کمک خدیجه از بضاعت مالی کافی برخوردار گردید. حضرت علی را که کودکی بیش نبود تحت سرپرستی و تربیت خود گرفت و عهده دار تأمین معاشش گردید. غلامی اهل سوریه به

ص: ۳۰۴

۱- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۵۹.

۲- . همان، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

۳- . همان، ص ۱۳۸.

۴- . بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، زینب بانوی کربلا، ص ۳۲ ۳۳.

نام «زید بن حارثه» را که خدیجه به ایشان بخشیده بود، آزاد کرد ولی زید مسلمان گردید و در خدمت پیامبر باقی ماند و به والدین خود که می خواستند او را به شام ببرند گفت: محمد برایم از پدر و مادر بهتر است.

حضرت محمد با کمک خدیجه به محرومان کمک کرد و آنان را از فقر و بی نوایی رهانید. خدیجه برای محمد فقط یک زن نبود بلکه صمیمی ترین دوست و مشاور او محسوب می گردید. و پیامبر او را دوست می داشت و بیست و پنج سال مداوم به خدیجه وفادار ماند. هر موقع که رسول اکرم راجع به برنامه های خود با خدیجه صحبت می کرد خدیجه بهترین راه را که به نظر می رسید ارائه می داد و در مواقعی، حضرت از دیدگاه های او استفاده می نمود. با این که خدیجه بازرگان بود و معمولاً تاجران صرفاً به کسب و کار خود توجه دارند ولی او وقتی پیامبر، مبعوث به رسالتی بزرگ شد به او ایمان آورد و بعد از آن هم تمام اموال خویش را در راه اسلام به مصرف رسانید؛ به طوری که وقتی از دنیا رفت هیچ ثروتی نداشت.»<sup>(۱)</sup>

«مونتگمری وات» انگلیسی: «ازدواج پیامبر با خدیجه موجب تقویت روحی ایشان گردید و به او فرصت داد در مسیری که انتخاب کرده بود، مصمم تر گام بردارد. ازدواج با خدیجه تحول بزرگی در زندگی حضرت محمد به وجود آورد. به همین سبب تا زمان حیات وی، همسر دیگری اختیار نکرد.»<sup>(۲)</sup>

«بودلی» در کتاب خود رسول نوشته است: «فضای اطمینان بخشی را که عقیده و ایمان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در مراحل اولیه به وجود آورده بود، امروز می توان با یک ششم سکنه عالم برابر دانست.»<sup>(۳)</sup>

«جان دیون پورت» دانشمند انگلیسی: «چند روزی که از وفات ابوطالب گذشته بود خدیجه همسر باوفای پیامبر در حالی که سرش در آغوش وی بود، در گذشت. رحلت این

ص: ۳۰۵

---

۱- . ویرژیل گئورگیو، کنستانتین، محمد پیامبری که از نو باید شناخت، ص ۴۱، ۶۰ و ۱۱۷ ۱۱۸.

۲- . مونتگمری وات، دبلیو، محمد پیامبر و سیاست مدار، ص ۱۳ ۱۴.

۳- . کمالی، محمدتقی، شکوه زندگی، ص ۱۶.

شریک زندگی که بسیار مورد محبت پیامبر واقع می گردید، برای آن حضرت حادثه جان سوزی بود؛ زیرا مدت ۲۵ سال این زن برای محمد مشاور و حامی به حساب می آمد. حضرت محمد تا آخرین لحظات حیات، خاطرات حق شناسی او را در ذهن نگه می داشت؛ تا جایی که یادآوری این خاطرات شیرین، اشک عایشه را که جوان ترین همسر پیامبر بود برانگیخته بود. (۱)

خانم «آنه ماری شیمل» آلمانی: «وقتی حضرت محمد به ۲۵ سالگی رسید، با بانویی که شیفته صداقت و درستی او گردیده بود ازدواج کرد. با آن که این زن بزرگ تر از شوهرش بود، پیوندشان توأم با خوش بختی بود. هم شیعه و هم سنی او را به عنوان بانویی پاک گهر بسیار ستایش کردند و او را خدیجه کبری، طاهره، مام مؤمنان و عزیزتر از مادر معرفی نموده اند. موقعی که پیامبر در چهل سالگی مخاطب کلام وحی گردید، خدیجه بزرگ ترین حامی اش بود. محمد در سال دهم بعثت همسر باوفای خود، خدیجه را که در روزگار رنج و آمیخته به ناراحتی و حرمان، نیرومندترین پشتیبانش بود، از دست داد.» (۲)

«سلیمان کتانی» دانشمند مسیحی اهل لبنان: «اراده استوار خدیجه در پناه احساس گویایش انگیزه ای شد تا او به عاطفه راستین خود دست یابد. از این رو در انقلاب علیه عادات و تقلیدهای کورکورانه، تردید روا ندانست و خود گام پیش نهاد تا خویش را به محمد معرفی کند و به همسری وی درآید تا از این رهگذر محبت او تجسم یابد. اما محمد امین هنگامی که پاسخ محبت خدیجه را داد چنین احساس کرد که این علاقه که قلب او را به طپش واداشته، همراه با خردمندی و درایت است و در دیدگان این بانوی میان سال، جوانی روح و استواری اراده خوانده می شد ... خدیجه در راه این شیدایی و در پیش پای محمد، هر چه داشت نثار کرد تا آن را وسیله ای برای ارتقای آرمان قرار دهد.» (۳)

ص: ۳۰۶

۱- دیون پورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ص ۳۱ ۳۲.

۲- شیمل، آنه ماری، محمد رسول خدا، ص ۱۴ ۱۶.

۳- کتانی، سلیمان، فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ زهی در نیام، ص ۱۲۷ ۱.



۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (م ۶۵۶ ق)، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابراهیم، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۳. الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی (م ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق: گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۵. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی (م ۶۹۳ ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۶. آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ ش.
۷. بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن (م ۱۴۱۹ ق)، زینب بانوی کربلا، ترجمه: سید رضا صدر، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۸. دیون پورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه: سیدغلام رضا سعیدی.
۹. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، تحقیق: شعیب ارنووط و حسین اسد، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. سبحانی، جعفر، سیمای فرزندگان، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. سیلاوی، غالب، الانوار الساطعه من الغراء الطهره، [بی جا]: چاپخانه علمیه، ۱۴۲۱ ق.
۱۲. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (م ۴۶۰ ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد شنوقی الامین، نجف: مکتبه الامین، ۱۳۷۶ ق.
۱۳. شیمیل، آنه ماری، محمد رسول خدا، ترجمه: حسن لاهوتی.
۱۴. علی دخیل، علی محمد، زنان بزرگ اسلام (خدیجه)، ترجمه: فیروز حریری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.

۱. قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه الزهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ از ولادت تا شهادت، ترجمه: علی کرمی، قم: نشر مرتضی، ۱۳۷۷ ش.
۲. کتانی، سلیمان، فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ زهی در نیام، ترجمه جعفر طباطبایی.
۳. کمالی، محمد تقی، شکوه زندگی، قم: انتشارات امید، [بی تا].
۴. مامقانی، عبدالله بن محمد حسن (م ۱۳۵۱ ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف: طبع رحلی، چاپ سنگی، مطبعه رضویه، [بی تا].
۵. مجلسی، محمد باقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، تحقیق: محمد باقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۶. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ق.
۷. معروف حسنی، سید هاشم (م ۱۴۰۴ ق)، زندگانی دوازده امام، ترجمه: محمد رخشنده، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۶ ش.
۸. مونتگمری وات، دلیو، محمد پیامبر و سیاست مدار، ترجمه: اسماعیل والی زاده.
۹. ویرزیل گنورگیو، کنستانتین، محمد پیامبری که از نو باید شناخت، ترجمه: ذبیح الله منصوری.



زندگانی ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ (۱)

حسین تهرانی

### چکیده

شرح فضائل اخلاقی و معنوی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به عنوان یک الگوی مناسب برای جامعه اسلامی است. از دیدگاه نویسندگان: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، سه سال قبل از واقعه عام الفیل در مکه مکرمه، گیتی را به وجود خود مزین فرمودند و از جایگاه رفیع خود در جوار رحمت الهی، قدم به این عرصه نهادند، تا آغاز «فمن الله علينا بکم» را به تشنگان حقیقت نوید دهند! پس از ولادت او، خاندانش خلاف رسوم زمانه (زنده به گور کردن دختران)، ولادتش را گرمی داشتند و پدر و مادرش (خویند و فاطمه) در همان مراسم ساده و روح بخش، نام او را خدیجه؛ به مفهوم «گسسته و بیگانه از زشتی ها و ناپسندی ها» برگزیدند. حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، منتسب به خاندانی اصیل، ممتاز، برجسته و اهل دانش و حکمت است. جد، مادر، پدر و افراد برجسته دیگری از خاندان ایشان، همگی موحد و متدین به ادیان آسمانی بوده اند.

کلیدواژه: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، ازدواج، ثروت، دعوت.

### ولادت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، سه سال قبل از واقعه «عام الفیل» در مکه مکرمه؛ گیتی را به وجود خود مزین فرمودند (۲) و از جایگاه رفیع خود در جوار رحمت الهی، قدم به این عرصه نهادند تا

ص: ۳۱۰

۱- سیری کوتاه در زندگانی ام المؤمنین حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، قم: طوبای محبت، چاپ دوم، ۱۳۹۵، ص ۱۰ و ۴۲ و ۶۵ و ۹۶.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۲.

آغاز «فمن الله علينا بكم» (۱) را به تشنگان حقیقت نوید دهند! پس از ولادت او، خاندانش خلاف رسوم زمانه (زنده به گور کردن دختران)، ولادتش را گرمی داشتند و پدر و مادرش (خویند و فاطمه)؛ در همان مراسم ساده و روح بخش، نام او را «خدیجه» به مفهوم «گسسته و بیگانه از زشتی ها و ناپسندی ها» برگزیدند.

### خاندان شریف حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام، منتسب به خاندانی اصیل، ممتاز، برجسته و اهل دانش و حکمت است. جد، مادر، پدر و افراد برجسته دیگری از خاندان ایشان. همگی موحد و متدین به ادیان آسمانی بوده اند.

### پدر حضرت خدیجه علیها السلام

خویند، فرزند اسد، فرزند عبدالعزیز، فرزند قُصَی، فرزند کلاب، فرزند مُرّه، فرزند کعب، فرزند لُوی، فرزند غالب و فرزند فهر است. (۲)

پدر حضرت خدیجه علیها السلام، از بزرگان «قریش» و پیرو آیین حضرت ابراهیم علیه السلام بود. او به سبب امتیازات و موقعیت بالایی که داشت، مهتر و رئیس طایفه خود و از احترام ویژه ای برخوردار بود.

### مادر حضرت خدیجه علیها السلام

مادر حضرت خدیجه علیها السلام، فاطمه، دخت زائده، پسر اَصم، پسر رواجه، پسر حَجْر، پسر عبد، پسر معیص، پسر عامر، پسر لُوی، پسر غالب و پسر فهر است. (۳)

حضرت خدیجه علیها السلام، از سوی پدر، با جد سوم پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، قُصَی و از جانب مادر، با جد هشتم پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، لُوی هم نسب می گردند که در نهایت، اجداد هر دو به حضرت اسماعیل ۷ و ابراهیم خلیل ۷ منتهی می گردد. (۴)

ص: ۳۱۱

۱- زیارت جامعه کبیره.

۲- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۲، ص ۸.

۳- همان.

۴- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۱.

## جدّ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

اسد بن عبدالعزی، جدّ پدری حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، یکی از اعضای برجسته پیمان «حِلْفُ الْفُضُول» است. پیمان مذکور را گروهی از رجال برجسته و عدالت خواه عرب بستند و قرار گذاشتند که از مظلومین دفاع کنند و در یاری در ماندگان بکوشند. این انجمن، بدان دلیل که سه عضو مرکزی و اصلی اش «فضل» نام داشتند؛ پس به عنوان «حِلْفُ الْفُضُول» یا پیمان جوانمردان عرب شهرت یافت. در ارزش این پیمان و انجمن همین بس که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز در آن انجمن عضویت داشتند و پس از روزگار درخشان بعثت و رسالت نیز در این مورد فرمودند:

«لقد شهدتُ فی دار عبد الله بن جدعان حلفاً لو دعیت به فی الإسلام لأجبت؛(۱) من در خانه عبد الله بن جدعان حاضر بودم که پیمان بسته شد.»

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای این پیمان، احترام شایانی قائل بودند.(۲)

## ازدواج پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

در سنه [۶۱۸۸] (۳) بعد از هبوط حضرت آدم ۷، که بیست و پنج سال از عمر شریف پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گذشته بود؛ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را برای خود تزویج نمود.(۴)

## سنّ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام ازدواج با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

در منابع مختلف، راجع به سن رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به هنگام ازدواج چهار قول ذکر شده که عبارت اند از: بیست و یک، بیست و سه، بیست و پنج و سی سال؛ که در میان آنها، قول بیست و پنج سال مشهور می باشد. در واقع پانزده سال قبل از بعثت. روایات متعددی این

ص: ۳۱۲

۱- ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۳؛ حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۵۵.  
۱۵۷.

۲- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۸۱؛ ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۱.

۳- عالم ارجمند جناب ثقه المحدثین مرحوم حاج شیخ عباس قمی سره تاریخ ولادت و سن شریف رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را بر اساس زمان هبوط حضرت آدم ۷ بیان فرموده اند و سال ولادت حضرت خاتم النبیین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را ۶۱۶۳ سال بعد از هبوط حضرت آدم ۷ ذکر نموده اند.

۴- محدث قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۰۰.

قول را تأیید می کند؛ از جمله: «... زَوْجُ بَهَا وَهُوَ ابْنُ خَمْسٍ وَعَشْرِينَ سَنَةً، قَبْلَ أَنْ يَبْعَثَهُ اللَّهُ نَبِيًّا بِخَمْسِ عَشْرَةِ سَنَةٍ» (۱) پیامبر با حضرت خدیجه ازدواج کرد و بیست و پنج سال داشت و هنوز پانزده سال مانده بود تا به پیامبری رسد.»

در مورد سن و سال خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به هنگام پیوندش با والاترین جوان روزگاران، دیدگاه ها یکسان نیست و مورخان سن ایشان را بین بیست و پنج تا چهل و شش سال بیان نموده اند؛ به شرح ذیل:

الف بیست و پنج سال، که بیهقی آن را صحیح دانسته است.

بیهقی، بر این قول صحه می گذارد و می گوید:

«... ثم بلغت خدیجه خمسا وستین سنه، ويقال خمسين سنه وهو أصح؛ (۲) می گویند که حضرت خدیجه در سن شصت و پنج یا پنجاه سالگی وفات یافت، در حالی که سن پنجاه سالگی صحیح تر است.»

بنا بر این، اگر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پانزده سال قبل از بعثت (۳) با پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ازدواج کرده باشد که «بیهقی» نیز آن را تأیید می کند؛ یعنی هنگام ازدواج بیست و پنج سال داشته (۴) و سال وفات ایشان هم سال دهم بعثت است.

در میان معاصران نیز برخی از علما تصریح کرده اند که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در زمان بعثت

ص: ۳۱۳

- 
- ۱- ابن کثیر اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۲، ص ۲۹۵؛ حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۲۲۷.
  - ۲- بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، ج ۲، ص ۷۱؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۴؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۲، ص ۲۹۴.
  - ۳- بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، ج ۲، ص ۷۲. «... زَوْجُ بَهَا وَهُوَ ابْنُ خَمْسٍ وَعَشْرِينَ سَنَةً. قَبْلَ أَنْ يَبْعَثَهُ اللَّهُ نَبِيًّا بِخَمْسِ عَشْرَةِ سَنَةٍ؛ پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، با حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در بیست و پنج سالگی ازدواج کرد و هنوز پانزده سال مانده بود تا به پیامبری رسد.» (عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ص ۱۱۰ و ۱۱۶)
  - ۴- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ص ۹۸؛ ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱؛ حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۴۰؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، مختصر تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۲۷۵.

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بانویی چهل ساله بوده اند. حال با توجه به این که در زمان بعثت، پازده سال از ازدواج ایشان گذشته، پس هنگام ازدواج، بیست و پنج سال داشته اند.

ب بیست و هشت سال، که بیشتر آن را ترجیح می دهند.

ابن عماد حنبلی، به نقل از صحیح بخاری می نویسد:

«وتزوج خدیجه وهو ابن خمس وعشرين سنه، وهی بنت أربعین علی الصحیح فیهما؛ پیامبر، با حضرت خدیجه ازدواج کرد و بیست و پنج سال داشت و حضرت خدیجه به احتمال قوی دختری چهل ساله بود.»

سپس در ردّ این نظریه می گوید:

«در حالی که بسیاری از تاریخ نگاران (۱) این دیدگاه را ترجیح داده اند که، حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر، دوشیزه ای بیست و هشت ساله بوده است.»

«ورجّح کثیرون آنها ابنه ثمان وعشرين و؛ (۲) و بیشتر محققان بر آنند که، او دختری بیست و هشت ساله بود.»

بلاذری ضمن بحث در این مورد می نویسد که: «پیامبر به هنگام ازدواج با حضرت خدیجه، جوانی بیست و سه ساله و حضرت خدیجه، دختری بیست و هشت ساله بوده اند؛ تزوّجها وهو ابن ثلاث وعشرين سنه وهی ابنه ثمان وعشرين سنه.» (۳)

ابن عساکر، به نقل از ابن عباس می گوید: «کانت خدیجه یوم تزوّجها رسول الله ابنه ثمان و عشرين سنه ومهرها اثنتی عشره أوقیه وکذلک کانت مهور نسائه؛ (۴) روزی که حضرت

ص: ۳۱۴

۱- ابن عماد حنبلی متوفی در قرن یازدهم در کتاب خود به معرفی ۴۵ نفر از مورخین سال اول تا هزارم هجری پرداخته و ضمن بیان حوادث مهم و وفیات و تراجم اعلام کوشیده بی طرفی خویش را حفظ کند، اما گاه به نقد و تحلیل منابع فراوانی که در تألیف بر آنها تکیه داشته می پردازد.

۲- ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن عماد، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ج ۱، ص ۱۳۴، در رویدادهای سال ۱۱؛ ابن اثیر جزری، مجدالدین علی بن محمد، جامع الأصول فی أحادیث الرسول، ج ۵، ص ۱۸۳ ۱۸۴؛ عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۱۱۶.

۳- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۸.

۴- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۱۹۳.



خدیجه با پیامبر ازدواج کرد، دختری بیست و هشت ساله و مهریه آن بزرگوار، دوازده اوقیه [= نود مثقال مکی] بود که با مهریه دیگر زنان برابری می کرد.»

ابن کثیر، در «البدایه والنهایه» می نویسد: «حضرت خدیجه به هنگام ارتحال، پنجاه ساله بود، که بیست و پنج سال آن را در خدمت پیامبر اکرم سپری کرده بود.»<sup>(۱)</sup>

کلبی، یکی از شیعیان امیرمؤمنان علی علیه السلام، به نقل از ابن عباس می گوید: «انّ النبی تزوّجها بنت ثمان وعشرین سنه؛<sup>(۲)</sup> پیامبر، با حضرت خدیجه ازدواج کرد و او دختری بیست و هشت ساله بود.»

حاکم نیشابوری قول به بیست و هشت سال را به نقل از ابن اسحاق روایت می کند: «وکان لها یوم تزوّجها ثمان وعشرون سنه؛<sup>(۳)</sup> روزی که حضرت خدیجه ازدواج کرد، بیست و هشت ساله بود.»

به طور واضح سنّ حضرت خدیجه علیها السلام را روشن نساخته، اما آن جا که از هشام بن عروه نقل می کند که گفت: «توفیت خدیجه بنت خویلد ۲ وهی ابنه خمس وستین سنه؛ حضرت خدیجه علیها السلام در سنّ شصت و پنج سالگی وفات یافته است.»

می گوید: «هذا قول شاذ فإن الذی عندی انها لم تبلغ ستین سنه؛ این سخن نادر و شاذی است و به نظر من، ایشان به سنّ شصت سالگی نرسیدند.»

بنا بر این، ایشان برآند به این که سنّ حضرت خدیجه علیها السلام به هنگام ازدواج، کمتر از سی سال بوده است.

از ابن عباس نقل شده: «أنه تزوّجها وهی ابنه ثمانی وعشرین سنه ومهرها اثنتی عشرهه أوقیه وكذلک كانت مهور نساءه؛<sup>(۴)</sup> روزی که حضرت خدیجه با پیامبر ازدواج کرد، دختری بیست و هشت ساله بود و مهریه آن بزرگوار، دوازده اوقیه [= نود مثقال مکی] بود که با مهریه

ص: ۳۱۵

۱- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۲، ص ۳۵۹.

۲- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱.

۳- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.

۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۰.

دیگر زنان برابری می کرد.»

ابن حماد می گوید: «بلغنی أنّ رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تزوّج خدیجه علی اثنتی عشره أوقیه ذهباً وهی یومئذ ابنه ثمانی وعشرین سنه؛<sup>(۱)</sup> به من خبر دادند که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، با حضرت خدیجه ازدواج کرد و مهریه اش، دوازده اوقیه طلا و حضرت خدیجه بیست و هشت ساله بود.»

نویری، قول به بیست و هشت سال را پذیرفته و در مورد چهل سال می گوید: «قیل»؛ یعنی از نظر ایشان، سند مشخص و معلومی برای قول به چهل ساله بودن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ وجود ندارد!

«فتزوّجها وهو ابن خمس وعشرین سنه وشهرین وعشره أيام، وخدیجه یومئذ بنت ثمان وعشرین سنه، وقیل: بنت أربعین سنه؛<sup>(۲)</sup> پیامبر با حضرت خدیجه ازدواج کرد و بیست و پنج سال و دو ماه و ده روز داشت و حضرت خدیجه بیست و هشت ساله بود و گفته اند که چهل سال است.»

ابن سعد با اسناد خود، به نقل از ابن عباس می گوید: «أخبرنا هشام بن محمد بن السائب عن أبيه عن أبي صالح عن ابن عباس قال: كانت خدیجه یوم تزوّجها رسول الله ابنه ثمان وعشرین سنه ومهرها اثنتی عشره أوقیه؛<sup>(۳)</sup> ابن عباس گفت: روزی که حضرت خدیجه با پیامبر ازدواج کرد، دختری بیست و هشت ساله و مهریه اش، دوازده اوقیه [= نود مثقال مکی] بود.»

پس آنچه مسلم است، آن است که سنّ مبارک حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، کمتر از سی سال بوده و مورخانی که بیشتر از سی سال را مطرح نموده اند،

ص: ۳۱۶

۱- همان، ص ۱۲.

۲- نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاییه الإرب فی فنون الأدب، ج ۱۶، ص ۹۸.

۳- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمّه، ج ۱، ص ۵۱۰ و ۵۱۳: «وقال ابن حماد بلغنی أنّ رسول الله تزوّج خدیجه علی اثنتی عشره أوقیه ذهباً وهی یومئذ ابنه ثمانی وعشرین سنه؛ ابن حماد گفت: خیرم کردند که رسول خدا، با مهریه دوازده اوقیه طلا با حضرت خدیجه ازدواج کرد و حضرت خدیجه، بیست و هشت سال داشت.»

دلیلی برای قول خود ذکر نکرده اند و ما هم نیافتیم.

مطلب دیگر این که با توجه به فرزندانی که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بعد از ازدواج به دنیا آورده، با چهل ساله بودن ایشان مناسبتی نداشته و نمی تواند، مطابقتی با واقع داشته باشد! از طرفی، وجود خواستگاران زیاد و استنکاف از پذیرش آنان،<sup>(۱)</sup> خود مطلبی است که وضعیت سنّی مناسبی را برای یک زن آشکار می کند. وضعیت سنّی مناسب، یک از جاذبه های طبیعی زن است که از کثرت خواستگاران حکایت می کند؛ زیرا همه کسانی که اخباری نقل کرده و روایاتی از آنان برجای مانده از شیعه و اهل سنّت اجماع دارند، مردی از اشراف قریش و رؤسای آنان نمانده بود که به خواستگاری حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نرود و یا در صدد آن بر نیاید؛ از جمله عقبه بن ابی معیط؛ الصلت بن ابی یهاب؛ ابوجهل بن هشام و ابوسفیان و... حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هم از پذیرش استنکاف می نمود، تا جایی که وقتی به همسری رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درآمد؛ زنان قریش بر او خشم گرفتند و از او کناره گیری کردند و گفتند:

«بزرگان و اشراف قریش، از تو خواستگاری کردند و به همسری هیچ یک در نیامدی و به همسری محمد یتیم ابوطالب که مردی فقیر است و مالی ندارد درآمدی!»

حال جای بحث و سؤال است که چرا لازم است این همه اختلاف، در خصوص سنّ این بانوی بزرگ به هنگام ازدواج با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مطرح شود؟ آیا غیر عمدی یا این که تعمّدی و بر اساس سیاست پنهان است؟

آیا می خواهند انتخاب شایسته حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را زیر سؤال ببرند، که اگر بانویی به بالای سنّ چهل برسد، تن به ازدواج با هر شرایطی خواهد داد و انتخاب حضرت محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای ایشان در این سن، فضیلت نبوده است؟ آیا هدف، کاستن مقام و منزلت و ارزش

ص: ۳۱۷

---

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲ ۲۳: «خطبها عقبه بن ابی معیط والصلت بن ابی یهاب وکان لکل واحد منهما أربعمائة عبد و أمه وخطبها أبوجهل بن هشام وأبوسفیان و خدیجه لا ترغب فی واحد منهم وکان قد تولع قلبها بالنبی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)؛ عقبه بن ابومعیط و صلت بن ابویهاب، که هر کدام چهارصد غلام و کنیز داشتند، از حضرت خدیجه خواستگاری کردند. هم چنین ابوجهل و ابوسفیان از او خواستگاری کردند و حضرت خدیجه هیچ رغبتی به آنان نداشت و قلبش فقط برای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می تپید!»

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده که تن به ازدواج با بیوه چهل ساله ای داده تا به مال و ثروت او دست یابد؟ لازم است گفت شود که، این دسیسه ای از طرف دشمنان اسلام، یهود و پیروان بنی امیه، به منظور کاستن شخصیت و عظمت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بوده است!

### حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، به غیر از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با کسی ازدواج نکرد

عده ای بر آنند که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، هنگام مفتخر شدن به همسری پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بانویی بودند که چیزی حدود چهار دهه زندگی شایسته و مترقی داشته و از دو همسر پیشین خود که زندگی را بدرود گفته بودند دارای فرزندان نیز بوده اند؛ به عبارتی، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بانویی صاحب فرزند بوده است! این دیدگاه، سست و ناشی از اشتباه مورخان و یا به هر دلیل دیگر است! گفته شده که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، با دوشیزه ای جز عایشه ازدواج نکرده و در باره حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می گویند که قبل از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با دو نفر دیگر ازدواج کرد و از آنان فرزندان نیز داشت و آن دو عتیق بن عائذ بن عبد الله المخزومی و اعرابی به نام ابو هاله تمیمی بوده اند.

ولی ادعای آنان مخدوش است و بسیاری از این گفته ها، ساخته های دشمنان است؛ به دلایلی که به آن خواهیم پرداخت:

سید مرتضی در «الشافی» و شیخ طوسی در «تلخیص الشافی» همین دیدگاه را آورده اند و تصریح کرده اند که: «حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، دوشیزه بود.» (۱)

بلاذری در «أنساب الأشراف» در این باره می نویسد: «پیامبر به هنگام ازدواج با حضرت خدیجه، جوانی بیست و سه ساله و حضرت خدیجه دوشیزه ای بیست و هشت ساله بود.» (۲)

علامه ملا محمدباقر مجلسی در این باره می نویسد: «آنچه این نکته را مورد تأیید و

ص: ۳۱۸

---

۱- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۹۹؛ مجلسی، محمّدباقر، حیوه القلوب، ج ۲، ص ۵۹۵؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳۸؛ مامقانی، عبدالله بن محمّدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷؛ محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۶۹؛ عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲- . بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۸.

تأکید قرار می دهد، این است که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به هنگام ازدواج با پیامبر گرامی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، دوشیزه بود و رقیه و زینب، دختران او نبودند، بلکه دختران خواهرش، هاله بودند و تحت سرپرستی و مدیریت و مورد مهر و مراقبت او قرار گرفتند؛ تأکیدی است که در دو کتاب «البدع» و نیز «الأنوار» (۱) آمده است. (۲)

ابن حماد حنبلی، دانشمند معروف اهل سنت در این باره می نویسد: «بسیاری از تاریخ نگاران، این دیدگاه را ترجیح داده اند که حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر، بیست و هشت ساله بوده است.» (۳)

ابن

شهر آشوب، حدیث نگار نامدار شیعه در این باره می نویسد: «ان النبی قد تزوج خدیجه وهی عذراء؛ (۴) پیامبر اکرم، درحالی با حضرت خدیجه ازدواج کرد که او دوشیزه بود.»

واقدی می گوید: «و کانت خدیجه وهی بکر...؛ (۵) حضرت خدیجه (به هنگام ازدواج با رسول خدا) باکره بوده است.»

عمادالدین طبری، در «کامل بهائی» در این باره می نویسد: «در کتب تاریخ آمده، حضرت خدیجه باکره بود که به عقد رسول خدا درآمد و رؤسای عرب و اشراف، از حضرت خدیجه خواستگاری نمودند و او هیچ کدام را اجابت نکرد! حال چگونه او به ابی هند، که از لثام بنی تمیم، بود پاسخ مثبت داده است؟!» (۶)

ص: ۳۱۹

- ۱- «الأنوار» از تألیفات ابوالحسن البکری، و «البدع» همان کتاب «الاستغاثه فی بدع الثلاثه» می باشد، که از تألیفات ابوالقاسم کوفی (م ۳۵۲ ق) بوده؛ عالم امامیه ای که نسبش از طریق امام حسین ۷ به امام امیرمؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَامُ می رسد.
- ۲- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۶۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۹۱.
- ۳- ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن عماد، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ج ۱، ص ۱۴.
- ۴- عاملی، سید جعفر مرتضی، بنات النبی أم ربائیه، ص ۱۲۴۷۵.
- ۵- سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قراوغلی، تذکره الخواص، ص ۲۷۱؛ خصیبه، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، ص ۴۵؛ ابو نعیم، احمد بن عبدالله اصبهانی، دلائل النبوه، ص ۱۷۸؛ شیرازی، امهات المؤمنین، ص ۹۰.
- ۶- طبری، عمادالدین ابوجعفر محمد، کامل بهائی، ج ۱، ص ۲۶۸.

اسماعیل بن محمّد بن فضل اصفهانی در این باره می نویسد: «لَمَّا بَلَغَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خَمْسًا وَعِشْرِينَ سَنَةً وَلَيْسَ لَهُ بِمَكَّةَ إِسْمٌ إِلَّا الْأَمِينُ. لَمَّا تَكَامَلَتْ فِيهِ خِصَالُ الْخَيْرِ، قَالَ لَهُ ابُوطَالِبٍ: يَا بَنَ أَخِي! خَدِيجَةُ تَبَعَتْ رَجُلًا مِنْ قَوْمِكَ فِي عَيْرَانِهَا. فَيَتَجَرَّونَ ... وَكَانَتْ خَدِيجَةُ إِمْرَأَةً بَاكِرَةً، ذَاتَ شَرَفٍ وَمَالٍ كَثِيرٍ؛<sup>(۱)</sup> هُنْكَامِي كَمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِهِ سَنٌ بِيَسْتٍ وَبِخَمْسٍ سَالِكِي رَسِيدِنْدَ، تَمَامِي أَهَالِي مَكَّةَ أَنَّ حَضْرَتَ رَا بِهِ نَامِ امِينِ مِي شَنَاخْتَنْدَ. زَمَانِي كَمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تَمَامِي خِصْلَتِ هَايِ خُوبٍ وَبِسَنَدِيدَةٍ دَرِ أَنَّ حَضْرَتَ جَمْعَ شَدَّ، حَضْرَتِ ابُوطَالِبِ پِيشَنَهَادِ اَزْدَوَاجِ بَا حَضْرَتِ خَدِيجَةَ رَا دَادَ وَخَطَابِ بِيَه پِيَامِبِرِ عَرَضَ كَرْدَ: پِسَرِ بَرَادِرْمِ! حَضْرَتِ خَدِيجَةَ عَدَّةِ اَيِ اَزِ اقْوَامِ وَمَرْدَانِ قَبِيلَةِ اَتِ رَا بَرَايِ تِجَارَتِ مِي فَرَسْتَدَ... حَضْرَتِ خَدِيجَةَ دَرِ أَنَّ زَمَانَ بَاكِرَةَ وَ اَزِ جَايِگَاةِ شَرِيفِ وَ ثَرَوَتِ زِيَادِي بَرِخُورْدَارِ بُوَدَ.»

به نظر می رسد که ادعای مسن بودن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، از دروغ های هشام بن عروه باشد! وی معتقد بود که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، هنگام رحلت در سال دهم بعثت، شصت و پنج سال سن داشته اند.

### حاکم

نیشابوری این مطلب را از هشام بن عروه نقل کرده و این قول را شاذ دانسته و می نویسد: «به نظر من، سنّ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام رحلت؛ کمتر از شصت سال بوده است.»<sup>(۲)</sup>

در کتاب «تاریخ سیستان» آمده است: «حضرت خدیجه بنت خویلد، اندر زمان حضرت رسول، بکر و با خرد و کمال و جمال بود.»<sup>(۳)</sup>

در روایت دیگری آمده است: «حضرت خدیجه، خواهری به اسم هاله داشت که با مردی مخزومی ازدواج کرد و از او دختری متولد شد. بعد از مرگ همسرش، مردی از تمیم، که او را ابوهند می نامیدند و دو فرزند به نام های رقیه و زینب از همسر اولش که مرده بود داشت؛ با هاله، خواهر حضرت خدیجه ازدواج کرد و دارای فرزندی به نام هند شد. بعد از

ص: ۳۲۰

۱- ابو نعیم، احمد بن عبدالله اصفهانی، دلائل النبوه، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۲۲۷.

۲- عن هشام بن عروه: توفیت خدیجه وهی ابنة خمس و ستین سنه. هذا قول شاذ، فانّ الّذی عندی أنّها لم تبلغ ستین سنه. (حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۰۱)

۳- تاریخ سیستان، مؤلف مجهول، تحقیق: ملک الشعرا بهار، ص ۵۲.

مردن مرد تمیمی، هند به طایفه پدرش ملحق شد و هاله با فرزندان دیگرش باقی ماند و حضرت خدیجه آنان را نزد خود گرد آورد. بعد از ازدواج ایشان با پیامبر، بچه ها در خانه پیامبر و حضرت خدیجه باقی ماندند و عرب می پندارد که اگر کسی را بزرگ کنی، فرزند تو است و به همین خاطر به پیامبر نسبت داده شدند.»<sup>(۱)</sup>

احمد بن ابی یعقوب، در «تاریخ یعقوبی» و شیخ ذبیح الله محلاتی، در «ریاحین الشریعه» در این باره می نویسند: «حضرت خدیجه، خواهری به نام هاله داشت، که همسرش از دنیا رفت و دو فرزندش را بی سرپرست نهاد! آن حضرت که دارای ثروتی بسیار و درایت و هوش و عاطفه ای سرشار بود سرپرستی خواهر و خواهرزاده های خود را به عهده گرفت و پس از امضای پیمان زندگی مشترک با پیامبر، خواهرزاده ها هم چنان مورد مهر و محبت و در قلمرو سرپرستی و مراقبت مادرانه و آموزگارانه اش بودند؛ به همین جهت برخی از مردم، آنان را دختران حضرت خدیجه و حضرت محمّد می پنداشتند، نه هاله!»<sup>(۲)</sup>

محمّد دخیل، در کتاب «حضرت خدیجه علیها السلام» در این باره می نویسد: «زینب و رقیه، خلاف پندار برخی از تاریخ نگاران و آورندگان حدیث، دختران پیامبر و همسرش حضرت خدیجه نبودند. بلکه خواهرزاده های حضرت خدیجه و فرزندان هاله بودند؛ اما به خاطر گمنامی هاله و شهرت جهانی حضرت خدیجه، به ایشان نسبت داده شده اند.»<sup>(۳)</sup>

علامه خبیر ابوالقاسم علی بن احمد بن موسی بن الإمام جوادی، مشهور به «ابوالقاسم کوفی» [م ۳۵۲ ق]، در کتاب «الإستغاثه فی بدع الثلاثه» تحقیق کرده: «رقیه و زینب (همسران عثمان)، دختران رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و حضرت خدیجه نیستند و این شبه های است که

ص: ۳۲۱

---

۱- . عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۱۲۵ ۱۲۶؛ مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷؛ شوشتری، محمدتقی تستری، قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۳۱.

۲- . ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۸؛ محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، ج ۲، ص ۲۶۸.

۳- . علی دخیل، علی محمد، خدیجه علیها السلام، ص ۱۱.

مردم عوام، به دلیل عدم معرفت و فهم شان در مورد أنساب ایجاد کردند.»<sup>(۱)</sup> سپس به بررسی نسب رقیه و زینب می پردازد.

برخی محققان و اندیشمندان، در مورد دختران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پژوهش های گسترده، تحلیلی، مستند و جالبی نموده اند و نظر آنان در این باره چنین است:

«از پژوهش گسترده ای که در مورد دختران ارجمند پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) انجام شده، می توان چنین دریافت که ازدواج رقیه و امّ کلثوم با پسران ابولهب و هم چنین جدایی از آنان، به خاطر تاریک اندیشی و یک دندگی شوهرانشان در دشمنی و عداوت با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و سپس ازدواج عثمان با آن دو، یکی پس از دیگری واقعیت ندارد.»<sup>(۲)</sup>

پس در واقع، سه دختر با نام زینب، رقیه و کلثوم فرزندان هاله، خواهر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بوده اند و درست این است که بگوییم، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بنت خویلد، خواهری با نام «هاله» داشته که با مردی از «بنی مخزوم» ازدواج کرد. هاله از این مرد، فرزندان را آورد و وقتی همسرش از دنیا رفت؛ پریشان شد! چون خواهرش، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ثروتمند بود؛ خواهر و فرزندانش را تحت کفالت خود قرار داد و پس از ازدواج حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، فرزندانش در حجر رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ماندند و به آن حضرت منسوب گردیدند.<sup>(۳)</sup>

از این رو برخی محققین معتقدند که جز حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ مابقی دختران،

ص: ۳۲۲

---

۱- ابوالقاسم کوفی، علی بن احمد، الاستغاثه، ج ۱، ص ۶۴. «زینب و رقیه به خاطر گمنامی هاله و علوّ درجه حضرت خدیجه، به آن حضرت نسبت داده شده اند.» (علی دخیل، علی محمد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، ص ۱۱)

۲- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۶۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۹۱ و....

۳- محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه فی أحوال النساء الشیعه، ج ۲، ص ۲۶۹؛ حسینی همدانی سید محمدحسین، انوار درخشان، ج ۷، ص ۴۱۴. «ربیبه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خواهرزاده حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بوده اند. (کاظمی قزوینی، سید امیرمحمد، الآلوسی والتشیع، فصل ۱۱، پاورقی ص ۲۳۱) «قیل إن رقیه و امّ کلثوم کانتا ابنتی هاله أخت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ من ذلك یقوی القول إنهما لیستا بناته. وقال جماعه آخرون کانتا ربیبیه من جحش؛ گفته اند که رقیه و امّ کلثوم، دختران هاله بودند و هاله، خواهر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود. از این رو، چنین می نماید که آن دو دختر، از آن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیستند. برخی نیز گفته اند که آن دو دختر، فرزندان جحش بوده اند.»



خواهرزاده های حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بودند که سالیان سال، تحت سرپرستی خاله خود و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) قرار گرفتند. (۱)

اجماع عام و خاص راویان اخبار بر آن است که همه اشراف، سادات و ثروتمندان قریش، از طاهره قریش خواستگاری کردند و آهنگ ازدواج با او را داشتند، ولی امتناع و مخالفت می کرد و هنگامی که با حضرت محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ازدواج کرد، زنان قریش بر او خشم گرفته و او را ترک کردند و گفتند: «اشراف و بزرگان قریش از تو خواستگاری کردند، ولی تو با هیچ کدام ازدواج نکردی و با محمد، یتیم ابوطالب که فقیر است و مالی ندارد ازدواج کردی.» (۲)

با این اوصاف، کسی که اهل دانش و بصیرت باشد؛ چگونه می تواند بپذیرد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با اعرابی از قبیله «بنی تمیم» ازدواج کرده و از ازدواج با سروران قریش، خودداری نموده باشد و چطور سروران قریش که از ایشان خواستگاری کردند و حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آنان را رد کرد او را متهم به عیب و عار نساختند که چرا با وجود این همه خواستگار، با یک اعرابی ازدواج کرده است؟! آیا می توان پذیرفت که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، از ناحیه قریش مورد ملامت قرار گرفته، اما در ازدواج با یک اعرابی هیچ سرزنشی نشده باشد؟!

پس با توجه به آنچه نقل نمودیم، شایعه ازدواج حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با دو تن دیگر و پیش از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، تحریف عمدی تاریخ برای طرح عایشه به عنوان تنها دختری که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با او ازدواج کرده است؛ چنان که طرح دامادی عثمان ملقب کردن به «ذوالنورین»، منحصرأً برای تراشیدن رقیب سیاسی برای مولای متقیان، امیرالمؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَامُ می باشد.

مؤید این مطلب روایتی است که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به امام امیرالمؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمود: «یا

ص: ۳۲۳

- ۱- علی دخیل، علی محمد، اعلام النساء المؤمنات، ص ۳۱۷ ۳۱۸؛ محلماتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، ج ۲، ص ۲۶۹.
- ۲- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۱۲۳؛ ابوالقاسم کوفی، علی بن احمد، الاستغاثه، ج ۱، ص ۷۰.

عَلِيَّ! أُوتِيَتْ ثَلَاثًا لَمْ يُوتِهَنَّ أَحَدٌ وَلَا أَنَا، أُوتِيَتْ صِهْرًا مِثْلِي. وَلَمْ أُوتِ أَنَا مِثْلِي...؛ (۱) ای علی! در زندگی، سه امتیاز و ویژگی به تو ارزانی گردید، که به هیچ کس دیگر از مردم، حتی به من، ارزانی نشد!

الف. به تو افتخار دامادی من داده شد، در حالی که من پدر همسری بسان تو ندارم!

ب. به تو همتا و همسری، مانند دخت فرزانه ام (حضرت فاطمه) عنایت شد، در حالی که به من همتا و همدمی، بسان تو ارزانی نگردید!

ج. به تو بدون واسطه، پسرانی ارجمند و تاریخ ساز مانند: حضرت حسن و حسین عنایت گردید، اما به من عنایت نشد؛ اما شما از من هستید و من از شما.»

بیان این روایت چنین می فهماند که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، دختری جز حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ و دامادی جز امام امیرمؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَامُ نداشته است.

اما دشمنان، چون تحمّل این همه فضایل و مناقب را برای حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نداشتند و از طرف دیگر می خواستند که مقابل آن حضرت، عایشه را عَلم نمایند؛ پس در این راستا، آمدند و اقدام به دو کار نمودند:

اول

این که: فضایل حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را مورد انکار قرار داده و از کتب خود حذف کردند.

دوم این که: با جعل روایت و تحریف تاریخ، آن حضرت را به گونه ای معرفی نمودند که عایشه بتواند مقابل ایشان قد عَلم کرده و سرفرازی کند. این شگرد آنان بود و از قبل نیز برای جا انداختن خلافت خلفای سه گانه (ابوبکر، عمر و عثمان) و توجیه انتساب آنان به رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با عنوان «خليفة الرسول» نزد مردم و بستن دهان عوام برابر اشتباهات و اعمال خلاف دین و شرع، دست به جعل روایات و حکایات تاریخی زدند که به واسطه آن، رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را نعوذ بالله به عنوان مسلمانی بی قید و بند و متمایل به لهو و لعب معرفی کردند تا اگر فردی به خلفا خُرده گرفت که هر روز، حکمی از احکام الهی را عوض کرده و یا حکم تازه ای جعل می کنند و یا دستور به قتل بی گناهان می دهند و یا منافقان طرد شده در زمان

ص: ۳۲۴

۱- شهید ثالث، قاضی نورالله شوشتری هندی، احقاق الحق وازهاق الباطل، ج ۵، ص ۷۴؛ شافعی، عبدالله، مناقب، ص ۵۰.

رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را نزد خود راه داده و به آنان منصب و مقام می دهند و در عوض، یاران و صحابه واقعی ایشان را طرد و تبعید کرده و یا دستور قتل آنان را صادر می کنند؛ در جواب، پیامبری را معرفی کنند که به مراتب از خلفایش پراشتباه تر و به دنیا متمایل تر است؛ پیامبری که نه تنها مصداق «ماينطق عن الهوى» نیست، بلکه پیوسته در تصمیم گیری ها اشتباه عمل می کند و برای موضع گیری ها و برخوردهای خود برابر افراد، اعتباری قائل نیست و دائم می گوید: «من فردی مانند شما هستم که ممکن است در جذب و یا طرد افراد و قضاوت در باره آنان اشتباه کرده باشم!» آنان این گونه پیامبری را به پیروان خودشان معرفی کرده اند، اما حاشا و کلاً! اگر آیات قرآن و روایات وارده از ائمه اطهار ۷ در تبیین مقام و شخصیت رسول گرامی اسلام(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نبود و برای شناخت آن حضرت فقط به تعاریف دشمنان درجه یک ایشان، یعنی کفار قریش و یهودیان ساکن در مدینه و مسیحیان نجران و دیگر دشمنان اکتفا می شد؛ در شناخت عظمت وجودی ایشان و میرا بودن ساحت مقدّسشان از بافته های منافقان، کفایت می کرد.

پس ملاحظه می کنید که این روش، یعنی پایین آوردن مقام بزرگان دین در انظار مردم، برای رسیدن به اهداف شوم و پلیدی که در دستور کار خود داشتند، شگرد آنان بود؛ شگردی که به واسطه آن، فقط خدا می داند، چقدر مردم را از وصول به حقیقت، دور و سمت آنان جذب نمود.

نسبت چهل ساله بودن حضرت خدیجه علیها السلام، به هنگام ازدواج با رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و هم چنین بیوه بودن ایشان نیز از نتایج همین شگرد منافقین است. اما این تهمت، با واقعیت زندگی حضرت خدیجه علیها السلام فاصله بسیاری دارد؛ زیرا اول این که این نسبت، با عقاید حقه ناسازگاری و منافات دارد و دوم این که از لحاظ تاریخی نیز فاقد وجهت و اعتبار کافی می باشد که در ادامه به تفصیل این دو می پردازیم.

**ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام، با مبانی اعتقادی تشیع**

یکی از ضروریات اعتقادی مذهب حقّه جعفری علیه و علی آبائه وانبائه السلام عصمت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اهل بیت ایشان، یعنی حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ و ائمه هدی ۷ می باشد. معنای اولیه ای که از این کلمه در ذهن انسان وارد می شود، دوری از گناه و اشتباه و فکر آن می باشد، که اگر چه معنایی درست و مطابق با موازین اعتقادی است، اما دربرگیرنده تمام مفهوم آن نمی باشد. کامل ترین معنای عصمت در قرآن مجید و در آیه تطهیر (۱) وارد شده است. خداوند در این آیه، اهل بیت رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را از هر گونه ناپاکی و پلیدی مبرا گردانیده و دارای مقام تطهیر دائمی معرفی کرده است.

عصمت از گناه، فکر آن و اشتباه، دربرگیرنده یک قسمت از معنای آیه تطهیر می باشد، اما این آیه، نوعی دیگر از عصمت را نیز متوجه این بزرگواران می کند. اغلب در بیان معنای عصمت غفلت می شود، یعنی دوری از هر گونه ناپاکی. این ناپاکی، دارای مصادیق بسیاری می باشد؛ یکی از آن مصادیق، آلودگی آباء و اجداد معصومین ۷ به آنجاس زمان جاهلیت می باشد و در این آیه، به طور کلی این مسئله نفی شده است. مؤید ما بر اثبات این مطلب، عباراتی است که در اغلب زیارت نامه های وارده از معصومین ۷ آمده که فرموده اند:

«كنت نوراً في الأضلاب الشامخه والأرحام المطهّره لم تنجسك الجاهلیة بأنجاسها؛ (۲) شما نوری در ضیلب های مردان بلندمرتبه و در رحم های زنان پاک بودید که جاهلیت، شما را با آلودگی های خود نیالود.»

حال اگر کسی معتقد باشد که یکی از اجداد پدری یا مادری این بزرگواران، عاری از طهارت و آلوده به انجاس جاهلیت می باشد، در مسیر انکار این اصل ضروری دین قرار گرفته و از دایره دین خارج می گردد.

حال با بیان این مقدمه، دیگر وجه ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با مبانی اعتقادی تشیع، واضح و آشکار می شود؛ زیرا بنا بر آنچه در کتب تاریخی تحریف شده در

ص: ۳۲۶

۱- (إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً). (احزاب: ۳۳)

۲- زیارت اربعین امام حسین ۷.

مورد ایشان آمده، آن حضرت قبل از ازدواج با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، با دو نفر کافر بت پرست به نام های عتیق بن عائد مخزومی و ابوهاله ازدواج نموده و از آنان صاحب اولاد شده بودند، که این درست خلاف مبانی اعتقادی شیعه است. ازدواج آن حضرت با دو کافر بت پرست، ایشان را از دایره طهارت خارج و قابلیت مادری برای حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ و ائمه هدی ۷ را از وی سلب می کند؛ زیرا حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ و ائمه طاهریں ۷، از مصادیق آیه تطهیر هستند و می بایست از هر گونه ناپاکی میرا باشند؛ یکی از آن ناپاکی ها، غرقه شدن پدران و مادران ایشان به آلودگی های جاهلیت می باشد.

## حضرت

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، موحد و تابع شریعت حضرت عیسی عَلَیْهِ السَّلَامُ بوده اند. طبق شریعت های توحیدی، ازدواج موحد با کافر مشرک حرام می باشد و اگر خلاف دستور دین چنین ازدواجی صورت گیرد، باطل محسوب می شود. با این حساب، ازدواج حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با عتیق و ابوهاله که دو کافر بت پرست بوده اند از لحاظ دینی، حرام و در صورت وقوع آن، ازدواجی غیرشرعی محسوب شده و این خود، منافات با پاکی و طهارت دارد.

حال در این جا افرادی که با توجه به تاریخ تحریف شده، ازدواج های حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با عتیق و ابوهاله را مورد تأیید قرار می دهند؛ مقابل دو قضیه متناقض قرار می گیرند:

۱. ادعای تاریخی مبنی بر ازدواج حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با دو کافر که با قبول آن، می بایست معتقد به خروج ایشان از طهارت و عدم قابلیت برای مادری معصومین ۷ باشند، حال آن که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در واقع مادر این بزرگواران بوده اند.

۲. اصل اعتقادی عصمت برای معصومین ۷ که به واسطه آن، می بایست معتقد به پاکی پدران و مادران ایشان باشند. بنا بر این با قبول قضیه اول، اصل اعتقادی عصمت که از ضروریات دین است زیر پا گذارده می شود و با قبول اصل عصمت، مسئله تاریخی ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست محال به نظر می آید.

آنچه در این دو مسئله متناقض برای ما روشن است:

اول این که: ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست، مسئله ای تاریخی است که به خودی

خود، دارای هیچ گونه اعتبار و حجیت شرعی نمی باشد؛ یعنی نه در کتاب خداوند و نه در سنت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و ائمه هدی ۷ برای آن مؤیدی یافت نمی شود که به واسطه آن، دارای اعتبار و حجیت شود؛ به خصوص این که تاریخ صدر اسلام، مملو از تحریف است؛ با توجه به این مطلب، دیگر هیچ وجه عقلایی ای برای اتکا به آن تاریخ تحریف شده یافت نمی شود.

دوم این که: طهارت آباء و اجداد معصومین ۷، اصل ضروری دین می باشد، که اعتقاد به آن واجب و عدم اعتقاد به آن، موجب خروج از دین می گردد. پس با این حساب، در مواجهه این دو قضیه و موارد مشابه آن، آنچه مورد قبول واقع می شود، اصل اعتقادی و آنچه طرد می گردد، مسائل تاریخی متناقض با آن می باشد و این نصب العین قرارداد اصول اعتقادی در هنگام مطالعه و تحقیق تاریخ صدر اسلام تنها راه فهم تحریفات وارد شده در تاریخ مُحرّف و فرار از انحرافات عقیدتی می باشد؛ زیرا هدف دشمنان دین در مسئله تحریف تاریخ، جز منحرف کردن مخاطبان آن از اصول عقیدتی و دور نگه داشتن آنان از حقیقت زندگی اولیای دین نبوده، که با نصب العین قرار دادن اصول اعتقادی در حین مطالعه و تحقیق آن، این تلاش آنان ناکارآمد می گردد.

### **عدم اعتبار بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام از نظر تاریخ**

بنا بر آنچه گذشت، اعتقاد به ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با دو نفر کافر بت پرست، مغایرت با اصول اعتقادی شیعه دارد و هیچ تردیدی در بطلان آن نباید داشت، اما نکته جالبی که لازم است در این جا به آن اشاره نمود، منابع اولیه ای است که بیان می دارد، حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، با دو نفر کافر بت پرست ازدوج نموده بودند! این مطالب، به اهل سنت برمی گردد و به طور حتم می توان گفت که در هیچ یک از کتب روایی و تاریخی شیعه، ردّپایی از این ادعا یافت نمی شود و این خود، جای تأمل بسیاری دارد.

اگر شخصی به کتب تاریخی و روایی اهل سنت اندک مراجعه ای داشته باشد، متوجه می شود که این کتاب ها، دارای موارد متضاد و متناقض بسیاری هستند که اعتبار آنها، نه فقط از طریق شیعه، بلکه از طرف علمای اهل سنت نیز مورد خدشه می باشد. به عنوان مثال، در

بین آن همه کتب روایی اهل سنت، کتب «صحاح شش گانه» از اعتبار خاصی برخوردار است و در بین کتب «صحاح شش گانه»، «صحیح بخاری» بیشتر مورد توجه قرار گرفته، طوری که اگر ادعا شود، اهل سنت بعد از قرآن هیچ کتابی را به اندازه صحیح بخاری مورد توجه قرار نمی دهند؛ ادعای گزافی نیست. اما با این حال، کتب زیادی در تنقیح احادیث صحیح بخاری نوشته شده، که بسیاری از احادیث آن را مورد خدشه قرار می دهد؛ زیرا احادیث ساختگی و جعلی و نیز نقل های تاریخی تحریف شده فراوانی در این کتاب وجود دارد، که تعصب و عناد و دشمنی با اهل بیت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را می توان از مهم ترین ادله جعل و ورود این احادیث و نقل های تاریخی به این کتاب دانست.

حال با اوضاع و خیمی که کتب روایی و تاریخی اهل سنت دارد، نقل این مسئله آن هم فقط از طریق اهل سنت، قابل تأمل می باشد؛ زیرا بانیان انحراف و غاصبان خلافت، برای اثبات موضع خود در بین مردم، دست به جعل و تحریف تاریخ و دین زدند، که نتیجه آن را امروز می توان در کتب روایی و تاریخی بقایای آنان، یعنی اهل سنت مشاهده نمود.

ممکن است این اشکال مطرح شود که این مسئله، در بعضی کتب روایی و تاریخی شیعه نیز وارد شده، که در جواب می گوئیم:

اول این که: نقل های وارده در کتب روایی و تاریخی شیعه نیز به این علت که به منابع اهل سنت برمی گردد فاقد وجاهت و اعتبار می باشد.

دوم این که: همان گونه که گفتیم، بزرگان علمای شیعه، مانند سید مرتضی، شیخ طوسی، ابوالقاسم کوفی، ابن شهر آشوب، علامه مامقانی و ... در کتب خود، زیر بار این مسئله نرفته اند و «عذراء» بودن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را مورد تأکید قرار داده اند. مرحوم علامه ملا محمدباقر مجلسی نیز در کتاب شریف «بحار الأنوار» با ذکر روایتی، سن ازدواج حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را بیست و هشت سال بیان کرده است. (۱)

پس در نتیجه لازم است گفت:

ص: ۳۲۹

نقش عایشه، در تخریب چهره حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و نیز با توجه به تصریح مورخان به این که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ وقتی به همسری پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درآمد، دختری بکر بود، هر محققى را وادار مى کند که به موضوع ازدواج های حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ قبل از همسری با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، با دیده شک و تردید بنگرد. با اندکی تدبیر، هم به بیست و هشت ساله بودن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به هنگام ازدواج با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، هم به اولین ازدواج ایشان و هم به داشتن تنها یک فرزند، آن هم دختری بافضیلت، یعنی حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ می توان پی برد.

از این رو حضرت ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ در خطبه عقدی که در ازدواج پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ایراد کرد، به این حقیقت اشاره نموده و فرمود: «برادرزاده ام از دختر شما که بانویی بافضیلت، مشهور به عفت و سخاوت و دوشیزه ای بلندجایگاه است، خواستگاری می کند.» (۱)

مرحوم آیت الله نمازی شاهرودی در «مستدرک سفینه البحار» می نویسد: «إِنَّ زَيْنَبَ وَرَقِيَةَ كَانَتَا رَيْبَتَاهُ مِنْ جَحْشٍ وَأَمَهُمَا زَيْنَبُ؛ (۲) زینب و رقیه، دختران جحش بودند و مادرشان، زینب بود.»

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، سرپرستی این دو را به عهده داشت؛ بدین ترتیب، یکی دیگر از فضایل این بانوی بزرگ آشکار می گردد که، ایشان علی رغم مجرد بودن و مشکلاتی که در امر تعلیم و تربیت وجود دارد؛ سرپرستی فرزندان خواهر خویش را نیز پذیرفته است.

### ناقلان ازدواج های دروغین حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

راویان ازدواج حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیش از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، سه نفر می باشند:

۱. هشام بن محمد بن سائب کلبی

علمای علم رجال قائل اند به این که وی مبتلا به مرضی شد و همه چیز را فراموش کرد. (۳) حال با وجود فراموشی ای که وی داشته، چگونه می توان به آنچه او در باره ازدواج حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیش از ازدواج پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل کرده، اطمینان حاصل نمود؟!

ص: ۳۳۰

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۱۶.

۲- . نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۹۶.

۳- . نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۳۴.



محمّد بن اسحاق خراسانی، در باره زبیر بن بَکَّار می گوید: «از علی بن محمّد نوفلی شنیدم که بین قبر و منبر رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که باغی از باغ های بهشت می باشد، مردی از بنی هاشم، زبیر بن بَکَّار را در باره موضوعی قسم داد! زبیر قسم دروغ خورد؛ بلافاصله به مرض برص مبتلا شد.»

پدر زبیر (یعنی بَکَّار)، بر امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ در باره چیزی ستم کرد! حضرت، او را نفرین نمودند؛ بلافاصله از قصر سقوط کرد و گردنش کوبیده شد.

پدر بَکَّار (یعنی عبد الله) نیز سابقه خوبی ندارد. او عهدنامه بین هارون الرشید و یحیی بن عبد الله بن حسن را پاره کرد و به هارون گفت که یحیی را بکشد؛ زیرا دیگر امان نامه ای وجود ندارد.

یحیی به هارون گفت: «این مرد دیروز با برادرم، در قیام علیه تو شرکت داشت و حتی اشعاری را در این زمینه سرود! عبد الله، منکر شد! یحیی او را قسم داد! عبد الله قسم دروغ خورد و حاشا کرد و بعد از سه روز مرد! چندین مرتبه او را دفن کردند، ولی قبر او را نپذیرفت!» (۱)

زبیر بن بَکَّار، در مکه قاضی بوده، و در سال ۲۶۵ قمری و در سن ۸۴ سالگی از دنیا رفت. وی کتابی در باره «انساب قریش» نیز نگاشته است.

در روایتی او را مذمت کرده اند، همان طور که پدر و جدش نیز مذمت شده اند. (۲)

شیخ محمّد تقی شوشتری در «قاموس الرجال» راجع وی می نویسد: «زبیر بن بَکَّار هذا معلوم حاله وعدائه لأهل البيت ۷ وکان يعرف بالوضع والكذب حتى عند العامة؛ (۳) حال زبیر بن بَکَّار معلوم است، که از دشمنان اهل بیت: می باشد و به دروغ گویی و جعل احادیث، نزد علمای عامه معروف است.»

ص: ۳۳۱

۱- غروی اردبیلی، محمّد بن علی، جامع الزّواہ، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲- شبیری زنجانی، سید موسی، الجامع فی الرّجال، ص ۷۸۶؛ شیخ صدوق، محمّد بن علی، عیون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۲، باب ۴۸، ص ۲۲۶.

۳- شوشتری، محمّد تقی تستری، قاموس الرجال، ج ۴، ص ۴۰۸.

شیخ مفید نیز در باره وی می گوید: «اعتمادی به گفته های زبیر بن بکار نیست؛ زیرا در آنچه نقل کرده، متهم به دشمنی با حضرت امیرمؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَامُ می باشد.»(۱)

۳. قتاده بن دعامه

ابوحمره ثمالی نقل می کند: در مسجد رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نشسته بودم که مردی وارد شد و گفت: آیا اباجعفر محمد بن علی را می شناسی؟

گفتم: آری! چه حاجتی داری؟!

گفت: چهل مسئله دارم، می خواهم از او بپرسم... حرفش تمام نشده بود که امام باقر ۷ وارد شد؛ اطراف ایشان را عده ای از خراسانی ها و غیره گرفته بودند و از مناسک حج می پرسیدند. چیزی نگذشت که حضرت نشست. حضرت از او پرسید: کیستی؟ گفت: قتاده بن دعامه بصری. حضرت پرسید: توفقیه اهل بصره هستی؟

جواب داد: آری!

حضرت فرمود: وای بر تو! خدا انسان را خلق کرد و بر آنان حجّت قرار داد و آنان پایه های استوار زمین و قائمین به علم خدایند. خداوند پیش از ایجاد خلق، آنان را برگزید و انوارشان در طرف راست عرش خدا قرار داد.

پس مدتی ساکت ماند! قتاده گفت: به خدا قسم! نزد فقهای زیادی نشسته ام، حتی نزد ابن عباس؛ آن چنان که اکنون قلبم به تپش و لرزه درآمده، نزد آنان چنین حالتی نیافتم!

حضرت فرمود: وای بر تو! آیا می دانی این جا کجا است؟

«فی بیوت أذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه، يسبح له فيها بالغدو والآصال، رجل لا تلهمهم تجاره ولا بيع عن ذكر الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة فانت ثم ونحن أولئك؛(۲) (این چراغ پرفروغ) در خانه هایی قرار دارد که خداوند اجازه داده، دیوارهای آن را بالا برند تا از دسترس شیاطین و هوس بازان در امان باشند؛ خانه هایی که نام خدا در آنها برده می شود و صبح و شام در آن جا

ص: ۳۳۲

۱- . محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۴۲.

۲- . شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۲.

گویند، مردانی که نه تجارت و نه معامله، آنان را از یاد خدا، برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی نماید! تو در چنین مکانی هستی و ما از آن جا می باشیم.»

ابن حجر عسقلانی در «تهذیب التّهذیب» از اسماعیل قاضی نقل می کند که وی در «أحكام القرآن» گفته است: «از علی بن مدائنی شنیدم که می گفت: آنچه او (قتاده بن دعامه) نقل می کند، ضعیف است.» (۱)

حنظله بن ابی سفیان نیز می گوید: «طاووس یمانی از قتاده فرار می کرد و حاضر به ملاقات با او نبود، چون او را قدری مذهب می دانست.» (۲)

شمس الدین ذهبی در میزان الاعتدال، در این باره می نویسد: «قتاده بن دعامه الدوسی، مدلس (۳) و فریب کار می باشد و می گفتند عقیده قدریه (۴) دارد.» (۵)

### باکره بودن مادران ائمه اطهار علیهم السلام

از روایات و احادیثی که در باره مادران بافضیلت ائمه وار شده، به دست می آید که برخی از آنان کنیز بوده اند. اما تا زمانی که به همسری امام علیه السلام درآمده اند، دست هیچ انسانی به آنان نرسیده است. این مطلب، گویای این حقیقت است که اراده پروردگار در باره آنان تعلق

ص: ۳۳۳

۱- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التّهذیب، ج ۸، ص ۳۵۶.

۲- همان، ص ۳۵۳.

۳- مدلس به کسی گفته می شود که حدیث ضعیف روایت می کند. (ر. ک: مسعود، جبران، الرائد، ذیل کلمه مدلس)

۴- طبق اخبار و روایات به کسانی که قائل به جبر می باشند، قدریه گفته می شود. اما مطابق بعضی از روایات دیگر مراد از قدریه قائلین به تفویض می باشند. (محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ذیل کلمه قدر) قال النبی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «القدریه مجوس هذه الأمه؛ قدریه مجوس این امت می باشند.» در روایت دیگر فرمود: «القدریه خصماء الله فی القدر؛ قدریه، دشمنان خدا در باره مقدرات الهی هستند.» (شهرستانی، عبدالکریم، الملل والنحل، ج ۱، ص ۴۳) سید بن طاووس ۱ نقل می کند که جماعتی از علمای اسلام به نقل از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) روایت نموده اند: «لعنه القدریه علی لسان سبعین نبیاً. قیل ومن القدریه یا رسول الله؟ فقال: قوم یزعمون الله سبحانه قدر علیهم المعاصی وعذابها علیها؛ قدریه، توسط هفتاد پیامبر نفرین شده اند. گفته شد: ای رسول خدا! قدریه چه کسانی هستند؟ پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: جماعتی هستند که می پندارند، خداوند بر آنان گناه و معصیت را تقدیر نموده و با این حال، آنان را بر این گناه عذاب می نماید.»

۵- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۸۵.

گرفته که به صورتی پاک، نزد همسر خودشان رسند و ظرفی که نور مقدس امام عَلِيهِ السَّلَامُ در آن قرار می گیرد؛ منزّه از هر پلیدی و آلودگی باشد.

### علاقه حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ به پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

صفحات تاریخ گواهی می دهد که علاقه حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ به پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، به دلیل تقوا، پاک دامن، عفت و امانت «عزیز قریش» بود.

شرح زندگانی حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ و روایاتی که در فضیلت آن حضرت وارد شده، این مطلب را بیشتر روشن می نماید؛ زیرا وی زنی پاک دامن و عفیف بود و همواره دنبال شوهری متقی و پرهیزگار می گشت. به علاوه عوامل دیگری که پیش از این ذکر نمودیم، موجب تمایل و علاقه شدید آن حضرت، نسبت به پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گردید؛

از این رو، متمایل به ازدواج با آن حضرت گشت و علاقه شدید خود را با سرودن شعری در وصف پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اظهار کرد! این ابراز احساسات حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ، از عشق مجازی ای که از هوس های نفسانی نشئت می گیرد نبود، بلکه علاقه او نسبت به پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، جنبه معنوی داشت که در جای جای قلب حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ قرار داشت! فضا، فضای ملکوت بود، نه فضای ناسوت که در چنین فضایی، عشق حیوانی را راهی نیست بر همین اساس، اهل دل این ندای آسمانی را شنیدند که می گفت:

«إِنَّ اللَّهَ زَوْجَ الطَّاهِرَةِ بِالطَّاهِرِ الصَّادِقِ؛ به راستی خداوند بانوی پاک را همسر مردی پاک و راستین نمود.»

در این هنگام، پرده از جلو چشم ها کنار رفت؛ حوریان بهشتی، بر مجلس عقد حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ با حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عطرافشانی کردند و همه گفتند: «هَذَا مِنْ طَيِّبٍ» (۱) این بوی خوش، از وجود این پاک مرد، سرچشمه گرفته است.»

### علاقه پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ

حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ، مورد علاقه پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و بسیار به او محبت می ورزید و او را دوست می داشت و پس از مراسم ازدواج، خداوند را مورد حمد و سپاس قرار داد و گفت:

ص: ۳۳۴

۱- . محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۶.

«الحمد لله... وزوجنی خدیجه و کنت لها عاشقاً» (۱)

همچنین روایت شده: «کان لها محباً وبها وامقاً» (۲) پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نسبت به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، محب و علاقه مند بود!

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بیست و چهار سال با حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زندگی کرد (۳) و تا آن حضرت زنده بود، همسر دیگری برنگزید و وقتی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از دنیا رفت، به هنگام دفن او، ابتدا رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در قبر آن حضرت داخل شد و سپس حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را در آن جای داد. (۴)

سید احمد سایح، از علمای اهل سنت، در کتاب الاضواء فی مناقب الزهراء می نویسد: «وقد ظلَّ رسول الله یحبُّها ویذکرها ویشنی علیها حتی بعد انتقالها الی الرفیق الاعلی... وکان رسول الله اذا اهدی الیه تقول: اذهبوا به الی بیت فلاننه فانها کانت صدیقه لخدیجه» (۵) رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، همواره او (خدیجه) را دوست می داشت و یاد می کرد و بر وی درود می فرستاد، حتی بعد از انتقالش به رفیق اعلی... وقتی برای پیامبر اکرم هدیه ای آورده می شد، می فرمود: آن را به خانه فلان زن ببرید؛ زیرا او دوست خدیجه بوده است!

عایشه گوید: «بر هیچ یک از همسران رسول خدا، همانند

خدیجه حسد

نورزیدم...! پیامبر، زیاد نام او را می برد! چه بسا حضرت، گوسفندی را قربانی و برای دوستان خدیجه می فرستاد!» (۶)

همچنین عایشه می گوید: «روزی رسول خدا را خشمگین نمودم و با تصغیر کلمه خدیجه، او را مسخره کردم! حضرت، مرا از این کار منع کرد و فرمود: خداوند، محبت خدیجه را روزی من کرده است!» (۷)

باز از عایشه نقل شده که گفت: «کان رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لا یکاد یخرج من البیت حتی یدکر

ص: ۳۳۵

۱- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۸.

۳- محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، باب خاء، ص ۳۷۹.

۴- همان، ص ۳۸۰.

۵- سایح، سید احمد، الاضواء فی مناقب الزهراء، ص ۲۱ ۲۲.

۶- امام مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۳.

۷- همان، ص ۱۳۴.

خدیجه فیحسن الثناء علیها والاستغفار لها فذکرها ذات یوم فحملتني الغیره فقلت عوضك الله من کبیره السنّ، قال: فرأيت رسول الله غضب غضبا شديداً...؛<sup>(۱)</sup> رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خانه بیرون نمی آمد، مگر این که حضرت خدیجه را یاد می نمود و برایش استغفار می کرد. روزی از او یاد نمود و من حسد بردم و گفتم: او پیرزنی بیش نبود! خدا، بهتر از او را به شما عوض داده است؟!<sup>(۲)</sup> پیامبر خشمگین شد و فرمود: نه! به خدا قسم که بهتر از او به من نداده است!

«خدیجه! و این مثل خدیجه؟ صدقتنی حین کذبني الناس ووازرتنی علی دین الله وأعانتنی بمالها خدیجه؛ دیگر مثل خدیجه کجا است؟! او به من ایمان آورد، آن هنگام که مردم مرا انکار کردند! او مرا تصدیق کرد، آن گاه که مردم مرا تکذیب می نمودند! او با مال خود مرا یاری کرد و خداوند از میان همسران، فقط از خدیجه به من فرزند داد!»

گویند: «هر وقت پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را می شنید، می گریست!»

همچنین روایت شده: «زمانی پیرزنی بر پیامبر وارد شد، پیامبر بر او مهربانی نمود! پس از خروج او، عایشه علت آن را جویا شد؛ حضرت فرمود: این بانو، در زمان حضرت خدیجه بر من وارد می شد!»<sup>(۳)</sup>

عایشه

می گوید: «هیچ یک از زنان پیامبر خدا، مانند خدیجه مورد حسادتم قرار نگرفت، با وجود این که هرگز او را ندیده بودم؛ زیرا رسول خدا، بسیار

از حضرت خدیجه یاد

می نمود و زبان به مدح و تعریفش می گشود، به خصوص این که خداوند از طریق وحی به پیامبرش خبر داده بود که، حضرت خدیجه را کاخی بس مجلل و پرشکوه در بهشت ارزانی داشته است!»<sup>(۴)</sup>

ص: ۳۳۶

۱- ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۸؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۷۵.

۲- منظور عایشه از این که به پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفت: «خدا بهتر از او را به شما عوض داده است» خودش بوده، که جوان و دختر بوده است؟!

۳- محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، باب خاء، ص ۳۸۰.

۴- بخاری، محمّد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۳۱ و ج ۶، ص ۱۵۸؛ امام مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۳؛ ابن حنبل، احمد بن محمّد شیبانی، مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۵۸؛ ابن ماجه قزوینی، محمّد بن یزید، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۴۳؛ ابن حنبل، احمد بن محمّد شیبانی، فضائل الصحابه، ص ۷۵؛ بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، ج ۷، ص ۳۰۷.

همچنین وی از رفتار خود با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حکایت کرده: «روزی هاله (خواهر حضرت خدیجه) از پیامبر خدا اجازه دخول خواست تا ایشان را دیدار نماید. رسول خدا که گویی با شنیدن صدای هاله، به یاد صدای خدیجه افتاده بود؛ حالش به شدت دگرگون گردید! من که از رفتار پیامبر، حسادتم به خدیجه سخت تحریک شده بود؛ بلافاصله گفتم: چقدر از آن پیرزن بی دندان قریشی یاد می کنی؟! مدت ها است که او مُرده و خداوند، بهتر از او را به تو ارزانی داشته است؟ پس از این اعتراض، دیدم که چهره رسول خدا برافروخت و به شدت غضبناک شد؛ به حدی که موهای جلو سر مبارکش، از شدت غضب تکان خورد و آن چنان حالش دگرگون شد که ماندش را فقط به هنگام نزول وحی در آن حضرت دیده بودم. که نگران دستورهای آسمانی بود تا پیام رحمت نازل شود یا عذاب.» (۱)

### حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، برترین همسران پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

میان همسران پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برترین آنان بوده؛ از این جهت، آن حضرت را «اشرف زوجات الرسول» می نامند. (۲)

گرچه این تعبیر، از جهتی شایسته این بانوی مکرمه نمی باشد؛ زیرا لفظ «برتر» در مورد اشخاص و افراد و در جایی استفاده می شود که همه آنان خوب باشند و بین آنان، یکی را به عنوان «برتر» برمی گزینند. در صورتی که به شهادت تاریخ، برخی از همسران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، نه تنها خوب نبودند، بلکه بد بودند و اسباب ناراحتی و رنجش خاطر رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را فراهم می نمودند؛ نظیر عایشه و حفصه. بنا بر این، لفظ برترین از این جهت زینده حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نمی باشد و لازم است بگوییم که بر حسب روایات وارده چه در شیعه و چه در سنی آن حضرت از نظر شخصیت، تقوا و فضیلت، یگانه بانوی جهان اسلام بوده است.

در مقایسه بین حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و برخی دیگر از همسران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که مدعی در تاریخ

ص: ۳۳۷

۱- ابن حنبل، احمد بن محمد شیبانی، مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۱۵۰ و ۱۵۴؛ حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۸۶؛ ابن حبان بُستی، محمد بن احمد، صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۴۶۸؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۳، ص ۱۵۸.

۲- حائری مازندرانی، محمد مهدی، شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۳۲.

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هستند تفاوت عمده این بود که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خودش را برای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می خواست و هویت خود را کنار پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می جست، ولی آنان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را برای خودشان می خواستند؛ پس او همه هستی اش، از مال و جان و آبرویش را برای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هزینه کرد، ولی آنان بعدها از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای خود هزینه کردند!

### حُسن رفتار حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

یکی از برنامه های تربیتی اسلام، آموزش آیین شوهرداری به بانوان می باشد. اگر به آمار اختلافات خانوادگی، طلاق و ناهنجاری های خانواده توجه شود، بخش قابل توجهی از این مشکلات، به رفتارهای بانوان، زنان و دختران جوان برمی گردد و این همه، به خاطر ناآگاهی و عدم توجه به حقوق شوهران، رعایت نکردن آداب معاشرت و عدم آگاهی از اصول شوهرداری در اسلام است. حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، در ترویج آیین شوهرداری اسلامی و رعایت حقوق همسر، نهایت تلاش را به عمل می آورد.

آن حضرت، در طول بیست و پنج سال زندگی مشترک با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، پیوسته همدم، همفکر و همگام با آن حضرت بود و با وجود ثروت و شکوه و جمال و کمال، راه فروتنی و اطاعت از همسر بزرگوارش را در پیش گرفت و در همان برخوردهای اولیه، از فرط ادب و تواضع، خود را کنیز و خدمت گزار او خواند و اظهارداشت: «به خانه خودت خوش آمدی! خانه، خانه تو است، من نیز کنیز تو هستم!» (۱)

همچنین در سراسر زندگی مملو از مهر و محبت خود، نسبت به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، همواره بهترین یاور و مهربان ترین مونس و وزیر و مشاور کارآمد آن حضرت بود؛ طوری که نوشته اند: «کانت خدیجه ۳ وزیره صدق علی الاسلام وکان رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) یسکن الیها؛ (۲) حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، وزیر راستین اسلام بود و رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با [مهر و ملاطفت] او آرامش خاطر می یافت!»

ص: ۳۳۸

- ۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۴؛ محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۷۹؛ بکری، ابوالحسن احمد بن عبدالله، الانوار فی مولد النبی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۳۰۴.
- ۲- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۵۱۱.



پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، قبل از بعثت؛ هر ماه، چند روز و هر سال، ماه رمضان را برای عبادت و نیایش با خدا به غار «حرا» می رفت و حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ، نه فقط مانع اجرای برنامه عبادی همسرش و رفتن او به غار حرا نمی شد، که خود نیز مشوق آن حضرت بود و هر بامداد و شامگاه او را بدرقه می کرد و هنگام بازگشت، به پیشوازش می رفت! گاه برایش آب و غذا می برد و مواظب بود تا خلوت همسرش با پروردگارش را به هم نزنند و گاه غلامان و نزدیکان خود را در اطراف کوه حرا، به مراقبت از جان گرامی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می گماشت و خود در انتظار بازگشتن محبوبش به سر می برد. (۱)

پس به خاطر این حُسن رفتاری که حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در طول زندگی خود با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) داشت، خداوند به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «خدیجه را بشارت ده، به خانه ای در بهشت از قصب، یعنی مروارید، که در آن صَخَب و نصب، یعنی سر و صدا و رنج و درد، وجود ندارد!» (۲)

ابن حجر عسقلانی در کتاب «فتح الباری بشرح صحیح البخاری» در شرح این حدیث از سهیلی نقل می کند: «تعبیر قصب از این جهت است که آن بانوی بزرگوار، گوی سبقت را از همه بانوان جهان ربوده است و تعبیر صَخَب از این جهت است که خدیجه، هرگز با پیامبر درگیر نشد، صدایش را بلند نکرد، سر و صدا ایجاد نکرد و خانه را محیط امن و آرام برای آن حضرت قرار داد. و تعبیر نصب هم از این جهت است که وی خلاف برخی همسران پیامبر، هرگز آن حضرت را نیاززد! از این رهگذر، خداوند قصری در بهشت به آن حضرت بخشید که محیط آرام، بی سر و صدا و بدون اذیت و آزار باشد!» (۳)

آری! حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ کمال حُسن رفتار را با همسرش، پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) داشت، از

این رو رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز همواره به حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ چه در زمان حیات او و چه بعد از رحلت جانسوز او عشق می ورزید؛ چنان که روایت شده: «کان لها محباً وبها

ص: ۳۳۹

۱- ر.ک: علامه امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب والسنه، ج ۳، ص ۲۳۸.

۲- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۴۸.

۳- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۳۸.

وامقا؛ (۱) پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نسبت به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، محب و علاقمند بود!»

بنا بر این، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نهایت حُسن رفتار را با همسر خود داشت و آیین شوهرداری را به گونه ای نیکو به مرحله اجرا گذاشت.

دکتر علی ابراهیم حسن در این باره می نویسد: «هر گاه بخواهیم، نمونه ای از یک همسر بااخلاص و پاک دامن و زنی باوقار و خردمند نشان دهیم، بهتر از حضرت خدیجه، ام المؤمنین ۳ نمی توانیم بیابیم!» (۲)

### حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، بانویی محبّه

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، نه تنها در زمان ظهور اسلام، بلکه قبل از آن هم مسئله حجاب را به طور کامل رعایت می کرد و خود را در معرض دید نامحرمان قرار نمی داد؛ از این رو در عصر جاهلیت، آن حضرت ملقب به «طاهره» شد. (۳)

بعد از بعثت رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز مانند گذشته، این سیره و روش را ادامه داد و به سفارش و توصیه پروردگار که خطاب به همسران پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: (قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ؛ (۴) زن ها در خانه هایشان بمانند،) عمل کرد و حتی وقتی رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، حسب دستور پروردگار مأموریت یافت که چهل روز از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فاصله گیرد و به عبادت پردازد؛ در این مدت نیز در خانه ماند و تخلف از امر پروردگار و پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نکرد و پس از اتمام چهل روز، وقتی پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خانه مراجعت کرد و در خانه را به صدا درآورد؛ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ عرضه داشت: «کوبنده در کیست؟ کسی، جز محمد حق ندارد در این خانه را بزند!» رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «ای خدیجه! در را بگشا که محمد آمده است!» (۵)

ص: ۳۴۰

- ۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۸.
- ۲- . ابراهیم حسن، علی، نساء لهنّ فی التاریخ الاسلامی نصیب، ص ۲۱.
- ۳- . ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۹۹؛ ابن کثیر اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۳، ص ۱۵۷؛ صالحی شامی، محمّد بن یوسف، سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، ج ۲، ص ۴۳۴؛ عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۱۰۷.
- ۴- . احزاب: ۳۳.
- ۵- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۸.

بنا بر این، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در طول مدّت عمر خود، مسئله حجاب و پوشش خود برابر نامحرم را به خوبی رعایت کرد. از این رو بانوان جامعه ما در رابطه با مسئله حجاب لازم است این درس را از زندگی نورانی آن حضرت بگیرند و حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را الگوی خویش در همه ابعاد، به ویژه در مورد موضوع حجاب قرار دهند.

### نقش اقتصادی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در پیشرفت اسلام

اسلام پس از فرود بر قلب و زبان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، با دو عامل اساسی، بسط و گسترش و پایداری یافت؛ جهاد و فداکاری همه جانبه امیرمؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و دیگر، ثروت و امکانات و حمایت های گسترده حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، (۱) مثلث مبارکی که باعث پیشرفت و گسترده گی اسلام در سراسر گیتی شدند، عبارت بودند از:

۱. وجود مقدّس پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)،

۲. امام امیرمؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَامُ،

۳. ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ.

به این معنا که قلب و وجود مبارک رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، شایستگی دریافت وحی و وظیفه خطیر رسالت را داشت. امیرمؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَامُ، با شجاعت و توانمندی بی نظیرش، اسلام را قدرت بخشید و حفظ نمود. (۲) حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز تمام مهر، محبت و ثروتش را به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بخشید، حال آن که احساس بخشش نمی کرد، بلکه احساس دریافت سعادت و خوشبختی می نمود! پس وجود مبارک حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با ایثار، عطوفت و مهربانی بی نظیر خود، حامی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و با انفاق مال خویش در راه استحکام و تحکیم اسلام، موانع و مشکلات را از راه مسلمانان کنار زد. روی این جهت، پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «ما قام ولا استقام الدّین الا بسیف علی و مال خدیجه»؛ (۳) دین اسلام برپا و مقاوم نشد، مگر به دو چیز؛ اموال

ص: ۳۴۱

۱- ر. ک: کتانی، سلیمان، فاطمه الزهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ و ترفی غمد، ص ۱۱۲.

۲- شهید ثالث، قاضی نورالله شوشتری هندی، احقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۶، ص ۵۴ ۵۵.

۳- مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷؛ سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغزاة الطاهره، ص ۱۶۴؛ حائری مازندرانی، محمد مهدی، شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۳۳.

در روایت دیگر فرمود: «مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ»<sup>(۱)</sup> هیچ مالی هرگز به من سود نرسانید، آن گونه که ثروت خدیجه برای من سود رسانید.»

به راستی که نقش تاریخی و فداکاری های اقتصادی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، در یاری رسول خدا ۹۱ که مشکلات فراوانی را از پیش پای ایشان برداشت و منجر به آرامش روحی شان گردید بسیار مشهود است.

پس از ازدواج مبارک امین مکه (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و طاهره قریش ۳؛ حرف روز مردم، ازدواج این بانوی بزرگ که به ثروتمندی نیز زبانزد خاص و عام است با حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جوان فقیر و بی بضاعت بود. شکسته بالان وادی عشق حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، در گوشه و کنار کمین کرده، پیمانہ وجودشان از کینه و حسد مالامال بود و از هر فرصتی برای تحقیر و توهین حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) استفاده می کردند! بزرگ ترین دستاویزی که داشتند، یتیمی و تهی دستی حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و این خود می توانست مجوزی برای سیل اتهامات و گفت و شنودهای ناروا و به دور از فضیلت در باره آن حضرت باشد.

این خدیجه طاهره ۳ بود که لحظه به لحظه در جریان اخبار روزمره و حرف و حدیث های کوچه و خیابان قرار می گرفت و از بی حرمتی مردم نسبت به همسرش آزرده خاطر می شد؛ پس برای این که کار را یکسره کند و طعنه زنان بی منطق را خلع سلاح نماید تا دیگر کسی جرئت بدگویی از حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به خاطر فقر و تنگ دستی اش نداشته باشد؛ پسرعمویش، ورقه را خواست و اختیار تمام اموال و دارایی های خود را به او سپرد و دستور داد که ورقه، تمام دارایی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هدیه نماید و یادآور شد: «این همه دارایی و اموال، از این پس ملک حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است و به او تعلق دارد و هر طور که بخواهد می تواند در آن تصرف نماید.»

ص: ۳۴۲

---

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۶۳؛ شیخ طوسی، محمدبن حسن، الامالی، ص ۴۶۸؛ سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغزاة الطاهرة، ص ۱۶۳؛ عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۴، ص ۱۳.

در ضمن فرمود: «از قول من به محمد بگو که همه ثروت و سرمایه ام، تمام عمال و کارگزارانی که امر تجارت مرا سامان می دادند، تمام آن چیزهایی که به نام من ثبت شده و در دست من قرار دارد و یا زیر نظر من اداره می شود، همه و همه را به او بخشیدم؛ از این پس، من و هر آنچه از آن من بود، به محمد تعلق دارد.»

ورقه هم فرصت را مغنم شمرد و با دستور العملی جامع از طرف حضرت خدیجه علیها السلام، در میان جمعیت حاضر کنار کعبه و بین زمزم و مقام وارد شد و با صدای بلند فریاد زد: «ای جمعیت عرب! من از طرف خدیجه سخن می گویم و پیام رسان او هستم!»

«إن خدیجه تشهدکم علی آنها قد وهبت نفسها ومالها وعبیدها وخدمتها وجميع ما ملکت یمینها والمواشی والصداق والهدایا لمحمد... إجلالا له وإعظاماً ورغبه فیه فکونوا علیها من الشاهدین؛(۱) خدیجه بانوی بزرگ و بااقتدار قریش، شما را به گواهی می طلبد! همه شما شاهد باشید که او (حضرت خدیجه علیها السلام) خودش، ثروت و سرمایه اش و همه خدم و حشم و جميع ما یملک خود و چهارپایان و صداق و مهریه و هدایای را که از گوشه و کنار به او رسیده، همه را به محمد بخشیده

و در ملک خاص او قرار داده، تا تجلیل شایسته ای از شأن و شخصیت او به عمل آید و مورد تعظیم و تکریم واقع شود. در عین حال، عشق و علاقه خدیجه را به محمد باز گو کند! همه شما که حرف های مرا شنیدید، بر این گفته ها گواه باشید!»

این تصمیم حضرت خدیجه علیها السلام، از جهاتی بزرگ تر از تصمیم نخستین او برای ازدواج با حضرت محمد امین (صلی الله علیه و آله) بود.

همه بدخواهان را منکوب کرد، زبان های طعن و استهزا را برید و زمینه را به نفع حضرت محمد امین (صلی الله علیه و آله) و پیامی که از طرف خداوند خواهد داشت، آماده ساخت.

اهمیت این گذشت مالی و حمایت اجتماعی حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، به حدی قابل توجه است که برخی از شرق شناسان، در تحلیل علل پیروزی و موفقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)؛ ثروت حضرت خدیجه علیها السلام را دخیل و تأثیرگذار دانسته اند و صد البته که این اموال در روزهای سخت، به ویژه در محاصره همه جانبه شعب ابی طالب، مایه قوت و پایداری

ص: ۳۴۳

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ثروت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را بدین طریق به مصرف رسانید:

۱. با اموال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، بردگان تحت شکنجه را خریداری می نمود؛ بدهکاران را از قید بدهکاری آزاد می کرد؛ به بینوایان و تهی دستان کمک می کرد و مسلمانانی را که از مکه به مدینه هجرت می کردند و مشرکان اموال آنان را مصادره می نمودند، بی نیاز می نمود تا خودشان را به مدینه برسانند.

۲. هنگامی که حلیمه، مادر رضاعی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، به مکه آمد و از قحطی و خشک سالی آن سال (پانزده سال قبل از بعثت) شکایت کرد؛ رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، آنان را بی نیاز نمود و سوی قبیله شان «بنی اسد» روانه ساخت. (۱)

۳. در ماجرای محاصره اقتصادی قریش که مدت سه یا چهار سال به طول انجامید و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، پس از سه سال دعوت پنهانی، به امر الهی مأمور به دعوت آشکار و گسترش دامنه پیام رسالت شد، ولی ندای دعوتش، طوفان خشم جاه طلبان و گردن کشان را برانگیخت و با طرق گوناگون وارد عرصه مبارزه با آن حضرت شدند:

الف ابتدا از در استهزا، تمسخر و اتهامات (سحر و جنون) وارد شدند، ولی هیچ یک از آنها بر روح سرشار از یقین پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خللی وارد نیاورد!

ب متوسل به انواع لطمه ها، آزارها و شکنجه ها شدند، اما هیچ کدام اراده پولادین و خدایی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را متزلزل نساخت!

ج تهدید و ارعاب را به سوبش متوجه ساختند، پس روحیه قوی و تزلزل ناپذیرش را نتوانستند ذره ای تکان دهند!

د نسیم نوازشگر تطمیع را به جانش وزانده و نغمه دلنواز مقام و عنوان را به گوشش نواختند؛ با این وجود، هیچ ترفندی او را از راهش باز نداشت، بلکه مصمم تر و راسخ تر

از پیش، پیام و سخن آخر خود را توسط عمویش، حضرت ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ به مشرکین

رساند و فرمود:

ص: ۳۴۴

«والله يا عماه لو وضعوا الشمس في يميني والقمر في شمالي على ان اترك هذا الامر حتى يظهره الله أو أهلك فيه ما تركته؛(۱)»  
عموجان! به خدا سوگند! اگر خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپ من قرار دهند (یعنی سلطنت تمام عالم را در اختیار من بگذارند) که از تبلیغ آیین و تعقیب هدف خود دست بردارم، هرگز بر نمی دارم و هدف خود را تعقیب می کنم تا بر مشکلات پیروز شوم و به مقصد نهایی رسم و یا در طریق هدف، جان بسپارم!

قریشی یان که همه راه های چاره را برای انصراف پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) از دعوتش بر روی خود بسته دیدند، تصمیم گرفتند تا او و پیروانش را در محاصره اقتصادی قرار دهند و آنان را حتی از ضروریات اولیه ادامه زیست محروم سازند!

تا این که سرانجام در میان قریش از یک سو، بر سر پیمان محاصره اقتصادی اختلاف بروز کرد و از سوی دیگر، خداوند موریانه ها را مأمور ساخت تا این پیمان نامه را به جز کلمه «الله» بخورند.

بدین ترتیب، نقشه آنان نیز نقش بر آب شد و عده ای از سرشناسان «مکه» تصمیم گرفتند دست از محاصره بردارند و راه بازگشت رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) و یارانش را به مکه و خانه هایشان باز گذارند. پس در این محاصره مخوف اقتصادی، همه اموال حضرت ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ، صرف حمایت از محاصره شدگان و رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) شد.

«وَ كَانَتْ حَديجُهُ ۲ لَهَا مَالٌ كَثِيرٌ فَأَنْفَقَتْهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فِي الشُّعْبِ ...» (۲)

این محاصره، در شعب ابی طالب، خطر عظیمی بود که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) در رسالت خود با آن مواجه بود.

شدت محاصره به حدی رسیده بود که همه راه های منتهی به شعب، سخت تحت کنترل جلادان قریش بود و اگر در ماه های حرام که موسم حج و عمره بود و آزادی تردّد وجود داشت، با ثروت حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ و حضرت ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ، موادّ مصرفی را به چندین برابر

ص: ۳۴۵

۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۵ ۲۶۶.

۲- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۵۰، فصل ششم در ذکر اسراء و شعب ابی طالب؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۲۱.

قیمت واقعی اش خریداری نمی نمودند، همه محاصره شدگان و حتی خود رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جان خود را بر اثر گرسنگی شدید از دست می دادند! بنا بر این، حمایت اقتصادی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، در واقع کلید مقاومت و شکستن این محاصره بود.

بنا بر این، گذشت؛ ایثار؛ انفاق و حمایت های حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از طریق بذل اموال، موجب پیشرفت اسلام گردید. مرحوم علامه مامقانی، در این باره می فرماید:

«بذلت أموالها فی رواج الإسلام وتحملت فی سبیل الله ما تحملت وهي فوق مرتبه التقوی والوثاقه؛(۱) حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، اموالش را در راه رواج و پیشبرد اسلام بخشید و در راه خداوند، همه سختی ها را تحمل کرد و از نظر تقوا و وثاقت، در مرتبه بالاتر از تقوا و وثاقت بوده است.»

مرحوم آیت الله خویی نیز در این مورد می فرماید: «وضوح جلالتها وعظم شأنها وبذل أموالها فی سبیل الاسلام وخدمتها للنبي الأکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أغنانا عن الاطالة فی المقال؛(۲) جلالت و عظمت شأن و مقام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، بخشش اموالش در راه اسلام و خدمت به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، چنان آشکار است که نیاز به گفتار در باره آن نیست!»

سلیمان کتانی، در این باره می نویسد: «حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، ثروت هنگفت خود را با سخاوتی وصف ناپذیر به حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بخشید، در حالی که هرگز این احساس را نداشت که چیزی می بخشد، بلکه این احساس را داشت که از وجود گرانیه او، هدایت و سعادت و رستگاری دو جهان را که بر همه گنجینه های گیتی برتری دارد به دست می آورد. او احساس می کرد که مهر و عشق پاک را به پیامبر هدیه می کند و برابر آن، سعادت و رستگاری و ماندگاری همه جانبه را به دست می آورد!»(۳)

به طور کلی، با بررسی روایات می توان گفت که اموال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، به مصارف هشتگانه زکات رسیده که عبارت است از: فقیران؛ تهی دستان؛ کارکنان جمع آوری زکات؛

ص: ۳۴۶

- ۱- . مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷.
- ۲- . خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۲۴، ص ۲۱۶ ۲۱۷، روایت ۱۵۶۶۷.
- ۳- . علی دخیل، علی محمد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، ص ۳۲.



جلب محبت مخالفان؛ آزادی بردگان؛ ادای دین و قرض بدهکاران و تقویت آیین خدا، که همه این موارد، حکایت از حمایت از مسلمین دارد؛ پس بی ربط نیست که اگر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را یکی از ارکان اسلام شماریم؛ چرا که در میان این مصارف، از همه مهم تر جلب محبت و جذب دل های کافران می باشد که از آن به (الْمَوْلَفَه قُلُوبُهُمْ) (۱) تعبیر می شود و البته، نه به این معنا که به کافران پول و رشوه داده شد که اسلام آورند، بلکه به این معنا که با از بین بردن مشکلات مالی آنان، دلشان را نرم و توجه شان را به زیبایی های دین اسلام و آیین نوع دوستی و برادری آن جلب نمودند!

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، با ایثار مال خویش برای پیشرفت اسلام، در روزهایی که اسلام و مسلمین نیاز شدید به بودجه داشتند، بزرگ ترین حق را بر همه مسلمانان جهان تا روز قیامت دارند!

از طرفی، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، سخت ترین مشکلات را به خاطر حفظ ایمان به خدا و دفاع از اسلام و رهبر بزرگوار آن، متحمل شد و از آن جایی که از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، حمایت همه جانبه داشتند و مایه آرامش و تسلی خاطر ایشان برابر طوفان های حوادث سهمگین و اندوه های فراوان آغاز رسالت بودند؛ گویی که از تمام مسلمین حمایت کرده اند، چرا که راهنما، راهبر، مرشد و مریدشان را حمایت نمودند؛ از این رو از نگاه مفسران، آیات زیر در باره حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و حمایت مالی از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نازل شده است:

(أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى \* وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى \* وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى \* فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ \* وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ) (۲) مگر نه تو را یتیم یافت، پس پناه داد؛ تو را سرگشته یافت، پس هدایت کرد؛ تو را تنگ دست یافت و بی نیاز گردانید، اما [تو نیز به پاس نعمت ما] یتیم را میازار و گدا را مران!

کلمه «عائل»، به معنای تهی دست است که از مال دنیا چیزی ندارد. زمانی که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، عائل و تنگ دست بودند؛ خدای تعالی، او را از طریق ازدواج با حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بی نیاز گردانید

ص: ۳۴۷

۱- . توبه: ۶۰: (إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمَوْلَفَه قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ).

۲- . ضحی: ۱۰۶.

و حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ، تمامی دارایی خود را به آن حضرت بخشید! (۱)

اگر چه برخی از مفسران، مانند: زمخشری، در «تفسیر کشاف» (۲) و علامه طباطبایی، در «تفسیر المیزان» (۳) بی نیازی مورد اشاره در این آیه را اقتصادی دانسته اند؛ اما کلی بودن آیه و کلام امام رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ که فرمودند: «خداوند، با مستجاب نمودن دعای پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ایشان را بی نیاز نمود»، (۴) می توان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را عاملی بشری و مادی، برای فراهم نمودن بستر بی نیازی معنوی و مادی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دانست و دلیل بر اثبات این مطلب، کلام قُرْطَبی در تفسیر این آیه است که می نویسد: «یعنی تو را به واسطه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بی نیاز نمود.» (۵)

بنا بر این، خداوند توسط حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را بی نیاز ساخت، به ویژه در امور مادی.

«ابن عیّاس» می گوید: «سألته عن قوله الله... ووجدك عائلا- يقول فقيراً عند قومك يقولون لا- مال لك فأغناك الله بمال خدیجه ثم زادك من فضله فجعل دعاءك مستجابا حتى لو دعوت على حجران يجعله الله لك ذهباً لنقل عينه الى مرادك وأتاك بالطعام حيث لا طعام وأتاك بالماء حيث لا ماء واغناك بالملائكة حيث لا مغيث فأظفرك بهم على اعدائك؛ (۶) در مورد تفسیر این آیه شریفه که خداوند می فرماید «وَجَدَكَ عَائِلاً فَأَغْنِي» پرسیدم. حضرت در جواب فرمود: تو را تهی دست یافت، یعنی نزد قومت فقیر بودی! آنان می گفتند: اندوخته ای ندارد! خداوند، به وسیله ثروت سرشار حضرت خدیجه بی نیازت کرد؛ فضیلت بیشتر به تو داد؛ تو را مستجاب الدعوه قرار داد! چنان که اگر از خدا بخواهی، سنگی را برایت به طلا

ص: ۳۴۸

- ۱- . علامه طباطبایی ، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۱۱؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۴۵، و ج ۲، ص ۲۹۵.
- ۲- . زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۷۶۸.
- ۳- . علامه طباطبایی ، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۱۱.
- ۴- . فیض کاشانی، ملا محمد محسن، الصافی فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۴۲؛ قمی مشهدی، میرزا محمد، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴، ص ۳۲۱.
- ۵- . قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۲۱، ص ۹۹.
- ۶- . شیخ صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، ص ۵۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۴۲.

مبدل گرداند، بدون چون و چرا تو را به خواسته ات می رساند و سنگ تبدیل به طلا می گردد! هر گاه غذایی نداشتی، برایت غذایی فرستاد؛ هر جا آب نبود، برایت آب فراهم ساخت و در آن ایامی که هیچ کس تو را یاری نمی کرد، فرشتگان را به یاری تو فرستاد و به وسیله آنان، تو را بر دشمنان پیروز گرداند!»

بنا بر این، ثروت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، عامل مؤثر در پیشرفت اسلام بوده است؛

پس این حقیقت، در روایتی که پیش از این ذکر شد، بیان گردیده: «ما قام ولا استقام الدین

الا بسیف علی و مال خدیجه؛ (۱) دین اسلام، برپا و مقاوم نشد، مگر به دو چیز: اموال خدیجه و شمشیر علی.»

### حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در بستر رحلت

هنگامی که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در بستر رحلت قرار گرفت، پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و دخترش، حضرت فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ، همواره کنار بالین آن حضرت بودند و از او پرستاری می نمودند.

از معاذ بن جبل نقل شده: رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، به بالین حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آمد و دید که او در حال جان سپردن است، فرمود:

«اكره ما نزل بك يا خديجه، وقد جعل الله في الكره خيرا كثيرا فاذا قدمت على ضرائك فاقراهن مني السلام؛ ای خدیجه! برای آنچه از رنج و اندوه بر تو پیش آمده، نگران و اندوهگین هستم، ولی خداوند، در رنج و اندوه؛ خیر بسیار قرار داده! هنگامی که نزد همشوها و همدم های خود وارد شدی، سلام مرا به آنان رسان!»

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ عرض کرد: «ای رسول خدا! آن همدم ها کیستند؟»

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «آنان عبارت اند از: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم و کلیمه (كُلْتُم) خواهر موسی.»

ص: ۳۴۹

---

۱- . مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷؛ سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغزاء الطاهره، ص ۱۶۴؛ حائری مازندرانی، محمد مهدی، شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۳۳.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ عرض کرد: «بالرفاء والبنین (۱) یا رسول الله! (۲) گوارا و مبارک باد! ای رسول خدا!»

### پیشانی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از فراق حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

پس از وفات حضرت ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ و حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، مصیبت های پیاپی و فراوانی به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رسید و کافران و مشرکان، جسورتر شده و جرأت بیشتری یافتند و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را بیش از گذشته اذیت و آزار نمودند!

روزی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، از یکی از کوچه های «مکه» می گذشت؛ ناگاه یکی از مزدوران قریش، ظرفی پر از خاکروبه را بر سر و روی آن حضرت ریخت! هر وقت چنین حوادث تلخی برای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رخ می داد، به خانه بازمی گشت و حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با کمال مهر و محبت، سر و صورت آن حضرت را می شست و برخوردهای پر عطوفت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، مرهمی بر زخم های پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود! اینک پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خانه بازگشته، ولی جای خالی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را می نگرد! به راستی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بسیار رنجیده خاطر شد... حضرت فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ، در حالی که می گریست، به جای مادرش، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، آب آورد تا سر و روی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را بشوید! پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به او فرمود: «دخترم! گریه مکن! خداوند، گزند دشمن را از پدرت دفع خواهد کرد!» (۳)

به راستی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، پس از بازگشت از قبرستان، سوی خانه و دیدار حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ که در آن وقت خردسال بود چه حالتی داشت و چگونه می توانست جای خالی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را پس از بیست و پنج سال ایثار و مقاومت بنگرد؟ عظمت این مصیبت و فاجعه را جز خدای بزرگ نمی داند! شاید بتوان گفت که در زندگی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، هیچ مصیبت و حادثه

ص: ۳۵۰

۱- جمله «بالرفاء والبنین»، اصطلاحی است که در آن عصر در عروسی ها به عنوان مبارک باد گفته می شد، تقریباً معادل فارسی آن چنین است: «به به از این دیدار، مبارک و پرثمر باد.»

۲- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۲۰ و ۲۴.

۳- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۲، ص ۵۸.

تلخی برای آن حضرت، مانند رحلت جانسوز حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نبود که به حق، جگرسوز و کمرشکن بود! چرا که وجود حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، عامل مهمی در ساختار زندگی درخشان رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و حیات و پیشرفت اسلام، در سال های آغاز بعثت بود، اگر وجود حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در کنار پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، دارای این تأثیر عظیم نبود؛ فقدان او موجب آن همه تأثر و اندوه وصف ناپذیر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نمی گردید و مرگ او باعث بی تابی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نمی گشت و سال مرگش «سال حزن» اعلام نمی نمود!

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، در طول سال هایی که بعد از رحلت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنده بود؛ از او به عظمت یاد می کرد و سهم او را در پیشرفت اسلام، همواره یادآوری می نمود و در سوگش و یاد خاطراتش اشک می ریخت! آن همه تأثر و یادآوری، بیانگر چیست؟!

موضع گیری های حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در دفاع از اسلام و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، از عوامل مهم تحکیم و گسترش اسلام بود. او اولین بانوی مسلمان بود و ایثار و مقاومتش، هم طراز شمشیر امیرمؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَامُ به حساب می آمد. چگونه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، آن همه فداکاری های او را فراموش کند و رحلت جانسوزش را یک حادثه معمولی تلقی نماید؟!

اندوه

جانکاه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در فراق او، بیانگر عظمت، ایثار، فداکاری ها و مقاومت های حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ است؛ چرا که رحلت آن حضرت، یکی از ستون های استوار و محکم اسلام را ویران ساخت و وفات دلخراش حضرت ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ، چند روز قبل از او نیز، فاجعه کمرشکن دیگری بود! از این رو، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با از دست دادن این دو یار استوار و پرصلابت، دیگر توان زندگی در مکه را نداشت؛ به همین دلیل ناگزیر به هجرت سوی مدینه شد!

در این باره هر چه بگوییم، کم گفته ایم و نمی توانیم، یک هزارم مطلب را ترسیم نماییم! چگونه می توان تأثر و اندوه عمیق پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از فراق حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را با زبان و قلم بیان کرد؟ آیا می توان با یک لیوان معمولی، آب دریا را برداشت؟!

### مظلومیت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

تا این جا مطالبی به اختصار پیرامون شخصیت، جلالت، عظمت، شأن، ایثار و خدمات بسیار ارزشمند حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عنوان

شد. در یک کلام لازم است گفت:

«سخن راندن از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، هم سهل است و هم صعب! سهل است؛ چرا که کدام مسلمان می باشد که نام این بانوی بزرگوار و حکایت ایثار بی مانند او و تأثیر آن در احداث، ابقا و اقامه دین اسلام را نشنیده باشد؟ صعب و دشوار است؛ چون با شخصیتی عظیم روبه رو هستیم که مات و مبهوت عظمت و جلالت اویم! سخن گفتن در مورد چنین بانویی، کار ساده ای نیست و با این قلم های سرشکسته و درمانده، نمی توان قلم زد.»

اما نکته ای که در خور اهمیت است آن است که همان گونه که شخصیت و عظمت آن حضرت، در افق اعلی می باشد و قلم و بیان از وصف آن عاجز است؛ مظلومیت آن حضرت نیز چنین است! در مظلومیت و غربت آن حضرت، همین بس که با این که برترین همسران پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده و رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز به این مطلب تصریح نموده، ولی در عین حال عده ای از اهل سنت، آن گونه که از عایشه تجلیل می کنند، از سایر همسران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، به ویژه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، تجلیل به عمل نمی آورند!

به عنوان نمونه یک بانوی سنی به نام «فاطمه محجوب» که پزشک و اهل سیوط (۱) و شافعی مذهب می باشد. ایشان می گوید: «وقتی که من در آمریکا مشغول تحصیل بودم، با خودم عهد کردم که اگر موفق به اخذ مدرک پزشکی شدم کتابی در معرفی بانوان بزرگ اسلام بنویسم.»

تا این که وی بالاخره موفق به گرفتن مدرک پزشکی می شود و به عهد خود عمل می کند و کتابی که با خود عهد کرده بود به نام «الموسوعه الذهبیه فی أعلام النساء» به رشته تحریر درمی آورد.

این کتاب یک دایره المعارف عظیم در معرفی بانوان بزرگ اسلام است و حدود چهل جلد است و هم زمان زیر نظر اداره اوقاف مصر، به زبان فرانسه و انگلیسی نیز ترجمه و به چاپ رسیده است. نویسنده، طبق حروف الفبا به شرح حال بانوان نمونه اسلام پرداخته است. تا می رسد به حرف «حاء»؛ و در حرف «حاء» قاعدتاً باید نام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که

ص: ۳۵۲

---

۱- . سیوط، یکی از شهرهای بزرگ مصر می باشد و در شمال شرقی اسکندریه واقع شده است.

برترین همسر رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و بزرگ‌ترین یار و مددکار آن حضرت بوده است را بیاورد و به تفصیل در باره او قلم فرسایی کند، ولی با کمال تأسف در حرف «خا» هیچ نامی از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نبرده، گویا که آن حضرت اصلاً در این عالم وجود خارجی نداشته است. اما همین نویسنده سنی به حرف «ع» که می‌رسد نام عایشه را با عزت و احترام می‌برد و در تمجید عایشه غوغا می‌کند، تا جایی که دو جلد از این موسوعهٔ چهل جلدی خودش را اختصاص به شرح حال عایشه می‌دهد و این بیانگر بغض و عداوت نویسنده نسبت به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می‌باشد.

از این قبیل جفاها توسط نویسندگان اهل سنت در حق حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بسیار زیاد است و حاضر نیستند آن گونه ای که از عایشه تجلیل می‌کنند از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سخنی به میان آورند. گویی رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، همسری جز عایشه نداشته است! دلیل آن، بغض و عداوت عایشه نسبت به امام امیرمؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَامُ می‌باشد؛ زیرا در طول تاریخ اسلام، به ویژه بعد از شهادت پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، هر کس که طرفداری از امیرمؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَامُ کرد، مبعوض و مطرود غاصبان خلافت و پیروان آنان گشت و هر کس که دشمنی و عداوت با آن حضرت نمود؛ مورد احترام و تجلیل قرار گرفت؛ پس در میان همسران پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تجلیل بی اندازه از عایشه، توسط پیروان اصحاب سقیفه، دلیلی جز این ندارد.

همان طور که در میان همه برادرزن‌هایی که پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) داشته، فقط به معاویه، «خال المؤمنین» می‌گویند، در صورتی که چنین لقبی را حاضر نیستند که به محمد بن ابوبکر دهند، با این که او نیز برادرزن پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده است. اما چون طرفدار و مدافع امیرمؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَامُ بوده، نه تنها حاضر نشدند او را «خال المؤمنین» گویند، بلکه فرزند خلیفهٔ اول خود (ابوبکر) را به فجیع‌ترین شکل به شهادت رساندند!

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز به همین دلیل در طول تاریخ، مورد بی‌مهری عده‌ای از خوارج، نواصب و دشمنان اهل بیت: قرار گرفته، اما بالعکس از عایشه همواره به نیکویی و عظمت یاد می‌کنند! در صورتی که عایشه نه فرزندی از پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) داشته که منشأ خیرات و برکات شده باشد و نه ثروتی که در راه اسلام خرج کرده باشد و نه اخلاق شایسته‌ای که موجب

خوشایندی و دلگرمی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده باشد، تا جایی که بنا به نقل خود اهل سنت، به طور مکرر اسباب ناراحتی و خشم رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را فراهم آورده که در چندین مورد که پدرش ابوبکر شاهد جسارت ها و اهانت های او به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده، طاقت نیاورده و سیلی محکمی به صورت دخترش، عایشه زده، طوری که خون از صورت او جاری شده است! (۱)

عایشه، اسائه ادب نسبت به ساحت مقدس پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به جایی رسانید که وقتی آن حضرت مشغول نماز می شد؛ روبه روی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می نشست و پاهایش را می گشود و به مسخره گی می پرداخت! (۲)

او جسارت به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به نهایت رسانید به گونه ای که چندین مرتبه به حضرت گفت: «تویی آن کسی که ادعا می کنی، پیامبر خدا هستی؟!» (۳) پناه می بریم به خدای منان، از این جسارت ها! مگر عایشه آن حضرت را پیامبر بر حق نمی دانست که نسبت به وی این چنین گستاخی و بی ادبی می نموده است؟!

### تخریب مزار حضرت خدیجه علیها السلام

از مظلومیت های بارز حضرت خدیجه علیها السلام، تخریب مزار آن حضرت است. مسلمانان در سال ۷۲۷ هجری قمری بارگاهی روی مرقد حضرت خدیجه علیها السلام بنا کردند. مردم مکه و سایر زائران کنار قبر او می آمدند و آن جا متوسل به حضرت می شدند و راز و نیاز با خدا می کردند و اظهار ادب و خلوص می نمودند و قصیده هایی بسیار فصیح و پرمحتوا که ادیبان عرب در

ص: ۳۵۴

۱- . غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، احیاء العلوم، ج ۲، ص ۴۳۵؛ مناوی، محمد عبدالرؤوف، فیض القدر، ذیل حدیث، ۴۱۰۰؛ ابویعلی، احمد بن علی تمیمی، مسند ابی یعلی، ج ۸، ص ۳۰، ح ۴۶۷۰؛ صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، ج ۹، ص ۷۱.

۲- . بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۰۱ و ج ۲، ص ۶۱؛ امام مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۰؛ نیشابوری، ابواسحاق احمد بن محمد ابراهیم ثعلبی، تفسیر الثعلبی، ج ۳، ص ۳۱۵؛ نسائی، احمد بن شعیب، سنن النسائی، ج ۱، ص ۱۰۲؛ ابن حنبل، احمد بن محمد شیبانی، مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۴۱۸، بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، ج ۱، ص ۱۲۸ و ...

۳- . غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، احیاء العلوم، ج ۲، ص ۲ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)؛ قمی شیرازی، محمد طاهر، کتاب الاربعین، ص ۶۲۵؛ عاملی، سید عبدالحسین شرف الدین، المراجعات، ص ۳۲۶، امینی نجفی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب والسنه والادب، ج ۱۱، ص ۱۶۳.



شأن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سروده بودند در لوح هایی نوشته و در آن بارگاه نصب می کردند. و دریغا! در سال ۱۳۴۴ هجری قمری با تسلط وهابیان بی رحم و سبک مغز، همه آن بارگاه های مقدس را به بهانه باطل، مبنی بر این که توسل به آنها یک نوع شرک است، ویران کردند و با این کار ظالمانه خود، حق عظیمی که این بانوی بزرگوار به گردن اسلام و مسلمین دارد را ادا نمودند؟!

### فضیلت زیارت قبر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

زیارت قبر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، مورد توجه پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خاندان رسالت بوده و به توصیه آنان، شیعیان نیز قبر آن حضرت را زیارت نموده و می نمایند.

مرحوم آیت الله سبزواری در این باره می نویسد:

«ویستحب زیاره قبر خدیجه المعروفة بالمعلی، لانهام المسلمین ومن برّ الأولاد

بأهمهم زیاره قبرها بعد ارتحالها، مع آنها بذلت نهاییه جهدها فی خدمه سید المرسلین الی غیر ذلک من مفاخرها الّتی ملأت کتب الفریقین، فمن شدک بعد ذلک فی رجحان زیارتها فهو عاقق لأمه؛ (۱) زیارت قبر حضرت خدیجه در قبرستان معلی؛ مستحب است؛ چرا که او مادر مسلمانان است! از جمله نیکی های فرزند لایق و حق شناس در حق مادرش این است که پس از رحلت او، قبرش را زیارت نماید. او افزون بر حق مادری بر مردم باایمان، از هیچ تلاش و فداکاری در یاری و همراهی سالار پیامبران و خدمت خالصانه به اهداف آن حضرت، فروگذار نکرد و ثروت و امکانات خویش را در راه پیشرفت و استواری دین خدا و پیامبرش، در طبق اخلاص نهاد. او دارای ویژگی ها و امتیازات و افتخارات بی شماری است که در انبوه کتاب های معتبر شیعه و اهل سنت موج می زند! با این وصف، اگر کسی در رجحان زیارت او تردید کند، در حقیقت، به مادر خوش ستم روا داشته است!»

ص: ۳۵۵

---

۱- سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الأحكام، ج ۱۴، ص ۴۰۰.

## معجزه و کرامتی از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

در این مجموعه، سزاوار بود که فصلی به عنوان معجزات و کرامات حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ منظور گردد. اما لازم است بگویم که زندگی سراسر پرخیر و برکت آن حضرت، چیزی جز معجزه و کرامت نبوده و نیست. ولی معجزه و کرامتی که از ناحیه آن حضرت، شامل حال اینجانب شد و این انگیزه را در من ایجاد کرد که کتابی در باب فضایل، مناقب و ویژگی های آن حضرت به نگارش درآورم، آن است که این حقیر، از امکانات مالی مناسبی برخوردار نبودم، تا این که همسر اینجانب صاحب حملی شد و از آن جا که مستحب است قبل از به دنیا آمدن طفل، نام روی او گذاشته شود، پس بنده بدون آن که در کتابی خوانده یا از کسی شنیده باشم، به ناگاه به ذهنم خطر کرد که اگر می خواهی از تنگ دستی نجات یابی، نام این حمل را خدیجه بگذار! حقیر هم نام خدیجه را روی او گذاشته، تا این که در بیستم جمادی الثانی، سالروز ولادت حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ این دختر به دنیا آمد و از آن روز به بعد، وضع زندگی ما به طور کلی تغییر کرد و گشایشی در امور مادی ما ایجاد شد. عجیب آن است که تا به حال به هر کس هم که این توصیه را نمودم، نتیجه گرفته و از امکانات مالی خوبی برخوردار گردیده است! گویا این اثر، در نام شریف آن حضرت می باشد، که اگر کسی نام دخترش را خدیجه بگذارد؛ گرفتار فقر و تنگ دستی نخواهد شد.

### کتابنامه

۱. ابن اثیر جزری، عزالدین علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: انتشارات دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن اثیر جزری، مجدالدین علی بن محمد (م ۶۰۶ ق)، جامع الأصول فی أحادیث الرسول، تحقیق: عبدالقادر الأرناؤوط، بیروت: مکتبه دارالبیان، ۱۳۸۹ ه.
۳. ابن حبان بُستی، محمد بن احمد (م ۳۵۴ ق)، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، ترتیب: علی بن بلبان فارسی (م ۷۳۹ ق)، تحقیق: شعیب الأرناؤوط، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ ق.

١. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (م ٨٥٢ ق)، الاصابه في تمييز الصحابه، تحقيق عادل احمد، علي محمّد، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٥ ق.
٢. ، تهذيب التهذيب، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٤ ق / ١٩٨٤ م.
٣. ، فتح الباري بشرح صحيح البخاري، تحقيق: عبد العزيز بن عبد الله بن باز، بيروت: دار الفكر، ١٣٧٩ ق.
٤. ابن حنبل، احمد بن محمد شيباني (م ٢٤١ ق)، فضائل الصحابه، تحقيق: وصي الله بن محمد عباس، مكه: جامعه أم القرى، ١٤٠٣ ق.
٥. ، مسند احمد بن حنبل، بيروت: دار صادر، [بي تا].
٦. ابن سعد واقدي، ابو عبدالله محمد (م ٢٣٠ ق)، الطبقات الكبرى، بيروت: دار صادر، ١٣٨٦ ق.
٧. ابن شهر آشوب، محمد بن علي مازندراني (م ٥٨٨ ق)، مناقب آل ابي طالب، تحقيق: گروهی از اساتيد نجف اشرف، نجف: المكتبه الحيدريه، ١٣٧٦ ق.
٨. ابن عساکر، علي بن حسن (م ٥٧١ ق)، تاريخ مدينه دمشق، تحقيق: علي شيري، بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ ق.
٩. ابن عماد حنبلي، عبدالحی بن عماد، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، بيروت: داراحياء التراث، [بي تا].
١٠. ابن كثير، اسماعيل بن عمر بن كثير دمشقي (م ٧٧٤ ق)، البدايه و النهايه، تحقيق: علي شيري، بيروت: داراحياء التراث العربي، ١٤٠٨ ق.
١١. ، السيره النبويه، تحقيق: مصطفى عبدالواحد، بيروت: دارالمعرفه، ١٣٩٦ ق.
١٢. ابن ماجه قزويني، محمّد بن يزيد (م ٢٧٥ ق)، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمّد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث، ١٣٩٥ ق.
١٣. ابن منظور، محمّد بن مكرم، مختصر تاريخ دمشق لابن عساکر، به كوشش: روحيه نحاس، دمشق: ١٤٠٤ ق / ١٩٨٤ م.

١. ابن واضح يعقوبي، احمد بن ابى يعقوب اسحاق (م ٢٨٤ ق)، تاريخ يعقوبي، ترجمه: محمّد ابراهيم آيتى، تهران: انتشارت علمى و فرهنگى، چاپ ششم، ١٣٧١ ش.
٢. ابن هشام حميرى، ابو محمد عبدالملك (م ٢١٣٨ ق)، السيره النبويه، به كوشش: عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت: ١٤١٠ ق / ١٩٩٠ م.
٣. ابو نعيم، احمد بن عبدالله اصبهانى (م ٤٣٠ ق)، دلائل النبوه، تحقيق: محمّد رؤاس قلجى وعبدالبر عتياس، بيروت: دار النفائس، ١٤٠٦ ق، دوم.
٤. ابو يعلى، احمد بن على تميمى موصلى (م ٣٠٧ ق)، مسند أبى يعلى، تحقيق: إرشاد الحق الأثرى، جدّه: دار القبله، ١٤٠٨ ق.
٥. ابوالقاسم كوفى، على بن احمد (م ٣٥٢ ق)، الاستغاثه فى بدع الثلاثه، تهران: مؤسسه الاعلمى، ١٣٧٣ ش.
٦. اربلى، على بن عيسى (م ٦٩٣ ق)، كشف الغمه فى معرفه الاثمه، بيروت: دار الاضواء، ١٤٠٥ ق.
٧. امام مسلم، مسلم بن حجاج نيشابورى (م ٢٦١ ق)، صحيح مسلم، بيروت: دار الفكر، [بى تا].
٨. بخارى، محمّد بن اسماعيل (م ٢٥٦ ق)، صحيح البخارى، بيروت: دارالفكر، ١٤٠١ ق.
٩. بكرى، ابوالحسن احمد بن عبدالله، الانوار فى مولد النبى محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، قم: انتشارات شريف رضى، ١٤١١ ق.
١٠. بلاذرى، احمد بن يحيى (م ٢٧٩ ق)، انساب الاشراف، تحقيق: سهيل زكار، رياض زركلى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٧ ق.
١١. بيهقى، ابوبكر احمد بن حسين (م ٤٥٨ ق)، السنن الكبرى، تحقيق: محمّد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١٤ ق.
١٢. ، دلائل النبوه، مدينه منوره: مكتبه السلفيه، ١٣٨٩ ق.
١٣. حاكم نيشابورى، ابو عبدالله (م ٤٠٥ ق)، المستدرک على الصحيحين، بيروت لبنان: دارالمعرفه، ١٤٠٦ ق.

١. حائري مازندراني، محمدمهدي (م ١٣٦٩ ش)، شجرة طوبى، النجف الاشرف: مكتبة الحيدريه، ١٣٨٥ ق.
٢. حلبى، على بن برهان (م ١٠٤٤ ق)، السيره الحلبيه، بيروت: دارالمعرفه، ١٤٠٠ ق.
٣. خصيبى، حسين بن حمدان، الهدايه الكبرى، بيروت: مؤسسه البلاغ، ١٤١١ ق / ١٩٩١ م.
٤. خوئى، سيد ابوالقاسم موسى (م ١٤١٣ ق)، معجم رجال الحديث، قم: مدينه العلم، ١٤٠٣ ق.
٥. ذهبى، شمس الدين محمّد بن احمد عثمان (م ٧٤٨ ق)، سير اعلام النبلاء، تحقيق: شعيب ارنؤوط و حسين اسد، بيروت: مؤسسه الرساله، ١٤١٣ ق.
٦. ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، بيروت: دار المعرفه، ١٣٨٢ ق / ١٩٦٣ م.
٧. زمخشري، ابوالقاسم محمود بن عمر (م ٥٣٨ ق)، الكشاف، بيروت: دار المعرفه.
٨. سبحانى، جعفر، فروغ ابديت، قم: بوستان كتاب، ١٣٧٢ ش.
٩. سبط ابن جوزى، شمس الدين يوسف بن قزاوغلى (م ٦٥٤ ق)، تذكره الخواص الأئمّه فى خصائص الأئمّه، قم: شريف رضى، ١٤١٨ ق.
١٠. سيلوى، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، [بى جا]: چاپخانه علميه، ١٤٢١ ق.
١١. شوشترى، محمّد تقى تسترى (م ١٤١٥ ق)، قاموس الرجال فى تحقيق رواه الشيعة ومحدثيهم، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ١٤١٠ ق.
١٢. شهرستانى، محمّد بن عبدالكريم (م ٥٤٨ ق)، الملل والنحل، بيروت: دار المعرفه، ١٤٠٦ ق.
١٣. شهيد ثالث، قاضى نور الله شوشترى هندی (م ١٠١٩ ق)، إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل، با تعليقات: سيد شهاب الدين مرعشى، قم: مكتبه آيه الله مرعشى، ١٤١١ ق.
١٤. شيخ حر عاملى، محمّد بن حسن (ت ١١٠٤ ق)، إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، شرح و ترجمه: محمّد نصر اللهى، قم: المطبعه العلميه.
١٥. شيخ صدوق، ابوجعفر محمّد بن على بن الحسين بن بابويه قمى (م ٣٨١ ق)، عيون أخبار الرضا عليه السّلام، تحقيق: سيد مهدي حسيني لاجوردى، تهران: جهان.

١. معانى الأخبار، تحقيق: على اكبر الغفارى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ١٣٦١ ش.
٢. شيخ طوسى، ابو جعفر محمّد بن حسن (م ٤٦٠ ق)، الامالى، قم: دار الثقافه، ١٤١٤ ق.
٣. شيرازى، محمّد طاهر قمى، كتاب الأربعين، قم: چاپ علميه، ١٣٥٨ ش.
٤. صالحى شامى، محمد بن يوسف (م ٩٤٢ ق)، سبل الهدى و الرشاد فى سيره خير العباد، تحقيق: عادل احمد عبد الموجود، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١٤ ق.
٥. طبرسى، فضل بن حسن (م ٥٤٨ ق)، مجمع البيان فى تفسير القرآن، چاپ هاشم رسولى محلاتى و فضل الله يزدى طباطبايى، بيروت، ١٤٠٨ / ١٩٨٨.
٦. طبرى، عماد الدين حسن بن على (ق ٧ ق)، كامل بهايى، تحقيق: اكبر صفدرى قزوينى، تهران: مرتضوى، ١٣٨٢ ش.
٧. عاملى، سيد جعفر مرتضى، الصحيح من سيره النبى الأعظم، بيروت: دار السيره، ١٤١٥ ق.
٨. بنات النبى ام ربائبه، قم: مكتبه الاعلام الاسلامى، ١٤١٣ ق.
٩. عاملى، سيد عبدالحسين شرف الدين (م ١٣٧٧ ق)، المراجعات، تحقيق: حسين الرضى، قم: دارالكتاب الإسلامى.
١٠. علامه امينى، عبدالحسين بن احمد (م ١٣٩٠ ق)، الغدير فى الكتاب والسنة والأدب، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٧٢ ق.
١١. علامه امينى، عبدالحسين بن احمد (م ١٣٩٠ ق)، الغدير فى الكتاب والسنة والأدب، بيروت: دار الكتاب العربى، ١٣٨٧ ق.
١٢. علامه طباطبايى، سيد محمّد حسين (م ١٤٠٢ ق)، الميزان فى تفسير القرآن، قم: إسماعيليان، ١٣٩٤ ق.
١٣. على بن محمّد الواسطى الشافعى (ابن المغازلى) (م ٤٨٣ ق)، مناقب على بن ابى طالب ٧ (المناقب لابن المغازلى)، به كوشش: محمّد باقر البهبودى، تهران: المكتبه الإسلاميه، ١٤٠٢ ق.

۱. علی دخیل، علی محمد، اعلام النساء، لبنان: الدار الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۲. زنان بزرگ اسلام (خدیجه)، ترجمه: فیروز حریرچی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.
۳. غروی اردبیلی، محمد بن علی (م ۱۱۰۱ق)، جامع الرواه، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ق.
۴. غزالی، ابو حامد محمد بن محمد (م ۵۰۵ق)، إحياء العلوم (إحياء علوم الدين)، تحقیق: دار الهادی، بیروت: دار الهادی، ۱۴۱۲ق.
۵. فیض کاشانی، ملا- محمد محسن بن شاه مرتضی (م ۱۰۵۹ق)، الصافی فی تفسیر القرآن (تفسیر الصافی)، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۶. قرطبی، محمد بن احمد انصاری (ت ۶۷۱ق)، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، تحقیق: محمد عبد الرحمن مرعشلی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۷. قمی مشهدی، میرزا محمد (م ۱۱۲۵ق)، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۸. کاظمی قزوینی، سید امیر محمد، الآلوسی والتشیع، قم: مرکز الغدیر للدراسات.
۹. کتانی، سلیمان، فاطمه الزهراء ۳ وتر فی غمد، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۳۹۹ق.
۱۰. مامقانی، عبدالله بن محمد حسن (م ۱۳۵۱ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف: طبع رحلی، چاپ سنگی، مطبعه رضویه، [بی تا].
۱۱. مجلسی، محمد باقر (م ۱۱۱۰ق)، بحار الأنوار، تحقیق: محمد باقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۲. حیوه القلوب، تحقیق: علی امامیان، قم: سرور، ۱۳۸۴ش.
۱۳. محدث قمی، شیخ عباس (م ۱۳۵۹ق)، سفینه البحار، تحت اشراف علی اکبر الهی خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ق.
۱۴. منتهی الآمال، تحقیق: حسینی، ۱۳۷۱ش.

١. محلاتى، ذبيح الله، رياحين الشريعة، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٤ ق.
٢. مناوى، محمّد عبد الرؤوف (ت ١٠٣١ ق)، فيض القدير فى شرح الجامع الصغير، تحقيق: احمد عبدالسلام، بيروت: دارالكتب العلميه ١٤١٥ ق.
٣. مؤلف مجهول، تاريخ سيستان، تحقيق: ملك الشعراى بهار.
٤. نجاشى، احمد بن على (م ٤٥٠ ق)، رجال النجاشى (فهرس أسماء مصنّفى الشيعة)، بيروت: دار الأضواء، ١٤٠٨ ق.
٥. نسائى، احمد بن شعيب (م ٣٠٣ ق)، سنن النسائى بشرح الحافظ جلال الدين السيوطى وحاشيه الإمام السندى، بيروت: دار الجيل، ١٤٠٧ ق.
٦. نمازى شاهرودى، شيخ على (م ١٤٠٥ ق)، مستدرک سفينه البحار، تحقيق: بخل المؤلف، مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤١٨ ق.
٧. نوبرى، احمد بن عبدالوهاب، نهايه الارب فى فنون الارب، قاهره، [١٩٢٣] ١٩٩٠.
٨. نيشابورى، ابواسحاق احمد بن محمّد ابراهيم ثعلبى، تفسير الثعلبى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٢٢ ق / ٢٠٠٢ م.





حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بنتِ خُوَیْلِد (۱)

مرضیه محمدزاده

### چکیده

شرح حال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با استناد به منابع مهم تاریخی و حدیثی است. از دیدگاه نویسندگان: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، دارای القابی است: طاهره، کبری، مبارکه، غزّاء، سیده نسوان، که لقب کبری از شهرت بیشتری برخوردار است و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بعد از ازدواج او را با این لقب خواند. در عصر جاهلیت، اعراب با دادن لقب طاهره به آن حضرت به صراحت به این فضیلت در او اعتراف کرده اند. او به عظمت و شرافت آراسته بود. در دعای ندبه نیز از او به لقب غزّاء (شامخ و ارجمند) یاد شده است. به هر صورت، صرف نظر از روایت شاذ یعقوبی که ازدواج پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را حاصل دیداری ناگهانی در صفا و مروه دانسته، در بیشتر منابع سفر تجاری به شام مقدمه اصلی این ازدواج ذکر شده است؛ اما آنچه بسیار مهم است این است که ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هیچ ربطی به سفر تجاری نداشته است. این دو بزرگوار همدیگر را خوب می شناختند. آنان به علت انتساب خویشاوندی و هم چنین کوچکی شهر مکه نسبت به یکدیگر آشنایی کامل داشتند.

کلیدواژه: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، ازدواج، خواستگاری، صداقت، خانواده.

خدیجه دختر خُوَیْلِد بن اسد، اُمّ المؤمنین، (۲) نخستین همسر پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و نخستین زن

ص: ۳۶۴

- ۱- زنان پیامبر اکرم و زنان با پیامبر اکرم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۵، ص ۴۳ ۶۴.
- ۲- اُمّ المؤمنین: لقبی که در فرهنگ اسلامی به طور مشترک بر همسران پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اطلاق گردیده است. این لقب از مضمون آیه شش سوره احزاب گرفته شده است که ضمن بیان حق پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بر مؤمنان، می فرماید: «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ؛ پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و همسران او مادران آنها (مؤمنان) محسوب می شوند.» در واقع با نزول این آیه شریفه، مسلمانان موظف گشتند تا در مناسبات اجتماعی خود، مراتب تکریم همسران آن حضرت را به جای آورند. گفتنی است که به عنوان یکی از جوانب حرمت همسران و حفظ حریم رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ازدواج با ایشان پس از درگذشت آن حضرت تحریم شده است؛ نه این که آنان بر مردان محرم هستند. برای تفصیل بیشتر ر.ک: تفسیر ابوالفتوح رازی، ذیل تفسیر آیه.

مسلمان است. پدرش خُوَیْلِد بن اسد بن عبدالعُزَی بن قُصَی بن کِلاب بن مُرّه بن کعب بن لُؤی بن غالب بن فِهر بن مالک بن نضر بن کنانه است (۱) که در مقایسه با سلسله انساب پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می توان اشتراک این دو بزرگوار را در اجداد خود از قُصَی بن کِلاب تا عدنان به وضوح دریافت.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرزند عبد الله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قُصَی بن کِلاب بن مُرّه بن کعب است. عبدالعزى و عبدمناف با هم برادر بوده اند. پس رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نوه عموی یکدیگرند و خویشاوندی نزدیکی میان آنان وجود داشته است.

نضر بن کنانه اولین کسی است که به نام قریش خوانده شده است.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از تیره بنی اسد می باشد. این طایفه از ذریه اسد بن عبدالعزى هستند که بطنی از عدنان و شاخه ای بزرگ از قبیله قریش به حساب می آیند. (۲) مادرش فاطمه، دختر زائده بن اَصَم بن هرم است که از لُؤی بن غالب با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و دیگر هاشمیان مشترک می شود. (۳)

در زادروز خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اختلاف است. بنا به نقل پسر برادرش حُکیم بن حزام او پانزده سال قبل از عام الفیل متولد شد و بنا به نقل عبد الله بن عباس سه سال قبل از عام الفیل متولد شده است. (۴) خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در یکی از خانواده های اصیل و شریف قریش به دنیا آمد. پدرش خویلد در دوره جاهلیت مهتر طایفه خود بود. در جنگ فجار دوم و در روزی که قریش

ص: ۳۶۵

- ۱- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۸۷؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۸۰؛ زبیری، مصعب بن عبدالله، نسب قریش، ص ۲۳۰.
- ۲- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۱۴.
- ۳- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۷۸؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۸۰؛ زبیری، مصعب بن عبدالله، نسب قریش، ص ۲۳۰.
- ۴- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۸.

آماده جنگ با کنانه شد، او ریاست طایفه اسد را برعهده داشت.(۱)

نوشته اند هنگامی که تبع، شاه قدرتمند یمن، با لشکر خود وارد مکه شد و قصد داشت حجر الاسود را با خود به یمن ببرد، خویلد در مقام دفاع با او به نزاع برخاست. خویلد آن چنان شجاعتی از خود نشان داد که تبع از تصمیم خود منصرف شد. این ایستادگی نشان دهنده موقعیت ممتاز او در آن عصر است.(۲)

به استناد شواهد تاریخی خویلد علاوه بر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام فرزندان دیگری نیز داشته است که از آن میان عَوَام، حزام و هاله شهرت بیشتری دارند. شهرت عوام به واسطه فرزندش زُبَیر صحابی رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و حزام به واسطه فرزندش، حُکَیم که از مردان شریف و محترم قریش بود و هاله به واسطه فرزندش، ابوالعاص، داماد رسول الله بوده است.(۳)

خویلد شش برادر به نام های حبیب، حارث، حُوَیْرث، مُطَلَّب عمرو و نَوْفَل داشت که در میان آنان نوفل به جهت فرزندش وَرَقَه از شهرت بیشتری برخوردار است. ورقه بن نوفل در مقطعی از زندگانی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نقش خاصی را ایفا کرده است. ورقه از شخصیت های برجسته و به عنوان دانشمند مسیحی مکه شناخته می شد و اطلاعات وسیعی در باره کتاب های آسمانی داشت. گویند او به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام مژده رسالت رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را داد.(۴)

### لقاب و کنیه های خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام دارای القابی است: طاهره، کبری، مبارکه، غَزا، سیده نسوان، که لقب کبری از شهرت بیشتری برخوردار است و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بعد از ازدواج او را با این لقب خواند. در عصر جاهلیت، اعراب با دادن لقب طاهره به آن حضرت به صراحت به این فضیلت در او اعتراف کرده اند. او به عظمت و شرافت آراسته بود.(۵) در دعای ندبه نیز از او با لقب غَزا

ص: ۳۶۶

۱- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۰۲؛ ابن اثیر جزیری، علی بن محمّد، الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۵۹۳.

۲- سهیلی، عبدالرحمان بن عبد الله، الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، ج ۱، ص ۲۱۳.

۳- زرکلی، خیر الدین، الاعلام، ج ۲، ص ۲۹۸.

۴- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۰۶.

۵- حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۶۳.

(شامخ و ارجمند) یاد شده است. (۱)

کنیه او به واسطه پسرش هند، ام هند می باشد. (۲) از دوران کودکی و نوجوانی او تا هنگام ازدواج با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و حتی بعد از آن، اطلاعات اندکی در دست است و بخشی از اخبار تاریخی در باره احوال ایشان نیز دستخوش دخل و تصرف قصه پردازان شده و با اسرائیلیات درهم آمیخته است.

### همسران خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ

بر اساس اغلب منابع، وی قبل از ازدواج با حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، دو بار ازدواج کرده است، ولی در ترتیب این ازدواج ها اختلاف هست. (۳) برخی نیز به استناد شواهدی، ازدواج های خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ پیش از وصلت با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را رد کرده اند. (۴) این قول قابل قبول نیست و ممکن است از نظر عاطفی وارد تاریخ شده باشد.

طبق منابع، وی نخست با عَتِيق بن عائذ بن عبد الله بن عمر بن مخزوم ازدواج کرد که از او صاحب یک دختر شد. پس از مرگ عتیق به همسری ابو هاله ثَبَّاش بن زُراره از بنی عمرو بن تمیم که از هم پیمانان بنو عبدالدار بود، درآمد. (۵)

خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ از ابو هاله، صاحب پسرانی به نام های حارث، هند، (۶) طاهر و هاله (۷) و دختری به

ص: ۳۶۷

۱- ر. ک: مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۵۲.

۲- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۱ و ۱۵.

۳- ر. ک: ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۲۷۴؛ محب الدین طبری، أحمد بن عبدالله، السیمط الثمین فی مناقب أمّهات المؤمنین، ص ۱۱؛ دمیاطی، عبدالمومن بن خلف، کتاب نساء رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) واولاده و من سالفه من قریش حلفائهم و غیرهم، ص ۳۲.

۴- ر. ک: ابوالقاسم کوفی، علی بن احمد، الاستغاثه، ج ۱، ص ۶۴۷۰؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳۸؛ عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۱۲۱ و ۱۲۹.

۵- ر. ک: ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۱۹۰؛ سلوی بالحاج صالح، دثرنی ... یا خدیجه، ص ۲۹ و ۳۰. نیز ابن سعد واقدی در طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴۱۵ ترتیب ازدواج ها را برعکس ذکر کرده است.

۶- ر. ک: ابن کلبی، هشام بن محمد، جمهره النسب، ج ۱، ص ۲۷۹؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵؛ ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، جوامع السیره النبویه، ص ۳۲؛ دمیاطی، عبدالمومن بن خلف، کتاب نساء رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) واولاده و من سالفه من قریش حلفائهم و غیرهم، ص ۳۱.

۷- ر. ک: ابن کلبی، هشام بن محمد، جمهره النسب، ج ۱، ص ۲۷۹؛ سهیلی، عبدالرحمان بن عبد الله، الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، ج ۲، ص ۲۴۶.

نام زینب (۱) شد. در میان این فرزندان، هند مشهور است. او بسیار مورد توجه و علاقه پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و بعدها در زمره صحابه آن حضرت درآمد. (۲) وی در جنگ بدر حضور داشت و بعدها در جنگ جمل در کنار علی بن ابی طالب ۷ به شهادت رسید. (۳) وی که نوجوانی خود را در خانه پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گذرانده بود، تصویری کامل از خُلق و خوی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در پاسخ به پرسش امام حسن ۷ ارائه کرده و از این رو «وَصَافَ النَّبِيَّ» نامیده شده است. (۴)

در برخی گزارش های دیگر که ترتیب ازدواج خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ و همسرانش به گونه ای دیگر آمده، گفته شده که خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ پس از وفات ابوهاله، به عقد پسر عمه خود، عَتِيْق بن عائذ درآمد و از وی صاحب پسری به نام عبد الله (عبدمناف) و دختری به نام هند (جاریه) شد. (۵)

بنا به نقلی دیگر هند دختر خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ با صیفی بن امیه ازدواج کرد و صاحب فرزندی به نام محمد گردید. اعقابش در مدینه به سبب انتساب به مادر بزرگ شان خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ، به بنوطاهره معروف شدند. آنان روزگاری در مدینه می زیستند و سپس از میان رفتند. (۶)

خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ بانویی خردمند و از زنان برجسته قریش بود. از نظر ظاهری زنی بسیار زیبا و شکوهمند بود. قامتی بلند و چهارشانه داشت. خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ پس از درگذشت شوهر دومش،

ص: ۳۶۸

- ۱- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، جوامع السیره النبویه، ص ۳۲؛ نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاییه الإرب فی فنون الادب، ج ۱۸، ص ۱۷۱.
- ۲- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۶، ص ۵۵۸.
- ۳- ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۲۲ ۴۲۳؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۸۰؛ زبیری، مصعب بن عبدالله، نسب قریش، ص ۳۳۳ ۳۳۴.
- ۴- ر. ک: ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۲۲ ۴۲۳؛ شیخ صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، ص ۸۰ ۸۱؛ محمود طهماز، عبدالحمید محمد، السیده خدیجه ام المؤمنین و سبأقه الخلق الی الاسلام، ص ۵۳۵۷؛ محمدرضا حسینی جلالی، «حَلِيَّةُ رَسُولِ اللَّهِ بروایه الحسن و الحسين»، علوم حدیث، ش ۲۰، ص ۱۷۶ ۱۸۴.
- ۵- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۸۰؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۸.
- ۶- ر. ک: ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۱۸.

عتیق بن عائذ ازدواج نکرد (۱) و به تجارت پرداخت. (۲)

در چگونگی همکاری حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که در آن سال ها حدود بیست سال داشت، با خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ اختلاف هست. برخی آغاز روابط تجاری خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به توصیه و سفارش ابوطالب عَلِيهِ السَّلَامُ دانسته اند. (۳) اما در خبری از ابن اسحاق آمده است که خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ از امانت داری و درست کاری حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خبر داشت و چون تصمیم گرفته بود مال فراوانی را به تجارت اختصاص دهد، از او خواست تا به کاروانش بیوندد و بیش از دیگران مزد بگیرد. (۴)

حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حداکثر پنج سفر تجاری، چهار سفر به یمن و یک سفر به شام، برای خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ انجام داد. (۵) مهم ترین آن ها، که به ازدواج آن دو منجر گردید، سفر تجاری شام بود و به دلیل اهمیتش اکثر منابع، تنها به ذکر آن سفر پرداخته و آن را ابتدای همکاری آن حضرت با خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ دانسته اند. ظاهراً اولین سفر تجاری آن حضرت به بازار حَبَاشَه، در تهامه، بوده (۶) و سفر به شام دومین یا سومین سفر بوده است، چرا که حضرت سفری نیز به جَوْش در یمن، کرد. به زعم حلبی، بازار حَبَاشَه همان جَوْش است و گویا این یک یا دو سفر برای آزمودن قدرت تجاری پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده است. (۷)

ص: ۳۶۹

۱- ابن اسحاق، ابوعبدالله محمد، کتاب السیر و المغازی، ص ۸۱.

۲- ر. ک: ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶؛ سلوی بالحاج صالح، دثرنی ... یا خدیجه، ص ۳۳ ۳۹.

۳- ر. ک: ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲۹؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۱۰.

۴- ابن اسحاق، ابوعبدالله محمد، کتاب السیر و المغازی، ص ۸۱ ۸۲؛ و نیز ر. ک: ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹؛ ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶؛ محب الدین طبری، أحمد بن عبدالله، السَّمَطُ الثَّمِينُ فِي مَنَاقِبِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، ص ۱۱ ۱۲.

۵- حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۳۶.

۶- محب الدین طبری، أحمد بن عبدالله، السَّمَطُ الثَّمِينُ فِي مَنَاقِبِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، ص ۱۲؛ ابن سید الناس، ابوالفتح محمد یعمری، عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر، ج ۱، ص ۷۳.

۷- حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۳۶.

بعد از انعقاد قرارداد، ابتدا پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با کارمزد دو قلوص (۱) به همراه شریک تجاری خود سائب بن ابی سائب صَیْفِي بن عابد و مَیْسَرَه غلام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، عازم بازار حباشه شد و با موفقیت بازگشت. (۲) میسره اخبار شکفت انگیزی از این سفر به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ داد.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این سفرها راه و رسم سوداگران را آموخت و به رموز تجارت آگاهی کامل یافت. او در تجارت جانب عدل و انصاف را رعایت می کرد. سائب بن ابی سائب گوید: من در دوران جاهلیت در کار تجارت با او شریک بودم. او نه با کسی مجادله می کرد، نه لجاجت می نمود و نه کار خود را به گردن شریک خود می انداخت. (۳) آن حضرت آن چنان به راست گویی و درست کاری شهرت یافت که همگی به امانت او اذعان داشتند و او را محمّد امین می خواندند. (۴)

در آخرین سفر تجاری، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای اولین بار با رضایت ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ، پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را در رأس کاروانی بزرگ به شام تجهیز کرد. (۵) گفته شده چون خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ قصد داشت مال بسیاری برای تجارت بفرستد و احتیاج به فردی امین داشت، کسی را به نزد پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرستاد و از او خواست تا سرپرستی کاروان را بر عهده بگیرد. آن حضرت نیز با موافقت عمویش ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ پذیرفت. (۶)

به هر حال این سفر کاملاً موفقیت آمیز بود و سود فراوانی نصیب خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شد. میسره نیز در بازگشت از حُسن رفتار و امانت آن حضرت برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تعریف کرد.

ص: ۳۷۰

- 
- ۱- . قلوص: ماده شتر جوان.
  - ۲- . مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۸۹؛ حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۳۵؛ و نیز ر.ک: علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷، ص ۴۰۷.
  - ۳- . حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۶۲.
  - ۴- . همان، ص ۱۷۲.
  - ۵- . ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۰؛ ابن سید الناس، ابو الفتح محمد یعمری، عیون الاثر، ج ۱، ص ۷۰.
  - ۶- . ابن اسحاق، ابو عبدالله محمّد، کتاب السیر والمغازی، ص ۸۲ ۸۱؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۴۳ ۱۴۴؛ طبری، محمّد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۸۳۲ ۸۳۳.



پس از اتمام این سفر پرماجرا، که جزئیات آن در منابع اسلامی آمده است،<sup>(۱)</sup> خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به ایشان علاقه مند شد. دلایلی که برای ایجاد این علاقه در منابع اسلامی آمده است، عبارت اند از: سفر تجاری پرسود پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به شام؛ گزارش مِیسَرَه از اخبار شگفت انگیز این سفر؛<sup>(۲)</sup> مشاهده دو فرشته ای که به هنگام ورود به خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بر سر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سایه افکنده بودند؛<sup>(۳)</sup> پیش گویی ورقه بن نوفل در باره ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با مردی از قریش که نبی قوم خواهد شد؛<sup>(۴)</sup> پیش گویی مردی، در یک جشن زنانه که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز حضور داشت، از آمدن پیامبری و بشارت به این که هر یک از زنان که می تواند با او ازدواج کند.<sup>(۵)</sup>

آنچه در مصادر تاریخی در باره ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمده، بیش از همه مبتنی بر روایات محمد بن اسحاق بن یسار (م. ۱۵۱ق)، و سپس محمد بن عمر واقدی (م. ۲۰۷ق). هشام بن سائب کلبی (م. ۲۰۴ق) و عمر بن سعد کاتب واقدی (م. ۲۳۰ق) است. یکی از مصادر نقل این ازدواج ابوالحسن بکری است.<sup>(۶)</sup> کتاب او در بردارنده گزارش های تاریخی آمیخته با مطالب نادرست و غرائب بسیار است و از این رو محل استناد نیست و مجلسی نیز که برخی روایات آن کتاب را در بحار الأنوار درج کرده، به غیر قابل اعتماد بودن و اشتغال آن ها بر غرائب تأکید کرده است.<sup>(۷)</sup>

ص: ۳۷۱

- ۱- ر. ک: ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹، ۲۰۰؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۰، ۱۳۱؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۷، ص ۹۰، ۹۱؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام بالهدی، ج ۱، ص ۶۵، ۶۷.
- ۲- ر. ک: ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۳؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۰، ۱۳۱.
- ۳- ر. ک: ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۳؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۰، ۱۳۱.
- ۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۳، ۲۴.
- ۵- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۴.
- ۶- بکری، ابوالحسن احمد بن عبدالله، الانوار فی مولد النبی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۱۳۷، ۱۹۰.
- ۷- ر. ک: مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۰، ۹۶.

به هر صورت، صرف نظر از روایت شاذ یعقوبی (۱) که ازدواج پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را حاصل دیداری ناگهانی در صفا و مروه دانسته، در بیشتر منابع سفر تجاری به شام مقدمه اصلی این ازدواج ذکر شده است؛ (۲) اما آنچه بسیار مهم است این است که ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هیچ ربطی به سفر تجاری نداشته است. این دو بزرگوار همدیگر را خوب می شناختند. آنان به علت انتساب خویشاوندی و هم چنین کوچکی شهر مکه نسبت به یکدیگر آشنایی کامل داشتند. به همین جهت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ چون قصد ازدواج داشت در نهایت به وسیله میسر (۳) یا دوست خود نفیسه، دختر مُتِیَه (۴) یا شخصاً (۵) خواست خود را به اطلاع پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رساند که: ای پسرعمو! من به واسطه خویشاوندی، شرف و بزرگواری، امانت، راستی، درستی و حُسن خلق تو مایل به ازدواج با شما هستم. (۶)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در میان زنان قریش از همه محترم تر و شریف تر بود؛ آن چنان که مردان قریش خواستار ازدواج با او بودند. واقدی می نویسد: «خدیجه بانویی دوراندیش، کاردان، شریف و خردمند بود و از لحاظ نسب از برترین زنان قریش بود و از لحاظ شرف و مال هم از همگان برتر بود. خداوند نیز برای او خیر و کرامت اراده فرموده بود. اگرچه تمام خویشاوندانش کمال اشتیاق به ازدواج با او را داشتند و برای او کابین های سنگین را متقبل شده بودند، اما او هیچ کدام را نپذیرفته بود و خود خواهان رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شد.» (۷)

ص: ۳۷۲

- ۱- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰.
- ۲- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۱ ۱۳۲؛ ابن حبیب بغدادی، ابو جعفر محمد، الْمُحَبَّر، ص ۷۲؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۷، ص ۹۰ ۹۱؛ و نیز ر. ک: دانشنامه جهان اسلام، ذیل مدخل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ.
- ۳- مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۰.
- ۴- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۱؛ دمیاطی، عبدالمومن بن خلف، کتاب نساء رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اولاده و من سالفه من قریش حلفائهم و غیرهم، ص ۳۳؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۷، ص ۶۰۱ ۶۰۲.
- ۵- ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر و المغازی، ص ۸۱ ۸۲؛ ابن حبیب بغدادی، ابو جعفر محمد، الْمُحَبَّر، ص ۷۸؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۵۳ ۵۴.
- ۶- ابو نعیم، احمد بن عبدالله اصبهانی، دلائل النبوه، ج ۱، ص ۲۱۵.
- ۷- نویری، احمد بن عبد الوهاب، نهایه الإرب فی فنون الادب، ج ۱، ص ۱۰۳.

ابتدا پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تنگ دستی خود و ثروتمندی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را مانع این پیوند می دید، اما خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام او را مطمئن ساخت که این اختلافات مانع ازدواج آنان نخواهد بود. پس از آن پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز چون خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را مناسب خود دید، ماجرای خواستگاری را برای عموهای خود عباس، ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و حمزه، بیان کرد. آنان از شنیدن این خیر شکفت زده شدند. ابتدا صفیّه، عمه پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را برای کسب اطلاع به خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام فرستادند (۱) و پس از اطمینان از حقیقت امر، در موعد مقرر به خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام رفتند و او را از عمویش، عمرو بن اسد، خواستگاری کردند. (۲)

برخی بین عموهای حضرت تنها به نام حمزه اکتفا کرده اند؛ (۳) در حالی که بیشتر منابع نماینده پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خواننده خطبه را ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام ذکر کرده اند. (۴)

در باره وکیل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در این مراسم، اختلاف هایی در منابع مشاهده می شود: ابن هشام (۵) خویلد بن اسد، پدر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام؛ ابن اسحاق و ابن کلبی (۶) عمویش عمرو بن اسد؛ ابن سید الناس (۷) برادرش عمرو بن خویلد را ذکر کرده اند. با توجه به این که خویلد بن اسد در جنگ فجار و به قولی قبل از آن در گذشته بود، (۸) حضور وی در این خواستگاری و این که

ص: ۳۷۳

- 
- ۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۵۷.
  - ۲- . ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۳۱ ۱۳۲؛ ابن حبيب بغدادی، ابو جعفر محمد، الْمُحَبَّر، ص ۷۸؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۱۱؛ ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰.
  - ۳- . ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر والمغازی، ص ۸۲؛ ابن حبيب بغدادی، ابو جعفر محمد، الْمُحَبَّر، ص ۷۸؛ ابن سید الناس، ابو الفتح محمد یعمری، عیون الاثر، ج ۱، ص ۷۱.
  - ۴- . ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۲۷۴؛ سهیلی، عبدالرحمان بن عبد الله، الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، ج ۲، ص ۲۴۶؛ ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۷۰.
  - ۵- . ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۱.
  - ۶- . ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر والمغازی، ص ۸۱ ۸۲؛ ابن کلبی، هشام بن محمد، جمهره النسب، ج ۱، ص ۸۷.
  - ۷- . ابن سید الناس، ابو الفتح محمد یعمری، عیون الاثر، ج ۱، ص ۷۲.
  - ۸- . ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۳۲؛ ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای راضی کردن پدرش به این ازدواج او را مست کرده بود، مبنایی ندارد. (۱)

به هر حال پس از موافقت عمرو بن اسد، مراسم خواستگاری و عقد، در خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برپا شد. این مراسم دو ماه و ۲۵ روز بعد از سفر تجاری شام برگزار شد. (۲) در این مجلس عموهای پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، چند تن از بستگان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و عده ای از بزرگان قریش حضور داشتند. ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ خطبه عقد را چنین خواند:

«سپاس خدا را که ما را از نسل ابراهیم و فرزندان اسماعیل قرار داد و ما را به کعبه ای حرام و حرمی امن سرفراز داشت و ما را بر مردم سروری داد و شهر ما را مبارک گرداند. برادرزاده ام محمد بن عبد الله اگرچه از مال دنیا تهی دست است اما با هیچ مردی از قریش سنجیده نشود، جز آن که بر او فزونی آید و با احدی قیاس نشود، مگر آن که از او بالاتر و فزون تر باشد. چه مال روزی دگرگون و سایه بی دوامی است. او خواهان خدیجه و خدیجه نیز خواهان او است و کابین آنچه بخواهید، نقد آن از مال من است. سوگند به پروردگار کعبه، او را امری بزرگ و پیشامدی جهان گیر است.» (۳)

مهریه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، بیست شتر ماده و یا مبلغ دوازده و نیم یا دوازده اوقیه، معادل پانصد درهم تعیین شد (هر اوقیه چهل درهم است) که توسط ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ پرداخت گردید. (۴) پس از

ص: ۳۷۴

۱- ر. ک: ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۲ ۱۳۳؛ ابن حبیب بغدادی، ابوجعفر محمّد، الْمُحَبَّر، ص ۷۸؛ ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰؛ مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۰ ۱۱؛ و نیز: محمود طهماز، عبدالحمید محمد، السیده خدیجه ام المؤمنین و سبأقه الخلق الی الاسلام، ص ۳۲ ۳۳.

۲- مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۹.

۳- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰؛ و نیز ر. ک: حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۳۹؛ نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهایه الإرب فی فنون الادب، ج ۱، ص ۱۰۴؛ مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۹.

۴- برای اقوال مختلف ر. ک: ابن اسحاق، ابو عبدالله محمّد، کتاب السیر والمغازی، ص ۸۲؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۳؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۱۱؛ ابن حبیب بغدادی، ابوجعفر محمّد، الْمُحَبَّر، ص ۷۹؛ مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۰؛ نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهایه الإرب فی فنون الادب، ج ۱، ص ۱۰۵؛ مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۰، ۱۲.

آن ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام شتری را قربانی کرد و به مردم اطعام نمود و مجلس ازدواج برپا شد. پس از برگزاری جشن ازدواج، (۱) این دو برای مدتی کوتاه در خانه حکیم بن حزام سکنی گزیدند و سپس به خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام انتقال یافتند. (۲) به هر حال پانزده سال قبل از بعثت این ازدواج صورت گرفت و این دو بزرگوار با کمال عزت و محبت زندگی زناشویی را آغاز کردند. (۳)

در اکثر منابع، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را هنگام ازدواج ۲۵ ساله و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را چهل ساله دانسته اند. آنان به قول حکیم بن حزام که تولد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را پانزده سال قبل از عام الفیل می داند، استناد کرده اند؛ اگر چه برخی نیز اقوال دیگری در باب سن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام آورده اند. (۴) که به نظر می رسد قول ابن عباس که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام سه سال قبل از عام الفیل متولد شده است، (۵) قابل قبول باشد؛ زیرا خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) صاحب چند فرزند شد و دو تن از فرزندانش عبد الله و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام بعد از بعثت متولد شدند؛ به نظر می رسد که چهل سال سن تقریبی بوده و دلیل انتخاب این عدد آن است که چهل سالگی سن کمال و بلوغ عقلی محسوب می شود و تاریخ نویسان رقم چهل را از آن جهت که عدد کاملی است، انتخاب کرده اند. (۶)

زناشویی این دو بزرگوار بر شالوده تجانس اخلاقی و حُب فضیلت و ائتلاف روحی و محبت استوار بود. ملاک در ازدواج آنان سیرت نیک بود. به همین جهت پایدار ماند. این ازدواج در واقع نقطه عطفی در زندگی این زوج به شمار می آید و منشأ تحول اساسی و مهم در زندگی خصوصی و اجتماعی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شد. پس از ازدواج، رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از تنگنای اقتصادی و معیشتی آسوده شد و بیش از گذشته از موقعیت وزین اجتماعی برخوردار گشت. این پیوند در پیشبرد دعوت اسلام نیز عامل مؤثر و سودمندی بود.

ص: ۳۷۵

- ۱- . ر. ک: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۶۷۰.
- ۲- . ر. ک: ازرقی، محمد بن عبدالله، اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۱۹۹ و ۲۵۱.
- ۳- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴.
- ۴- . ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۷؛ ابن حبیب بغدادی، ابوجعفر محمد، الْمُحَبَّر، ص ۷۸؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۱۲؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۸.
- ۵- . ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۸.
- ۶- . ر. ک: محمود طهماز، عبدالحمید محمد، السیده خدیجه ام المؤمنین و سبأه الخلق الی الاسلام، ص ۳۵ ۴۰.

ابن سعد می نویسد: «خدیجه بانویی بسیار شریف و دارای ثروت سرشار و بازرگانی توانا بوده است. او کاروان بازرگانی قریش را به شام گسیل می داشت و اهمیت و ارزش کاروان او به اندازه کاروان قریش بود. او مردان کارآزموده را به خدمت می گرفت و اموالی برای مضاربه در اختیارشان می نهاد.» (۱)

یکی از نکاتی که می توان روح بزرگ و همت عالی و حریت و استقلال نفسانی آن بانوی شریف را روشن سازد، این است که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ثروتی را که از پدر و همسرانش به ارث برده بود را راکد نگذاشت و در راه رباخواری که معمول آن روزگار بود، نیز نینداخت؛ بلکه آن را در راه تجارت و بازرگانی به کار برد و افراد درست کاری را استخدام نمود و به وسیله آنان به تجارت پرداخت و از این راه به ثروت فراوانی دست یافت. او بر اثر تدبیر و سعی و کوشش در تجارت و امور اقتصادی توانست ثروت قابل ملاحظه ای به دست آورد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یک حالت استقلال طلبی داشت. به همین سبب همانند عاقل ترین و رشیدترین مردان به تجارت می پرداخت. اداره کردن کاروان بازرگانی در آن عصر و در جزیره العرب کار آسانی نبود؛ اما او به جهت دارا بودن نبوغ فوق العاده، استقلال نفسانی و اطلاعات کافی توانست آن تجارت را اداره کند. (۲)

### ویژگی های خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دارای چه ویژگی هایی بود که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را آن چنان مجذوب خود کرده بود که در جامعه چند همسری عربستان دست به ازدواج مجدد نزد؟

آیا همان طور که مستشرقین می گویند چون از نظر سن از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مسن تر بود و هم چنین به لحاظ داشتن تجربه زندگی، می توانست بر پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مسلط شود؟

آیا پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در وجود خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مادرش را می دید و محبت او به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تنها محبت به یک همسر نبود و او که در کودکی یتیم شده بود، احساس کمبود داشت و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ جای مادر را برای او می گرفت و به او محبت مادرانه می کرد؟ به همین دلیل در چشم و دل

ص: ۳۷۶

۱- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۲.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۱.

محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آن چنان محبوب بود که دیگر به دنبال همسر دیگری نرفت؟

آیا چون به لحاظ مالی متمکن و ثروتمند بود و رسول الله(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را از نظر اقتصادی نجات داد، آن حضرت خود را مدیون خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می دانست؟

مستشرقین این سه عامل را مهم ترین عوامل در تک همسری رسول الله(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تا مرگ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می دانند، اما این نظریه مسلماً درست نمی باشد.

اولاً: برای مردان و زنان عرب در امر ازدواج، سن مطرح نبوده است. چه بسیار دختران جوان که به عقد مردان مسن درمی آمدند و چه بسیار زنان مسن که به همسری مردان جوان درآمده اند. عرب با مسئله ازدواج بسیار راحت برخورد می کرد. از طرف دیگر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تفاوت سنی بسیار با پیامبر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نداشته است؛ اما این دو بزرگوار در هر سنی که ازدواج کرده باشند، این تفاوت موجب نشد که رسول الله(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همسر دیگری غیر از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نداشته باشد؛ بلکه ویژگی های خاص خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ باعث این امر گردید.

ثانیاً:

پیامبر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هیچ گاه کمبود محبت نداشته است. از هنگام تولد مورد مهر و محبت مادرش آمنه، پدربزرگش عبدالمطلب، دایه اش حلیمه و خدمت کارش ام ایمن بود. پس از رحلت مادرش تحت تکفل عبدالمطلب قرار گرفت. عبدالمطلب او را به خانه خود برد و چندان توجه و مراقبتی نسبت به آن حضرت مبذول داشت که نسبت به هیچ یک از فرزندان خود چنان نبود. محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چنان به پدربزرگش نزدیک بود که تنها کسی که اجازه نشستن بر فراش او را داشت پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. بنا به نقل ابن سعد، عبدالمطلب بدون رسول الله(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) غذایی نمی خورد. هرگز او را از خود جدا نمی کرد و حتی در مجلس بزرگان قریش که در مسجد الحرام منعقد می شد و عبدالمطلب صدرنشین بود، او را بر روی مسند خود می نشاند.(۱)

چون مرگ او فرا رسید، رسول الله(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به پسرش ابوطالب عَلَیْهَا السَّلَامُ که با عبد الله پدر رسول الله(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از

ص: ۳۷۷

---

۱- ر. ک: ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر والمغازی، ص ۱۴۴؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۵ ۱۱۰؛ ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۶۵؛ حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۲۹؛ نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهایه الإرب فی فنون الادب، ج ۱، ص ۹۵.

یک مادر بودند، سپرد. (۱) پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آن چنان به عبدالمطلب دلبستگی داشت که در فوت او اشک ریزان به دنبال جنازه حرکت می کرد. (۲)

رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در هشت سالگی تحت سرپرستی عمویش ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار گرفت. (۳) ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز تا زمان مرگ لحظه ای دست از حمایت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برنداشت و در مدح او می گفت: خاندان هاشم که همگی یکی پس از دیگری سالارهای قبیله کعب بن لؤی هستند، به او پناه می برند. (۴) بنا به نقل ابن سعد، ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و همسرش فاطمه بنت أسد نسبت به آن حضرت چندان دوستی و محبت شدیدی ابراز می داشتند که نسبت به فرزندان خود نیز چنین نبودند. ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ بهترین خوراکی ها را مخصوص او قرار می داد. او را نزد خود می خواباند و بدون او بر سر سفره نمی نشست. (۵) فاطمه بنت اسد او را پرورش داد و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را مادر خود می خواند. رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مرگ او سخت بی تابی کرد و در جواب مردم که چرا این قدر بیقرار هستی و می گویی؟ فرمود: او به راستی مادرم بود؛ چه کودکان خود را گرسنه می داشت و مرا سیر می کرد. مرا تمیز و آراسته می داشت و نسبت به من محبت زیادی داشت. (۶)

ثالثاً: ثروت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ برخلاف نظر مستشرقین آن چنان زیاد نبود که گفته شده است اسلام به وسیله ثروت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ پیشرفت کرده است. در کمیت اموال خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ در تاریخ ارقام مختلفی ذکر شده است؛ ولی آنچه مسلم است او پس از ازدواج با رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، همه

ص: ۳۷۸

- ۱- ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر والمغازی، ص ۱۵۶.
- ۲- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۷؛ نووی، أبو زکریا یحیی بن شرف، صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۸، ص ۲۲۲؛ نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهایه الإرب فی فنون الادب، ج ۱، ص ۹۶ و ۹۷.
- ۳- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۲۳.
- ۴- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۲۳؛ ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۶.
- ۵- حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۹؛ ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۶۹.
- ۶- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۶۹؛ نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهایه الإرب فی فنون الادب، ج ۱، ص ۹۷.



ثروت، اموال و مایملک خود را به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هبه کرد و پس از بعثت نیز اموالش در راه اعتلای کلمه توحید و کمک به مستمندان مصرف گردید. (۱) اما آن ثروت به حدی نبوده است که بتواند همهٔ نومسلمانان را آزاد و یا جلوی شکنجهٔ آنان را بگیرد. پیشرفت اسلام به خاطر شعار توحیدی و برابری اجتماعی بود و مردم مشتاقانه به سوی آن جذب می شدند.

به هر حال پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در زندگی خانوادگی خود نوعی آزادی به همسر فهیم خود داده بود و در امور خانه مخالف رأی او عمل نمی کرد. برای مثال در امر ازدواج دخترش زینب با ابوالعاص بن ربیع فرزند خواهر خدیجه (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چون احساس کرد همسرش موافق است، پذیرفت. هم چنین در امور اقتصادی خانواده نیز رأی و نظر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بسیار اهمیت داشت.

این

مسائل به شخصیت متعالی و والا و ارزش های وجودی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برمی گردد؛ نه به دلیل سن بیشتر و یا برتری مالی او از رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تنها کفو رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و تمامی شرایط کفویت در او جمع بود. او زنی باایمان و یار وفادار و همسر مهربان شوی خود بود.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ کارهای تجاری خود را به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سپرد. غلامان و کنیزان خود، از جمله میسره را آزاد کرد. (۲) حلیمه سعدیه، دایه پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، در ایام خشک سالی به منزل ایشان آمد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای تشکر از زحمات دایهٔ همسرش، وی را بسیار احترام کرد و چهل گوسفند و یک شتر نیز به او هدیه داد. (۳)

ثویبه، کنیز ابولهب، که نخستین بار به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شیر داده بود، از جمله کسانی بود که با آنان در ارتباط بود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ حتی برای جبران خدمت وی و کسب رضایت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بارها تلاش کرد تا او را از ابولهب بخرد و آزاد کند؛ ولی موفق نشد. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در تمام مدتی که در مکه بود از او خبر می گرفت و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز او را گرامی می داشت. (۴)

زید بن حارثه، غلام حکیم بن حزام بود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ او را خرید و یا به عبارتی حکیم او را

ص: ۳۷۹

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۱.

۲- . همان، ص ۷۲.

۳- . بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۰۸.

۴- . همان، ص ۱۰۸ ۱۰۹.

به عمه اش بخشید. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ چون می دانست که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را دوست می دارد، به آن حضرت بخشید. (۱) پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز او را آزاد و پسرخوانده خویش کرد و از این رو تا مدت ها زید بن محمد نامیده می شد. (۲)

یکی از افتخارات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ این است که نام او نیز به عنوان مرَبِّی امام علی عَلَیْهِ السَّلَامُ ثبت گردیده است. در هنگام تنگ دستی ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ، پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را که کودکی چند ساله بود به خانه خود آورد و تحت سرپرستی خود قرار داد. علی عَلَیْهِ السَّلَامُ تحت نظارت دقیق تربیتی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ قرار گرفت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مشاهده کرد که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نسبت به علی عَلَیْهِ السَّلَامُ علاقه ای خاص دارد، پس او نیز علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را چون فرزند خود دوست داشت و بزرگ کرد و بدین ترتیب به محبت بی حد ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ و فاطمه بنت اسد ۳ به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این چنین پاسخ گفت. (۳)

### فعالیت های اجتماعی سیاسی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از هوش، عقل و تدبیر سرشاری برخوردار بود. در عصر جاهلیت که جهل و بی سوادی همه جا را فراگرفته بود، دارای کمال ادب، ایمان و عقل بود. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در کارها با او مشورت می کرد. او مشاوری امین، معاون و وزیر راستین و کارساز برای آن حضرت بود. (۴)

در برخی گزارش های تاریخی از آغاز وحی، ذکر شده است که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با تسلی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پس از آن که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در خصوص نبوت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با پسرعموی خود ورقه بن نوفل مشورت

ص: ۳۸۰

۱- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۹۷؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۷۵.

۲- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۵۵۶ ۵۵۹؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۲، ص ۳۳۵ ۳۳۶.

۳- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۹ ۱۸۰.

۴- سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۳۰۲؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۰؛ ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمده، ص ۲۰۴؛ نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاییه الإرب فی فنون الادب، ج ۱۸، ص ۲۱۸.

کرد آرام گرفت. (۱) سوای تردید در شخصیت تاریخی ورقه، (۲) گزارش های مذکور با احادیث معتبر ناسازگار است و ایرادات اساسی نیز به آن وارد شده است. آیا می توان پذیرفت که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اولین گام هایش را پس از بعثت با تردید بردارد و زنی غیر معصوم، حتی زن با کمالاتی چون خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از پیامبر آخر زمان تردیدزدایی کند؟ پذیرفتن این سخن در حد کفر و به معنای انکار عصمت رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است.

حرکت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آگاهانه بوده است. آن حضرت از چندین سال قبل با فرشته در ارتباط بوده و او را در خواب می دیده و می شناخته است. رسالت یک امر دفعی و غیر مترقبه نبوده است؛ بلکه به تدریج و در طول زمان این آمادگی در رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایجاد شده است. او انتظار این تولد را می کشید. اولین آیات سوره علق چون بر پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نازل شد، همراه با هیبت و احساس سنگینی بار عظیم رسالت است. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در آن روز فرشته وحی را آشکار دید و سخنان خداوند را توسط او شنید. گفته شده پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از غار که بیرون آمد به هر درخت و سنگی که می گذشت، به رسالت بر او سلام می دادند. (۳)

تاریخ حیات پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خوبی نشان می دهد که او مردی راست گو و باایمان بوده و به صحت ادعای خویش یقین داشته است. نه فقط مقاومت عجیب او در تحمل ایذاء و جفای مخالفان خویش بلکه علو مقام اخلاقی بعضی تربیت یافتگان و پیروان او نیز گواه صدق قول او است. او خود در رسالت خویش شک نداشته است. به همین جهت سال ها در مکه آزار و فشار و تحقیر مشرکان قریش را تحمل کرد و از نشر دعوت خویش باز نایستاد.

به هر حال همین که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خانه آمد به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فرمود که به رسالت مبعوث شده و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ عرض کرد: من به تو ایمان آوردم. سپس گفت: مژده بر تو باد که به خداوند

ص: ۳۸۱

- ۱- . برای نمونه ر. ک: ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر والمغازی، ص ۱۳۲ ۱۳۳؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۵۲ ۲۵۴؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۲۱ ۱۲۲.
- ۲- . ر. ک: عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۱۰۸ ۱۰۹.
- ۳- . طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۰۵؛ ابو نعیم، احمد بن عبدالله اصبهانی، دلائل النبوه، ج ۱، ص ۲۵۹.

سوگند تو پیوند خویشاوندی را رعایت می کنی و گرفتاری های مردم را به دوش می کشی و به بینوایان رسیدگی می کنی و در حوادث یار و یاور مردمی. خداوند هیچ گاه تو را خوار و زبون نمی سازد. (۱)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نخستین بانویی است که به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گروید. او صدیقه اول است. (۲) کسب این مقام می تواند گویای عظمت حرکت و شخصیت آن حضرت باشد. صرف تقرب فیزیکی به رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زمینه ساز پذیرش اسلام نمی باشد؛ بلکه خمیرمایه ای از معرفت، شرف و باطنی سالم باید داشت که به مجرد اولین تماس با حقیقت اسلام آن را بپذیرد و تا پای جان در دفاع از آن بکوشد و همه هستی خود را نثار آن کند.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به اهداف پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کاملاً ایمان داشت و در راه رسیدن به آن هدف مقدس از هیچ گونه کوشش و فداکاری دریغ نداشت. این همسویی، همگامی و همراهی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) معلول شخصیت و وجاهت ذاتی خود آن حضرت است، نه صرف زندگی با یک نفس قدسی؛ زیرا نمونه های نقض آن در تاریخ بسیار است. در کنار پیامبران الهی گاهی همسرانی زندگی می کردند که باعث آزار آنان بودند و به اندیشه، عقیده، هدف و آرمان های آنان خیانت می کردند.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بعد از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با زنان دیگری ازدواج کرد، اما هیچ کدام نتوانستند جای خالی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را در زندگی آن حضرت پر کنند.

بنا بر گزارش ابن سعد (۳) وی همراه پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و علی عَلَیْهِ السَّلَامُ به طور مخفیانه در دره های مکه

ص: ۳۸۲

- 
- ۱- نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاییه الإرب فی فنون الادب، ج ۱۸، ص ۲۱۸.
  - ۲- ابن سعد در الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۱، این مطلب را اجماع اهل سیره دانسته است. و نیز ر. ک: ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، ج ۸، ص ۱۷: ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۰ ۲۶۱؛ ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۸۶۰؛ حلبی، علی بن برهان، السیره الحلییه، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۱۹۱؛ محمود طهماز، عبدالحمید محمد، السیده خدیجه ام المؤمنین وسبقه الخلق الی الاسلام، ص ۸۲ ۸۰.
  - ۳- ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۷ ۱۸.

و خانه خود و یا به طور آشکارا در مسجد الحرام نماز می گزارد. اگر در آن شرایط او حضور نداشت، نیمی از جامعه بشریت نماینده ای نداشتند.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که به انزوا و تفکر علاقه ای خاص داشت. قبل از بعثت یک دوره ای از اعتکاف و عزلت نشینی و تفکر و عبادت داشته است و گاه گاه و در ماه رمضان به مدت یک ماه در کوه حرا معتکف می شد. (۱) پس از ازدواج با خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ به جهت آرامش و آسایشی که یافته بود، بیشتر به خلوت و تفکر می پرداخت و در سال های نزدیک به بعثت این اعتکاف بیشتر شده بود.

نکته مهم برخوردار آگاهانه و عالمانه خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ با این اعتکاف و حتی همراهی و همسویی او در مدت اعتکاف بود که نشان دهنده مقام معنوی بالای او است. هر گاه پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به سوی غار رهسپار می شد، خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ او را بدرقه می کرد. گاه خود برای رساندن آب و غذا به نزد آن حضرت می رفت و گاه علی عَلِيهِ السَّلَامُ یا زید بن حارثه را می فرستاد تا پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با کمال آرامش به عبادت خداوند بپردازد. گاهی نیز به حرّای می رفت و بدون آن که خلوت همسرش را برهم زند، خود نیز به ریاضت می پرداخت. (۲)

در مرحله دعوت علنی، هر گاه پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، قریش را به اسلام و راه حق دعوت می کرد و آنان به وی بی توجهی می کردند و او را به سخره می گرفتند و به او آزار می رساندند، خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ با سخنان مهرآمیزش وی را دلداری می داد (۳) و به پیشرفت کار امیدوارش می کرد و در راه رسیدن به هدف یاور و کمک کارش بود. زمانی که کفار آزارش می دادند، چون به منزل می آمد از مهر و محبت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ برخوردار می گشت و از آن کانون گرم نیرو می گرفت. او پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به پایداری تشویق می کرد. سخنانش را تصدیق می نمود و از غم و اندوهش

ص: ۳۸۳

- ۱- . برای نمونه ر. ک: ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر والمغازی، ص ۱۳۲ ۱۳۳؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۵۲ ۲۵۴؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۲۱ ۱۲۲.
- ۲- . نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاییه الإرب فی فنون الادب، ج ۱۸، ص ۲۱۸.
- ۳- . ر. ک: ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۵۲ ۲۵۴؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۰.

می کاست. (۱) ایستادگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در شرایط ناگوار بعد از بعثت و عشق و علاقه اش به رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و درک عالمانه اش نسبت به ویژگی های روحی و والای ایشان سبب می شد تا پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) همه زخم زبان ها، تمسخرها و تحقیرها را به جان بخرد.

روزی مشرکان قریش به سوی رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) سنگ پرتاب می کردند. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به طرف خانه آمد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در مقابل خانه ایستاد و رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را پشت سر خود قرار داد و خود را سپر جان آن حضرت نمود تا سنگ ها به او اصابت کند. در این هنگام با فریاد قریشی یان را مورد خطاب قرار داد که: ای گروه قریش! آیا زن آزاده ای را در جلوی خانه خود سنگ باران می کنید؟ قریشی یان شرمنده برگشتند. (۲)

شگفت نیست که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) سال ها پس از مرگ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، چون به یاد او می افتاد، اندوهناک می گشت و گه گاه در فراق او می گریست. بیهقی می نویسد: خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یاور راستین اسلام بود و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با وجود او احساس آرامش می کرد. او مایه آرامش رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بود. (۳) خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بانو و مدیر خانه پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بود. آن حضرت او را بسیار دوست می داشت و به او احترام می گذاشت. (۴)

در ایام محاصره اقتصادی بنی هاشم در شعب ابی طالب، آنچه را که از اموالش باقی مانده بود در حمایت از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) هزینه کرد. (۵) از طرف دیگر یک برنامه ریزی حساب شده و هماهنگ در باره خویشان خدیجه (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) که با او ارتباط نسبی یا سببی داشتند، ملاحظه می شود که به خاطر او و یا به تدبیر او به شعب نشینان کمک هایی صورت می گرفت. کمک های ابوالعاص بن ربیع و حکیم بن حزام، خواهرزاده و برادرزاده خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، به محاصره شدگان در شعب ابی طالب، در حالی که هنوز آن دو نفر اسلام نیاورده بودند، تنها به دلیل وجود خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در میان آنان بود. گفته شده است که دامادش ابوالعاص بن ربیع و فرزند برادرش

ص: ۳۸۴

- ۱- نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاییه الإرب فی فنون الادب، ج ۱۸، ص ۲۱۸.
- ۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۴۱.
- ۳- ابو نعیم، احمد بن عبدالله اصبهانی، دلائل النبوه، ج ۲، ص ۸۱.
- ۴- سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۳۰۲.
- ۵- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۲۵.

حکیم بن حزام گاهی شب‌ها گندم، خرما و حتی البسه بر شتری حمل کرده و تا دهانه شعب می بردند و آن‌جا افسار شتر را دور گردنش می پیچیدند و رها می کردند. البته گاهی همین مساعدت موجب گرفتاری آنان نیز می شد. (۱)

این محاصره در سال سوم به اوج خود رسید؛ به طوری که گفته شد علف نیز دیگر در شعب یافت نمی شد. خدیجه علیها السلام از گرسنگی مشک خشکیده ماست را می مکید و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سنگ بر شکم می بست و کودکان که در میان آنان فاطمه علیها السلام خردسال نیز وجود داشت، از گرسنگی بی تاب می کردند. قریش حتی جلوی دادوستد با آنان را نیز گرفته بود. بلاذری می نویسد: «خدیجه به زَمَعَه بن اسود اسدی از طایفه خود پیام فرستاد که ابوجهل مانع از خرید ما می شود. زمعه نیز به ابوجهل پرخاش کرد و از سران قریش خواست تا مقابل ابوجهل بایستند.» (۲)

این حوادث و شدت عمل قریش چون ذره ای از صبر و بردباری مسلمانان نکاست، سبب شد گروهی تحت تأثیر قرار بگیرند و تصمیم به لغو محاصره را عملی کنند.

به نظر عده ای از مفسران، آیه هشت سوره ضحی به حمایت های مالی خدیجه علیها السلام اشاره دارد که می فرماید: «ای پیامبر! آیا تو را نیازمند نیافت، پس بی نیاز و توانگرت ساخت.» (۳) تأثیر حمایت های مالی خدیجه علیها السلام به حدی بود که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بعدها آن را ستود و فرمود: «هیچ ثروتی به اندازه ثروت خدیجه برایم سودمند نبود.» (۴)

### وفات خدیجه علیها السلام

اندک زمانی پس از شکست محاصره اقتصادی؛ خدیجه علیها السلام در رمضان سال دهم بعثت (۵) به

ص: ۳۸۵

- ۱- ر. ک: ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر والمغازی، ص ۱۶۱؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۷۹؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۲۷.
- ۲- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۲۳۴.
- ۳- ر. ک: طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ذیل آیه.
- ۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۶۳.
- ۵- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۸.

فاصله سه روز بعد از وفات ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ در گذشت. (۱) رحلت شهادت گونه او به خاطر تضییقات و فشارها و محدودیت هایی بود که در شعب تحمل کرده بود. این سختی ها تنها مسائل مادی نبود، بلکه مشاهده می کرد که همسر محبوبش به خاطر تبلیغ رسالتش چه سختی هایی را تحمل می کند و مسلمانان به خاطر حمایت از او به چه مشکلاتی دچار می شوند و او نگران جان رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز بود و این نگرانی روح او را می آزرده. همچنین او شاهد رنج های کودکان بنی هاشم بود که باید متحمل این همه فشار باشند. این ها بود که موجب شد خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ با آن روح حساس و عاطفه بالا بشکند و توان از دست بدهد. ضعف بر او چیره شد و بر بستر بیماری افتاد. بیماری او سه روز طول کشید. در این مدت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از کنار بستر او دور نشد. او را به بهشت مژده داد و فرمود: «به من دستور داده شده است تا به تو مژده دهم که در بهشت خانه ای از مروارید برای تو خواهد بود که در آن نه اندوه است و نه نگرانی؛ نه آزاری و نه دردسری!» (۲)

سرانجام خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در پنجاه و سه و یا شصت و پنج سالگی از دنیا رحلت فرمود. ام ایمن، کنیز آزاد شده پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، و ام فضل او را غسل دادند. (۳) پیکرش را از خانه اش تشییع کردند. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خود شخصاً کار تدفین خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ را بر عهده داشت. آن حضرت با دستان مبارکش وی را در قبرستان حجون (قبرستان ابوطالب) بدون ادای نماز به خاک سپرد؛ چرا که هنوز نماز میت واجب نشده بود. (۴)

این مصیبت چنان بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گران آمد که فرمود: «این روزها، بر این امت دو مصیبت وارد شده است که نمی دانم به کدام یک از آن دو بی تاب ترم.» (۵) از این رو آن سال «عام

ص: ۳۸۶

- 
- ۱- ر. ک: بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۹۱۴۹۲؛ مسعودی، علی بن حسین، التنبیه والأشراف، ص ۲۲۳؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۵.
  - ۲- ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر والمغازی، ص ۲۴۵.
  - ۳- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۹۱.
  - ۴- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۸ ۱۹؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۹۱.
  - ۵- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.



مرگلیوت در کتاب زندگانی محمد می نویسند: «با وفات خدیجه، محمد کسی را از دست داد که قبل از همه به رسالتش آگاه شد و او را تصدیق کرد. زنی که همیشه به قلبش آرامش می داد. همسری که تا زنده بود محبت زنان و مهر مادران را شامل حالش می کرد.» (۲)

قبر

خدیجه (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیوسته زیارتگاه مسلمانان بوده است. در سال ۷۲۷ هجری بارگاهی بر سر قبر بنا کردند، ولی در سال ۱۳۴۳ هجری با تسلط و هابیون بر عربستان آن بارگاه ویران شد. (۳)

### فضائل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

در فضیلت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و ارزش و احترام او نزد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خویشان وی، سخنان زیادی وارد شده است. از این احادیث چنین برداشت می شود که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ محبوب ترین زن ایشان بوده است. (۴) بنا بر حدیثی از پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در تفسیر آیه ۴۲ سوره آل عمران خطاب به امام علی عَلَیْهِ السَّلَامُ، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یکی از چهار زن برتر دنیا بوده است. (۵)

بنا بر روایت ابن اسحاق، خداوند به واسطه امین وحی (جبرئیل) بر او سلام فرستاده و او را گرامی داشته است. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز در پاسخ عرض کرد: «سلام مخصوص خداوند است که از همه عیب ها پاک است و جمله سلامت ها از او است.» (۶)

هم چنین آورده اند که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خطاب به امام علی عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمود: «تو همسری چون فاطمه داری که من چنان همسری ندارم. تو مادرزنی چون خدیجه داری که من چنان مادرزنی ندارم.» (۷)

ص: ۳۸۷

- ۱- . طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۲۵.
- ۲- . ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، زندگانی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۵۸.
- ۳- . امین عاملی، سید محسن، کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، ص ۵۵.
- ۴- . ر. ک: ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر والمغازی، ص ۲۴۴ ۲۴۵؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۱ ۱۸۲۳.
- ۵- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۶؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۱ ۱۸۲۳.
- ۶- . ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر والمغازی، ص ۱۶۱؛ و نیز ر. ک: ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۵۷؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۱؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴، ص ۱۸۲۱ ۱۸۲۳.

١٨، ص ٣٨٥.

٧- . مجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٦٨.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به پیمانی که با همسرش بست، وفادار ماند و این وفاداری را در زمان حیات و پس از وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامْ پاس می داشت. از عایشه روایت شده است که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هر گاه گوسفندی قربانی می کرد، از گوشت آن برای دوستان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامْ می فرستاد. (۱)

و در روایتی دیگر نقل شده که پیرزنی از قبیله مُزَنی در حالی که زمین گیر بود، نزد پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به او اکرام زیادی کرد و فرمود: تو حَسَبانه هستی؟ حالت چگونه است؟ بعد از ما چه کردی و تا حال کجا بودی؟ زن به سؤالات رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پاسخ داد. وقتی رفت، عایشه پرسید: این زن کیست که این گونه از او استقبال کردی؟ پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «او در زمان خدیجه نزد ما رفت و آمد داشت. من به خاطر خدیجه به او اکرام کردم. نیک عهدی جزئی از ایمان است.» (۲)

عایشه بارها گفته بود: «به هیچ یک از زنان پیامبر به اندازه خدیجه حسادت نورزیدم؛ در حالی که هرگز او را ندیده بودم و این به سبب یادآوری بیش از حد او توسط پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود.» (۳) هر گاه از خانه بیرون می رفت از او یاد می کرد و او را می ستود. روزی به رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عرض کردم: چقدر از او یاد می کنی؟ خداوند بهتر از او را نصیب شما گردانید. چهره پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دگرگون شد و فرمود: «خداوند هرگز بهتر از او را نصیب من نکرده است. او زمانی به من ایمان آورد که همه نسبت به من کفر می ورزیدند. زمانی مرا تصدیق کرد که همه تکذیب می کردند. او در دارایی خود با من مواسات کرد؛ در حالی که مردم مرا محروم می کردند. همه فرزندانم از او هستند. هیچ کس بهتر از او نیست.» (۴)

ص: ۳۸۸

- ۱- نووی، أبو زکریا یحیی بن شرف، صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۸، جزء ۱۵، ص ۵۳، ۵۲؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۷، ص ۶۰۵.
- ۲- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۱۶.
- ۳- ر. ک: بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۳۰؛ ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۴۹؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۹۸؛ نووی، أبو زکریا یحیی بن شرف، صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۸، جزء ۱۵، ص ۵۳، ۵۲.
- ۴- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۹۸؛ نووی، أبو زکریا یحیی بن شرف، صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۸، جزء ۱۵، ص ۵۳، ۵۲؛ نویری، احمد بن عبد الوهاب، نهایه الإرب فی فنون الادب، ج ۱۸، ص ۲۱۸.

هم چنین گوید: «گاهی به پیامبر اکرم می گفتم: انگار که در دنیا زنی غیر از خدیجه نیست؟ آن حضرت می فرمود: کاش او زنده بود. او قابل مقایسه با هیچ زنی نیست.» (۱)

این همه تجلیل و تکریم های رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دلیلی است بر وفاداری و اخلاق والا و قدرشناسی ایشان نسبت به همسر دورانیش و بانوی فاضلش که هیچ گاه او را از یاد نبرد.

خاطره خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آن چنان همراه رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود که در عمره القضا وفتح مکه هنگام ورود به مکه ابتدا در قبرستان حجون کنار مرقد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای او خیمه ای برپا کردند و او جای استراحت خود را در نزدیکی آرامگاه همسرش قرار داد. سپس از آن جا وارد مسجد الحرام شد. (۲)

سَیِّه قَزَاعِه بانوی دانشمند عرب می گوید: «تاریخ در مقابل عظمت ام المؤمنین خدیجه سر فرود می آورد و در برابرش متواضعانه و دست بسته می ایستد. نمی داند نام این بانو را در کدام شناسنامه بزرگان ثبت کند؟» (۳)

مهر و محبت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به فرزندان چنان بود که خاطره او تا نسل ها در خاندان پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برجای مانده بود و همواره از او به نیکی یاد می شد. امام حسین ۷در واقعه عاشورا در کربلا- در مقابل سپاه کوفه به مادر بزرگش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فخر می ورزید که اولین زن مسلمان بود. (۴) امام سجاده ۷در خطبه اش در مجلس یزید در دمشق بعد از واقعه عاشورا، خود را فرزند بانوی بزرگ اسلام، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می دانست. (۵)

زبیر بن عوّام در مباحثه ای با ابن عباس عمه اش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را مایه مباهات خویش می دانست. (۶) همچنین ابن عباس در برابر یاهو سرایی های عبد الله بن زبیر نوه برادر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

ص: ۳۸۹

۱- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۳۰.

۲- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۱۸۷.

۳- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، نساء محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۳۸.

۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۱۸.

۵- همان، ج ۴۵، ص ۱۷۴.

۶- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۳۲۵.

گفت: اگر منزلت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در میان ما نبود، برای خاندان اسد بن عبدالعزی هیچ استخوانی باقی نمی گذاشتم و آن را می شکستم. (۱)

قابله خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ کنیز عُقبه به نام سَیلمی مکنی به ام رافع بود. آن حضرت برای فرزندان خود پیش از زایمان دایه می گرفت. (۲)

کتاب های فراوانی در باره خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نوشته شده است. کهن ترین این آثار کتاب «خدیجه وعقبها وازواجها» نوشته ابوالحسن علی بن عبد الله خدیجی است که ادعا داشته از نوادگان خدیجه از همسرش هاله است. (۳) «خدیجه أم المؤمنین: هی قصه دینیة تاریخیه» نوشته زهران عیسوی افندی نیز از آثار متأخر است. (۴)

### فرزندان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

در شماره و ترتیب فرزندان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، یعنی قاسم، زینب، رقیه، ام کلثوم، عبد الله و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ اختلاف هست. (۵) در برخی منابع از سه یا چهار پسر یاد شده است که ظاهراً القاب عبد الله، یعنی طیب و طاهر، به عنوان اسامی جداگانه ای در نظر گرفته شده است. (۶)

عده ای زینب (۷) و برخی قاسم (۸) را اولین فرزند ایشان دانسته اند. در باره دختران نیز ترتیب

ص: ۳۹۰

۱- همان.

۲- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۱۳.

۳- ر. ک: نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۰۶ ۲۰۷.

۴- ر. ک: الیان سرکیس، یوسف، معجم المطبوعات العربیه والمعربه، ج ۱، ستون ۹۷۹.

۵- ر. ک: زبیری، مصعب بن عبدالله، نسب قریش، ج ۱، ص ۱۸، ۲۱، ۲۳۱؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۸۰، ۴۷۵، ۴۷۷؛ ابن حبیب بغدادی، ابوجعفر محمد، الْمُحَبَّر، ص ۵۲، ۷۹؛ ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ طبرسی، فضل بن حسن، الاعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۲۷۴؛ محب الدین طبری، أحمد بن عبدالله، السَّمَطُ الثَّمین فی مناقب أمّهات المؤمنین، ص ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۱؛ دمیاطی، عبدالمومن بن خلف، کتاب نساء رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) واولاده ومن سالفه من قریش حلفائهم و غیرهم، ص ۳۴ ۳۵.

۶- ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر والمغازی، ص ۲۴۵؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۲۷۵.

۷- ر. ک: ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، جوامع السیره النبویه، ص ۳۹؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۸.

٨- . ر. ك: ابن عبد البرّ، يوسف بن عبد الله ، الاستيعاب، ج ٤، ص ١٨١٨ ١٨١٩؛ ابن اثير جزري، علي بن محمّد، اسد الغابه في معرفه الصحابه، ج ٧، ص ٩١.

قابل قبولی ارائه نشده است. با توجه به این که زینب در سی سالگی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) متولد شده، (۱) به نظر می رسد بزرگ ترین فرزند حضرت بوده است و از آن جا که رقیه و ام کلثوم پس از جدایی از پسران ابولهب یکی پس از دیگری به نکاح عثمان درآمدند، (۲) ظاهراً از حضرت فاطمه عَلِيهَا السَّلَامُ که در سال دوم یا پنجم بعد از بعثت متولد شده است، بزرگ تر بودند. (۳)

حسن امین به نقل از آل یاسین به دلیل تشمت و اختلاف در اسناد تاریخی، جز فاطمه عَلِيهَا السَّلَامُ دختر دیگری برای خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ از پیامبر قائل نیست. (۴) این نظر را جعفر مرتضی عاملی در کتاب «رئایب الرسول: شبهات و ردود» و کتاب «البنات ربائب: قل هاتوا برهانکم» با تفصیل بیشتری مورد تأکید قرار داده است؛ اما ابوماذ بن احمد در کتاب «زینب و رقیه و ام کلثوم بنات رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لا ربائبه» و خلیفه عبید کلبانی عمانی در کتاب «أولاد النبی و هل للنبی بنت غیر الزهراء» مورد نقد قرار داده اند.

آنچه مسلم است خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دارای شش فرزند به نام های قاسم، زینب، رقیه، ام کلثوم، عبد الله و فاطمه عَلِيهَا السَّلَامُ می باشد.

قاسم: قاسم اولین فرزند آن حضرت بود. کنیه ابوالقاسم برای رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به همین جهت است. وی در دوران کودکی و در سن چهار سالگی در گذشت. خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در مرگ او بسیار گریست. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز در تشییع جنازه او در حالی که به کوهی از کوه های مکه می نگریست، فرمود: ای کوه! اگر آنچه به من رسید، به تو می رسید، تو را خرد می کرد. (۵)

ص: ۳۹۱

۱- نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاییه الإرب فی فنون الادب، ج ۱۸، ص ۲۱۸.  
۲- ر. ک: زبیری، مصعب بن عبدالله، نسب قریش، ج ۱، ص ۲۲ ۳۲؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۸۵ ۴۸۶؛ ابن حبیب بغدادی، ابوجعفر محمد، الْمُحَبَّر، ص ۵۳؛ ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۲۷۴؛ محب الدین طبری، أحمد بن عبدالله، السِّمَطُ الثَّمِينُ فِي مَنَاقِبِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، ص ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۱؛ دمیاطی، عبدالمومن بن خلف، کتاب نساء رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) واولاده و من سالفه من قریش حلفائهم و غیرهم، ص ۳۴ ۳۵.

۳- ر. ک: شوشتی، محمد تقی تستری، رساله فی تواریخ النبی والآل (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۹۸.

۴- ر. ک: امین، سید حسن، دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۱، جزء ۱، ص ۳۸.

۵- ر. ک: ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۵؛ ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۸ ۱۸۱۹؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۷، ص ۹۱.

زینب: فرزند دوم آنان زینب نام داشت. او ده سال قبل از بعثت متولد و در سال هشتم هجری از دنیا رفت. (۱)

رقیه: رقیه سومین فرزند خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. او هفت سال قبل از بعثت متولد شد و در رمضان سال دوم هجرت درگذشت. (۲)

أم کلثوم: أم کلثوم چهارمین فرزند آنان بود. او نیز قبل از بعثت متولد شد و در شعبان سال نهم هجرت در مدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.

عبد الله: عبد الله پنجمین فرزند آنان بود که در سال اول بعثت متولد شد و چون جاهلیت را درک نکرد به طیب و طاهر ملقب شد. او در همان سال از دنیا رفت. مرگ او به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بسیار آسیب رساند. آن حضرت بسیار می گریست. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مرگ فرزندانش شریک غم های همسرش بود و او را دلداری می داد و با بیان احادیث و یادآوری پاداش های عظیم آخرت قلب اندوهگین او را آرام می ساخت.

فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ: فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ آخرین فرزند خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ است و تنها فرزندی است که پس از رحلت پدر بزرگوارش در قید حیات بود، اما پس از مصائب بسیار در سوم جمادی الثانی سال یازدهم هجری از دنیا رحلت فرمود.

## کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (م ۶۵۶ ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمّد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: داراحیا الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ق.

۲. ابن اثیر جزیری، عزالدین علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: انتشارات دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.

ص: ۳۹۲

- 
- ۱- ر. ک: ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۲: ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۵۳۱۸۵۴. در فصل دوم به زندگانی آن حضرت و خواهرانش به طور مفصل پرداخته ایم.
- ۲- ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۲؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۳۹۱۸۴۱.



۱. ، الكامل فى التاريخ، بيروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.

۲. ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد (م ۱۵۱ ق)، كتاب السير و المغازى، به كوشش: زكار، قم: دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامى، ۱۳۶۸ ش.

۳. ابن بطريق، يحيى بن حسن اسدى حلى، العمده (عمده عيون صحاح الأخبار فى مناقب إمام الأبرار)، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ۱۴۰۷ ق.

۴. ابن حبيب بغدادى، ابوجعفر محمد (م ۲۴۵ ق)، المُحَبَّر، به كوشش: ايلزه ليشتن اشتر، حيدرآباد دكن، ۱۳۶۱ ق / ۱۹۴۲ م.

۵. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (م ۸۵۲ ق)، الاصابه فى تمييز الصحابه، تحقيق عادل احمد، على محمّد، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵ ق..

۶. ابن حزم اندلسى، ابومحمد على بن احمد بن سعيد (م ۴۵۶ ق)، جمهوره انساب العرب، تحقيق: گروهى از علماء، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۰۳ ق.

۷. ، جوامع السيره النبويه، تحقيق: نايف عباس، دمشق: دار ابن كثير، ۱۴۰۶ ق.

۸. ابن سعد واقدى، ابو عبدالله محمد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الكبرى، بيروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.

۹. ابن سيد الناس، ابوالفتح محمد يعمرى (م ۷۳۴ ق)، عيون الاثر فى فنون المغازى و الشمائل و السير، بيروت: انتشارات دار القلم، ۱۴۱۴ ق.

۱۰. ابن شهر آشوب، محمّد بن على مازندراني (م ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابى طالب، تحقيق: گروهى از اساتيد نجف اشرف، نجف: المكتبه الحيدريه، ۱۳۷۶ ق.

۱۱. ابن عبدالبرّ، يوسف بن عبدالله قرطبي (م ۴۶۳ ق)، الاستيعاب فى معرفه الاصحاب، تحقيق: على محمّد بجاوى، بيروت: دار الجيل، ۱۴۱۲ ق.

۱۲. ابن عساكر، على بن حسن (م ۵۷۱ ق)، تاريخ مدينه دمشق، تحقيق: على شيرى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۵ ق.

۱۳. ابن هشام حميرى، ابومحمد عبدالملك (م ۲۱۳۸ ق)، السيره النبويه، به كوشش: عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت: ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.

۱. زندگانی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) (ترجمه السيره النبويه)، ترجمه: سيد هاشم رسولى محمّادى، تهران: انتشارات كتابچى، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.
۲. ابن واضح يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب اسحاق (م ۲۸۴ ق)، تاريخ يعقوبى، ترجمه: محمّد ابراهيم آيتى، تهران: انتشارات علمى و فرهنگى، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
۳. ابو نعيم، احمد بن عبدالله اصبهانى (م ۴۳۰ ق)، دلائل النبوه، تحقيق: محمّد رؤاس قلجى وعبدالبر عتّاس، بيروت: دار النفائس، ۱۴۰۶ ق.
۴. ابوالقاسم كوفى، على بن احمد (م ۳۵۲ ق)، الاستغاثه فى بدع الثلاثه، تهران: مؤسسه الاعلمى، ۱۳۷۳ ش.
۵. ازرقى، محمّد بن عبد الله (م ۲۴۸ ق)، اخبار مكه و ماجاء فيها من الآثار، تحقيق: رشدى صالح ملحسن، بيروت: ۱۴۰۳ / ۱۹۸۳.
۶. اليان سركىس، يوسف، معجم المطبوعات العربيه و المعربه، قاهره، ۱۳۴۶ / ۱۹۲۸، چاپ افست قم، ۱۴۱۰.
۷. امين عاملى، سيد محسن، كشف الارتياح فى اتباع محمد بن عبد الوهاب، مؤسسه دارالكتاب الاسلامى، چاپ دوم، ۲۰۰۷.
۸. امين، سيد حسن، دائره المعارف الإسلاميه الشيعيه، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۹. بخارى، محمّد بن اسماعيل (م ۲۵۶ ق)، صحيح البخارى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۱ ق.
۱۰. بلاذرى، احمد بن يحيى (م ۲۷۹ ق)، انساب الاشراف، تحقيق: سهيل زكار، رياض زركلى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. بنت الشاطى، عايشه عبدالرحمن (م ۱۴۱۹ ق)، نساء النبى، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۰۶ ق.
۱۲. بيهقى، ابوبكر احمد بن حسين (م ۴۵۸ ق)، دلائل النبوه، مدينه منوره: مكتبه السلفيه، ۱۳۸۹ ق.

١. ترمذى، محمد بن عيسى (م ٢٧٩ ق)، سنن الترمذى، بيروت: چاپ عبدالرحمان محمد عثمان، ١٤٠٣.
٢. حاكم نيشابورى، ابو عبدالله (م ٤٠٥ ق)، المستدرک على الصحيحين، بيروت لبنان: دارالمعرفه، ١٤٠٦ ق.
٣. حلبى، على بن برهان (م ١٠٤٤ ق)، السيره الحلبيه، بيروت: دارالمعرفه، ١٤٠٠ ق.
٤. دمياطى، عبدالمؤمن بن خلف، كتاب نساء رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اولاده و من سالفه من قريش حلفائهم و غيرهم، بيروت: چاپ فهمى سعد، ١٤٠٩ / ١٩٨٩.
٥. زبيرى، مصعب بن عبدالله، نسب قريش، قاهره: چاپ لوى پرووانسال، ١٩٥٣.
٦. زركلى، خير الدين (م ١٩٦٦ م)، الأعلام، بيروت: دار العلم، ١٩٨٠ م.
٧. سبط ابن جوزى، شمس الدين يوسف بن قزاوغلى (م ٦٥٤ ق)، تذكره الخواص الأئمه فى خصائص الأئمه، قم: شريف رضى، ١٤١٨ ق.
٨. سلوى بالحاج صالح، دثرينى... يا خديجه: دراسه تحليليه لشخصيه خديجه بنت خويلد، بيروت، ١٩٩٩ م.
٩. سهيلى، عبدالرحمان بن عبد الله، الروض الانف فى شرح السيره النبويه لابن هشام، قاهره: چاپ عبدالرحمان وكيل، ١٣٨٧ / ١٣٩٠ / ١٩٦٧ / ١٩٧٠، چاپ افست ١٤١٠ / ١٩٩٠.
١٠. سيلوى، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، [بى جا]: چاپخانه علميه، ١٤٢١ ق.
١١. شوشترى، محمدتقى تسترى (م ١٤١٥ ق)، رساله فى تواريخ النبى والآل، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٢٣ ق.
١٢. شيخ صدوق، ابوجعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه قمى (م ٣٨١ ق)، معانى الأخبار، تحقيق: على اكبر الغفارى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ١٣٦١ ش.
١٣. طبرسى، فضل بن حسن (م ٥٤٨ ق)، اعلام الورى باعلام الهدى، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت لحياء التراث، قم: مطبعه ستاره، ١٤١٧.

١. مجمع البيان في تفسير القرآن، چاپ هاشم رسولى محلاتى و فضل الله يزدى طباطبايى، بيروت، ١٤٠٨ / ١٩٨٨.
٢. طبرى، محمد بن جرير (م ٣١٠ ق)، تاريخ طبرى (تاريخ الامم والملوك)، به كوشش: گروهى از علماء، بيروت: اعلمى، ١٤٠٣ ق.
١. عاملى، سيد جعفر مرتضى، الصحيح من سيره النبى الأعظم، بيروت: دار السيره، ١٤١٥ ق.
٢. على، جواد، المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام، بيروت: دار العلم للملايين، ١٩٧٦ / ١٩٧٨.
٤٥. مامقانى، عبدالله بن محمد حسن (م ١٣٥١ ق)، تنقيح المقال فى علم الرجال، تهران: جهان، ١٣٥٢ / ١٣٥١ ق.
٤٦. مجلسى، محمدباقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، تحقيق: محمدباقر بهبودى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ ق.
٤٧. محب الدين طبرى، أحمد بن عبدالله (م ٦٩٤ ق)، السَّمطُ الثَّمين فى مناقب أمّهات المؤمنين، قاهره، ١٤٠٢ / ١٩٨٣.
٤٨. محمود طهماز، عبدالحميد محمد، السيده خديجه ام المؤمنين وسبقه الخلق الى الاسلام، دمشق، ١٤١٧ / ١٩٩٦.
٤٩. مسعودى، على بن حسين (م ٣٤٦ ق)، التنبيه و الإشراف، تصحيح: عبد الله إسماعيل الصاوى، قاهره: دار الصاوى، ١٣٥٧ ق.
٥٠. مقرزى، احمد بن على (م ٨٤٥ ق)، امتاع الاسماع، تحقيق: محمد نميسى، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤٢٠ ق.
٥١. نجاشى، احمد بن على (م ٤٥٠ ق)، رجال النجاشى (فهرس أسماء مصنّفى الشيعة)، بيروت: دار الأضواء، ١٤٠٨ ق.
٥٢. نووى، أبو زكريا يحيى بن شرف (م ٦٧٦ ق)، صحيح مسلم بشرح النووى، قاهره: چاپ ابو عبدالرحمان عادل بن سعد، [٢٠٠٣].
٥٣. نوبرى، احمد بن عبدالوهاب، نهايه الارب فى فنون الارب، قاهره، [١٩٢٣] ١٩٩٠.



خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ (۱)

سید محمدحسین جلالی زاده محمدی

### چکیده

شرح زندگانی و فضائل اخلاقی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با استناد به کهن ترین منابع تاریخی و حدیثی است. از دیدگاه نویسندگان: آگاهی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از آموزه های آیین ابراهیمی و سایر پیامبران الهی و معارف و احکام دین، او را به یکی از آگاه ترین یکتاپرستان زمان خود تبدیل کرده بود. یکی از شواهد دانش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، روایاتی است که نشان می دهد، امام محمدباقر ۷، شکافنده دانش انبیا را به عنوان فرزند پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، امیر مؤمنان ۷ و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ می شناختند. با توجه به دور از نظر بودن وراثت در این گونه یادکردها، بعید نیست این تعبیر، افزون بر اشاره به وراثت فضیلت های آنان، اشاره به ارث بردن علم آنان نیز باشد و یا آن را با تأکید بیشتری برساند. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هنگام ازدواج با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از عمویش ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ خواست که علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را به او ببخشد تا برای رسالتش او را یاری و کفایت کند. ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بخشید. ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ به علی عَلَیْهِ السَّلَامُ گفت: از پسرعمویت پیروی کن و گفتار او را بشنو که تو را جز به نیکی فرامی خواند. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که محبت شدید پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را دید، با بهترین پوشش ها علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را زینت می داد و کنیزان خود را برای مراقبت بیشتر به همراه علی عَلَیْهِ السَّلَامُ می فرستاد. علی عَلَیْهِ السَّلَامُ از شش سالگی در دامان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بزرگ شد.

کلیدواژه: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، خواستگاری، ازدواج، ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ، حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ.

سخن گفتن از شخصیت بانویی که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را بی مانند دانسته و در بیستمین بهار

ص: ۳۹۸

زندگی خود، یگانه دختر روزگاران و امت خود شده، بسیار دشوار است.

کتاب فضل او را آب بحر کافی نیست

تا تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

اما آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

به گواه قرآن و روایات شیعه و اهل سنت، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در فضایل و مکارم پس از دخترش فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ برترین زن است.

خداوند در قرآن کریم پیشگامی در ایمان، خیرات و فضایل را سنجه و معیار قرب به حق شمرده است. (۱) تردیدی نیست که اولین بانوی مسلمان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ است و این مطلب مورد اتفاق نظر مسلمان است. (۲)

داود ظاهری (م ۲۷۰ ق) و ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) با مقایسه روایات اهل سنت در باره حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و سایر همسران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را برترین همسر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دانسته اند. ابن عربی (م ۶۳۸ ق) نیز بر برتری حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بر سایر همسران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ادعای اجماع کرده است. (۳)

فشرده گفتار اندیشمند نامی اهل سنت، شمس الدین ذهبی (م ۷۴۸ ق)، زیبا و خواندنی است:

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ام المؤمنین و سرور زنان روزگار خود، به بالاترین مراتب کمال رسید؛ خردمند، بزرگ منش، دین دار، مصون از آلودگی، بخشنده و از اهل بهشت که پاکی او زبانه زد عام و خاص بود. برابر روایتی که به اتفاق اندیشمندان صحیح است، خدا و جبرئیل بر او سلام رسانده و به قصری در بهشت بشارت دادند.

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در حقیقت فرمود: «بهترین بانوی بنی اسرائیل مریم و بهترین بانوی اسلام خدیجه است.» خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پشتیبان صادق پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و بسیار ثروتمند بود.

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «خدیجه پیشگام زنان دنیا در ایمان به خدا و پیامبر است. او همانند

ص: ۳۹۹

۱- . توبه: ۱۰۰؛ واقعه: ۱۱۱۰.

۲- . ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۵.

۳- . ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۸۴ و ۱۰۵.



فاطمه، مریم و آسیه بهترین زنان است.» پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «خدا بهتر از او را به من نداده و زمانی به من ایمان آورد که مردم مقام نبوت مرا انکار کردند، هنگامی که مردم مرا محروم کردند، مرا در مال خود شریک کرد و خداوند نسل مرا از او قرار داد.» (۱)

اینک به بررسی قسمتی از فضائل آن حضرت می پردازیم.

### خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در شب معراج

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در شب معراج، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را بر کرانه نهری از نهرهای بهشتی و در قصری زرین دید. (۲)

(فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشْرًا سَوِيًّا). (۳)

روزی جبرئیل ۷ به صورت مردی با حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ روبه رو شد و در باره پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از ایشان پرسید. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از او پرهیز کرده و ترسید که از دشمنان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) باشد که به دنبال آسیب زدن به حضرت بودند. چون این مطلب را با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در میان نهاد، حضرت فرمود: «او جبرئیل بوده و مرا فرمان داده که بر تو درود فرستم و تو را به خانه ای زرین در بهشت بشارت دهم.» (۴)

### میهمان مانده آسمانی

همان گونه که قرآن کریم فرموده است: زکریا نزد مریم طعامی از جانب خداوند می یافت، (۵) گفته شده این خوراکی، میوه در غیر فصل آن و یا میوه بهشتی بوده است. (۶)

در باره حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز این منزلت با دو فضیلت دیگر همراه است: نخست این که

ص: ۴۰۰

- ۱- . ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۰۹ ۱۱۷.
- ۲- . ر. ک: ابن ابی عاصم، احمد بن عمر، الأحاد و المثانی، ج ۵، ص ۳۸۱.
- ۳- . این آیه در باره حضرت مریم است که جبرئیل بر او ظاهر شد. (مریم: ۱۷)
- ۴- . ر. ک: ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۱۰۲.
- ۵- . (فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ). (آل عمران: ۳۷)
- ۶- . ر. ک: طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ص ۳۳۳ ۳۳۴.

واسطه این فیض الهی برترین موجود هستی بوده است؛ چرا که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با میوه بهشتی از خدیجه عَلِيهَا السَّلَام پذیرایی کرد. (۱) دیگر این که این فضیلت در باره دخترش فاطمه عَلِيهَا السَّلَام، دامادش علی عَلِيهِ السَّلَام و فرزندان آن دو نیز رخ داده است. (۲)

### خانه ای ویژه در بهشت

مسلمانان در بهشتی بودن خدیجه عَلِيهَا السَّلَام اجماع دارند. (۳) جبرئیل ۷ به محضر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رسید و خدیجه عَلِيهَا السَّلَام را به قصری زرین به در بهشت نوید داد. (۴) عایشه می گوید: «به هیچ زنی مانند خدیجه رشک نبردم، پروردگار، پیامبر را به خانه ای بهشتی برای او بشارت داده بود.» (۵)

### از برترین شخصیت ها

در روایات از حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام در جایگاه یکی از برترین شخصیت ها پس از چهارده معصوم ۷ یاد شده است. به عنوان نمونه، حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام و چهارده معصوم ۷ در بافضیلت ترین و شریف ترین جایگاه بهشت که عدن است، سکونت دارند. (۶)

زیارات مأثور معصومان ۷ نیز گویای همین حقیقت است. در یکی از آنها بر وجود جایگاه و مقامات مشترکی برای چهارده معصوم ۷ و حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام تأکید شده است. (۷)

### بهترین زن آسمان و زمین

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «بهترین زنان آن، خدیجه دختر خویلد و مریم دختر عمران هستند.» (۸) در

ص: ۴۰۱

- ۱- طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۱۶۸.
- ۲- ر. ک: قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، ج ۲، ص ۴۰۱۴۰۴.
- ۳- سید بن طاووس، علی بن موسی، الطوائف فی معرفه مذاهب الطوائف، ج ۱، ص ۲۹۱.
- ۴- ر. ک: بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۳۱.
- ۵- همان، ج ۸، ص ۱۹۵.
- ۶- ر. ک: کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۱۵۳۲.
- ۷- شیخ طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتعجد، ج ۱، ص ۲۸۸۲۸۹. در بخش چهارم به این زیارت و برخی از معارف آن اشاره کرده ایم.
- ۸- ر. ک: ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۶۶۳۶۷.

تفسیر این فرمایش پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفته شده این دو بانو، بهترین زنان آسمان ها و زمین (۱) یا امت خود (۲) بوده اند.

افزون بر آن، هر دو از همسران بهشتی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هستند. (۳) تردیدی نیست که امت اسلامی برترین امت ها (۴) و حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ که شایستگی همسری پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در هر دو جهان را دارد، از حضرت مریم ۳ برتر و بافضیلت تر و پس از دخترش فاطمه عَلِيهَا السَّلَامُ برترین زنان عالم است.

### سرمشق جهانیان

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود:

«شناخت چهار بانو تو را کفایت می کند: مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد و آسیه دختر مزاحم»؛ (۵) یعنی این زنان به بالاترین مراتب کمال رسیده اند که می توان به آنان اقتدا و محاسن، مناقب و زهد آنان در دنیا و اقبالشان به آخرت را بیان کرد. (۶)

### مایه مباهات روزگار

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خطاب به حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ فرمود: «خداوند عزیز و بلندمرتبه روزی چند بار به وجود تو بر فرشتگان مقربش مباهات می کند.» (۷) برای روشن شدن اهمیت فرمایش پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) باید گفت و گوی خداوند و فرشتگان در مورد جانشینی خدا در زمین را به یاد آورد. (۸) خداوند سبحان برای آگاه ساختن فرشتگان بر برتری بشر بر ملائک که همواره در تسبیح، تقدیس و اطاعت اند برای جانشینی در زمین فرمود: «من چیزی را می دانم که شما نمی دانید.» (۹) این

ص: ۴۰۲

- ۱- . ر. ک: امام مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۲.
- ۲- . ر. ک: جلال الدین سیوطی، عبدالرحمان بن کمال، قوت المغتدی علی جامع الترمزی، ج ۲، ص ۱۰۴۲.
- ۳- . ر. ک: ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.
- ۴- . آل عمران: ۱۱۰.
- ۵- . ر. ک: سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی، ج ۳، ص ۴۴۹.
- ۶- . مبارک فوری، محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم، تحفه الاحوذی، ج ۱۰، ص ۲۶۵.
- ۷- . شامی، جمال الدین یوسف بن حاتم، الدر النظیم فی مناقب الائمة اللہامیم، ص ۴۵۲.
- ۸- . (وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً قَالُوْا اَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یَفْسِدُ فِیْهَا وَ یَشِیْفُکَ الدِّمَآءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَ نُقَدِّسُ لَکَ قَالَ اِنِّیْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ). (بقره: ۳۰)
- ۹- . سید المرتضی، علی بن حسین، غرر الفوائد ودرر القلائد (امالی المرتضی)، ج ۲، ص ۶۹۷۰.

چنین است که مباحثات پروردگار به وجود بندگانی چون خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ معنا پیدا می کند. باید گفت بندگانی چون خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ هدف از خلقت (۱) هستند.

### برگزیده الهی

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «خداوند آدم، نوح، آل ابراهیم، آل عمران، علی، حسن، حسین، حمزه، جعفر، فاطمه و خدیجه را بر مردم جهان برتری داده است.» (۲)

### بافضیلت ترین زن

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «چهار بانو با فضیلت ترین زنان بهشت اند: خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه.» (۳)

### جایگاه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نزد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

همان گونه که خداوند فرموده، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از روی خواهش دل و هوای نفس سخن نمی گوید و سخنان او وحی الهی است؛ (۴) از این رو تعریف و انتخاب همسر توسط او (۵) از روی خواهش نفس و با انگیزه های بشری نیست.

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیش از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همسری اختیار نکرد و به احترام او (۶) در حال حیاتش با زن آزاد دیگر (۷) یا کنیزی (۸) ازدواج دائم یا موقت نکرد. (۹) تنها همسری که در مکه اختیار کرد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود. (۱۰)

ص: ۴۰۳

- ۱- . (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ وَجَنَّ وَاِنْسَ رَا نِيَا فَرِيْدِم، جَزْ بَرَايَ اَنَ كِهَ مَرَا بِيْرَسْتَنَد). (الذاريات: ۵۶)
- ۲- . حضرت به آیه (إِنَّ اللَّهَ اضْيَطَفَىْ اءَادَمَ وَنُوْحًا وَّءَالَ اِبْرَاهِيْمَ وَّءَالَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِيْنَ \* ذُرِّيَّهٖ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ) (آل عمران: ۳۳ ۳۴) اشاره داشته است. ر. ك: فرات كوفي، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات كوفي، ص ۸۰.
- ۳- . ر. ك: ابن حنبل، احمد بن محمد شيباني، مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۱۶.
- ۴- . (وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُّوحَىٰ). (نجم: ۴۳)
- ۵- . در تعداد همسران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اختلاف بسیاری وجود دارد که در درستی برخی از آنها تردید جدی وجود دارد، به ویژه با توجه به روایات ساختگی که تمام خانواده همسران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را بهشتی معرفی نموده است! (ر. ك: هيثمي، علي بن ابي بكر، بغية الباحث، ج ۲، ص ۹۲۰)
- ۶- . ر. ك: ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۰.
- ۷- . ر. ك: امام مسلم، مسلم بن حجاج نيشابوري، صحيح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۴.
- ۸- . ر. ك: ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۰.
- ۹- . ر. ك: خصيبی، حسين بن حمدان، الهداية الكبرى، ص ۹۵.
- ۱۰- . ر. ك: طبرسي، فضل بن حسن، تاج المواليد، ص ۷۲.

او بهترین هم نشین و همراه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود.

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بر فقدانش بسیار اندوهناک شد، (۱) تا آن جا که پس از رحلت (شهادت) خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بر جان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ترسیدند. (۲)

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همواره از او یاد می کرد؛ (۳) در باره همسرش، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فرمود: «خداوند بهتر از خدیجه را روزی من نکرده است.» (۴) پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در بزرگ داشت او بسیار می کوشید، او را بسیار می ستود و بر سایر زنانش برتری می داد. (۵)

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سه تیره از قبیله قریش را بسیار دوست داشت: بنی هاشم، بنی اسد که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از آنان بود و بنی زهره که مادرش آمنه ۳ از آنان بود. (۶)

## تولد

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در سال میلاد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) (۷) و در خانه و یلد بن اسد بن نوفل بن عبد العزی بن قصی (۸) و فاطمه دختر زائده عامری (۹) که هر دو از نوادگان ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح الله

ص: ۴۰۴

- ۱- ر. ک: ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۰.
- ۲- ر. ک: همان، ج ۲، ص ۱۱۶.
- ۳- ر. ک: بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۷، ص ۷۶.
- ۴- ر. ک: ابن حنبل، احمد بن محمد شیبانی، مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۱۱۷ ۱۱۸.
- ۵- ر. ک: ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۰.
- ۶- ر. ک: طبری، عماد الدین حسن بن علی، کامل البهائی، ج ۱، ص ۴۰۹.
- ۷- برابر نقل ابن عباس پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، پانزده سال پیش از عام الفیل، به دنیا آمد. (عصفری، خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۱۶) به گواهی بلاذری حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز در همان سال به دنیا آمده است، (بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۹، ص ۴۵۴) این نقل مؤید به اخبار شیعه از امام کاظم ۷ است که هجوم سپاه ابرهه را پیش از بعثت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دانسته اند. (حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۳۱۹) برخی از خاورشناسان با استناد به متون کهن اسلامی تولد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را سیزده سال پس از میلاد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دانسته اند. این گفتار نیازمند بررسی بیشتر است.
- ۸- ابوالحسن یمنی، التعریف بالانساب، ص ۲. البته در باره شجره نامه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سه قول دیگر نیز وجود دارد که تنها این نقل که ورقه بن نوفل را عموی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ معرفی کرده، موافق با روایت امام صادق (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است. (کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴)

٩- . ابن حبيب بغدادی، ابو جعفر محمد، الْمُحَبَّر، ص ٧٧ ٧٩.

بودند، به دنیا آمد.

## نام گذاری

این مولود پرشگون که در انجیل «مبارکه» لقب یافته بود، (۱) از آغاز نیز شگفتی ساز بود؛ چرا که شش ماهه به دنیا آمد و به همین دلیل «خدیجه» نام گرفت. (۲)

## خانواده بی بدیل

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برترین همسر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و تنها همسری است که از حیث نسب در قرشی بودن او تردیدی نیست. (۳) قبیله قریش به دلیل آشنایی به سنن و مناسک ابراهیمی و ویژگی هایی چون پرهیز از ازدواج با محارم و ستم نکردن به دیگران، قوم برگزیده الهی بودند. (۴) یکی از دلایل ازدواج پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، نیز اصالت خانوادگی و قرابت بسیار نزدیک با ایشان بوده است. (۵)

ص: ۴۰۵

۱- ر. ک: شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، ص ۲۷۱.

۲- واژه خدیج به نوزاد ناقص الخلقه یا تام الخلقه که پیش از موعد مورد انتظار، در شش یا هفت ماهگی به دنیا بیاید، اطلاق می شود. (ابن قتیبه دینوری، عبد الله بن مسلم، الجرائم، ج ۲، ص ۱۸۱؛ ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغه، ج ۱، ص ۴۴۳) این معنا تا امروز دچار تطور نشده و هانس ور نیز معنای شش ماهه را برای این واژه در فرهنگ خود بیان کرده است. (آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، ص ۱۵۸) از آن جا که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در اوج سلامت به دنیا آمده تردیدی باقی نمی ماند که منظور از آن معنای شش ماهه است، زیرا هفت ماهه بودن نیز چندان دور از انتظار نبوده و نیست.

۳- در مورد این که قریش از کدام یک از اجداد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آغاز می شود، اختلاف بسیاری وجود دارد، که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بنا به تمام آنها از قریش محسوب می شود. (ر. ک: عینی، بدرالدین ابومحمد بن احمد، عمده القاری، ج ۱، ص ۸۱-۸۲) در روایات بسیاری، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جانشینان خود را دوازده امام از قریش معرفی فرموده است. (ر. ک: بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۸، ص ۱۲۷) همین سبب تکاپوی بسیاری برای توسعه معنای قریش شده است. خاستگاه قول مشهور که تمام خلفا را نیز شامل می شود روایات جعلی غالیان اهل حدیث است. در روایات اهل بیت: در موارد بسیاری عنوان قریش کنایه از جریان سقیفه و غاصبان خلافت امیرمؤمنان ۷ است و ناظر به معنا و مصادیق واقعی آن نیست.

۴- ر. ک: ابن حبیب بغدادی، ابوجعفر محمد، المنمق فی اخبار قریش، ص ۲۱.

۵- برای اطلاع از گفت و گوی ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ر. ک: راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۳۹ ۱۴۰. خداوند حکیم در آیه پنجاه سوره احزاب: تنها دختران عمو، عمه، دایی و خاله پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را، شایسته ازدواج دائم با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) معرفی نموده است.

به باور شیعه اجداد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همه از یکتاپرستان بوده اند. (۱) از آن جا که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در جد اعلای خود مشترک اند تردیدی در ایمان آنان وجود ندارد. افزون بر این که به یکتاپرست بودن جد، پدر و عموی ایشان تصریح شده است.

جد ایشان اسد از یکتاپرستان بزرگ دوران خود بود. (۲) خویلد داناترین مردم به علم انبیای پیشین (۳) و از یکتاپرستان غیور بود که به پشتوان جایگاه اجتماعی خود، مانع هتک حرمت مسجدالحرام توسط تبع، پادشاه یمن، شد. (۴)

عموی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، ورقه بن نوفل به زبان عبری و سریانی آگاهی داشت، (۵) صحف ابراهیم، تورات موسی، انجیل عیسی و زبور داود را خوانده و ویژگی های پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را می شناخت. (۶) او و بحیرا (۷) داناترین افراد به ویژگی های پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بودند. (۸)

اسود و خالد برادرزاده های خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به حبشه هجرت کردند. خالد در این سفر در اثر مسمومیت درگذشت. (۹)

حولاء دختر تویت پسر عموی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از مهاجران نخستین، شب زنده داران، عالمان به شریعت و ملجأ پرسش های دینی مسلمانان بود. (۱۰)

مادر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فاطمه دختر زائده از فواطم قریش (با فضیلت ترین زنان

ص: ۴۰۶

- ۱- ر. ک: شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۳۹.
- ۲- ر. ک: ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۲۵.
- ۳- ر. ک: ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۱۷.
- ۴- ر. ک: مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۱۷۵۱۷۶.
- ۵- ر. ک: بکری، ابوالحسن احمد بن عبدالله، الانوار فی مولد النبی محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۲۲۶.
- ۶- ر. ک: ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۳۷۳.
- ۷- بحیرا یکی از یکتاپرستان پای بند به دین حنیف ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَامُ در شامات بود که در بُصرای شام مروج پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود.
- ۸- ر. ک: خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، ص ۵۰.
- ۹- ر. ک: ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۱، ص ۸۸.
- ۱۰- ر. ک: ابن حزم، علی بن احمد، جمهره انساب العرب، ص ۱۱۸.



«فاطمه نام») بود که انتساب به آنان مایه مباهات پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اهل بیت: بوده است. (۱).

دایی حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ عبد الله بن زائد مشهور به ابن ام مکتوم (۲) اولین مهاجر مدینه پیش از هجرت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مسلمانان به آن شهر است (۳) که برای تبلیغ اسلام راهی یثرب شد (۴) و پس از هجرت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مؤذن پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، جانشین حضرت و امام جماعت مسلمین در جنگ ها بوده است. (۵).

## یگانه پرست دوران

مسلمانان بر این که خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ اولین بانوی مسلمان است، اتفاق دارند. (۶) اما این بدان معنا نیست که پیش از ظهور اسلام، مشرک و یا کافر بوده است. کسانی چون عبدالمطلب، ابوطالب عَلِيهِ السَّلَامُ و خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ قبل از ظهور اسلام نیز به خدای یگانه ایمان داشتند. (۷)

به باور شیعه در دوران فترت رسل دوران پس از حضرت عیسی عَلِيهِ السَّلَامُ تا بعثت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

انبیای الهی وجود داشته و پنهان و ترسان به ترویج دین خدا و آخرین پیامبر می پرداختند. (۸) ورقه بن نوفل را از

ص: ۴۰۷

۱- ر. ک: پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در معرفی خود، انتساب به فواطم را یاد آور می شد (ر. ک: بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۳۲) و نیز امام حسین ۷ و محمد بن حنفیه در مناظره با عایشه این گونه بوده اند. (کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۰۳)

۲- ابن عبدالبر و سمعانی نام او را عبدالله (دایی خدیجه) دانسته اند (ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۹۷؛ ابو سعد سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، ج ۱، ص ۳۱۵)، اما غالیان اهل حدیث نام او را عمرو دانسته اند؛ زبیریان تکاپوی بسیاری داشته اند تا ایشان را فرزند قیس و پسر دایی حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ معرفی کنند. (ر. ک: ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۹۷)

۳- ر. ک: بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱۱، ص ۲۴.

۴- ر. ک: ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۴۹۵.

۵- ر. ک: ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، المعارف، ص ۲۹۰.

۶- ر. ک: ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۵.

۷- این مطلب را غیر شیعیان نیز نقل کرده اند. ر. ک: ابن ولید، علی بن محمد، تاج العقائد، ص ۵۱.

۸- ر. ک: شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۹. اسناد متعدد تاریخی عامه و خاصه نشان می دهد. فضای خاورمیانه در دوران ظهور پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دو قطبی و متشکل از یکتا پرستان و مشرکان بوده است. در حالی که در منابع تاریخی وابسته، تلاش بسیاری شده تا این دوران سیاه، با خاکستری نشان داده شود. شوربختانه این مطلب به غلط شهرت یافته است. شاید یکی از دلایل تکاپوی غالیان اهل سنت و منابع وابسته، کاستن از ارزش ایمان برخی از صحابه

راستین پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و تطهیر چهره برخی دیگر از صحابه باشد!

این دوران، دانسته اند. (۱) اما تنها اخبار، راهبان و عالمان، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را می شناختند. (۲)

در این دوران یگانه پرستان، معتقد به مبدأ و معاد، (۳) پیرو آیین حنیف ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَامُ و رویگردان از دین تحریف شده یهودیان و مسیحیان و عبادت بت ها بودند. (۴) آنها به کوچک ترین ویژگی های پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مانند زمان آشکار شدن بعثت، استقرار در یثرب و رحلت در آن شهر، (۵) و کوچک ترین ویژگی های وصی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مانند زمان تولد ایشان (۶) و حتی اختلاف امت پس از رحلت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، آشنایی داشتند. (۷)

از آن جا که دین اسلام استمرار دین حنیف ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَامُ است، حنفای پیش از ظهور اسلام در احکام دینی مانند یک مسلمان عمل می کردند. (۸) مانند نماز گزاردن، امر به معروف و نهی از منکر، (۹) انجام مناسک حج، تبعیت از فرایض ارث، صله رحم، شست و شو و طهارت با آب، غسل جنابت، غسل و کفن و دفن میت در قبور لحددار، پرهیز از شراب و اعمال زشت و... (۱۰) کسانی چون عبدمناف، هاشم، عبدالمطلب و ابوطالب، هرگز بت نپرستیدند و به سمت کعبه نماز می گزاردند. (۱۱) به باور شیعیان، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از حین بلوغ مقید به نماز و روزه بود. (۱۲)

ص: ۴۰۸

- ۱- . ر. ک: مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۱، ص ۸۷.
- ۲- . ر. ک: شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۰۲۰۱.
- ۳- . ر. ک: مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۱، ص ۷۸.
- ۴- . ر. ک: علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۲، ص ۳۰ و ۳۷.
- ۵- . ر. ک: حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۳۱۹.
- ۶- . ر. ک: شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۹۱.
- ۷- . ر. ک: ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲؛ ص ۲۵۵ ۲۵۶.
- ۸- . علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۲، ص ۳۱؛ در آیه ۷۸ سوره حج و آیات متعدد دیگر به این حقیقت اشاره شده است.
- ۹- . طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، ص ۶۰.
- ۱۰- . شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۱۵، ۱۱۷ و ۱۷۷؛ ج ۱۳، ص ۲۳۷ ۲۳۸؛ ج ۱۲، ص ۳۱؛ ج ۲۰، ص ۴۱۱.
- ۱۱- . شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۷۴۱۷۵.
- ۱۲- . فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضه الواعظین، ج ۱، ص ۵۲.

و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ پیش از بعثت نماز می گزاردند. (۱)

خاندان اسد و هاشم از پیروان دین حنیف بودند. با این همه در منابع اهل حدیث، روایات ساختگی دال بر دلبستگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به بت پرستی وجود دارد که باید آن را ناشی از دشمنی و عناد آنان با اهل بیت: تفسیر کرد. (۲)

### زیباترین رخسار

برخلاف گزارش های منابع وابسته، (۳) حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در زیبایی بی نظیر و یگانه دوران بود و در مکه دختری به زیبایی او وجود نداشت و سفیداندام، فربه و چون خورشیدی درخشان بود. (۴)

به فرمایش پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، امام حسن مجتبی ۷ و یوسف ۷ زیباترین مردان عالم بوده اند. (۵) امام حسن مجتبی ۷ خود فرمود که شبیه ترین فرد به خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ است. (۶) امام حسن مجتبی ۷ سیمایی نمکین، رخساری سفید آمیخته به اندکی سرخی، مردمک چشمان بسیار سیاه، گردنی نقره فام و قامتی میانه داشت. (۷)

درخشش دندان های امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ سبب شگفتی بود. وقتی از عبد الله محض نواده امام حسن مجتبی ۷ در این باره پرسیدند، گفت: «حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز چنین بوده اند.» (۸)

ص: ۴۰۹

- 
- ۱- ابن سعد، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴.
  - ۲- در این باره روایاتی جعلی در منابع غالیا حدیث گر وجود دارد. برای نمونه ر. ک: ابن حنبل، احمد بن محمد شیبانی، مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۲۲.
  - ۳- آنچه ما را بر بیان این مطلب واداشته، اصرار منابع وابسته بر کتمان این حقیقت و وارونه جلوه دادن آن است. شاید زیبایی حضرت در شخصیت ایشان بی تأثیر به نظر برسد. اما برای اثبات یگانه بودن ایشان در کمالات، لازم باشد.
  - ۴- بکری، ابوالحسن احمد بن عبدالله، الانوار فی مولد النبی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۳۴۷.
  - ۵- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، ذکر اخبار اصبهان، ج ۲، ص ۲۴۲.
  - ۶- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲.
  - ۷- دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۱۱۹۱۲۰.
  - ۸- طبری امامی، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، ص ۱۵۱. بدیهی است که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در کمالات ظاهری نیز با دخترش «حوراء انسیه» قابل قیاس است!

## لطافت طبع و شوخ طبعی

بنی اسد سخنوران بزرگ عرب (۱) بودند و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز دارای طبع شعر لطیفی بود که سروده های دلکش او در ستایش پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خوبی نشان از آن دارد. (۲)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شوخ طبع بود (۳) و به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آرامش می بخشید و اندوه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را می کاست. (۴)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مهر سرشار خود نسبت به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را صادقانه این چنین سرود: (۵)

اگر تمام نعمت های دنیا جاودانه از آن من باشد

و ملک سلاطین کسروی برای من باشد

اما چشمم نگران به چشمان تو نباشد

برایم به اندازه بال مگسی ارزش ندارد

## زبانزد در پاک دامنی

در زمان جاهلیت، مشرکان، همجنس بازی (۶) و روابط نامشروع با کنیزان (۷) و روابط پنهانی با بیگانه را روا می دانستند و تنها رابطه علنی را زنا می شمردند. (۸) افزون بر این، برخی زنان، برهنه کعبه را طواف می کردند. (۹)

اما یکتاپرستان از هر گونه اختلاط و آمیزش نامشروع با نامحرم و بی بندوباری به دور بودند. آنان زنا، ازدواج با محارم، (۱۰) ازدواج هم زمان با دو خواهر، (۱۱) و طواف با بدن برهنه را حرام می دانستند. (۱۲)

ص: ۴۱۰

۱- ر. ک: مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۱۷۷.

۲- علامه امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب والسنه، ج ۲، ص ۳۸.

۳- بکری، ابوالحسن احمد بن عبدالله، الانوار فی مولد النبی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، الانوار، ص ۳۰۹.

۴- ر. ک: ابن ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۰.

۵- ر. ک: بکری، ابوالحسن احمد بن عبدالله، الانوار فی مولد النبی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۳۰۱.

۶- ر. ک: علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۹، ص ۱۴۲.

۷- ر. ک: همان، ص ۱۳۸.

۸- ر. ک: همان، ج ۹، ص ۱۴۱ و ج ۱۰، ص ۲۱۸.

- ٩- . ر. ك: امام مسلم، مسلم بن حجاج نيشابورى، صحيح مسلم، ج ٨، ص ٢٤٣ ٢٤٤.
- ١٠- . ر. ك: على، جواد، المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام، ج ١٠، ص ٣٢١ و ٣٢٤.
- ١١- . ر. ك: شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، ج ٢٠، ص ٤١١.
- ١٢- . ر. ك: على، جواد، المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام، ج ١٠، ص ٣٢١ و ٣٢٤.

در چنین دورانی که زنان یکتاپرست، پارسا و پاک دامن بودند، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که زیباترین دختر روزگار بود در آزم و پاک دامنی نیز سرآمد یکتاپرستان روزگار خود بود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در پاکی و عفت زبانزد بود (۱) و به طاهره دختر خویلد شهرت داشت (۲) ایشان پیش از ظهور اسلام و نزول آیه حجاب با مردان بیگانه از پشت پرده سخن می گفت، (۳) پس از ظهور اسلام نیز هنگام نماز گزاردن با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مسجد الحرام زیبایی های (۴) خود را می پوشاند. (۵)

## سرآمد در دانش و خرد

یکتاپرستان طبقه با فرهنگ جامعه، آشنا به خواندن و نوشتن، آگاه از جریان های فکری روزگار خود، اهل مطالعه و خرید کتاب و ارتباط با اندیشمندان و دین شناسان بودند. (۶)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز چنین بود و در خرد، یگانه روزگاران خود بود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را در تدبیر، تنها با سلمی، همسر هاشم، جد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که در جایگاه بالایی از عقل و تدبیر و حلم بود، قابل قیاس دانسته اند. (۷)

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که خود عقل کل بود در تمام کارها با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مشورت می کرد. (۸)

اما از دانش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که ۲۵ سال همدم و هم نشین پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و بهترین گواه سیره حضرت بوده، جز یک روایت مرسل (۹) که مضمون قابل تردیدی دارد از ایشان نقل نشده است، در حالی که حولاء دوست او، یکی از صحابه دانشمند، دانا به شریعت و ملجأ پرسش های

ص: ۴۱۱

- ۱- . ر. ک: ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷.
- ۲- . ر. ک: ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۱۳۱.
- ۳- . ر. ک: بکری، ابوالحسن احمد بن عبدالله، الانوار فی مولد النبی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۲۵۰ و ۲۵۲.
- ۴- . در فقه اسلامی پوشش زن زمانی کامل است که اعضای بدن جز قرص صورت و دست ها تا میچ و نیز زینت هایی که آشکار بودن آنها نظر نامحرم را جلب می کند، پوشاند.
- ۵- . ر. ک: ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۲۵.
- ۶- . علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۲، ص ۳۲، ۳۴ و ج ۱۵، ص ۱۰۸.
- ۷- . ر. ک: مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ص ۱۰۲.
- ۸- . ر. ک: سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۲۷۲.
- ۹- . ابو یعلی، احمد بن علی تمیمی موصلی، مسند ابی یعلی، ج ۱۲، ص ۵۰۴۵۰۵؛ هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۷، ص ۲۱۷۲۱۸.

دینی مردم بوده است. (۱)

آگاهی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از آموزه های آیین ابراهیمی و سایر پیامبران الهی و معارف و احکام دین، او را به یکی از آگاه ترین یکتاپرستان زمان خود تبدیل کرده بود. یکی از شواهد دانش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ روایاتی است که نشان می دهد، امام محمد باقر ۷، شکافنده دانش انبیا را به عنوان فرزند پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، امیر مؤمنان ۷ و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ می شناختند. (۲) با توجه به دور از نظر بودن وراثت در این گونه یادکردها، بعید نیست این تعبیر، افزون بر اشاره به وراثت فضیلت های آنان، اشاره به ارث بردن علم آنان نیز باشد و یا آن را با تأکید بیشتری برساند.

### زاهده و عبادت روزگار

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، مریم ۳ را برترین زن بنی اسرائیل و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را برترین زن اسلام معرفی فرمود. (۳) خداوند مریم ۳ را از قاتنان که همواره در حال بندگی خدا هستند، شمرده (۴) و او را به دلیل بریدن از وابستگی به دنیا برای عبادت خدا، برگزیده است. (۵)

بی تردید راز تشبیه این دو بانوی بزرگ به یکدیگر کمالات و شایستگی های آنان است. بدون شک پس از فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سرآمد زنان عابده امت اسلامی است. پیش از این اشاره شد که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به همراه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مسجد الحرام به نماز می ایستاد.

از روایات که بگذریم، یکی از راه های شناخت شخصیت حضرت، شناخت هم نشینان او است. حواله به فراوانی عبادت و شب زنده داری مشهور بوده است. (۶) بدون تردید خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از قاتنان و عابده های بزرگ روزگاران خود بوده است، هر چند مورخان گزارشی در این باره نقل نکرده باشد.

ص: ۴۱۲

- ۱- ر. ک: مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، ج ۹، ص ۱۴۴.
- ۲- ر. ک: ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۸۳.
- ۳- جلال الدین سیوطی، عبدالرحمان بن کمال، قوت المغتدی علی جامع الترمزی، ج ۲، ص ۱۰۴۲.
- ۴- شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۵.
- ۵- همان، ج ۲، ص ۴۵۶.
- ۶- ر. ک: ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۵.



## ثروتمندترین زن روزگار

بیشتر حنفا از خانواده های سرشناس و برخوردارتر از سطح متوسط جامعه بودند. (۱) پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پدر و خاندان و نیز همسرش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بازرگان بودند. (۲) پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از نه سالگی به همراه ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ برای تجارت به بصرای شام رفت. (۳) آن حضرت از بازرگان مکه بود و به گفته یعقوبی هرگز کارگزار خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یا دیگری نبوده است. (۴)

بازرگانی قریش در شام، عراق و یمن گسترده بود (۵) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ثروتمندترین آنان بود. (۶) در کوچ تابستانه و زمستانه بازرگانان قریش، کاروان های مستقلی از شتران (۷) مال التجاره او را حمل می کردند. (۸)

## مصلح بزرگ اجتماعی

یکتاپرستان همواره در حال مبارزه با خرافات و عادات و رسوم غلط جاهلی و تلاش برای درمان بیماری های اجتماعی، مانند بت پرستی، قماربازی و شراب خواری بودند. (۹)

مکه سرزمین بازرگانان و رباخواران شناخته می شد. (۱۰) در دیدگاه جاهلی ربا نوعی خرید

ص: ۴۱۳

- ۱- . علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۲، ص ۳۴.
- ۲- . همان، ج ۱۶، ص ۲۸۵.
- ۳- . ر. ک: ابن حبیب بغدادی، ابوجعفر محمد، الْمُحَبَّر، ص ۹.
- ۴- . ر. ک: ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱.
- ۵- . علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷، ص ۷۱.
- ۶- . ر. ک: ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹.
- ۷- . در حالی که سایرین دارایی به پا کردن یک کاروان مستقل نداشته و چند نفر با هم یک کاروان را راه اندازی می کردند.
- ۸- . شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۴۶۸. فارغ از مستندات قابل دفاع تاریخی در مورد میزان دارایی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، دو نگاه افراطی و تفریطی وجود دارد. برابر گزارش یکی از نویسندگان قرن هفتم، هشتاد هزار شتر دارایی حضرت را حمل می کردند، در برابر، برخی ثروت حضرت را در حد یک بازرگان نیشابوری دانسته اند. (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲، ص ۲۱۵؛ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۱۸۱)
- ۹- . علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۲، ص ۳۳ و ۳۸.
- ۱۰- . همان، ج ۱۳، ص ۲۱.

و فروش شمرده می شد (۱) و رباخواران برای مهلت دادن به بدهکاران چندین برابر بر میزان بدهکاری آنان می افزودند. (۲)

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دارایی خود را در اختیار افراد بسیاری قرار داد تا به بازرگانی بپردازند. (۳) بی تردید یکی از اهداف خیرخواهانه حضرت پیش گیری از رباخواری و رونق بخشیدن به کسب حلال، از راه قراض بوده است. (۴)

قراض، قراردادی میان صاحب دارایی و کارگزار برای شراکت در سود تجارت با تقسیم آن به نسبت بود. کارگزار با محاسبه و کاستن هزینه های تجارت خود، سود حاصل مورد توافق را برداشته و باقی مانده سود و اصل سرمایه را به صاحب مال می داد و زیان ها از سرمایه محاسبه می شد. (۵)

از راه های دیگر کسب درآمد در دوران جاهلی، نگهداری کنیزان و واداشتن آنان به خودفروشی بود. (۶) اما خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که کنیز و غلام بی شماری داشت، خانه و وسایل ازدواج آنان را فراهم ساخته بود. آنان از گله های بزرگ اسب، شتر و گوسفندان او در قبایل، نگهداری می کردند. (۷)

### ازدواج محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

به دلیل شایستگی های خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، بسیاری آرزومند ازدواج با دختری چون او بودند. (۸) خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ یگانه دختران روزگار خود بود. در نسب از نوادگان ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَامُ و برترین زنان قریش

ص: ۴۱۴

- ۱- قرآن کریم بر این نگاه آنان خط بطلان کشیده است: (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا). (بقره: ۲۷۵)
- ۲- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۴، ص ۱۱۳ ۱۱۴.
- ۳- قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ج ۳، ص ۱۵.
- ۴- قراض همان مضاربه مورد تأیید اسلام است. برای آشنایی با تفاوت های ربا و مضاربه به کتب فقهی مراجعه کنید. برای نمونه ر.ک: سبحانی، جعفر، رساله توضیح المسائل، ص ۴۱۲.
- ۵- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۴، ص ۱۲۲.
- ۶- همان، ج ۹، ص ۱۳۶.
- ۷- بکری، ابوالحسن احمد بن عبدالله، الانوار فی مولد النبی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، الانوار، ص ۲۴۲.
- ۸- ر. ک: ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹.

بود. افزون بر آن در ثروت، زیبایی، پاک دامنی، خردمندی، فرهیختگی، بخشندگی، دین داری، سخنوری، لطافت طبع و شوخ طبعی به بالاترین مراتب کمال رسیده و مصلح بزرگ اجتماعی روزگار خود بود.

اما او همه خواستگاران را رد کرد.<sup>(۱)</sup> چون می دانست که در انجیل «مبارکه» لقب یافته و همسر محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواهد بود.<sup>(۲)</sup> این مطلب برای یکتاپرستان روشن و آشکار بود. عبدالمطلب، خوید را به وصلت با بهترین داماد بشارت داده بود.<sup>(۳)</sup> ورقه بن نوفل نیز خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به نبوت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)<sup>(۴)</sup> و ازدواج با وی و سرافرازی در دنیا و نعمت های بهشتی بشارت می داد.<sup>(۵)</sup>

شایستگی های خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، وی را در خور آن ساخت تا خداوند او را محبوب و دلبر خاتم پیامبران (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سازد.<sup>(۶)</sup>

زمانی که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به سن بیست و یک سالگی رسید،<sup>(۷)</sup> همراه ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ، عموها، پسرعموها، فرزندان عبدالمطلب و بزرگان بنی هاشم روانه خانه خوید شدند<sup>(۸)</sup> تا از

ص: ۴۱۵

- ۱- به گواه ابوالقاسم کوفی دوشیزه بودن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و پاسخ منفی او به خواستگاران بسیارش تا روزگار او در قرن چهارم مورد اتفاق شیعه و سنی بوده است. (ر. ک: ابوالقاسم کوفی، علی بن احمد، الاستغاثه، ص ۱۱۵).
- ۲- ر. ک: شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، ص ۲۷۱.
- ۳- ر. ک: ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۱۷.
- ۴- ر. ک: ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۳۷۳.
- ۵- ر. ک: بکری، ابوالحسن احمد بن عبدالله، الانوار فی مولد النبی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۲۲۶.
- ۶- از متون کهن تاریخی استفاده می شود که در رخداد این ازدواج پیش یا پس از ظهور نبوت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اختلاف نظر وجود داشته است. (ر. ک: ابو عبیده، معر بن مثنی، تسمیه ازواج النبی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اولاده، ص ۴۷ ۴۹) مشهور آن است که این ازدواج پیش از بعثت رخ داده است. قرائن بسیاری این اختلاف نظر را موجه جلوه می دهد. مانند: خطبه حضرت ابوطالب عَلَیْهَا السَّلَامُ از طریق شیعه، شعر عبدالله بن غنم، کینه دشمنان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از این ازدواج، گفت و گوی سواد بن قارب و ابوسفیان و سخن زنان مکه پیش از به دنیا آمدن فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ.
- ۷- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۵. البته برابر نقل های متعدد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این زمان ۲۱ تا ۳۷ ساله بوده است. از آن جا که تسریع در زمینه ازدواج یکی از سنن الهی و سفارش های پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است، دلیلی برای ترجیح سایر اقوال وجود ندارد.
- ۸- ر. ک: سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۲۷۲.

دوشیزه ای (۱) که در بیست و یک سالگی (۲) به آن همه کمال رسیده و سرآمد دختران روزگار خود شده بود، خواستگاری کنند.

ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ خطاب به خویلد و خویشان خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ آغاز به سخن کرد و گفت: «سپاس خدای که ما را از نسل ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ و فرزندان اسماعیل ۷ قرار داد و ما را در خانه ای که مردمان، آن را قصد می کنند و حرم امنی که از اطراف جهان نعمت ها به سوی آن آرند، (۳) جای داد و ما را فرمانروای سرزمین مان قرار داد. این برادرزاده من، محمد پسر عبد الله و نواده عبدالمطلب و فرستاده خدا است که هیچ جوانی از قریش را نمی توان با او سنجید و در نیکی، فضیلت، دوراندیشی، خرد، بزرگی و بزرگ زادگی سرآمد همه آنان است. هرچند دارایی او [نسبت به خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ] اندک است، اما دارایی بهره ای ناپایدار و سایه ای زودگذر است. محمد خواهان و شیفته خدیجه و خدیجه خواهان و شیفته محمد است. مهریه و صداق او هرچه بخواهید، بر عهده من است. (۴) او دارای شأنی بزرگ [آینده ای درخشان] و شخصیت والا و زبان نافذ و دینی گیت گستر است.» (۵)

ورقه بن نوفل به ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: «ای ابوطالب خود می دانی که انتخاب [مانند هر دوشیزه یکتاپرست دیگری] با خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ است. پس کسی را به سوی او فرستاده نظرش را

ص: ۴۱۶

- ۱- در مقدمه به مهم ترین منابع این واقعت تاریخی اشاره شده است.
- ۲- با توجه به این که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ در یک سال متولد شده اند. سن خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ نیز حدود ۲۱ سال بوده است. یادآوری این نکته نیز لازم است که آنچه بیان شد، با توجه به اسناد تاریخی است، اما جامعه شناسی مردم مکه در آن زمان نشان می دهد سن دوشیزگان هنگام ازدواج بیش از ۱۲ تا ۱۶ سال نبوده است. (ابراهیم جمل، ام المؤمنین خدیجه ۳، ص ۹۹)
- ۳- این فراز از خطبه ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ که در منابع شیعه ذکر شده، بخشی از آیه ۵۷ سوره قصص است.
- ۴- در منابع وابسته، تأکید شده که مهریه را خود حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ به عهده گرفته است، تا هم این فضیلت حضرت ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ را منکر شوند و هم فقر ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را که مورد ادعایشان است، اثبات کنند.
- ۵- آنچه بیان شد، نقل شیعیان از خطبه حضرت ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ است. (ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲۱، ص ۲۰؛ کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴۳۷۵؛ شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۷۳۹۸)

جویا می شوم.» پس کسی را فرستاده و نظرش را جویا شد.<sup>(۱)</sup>

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گفت: «عموجان، این ازدواج را بپذیر که [محمّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)] دارای نسبی درخشان و از شاخساری والا است و شایسته نیست چنین کسی را رد کرد.»<sup>(۲)</sup>

پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مهریه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را پانصد درهم نقره قرار داد<sup>(۳)</sup> و خویلد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به عقد پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درآورد.<sup>(۴)</sup> پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از ابوطالب عَلَیْهَا السَّلَامُ اجازه گرفت و بر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ وارد شد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به استقبال پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد.<sup>(۵)</sup>

ابوطالب عَلَیْهَا السَّلَامُ ماده شتری را ذبح کرد و از مهمانان پذیرایی کرد.<sup>(۶)</sup>

عبدالله غنم از یکتاپرستانی که بعدها از شیعیان امیرمؤمنان ۷ شد شعر خود را سروده و این ازدواج مبارک را به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، در ضمن اشعاری چنین تبریک گفت:

«گوارایت باد ای خدیجه که نیک بخت بودی

و با بهترین مردمان ازدواج کردی

چه کسی در میان مردم همانند محمد است

کسی که عیسی و موسی بشارت آمدنش را داده اند

کتب آسمانی به پیامبری او اقرار داشتند

رسول خداوند رحمان

که هدایت کننده و هدایت شونده است.»

<sup>(۷)</sup>

ص: ۴۱۷

---

۱- ر. ک: خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، ص ۵۲.

۲- همان.

۳- برابر روایات شیعه، مهر آل محمد و همسران رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دوازده و نیم اوقیه و معادل وزن پانصد درهم نقره است. (ر. ک: شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۸).

۴- ر. ک: فسوی، یعقوب بن سفیان، المعرفه والتاریخ، ج ۳، ص ۲۶۹. تردیدی نیست که پدر، برادر و عموی ایشان در

- زمان عقد زنده بوده اند و از این رو در گزارش ها به هر سه نفر نسبت داده شده است. (ر. ک: حلبی: علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۲۲۵)
- ۵- . فاکهی، محمّد بن اسحاق، اخبار مکه، ج ۵، ص ۱۸۵.
- ۶- . کلینی، ابو جعفر محمّد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۵.
- ۷- . ر. ک: همان.

هر دو خانواده شادمان از این وصلت از مجلس خارج شدند. پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با یکدیگر خلوت کرده و شب را در حالی به صبح آوردند که محمّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) محبوب ترین خلائق نزد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود. (۱) پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز خدیجه ۳ را چنان یافت که خدا را برای ازدواج با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و عشق ورزیدن به او سپاس گوید. (۲)

ازدواج پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همان اندازه که سبب خوشحالی خویشان پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و آلِهِ [و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ] شد، دشمنان و رشکبران پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را ناراحت کرد و بر بغض و کینه آنان نسبت به پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) افزود. (۳)

### پرورش علی عَلَیْهِ السَّلَامُ

از نعمت های الهی بر علی عَلَیْهِ السَّلَامُ این بود که پیش از اسلام در دامن رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پرورش یافت. (۴) رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از آغاز تولد امیرمؤمنان ۷ علاقه و توجه بسیاری به او داشت و خود سرپرست پرورش علی عَلَیْهِ السَّلَامُ شد. او را به سینه و دوش خود حمل می کرد و به اطراف مکه می برد و می فرمود: «این علی برادر، دوست، یاور، صفی، وصی، ذخیره، مورد اعتماد، داماد، شوهر دخترم و امین بر وصیت من است.» (۵)

امیرمؤمنان ۷ می فرماید: «من همواره با پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بودم، چونان فرزند که همواره با مادر است. پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هر روز نشانه تازه ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می فرمود و به من فرمان می داد که به او اقتدا نمایم.» (۶)

پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هنگام ازدواج با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از عمویش ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ خواست که علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را به او

ص: ۴۱۸

- ۱- خصیبی، حسن بن حمدان، الهدایه الکبری، ص ۵۳.
- ۲- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۰۱.
- ۳- بکری، ابوالحسن احمد بن عبدالله، الانوار فی مولد النبی محمّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۳۱۲.
- ۴- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۱۲.
- ۵- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ص ۱۴۴.
- ۶- نهج البلاغه، خطبه قاصعه. ترجمه عبارات را از مرحوم دشتی نقل کرده ایم. (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۳۹۹)

بیخشد تا برای رسالتش او را یاری و کفایت کند. ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را به پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بخشید. (۱) ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: «از پسرعمویت پیروی کن و گفتار او را بشنو که تو را جز به نیکی فرا نمی خواند.» (۲)

خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ که محبت شدید پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را دید، با بهترین پوشش ها علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را زینت می داد و کنیزان خود را برای مراقبت بیشتر به همراه علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرستاد. (۳) علی عَلَيْهِ السَّلَامُ از شش سالگی در دامان پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بزرگ شد. (۴)

### بعثت و ایمان خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ

پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از زمان بلوغ، رسول و نبی الهی بود، ولی آن را مخفی می داشت تا اجازه اظهار یافت. (۵)

هنگام نخستین نزول وحی، پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «علی! تو آنچه را من می شنوم، می شنوی و آنچه را که من می بینم، می بینی؛ جز این که تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر من بوده و به راه خیر می روی.» (۶) در این زمان، خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ نیز در کنار حضرت بود. (۷)

حضرت آنچه را از جبرئیل امین دریافت کرده بود، با امیرمؤمنان ۷ و خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ در میان گذاشت و خطاب به امیرمؤمنان ۷ و خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ فرمود: «جبرئیل نزد من است و شما را به بیعت با [معارف و احکام] اسلام فرامی خواند، پس بپذیرید و فرمان برید تا هدایت شوید.»

امیرمؤمنان ۷ و خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ گفتند: «فرمانبرداریم.» پس پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیمان های اسلام را برایشان

ص: ۴۱۹

۱- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۸۰. در منابع وابسته، به جای بخشش علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، افسانه خشک سالی و قحطی مکه و فقر و ناتوانی ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ از سرپرستی همه فرزندان و پیشنهاد نگهداری از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ برای کاهش هزینه های ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ مطرح شده که زیرکی آنان در تحریف تاریخ، حیرت انگیز است.

۲- ر. ک: خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، ص ۵۰.

۳- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ص ۱۴۴.

۴- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۵.

۵- به گواه مرحوم فتال نیشابوری (ش ۵۰۸ ق) شاگرد سید مرتضی و شیخ طوسی این مطلب مورد اتفاق شیعه است. (فتال

نیشابوری، محمد بن حسن، روضه الواعظین، ج ۱، ص ۵۲)

۶- نهج البلاغه، خطبه قاصعه، ترجمه از مرحوم دشتی.

۷- دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۵۳.



بیان کرد: گواهی به یگانگی خدا و مظاهر توحید، رسالت جهانی خود در جایگاه آخرین فرستاده الهی، شناخت ولی امر و امامان پس از خود، زندگی و مرگ بر پایه سنت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و وصی او تا قیامت و پیشی نگرفتن یا پس نیافتادن از آنان و درنگ هنگام برخورد با شبهه ها در امور دینی تا آگاهی از نظر آنان، دوستی با دوستان خدا و بیزاری از دشمنان خدا، حزب شیطان و احزاب (منافقان امت) و پیروانشان، وضوی کامل، غسل جنابت در هوای سرد و گرم، برپا داشتن نماز، ادای زکات، روزه ماه رمضان، حج، جهاد در راه خدا، نیکی به پدر و مادر، صلۀ ارحام، رفتار عادلانه با مردم، مساوات و برابری هنگام تقسیم، دوری از نوشیدن شراب و ستیزه جویی با مردم.

امیرمؤمنان<sup>۷</sup> و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همه را پذیرفتند. رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمودند: «ای علی! به خدای کعبه سوگند هدایت شدی و رشد و توفیق یافتی و خداوند تو را ارشاد کرد.» سپس رو به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فرمود: «با علی بیعت کن!» خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هم مانند علی عَلَیْهِ السَّلَامُ با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیعت کرد و نسبت به همه موارد جز جهاد که از زنان برداشته شده متعهد شد.

سپس پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خطاب به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ فرمود: «ای خدیجه! این علی، مولای تو و مؤمنان و امامشان پس از من است.» خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گفت: «راست گفתי ای پیامبر! به درستی که بیعت کردم با علی آن گونه که فرمودی. خدا و شما را بر این بیعت گواه می گیرم که گواهی دانایی چون خداوند کافی است.»<sup>(۱)</sup>

امیرمؤمنان<sup>۷</sup> می فرماید: «در آن روزها، در هیچ خانه ای اسلام راه نیافت، جز خانه رسول خدا که خدیجه هم در آن بود و من سومین آنان بودم.»<sup>(۲)</sup>

به فرموده امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ اولین نماز جماعت<sup>(۳)</sup> زمانی بود که علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نماز می خواندند و ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ به جعفر فرمود در کنار آنان نماز بخواند.<sup>(۴)</sup>

ص: ۴۲۰

۱- سید بن طاووس، علی بن موسی، طرف من الانباء والمناقب، ص ۱۱۵ ۱۱۸.

۲- نهج البلاغه، خطبة قاصعه. ترجمه عبارات را از مرحوم محمد دشتی نقل کرده ایم. (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۳۹۹)

۳- شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، ص ۵۰۸.

۴- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۳۷.

اولین زنی که پس از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیعت کرد فاطمه بنت اسد، همسر ابوطالب و مادر امیر مؤمنان ۷ بود. (۱)

روزی عقیف کندی به مکه سفر کرد و بر ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ وارد شد. او می گوید: «هنگامی که در کنارش در مسجد الحرام نشسته و به کعبه چشم دوخته بودم و آفتاب حلقه زده بود، جوانی که چهره اش چون ماه بود وارد شد. نگاهی به آسمان کرد و پس از درنگی به کنار کعبه رفته و رو به کعبه به نماز ایستاد. نوجوانی که چهره ای چون شمشیر یمنی داشت، به دنبالش آمد و طرف راستش ایستاد. سپس بانویی سراسر پوشیده آمد و پیش سر آن دو به نماز ایستاد. پس آن جوان به رکوع رفت و آن دو هم چنین کردند، سپس به سجده رفت و آن دو نیز با او به سجده رفتند.»

به ابوطالب گفتم: «ای ابوطالب! کار بزرگی است!» ابوطالب گفت: «آری به خدا کاری است بس بزرگ! این جوان محمد بن عبد الله برادرزاده من است، این نوجوان فرزندم علی، و این بانو خدیجه همسر محمد است.» (۲) عقیف پرسید: «جانشین او چه کسی خواهد بود؟» ابوطالب در پاسخ گفت: «پسرعمو و دامادش علی؛ ای عقیف وای بر کسی که علی را از حقش منع کند.» (۳)

### دعوت خویشان در خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

خداوند بنی هاشم را به دلیل پای بندی بیشتر به سنت ابراهیم و پاکی از رذایل جاهلیت و گناهان برگزیده است. (۴) آن گونه که نقل شده، در ابتدای بعثت و پیش از آشکار شدن اسلام در مکه (۵) آیه (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (۶) نازل شد. حضرت، چهل مرد از بنی هاشم را به مهمانی (۷) در خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دعوت کرد و آنان را به اسلام و جانشینی علی عَلَیْهِ السَّلَامُ دعوت فرمود. (۸)

ص: ۴۲۱

- ۱- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، ص ۲۸۲۹.
- ۲- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۰۹ و ۲۲۶۲۲۷.
- ۳- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۸.
- ۴- ر. ک: امام مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۵۸.
- ۵- اسکافی، محمد بن عبدالله، نقض العثمانیه، ص ۲۴۴.
- ۶- شعراء: ۲۱۴.
- ۷- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۲۴؛ اهل سنت نیز اذعان دارند که مقصود از خویشان نزدیک پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بنی هاشم است. (عینی، بدرالدین ابو محمد بن احمد، عمده القاری، ج ۹، ص ۸۰)
- ۸- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، متشابه القرآن ومختلفه، ج ۲، ص ۳۰۳۱.

زنان بنی هاشم نیز با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیعت کردند؛ مانند: ام هانی (نامش فاطمه، فاخته یا هند است) و جُمَانه دختران ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام، صفیه، اروی، عاتکه (مادر ام سلمه)، دختران عبدالمطلب ۷، صفیه، ضباعه (همسر مقداد) و ام الحکم، دختران زبیر بن عبدالمطلب، ام ایمن (همسر زید بن حارثه) و سلمی (همسر ابورافع). (۱)

امیر مؤمنان ۷ فرمود: «خاندان پیامبر نخستین گروهی بودند که به وی ایمان آوردند و آنچه را از جانب خدا آورده بود، تصدیق کردند. پس چند سال کامل بر ما گذشت و عربی جز ما نبود که خدا را بپرستد.» (۲)

### معراج و باردار شدن به فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

هنگام معراج، جبرئیل بُراق (۳) را به در خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام آورد. (۴) در شب معراج همه انبیا به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گواهی دادند که به توحید و یگانگی خدا، اقرار به نبوت و ولایت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و ولایت امیر مؤمنان ۷ مأمور شده اند. (۵)

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در بهشت از میوه درخت طوبی، تناول نمود و نور فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام در صلب پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) استوار شد و جبرئیل حضرت را به تولد فاطمه دختر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بشارت داد. پس از هبوط به زمین حضرت با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام آمیزش کرد و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام حامله شد. هر گاه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مشتاق بوی بهشت می شد، بوی بهشت را از فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام استشمام می کرد و می فرمود: «فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

ص: ۴۲۲

۱- ابن حبیب بغدادی، ابوجعفر محمد، الْمُحَبَّر، ص ۴۰۶. و نیز سلمی بنت عمیس، همسر حمزه، اسماء بنت عمیس همسر جعفر، امیمه دختر عبدالمطلب (همسر جحش بن رئاب اسدی) و زینب (همسر پیامبر) و حمه (همسر مصعب بن عمیر) دختران امیمه.

۲- منقری، نصر بن مزاحم، وقعه صفین، ص ۸۹. این مطالب با اندک کاستی در نامه نهم نهج البلاغه نامه حضرت به معاویه بیان شده است. (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه نهم، ص ۳۶۸۳۶۹)

۳- مرکب پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در شب معراج که دارای دو بال و کوچک تر از استر بود.

۴- راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۸۴.

۵- ر. ک: سید بن طاووس، علی بن موسی، طرف من الانباء والمناقب، ص ۲۳۳.

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در شب معراج، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را بر کرانه نهری از نهرهای بهشتی و در قصری زرین (۲) و ورقه بن نوفل را در جامه ای از دیباج در میان بهشت دید. (۳)

هنگام بازگشت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از معراج، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به جبرئیل فرمود: «خواسته ای نداری؟» جبرئیل گفت: «خواسته ام این است که سلام پروردگار و مرا به خدیجه ابلاغ کنی.» پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ابلاغ کرد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گفت: «خداوند سلام کرد و سلام از او است و به او باز می گردد و بر جبرئیل نیز سلام باد.» (۴)

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آنچه را دیده بود به مردم عرضه داشت، ولی تنها خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و مؤمنان راستین (۵) مانند ام هانی (۶) او را تصدیق کردند.

معراج در سال دوم (۷) و ماه هجدهم بعثت (۸) رخ داد و نمازهای پنج گانه در آن شب واجب شد. (۹) اما پیش از آن، نمازها دو رکعتی بود. (۱۰)

### فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ مونس خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ وابستگی فراوانی به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) داشت و با خارج شدن پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خانه، اندوهگین می شد. در این دوران فرزند درون شکمش با او سخن می گفت و او را به شکیبایی دعوت می کرد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ این را از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پنهان داشته بود. (تا اندوه او سبب ناراحتی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ))

ص: ۴۲۳

- ۱- . ر. ک: طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۴۰۰ ۴۰۱.
- ۲- . ر. ک: ابن ابی عاصم، احمد بن عمر، الأحاد والمثانی، ج ۵، ص ۳۸۱.
- ۳- . ر. ک: ابن ابی یعلی، احمد بن علی تمیمی موصلی، مسند ابی یعلی، ج ۴، ص ۴۱.
- ۴- . عیاشی، محمد بن مسعود سمرقندی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۷۹.
- ۵- . راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۸۵.
- ۶- . سید بن طاووس، علی بن موسی، طرف من الانباء والمناقب، ص ۲۳۳.
- ۷- . ر. ک: طبرسی، فضل بن حسن، تاج الموالید، ص ۷۰.
- ۸- . ابن سید الناس، ابوالفتح محمد یعمری، عیون الاثر، ج ۱، ص ۱۷۱۲.
- ۹- . ر. ک: ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۵۵.
- ۱۰- . ر. ک: مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۴۷.

نشود.)

روزی پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بر او وارد شد و هم سخنی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با فرزندش را دید. فرمود: «خدیجه با چه کسی سخن می‌گویی؟» گفت: «کودکی که در شکم دارم با من انس گرفته و سخن می‌گوید.» فرمود: «اینک جبرئیل مرا بشارت داد که او دختر و دارای نسل پاک و بابرکتی است که خداوند نسل من و امامان این امت را از او قرار داده و آنان جانشینان خدا بر زمین پس از پایان وحی خواهند بود.» سخن گفتن فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ با مادر تا زمان تولدش ادامه داشت. (۱)

### تذکر فرزند به مادر

روزی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آهنگ سلام دادن در رکعت سوم نماز را داشت که فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ از شکم مادر به او فرمود: «مادرم بایست که در رکعت سوم نمازی (نه چهارم).» (۲)

### ولادت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ و فرود آمدن چهار زن بهشتی

برابر روایات شیعه، هنگام ولادت اهل بیت: قابله‌ها اجازه حضور ندارند. (۳)

در بیستم جمادی الثانی سال دوم بعثت (۴) هنگامی که ولادت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ فرارسید، چهار زن شبیه زنان بنی هاشم، بر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ وارد شدند. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از دیدن آنان بیمناک شد. یکی از آنان گفت: «ای خدیجه! بیمی به خود راه مده، ما فرستادگان پروردگارت به سوی تو و خواهران توایم؛ من ساره و این آسیه دختر مزاحم، هم نشین تو در بهشت است. این مریم

ص: ۴۲۴

۱- ر. ک: شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، ص ۵۹۳۳۹۶.

۲- ر. ک: بحرانی اصفهانی، نورالدین عبدالله بن نور، عوالم العلوم والمعارف، ج ۱۱، ص ۸۵۵.

۳- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۳۴. در برخی منابع، از قطع رابطه زنان قریش و بنی هاشم با حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به دلیل این ازدواج سخن به میان آمده که پذیرفتنی نیست و غرض از آن انکار فضیلت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ، و زنان قریش است. چون برابر این روایت، کسی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را ترک نکرده، بلکه به دلیل جایگاه والای فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ اجازه حضور در این هنگام را نداشته است. (ر. ک: شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، ص ۵۹۴)

۴- شیخ طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتعجد، ج ۲، ص ۷۹۳.

دختر عمران و آن دیگری کلثم خواهر موسی است. خداوند ما را فرستاده تا زایمانت را به عهده گیریم.»

یکی جلو، دومی طرف راست، سومی طرف چپ و دیگری پشت سر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نشستند، تا حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ را پاک و پاکیزه به دنیا آورند. هنگامی که فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ به زمین آمد، نوری از او تابید که تمام خانه های مکه، خاور و باختر زمین را روشن ساخت. زنی که روبه روی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نشسته بود، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ را گرفت.

ده حور العین که در دست هر یک طشت و ابریقی از آب کوثر بود، وارد شدند. زنی که پیشاپیش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نشسته بود، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ را با آب کوثر شست و شو داد و با پارچه سفیدتر از شیر و خوش بوتر از مشک و عنبر پیچیده و با پارچه دیگر سرش را پوشاند.

سپس فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ فرمود: «گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست، پدرم، محمّد، فرستاده و سرآمد فرستادگان خدا و شوهرم، علی، سرآمد جانشینان آنان و پسرانم سرآمد نوادگان انبیا هستند.» آن گاه به هر یک از آنان بانوان سلام داد و هر یک را به نامش یاد کرد. آنان نیز به روی فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ خندیدند. حوریان بهشت و بهشتیان یکدیگر را به ولادت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ مژده دادند. آنان گفتند: «ای خدیجه! بگیر این فرزند پاک، پاکیزه، رشدیافته و پربرکت را که خداوند به او و نسلش برکت داده.»

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خرسند و شادمان فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ را گرفت و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ پستان مادرش را مکید و رشدی بیش از سایر نوزادان داشت. (۱)

### نقش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پس از اعلام عمومی بعثت

پیش از اعلام عمومی بعثت، رسول خدا ۹۱ مخفیانه به یگانگی و پرستش خدا و اقرار به پیامبری خود (۲) و ولایت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ دعوت می کرد. (۳)

در این دوران افزون بر بنی هاشم، عبیده و طفیل پسران حارث بن مطلب و مسطح بن

ص: ۴۲۵

۱- ر. ک: شیخ صدوق، محمّد بن علی، الامالی، ص ۵۹۴۵۹۵.

۲- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴.

۳- ابن شهر آشوب، محمّد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، ج ۲، ص ۳۰۳۱.

آثاته پسر عباد بن مطلب از هم پیمانان بنی هاشم، از نخستین مسلمانان هستند. (۱)

نخستین مسلمانان غیر از خویشان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زید بن حارثه، سلمان فارسی، مقداد بن اسود، مصعب بن عمیر، خباب بن ارت خزاعی، ابوذر غفاری، یاسر بن عامر عنسی و همسرش سمیه و فرزندانش عمار و عبد الله، بُریده بن حَصِيب اسلمی، ابورافع، خالد بن سعید، عبد الله بن مسعود هذلی و عامر بن فُهَیره و بلال آزاد شدگان رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بودند. (۲)

افزون بر آن آل قعین و آل علباء از تیره های بنی اسد به پیروی از جحش بن رثاب اسدی پدر زینب یکی از همسران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و داماد عمه حضرت مسلمان شدند (۳) و عبد الله بن سعید و آل جهیم نیز به واسطه ازدواج با بنی حارث بن عبدالمطلب مسلمان شدند. (۴)

وقتی آیه (فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ) (۵) نازل شد، (۶) پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مأمور شد تا رسالت خود را آشکار سازد. رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در ابطح ایستاده و فرمود: «من پیامبر خدا به سوی شما هستم و شما را به عبادت خداوند، رهایی از بتهایی که سود و زیانی نمی رساند، نمی آفریند، روزی نمی دهد، زنده نمی کند و نمی میراند، دعوت می کنم. مشرکان زبان به خنده و ریشخند گشودند و حضرت را آزردهند.» (۷)

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مردم را به یگانه پرستی فرامی خواند، اما معارف و احکام اسلام را به طور جداگانه به آنان می آموخت. حضرت افزون بر اصل توحید و نبوت، آنان را به اموری فرا می خواند و

ص: ۴۲۶

۱- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۸۴.  
۲- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۲۴؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۷۹ و ج ۴، ص ۱۸۶۵؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۱۴۴۱۴۵. در اینجا توجه به دو نکته لازم است. نخست این که مقداد و مصعب به دلیل ازدواج با دختر عمه های پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خویشان سببی حضرت به شمار می آیند و در زمره سابقان به اسلام هستند. دوم این که در برخی منابع، زمان اسلام سلمان پس از هجرت به مدینه و در مسجد قبا معرفی شده، که به دلایل متعددی مخدوش است.

۳- ابن حبیب بغدادی، ابوجعفر محمد، المنمق فی اخبار قریش، ص ۲۵۰.

۴- همان، ص ۲۵۲۲۵۳.

۵- حجر: ۹۴.

۶- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۷۷۳۷۸.

۷- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴.

از آنان بیعت می گرفت. مانند: مراتب توحید، پیامبری خود، جانشینی علی و یازده فرزندش ۷، دوستی، و پیروی از آنان، پیامبری در دفاع از آنان و پناه بردن به آنان در مشابهاات و تفسیر قرآن، گردن نهادن به رهبری قرآن و پای بندی به احکام آن، قبله بودن مسجدالحرام برای مسلمانان، حقانیت بهشت و جهنم و سزاواری پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اهل بیت و شیعیان و دوست دارانشان برای ورود به بهشت و سزاواری دشمنان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اهل بیت ۷ و ناسزاگویان، و شمشیرکشندگان بر آنان و قاتلان آنها و کفار برای سقوط در جهنم، و احکام چون نماز در وقت، روزه رمضان، پرداخت زکات و خمس، حج، جهاد در راه خدا و اهل بیت، غسل جنابت، وضوی کامل و آداب اجتماعی چون عدالت در میان مردم، اطعام و خوراندن مردم از غذایی که به آن علاقه دارند، تقسیم مساوی و گفتار حق. (۱)

### تکذیب و تمسخر مشرکان

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عبدمناف را در مروه گرد آورده و آنان را به توحید دعوت کرد. ابولهب گفت: «تبا لک (مرگ بر تو) آیا به این خواسته ما را گرد آوردی؟» اینجا بود که آیه «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ» (۲) نازل شد. (۳)

امیرمؤمنان ۷ که در این هنگام پانزده ساله بود، (۴) با کسانی که به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بدگویی می کردند درگیر و زخمی می شد و ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ او را به شکیبایی سفارش می کرد. (۵)

خداوند رنج های دل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از سخنان ناگوار، انکار و تکذیب مشرکان را به وسیله خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ آرامش می بخشید و وقتی به خانه وارد می شد، خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ ناسازگاری و کارشکنی مشرکان را کم اهمیت جلوه داده و با دلداری دادن و کاستن از رنج ها و اندوه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، دل

ص: ۴۲۷

۱- سید بن طاووس، علی بن موسی، طرف من الانباء والمناقب، ص ۱۲۹۱۳۳.

۲- مسد: ۱.

۳- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۶۱.

۴- به گفته مسعودی و شیخ مفید کسانی برای رد فضائل امیرمؤمنان ۷ سن حضرت در این هنگام را خیلی پایین ذکر کرده اند، تا اسلامش را اسلام طفل صغیر و بدون بصیرت بشناسانند. (مسعودی، علی بن حسین، التنبيه والاشراف، ص ۱۹۸ و ۲۵۷؛ شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الفصول المختاره، ص ۲۵۴)

۵- موسوی، سید فخار بن معد، ایمان ابی طالب ۷، ص ۲۷۶۲۷۷.



حضرت را شاد و گام هایش را استوارتر می ساخت. (۱)

روزی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هنگام دریافت وحی بی تاب شد. مشرکان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را مدهوش به نزد خدیجه عَلِيهَا السَّلَام آورده و گفتند: «با مردی دیوانه ازدواج کرده ای.» خدیجه عَلِيهَا السَّلَام پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به سینه خود فشرد، سر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را در دامن گرفت و دو چشم پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را بوسید و گفت: «با پیامبری که فرستاده الهی است ازدواج کردم.» (۲)

### نفوذ روزافزون اسلام در جزیره العرب

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از هر فرصت مناسبی برای دعوت مردم استفاده می کرد و آنان را بیم می داد. کسانی که ویژگی های حضرت را از اهل کتاب شنیده بودند، به فرمان او درآمدند. (۳)

سويد بن صامت، پسر خاله عبدالمطلب جد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از یکتاپرستان پیرو دین حنیف در یثرب بود که به پاس نسب، شرافت، ذکاوت و کمالاتش به «کامل» معروف بود. او پس از مبعث به مکه رفته و به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایمان آورد و به یثرب بازگشت و پیش از جنگ بُعث در سال هفتم بعثت کشته شد. (۴)

سواد بن قارب نیز از یمن به مکه آمد و با پرس و جو خانه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را یافت و ایمان آورده و به یمن بازگشت. (۵)

پذیرش احکام اسلام مانند حرمت زنا و شراب برای مشرکان گران بود. (۶) افزون بر آن، از موج اسلام گرایی به هراس افتاده و از گرایش جوانان به ایشان ناخرسند بودند. (۷) آنان گرد آمده و گفتند: «محمد ما را به باور و گواهی دادن به یگانگی خدا و دست شستن از بت هایمان فرا

ص: ۴۲۸

- ۱- ر. ک: ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۰.
- ۲- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیه الابرار، ج ۱، ص ۶۷۶۸.
- ۳- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۳۹.
- ۴- ر. ک: ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۲۵۴۲۷.
- ۵- سواد پس از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از یاران امیرمؤمنان ۷ بود و در جنگ صفین در رکاب امیرمؤمنان ۷ به شهادت رسید. (شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، ص ۱۸۲۱۸۳)
- ۶- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۹، ص ۱۳۹.
- ۷- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۳۹.

می خواند و از ما می خواهد ۳۶۰ بت خود را رها کنیم و تنها یک خدا را بپرستیم؟!» (۱)

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بر جان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و علی عَلَیْهِ السَّلَامُ بیمناک بود. روزی نزد ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ

آمده و نگرانی خود را به او گفت. ابوطالب ۳ به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفت: «می دانم خداوند پشتیبان این دین است، اما از مشرکان بر شما بیم دارم که نسبت به شما حسادت می ورزند و آنچه شما آنان را به آن می خوانید بر ایشان گران است.» پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «جبرئیل مرا خبر داده که به زودی بر آنان مسلط می شوم و آنان از روی میل یا ناگزیر تسلیم خواهند شد.» ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ شادمان نزد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آمده و او را به این بشارت مسرور ساخت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بسیار شادمان شد و یقین کرد که آن دو در پناه خداوند از گزند آسیب ها محفوظ خواهند بود. (۲)

### تحریم اقتصادی و اجتماعی

در سال ششم بعثت، مشرکان هم سوگند شده و پیمانی را مهر کردند که بنی هاشم را در تنگنای شدید اقتصادی و اجتماعی قرار دهند و آنان را وادار کنند پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به مشرکان واگذارند، تا او را بکشند. (۳)

مفاد پیمان نامه آن بود که نه از بنی هاشم زن بگیرند نه به آنها زن بدهند، نه چیزی به

آنان بفروشند، نه چیزی از آنان بخرند، نه با آنان رفت و آمد داشته باشند و نه با آنان سخن بگویند. (۴)

این تحریم ها (۵) اول ماه محرم آغاز شد. (۶) آنان از شدت گرسنگی در انتظار مرگ بودند (۷) و

ص: ۴۲۹

- ۱- همان، ص ۴۰.
- ۲- خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، ص ۶۵.
- ۳- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱.
- ۴- ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۴۸.
- ۵- از این تحریم ها با عنوان محاصره شعب ابی طالب یاد می شود. در تعیین دقیق محل شعب دست کم سه نظریه وجود دارد. برابر اسناد معتبر تاریخی شعب ابی طالب که محل سکونت بنی هاشم و تولد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده در برابر کعبه و مابین مسجدالحرام و مسعی بوده است. این محله با توسعه مسجدالحرام، به ویژه در زمان مهدی عباسی (م ۱۶۹ق) داخل مسجدالحرام قرار گرفته از میان رفته است. (واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۲، ص ۸۲۹؛ ازرقی، محمد بن عبدالله، اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۲۳۴؛ فاکهی، محمد بن اسحاق، اخبار مکه، ج ۳، ص ۲۴۱ ۲۴۷. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۵۶. بلاذری، احمد بن یحیی، معالم مکه التاریخیه والاثریه، ص ۱۴۵) از این رو، محاصره شعب، اجتماعی و اقتصادی، نه جغرافیایی، بوده است. (جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۱۰۵، ۱۲۶ و ۱۴۹۱۵۱ و امیرعلی، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۳۵۹)

- ٦- . ابن سعد واقدي، ابو عبدالله محمد، الطبقات الكبرى، ج ١، ص ١٦٣.
- ٧- . ابن ابي الحديد، عزالدين ابو حامد ، شرح نهج البلاغه، ج ١٣، ص ٢٥٤.

برخی از آنان(۱) به خصوص کودکانشان از گرسنگی مردند.(۲) ناله کودکان بنی هاشم مردم مکه را (از شرایط سخت آنان و سنگدلی مشرکان) اندوهگین کرده بود.(۳)

بنی هاشم تنها در ایام عمره و حج اجازه خرید و فروش داشتند.(۴) مشرکان از بازرگانان می خواستند بهای آذوقه و پوشاک را به اندازه ای افزایش دهند که امکان خرید را از آنان بگیرد؛(۵) از این رو، پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ اموال بسیاری در این راه هزینه کردند.(۶) چون کاروان هایی که وارد شهر مکه می شدند، از ترس مشرکان با بنی هاشم داد و ستد نمی کردند.(۷) گاهی علی عَلَيْهِ السَّلَامُ پنهانی برای تهیه آذوقه اقدام می کرد.(۸)

بنی هاشم تنها در موسم عمره و حج مجاز به ارتباط با مردم بودند.(۹) پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این فرصت با قبایل عرب گفت و گو می کرد(۱۰) و هر شخص سرشناسی را که به مکه وارد می شد، به اسلام دعوت می کرد.(۱۱)

ص: ۴۳۰

۱- . بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۴.

۲- . جیلانی، محمد بن محمد مومن، الذریعه الی حافظ الشریعه، ج ۲، ص ۷۱. برخی از پسران پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این زمان، درگذشتند. (فاکهی، محمد بن اسحاق، اخبار مکه، ج ۳، ص ۶۸) البته در این منابع فقط از مرگ آنان بدون اشاره به دلیل و زمان آن سخن رفته است، اما شواهد نشان گر مرگ برخی از آنان در اثر این تحریم ها است.

۳- . ر. ک: ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، سیره النبی، ص ۱۶۰.

۴- . طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۵۰.

۵- . سهیلی، عبدالرحمان بن عبد الله، الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، ج ۳، ص ۳۵۴۳۵۵.

۶- . ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱.

۷- . طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۵۱.

۸- . اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه، ص ۸۸.

۹- . طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۵۶.

۱۰- . همان، ص ۵۰.

۱۱- . ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۲۵.

## سفر دای خدیجه علیها السلام به یثرب

یهودیان یثرب شب ولادت آخرین پیامبر به نام «احمد» را به مردم خیر داده بودند(۱) و به مردم می گفتند زمان ظهور پیامبر فرارسیده است.(۲)

پس از جنگ بعاث در سال هفتم بعثت و هنگام عمره رجب(۳) گروهی از مردم یثرب مانند ابوالهیثم بن تیهان و اسعد بن زراره خواهرزاده سعد بن معاذ نزد عتبه بن ربیع بهرائی رفتند. عتبه از پیشرفت اسلام گلاویه کرد و با اشاره به پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفت: «این نمازگزار ما را از همه چیز بازداشته است.»(۴)

ابوالهیثم و اسعد که از یکتاپرستان یثرب بودند(۵) در حجر اسماعیل ۷ به محضر پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شرفیاب شده و به حضرت ایمان آوردند.(۶) آنان از حضرت کسی را خواستند که معارف و شرایع اسلام را به آنان تعلیم کند.(۷) پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دای خدیجه علیها السلام را برای تبلیغ و ترویج اسلام به همراه آنان فرستاد.(۸)

## ایمان عقبه دوم

در موسم حج سال هفتم بعثت، دوازده نفر از مردم یثرب در عقبه با حضرت ملاقات کرده، مسلمان شدند.(۹) پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مصعب بن عمیر ۲ شوهر دختر عمه اش، را نیز به همراه آنان فرستاد.(۱۰)

ص: ۴۳۱

- ۱- ابو نعیم، احمد بن عبدالله اصبهانی، دلائل النبوه، ج ۱، ص ۷۵.
- ۲- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۲۸۴۲۹.
- ۳- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۵۵۵۶.
- ۴- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۶۹۱۷۰.
- ۵- ر. ک: همان، ص ۱۶۹.
- ۶- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۵۶۵۷.
- ۷- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۸.
- ۸- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، جوامع السیره النبویه، ص ۷۲. البته در این کتاب سخن از هم زمانی هجرت ایشان و مصعب است، در حالی که در کتاب های متقدمان بر ابن حزم تصریح شده اولین مهاجر مدینه ابن ام مکتوم بوده است.(ر. ک: بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱۱، ص ۲۴) و منابع دیگری نشان می دهد فرستادن مصعب بعد از عقبه بوده است.(ر. ک: ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۴، ص ۴۰۶).
- ۹- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۴، ص ۴۰۶.
- ۱۰- ابن اثیر، عز الدین علی بن محمد، اسدالغابه، ج ۴، ص ۴۰۶.

با حمایت سعد بن معاذ بسیاری از اوس و خزرج اسلام آوردند و اسلام در مدینه آشکار شد.<sup>(۱)</sup>

سال پس از آن (هشتم بعثت) هفتاد مرد و دوزن با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دیدار کردند.<sup>(۲)</sup> این دیدار در موسم حج و در عقبه منا رخ داد.<sup>(۳)</sup> پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از آنان خواست که تنها خدا را پرستند، شرک نوزند و از حضرت و خاندانش همانند خود و خانواده خود حمایت کنند. در برابر، سروری در دنیا و بهشت را برای آنان ضمانت کرد.<sup>(۴)</sup> پس از بازگشت آنان خانه ای در مدینه نبود که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در آن به نیکی یاد نشود.<sup>(۵)</sup>

در همین سال پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فاطمه عَلِيهَا السَّلَامُ را به عقد امیر مؤمنان درآورد.<sup>(۶)</sup>

### پایان تحریم ها و نفوذ بیشتر اسلام

پس از چهار سال تحریم<sup>(۷)</sup> و در سال دهم بعثت<sup>(۸)</sup> خداوند موریانه ها را برای از میان بردن پیمان ظالمانه مشرکان بر آن چیره ساخت<sup>(۹)</sup> و از پیمان نامه تنها «باسمک اللهم» نام خدا را باقی گذارد.<sup>(۱۰)</sup> جبرئیل بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نازل شد و خبر داد که موریانه به مدد بنی هاشم آمده و پیمان نامه مشرکان، جز نام خدا، را از میان برده است.<sup>(۱۱)</sup>

ص: ۴۳۲

- ۱- . طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۵۷۵۹.
- ۲- . ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۸.
- ۳- . طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۵۹.
- ۴- . قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۷۲۲۷۳.
- ۵- . ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۸.
- ۶- . شهید ثالث، قاضی نورالله شوشتری هندی، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۱۰، ص ۱۱.
- ۷- . در منابع بسیاری این دوران چهار سال معرفی شده است. (ر. ک: مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص

(۲۸۷)

- ۸- . ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۶۴.
- ۹- . طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۵۱.
- ۱۰- . ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۶۳.
- ۱۱- . ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱.

ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ به مشرکان خبر داد و آنان مهر و موم پیمان نامه را شکستند و آن را همان گونه که ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ گفته بود، یافتند. (۱) در این زمان مسلمانان تکبیر گفتند و رنگ رخسار مشرکان دگرگون شد. (۲) در این روز مردمان بسیاری اسلام آوردند و تحریم های ظالمانه از بنی هاشم برداشته شد. (۳)

## کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (م ۶۵۶ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمّد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار احیا الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق.
  ۲. ابن ابی عاصم، احمد بن عمر (م ۲۸۷ق)، الآحاد و المثانی، تحقیق: باسم فیصل الجوابره، ریاض: دار الراه، ۱۴۱۱ق.
  ۳. ابن اثیر جزری، عزالدین علی بن محمّد (م ۶۳۰ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: انتشارات دارالفکر، ۱۴۰ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ق.
  ۴. ابن اسحاق، ابو عبد الله محمّد بن اسحاق بن یسار مطلبی (م ۱۵۱ق)، سیره النبی، تحقیق: محمّد حمید الله، مغرب: معهد الدراسات و الأبحاث للتعریب، ۱۳۶۹ق.
  ۵. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد جوزی بغدادی (م ۵۹۷ق)، المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، بیروت: انتشارات صادق، ۱۳۵۸هـ.
  ۶. ابن حبیب بغدادی، ابوجعفر محمّد (م ۲۴۵ق)، المحبر، به کوشش: ایلزه لیشتن اشتتر، حیدرآباد دکن، ۱۳۶۱ق / ۱۹۴۲م.
  ۷. ابن حبیب بغدادی، ابوجعفر محمّد (م ۲۴۵ق)، المنمق فی اخبار قریش، تحقیق: فاروق احمد خورشید، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۵ق.
  ۸. المنمق فی اخبار قریش، محقق: فاروق خورشید، بیروت: عالم الکتب.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق
- ص: ۴۳۳

۱- . همان.

۲- . راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۸۶.

۳- . ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲.

۱. عادل احمد، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

۲. فتح الباری بشرح صحیح البخاری، تحقیق: عبد العزیز بن عبد اللہ بن باز، بیروت: دار الفکر، ۱۳۷۹ ق.

۳. ابن حزم اندلسی، ابومحمد علی بن احمد بن سعید (م ۴۵۶ ق)، جمهره انساب العرب، تحقیق: گروهی از علما، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ق.

۴. جوامع السیره النبویه، تحقیق: نایف عباس، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ ق.

۵. ابن حنبل، احمد بن محمد شیبانی (م ۲۴۱ ق)، مسند احمد بن حنبل، بیروت: دار صادر، [بی تا].

۶. ابن دُرید، محمد بن حسن ازدی بصری (م ۳۲۱ ق)، جمهره اللغه، تحقیق: ابراهیم شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶ ق.

۷. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.

۸. ابن سید الناس، ابوالفتح محمد یعمری (م ۷۳۴ ق)، عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر، بیروت: انتشارات دار القلم، ۱۴۱۴ ق.

۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی (م ۵۸۸ ق)، متشابه القرآن و مختلفه، قم: بیدار، ۱۴۰۰ ق.

۱۰. مناقب آل ابی طالب، تحقیق: گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.

۱۱. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی (م ۴۶۳ ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.

۱۲. ابن عساکر، علی بن حسن (م ۵۷۱ ق)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.

۱۳. ابن قتیبه دینوری، عبد اللہ بن مسلم (م ۲۷۶ ق)، الجرائیم، دمشق: المکتبه الشامله الحدیثه.



١. المعارف، به كوشش: ثروت عكاشه، قاهره، ١٩٦٠ م.

٢. ابن واضح يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب اسحاق (م ٢٨٤ ق)، تاريخ يعقوبى، بيروت: دار صادر.

٣. ابن هشام حميرى، ابو محمد عبدالملك (م ٢١٣٨ ق)، السيره النبويه، به كوشش: عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت: ١٤١٠ ق / ١٩٩٠ م.

٤. ابو سعد سمعانى، عبدالكريم بن محمد (م ٥٦٢ ق)، الانساب، به كوشش: عبد الله عمر، بيروت: دارالجنان، ١٤٠٨ ق.

٥. ابو نعيم، احمد بن عبدالله اصفهانى (م ٤٣٠ ق)، دلائل النبوه، تحقيق: محمّد رؤاس قلجى وعبدالبر عتياس، بيروت: دار النفائس، ١٤٠٦ ق، دوم.

٦. ، ذكر اخبار اصبهان، تحقيق: سيّد كسروى حسن، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١٠ ق.

٧. ابو يعلى، احمد بن على تميمى موصلى (م ٣٠٧ ق)، مسند ابى يعلى، تحقيق: إرشاد الحق الأثرى، جدّه: دار القبله، ١٤٠٨ ق.

٨. ابوالفرج اصفهانى، على بن حسين (م ٣٥٦ ق)، مقاتل الطالبين، تحقيق: كاظم مظفر، قم: مؤسسه دارالكتاب، ١٣٨٥ ق.

٩. ابوالقاسم كوفى، على بن احمد (م ٣٥٢ ق)، الاستغاثة فى بدع الثلاثه، تهران: مؤسسه الاعلمى، ١٣٧٣ ش.

١٠. ازرقى، محمّد بن عبدالله (م ٢٤٨ ق)، اخبار مكه و ماجاء فيها من الآثار، تحقيق: رشدى صالح ملحسن، بيروت: ١٤٠٣ / ١٩٨٣.

١١. اسكافى، محمّد بن عبدالله (م ٢٤٠ ق)، المعيار والموازنه فى فضائل الإمام اميرالمؤمنين ٧، تحقيق: محمّد باقر المحمودى، بيروت: مؤسسه المحمودى، ١٤٠٢ ق.

١٢. ، نقض العثمانيه، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٣٨٣ ش.

امام مسلم، مسلم بن حجاج نيشابورى (م ٢٦١ ق)، صحيح مسلم، بيروت: دار الفكر،

١. [بى تا].

٢. بحراني اصفهاني، نورالدين عبد الله بن نورالله (م ١١٧٣ ق)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، تحقيق: مدرسة امام مهدي ٧، قم: مدرسة امام مهدي ٧، ١٤٠٨ ق.

٣. بحراني، سيد هاشم بن سليمان (م ١١٠٧ ق)، حليه الأبرار في أحوال محمّد وآله الأطهار ٧، تحقيق: غلام رضا مولانا بروجردى، قم: مؤسسه المعارف الإسلاميه، ١٤١٣ ق.

٤. بخارى، محمّد بن اسماعيل (م ٢٥٦ ق)، صحيح البخارى، بيروت: دارالفكر، ١٤٠١ ق.

٥. بسوى، يعقوب بن سفيان (م ٢٢٧ ق)، المعرفه والتاريخ، بغداد: رئاسه ديوان الأوقاف، ١٣٥٤ ق.

٦. بكرى، ابوالحسن احمد بن عبدالله، الانوار فى مولد النبى محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، قم: انتشارات شريف رضى، ١٤١١ ق.

٧. بلاذرى، احمد بن يحيى (م ٢٧٩ ق)، انساب الاشراف، تحقيق: سهيل زكار، رياض زرکلى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٧ ق.

٨. ترمذى، محمّد بن عيسى، سنن الترمذى، بيروت: چاپ عبدالرحمان محمّد عثمان، ١٤٠٣.

٩. جلال الدين سيوطى، عبدالرحمان بن كمال بن محمد خضيرى (م ٩١١ ق)، قوت المغتذى على جامع الترمزى، محقق: ناصر بن محمد بن حامد غريبي، جامعه ام القرى، ٢٠٠٤ / ١٤٢٤.

١٠. حاكم نيشابورى، ابو عبدالله (م ٤٠٥ ق)، المستدرک على الصحيحين، بيروت لبنان: دارالمعرفه، ١٤٠٦ ق.

١١. حلبى، على بن برهان (م ١٠٤٤ ق)، السيره الحلبيه، بيروت: دارالمعرفه، ١٤٠٠ ق.

١٢. حميرى قمى، عبد الله بن جعفر (م ٣٠٠ ق)، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت ٧ لحياء التراث، ١٤١٣ ق.

ص: ٤٣٦

١. خصيبى، حسين بن حمدان، الهداياه الكبرى، بيروت: مؤسسه البلاغ، ١٤١١ق / ١٩٩١م.
  ٢. دشتى، محمّد، ترجمه نهج البلاغه، قم: مشهور، ١٣٧٩ق.
  ٣. دولابى، محمّد بن احمد بن حماد انصارى رازى، الدريره الطاهره، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤٠٧ق.
  ٤. ذهبى، محمّد بن احمد بن عثمان، سير اعلام النبلاء، تحقيق: شعيب ارنووط و حسين اسد، بيروت: مؤسسه الرساله، ١٤١٣ق.
  ٥. راوندى، قطب الدين سعيد بن عبدالله (م ٥٧٣ق)، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدي، ١٤٠٩ق.
  ٦. سبط ابن جوزى، شمس الدين يوسف بن قزاوغلى (م ٦٥٤ق)، تذكره الخواصّ الأئمّه فى خصائص الأئمّه، قم: شريف رضى، ١٤١٨ق.
  ٧. سمرقندى، نصر بن محمد، تفسير السمرقندى، محقق: عمروى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٦ق.
  ٨. سهيلى، عبدالرحمان بن عبد الله، الروض الانف فى شرح السيره النبويه لابن هشام، قاهره: چاپ عبدالرحمان وكيل، ١٣٨٧ / ١٣٩٠ / ١٩٦٧ / ١٩٧٠، چاپ افست ١٤١٠ / ١٩٩٠.
  ٩. سيد المرتضى، على بن حسين موسى (م ٤٣٦ق)، أمالى المرتضى (غرر الفوائد ودرر القلائد)، تحقيق: أبوالفضل ابراهيم، بيروت: دار الكتاب العربى، ١٣٨٧ق / ١٩٦٧م.
  ١٠. سيد بن طاووس، رضى الدين على بن موسى (ت ٦٦٤ق)، الطرائف فى معرفه مذاهب الطوائف، تحقيق و نشر: مطبعه الخيام قم، ١٣٩٩ق.
  ١١. سيد بن طاووس، رضى الدين على بن موسى (م ٦٦٤ق)، الطرف من الأنباء والمناقب، تحقيق: قيس العطار، مشهد: تاسوعا، ١٤٢٠ق.
- شامى، جمال الدين يوسف بن حاتم (ق ٧ق)، الدر النظيم فى مناقب الأئمّه اللّه اميم،

١. تحقيق: مؤسسه النشر الإسلامى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ١٤٢٠ ق.

٢. شهيد ثالث، قاضى نور الله شوشترى هندی (م ١٠١٩ ق)، إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل، با تعليقات: سيد شهاب الدين مرعشى، قم: مكتبه آيه الله مرعشى، ١٤١١ ق.

٣. شيخ حر عاملى، محمّد بن حسن (ت ١١٠٤ ق)، وسائل الشيعه، بيروت: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ١٤١٤ ق.

٤. شيخ صدوق، ابوجعفر محمّد بن على بن الحسين بن بابويه قمى (م ٣٨١ ق)، الأمالى، تحقيق: مؤسسه البعثه، قم: مؤسسه البعثه، ١٤٠٧ ق.

٥. ، كتاب من لا يحضره الفقيه، تحقيق: على اكبر الغفارى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى.

٦. ، كمال الدين وتمام النعمه، تحقيق: على اكبر الغفارى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ١٤٠٥ ق.

٧. شيخ طوسى، ابوجعفر محمّد بن حسن (م ٤٦٠ ق)، الامالى، قم: دار الثقافه، ١٤١٤ ق.

٨. ، التبيان فى تفسير القرآن، نجف: مكتبه الأمين، ١٣٨١ ق.

٩. ، مصباح المتهدّج، تحقيق: على أصغر مرواريد، بيروت: مؤسسه فقه الشيعه، ١٤١١ ق.

١٠. شيخ مفيد، محمّد بن محمّد بن نعمان عكبرى (م ٤١٣ ق)، الاختصاص، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: نشر اسلامى، ١٤١٤ ق.

١١. ، الفصول

المختاره من العيون والمحاسن، تحقيق: السيّد ميرعلى الشريفى، بيروت: دار المفيد، ١٤١٤ ق / ١٩٩٣ م.

١٢. ، تصحيح الاعتقاد (مصنّفات الشيخ المفيد)، تحقيق: حسين درگاهى، قم: المؤتمر العالمى لألّفيه الشيخ المفيد، ١٤١٣ ق.

١٣. طبرانى، سليمان بن احمد لخمى (م ٣٦٠ ق)، المعجم الأوسط، تحقيق: طارق بن عوض الله و عبد الحسن بن إبراهيم الحسينى، قاهره: دار الحرمين، ١٤١٥ ق.

، المعجم الكبير، تحقيق: حمدى سلفى، بيروت: دار احياء التراث

ص: ٤٣٨

۱. العربى، ۱۴۰۴ ق.
۲. طبرسى، فضل بن حسن (م ۵۴۸ ق)، اعلام الورى باعلام الهدى، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم: مطبعه ستاره، ۱۴۱۷.
۳. تاج الموالي (طبع ضمن «مجموعه نفيسه»)، قم: مكتبه بصيرتى، ۱۴۰۶ ق.
۴. مكارم الأخلاق، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ۱۴۱۴ ق.
۵. طبرى، عماد الدين حسن بن على (ق ۷ق)، كامل بهايى، تحقيق: اكبر صفدرى قزوينى، تهران: مرتضوى، ۱۳۸۲ ش.
۶. طبرى، محمّد بن جرير (م ۳۱۰ ق)، تاريخ طبرى (تاريخ الامم والملوك)، به كوشش: گروهى از علماء، بيروت: اعلمى، ۱۴۰۳ ق.
۷. جامع البيان عن تأويل آى القرآن (تفسير طبرى)، بيروت: دار الفكر، ۱۴۰۸ ق.
۸. طبرى امامى، محمّد بن جرير بن رستم (م قرن ۵)، دلائل الامامه، تحقيق: مؤسسه البعثه، قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ ق.
۹. عسكرى، حسن بن عبدالله بن سهل (م ۳۹۵ ق)، الأوائىل، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. عصفرى، خليفه بن خياط (م ۲۴۰ ق)، تاريخ خليفه بن خياط، تحقيق: سهيل زكار، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. علامه امينى، عبدالحسين بن احمد (م ۱۳۹۰ ق)، الغدير فى الكتاب والسنة والأدب، بيروت: دار الكتاب العربى، ۱۳۸۷ ق.
۱۲. على، جواد، المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام، بيروت: دار العلم للملايين، ۱۹۷۶ / ۱۹۷۸.
۱۳. عياشى، محمّد بن مسعود سلمى سمرقندى (م ۳۲۰ ق)، تفسير العياشى، تحقيق: هاشم رسولى محللاتى، تهران: المكتبه العلميه، ۱۳۸۰ ق.

۱. عینی، بدرالدین ابومحمد بن احمد (م ۸۵۵ ق)، عمدہ القاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۵ م.
  ۲. فاکھی، محمّد بن اسحاق (م ق ۳ ق)، أخبار مکہ فی قدیم الدھر وحديثه، تحقیق: عبد الملک بن عبد اللہ بن دھیش، بیروت: دار خضر، ۱۴۱۴ ق.
  ۳. قتال نیشابوری، محمّد بن حسن (م ۵۰۸ ق)، روضه الواعظین، تحقیق: حسین الأعلمی، بیروت: مؤسسہ الأعلمی، ۱۴۰۶ ق.
  ۴. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (زنده در ۳۰۷ ق)، تفسیر فرات کوفی، تهران: سازمان چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰.
  ۵. قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمّد تمیمی (م ۳۶۳ ق)، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، تحقیق: سید محمّد حسینی جلالی، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
  ۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: مؤسسہ دار الکتاب، ۱۴۰۴ ق.
  ۷. کلینی، محمّد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
  ۸. مبارک فوری، محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم (م ۱۲۸۲ ق)، تحفه الاحوذی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
  ۹. مجلسی، محمّدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، تحقیق: محمّدباقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
  ۱۰. مسعودی، علی بن حسین (م ۳۴۶ ق)، إثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۹ ق.
  ۱۱. التنبيه و الإشراف، تصحيح: عبد الله إسماعيل الصاوي، قاهره: دار الصاوي، ۱۳۵۷ ق.
  ۱۲. مروج الذهب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰ ش.
  ۱۳. مطهری، مرتضی (م ۱۳۵۸ ش)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۷۷ ش.
- مقریزی، احمد بن علی (م ۸۴۵ ق)، امتاع الاسماع، تحقیق: محمّد نمسی، بیروت:

١. دار الكتب العلميه، ١٤٢٠ ق.

٢. منقري، نصر بن مزاحم (م ٢١٢ ق)، وقعه صفين، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، قم: مكتبه آيه الله المرعشي، ١٣٨٢ ق.

٣. موسوي، سيد فخار بن معد (م ٦٣٠ ق)، إيمان ابي طالب، تحقيق: محمد بحرالعلوم، قم: سيد الشهداء، ١٤١٠ ق.

٤. واقدى، محمد بن عمر (م ٢٠٧ ق)، المغازى و الفتوح و الردّه، تحقيق: مارسدن جونز، بيروت: الأعلمى، ١٤٠٩ ق.

٥. هيثمى، نورالدين على بن ابي بكر (م ٨٠٧ ق)، بُغيه الباحث عن زوائد مسند الحارث، تحقيق: حسين أحمد صالح باكرى،  
مدينه: مركز خدمه السنه والسيره النبويه، ١٤١٣ ق.

٦. ، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤٠٨ ق.

٧.

ص: ٤٤١





سرور زنان قریشی (۱)

گروه تحقیق مؤسسه البلاغ

سخن از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ دختر خویند، سخن از سرور زنان جامعه مکی است که کسی به مقام او از نظر نسب، شرافت و مال و جمال و منزلت اجتماعی نمی رسد. خدیجه قریشی، دختر خویند، پسر اسد عبدالعزی، پسر قصی پسر کلاب، پسر مرّه، پسر کعب، پسر لؤی، پسر غالب قریشی است. از نظر نسبت به یکی از ۲۵ عشیره قریش می رسد و با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در جد اعلا یعنی قصی فامیل و هم ریشه می شود، به طوری که آن حضرت تنها با یک نفر واسطه به قصی می رسد و این گونه با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قرابت و خویشی نزدیکی می یابد. (۲)

مادرش فاطمه دختر زائده، پسر اصم است. نام پدر مادری اش جنذب، پسر هرب، پسر رواحه، پسر حجر، پسر عبد معیص، پسر عامر، پسر لؤی است. چنان که مورخان نگاشته اند: پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، جز خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و ام حبیبه با هیچ زنی از فرزندان قصی ازدواج نکرده است.

همه مزایا و امتیازات برتری اجتماعی از مال و نسب، نیک سیرتی، خوشی شهرتی، جمال و زیبایی برای آن حضرت فراهم بود. ایشان از نظر منزلت و مرتبت اجتماعی به مال و نسب و خوش شهرتی و نیک نامی جایگاهی بزرگ در جامعه مکی داشت. سیره نویسان در کتب سیره با عباراتی از منزلت ایشان یاد می کنند که گویای برتری شخصیت آن حضرت در

ص: ۴۴۳

۱- حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ، ترجمه محمود شریفی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص

۱۰۰۳۱.

۲- . ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۴.

جامعه مکی بوده است.

ابن اسحاق سیره نویس می نویسد: «خدیجه بنت خویلد، زنی بازرگان و تاجر، دارای ثروت و مال بود و مردان را برای کار تجارت به مزد می گرفت و با آنان مضاربه می کرد و قسمتی از سود را طبق قرارداد به آنان می داد.»<sup>(۱)</sup>

حلبی شافعی در کتاب سیره خود در توصیف خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می نویسد: «نفیسه دختر منیه، خواهر یعلی که از زنان هم عصر خدیجه است، نقل می کند که گفت: خدیجه دختر خویلد زنی دورانیش، قوی و شریف بود و در زمان خودش از نظر نسب متوسط زنان قریش و از نظر شرف اعظم و از نظر مال ثروتمندتر و از نظر جمال نیکوترین بود. در جاهلیت او را طاهره می خواندند، که نشانه پاک دامنی او بود.»<sup>(۲)</sup>

در نسخه دیگر آمده است: «به او سرور زنان قریشی می گفتند.»<sup>(۳)</sup>

ابن اثیر می نویسد: «زبیر می گوید: خدیجه در جاهلیت طاهره خوانده می شد.»<sup>(۴)</sup>

ابومحمد عبدالعزیز بن الاخضر الجنازیدی، در کتاب «المعالم العتره النبویه» در توصیف خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می نویسد: «خدیجه زنی دورانیش و خردمند بود و در آن زمان از نظر نسب متوسط و از نظر شرف اعظم و از نظر مال دارترین ایشان بود.»<sup>(۵)</sup>

خویلد، پدر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، یکی از مردان قریش است که تاریخ مکه مکرمه داستان ها و خاطرات مهم و تأثیرگذاری از او را ثبت کرده است. دفاع جانانه خویلد از کعبه در زمان هجوم و لشکرکشی تبع (حمله ابرهه) زمانی که می خواستند حجرالاسود را به یمن منتقل کنند، از نمونه های دفاعی جانانه و خدمات او است.

خویلد در آن زمان رهبری گروهی از مردان قریش را به عهده داشت و با تبع جنگید تا

ص: ۴۴۴

۱- ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲- حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبيه، ص ۱۳۷.

۳- همان.

۴- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، حرف خ.

۵- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۹.

نگذارند حجر الاسود را بگیرند و از کعبه به یمن منتقل سازند. پس خدا نخواست تا نقشه شوم تبع تحقق یابد و سرنوشت نگذاشت تا آنان مقصود خودشان را برآورده سازند.

ابن اثیر می نویسد: او (خوینلد) کسی است که با تبع جنگید زمانی که خواستند حجرالاسود را بگیرند و به یمن ببرند. در آن زمان خوینلد با گروهی از قریش مقاومت کردند. سپس تبع در خواب چیزی دید که او را هراسان و وحشت زده کرد. پس دست از آن برداشت و حجرالاسود را در مکانش رها کرد و رفت.

موقعیت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در میان جامعه مکی و قومش این گونه بود: زنی اصیل زاده و با خانواده ای ریشه دار که او را در میان مردمش بزرگ ساخت و مردمان به این بزرگی ها او را طاهره و سرور قریش نامیدند.

سیره نویسان می گویند که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنی ثروتمند و بازرگان بود و در جامعه تجاری مکه به تجارت و بازرگانی اشتغال داشت و با ثروت و مالش سرمایه گذاری و مضاربه می کرد و با دانش و خرد تجاری اش و نیز توانایی و برتری اش در این رشته، اقتصاد و شرکتش را خوب مدیریت می کرد و بر ثروت خویش می افزود.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در کار تجاری سابقه دار و ریشه دار و موفق بود؛ چنان که از نظر اجتماعی نیز زنی دارای جایگاه اجتماعی برخاسته از خانواده اصیل و ریشه دار بود. تاریخ چنان که بعضی از محققان ذکر کرده اند، نقل نکرده که ایشان معاملات ربوی داشته باشد، بلکه تجارتش را از راه کارگران و سهامداران تجاری با سهم و قسمتی از سود و بهره مدیریت می کرد. تجارتش میان شام و مکه بود؛ چنان که بازرگانان قریش این شیوه تجاری و بازرگانی را انجام می دادند. این پدیده ای بود که قرآن در توصیف آن می فرماید:

(لِإِيْلَافٍ قُرَيْشٍ \* إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ؛ (۱) برای الفت دادن قریش، الفت دادنشان در کوچ زمستانی (به سوی یمن) و کوچ تابستانی (به سوی شام)).

ریشه و خاستگاه ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، ثروت خانوادگی اش بود و آنچه این مطلب را تأیید

ص: ۴۴۵

می کند، این که پسر برادرش حکیم بن حزام، تاجری ثروتمند بود. او کسی است که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را در مدینه از احتکار غذا بازمی داشت، چرا که تنها تاجری بود که مواد غذایی را در اختیار داشت و هر چه وارد بازار مدینه منوره می شد، خریداری می کرد، از این رو در احتکار و نرخ گذاری دستش باز بود و حاکمیت بازار را برعهده داشت.

برخی از روایات بیان می کند که خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ اموال زیادی را از همسرش پیش از ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به ارث برده بود. این روایات بیان می کند که خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ با ابی هاله ازدواج کرد و پس از مرگ وی با عتیق ازدواج کرد. این پیش از آن زمانی است که آن حضرت با رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ازدواج نماید.

البته روایات دیگری که در آینده نقل خواهد شد این مطلب را می رساند که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در حالی که دوشیزه بود ازدواج کرده است، نه آن که او زنی بیوه باشد.

### آغاز سرنوشت

در باشگاه ها، انجمن ها، مجالس و محافل، همه مردم از ثروتمند، بازرگانان و کارگران و خدمه تجاری و از نزدیکی حرکت کاروان های تجاری به سوی شام سخن می گفتند. آنان همگی اتفاق داشتند که این سفر تجاری برایشان کالا و سود زیادی را به ارمغان خواهد آورد. مکه در منطقه ای قرار داشت که زندگی مردمان با بازرگانی و تجارت سپری می گشت. از این رو، برای قریش امور تجاری و آوردن کالا بسیار بااهمیت بود.

در این میان، خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ یکی از برجسته ترین بازرگانان مکه نیز در جست و جوی کارگزاران و سهام داران بود.

پس

خدیجه مثل همیشه در اندیشه بود تا کاروانی تجاری را به سوی شام حرکت دهد. او در جست و جوی کارگزاران و سهام دارانی بود تا در این امر با او مشارکت کنند؛ یعنی کسانی که بتوان به امانت داری ایشان اطمینان کرده و صلاحیت تجاری و همراهی با ایشان را داشته باشند.

محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جوانی از بازرگانان مکه بود که جدش عبدالمطلب رهبر قریش و سرور بنی هاشم بود. از نظر خویشاوندی با هم بسیار نزدیک بودند و خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ خود او را از نزدیک

می شناخت. مردم از صداقت و راستی و امانت داری اش سخن می گفتند و او را به خوش خویی و خردمندی و توانایی می ستودند.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در جست و جوی امانت داری بود که مالش را حفظ کرده و توانایی و صلاحیت تجاری داشته و بتواند سودی را برای او کسب کند و آدم خوش خویی که بتواند روابط خوبی را با دیگر بازرگانان و ثروتمندان برقرار سازد. اما کدامین تاجر و بازرگان حاضر بود که عقد قراردادی با او ببندد و مالش را تسلیم او نماید؛ هر کسی نام ها و نشانه های مطلوب خود را می جست و پیشنهادی را عرضه می کرد و کسانی را برای این مسئولیت مهم نامزد می کردند. هر کسی شخصی را که شایسته این امور و شروط می دانستند معرفی می کردند و می گفتند که آنان می توانند اهداف تجاری از سود و امانت و مدیریت درست را برآورده ساخته و تحقق بخشند.

خدیجه همه این ها را سبک و سنگین می کرد، ولی کسی را جز محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیافت که بتواند این مسئولیت خطیر را برعهده گیرد. از این رو انتخابش جز محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نبود تا به عنوان شریک تجاری امین، عهده دار این مسئولیت باشد.

پس باید دیدار و ملاقاتی با محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می داشت. ملاقات و دیدار با کسی که قلب و جان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را به وثاقت و قناعت پر کرده بود. پس خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ کسی را نزد محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرستاد و او را برای دیدار و تفاهم و عقد قرارداد فراخواند.

محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به درخواست خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پاسخ مثبت داد و با او دیدار کرد و به پیشنهادش گوش داد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیشنهاد کرد که مالی را به او بسپارد(۱) تا آن را مال التجاره قرار داده و برای تجارت به شام برود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیشنهاد داد سودی به او بدهد که بیش از سودی است که دیگران در سفرهای تجاری پیشین به او می دادند. او هم چنین پیشنهاد کرد تا میسر غلام ویژه اش او را در این سفر تجاری همراهی کند و در طول سفر در خدمت ایشان باشد و

ص: ۴۴۷

۱- در بعضی روایات آمده، که ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ پیشنهاد کرد و از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خواست که مالی را در اختیار پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قرار دهد که او تجارت کند؛ همان گونه که در بعضی از روایات هم آمده، که ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ به پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیشنهاد کرد با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تماس بگیرد و از او بخواهد که مال التجاره در اختیار او بگذارد تا او کار تجاری انجام دهد.

نیازهای شخصی اش را برآورده نماید و در این سفر سخت و دشوار کمک کار و یار و یاور او باشد و این که غلامش زیر نظر و تحت فرمانش عمل کند و کارهایش را انجام دهد.

در آن زمان حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و عمویش ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام، شرایط سخت مالی را می گذراندند؛ به طوری که ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام به برادرش عباس بدهکار بود و توانایی پرداخت بدهکاری اش را نداشت، از این رو از مسئولیت سقایت حجاج به نفع عباس کناره گرفت؛ زیرا توانایی مالی نداشت و نمی توانست از عهده بدهکاری برآید و روز به روز بدهکاری اش افزایش یافته بود.

پس

محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز در مشکل اقتصادی و مالی بود. او نیز مانند عمویش ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام نیازمند مال و در آمدی بود؛ زیرا آن حضرت در خانه عمویش می زیست و مشکلات اقتصادی خانواده بر دوش او نیز سنگینی می کرد. از برخی از روایات چنین برمی آید که ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام از برادرزاده اش محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواست تا به تجارت با خدیجه عَلَيْهِ السَّلَام بپردازد؛ چرا که فشار اقتصادی خانواده را دربر گرفته بود و به تنهایی نمی توانست از عهده هزینه ها مخارج برآید.

محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به مشارکت تجاری با خدیجه عَلَيْهِ السَّلَام پاسخ مثبت داد و عقد قراردادی بسته شد و محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مسئولیت مال و کاروان خدیجه عَلَيْهِ السَّلَام را به دست گرفت، و به سوی شام در سفر تجاری تابستانی حرکت کرد. قریش بر پایه سابقه تجاری با شام، تابستان به این سمت و سو می رفت. کاروان کالا و اثاث صادراتی مکه به شام را حمل می کرد. پس از مدتی این قافله به شام و بازار بصری (۱) رسید. این بازار معروف در شام و مرکز خرید و فروش در منطقه بود.

معاملات پرسود و سودها نیز دور از انتظار بود. محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیازهای بازار مکه را خریداری کرد و به سرزمین مقدس مکه بازگشت. کاروان پربار آهسته راه می پیمود و به آرامی از میانه بیابان و گرمای تابستان شام و صحرای عرب می گذشت. کاروان با آن آرزوها و آمال پاک و زیبای خدیجه عَلَيْهِ السَّلَام به حرکت درآمد؛ بلکه در حقیقت با این حرکت قلب خدیجه عَلَيْهِ السَّلَام و عشق راستین و پاکش به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هم به سیر و حرکت درآمد. او در انتظار قافله و کاروان و آمدن محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لحظه شماری می کرد. بی گمان تقدیر نهران و سرنوشت پنهان، پشت پرده های غیب

ص: ۴۴۸

۱- . طبرسی نقل کرده که کاروان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به بازار خمашه در شام رسید، ص ۱۳۹.

با کاروان تجاری نهان شده بود. در آن زمان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ خود را برای دیدار و ملاقات از نزدیک با مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آماده می ساخت.

راویان رخدادها و حوادث سفر تجاری پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و هم چنین درخواست خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و ازدواجش با مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را توصیف کرده اند. آنان همگی بر این مطلب اتفاق نظر دارند که علت و منشأ ازدواج آن دو، شکل گیری علاقه ای در جان و روح خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نسبت به شخصیت مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از مشارکتش در فعالیت بازرگانی و سفر تجارتی بوده است. تحلیل و ارزیابی چگونگی نشأت گرفتن این روابط تجاری میان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و حضرت مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در برخی روایات مانند آن چیزی که ابن هشام در سیره خودش نقل می کند نشان می دهد که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می کوشید به مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نزدیک تر شود و او است که درخواست ازدواج را از طریق روابط تجاری برنامه ریزی کرده بود.

پس خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مقام و منزلت بلند و رفیع شخصیت پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به خوبی می شناخت؛ چرا که مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرزند مکه و پسرعمویش و فرزند سرور قریش بود و آن دو از نظر نسب خویشاوندی نزدیک بودند و تنها این فعالیت تجاری موجب این شناخت و معرفت نبود؛ بلکه از راه این رابطه تجاری و این شناخت جدید بود که او درخواست می کند که مسئولیت کاروان تجاری اش را بپذیرد تا بیش از مزد و سودی که دیگران پرداخت می کنند به او بپردازد.

از نظر منزلت اجتماعی و مالی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ کسی است که جامعه مکی او را طاهره و سرور زنان قریش می نامند. چنین خدیجه ای در اندیشه بود تا با مردی چون مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ازدواج کند که در شرافت و خویش خویی و شهرت نیک همانندی نداشت. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ جوانان قریش را می شناخت؛ چنان که مردان برجسته و ثروتمندان و صاحب منصبان مکه را می شناخت. بسیاری از بزرگان قوم دست خواستگاری برای همسری به سوی او دراز کردند، ولی ایشان به درخواست همه آنان دست رد زد.

اینک کاروان با سود فراوان بازگشت و با خود خبر شهرت و پاکی و پاک دامنی مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را آورد؛ چرا که غلام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، میسره از آنچه از بزرگواری و عظمت این مرد دیده بود،

گزارشی داد و از سلوک رفتاری و اخلاقش، شگفتی های بسیاری گفت که در مردان دیگر هیچ طاقت نمی شد.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همان طوری که مال و سودی را دریافت کرد، که به دست مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زیاد شده بود، اعتماد و آمال و آرزوهایش در حق مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رشد و زیادت تر شده بود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از او مال بسیاری را دریافت کرد که البته نهایت آرزوی وی نبود، بلکه او تلاش می کرد تا مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به همسری خود درآورد و او را شریک زندگی خویش قرار دهد. این اندیشه ای بود که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بدان می اندیشید و در باره آن فکر می کرد و برای رسیدن به این هدف در زندگی اش تلاش می کرد.

## خواستگاری و ازدواج

مرحله جدیدی در زندگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با تفکر و اندیشه جدی در باره همسری مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همراه با رسیدن به آن حضرت پیش آمد، پس پیشنهاد به وی آغاز شد. این همان علتی است که آرزوهای بزرگی را در جان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برانگیخت.

مورخان دو روایت مختلف از چگونگی پیشنهاد و عرضه درخواست ازدواج به مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سخن گفته اند.

ابن هشام در کتاب سیره نبوی خودش می نویسد که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ کسی را نزد مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرستاد و خواستار دیدار شد و سپس موضوع ازدواج را عرضه داشت و آن را مطرح و پیشنهاد کرد. وی عبارات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را نقل می کند که دلالت بر شخصیت و سطح آگاهی اجتماعی و فهم ایشان در باره مرد مناسبی دارد که می تواند شریک زندگی اش باشد.

این خواستگاری، یعنی خواستگاری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و درخواست همسری در سیره پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اساس تشریح را نیز تشکیل می دهد تا آن جایی که اسلام به زن عاقل و رشید این حق را بدهد که از مردش خواستگاری کند و خودش درخواست ازدواج را مطرح سازد.

پس این وقایع اگر چه قبل از پیامبری آن حضرت بوده، ولی هرگز پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کاری را پیش از پیامبری که مخالف با پس از آن باشد، انجام نداده است. از این رو شریعت اسلامی و



قانون آن پس از نبوت، این حق را تثبیت می کند و چنین شرط نمی کند که مرد باید آغاز به خواستگاری کند، هر چند که عرف اجتماعی بر آن بوده است.

ابن هشام نصوصی را مطرح و نقل می کند که دلالت بر ارائه پیشنهاد و خواستگاری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دارد. بر اساس این گزارش ها، این خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ است که از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می خواهد تا با ازدواج با وی موافقت نماید.

ابن هشام می نویسد: «خدیجه نزد پیامبر کسی را فرستاد و به او گفت (آن چنان که گمان می رود): ای پسر عمو! به جهت خویشی و جایگاه تو در قوم و امانت داری و نیک گفتاری به تو علاقمندم. سپس خودش را به ایشان عرضه داشته و پیشنهاد داد و خدیجه در آن زمان از نظر نسب جزو زنان متوسط و از نظر شرف بزرگ ترین و از نظر مال دارترین در میان قومش بود به طوری که همه قوم خواستار ازدواج با ایشان بودند، هر چند که به آن آرزو نمی رسیدند و به آن حضرت دسترسی نداشتند.» (۱)

بر پایه این مبنا حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شوهرش را اختیار و انتخاب کرد. خاستگاه انتخاب آن حضرت ارزش های اخلاقی و کمالات شخصیتی است. انگیزه آن حضرت، ثروت و مال نبود چرا که وی از ثروتمندان مکه و سرمایه دارترین بازرگانان آن شهر بود.

البتة

روایتی دیگر نیز از این سخن می گوید که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به طور مستقیم از محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواستگاری نکرد، بلکه یکی از زنان را واسطه در این کار قرار داد که نامش نفیسه دختر هنیه است.

ابن اثیر نوشته است: «خدیجه کسی را نزد پیامبر فرستاد و پیشنهاد خویش را عرضه داشت و واسطه میان خدیجه و پیامبر، نفیسه بنت هنیه خواهر یعلی بن هنیه بود. نفیسه در روز فتح مکه اسلام آورد و پیامبر به او نیکی کرد و بزرگ و گرامی اش داشت.» (۲)

ابن سعد در طبقات به طور تفصیل به این وساطت اشاره کرده است. وی می نویسد:

محمد بن عمر بن واقد اسمعی، از موسی بن شیبه، از عمیره بنت عبیدالله بن کعب بن

ص: ۴۵۱

۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۴۰.

مالک، از ام سعد بنت سعد بن ربیع، از نفیسه بنت هنیه نقل می کند که او گفت: خدیجه بنت خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی، زنی دوراندیش، قوی و شریف و دارای همه کمالاتی بود که خداوند برای یک زن از کرامت و خیر بخواهد. او در میان زنان قریش آن روزگار از نسبی میانه و متوسط، شرافتی بزرگ و مالی بسیار برخوردار بود و همه قومش آرزوی ازدواج با او را داشتند که اگر می توانستند این کار را می کردند، و او را می خواستند و برایش مال بسیار، بذل و بخشش می کردند.

نفیسه می گوید: پس خدیجه برای زمینه چینی مرا به سوی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرستاد و این زمانی بود که آن حضرت همراه کاروان تجاری خدیجه از شام بازگشته بود. پس گفتم: ای محمد! چه چیزی مانع از ازدواج تو است؟

ایشان گفت: چیزی ندارم تا بدان ازدواج کنم.

گفتم: اگر مالی کافی باشد و تو را به جمال، مال و شرف و دارایی بخوانند، پاسخ می دهی؟

گفت: آن زن کیست؟

گفتم: خدیجه.

فرمود: این چگونه ممکن است؟

گفتم: آن با من.

گفت: من حاضرم.

پس نزد خدیجه رفتم و خبر موافقت را دادم. پس فردی را به سویش فرستاد و گفت فلان ساعت بیا. (۱)

این گونه رضایت آن حضرت فراهم شد و اوضاع برای ازدواج و همسری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فراهم آمد؛ همسری که یاورش بود و محبت خویش را به او بخشید و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز محبت صادقانه و پاکش را به سوی او سرازیر کرد تا خانواده نمونه ای را در جهان انسانیت و

ص: ۴۵۲

---

۱- ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۲.

بشریت بنا گذارند. پس در این هنگام بود که خواستگاری به شکل عرف جامعه آن روز مکه انجام گرفت.

محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از جا برخاست و سمت خویشان خود حرکت کرد و با عموهاش در باره پیشنهاد خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ و درخواست ازدواجش سخن گفت تا هیئتی از بنی هاشم متوجه خانه خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ برای خواستگاری و درخواست ازدواج با محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شوند. پس عموها نیز بدون اعتراض و بحثی به آن حضرت پاسخ مثبت دادند؛ چرا که خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ از زنانی نیست که سران بنی هاشم در باره ازدواجش با محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اعتراضی داشته باشند. این گونه بود که ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و حمزه در هیئتی به خانه خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ حرکت کردند و مجلسی با حضور آنان برپا شد و ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ درخواستش را به خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ و عمویش عمرو بن اسد در میان گذاشت؛ چرا که در آن زمان پدر خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ پیش از جنگ «فجار» در گذشته بود.

ابن کثیر در کتاب بدایه و نهایه می نویسد: موملی گفت: عموی خدیجه عمرو بن اسد کسی است که خدیجه را به عقد ازدواج محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درآورد.

سهیلی نیز این قول را ترجیح داده است و ابن عباس و عایشه از او حکایت کرده اند. عایشه گفته است: خویلد قبل از جنگ فجار مرده بود. (۱)

اول حضرت ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ سخن گفت و خواستگاری رسمی را در مجلسی انجام داد که بزرگان قریش و بنی هاشم در آن بودند. وی گفت:

ستایش خداوندی را که ما را از فرزندان ابراهیم و اسماعیل قرار داد و ما را در معدن نور و عنصر اصلی قرار داد و حضانت خانه اش را بر دوش ما گذاشت و به خدمت حرمش گماشت و آن را برای ما خانه محبوب و حرم امن قرار داد و حاکمان بر مردم کرد. این برادرزاده ام محمد بن عبد الله است که از نظر شرافت، بزرگی، فضل و عقل، هیچ مردی به ارزش و وزنش نرسد و اگر چه از نظر مالی چنین نیست، اما مال و ثروت سایه گذرا، امری حایل و عاریه ای است که باید بازپس داد. به خدا سوگند! خبر عظیم و تمام بزرگی و ارج و منزلت برای او است. او خواستگار کریمه شما خدیجه

ص: ۴۵۳

۱- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه النهایه، ج ۲، ص ۳۶۲.

است و میل به او دارد و برای صداق و مهریه از «دوازده اوقیه و نش» بذل می کند نش بیست درهم و اوقیه چهل درهم است و اوقیه هاونش از زر و طلا است چنان که محب طبری گفته است پس کل مهریه خدیجه پانصد درهم شرعی است.

البته گفته شده مطلب درست تر آن که صداق آن حضرت بیست شتر جوان بود، اما چنان که گذشت، می توان گفت: منافاتی در میان این دو قول نیست؛ زیرا می تواند شترهای جوان به عنوان عوض از مهریه یاد شده باشد.

و برخی دیگر نیز گفته اند: ممکن است ابوطالب عَلِيهِ السَّلَامُ صداق و مهریه اش را همان مقدار قرار داده باشد، ولی پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) خودش، آن شتران جوان را به مهریه افزوده باشد. پس همه این مطالب و میزان مهریه می تواند درست باشد؛ و خداوند بدان داناتر است.

او

می نویسد: در این هنگام عموی خدیجه عمرو بن اسد گفت: او خود مردی بزرگ است که کسی نمی تواند به زمینش بزند و بر او چیره شود. پس خدیجه را به نکاح او درآورد. (۱)

در

روایات، سن حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را در هنگام ازدواجش با خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ ۲۵ سال گفته اند.

هم چنین

خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ نخستین زنی است که محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با او ازدواج کرد و زمان این ازدواج قبل از تجدید بنای کعبه به دست قریش بود که بر اثر اختلاف میان رهبران قریش، حضرت پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) مشکل گذاشتن حجرالاسود در مکانش را با تدبیر خویش حل و فصل کرد.

بسیاری از روایات بر این نکته اجماع دارند که سن خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در هنگام ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) چهل سال بود، ولی برخی از روایات سن خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ را هنگام ازدواج ۲۵ گفته است؛ چنان که برخی دیگر از روایات نیز سنش را ۲۸ سال بیان کرده است. ابن کثیر بیهقی از حاکم نقل می کند که سن پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در هنگام ازدواج با خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ ۲۵ سال و سن خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ در آن زمان ۳۵ سال یا ۲۵ سال بوده است. (۲)

ابن کثیر نقل می کند که سن خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ هنگام ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ۲۵ سال بوده است. البته

ص: ۴۵۴

۱- . حلبی، علی بن برهان، السیره الحلییه، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲- . ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۲، ص ۳۶۰؛ حلبی، علی بن برهان، السیره الحلییه، ج ۱، ص ۲۶۵.

روایتی هم آن را تأیید می کند. ابن کثیر در کتابش آورده است که: بیهقی از حاکم نقل می کند که به خط ابی بکر بن ابی خثعمه دیدم که از مصعب بن عبد الله زبیری حدیث کرده، او گفته است: خدیجه هنگام وفات و رحلت به ۶۵ ساله رسید؛ و برخی نیز گفته اند که او به پنجاه سال رسیده بود. به نظر می رسد که این درست تر باشد. (۱)

پس صحیح آن است که گفته شود سن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام وفات پنجاه سال بود. روایتی که می گوید او در ۲۵ سالگی با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ازدوج کرده این قول را تأیید می کند؛ زیرا آن حضرت پیش از ازدواج ۲۵ سال و پیش از بعثت ۵۱ سال و ده سال پس از آن زیسته است که روی هم پنجاه سال می شود.

اربلی از ابن عباس نقل می کند که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زمانی ازدواج کرد که وی دختری ۲۸ ساله بود و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) صدق و مهریه اش را دوازده اوقیه قرار داد؛ چنان که مهریه دیگر زنانش نیز این اندازه بود. البته گفته شده است: خدیجه پانزده سال قبل از عام الفیل به دنیا آمد و در چهل سالگی ازدواج کرد و در آن زمان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ۲۵ ساله بود. (۲)

همچنین اربلی از ابن حماد نقل کرده که او گفت: به من چنین رسیده که پیامبر خدیجه را با دوازده اوقیه طلا ازدواج کرد و خدیجه آن زمان ۲۸ ساله بود. (۳)

روایات در مورد سن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هنگام ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مختلف است که بین چهل سال و سی و پنج سال و بیست و هشت سال و بیست و پنج سال دور می زند.

روایات بیان می کنند که مهریه زنان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و دخترانش پانصد درهم بود. حماد بن عیسی از ابی عبد الله امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ نقل می کند که از ایشان شنیدم که می گفت: پدرم گفت: پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دیگر دخترانش را جز به همین مهریه به عقد کسی درنیآورد و زنی را نیز به بیش از دوازده اوقیه و نش به تزویج خوش درنیآورده است. (۴)

اما مسئله دیگر که روایات از آن سخن می گوید این است که آیا حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با

ص: ۴۵۵

۱- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۲، ص ۲۶۴.

۲- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۹.

۳- همان، ص ۱۳۶.

۴- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۲۰.

رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در حالی ازدواج کرد که دوشیزه بود یا آن که زنی بیوه بود؟

روایات در این زمینه اختلاف دارد. برخی از روایات می گویند که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پیش از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ازدواج کرده و برخی می گویند که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه دوشیزه ازدواج کرده است.

به عنوان نمونه در برخی روایات آمده که: خدیجه بنت خویلد نخست در مکه ازدواج کرد؛ آنان می گویند: خدیجه همسر عتیق بن عائذ مخزومی بود. وی سپس با ابی هاله زراره بن نبائی اسدی ازدواج کرد.

احمد بلاذری و ابوقاسم کوفی در کتاب های خودشان و مرتضی در کتاب شافی و ابوجعفر در کتاب تخریص آورده اند که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ازدواج کرد در حالی که دوشیزه بود. (۱)

در باره همین مسئله گزارشی است که می گویند: عایشه دختر ابوبکر با پیامبر در حالی ازدواج کرد که او دختر هفت ساله بود. این ازدواج در سال پیش از هجرت بوده است؛ ولی گزارشگری دیگر گفته است: عایشه دختری شش ساله بود که پیامبر در ماه شوال با او در مدینه ازدواج و زناشویی کرد و عایشه آن زمان نه ساله بود و این که غیر از عایشه آن حضرت با دوشیزه دیگری ازدواج نکرد. (۲)

به هر حال ازدواج پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ صورت گرفت و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواست تا به خانه اش منتقل شود تا در آن خانه سعادت و خوشبختی، با همدیگر بر اساس محبت و وفاداری زندگی کنند. بی گمان این بزرگ ترین خانه ای است که بر روی زمین ساخته شده است؛ چرا که حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از نظر اخلاقی همسر نمونه بود و ایشان روابط زناشویی را بر اساس محبت، وفاداری، بذل و بخشش و همراهی در کنار شوهر در سخت ترین برهه های زندگی و مشکلات و محنت ها به نمایش گذاشت. چنان که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز عواطف پر از مهر و محبت و احترام خویش را با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مبادله می کرد. این عشق و دلدادگی چنان استوار و محکم بود که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بارها پس از وفات و رحلت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ این جمله معروف را بر زبان می راند که: «من دوستان خدیجه را به

ص: ۴۵۶

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ۱.

۲- . همان.

خدیجه دوست می دارم.»

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در دو مقطع از زندگی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مشارکت داشت: دوره دارایی، راحتی و استقرار و امنیت و آرامش و آسایش؛ و دوره رسالت، دعوت، جهاد، مبارزه و تحریم.

شرایط سخت محنت و سختی و دشواری جهاد و مبارزه جز بر محبت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و ایستادگی در کنار آن حضرت و فداکاری در راه اهدافش نیافزود.

ابن هشام در توصیف علاقه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و زندگی با آن حضرت در محیط خانوادگی می نویسد: «خدیجه بنت خویلد به آن حضرت ایمان آورده و بر آورده هایش از سوی خدا تصدیق کرد و بر امر رسالت و دعوت، پشتیبانی و یاری رساند در حالی که او نخستین کسی است که به خدا و رسالت رسول ایمان آورد و او را تصدیق کرد و این گونه خداوند به کمک و یاری خدیجه کار رسالت را بر پیامبرش آسان کرد، به طوری که پیامبر چیزی از سخنان و رفتارهای ناخوشایند از رد و تکذیب نمی شنید و امری ایشان را محزون نمی کرد، مگر آن که به واسطه خدیجه آن حزن و اندوه از دل آن حضرت برداشته می شد و خدیجه گشایشگر و آرامش بخش او می شد.»<sup>(۱)</sup>

از این رو است که آن حضرت استحقاق یافت تا به عنوان بزرگ زنان زمینیان و برترین زنان بهشت و الگو و نمونه آنان معرف شود؛ چنان که مستحق آن شد تا درود و تحیت پروردگارش را دریافت کند که جبرئیل از سوی خدا به سوی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آورده بود.

و به همین دلیل است که آن حضرت سزاوار آن شد و استحقاق آن را یافت تا به خانه ای از در بهشت بشارت و مژده داده شود که در آن هیچ سختی و رنجی نیست؛ زیرا هیچ روزی ایشان در برابر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به سبب مشکلات و سختی ها تند و خشمگین نشد و خشن برخورد نکرد، و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از او چیزی ندید که او را به تشویش و نگرانی افکند و یا صفای زندگی اش را در طول مدت زندگی اش مکدر و تیره نماید؛ بلکه آن حضرت همواره محبت خودش را به او پیش کش می کرد و در همه حال یاری اش می رسانید و دردها و رنج هایش را در زمانی کاهش می داد که درگیری با دشمنان رسالت و پیامبری به اوج می رسید و او را می آزرده.

ص: ۴۵۷

این سیره و رفتار خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود به طوری که پروردگار کریم او را می ستاید و زبان پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در تمام طول زندگی اش در ستایش ایشان به حرکت درمی آمد. پس این زن گرامی و بزرگوار بود که هرگز از قلب و خاطرۀ پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) غایب نشد.

### خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ زنی ثروتمند و بزرگ بود که در مکه خانه ای اصیل و اشرافی داشت؛ چرا که از ثروتمندترین بازرگانان قریش بود. ایشان حتی از نظر ثروت و دارایی از برترین های قریش بود؛ چرا که حجم مبادلات او بالا بود و ارزش تجارتنی اش در برخی سال ها که به خارج مکه حرکت می داد، معادل کل تجارت قریش برآورده شده است.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ که اکنون خداوند برایش شرافت همسری پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را خواسته بود، همه محبت و مالش را به مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خالصانه می بخشید. مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در خانه عمویش ابی طالب ۷ زندگی فقیرانه ای داشت، او در بیست و پنج سالگی از عمر مبارکش بی ثروت و بدون خانه بود.

وقتی خواستگاری تمام شد و عقد ازدواجش در محضر سران قریش و بزرگان بنی هاشم بسته شد، بر پایه سنت های ازدواج و تشکیل کانون خانواده زن باید به خانه شوهرش منتقل شود، این در حالی است که خدیجه او را برای اقامت با خودش به خانه اش خوانده بود. این همان خانه ای است که در نهایت مسجدی جاودانه شد و جزئی از تاریخ و میراث درخشان باشکوه امت در آمد.

محمّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در فضای چنین خانه ای با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با خوشبختی می زیست و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با همسر گرامی اش مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سعادتمند زندگی می کرد. این خانه هم چون یک وادی سبز در صحرای تاریخ بود که نور را در تاریکی مکه پراکنده ساخت.

روزها و سال ها گذشت و تاریخ پانزده سال از عمر این خانه و خانواده بی نظیر را بر روی این سیاره نگاشت. این در حالی بود که زمین با آرزوی روشن منتظر درخشش وحی بود. این گونه بود تا این که مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به رسالت مبعوث شد و پیامبری و دعوت به توحید و اسلام از این خانه آغاز گردید و در پیرامون این خانه، حوادثی بزرگ رقم خورد و رنج ها و دردهای



بسیاری خانه و اهلش را فراگرفت به طوری که رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همواره در طول مدت پیامبری در مکه با اذیت و آزار همسایگان و خویشان مواجه بود.

این اذیت و آزارها از سوی خویشانی بود که با او نسبت خویشاوندی داشتند و چرا که عموی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همسایه اش بود و او را زیر نظر گرفته و با سنگ می زد و عدی بن ابی الحمرء ثقفی نیز که خانه اش در آن نزدیکی بود، ابولهب را در این اذیت و آزار همراهی می کرد. این اذیت و آزار در زمانی به وقوع پیوست که آن حضرت به میان آنان بیرون می آمد و آنان را به اسلام و ایمان می خواند و با آنان در باره دین و توحید احتجاج می کرد و آنان را به آنچه از احساسات و عواطف انسانی، وجدان و اخلاق اجتماعی و ارزش های نیک مانند گار فرامی خواند و از آنان می خواست تا به اصول ارزشی انسانیت که هنوز محل احترام مردم و جامعه بود، رو آورند و به ارزش های انسانی پاسخ مثبت دهند.

آن حضرت در میان این مردمان این چنین ندا می داد: ای بنی عبدالمطلب! این چه همسایه ای است. پس این رفتار بد و زشتی است که در میان عرب مرسوم و معمول نبود آنان به حمایت از همسایه و احترام به همسایه معروف بودند.

ابن اثیر در توصیف این خانه جاودانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در تاریخ بشریت چنین سخن می گوید: «منزل خدیجه تنها منزلی است که امروز معروف و شناخته شده است. پس گفته شده که معاویه آن منزل را خرید و آن را مسجدی قرارداد که در آن نماز خوانده شد.»<sup>(۱)</sup>

طبری از این خانه تاریخی و نشانه هایش این چنین می نویسد: «منزل خدیجه امروز منزلی شناخته شده است که به نام منزل خدیجه نام برده می شود. معاویه آن را، چنان که گفته اند، خرید و آن را مسجدی قرار داد که در آن مردم نماز می گزارند. این خانه بر همان حالتی ساخته شده که اکنون است و تغییری در آن داده نشده است؛ اما آن سنگی که در جلوی در خانه در سمت چپ کسی که وارد خانه می شود وجود دارد، همان سنگی است که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در پشت آن می نشست و در آن جا پناه می گرفت و نهان می شد تا از ضربه سنگ

ص: ۴۵۹

---

۱- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۴۰.

پرتابی از خانه ابولهب و خانه عدی بن ابی حمراء ثقفی و پشت خانه ابن علقمه می آمد، در امان باشد. اندازه این سنگ یک ذراع و یک وجب است.»<sup>(۱)</sup>

در

دائرة المعارف عتبات مقدسه آمده است: «از مشاهد مکه که دیدارش رفتیم، خانه وحی بود، این همان خانه ام المؤمنین خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ است. در این خانه بود که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به

رسالت رسید و در آن قبه کوچکی است و در این خانه فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ دختر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مادر سرور جوانان بهشت امام حسن ۷ و امام حسین ۷ به دنیا آمدند. این مکان مقدس از تاراج حوادث روزگار مصون بوده و اکنون بر آن ساختمان و سازه ای در شأن آن ساخته شده است.»<sup>(۲)</sup>

ابوولید ازرقی در کتاب خود، اخبار مکه، از خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سخن گفته و می نویسد: «خانه خدیجه دختر خویلد همسر پیامبر، همان خانه ای است که پیامبر و خدیجه و دو دخترش در آن سکونت داشتند و خدیجه همه فرزندان را در آن جا به دنیا آورده و در همان جا نیز وفات یافت و پیامبر نیز تا زمان مهاجرت به مدینه در آن زیست. سپس عقیل بن ابی طالب آن را از وی گرفت و بعدها، معاویه از او در زمان خلافت خودش خرید و خانه را مسجدی قرار داد که در آن نماز خوانده می شد. معاویه بنایی را بر آن ساخت، بدون آن که حدود آن را که در زمان خدیجه بود، تغییر دهد. او در این امر از افرادی از اهل مکه استفاده کرد که اهل وثاقت بودند. البته معاویه در آن خانه دری را به سوی خانه ابوسفیان بن حرب گشود که امروز نیز باقی است.»<sup>(۳)</sup>

این همان خانه ای است که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در روز فتح مکه فرمود: هر که به خانه ابوسفیان وارد شود در امان است.

و این خانه ابوسفیان همان خانه ای است که امروز به عنوان خانه «ربطه بنت ابی العباس امیر المؤمنین» شده است.

ص: ۴۶۰

۱- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۲۶.

۲- خلیلی، جعفر، موسوعه عتبات المقدسه، ج ۲، ص ۱۱۶، بخش مکه.

۳- روشن است که این خانه در زمان گوینده بوده، ولی متأسفانه وهابی های منحرف همه این آثار را از بین بردند، مترجم.

در خانه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سنگی صاف و بزرگ بر کنار دیوار است که در آن جا پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سکونت داشت.

اکنون جلوی این لوح سنگی، مسجد قرار داده شده است و این تخت سنگ بزرگ در روبه روی دیوار بر روی زمین قرار گرفته است. اندازه آن به میزانی است که یک مرد روی آن بنشیند و از نظر اندازه، یک ذراع در یک ذراع و یک و جب است.

ابوالولید می نویسد: از جدم احمد بن محمد و یوسف بن محمد بن ابراهیم و غیر آن دو از اهل علم مکه در باره این صفحه (و تخت سنگ) پرسیدم و این که چرا آن جا قرار داده شده است؟ من از آنان یا برخی از آنان پرسیدم: از مردم شنیده ام که می گویند: پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پشت آن می نشست و خود را در برابر ضربه سنگ هایی که از سوی خانه ابولهب و عدی ابن ابی الحمراء ثقفی می آمد، حفظ می کرد.

جدم و دیگران این مطلب را انکار کردند و گفتند: این را از کسی شنیده ام که اهل ثبت و ضبط حدیث باشد، ولی از کسانی از اهل علم هستند، این را شنیده ام.

درست ترین مطلبی که بدان در این باره دست یافته ام آن است که اهل مکه تخته سنگ هایی را می آوردند و در خانه هایشان تعبیه می کردند که شبیه تاقچه بود تا اجناس و چیزهایی بر روی آن بگذارند و این گونه آن را از دسترس کودکان و مرغان دور نگه دارند. پس کم خانه ای بود که در آن چنین تاقچه های سنگی نباشد.

جدی می گوید: من برخی از خانه های قدیمی مکه را دیدم که در آنها تاقچه های از سنگ قرار داشت که بر روی آنها بعضی از اجناس و اثاثیه های خود را قرار می دادند. او نوشته است: می گویند این گونه تخته های سنگی در خانه خدیجه نیز بود. (۱)

به هر حال، این خانه تاریخی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به عنوان یک نماد جاودانه هم چنان باقی مانده است تا هم چنان قصه خانه نخست پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را حکایت کند. خانه ای که تاریخ و تحولات عظیم و جاودانه ای را ثبت کرد و با تمام وجودش اطلاعات و دانشی را در باره آنچه در

ص: ۴۶۱

آغازین روزهای اسلام گذشت، حفظ می کند. این همان خانه ای است که نشانه های اذیت و آزار و ستمی که پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تحمل کرد را حفظ می کند تا عبرت مبلغان و مصلحان در طول تاریخ باشد؛ چنان که این خانه نشانه های وحی و محل هبوط جبرئیل ۷ را برای ما و آیندگان حفظ می کند. این ها است که به این خانه قداست خاصی را بخشیده و نورانیت یگانه ای را بدان داده است.

یکی از بخش هایی که تاریخ فرزندان و جاودانه این خانه تاریخی آن را دربردارد، مکان و جایگاهی است که حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ که ام الائمه و مادر امامان از خاندان پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در آن متولد شده است و هنوز آن مکان و جایگاهی که فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ در آن متولد شده وجود دارد. در آن مکان گنبد و بارگاهی وجود دارد که در کنار گنبدی دیگر در همان خانه قرار دارد که آن مکان نزول وحی بر پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است؛ یعنی جایی که محل نزول فرشته رسالت و مهبط جبرئیل بود؛ و در آن مکان، وحی و رسالت از آسمان فرود می آمد. جایی که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در این تلاقی گاه عالم غیب و شهادت، ناظر و شاهد ماجرا بود.

این گنبد مکان و بقعه مبارکی است که در آن محمّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به همسری هم درآمدند و در آن جبرئیل هبوط کرد و با محمّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سخن گفت و در آن جا بود که جان پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و جگر گوشه اش فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ متولد شد.

این خانه چه بسیار از حقایق تاریخی، اخبار و خاطرات نیک و خیری را با خود همراه دارد. این خانه همان جایی است که نور به ساحل رسید و دعوت از آن جا شروع شده و حرکت و انقلاب اسلامی آغاز شده بود؛ خانه ای که جایگاه محبت، مکان آرامش و آسایش رسول الله(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خانه فرزندان او بود. خانه ای که سکونت نخستین خانواده مسلمانان بر روی زمین، یعنی محمّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود.

## در انتظار وحی

به وعده ات عمل کن ای محمّد!... امروز مکه و این جهان در انتظار بشارتی است و امروز زمان آن است تا این دعای حضرت ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَامُ تحقق یابد. زمانی است که دعای پدر پیامبران پیامبران، یعنی دعا و نیایش حضرت ابراهیم خلیل الرحمان به درگاه الهی پاسخ مثبت گیرد

و به منصفه ظهور رسد.

امروز جهان انتظار می کشد و تاریخ همه کرانه هایش را گشوده است، در حالی که خانه خدا، این بیت الله الحرام، هم چنان گلایه مند از بت پرستی و دوگانه پرستی مشرکان است.

جهان به انتظار آن است که خداوند دعای حضرت ابراهیم علیه السلام را اجابت کند؛ دعا و نیایش حضرت ابراهیم علیه السلام در روزی که دست هایش را برای دعا و نیایش به سوی آسمان بالا برد، در حالی که هاجر و اسماعیل ۷، جد قریش را در کنار خانه خدا در حریم امن حرم سکونت می داد و از خداوند می خواست:

(رَبَّنَا إِنِّي أَسِيَكْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِعَوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ؛ (۱) پروردگارا! من یکی از فرزندانم را در دره‌های بی کشت و زرع، نزد خانه گرامی تو، سکونت دادم. تا نماز را به پا دارند، پس دل های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات مورد نیازشان روزی ده، باشد که سپاس گزاری کنند).

و از خداوند در نیایش خویش خواست تا رسولی در میان ایشان برانگیزد:

(رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ (۲) پروردگارا! در میان آنان، فرستاده ای از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه شان کند، زیرا که تو خود، شکست ناپذیر حکیمی).

و اینک پس از سالیانی بس دراز خداوند دعای ابراهیم علیه السلام را اجابت کرده و این گونه در قرآن نقل می کند و می فرماید:

(هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَ

ص: ۴۶۳

۱- . ابراهیم: ۳۷.

۲- . بقره: ۱۲۹.

يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ (۱) او است آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و آنان قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند).

خداوند بر مردمان منت نهاد و دعای ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ را اجابت نمود:

(لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ (۲) به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد که پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند).

پس وجود حضرت پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در دعای الهام بخش ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ، بیانی از حوادث و برنامه ریزی آینده بشریت از سوی خداوند و بشارت و مژده ای به محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و وعده ای به عرب در حال انتظار بود.

این

حرکت تاریخی از روزی آغاز شد که حکمت الهی به دست حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ تحقق یافت؛ یعین از زمانی آغاز شد که آن حضرت از سرزمین بابل به سوی شهر شام رفت تا رهبری دعوت توحیدی را در شام و مصر به عهده گیرد و در آن جا هاجر را به همسری خود درآورد.

این حرکت عظیم تحول تاریخی از زمانی آغاز شد که حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ با هاجر به سرزمین حرم قدس الهی در مکه بازگشت، هاجر مادر اسماعیل ۷ و محمد مصطفی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گردد؛ آن حضرت آمد تا در آن جا با اسماعیل در پیرامون چشمه زمزم و حول حرم امن الهی مستقر شود. آمد تا اسماعیل در آن جا و در محیط عربی رشد کند تا جایی که به بلوغ کامل رسیده و مستقل شود و پس از آن نیز از امتحان و آزمون سخت الهی و آزمون های بسیار در کنار پدرش سربلند بیرون آید. آمدند تا بیت الحرام و خانه عتیق را تأسیس و بنیان گزارند تا آن

ص: ۴۶۴

۱- . جمعه: ۲.

۲- . آل عمران: ۱۶۴.

خانه خدا به عنوان مکانی امن و جایگاه ثواب و بهره مندی مردمان و محل انوار الهی و نشانه حق گردد.

قرآن همه این احادیث را این گونه ثبت کرده است:

(وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ (۱) و به یاد آور و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه [کعبه] را بالا می بردند [و می گفتند] ای پروردگار ما، از ما بپذیر که در حقیقت، تو شنوای دانایی).

و در آیات دیگر می فرماید:

(وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ \* وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُضَلًّا وَ عَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ \* وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ بئسَ الْمَصِيرُ؛ (۲)

و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید [خدا به او] فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم. [ابراهیم] پرسید: از دودمانم [چطور؟] فرمود: پیمان من به ستمگران نمی رسد. و چون خانه [کعبه] را برای مردم محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم، [دستور دادیم] در مقام ابراهیم، محل نمازی برای خود اختیار کنید \* و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادی مکه، خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه کنید. و چون ابراهیم گفت: پروردگارا، این [سرزمین] را شهری امن گردان، و مردمش را هر کس از آنان که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد از فرآورده های آن روزی بخش، فرمود: و هر کس کفر بورزد، اندکی برخوردارش می کنم. سپس او را با خواری به سوی عذاب

ص: ۴۶۵

۱- . بقره: ۱۲۷.

۲- . بقره: ۱۲۴ ۱۲۶.

آتش [دوزخ] می کشانم، و چه بد سرانجامی است).

هم چنین در جای دیگری می فرماید: «همان کسانی که از این فرستاده و پیامبر درس ناخوانده خط نوشته، کسی که (نام و نشانه های نبوت) او را در نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند پیروی می کنند (پیامبری) که آنها را به هر کار پسندیده فرمان می دهد و از هر کار زشت باز می دارد و پاکیزه ها (مادی و معنوی) را بر آنها حلال می کند و ناپاک و پلیدها (ی مادی و معنوی) را بر آنها حرام می کند، و بار سنگین و زنجیرهایی را که بر گردنشان است (رسوم جاهلیت و احکام سخت شرایع گذشته را) از دوش آنها برمی دارد. پس کسانی که به او ایمان آورند و تعظیمش نمایند و یاریش کنند و از نوری که با او فرورفته شده (کتاب او) پیروی نمایند، آنها را که رستگارند.»<sup>(۱)</sup>

او بشارت الهی بود که پیامبران بزرگ خداوند نیز به پیروی از حضرت ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَامُ در انتظار قدم مبارک ایشان بودند؛ چنان که خداوند می فرماید:

(وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بَيْنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ؛<sup>(۲)</sup> و (به یاد آر) هنگامی که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل، بی تردید من فرستاده خدا به سوی شمایم در حالی که آنچه را پیش از من آمده، که تورات باشد، تصدیق کننده ام و به فرستاده ای که پس از من خواهد آمد، که نام او احمد است، بشارت دهنده ام. پس چون احمد آمد و برای آنان دلایل روشنی آورد گفتند: این جادویی است آشکار).

قریش افتخار می کرد که از فرزندان و نسل ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَامُ است از همین رو، مستبدان و اهل تفاخر از عرب بارها این کلمه و عبارت را تکرار می کردند که ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَامُ پدر ما است و خداوند نیز این فرزندی عرب را این گونه بیان می کند و می فرماید:

ص: ۴۶۶

---

۱- اعراف: ۱۵۷.

۲- صف: ۶.



(وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيُكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ؛(۱) و در راه خدا چنان که حق جهاد [در راه] او است جهاد کنید، او است که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است. آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است] او بود که قبلاً شما را مسلمان نامید، و در این [قرآن نیز همین مطلب آمده است] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید. پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به پناه خدا روید. او مولای شما است چه نیکو مولایی و چه نیکو یاوری).

اکنون زمان اجابت دعای حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرارسیده بود و خداوند بدان پاسخ مثبت داده و مُحَمَّد(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را به سوی آنان فرستاد. از همین رو است که پیامبر(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به قومش چنین فرموده است: من دعای پدرم ابراهیم هستم.

اینک زمان بعثت خاتم پیامبران رسیده بود و این در حالی بود که زمین را ابرهای تیره جهالت و نادانی پوشانده و فریادها و ناله های شکنجه شده به آسمان بی کران بالا-رفته بود و طغیان و سرکشی همه جا را پر کرده و نشانه های روشن دعوت توحیدی ابراهیمی، تحریف و تغییر داده شده و مردم به جهالت و خرافات بازگشته و بنده، بتان شده و به شرک و جاهلیت گرفتار شده بودند؛ این زمانی بود که مردمان، مبتلا و گرفتار به انواع خرافات و اعتقادات گردیده بودند.

آنان گرفتار خدایان تثلیث و سه گانه پرستی، گرفتار خدایی مسیح و عزیز و گرفتار تجسم خدا و گمراهی و ضلالت های دیگر شده بودند.

در چنین روزگاری بعثت پیامبر(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) کاری ناگهانی و دور از انتظار نبود. البته برخی از روایات تحریف شده بر آن دلالت می کند که این امر دور از انتظار بوده است؛ در حالی که

ص: ۴۶۷

۱- . حج: ۷۸.

این دروغی بیش نیست. پس برخلاف محتوای برخی از روایات تحریف شده این گونه نبود که نبوت با هبوط جبرئیل و فرود آن حضرت در غار حرا بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و قرائت آیه: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (۱) شروع شده باشد، بلکه محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از قبل برای پیامبری آماده شده بود؛ چنان که افکار و اذهان مردم برای این امر و پذیرش اسلام، به ویژه از سوی اصحاب کتب آسمانی آماده شده بود، که از این حادثه بزرگ سخن گفته و مردم را برای پذیرش آن آماده می کردند. بنا بر این توجه محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به سوی غار حرا و رفتن ایشان بدان سمت، برای آماده سازی خود و انتظار برای این حادثه بزرگ و در راستای انتظار وحی و رسالت بود.

مورخان و نویسندگان اخبار و روایات می نویسند که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ناگهان با وحی الهی و رسالت مواجه نشد، بلکه نخست رسالت و وحی با رؤیای صادق همراه بود و وحی این گونه آغاز شده بود؛ چرا که رؤیای صادقه اولین درجه وحی و نبوت است.

از امام باقر ۷ روایت است که فرمود:

«رسول کسی است که جبرئیل از پیش روی او می آید و رسول او را می بیند و با او سخن می گوید، اما نبی کسی است که او را در خواب و رؤیا می بیند، چنان که رؤیای ابراهیم و آنچه پیامبر پیش از وحی در رؤیا دید از همین امور است؛ زیرا این رؤیاهای پیامبر به عنوان اسباب آمادگی نبوت بود و این ادامه داشت تا زمانی که جبرئیل هنگام رسالت از سوی خداوند آمد و او را به عنوان رسول الهی برگزید.

البته از آن جایی که محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) میان نبوت و رسالت از سوی خداوند را جمع کرده است، جبرئیل با هر دو شکل به نزدش می آمد و با او از روبرو و چهره به چهره هم سخن می گفت.

هم چنین به اصطلاح پیامبران به کسانی گفته می شود که نبوت و رسالت را برایش جمع کرده و او در خواب و رؤیا می بیند و هم چنین «روح» به نزدش می آید و با او سخن می گوید بدون آن که او را در بیداری ببیند. اما محدث آن کسی است که با او سخن گفته می شود و او

ص: ۴۶۸

---

۱- . بخوان به نام پروردگارت که آفرید. (علق: ۱)

می شنود، ولی او را به چشم نمی بیند؛ چنان که در خواب و رؤیا هم او را بیند.»(۱)

از این روایت روشن می شود که حضرت محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیش از نزول وحی در غار حرا، جبرئیل را می دید. البته روایاتی دیگر نیز این مطلب را تأیید می کند.

عایشه روایت می کند: «نخستین چیزی که پیامبر از وحی دریافت، رؤیای صادق بود که در خواب و بیداری می دید. ایشان رؤیا را هم چون فلق و سپیدی صبحگاه می دید. سپس خلوت برایش دوست داشتنی شد و برای خلوت به غار حرا می رفت و آن جا روزها را به سکوت و خاموشی و شب ها را به عبادت بسیار می گذراند و این پیش از آن بود که از خانواده اش جدا شود و برای آن جا آذوقه ای بردارد. بعدها مدتی در آن جا درنگ می کرد و بعد به سوی خدیجه بازمی گشت و زاد و توشه برمی گرفت و دوباره به غار حرا بازمی گشت و این کار ادامه داشت تا این که در غار حرا وحی از سوی حق تبارک و تعالی آمد.»(۲)

علامه مجلسی می نویسد: «بدان که از اخبار معتبر و روایات مستفیض براین روشن شد که خداوند پیش از بعثت، عقل پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را کامل کرد و در همان آغاز نبوت او را به روح القدس تأیید کرد. در آن زمان فرشته ای با او سخن می گفت و ایشان صدایش را می شنید و او را در خواب و رؤیا دید تا پس از آن به چهل سالگی رسید و به رسالت مبعوث شد. در آن زمان بود که فرشته را به عیان دید و قرآن بر او نازل شد و مأمور به تبلیغ آن شد.»(۳)

حضرت محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همواره در عبادت و اطاعت الهی به سر می برد و منتظر بشارت و کرامت الهی بود؛ حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ گواه و شاهد آغاز این حادثه بزرگی بود که در خانه اش در جریان بود. حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ می دید که تحولی در زندگی همسرش پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پدیدار شده و او دوست می دارد در تنهایی و گوشه نشینی باشد و دلش را برای عالم غیب بگشاید و در ملکوت آسمان ها و زمین تأمل نماید. او می دید که همسرش دوست می دارد شب ها و روزها در این حالت بماند و عبادت و گوشه نشینی و تکفر و تأمل کند و ره توشه ای برای قرب و

ص: ۴۶۹

- ۱- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۶.
- ۲- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳.
- ۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۷۷.

کمال برگیرد و برای استقبال بشارت و حمل امانت خود را آماده سازد... .

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در کنار محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و او را همراهی می کرد و برایش غذا فراهم آورده و برایش آبی جهت حضورش در غار حرا آماده می کرد و فضای خانواده را طوری هماهنگ می ساخت تا او را در انجام مأموریتش یاری کند.

نویسندگان کتاب های «سیره» بیان می کنند که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از رؤیاهایش سخن می گفت و این که در رؤیاهایش فرشته را می بیند و با او سخن می گوید و با آنها دیدارهای شبانه دارد. پس حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز با فضا و شرایط آغاز وحی می زیست و منتظر بود تا آن بشارت تحقق یابد و آرزویش را به چشم ببیند.

زهری از سعید بن مسیب روایت کرده که: آنچه به ما رسیده آن است که اول چیزی که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دید همان چیزی است که خداوند در رؤیا به او نشان داده بود و این امر بر آن حضرت سخت و دشوار آمد. از این رو، آن حضرت این مطلب را با همسرش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در میان گذاشت و خداوند نیز آن دو را از تکذیب این امر در امان نگه داشت و سینه آنان را برای تصدیق آن گشود. پس حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به او گفت: بشارت باد که خداوند سعادت و نیکی را برای تو فراهم کرده است.

سپس روزی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به نزدش آمد و خبر داد که دیده شکمش شکافته و سپس شسته و پاک شده و سپس به جای اولش باز گردانده شده است. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گفت: به خدا سوگند این خیر است. پس بشارت بر تو باد و مسرور و شاد باش!

عایشه روایت می کند که گفته است: آن زمان، خداوند تعالی خلوت و تنهایی را محبوبش گردانید و چیزی محبوب تر از خلوت و تنهایی برایش نبود. (۱)

## لنگرگاه نور

«غار حرا» لنگرگاه نور و محل نزول وحی و مهبط وحی و محل تلاقی عالم غیب و شهادت است. حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تنها زنی بود که در کنار محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایستاد و شاهد رخدادها و

ص: ۴۷۰

تحولات پیاپی در زندگی اش در آغازین روزهای رسالت بود.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در ماه مبارک رمضان با حضرت مُحَمَّد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در غار حرا بود، ماهی که در آن وحی نازل شد. او در همان لحظات نخست از همسرش داستان نزول وحی را شنید. پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نخست با او سخن گفت و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز از این امر استقبال کرد.

در آن زمان، پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سنگینی آثار وحی را در تن خویش احساس می کرد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ حالات بدنی و روحی که پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با آن مواجه بود می دید. او دید که چگونه پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، جامه به تن پیچید و در آن نماند و وحی الهی او را مورد خطاب قرار داد و او را به عنوان مدثر و مزمل نامید. همان نام هایی که در دو سوره از نخستین سوره هایی که بر پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از قرآن نازل شده بود، آمده است.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همه این ها را می دید، ولی او هرگز این حادثه بزرگ را عجیب و غریب نیافت و با تردید و شک با آن مواجه نشد؛ چرا که محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را می شناخت و از نزدیک در طول روابط زناشویی که بیش از پانزده سال گذشته بود، از همه حالاتش خبر داشت. او برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ مردی صادق و امین و در عقلانیت یکتا و یگانه و در نفس و جان به کمال و زیرکی و تیزهوشی شناخته بود. حرکت حوادث نخستین که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در سیره همسر بزرگوارش محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می دید و همراهی و مجاورت با او در حرا در طول یک ماه در سال که به عبادت و خلوت می گذراند و این که او تنهایی را دوست می داشت و نیز آنچه از حالات غیرعادی در زندگی عموم مردم در شخصیت پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می دید و هم چنین آنچه از رؤیای صادقه در خواب می دید و همسرش از آن با او سخن می گفت، همه این ها نشانه هایی بود که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با انتظار خبر وحی الهی که محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از آن سخن گفت، هماهنگ و سازگار بود.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با این امور هر روز برخورد و تعامل داشت. پس از همان آغاز نزول وحی و تلقی و دریافت آن از سوی خدا، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ایشان را به رسالت و نبوت تصدیق می کرد. پس گفت و گوی میان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و همسرش، گفت و گوی از روی شکاکیت یا رخداد عجیب و غریب نبود، بلکه هم چون گفت و گوی تصدیق کننده ای بود که در جست و جوی

واضح تر شدن و بیان روشن تر بود تا به اطمینان برسد و بتواند در حمل مأموریت سخت و بشارت بزرگ و حادثه عظیم پیامبری همسرش را یاری رساند و مشارکت جدی و مثبتی با او داشته باشد.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همسرش را در لنگرگاه وحی و محل هبوط جبرئیل در غار حرا همراهی می کرد. چنان که روایت نزول وحی بر این مطلب دلالت دارد، او در سالی که وحی در آن نازل شده بود، با همسرش در غار بود. در روایت آمده است که: هر سال رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، یک ماهی را در غار حرا بسر می برد و اعتکاف می کرد و این شیوه و رویه ای بود که قریش در جاهلیت به عنوان عبادت انجام می داد و این گونه مدتی عبادت می کرد.

محمّد

بن اسحاق، از عبدالملک، از عبد الله بن ابی سفیان، از علاء بن حارثه نقل می کند که: «هر سال رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ماهی را به غار حرا می رفت و در آن جا عبادت دینی داشت. این آیین قریش در دوره جاهلیت بود. بر اساس این آیین، در زمان اعتکاف، هر مسکینی می آمد او را اطعام می کرد و این روش او بود تا زمانی که از آن جا برمی گشت و به مجاورت غار حرا پایان می داد. او پیش از آن که وارد خانه اش شود خانه کعبه را طواف می کرد.»<sup>(۱)</sup>

او هم چنین می نویسد: «زمانی که خداوند تعالی خواست تا در آن ماه، کرامت خویش را به او عنایت کند یعنی سالی که پیامبر در آن سال به پیامبری مبعوث شود ماه رمضان بود پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به سوی غار حرا بیرون رفت؛ چنان که در سال های پیش از این، برای مجاورت و اعتکاف خارج شد. او در آن سال همراه خانواده اش بود. این مجاورت و اعتکاف ادامه داشت تا این که خداوند بر او کرامت کرد و او را به رسالت برانگیخت.»<sup>(۲)</sup>

در این روایات از مجاورت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و سپس حرکتش به سوی پسرعمویش ورقه بن نوفل سخن به میان آمده تا حادثه را تشریح کند. او تلاش می کرد تا این گونه نشانه ها را روشن نماید، و به دور از هر گونه تشویه و تلفیقی که با این رخداد و حادثه همراه است، حقیقت را روشن و آشکار کند.

ص: ۴۷۲

۱- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۳، ص ۹.

۲- همان.

ارتباط خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با پسرعمویش ورقه بن نوفل و سخن گفتن با وی در باره آن رخدادهایی که می دید امری مقبول است؛ چرا که ورقه از اهل کتاب و از پیروان مسیحی و در انتظار نبوت بوده است. بنا بر این، سخن گفتن خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با چنین شخصی در باره خبر بزرگ پیامبری و وحی و نیز تطبیق نشانه های مربوط به پیامبری امری طبیعی بوده است. این مطلب هرگز به معنای آن نیست که این حادثه بر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مبهم و امری پیچیده بود و ورقه مسئولیت روشن گری و تبیین و تفسیر رخداد را داشته باشد. البته از برخی از روایات دروغین چنان برمی آید که مسئله این گونه بود و هدف از این دیدار ابهام زدایی و روشنگری بوده است.

اما بر کسی پوشیده نیست که محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در انتظار نبوت بود، چرا که جبرئیل در غار حرا پیش از آن نازل شده و او را در جریان گذاشته بود و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در رؤیا وحی را دریافت می کرد؛ چنان که بر این امر روایت نیز دلالت دارد.

اما مسئله عنایت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به رخدادهای پیرامونی و گفت و گویش با پسرعمویش ورقه بن نوفل و آنچه از راه پرسش ها برایش آشکار می شود، شاید جزیی از برنامه تبلیغی و معرفی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای نبوت و کسب و جلب موقعیت ورقه بن نوفل در کنار رسالت جدید باشد.

آن حماسه و تلاش ها و بررسی های پیاپی از سوی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در روزهای آغازین وحی از اهتمام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نسبت به فعالیت های بزرگ و واکنش ها و ایمان راستین و رغبت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در آشکار کردن نشانه ها و دلایل پیامبری پرده برمی دارد تا موجبات روشنی مخاطبان وحی در فضای مکه فراهم آید و این گونه محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همراهی و پشتیبانی ایشان را با خود در امر رسالت و دعوت داشته باشد و موجبات کاهش رنج های روحی که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از حمل رسالت با آن مواجه بود، را احساس نماید.

### اسلام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و تصدیق پیامبری

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ اخبار وحی و هر آنچه که بر محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در غار حرا گذشت را تصدیق می کند و از آن امر عظیم استقبال می نماید.

محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از نزول وحی، سخن گفتن جبرئیل و نزول آیات پنج گانه سوره علق: (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...)، با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سخن گفته بود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بدون مخالفت و تشکیک و

مجادله ای در دلیل پیامبری، دعوت همسرش را اجابت می کند و بدان پاسخ منتظر می دهد. تو گویی منتظر نبوت بود؛ چنان که محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) منتظر بود.

خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ اسلام می آورد و به نبوت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شهادت می دهد. ایشان نخستین زن در روی زمین است که اسلام آورد و این گونه شرافت دنیا و کرامت آخرت را برای خودش ثبت کرد و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز این عنوان و افتخار را برایش چنین ثبت می کند: «خدیجه سبقت گیرنده زنان جهان به ایمان به خدا و محمد است.» (۱)

ابن هشام در باره اسلام خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ می نویسد: «خدیجه دختر خویلد به محمد ایمان آورد و آنچه پیامبر از جانب خدا آورده را تصدیق کرد و پیامبر را بر امر نبوت کمک و پشتیبانی نمود. او نخستین کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورده و آنچه را که پیامبر آورده بود تصدیق نمود و خدا به واسطه این کار خدیجه کار را بر پیامبرش آسان می کرد. پیامبر در طول رسالت و پیامبری چیزی از رد و تکذیب و دیگر مکروهات و زشتی ها را از مردم نمی شنید و اندوهگین و غمگین نمی شد، مگر آن که وقتی به سوی خدیجه برمی گشت، آن غم و اندوه ها را خداوند به واسطه خدیجه برطرف می کرد و به او ثبات قدم می داد و غم های او را کاهش می داد. از این رو زمانی که رسول خدا به سوی خدیجه بازمی گشت، دلش گشایش می یافت. او مکار مردم را بر آن حضرت آسان می کرد؛ خدایش بر او رحم آورد.» (۲)

خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ شاهد آغاز وحی و رؤیای نخست نبوت بود؛ چون که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آنچه را در رؤیا در باره وحی می دید با خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ سخن می گفت. پس خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ او را تصدیق می کرد و بدو ایمان می آورد.

از عمر بن عبسه سلمی روایت شده که گفت: در روزهای نخست بعثت نزد رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمدم و ایشان مرا از نبوت خبر داد. گفتم: امر خود را برایم توصیف کن! آن حضرت برایم از امر نبوت و آنچه خدا بدان ایشان را مبعوث کرده بود وصف نمود. گفتم: آیا کسی تو را در این پیروی می کند؟ فرمودند: بله! همسرم، کودکی و برده ای! منظورش خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ دختر

ص: ۴۷۴

۱- . ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۶.

۲- . همان، ج ۱، ص ۲۵۷.



خویند و علی بن ابی طالب ۷ و زید بن حارثه بود.

از سبقت و پیشگامی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در اسلام و بیان حوادث وحی برای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از سوی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ارزش زن در رسالت محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اسلام پرده برداشته می شود و این که رسالت اسلام، میان مرد و زن جز در بخش کوچک از تفاوت های فیزیکی و طبیعی هیچ تفاوتی قائل نیست. به هر حال این گونه است که عواطف و احساسات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و عقل و قلب وی به دعوت و رسالت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) واکنش مثبت داده و با او همراه می شود. این پاسخ گویی مثبت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نتیجه آمادگی تربیتی، تغییر روحی و روانی و عقلی است که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در طول پانزده سال از زندگی مشترک گذشته به دست آورده و کسب کرده بود.

علی بن ابی طالب ۷ در محیط خانواده گرامی نبوت، در دامن رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و تحت توجهات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می زیست و آن حضرت در فضای معنوی و روحی که این خانواده در آن می زیست، زندگی و رشد می کرد. او از سوی پسرعمویش به طور ویژه و اختصاصی مورد عنایت قرار داشت و تربیت، توجه و آموزشی خاصی را دریافت می کرد. این گونه علی بن ابی طالب ۷ به طوری در سطحی از کمال قرار می گیرد که در سن کودکی نبوت را تصدیق کرده و به تمام و کمال دعوت الهی را اجابت کرده و به حمایت از آن می پردازد.

این گونه است که هسته نخستین سازه اسلامی با عظمت، با محمّد رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، علی عَلَیْهَا السَّلَامُ و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شکل می گیرد. این در زمانی است که جز این خانه، هیچ خانواده اسلامی نبود. از این خانه حرکت نور اسلام آغاز شد و در پیرامون این خانه و خانواده رخدادهای تاریخی پیاپی شکل گرفت.

امام علی عَلَیْهَا السَّلَامُ این رخداد تاریخی و سبقت جویی و شرافت عظیم در ایمان و اسلام را این گونه با سخن خویش در تاریخ ثبت می کند و می فرماید: «زمانی بود که غیر از رسول الله و خدیجه و من که سومین آنان بودم، هیچ خانواده و خانه ای در اسلام نبود.»

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و علی بن ابی طالب ۷ از نبوت و دعوت اسلامی پیامبر، با صداقت و راستی استقبال کردند و نخستین تصدیق کنندگان در جهان اسلام به شمار آمدند؛ و چه زیبا پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

در توصیف خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گفته است: «خدیجه وزیر و یاور صدق و راستی بود.»

## نخستین سجده کنندگان

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با روی گشاده و اوج همدلی و همراهی به استقبال توحید رفت و نخستین مخاطب و شنونده بعثت و رسالت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شد و آن را به کام جان نوشید، بی آن که شکی، درنگ و توقفی در آن نماید. او وحی را در حالی پذیرفت که در انتظار زمان نبوت بود؛ زمانی که قلب محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به روی عالم غیب و خطاب پروردگار مهربان گشوده بود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نیز بشارت الهی را با روی گشاده پذیرفت. او این بشارت را زمانی پذیرفت که منتظر تازه های رسالت از سوی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. او همان چیزی را می دانست که قریشی یان آن را می دانستند و در انتظار آن بود؛ چرا که آنان از فرزندان ابراهیم خلیل ۷ بودند. آنان می دانستند ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَامُ پیامبر و صاحب رسالت است و خداوند پس از ابراهیم، موسی و عیسی را با شرایطی برانگیخت.

بر پایه همین دانسته ها و باورها بود که ورقه بن نوفل که نصرانیت را پذیرفته بود و تورات و انجیل را می خواند، از نزدیکی ظهور پیامبری سخن می گفت و بیان می کرد که در این دین ها، شرایع الهی، عبادت ها و طهارتی از هر گونه پلیدی شرک و بت پرستی وجود دارد.

پس حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به انتظار نزول و هبوط وحی و آمدن آموزه الهی و شریعت و قرآن بود. او منتظر بود تا این که محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سوره علق را بر او خواند و گفت که او همان پیامبری است که رسالت بزرگ الهی را بر دوش و جانش حمل می کند تا بشریت را از ظلمات به نور و روشنایی بیرون آورد. همه این ها برای خدیجه ۳ روشن و هویدا بود.

دو روز بیشتر از آمدن جبرئیل و بشارت رسالت نگذشته بود که در روز سوم و جوب نماز ابلاغ می شود و محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آن را به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و علی عَلَیْهِ السَّلَامُ ابلاغ می کند و آن دو نیز با اشتیاق و شور و شوق تمام پاسخ مثبت به این واجب الهی می دهند و از آن استقبال می کنند.

روایات می گوید که جبرئیل به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وضو و نماز را در همان آغاز وحی در روز سوم آموزش داده است و محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این خبر خوش و جوب نماز را به اطلاع علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

می رساند(۱) و به آنان وضو و نماز را آموزش می دهد و سپس سه نفری با هم نماز می خوانند.

ابن اثیر می نویسد: جبرئیل اولین باری که نزد پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد، شب های شنبه و یک شنبه بود و سپس رسالت الهی را در روز دوشنبه اظهار می کند و به او وضو و نماز و (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ) را تعلیم می دهد. پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در آن زمان چهل ساله بود.

نخستین چیزی که خداوند از شریعت اسلام واجب کرده، اقرار به توحید، براءت از بت پرستی و نماز بود، زمانی که نماز بر آن حضرت واجب شد جبرئیل نزد پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد در حالی که در بالای مکه بود و پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به وادی برد و در آن جا چشمه ای را پدید آورد و جبرئیل وضو می گرفت و پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به او می نگریست تا ببیند چگونه برای نماز طهارت کسب کند، سپس پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مثل جبرئیل وضو گرفت. بعد جبرئیل برخاست و نماز گزارد و پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هم همانند او نماز گزارد. جبرئیل پس از پایان نماز، از نزد رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رفت و پیامبر خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نزد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ آمد و به او وضو و نماز را آموزش داد و سپس با او نماز گزارد و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هم همانند او، نماز خواند.

از آن پس، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ پشت سر محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حرکت می کرد و او را همراهی می نمود و گام در جای گام های پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می نهاد و همان راهی را می پیمود که پیامبر پیموده بود. او با همراهی پیامبر خدا، حضرت محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به جنگ و مبارزه طلبی دین قوم می رفت و علیه بت پرستی موضع می گرفت؛ چنان که مریم دختر عمران و آسیه بنت مزاحم به مبارزه با دیانت کفر و شرک رفته بودند.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ علیه شرک و بت پرستی در زمان اوج آنها به مبارزه برخاست و در استوارترین پایگاه بت پرستی، یعنی در شهر مکه مکرمه و مسجدالحرام جایی که مرکز بتان بود، به جنگ آنها رفت. این گونه بود که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در پیرامون خانه خدا پشت سر محمد مصطفی(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به

ص: ۴۷۷

۱- . بعضی ها نقل کرده اند که نماز در این زمان دو رکعت و دو فریضه بود، یکی قبل از طلوع آفتاب و دیگری قبل از غروب و بعد نمازهای پنج گانه تشریح شد. به حاشیه سیره النبویه، ج ۱، ص ۲۲۶ مراجعه شود. بعضی ها هم در آموزش وضو در این مرحله و زمان اشکال کرده، و گفته اند آیه وضو بعد از هجرت در مدینه نازل شد، که فرمود: (إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ) (مائده: ۶)

تنهایی به نماز و سجده می ایستاد تا خانه خدا را از پلیدی بتان پاک کند و شعار توحید را که از سوی همسرش پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مطرح شده بود را اعلان نماید.

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و پسر عمویش به جنگ بتانی رفته بودند و تقدیر و سرنوشت این بود تا علی عَلِيهِ السَّلَامُ در روز فتح مکه بر دوش محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بالا رود و آن بتان را بشکند. آنان بت شکنی کردند؛ چنان که جدش ابراهیم پیش از این چنین کرده بود.

این نمازخوانی آنان منظره ای شگفت برای اهل مکه به وجود آورده بود. محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و پشتش خدیجه عَلِيهَا السَّلَامُ و علی عَلِيهِ السَّلَامُ نماز را در مسجد الحرام ادا می کردند، درحالی که آنان تنها برای خدای یکتا رکوع و سجود انجام می دادند. این ها کارهای آغازین و گام نخست انقلاب علیه بت پرستی و آغاز حرکت تغییر و تحول بود.

یحیی بن عتیق کندی نقل می کند: «پدرم نقل کرد که با عباس بن عبدالمطلب در مکه در مسجد نشسته بودم، و این پیش از آن بود که امر رسول الله آشکار شود. پس جوانی آمد و به آسمان نظر انداخت و آن زمانی بود که خورشید در آسمان (حلقه زده) بود. سپس رو به روی کعبه قرار گرفت و شروع به نماز کرد. پس نوجوانی آمد و سمت راست وی ایستاد و بعد زنی آمد و پشت سر آن دو ایستاد. پس جوان رکوع کرد و نوجوان و زن رکوع کردند سپس ایستاد و آن دو ایستادند. پس سجده کرد و آن دو سجده کردند.

پس گفتم: ای عباس! امر بزرگی است.

عباس گفت: این جوان را می شناسی؟

گفتم: نه!

گفت: این محمّد بن عبد الله بن عبدالمطلب برادرزاده ام است. آیا می دانی این نوجوان کیست؟ این علی بن ابی طالب برادرزاده است. این زن را می شناسی؟ این خدیجه دختر خویلد است.

سپس افزود: این برادرزاده ام به من گفت که پروردگارش، پروردگار آسمان ها و زمین با او سخن می گوید و او است که او را به این دینی که بر آن است، فرمان داده است. به خدا

سوگند! امروز بر روی زمین جز اینان کسی بر این دین نیست.»<sup>(۱)</sup>

طبرسی در کتاب «اعلام الوری بأعلام الهدی» این منظره بزرگ تاریخی را نیز نقل کرده است؛ جز آن که در روایت طبرسی آمده که این حادثه و رخداد را عقیق کندی در «منی» در زمان و موسم حج مشاهده کرده است و این که رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از مخفی گاه خود بیرون آمد و سپس متوجه بیت الحرام شد و نماز گزارد و پشت سرش علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام نماز گزارند.

### تحیت و درود خدا و بشارت و مژده جاودانه

جبرئیل حامل تحیت و درود خداوند و سلام پروردگار جهانیان بود تا آن را به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برساند و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز آن را به خدیجه علیها السلام ابلاغ می کند، تا عظمت این زن برای نسل های آینده شناخته شود؛ و انسان نیز عظمت و بزرگی این زن صالح را در اسلام بداند.

خداوند به خدیجه علیها السلام سلام می رساند تا او را از جایگاه عظیمش در کنار محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آگاه سازد، تا خدیجه علیها السلام پاداش نقش خودش در گرفتن پیام خدا و پشتیبانی هایش از همسرش پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و دفاع و از خود گذشتگی اش را برای اصل اسلام دریافت کند.

این مدالی جاودانه، شرافتی یکتا و بخششی بی پایان از سوی خدا بود که جبرئیل حامل رسالت، تکریم و تحیت پروردگار به سوی خدیجه علیها السلام باشد؛ تحیت و سلامی که زندگی در سایه سلام را برای خدیجه علیها السلام به ارمغان آورد؛ تا این که با کلمه سلام در روز جاوید مورد استقبال الهی قرار گیرد.

همان طور که خداوند فرمود:

(سَيَلَامٌ عَلَيْكُمْ طَبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ؛<sup>(۲)</sup> سلام بر شما، (از نظر جسم و روح) پاکیزه شدید، پس برای اقامت جاودانه در آن داخل شوید).

و در جایی دیگر فرمود:

(وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ؛<sup>(۳)</sup> درود بر شما به پاس صبر و شکیبایی تان چه

ص: ۴۷۹

۱- ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه، ص ۳۴.

۲- زمر: ۷۳.

۳- رعد: ۲۳.

نیکو است عاقبت آن سرای).

همانا جبرئیل نزد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد و گفت: «از سوی پروردگار سلام خدا را به خدیجه برسان.» رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «ای خدیجه! این جبرئیل است که از طرف پروردگارت سلام می‌رساند.» خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ گفت: سلام و از او است سلام و بر جبرئیل باد سلام.»

ابوهریره روایت می‌کند که جبرئیل نزد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد و گفت: «این خدیجه است که با ظرفی پوشیده که در آن خورشید (غذا یا نوشیدنی) است به سویت می‌آید. پس زمانی که نزد آمد از سوی پروردگارش و من سلام را برسان و او را به خانه ای در بهشت از لؤلؤ و درّ خالی شده که در آن سختی و رنجی نیست بشارت و مژده ده.» (۱)

این مژده به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، همان بشارت و مژده ای است که حضرت آسیه بنت مزاحم از پروردگارش خواسته تا برای او تحقق بخشد؛ که در قرآن آمده که گفت: «پروردگارا! برای من در نزد خود (در قرب جلال و رحمت خود) در بهشت خانه ای بساز، و مرا از فرعون و عمل وی رهایی بخش، و از گروه ظالمان (دربار و ملتش) نجات ده.» (۲)

اکنون

پروردگار سلام به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ می‌رساند و او را به خانه ای در بهشت که در آن درشتی و سختی و رنجی نباشد بشارت می‌دهد؛ خانه ای که در آن محبت و سلامتی استقرار دارد و همه اطراف و گوشه هایش از شادی و نعمت پر است. خانه ای که همانند قلب خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به نور و هدایت می‌درخشد. آری حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ استحقاق و شایستگی آن را دارد که در خانه ای که در آن هیچ سختی و درشتی نیست مستقر گردد؛ زیرا این‌ها همه پاداش صبر و شکیبایی است که بر اذیت و رنج و محنت در مدت طولانی ده سال تحمل کرد.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در کار رسالت همسرش با همه هستی از مال و جان و عواطف و احساسات کوشید و در این راه مجاهدت و تلاشی بسیار می‌کرد و محبت، راحتی و آسایش و آرامش را به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می‌بخشید و دردها و رنج‌ها و فشارهای درگیری‌ها و مبارزات در راه رسالت را تخفیف و کاهش می‌داد و از سنگینی آن می‌کاست؛ پس خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سزاوار و

ص: ۴۸۰

۱- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۳۱.

۲- تحریم: ۱۱.

شایسته آن بود تا به بهشت و خانه ای بشارت داده شود که در آن محبت و آرامش و سلام جاودانه باشد.

مفسران بیان می کنند که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ شایستگی آن را یافت که در بهشت در خانه ای که رنج و سختی و درشتی در آن نباشد ساکن شود؛ زیرا در طول زندگی اش هیچ روزی صدایش را بر مُحَمَّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بلند نکرد و بر او درشتی ننمود و هیچ روزی او را نیاززد. پس شایستگی آن را دریافت تا در دنیا از تحیت و سلام و در آخرت با تحیت و سلام مورد استقبال قرار گیرد؛ چنان که خداوند فرموده است: (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ). (۱) و برای این همه صبر بر مشقت و همراهی با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در خانه بهشتی بدون رنج و درشتی و سختی مستقر گردد.

زندگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ برای هر زنی که در زندگی دنبال ارزش ها است، عبرت و پند و اندرز است. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از همه ثروت و زندگی مرفه و نعمت و آسایش خویش دست شست و زهد و پارسایی را پیش کشید و همه آنچه را در اختیار داشت و مالک آن بود، تنها به خاطر دعوت و رسالت، در راه خدا بخشید تا جایی که در روایات آمده که همواره در روی پوست قوچی زندگی را می گذرانند. او در دوره تحریم، شب ها را بدون غذا و خوراکی در شعب ابی طالب می خوابید و آخرت را بر دنیا برگزید و نصرت و یآوری حق را بر باطل اختیار کرد و ایستادگی در کنار مُحَمَّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را انتخاب نمود.

این گونه بود که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ ارزش و بهای خود و نیز ارزش زندگی را شناخت و این که ارزش زندگی در ریخت و پاش و رفاه و انواع و اقسام خوراکی و نوشیدنی و پوشاک نیست و اگرچه همه این ها از امور مباح است، ولی قیمت و بهای انسان مرد و زن در موضع گیری است که در جنگ حق و باطل اتخاذ می کنند.

### **خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در شعب ابی طالب در دوران تحریم و محاصره**

مُحَمَّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در گیر دعوت و پیامبری خود است و مردم را به رسالت و اسلام می خواند و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ

ص: ۴۸۱

۱- زمزم: ۷۳.

نیز استوار و محکم پشت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می ایستد و با مال و پشتیبانی هایش خانواده را حمایت و یاری می رساند. محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با طاغوتی های قریشی مبارز می طلبد و با بزرگان بت پرستی و مغروران حکومت و ثروت روبه رو می شود و آنان را به ایمان به خدا و آزادی انسان از ستم و طاغوت دعوت می کند. در این میان دل های سالم و خردهای جوینده حقیقت و انسان های ستمدیده که آزادی و زندگی در سایه ارزش های حق و عدالت و کرامت را می جستند، به این دعوت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پاسخ مثبت می دهند.

دعوت اسلامی لرزه ای شدید و چالشی بزرگ را در جامعه مکه ایجاد کرد. بهتر این است که بگوییم، این دعوت زلزله ای در جامعه جاهلی پدید آورد و عقاید خرافی و ارزش های پوسیده و سنت ها و آداب و رسوم شناخته شده جاهلی را فرو ریخت. مردم مکه به سوی این دعوت گرایش یافته و بدان پاسخ مثبت می دادند و روز به روز بر شمار مؤمنان افزوده می شد. پس قریش همه ابزار و وسایلی که فکر می کرد بتواند مانعی بر سر راه حرکت دعوت اسلامی باشد و جلوی این تغییر و اصلاح فکری و اجتماعی عظیم را که قرآن آن را برای همه بشریت آورده، بگیرد، به کار بست تا اجازه رشد و گسترش به آن را ندهد.

همه

ابزارها و وسایل برای بدنامی و همه انواع و اقسام مخالفت ها برای بدنام کردن شخصیت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و دعوتش به کار گرفته شد، ولی سودی نبخشید. پس ابزارهای عذاب و قتل و شکنجه را به کار گرفتند، ولی باز هم این ها نتوانست جلوی حرکت دعوت اسلامی را بگیرد. آنان برای قتل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برنامه ریزی کردند. خبر توطئه به عمومی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حضرت ابوطالب رسید. آن حضرت نیز علیه این توطئه، موضع گیری سخت و محکمی را در کنار محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گرفت و آمادگی غیر محدود خودش را در دفاع از او اعلام کرد. با موضع گیری و حمایت حضرت ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام، قریش عقب نشینی کرد تا توطئه دیگری را ضد محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و عموهایش از بنی هاشم و در پیشاپیش همه آنها، حضرت ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام برنامه ریزی و آماده کند.

در نهایت قریش به این نتیجه رسید تا تحریم را برنامه ریزی کند و این گونه دعوت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و فعالیت های تبلیغی آن حضرت را محدود کرده و جلوی حرکت رو به جلوی



پیامبری محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را بگیرد. پس قریش بر این امر عهدی بستند و قرارداد تحریم و عهدنامه را نوشته و در درون کعبه آویختند. این گونه بود که تحریم و محاصره پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و یاراناش در ماه محرم الحرام در سال هفتم از بعثت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آغاز شد.

یعقوبی مورخ مشهور اسلامی از این محاصره سخن گفته است. او می نویسد که محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ، ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ، بنی هاشم و... فرزندان عبدالمطلب با چه مشکلاتی مواجه بودند. در بخشی از گزارش یعقوبی آمده است:

«زمانی که قریش دانست که نمی تواند رسول الله را بکشد و این که ابوطالب او را تسلیم نمی کند و این مطلب را نیز از ابوطالب شنید، عهدنامه ظالمانه و کوبنده ای را نوشتند که مفاد و محتوای آن این بود که هیچ کس با بنی هاشم خرید و فروش نکند و همسری از ایشان نگیرد و معاملات و تجارتی با آنان نداشته باشد تا این که بنی هاشم، محمّد را به قریش تحویل دهند تا آنان او را به قتل رسانند. آنان این عهدنامه را نوشتند و بر پای آن هشتاد نفر مهر نهادند. این عهدنامه را منصور بن عکرمه بن عامر بن هاشم بن عبدمناف بن عبدالدار نوشت که پس از نگارش عهدنامه دست شل شد و از کار افتاد.

پس از نگارش و امضای این عهدنامه بود که قریش رسول الله و اهل بیت او از بنی هاشم و بنی عبدالمطلب بن عبدمناف را در شعب محاصره و تحریم کردند. این همان شعبی است که به آن شعب بنی هاشم می گویند. شش سال پس از مبعث پیامبر، و همه بنی هاشم و بنی عبدالمطلب در شعب به مدت سه سال اقامت داشتند. در این مدت پیامبر و خدیجه دختر خویلد همه مالش را صرف کردند تا جایی که گرفتار فقر و تنگ دستی شدند.

سپس جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت: خداوند موریانه ای را برانگیخته است تا عهدنامه قریش را بخورد و آن موریانه همه آن را از مفاد ظلم و محدودیت و تحریم که در عهدنامه بود خورده، و جز جاهایی که در آن نام خدا برده شده، چیزی از آن عهدنامه باقی نمانده است. پس رسول الله ابوطالب را به این موضوع آگاه کرد و خبر داد.» (۱)

ص: ۴۸۳

۱- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱.

این چنین خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ با همسرش پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای زندگی در محنت و رنج محاصره وارد شعب شد و مؤمنان در شرایط بسیار قساوت آمیز و سخت با هم می زیستند و فشارهای روانی همراه با تحریم اقتصادی و اجتماعی را تحمل می کردند. پس خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ هر آنچه از مال و ثروت بسیار داشت در این راه خرج کرد، ثروتی که مورخان در برخی از سالیان میزان و تعدادش را معادل تمام مال تجاری قریش گفته اند.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ همه مال خویش را خرج کرد. این امر ادامه داشت تا زمانی رسید که دیگر اوضاع سخت شد و گرسنگی و تنگدستی غلبه پیدا کرد.

این مطلب چنان که از یعقوبی پیش از این نقل شد، بسیار سخت و دشوار شد. برخی از منابع تاریخی می گویند که مسلمانان محاصره شده در شعب در این مدت کشک و برگ های درختان را می خوردند. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ این زن ثروتمند و مرفه در زندگی اش، اینک در دوران محاصره همانند یکی از آنان بود و در این رنج و مصیبت با آنان مشارکت می کرد و زندگی با گرسنگی را تحمل می نمود.

خویشان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ محنت و دردها و رنج هایش را احساس می کردند و با او همدردی می کردند و هر از گاهی پنهانی غذایی را در تاریکی شب به او می رساندند، اما سرکشان قریش مانع از این کمک ها و مساعدت ها می شدند و تلاش می کردند تا از رسیدن هر کمک غذایی به آنان جلوگیری کنند.

ابن اثیر محاصره سخت را این گونه توصیف می کند. او می گوید: آنان دو تا سه سال این گونه در آن شعب اقامت کردند. در این مدت قریش تلاش می کرد تا چیزی به آنان نرسد، جز آن میزای که به طور پنهانی و به دور از چشم قریش به آن جا برده می شد.

او نقل می کنند که: «ابوجهل، حکیم بن حزام بن خویلد را دید که با او گندم بود و می خواست آن را به عمه اش خدیجه برساند که با پیامبر در شعب بود. ابوجهل بر او آویخت و گفت: به خدا سوگند! از جا تکان نمی خورم تا تو را رسوا سازم.

پس ابوالبختری بن هشام آمد و گفت: به تو چه؟ او می خواهد غذایی را به عمه اش

برساند. آیا او را از این کار مانع می شوی؟ رهایش کن!

اما ابوجهل دست بردار نبود. پس آن دو با هم گلاویز شدند و ابوالبختری با استخوان شتر بر او ضربه زد و سرش را شکافت و او را بر زمین انداخت و به شدت بر او کوبید. در این زمان حمزه آنان را می نگریست و آنان نیز از این امر ناخشنود بودند که خبر به پیامبر برسد و مسلمانان و پیامبر آنان را شماتت و سرزنش کنند.

این زمانی بود که حتی رسول خدا هم چنان مردم را آشکار و نهان به اسلام دعوت می کرد و وحی بر او می آمد. پس این حالت محاصره و تحریم تا سه سال ادامه داشت.» (۱)

چنان که گزارش های تاریخی بیان کرده اند، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سه سال در شعب و در محاصره در کنار پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زیست و با تمام ثروت و جانفشانی خالصانه و وفادارانه نسبت به همسرش با او همدردی داشت و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را صادقانه و با کمال وفاداری دوست می داشت؛ چون به آن حضرت ایمان خالصی آورده، و همه مالش را در راه دعوتش بذل و بخشش کرده بود.

در این دوران سخت محاصره و تحریم مکه، یاران دعوت پیامبر سه گروه بودند: ابوطالبی که حمایت اجتماعی برای دعوت فراهم آورده بود؛ و خدیجه ای که مالش را برای یاری و نصرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هزینه کرده بود؛ و سپس علی عَلَیْهِ السَّلَامُ که در همه جنگ ها برای دفاع از اسلام وارد شد و از جان مایه گذاشته بود. پس اسلام به جان فشانی علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و مال خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و حمایت ابوطالب ۷ پیروز شد و آنان مهم ترین و اصلی ترین یاران پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این محنت و کمک کارش در زمان سختی و ترس بودند.

تلاش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و مجاهدت ها و وفا و تحمل های او درس است برای هر زنی که ارزش و نقش خودش در زندگی را می شناسد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به خاطر اصول ارزشی زیست و به خاطر آن نیز جان داد و به رنجی که برای دعوت و رسالت کشیده بود مرد. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ نمونه و الگوی زن مسلمان در زندگی است.

جایگاه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در دعوت و تاریخ اسلام و زندگی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ارزش زن را در اسلام و نقش

ص: ۴۸۵

زن در بنیاد جامعه و مشارکتش با همسرش در تحمل مسئولیت های بزرگ در زندگی را برای ما روشن می سازد.

## کتابنامه

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: انتشارات دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۲. ، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد جوزی بغدادی (م ۵۹۷ ق)، المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، تحقیق: محمّد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۴. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمّد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۵. ابن صبّاغ، علی بن محمّد مالکی مکی (م ۸۵۵ ق)، الفصول المهمّیه فی معرفه اوال الأئمّه ۷، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۸ ق.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ق)، البدایه و النهایه، تحقیق: علی شیری، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۷. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق (م ۲۸۴ ق)، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمّد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
۸. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویّه، به کوشش: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.
۹. اربلی، علی بن عیسی (م ۶۹۳ ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمّه، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۱۰. بخاری، محمّد بن اسماعیل (م ۲۵۶ ق)، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
۱۱. حلبی، علی بن برهان (م ۱۰۴۴ ق)، السیره الحلبیه، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۰ ق.

١٢. خليلي، جعفر، موسوعه العتبات المقدسه، دار الأعلمی للمطبوعات، ١٤٠٧ق.

١٣. ذهبي، محمد بن احمد بن عثمان، سير اعلام النبلاء، تحقيق: شعيب ارنؤوط و حسين اسد، بيروت: مؤسسه الرساله، ١٤١٣ ق.

١٤. طبري، محمد بن جرير (م ٣١٠ ق)، تاريخ طبري ( تاريخ الامم والملوك)، به كوشش: گروهی از علماء، بيروت: اعلمی، ١٤٠٣ ق.

١٥. كليني، ابوجعفر محمد بن يعقوب (م ٣٢٩ ق)، الكافي، تحقيق: علي اكبر الغفاري، بيروت: دار صعب ودار التعارف، ١٤٠١ ق.

١٦. مجلسي، محمدباقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، تحقيق: محمدباقر بهبودي، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٠٣ ق.

ص: ٤٨٧

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

